



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حقیقت

۱۱

تعمیر و تجدید
سازمانی امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۱۱
۱۶	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۳۱	فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام منہاج
۳۲	فرمان امام خمینی به آیت الله خزعلی
۳۳	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام خسروشاهی
۳۴	بیانات امام خمینی در جمع اعصاب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسجد ابوالفضل تهران و ستاد تبلیغات اسلامی شهرستان یابل
۳۴	تمام حکومت های غیر توحیدی، نظم و عدالت را برای سلطه جوئی می خواهند
۳۴	به اسم تمدن بزرگ، تمام مظاهر تمدن را در کشور از بین بردند
۳۵	با رفتن شاه و عمالش، ملت عزیز ما زنده شدند
۳۶	خطای روحانی باعث بدبین شدن مردم به روحانیت و اسلام است
۳۷	خلاف یک پاسدار باعث لکه دار شدن حیثیت پاسداران و رژیم اسلامی
۳۷	تلاش کارتر به خاطر وحشت او از تحقق اسلام در سایر جاهاست
۳۸	کارتر به خاطر حفظ حیثیتش، شاه مجرم را پناه داده است
۳۹	اعمال ضد انسانی کارتر در لوای انساندوستی
۳۹	کارتر بد تشخیص داده، ملت دیگر ظلم را نمی پذیرد
۴۰	کارتر از محاکمه شاه می ترسد چون حیثیتش به باد می رود
۴۱	برای کارتر رئیس جمهور شدن مطرح است نه جان انسان ها
۴۲	ما از محاصره اقتصادی و نظامی نمی ترسیم
۴۲	توطئه ایادی امریکا برای نابودی اسلام
۴۴	بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی پزشکان اصفهان
۴۴	نخوت قدرتمندی در مغزهای کوچک منجر به لگدمال کردن ملت می شود
۴۵	وجود لانه جاسوسی و افراش برای ایجاد توطئه بود نه روابط سیاسی

- ۴۶ ما شاه و رؤسای جمهور امریکا را غیابی محاکمه می کنیم
- ۴۷ قصد ما روشن کردن ظلم مستکبرین به مستضعفین است
- ۴۹ ناتوانی قدرت نظامی در مقابل ملت آماده شهادت
- ۵۱ تمام اموال رژیم پهلوی از آن ملت است
- ۵۱ توطئه بزرگ دشمنان ، عدم استقرار جمهوری اسلامی است
- ۵۳ بدون خوف از توطئه ها ، با اتکال به خدا ، نهضت الهی را پیش ببرید
- ۵۳ وجود حس مسؤولیت در کارها ترمیم کننده سریعتر خرابی هاست
- ۵۵ مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران مسلمان مقیم انگلستان و خبرنگاران آفریقائی و آسیائی
- ۶۹ پیام امام خمینی به مناسبت شهادت دکتر مفتاح
- ۷۰ بیانات امام خمینی در جمع معلولین انقلاب اسلامی
- ۷۰ قدرتمندها می خواهند باقی بمانند ولو اینکه همه قشرهای مظلوم زیر پایشان له بشوند
- ۷۱ ما شاه مخلوع را باز از امریکا می خواهیم که او را تحویل دهد
- ۷۲ مباحثات می کنیم به جوان هایی که عصر اول اسلام را زنده کردند
- ۷۳ بیانات امام خمینی در میان جمعی از قهرمانان کشتی آزاد ایران در آسیا و اروپا و پهلوانان کشتی باستانی
- ۷۳ وقتی که جهاد معنوی باشد تا آن فرد آخر هم برای جهاد حاضر است
- ۷۴ امروز روزی نیست که کسی اتکاً به سر نیزه بکند
- ۷۵ نهضت ملت ایران عظمت قدرتهای بزرگ را شکست
- ۷۷ محاکمه شاه مفلوک ، محاکمه رؤسای جمهور امریکاست
- ۷۸ ایجاد حکومت اسلامی آرزوی رسول اکرم همه مسلمین است
- ۸۰ متن مصاحبه امام خمینی با حسنین هیکل
- ۸۸ بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم
- ۸۸ شماها امروز فرزندان رسول خدا هستید
- ۸۸ ترس دشمنان از اسلام است
- ۸۸ پاسداران امروز مثل لشکرهای صدر اسلام هستند
- ۸۹ به فیض الهی اعمال دشمن به نفع ما تمام می شود
- ۹۱ بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان کفن پوش کورانده و دانش آموزان دبیرستان الفتح نهاوند

- قیام برای خدا شکست ندارد ۹۱
- شما نهضت تان برای خدا بوده است ۹۱
- حافظ الهیت نهضت و وحدت کلمه باشید ۹۳
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه شیراز ۹۵
- در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست ، برادری مطرح است ۹۵
- با اتکال به خدا و قرآن کریم به پیش بروید که پیروزید ۹۵
- فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در مورد دعوت از کشیش های متعهد ۹۷
- بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان کفن پوش مراغه ۹۸
- با اتکال به خدا غلبه بر دشمن ممکن است ۹۸
- توطئه گران در پی ضربه زدن به اسلام و نهضت برای عدم تحقق آن ۹۹
- فرمان امام خمینی به تیمسار شادمهر ۱۰۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان تبریز ۱۰۲
- اتکال به ذات مقدس حق و اجتماع اقشار در زیر یک پرچم از رموز پیروزی نهضت ۱۰۲
- این که همه یکصدا جمهوری اسلامی را می خواستند ، ضربه ای بود به آمریکا و رفقای آمریکا ۱۰۲
- رمز پیروزی نهضت (گسستن از خود و پیوستن به خدا) بود ۱۰۳
- ترس و رعب از اسلام موجب مخالفت آشوبگران با جمهوری اسلامی ۱۰۴
- پیشرفت شما در مقابل آن قدرت ، اعجاز بود ۱۰۵
- جلوگیری از مشتبه شدن جمهوری اسلامی در اذهان مردم ۱۰۶
- پیام امام خمینی به مسیحیان جهان به مناسبت عید میلاد حضرت مسیح ۱۰۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان بخش خبر و جهاد سازندگی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ۱۱۰
- سازندگی های روحی مقدم بر همه سازندگی هاست ۱۱۰
- کوشش کنید که زیر پرچم اسلام بروید ۱۱۴
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان هنری شیراز ۱۱۵
- تعیین رئیس جمهور باید با توجه به صفاتش در قانون باشد ۱۱۵
- به کسی که لایق برای این مقام است رأی بدهید ۱۱۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان و معلمان شهرستان محلات ۱۱۶

- ۱۱۶----- اگر چنانچه انسان تحت تربیت انبیا متحول بشود ، جامعه هم به تبع او به ترقی می رسد
- ۱۱۶----- مهمترین مأموریت رضاخان یکی این بود که روحانیون را بکوبد
- ۱۱۸----- خدا خواست که به داد این مملکت رسید و مردم را بیدار کرد
- ۱۱۹----- امروز روز این است که یک توجه داشته باشیم و آن توجه به اینکه دشمن را عقب بزنیم
- ۱۲۰----- ما باید بنای بر این بگذاریم که احتیاجمان را از غیر سلب کنیم
- ۱۲۲----- بیانات امام خمینی در دیدار با چند تن از کشیش های امریکائی و الجزایری
- ۱۲۲----- روحانیون مسؤولند در مقابل پیامبران و در مقابل خدای تبارک و تعالی
- ۱۲۳----- لزوم بازدید آثار و جنایات رژیم گذشته از جانب روحانیت مسیح
- ۱۲۶----- بیانات امام خمینی در جمع رؤسای دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور و وزیر فرهنگ و آموزش عالی
- ۱۲۶----- شغل روحانی و دانشگاهی مثل شغل انبیا انسان ساز است
- ۱۲۷----- ایمان مبدأ خیرات و ترقیات یک کشور است
- ۱۳۰----- بیانات امام خمینی در جمع گروه کارگزاران مسجد قبا و دانشجویان مریوان
- ۱۳۰----- تلاش برای خود کفا شدن به منظور شکستن حصر اقتصادی
- ۱۳۴----- قبل از اینکه ما دخالت در امر تصفیه کنیم ، خودتان را اصلاح کنید
- ۱۳۶----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام یکتائی
- ۱۳۷----- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت نفت
- ۱۳۷----- امتیازات انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلابات
- ۱۳۸----- توطئه گران می خواهند این انقلاب را با ایجاد نفاق و اختلاف مدفون کنند
- ۱۴۰----- دشمنان نهضت در صدد خلع سلاح ملت از وحدت کلمه و اسلام هستند
- ۱۴۲----- با رعایت نظم و دوری از منفعت طلبی نهضت را حفظ کنید
- ۱۴۶----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای مؤسسه اسلامی مبارزه با اعتیاد
- ۱۴۶----- وظیفه شرعی و الهی است که کاری کنید ، وابسته به غیر نباشید
- ۱۴۷----- امروز باید کار کشاورزی که عبادت و اطاعت امر خداست ، تقویت گردد
- ۱۴۸----- کار کشاورزی عبادت و اطاعت امر خداست
- ۱۴۸----- نجات معتاد ، نجات یک فرد نیست نجات اسلام است
- ۱۴۹----- دشمنان ما بیدارند ، شما هم بیدار شوید

- پیام امام خمینی در مورد بسیج عمومی برای مبارزه با بیسوادی ----- ۱۵۱
- مصاحبه پروفیسور الگار امریکائی با امام خمینی ----- ۱۵۲
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی جمهوری اسلامی شهرستان یزد ----- ۱۶۵
- تفاوت دولت اسلامی با غیر اسلامی : حفظ سلسله مراتب و ظلم نکردن به زیر دست ----- ۱۶۵
- در جامعه توحیدی افراد مختلفند ، با یک هدف مشترک ----- ۱۶۶
- جامعه توحیدی مورد نظر منحرفین جامعه حیوانی است ، نه توحیدی ----- ۱۶۷
- حفظ مراتب در عین انسجام ، از خصوصیات جامعه توحیدی ----- ۱۶۷
- با ایجاد نظم در کشور به آمریکا بفهمانیم که جامعه توحیدی قیم نمی خواهد ----- ۱۶۹
- بیانات امام خمینی در دیدار با پاسداران ساوه و کفن پوشان هنرجوی آمل ----- ۱۷۱
- توطئه هایی در کار است که نگذارند شما جوان ها به رشد انسانی خودتان برسید ----- ۱۷۱
- امروز کشور محتاج تلاش همه اقشار مردم است ----- ۱۷۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از اهالی میانه ، کرج و محلات ----- ۱۷۳
- با اراده مصمم ، راهی که سعادت ملت را در بردارد طی کنید ----- ۱۷۳
- پیام امام خمینی به مناسبت هفته مصدومین و معلومین ----- ۱۷۴
- بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل نیروی هوائی پایگاه حر و پرسنل هواپیمائی ژاندارمری جمهوری اسلامی ----- ۱۷۵
- لزوم اجتناب از تفرقه و جدائی برای تداوم و پیروزی نهضت ----- ۱۷۵
- ایجاد بی نظمی توطئه ای است از جانب دشمنان برای از بین بردن وحدت و انسجام ----- ۱۷۶
- حفظ نظام از واجبات شرعیه و عقلیه است ----- ۱۷۸
- بیانات امام خمینی در دیدار با خانواده های شهدای سردشت و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده تکنیکوم ----- ۱۸۱
- با وحدت کلمه و اتکال به خدا سرنوشت کشور خودتان را تعیین کنید ----- ۱۸۱
- اعتقاد به ولایت فقیه از خصوصیات لازمه برای مقام ریاست جمهوری ----- ۱۸۱
- با تمام قوا جدیت کنید شخص لایق انتخاب شود ----- ۱۸۲
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون ارومیه ----- ۱۸۳
- شکست نهضت ، شکست مکتب است ----- ۱۸۳
- بازی با اساس اسلام گناهی است نابخشودنی ----- ۱۸۴
- در مقابله بین اسلام و کفر همه مسؤولند ، بخصوص علما و روحانیون ----- ۱۸۴

- ۱۸۵ ----- لغزش علما ، اسلام را در خطر می اندازد -----
- ۱۸۶ ----- کار بکنید که اسلام از ما گله مند نباشد -----
- ۱۸۸ ----- باید از حالت شیطانی به حالت رحمانی متحول شویم -----
- ۱۸۸ ----- اگر ما را محاصره اقتصادی بکنند ، ما فعالتر می شویم -----
- ۱۹۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروه بانوان دوازده فروردین شماره ۲ کن و حومه -----
- ۱۹۰ ----- تحقق جمهوری اسلامی یک ضربه ای است به شرق و غرب -----
- ۱۹۲ ----- یک ملت وقتی همه با هم منسجم شدند دیگر قابل آسیب نیست -----
- ۱۹۳ ----- بیانات امام خمینی در جمع کفن پوشان شهرکرد و بابل -----
- ۱۹۳ ----- تحمل مصائب و مشکلات در راه رضای خدا آسان است -----
- ۱۹۳ ----- برجسب های ارتجاعی به ملت استقلال طلب و فداکار ایران -----
- ۱۹۵ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدا و امدادگران شهرهای شیراز و تهران و کارکنان شرکت هیپکو -----
- ۱۹۵ ----- تا قطع تمام ریشه های فاسد ، ملت نباید آرام بگیرد -----
- ۱۹۶ ----- عوامل پیروزی انقلاب و انگیزه مردم برای جنبش -----
- ۱۹۶ ----- در طول تاریخ بسیار کم است انقلابی که از متن مردم جوشیده باشد -----
- ۱۹۷ ----- پیروزی انقلاب به واسطه های رها کردن جهات مربوط به خودتان و توجه به خدا بود -----
- ۱۹۷ ----- اگر خودمان را پیروز حساب بکنیم همین جا متوقف می شویم -----
- ۱۹۸ ----- علت اساسی مخالفت ضدانقلاب با جمهوری اسلامی و عملکردهایشان در مخالفت -----
- ۱۹۹ ----- عمل نکردن به موازین اسلامی ، خلاف بیعت با اسلام است -----
- ۲۰۰ ----- در اسلام ، قانون خدا حکم می کند -----
- ۲۰۲ ----- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از بانوان آذربایجان -----
- ۲۰۲ ----- اینها (اخلالگران) با وسائل مختلف اغفال می کنند -----
- ۲۰۲ ----- دشمنان از اسلام ضربه دیدند و سیلی خوردند -----
- ۲۰۳ ----- جوان های آذربایجان باید نگذارند که این لکه به دامن آنها بچسبد -----
- ۲۰۵ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی تبریز -----
- ۲۰۵ ----- برگرداندن قدرت فعاله جوانان به رخوت و بی تفاوتی ، از توطئه های اجانب -----
- ۲۰۶ ----- تبدیل خوف ملت به قدرت ، از کارهای خدا بود -----

- ۲۰۶-----بوجود آمدن حس تعاون در ملت از معجزات خداست
- ۲۰۷-----خودتان را به خدا ، آن مبدأ قدرت متصل کنید
- ۲۰۸-----نگذارید یک عده مفسد سابقه درخشانان را آلوده کنند
- ۲۰۹-----بیانات امام خمینی در جمع کارگران کارخانه ذوب آهن
- ۲۰۹-----امروز ضدانقلاب کسی است که در کارها سستی و اخلال کند
- ۲۱۰-----همه مکلفند که در امور با جدیت و اتکال به خدا پیش بروند
- ۲۱۱-----بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم آذربایجان
- ۲۱۱-----امروز تمام اسلام با تمام کفر مواجه است
- ۲۱۱-----هر ندائی بر خلاف دولت اسلامی ، به ضرر اسلام و به نفع اجانب است
- ۲۱۳-----بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان دانشجویان دانشکده حقوق و دانشجویان اردبیل
- ۲۱۳-----وابستگی فرهنگی اساس و منشا گرفتاری های ملل محروم
- ۲۱۵-----جوانان ما از غرب نترسند و اراده کنند ، در مقابل غرب قیام کنند
- ۲۱۶-----بیانات امام خمینی در جمع گروه های مختلف مردم
- ۲۱۶-----لازمه استقلال ، زدودن غربزدگی و یافتن فرهنگ اصیل شرق است
- ۲۱۷-----پیام امام خمینی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری
- ۲۱۹-----بیانات امام خمینی در جمع اساتید دانشگاه تهران
- ۲۱۹-----دنباله هر انقلابی احترام از مشکلات امکان ندارد
- ۲۱۹-----سرنیزه می تواند یک مردمی را سرکوب کند ، لکن نمی تواند مستقر باشد
- ۲۲۰-----در دنیا ما نداریم یک همچو انقلابی که دنبالش آزادی باشد
- ۲۲۲-----اگر ما به تمدن فاسد غرب پشت کنیم خودکفا خواهیم شد
- ۲۲۴-----مطالعات کارشناسان خارجی برای غارت منابع کشور
- ۲۲۵-----اسلام و وحدت کلمه اقشار مردم ، دو نقطه اساسی و مورد حمله اجانب
- ۲۲۶-----ما با تمدن مخالف نیستیم با تمدن صادراتی مخالفیم
- ۲۲۷-----همه مملکت باید مشغول بشوند برای اصلاح خودشان
- ۲۲۹-----مصاحبه خبرنگار مجله تایم با امام خمینی
- ۲۳۲-----بیانات امام خمینی در دیدار با نمایندگان ارامنه ایران

- ۲۳۲ کارشکنی مستکبرین و سلاطین جور در تحقق مکاتب الهی _ توحیدی
- ۲۳۲ رسالت انبیا در به تسلیم کشانیدن انسان و رهانیدن از سرکشی
- ۲۳۳ نابودی ظلم در سایه تحقق جمهوری اسلامی
- ۲۳۴ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت صنایع و معادن
- ۲۳۴ وابستگی اقتصادی موجب وابستگی سیاسی و نظامی است
- ۲۳۴ تحریکات عناصر خرابکار و مزدور به منظور ایجاد اعتصاب و هرج و مرج در مملکت
- ۲۳۵ این چه دستی است که جوان ها را وادار می کنند تا به علماً اسلام بدگوئی کنند؟
- ۲۳۶ به خلاف موازین اسلام مال مردم را مصادره می کنید
- ۲۳۷ در نظام توحیدی با توجه به خدا سلسله مراتب رعایت می شود
- ۲۳۸ بیانات امام خمینی در جمع خواهران فرهنگی استان گیلان
- ۲۳۸ عقب ماندگی فرهنگی و اقتصادی میراث شوم رژیم پهلوی
- ۲۳۹ کارشکنی قدم به قدم توطئه گران در ممانعت از تحقق جمهوری اسلامی
- ۲۴۰ با اراده مصمم و با تمام قوا در استقرار اصول حکومت اسلامی جدیت کنید
- ۲۴۲ بیانات امام خمینی در جمع معلولین انقلاب اسلامی و پرستاران آنان
- ۲۴۲ چیزی که برای خدا از دست دادید ، پیش خدا محفوظ است
- ۲۴۲ ملت مهیا باشد در مقابل شیاطینی که مانع رشد نهضت ما هستند
- ۲۴۳ ما می خواهیم یک حکومت عدل اسلامی شبیه صدر اسلام پیدا بشود
- ۲۴۴ بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان ارشد ارتش جمهوری اسلامی
- ۲۴۴ لزوم عمل نمودن مسوولین به وظائف خود ، جهت حفظ نهضت از آسیب
- ۲۴۵ تبلیغات اجانب جهت بد جلوه دادن انقلاب ایران در افکار عمومی دنیا
- ۲۴۶ بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی اردستان و قم
- ۲۴۶ ملت با یاری کردن دولت ، در امر سازندگی کشور تلاش می کند
- ۲۴۷ تبلیغات سوء اجانب علیه استقرار جمهوری اسلامی
- ۲۴۸ آزادی مطبوعات و احزاب ، دست‌آورد ماهیت اسلامی انقلاب است
- ۲۴۹ ملت متوجه توطئه ها و کارشکنی های دشمنان باشد
- ۲۵۰ هر قدمی که برای کشور اسلامی برمی دارید پیش خدا محفوظ است

- بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان کفن پوش الیگودرز ----- ۲۵۱
- آمریکا از اسلام سیلی خورده است ----- ۲۵۱
- برای نیل به خودکفائی تلاش کنید ----- ۲۵۲
- بیانات امام خمینی در دیدار با راهپیمایان کفن پوش لاهیجان و همدان ----- ۲۵۳
- توطئه ها و کارشکنی قدم به قدم عوامل فساد ----- ۲۵۳
- شما خودتان باید پاسدار اسلام باشید ----- ۲۵۳
- در خودکفائی کشور بکوشیم ----- ۲۵۴
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم ارومیه ----- ۲۵۵
- امروز اسلام گرفتار نقشه های شوم ابرقدرت هاست ----- ۲۵۵
- اسلام امانتی است که الان به دست ما رسیده ----- ۲۵۵
- بیانات امام خمینی در جمع طبقات مختلف مردم غیور ارومیه و مناطق دیگر ----- ۲۵۷
- ما مکلفیم تا جمهوری اسلامی را متحقق سازیم ----- ۲۵۷
- توطئه این است که ما را سرگرم به بعض مسائل بکنند ----- ۲۵۸
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا ----- ۲۶۱
- بی نظم جلوه دادن جمهوری اسلامی ، از توطئه های اجانب برای شکست نهضت ----- ۲۶۱
- دشمنان چون از اسلام سیلی خوردند قدم به قدم با ما مخالفت می کنند ----- ۲۶۲
- این نصرت الهی را خدا نصیب ملت کرد ----- ۲۶۴
- برای برقراری نظم ، تا استقرار رژیم اسلامی همه اسلامی کار کنید ----- ۲۶۵
- بقیه نهضت را با حفظ ایمان و وحدت کلمه به پیش ببرید ----- ۲۶۶
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان سازمان های آزادیبخش جهان ----- ۲۶۸
- غیر قابل شمارش بودن خیانت ها و جنایات رژیم پهلوی ----- ۲۶۸
- تا شرق مکتب اسلام را پیدا نکنند نمی تواند با غرب مقابله کند ----- ۲۶۸
- ایجاد مراکز متعدد فساد به منظور سلب هویت و قدرت تفکر جوانان ----- ۲۶۹
- این تحول و وحدت کلمه ای که در ایران پیدا شد باید الگوئی باشد برای همه ملت ها ----- ۲۶۹
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان بیمارستان سهامیه و مردم با روح اسلامی در این مملکت پیش رفتند ----- ۲۷۱
- مردم با روح اسلامی در این مملکت پیش رفتند ----- ۲۷۱

- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی مشهد و شهرستانهای دیگر ۲۷۳
- وظیفه مردم است که توطئه اخلاکگران را خنثی کنند ۲۷۳
- اخطار شدید امام خمینی به شوروی ۲۷۴
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام خامنه ای ۲۷۵
- پاسخ امام خمینی به سؤال درباره تبلیغات ریاست جمهوری ۲۷۶
- نظر امام خمینی در مورد ترمیم اصل ۱۲ قانون اساسی ۲۷۷
- بیانات امام خمینی به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در بیمارستان قلب تهران ۲۷۸
- خوشحالی من روزی است که به زاغه نشینان عنایت بشود ۲۷۸
- همه ملت استثنأً به پای صندوق های رأی بروند ۲۷۸
- پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله شیرازی ۲۸۰
- پیام امام خمینی به ملت ایران پس از انتخابات اولین ریاست جمهوری ۲۸۱
- پاسخ امام خمینی به تلگرام یاسر عرفات ۲۸۲
- بیانات امام خمینی در جمع بانوان شهرستان قم ۲۸۳
- شما بانوان شجاع دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید ۲۸۳
- قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز ۲۸۳
- مرد و زن باید با هم این مملکت خرابه را بسازند ۲۸۴
- پاسخ امام خمینی به تلگرام مدرسین حوزه علمیه قم ۲۸۶
- بیانات امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری بنی صدر ۲۸۷
- پیام امام خمینی به مناسبت ولادت و هجرت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ۲۸۸
- حکم تنفیذ ریاست جمهوری بنی صدر از سوی امام خمینی ۲۹۰
- بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی جشن هجرت ۲۹۱
- پیام امام خمینی به گردهمایی خانواده شهدای سراسر کشور ۲۹۲
- پیام امام خمینی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ۲۹۵
- پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف ۲۹۷
- پیام امام خمینی به ملت ایران ۲۹۸
- پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی ۲۹۹

- پیام امام خمینی به بازماندگان سیل خوزستان و ملت ایران ۳۰۱
- پاسخ امام خمینی به تلگرام سرهنگ فذافی ۳۰۲
- پاسخ امام خمینی به پیام اعضای شرکت کننده در کنگره انقلاب اسلامی ۳۰۳
- فرمان امام خمینی به بنی صدر (انتصاب بنی صدر به فرماندهی کل قوا) ۳۰۴
- پیام امام خمینی در رابطه با هفته بسیج مستضعفین ۳۰۵
- انتصاب آیت الله اردبیلی به ریاست دادستانی کل کشور ۳۰۷
- استفتا از محضر امام خمینی درباره خروج ارز از کشور ۳۰۸
- فرمان امام خمینی به آیت الله بهشتی در مورد انتخاب ایشان به عنوان رئیس دیوان عالی کشور ۳۰۹
- پیام امام خمینی در مورد گروگان ها و تصرف لانه جاسوسی آمریکا ۳۱۰
- پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس شورای دولتی جمهوری مردم لهستان ۳۱۲
- پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهوری بنگلادش ۳۱۳
- بیانات امام خمینی در جمع مردم و کارکنان بیمارستان قلب ۳۱۴
- توصیه به اقشار ملت در خنثی نمودن توطئه های در حال اجرا ۳۱۴
- پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمیسیون تحقیق جنایات دولت آمریکا ۳۱۵
- درباره مرکز ۳۲۷

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 -

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964: ؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964: ؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 73-66

ص: 1

اشاره

عکس

فهرست مندرجات

صفحه	عناوین و موضوعات
۱	فرمان امام خمینی به نطق الاسلام منہاج ۵۸/۹/۲۴
۲	فرمان امام خمینی به آیت الله خزعلی ۵۸/۹/۲۵
۳	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام خسروشاهی ۵۸/۹/۲۵
۴	بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسجد ابوالفضل تهران و ستاد تبلیغات اسلامی شهرستان یابل ۵۸/۹/۲۵
۴	تمام حکومت‌های غیرتوحیدی، نظم و عدالت را برای سلطه‌جویی می‌خواهند
۴	به اسم تمدن بزرگ، تمام مظاهر تمدن را در کشور از بین بردند
۵	با رفتن شاه و عمالش، ملت عزیز ما زنده شدند
۶	خطای روحانی باعث بدبین شدن مردم به روحانیت و اسلام است
۷	خلاف یک پاسدار باعث لگداری شدن حیثیت پاسداران و رژیم اسلامی
۷	تلاش کارتر به‌خاطر وحشت او از تحقق اسلام در سایر جاهانست
۸	کارتر به‌خاطر حفظ حیثیتش، شاه مجرم را پناه داده است
۹	اعمال ضد انسانی کارتر در لوای انساندوستی!
۹	کارتر بد تشخیص داده، ملت دیگر ظلم را نمی‌پذیرد
۱۰	کارتر از محاکمه شاه می‌ترسد چون حیثیتش به باد می‌رود
۱۱	برای کارتر رئیس‌جمهور شدن مطرح است نه جان انسان‌ها
۱۲	ما از محاصره اقتصادی و نظامی نمی‌ترسیم
۱۲	توطئه ایادی آمریکا برای نابودی اسلام
۱۴	بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی پزشکان اصفهان ۵۸/۹/۲۵
۱۴	نخوت قدرتمندی در مفرهای کوچک منجر به لگدمال کردن ملت‌ها می‌شود
۱۵	وجود لانه جاسوسی و افراش برای ایجاد توطئه بود نه روابط سیاسی

- ۱۶ — ما شاه و رؤسای جمهور آمریکا را غیابی محاکمه می‌کنیم
- ۱۷ — قصد ما روشن کردن ظلم مستکبرین به مستضعفین است
- ۱۹ — ناتوانی قدرت نظامی در مقابل ملت آماده شهادت
- ۲۱ — تمام اموال رژیم پهلوی از آن ملت است
- ۲۱ — توطئه بزرگ دشمنان، عدم استقرار جمهوری اسلامی است
- ۲۳ — بدون خوف از توطئه‌ها، با انکال به خدا، نهضت الهی را پیش ببرید
- ۲۳ — وجود حس مسؤولیت در کارها ترمیم‌کننده سریعتر خرابی‌هاست
- ۲۵ مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران مسلمان مقیم انگلستان و خبرنگاران آفریقانی و آسیائی ۵۷۹/۲۶
- ۳۹ پیام امام خمینی به مناسبت شهادت دکتر مفتاح ۵۷۹/۲۷
- ۴۰ بیانات امام خمینی در جمع معلولین انقلاب اسلامی ۵۷۹/۲۷
- ۴۰ — قدرتمندها می‌خواهند باقی بمانند ولو اینکه همه قشرهای مظلوم زیر بایشان له بشوند
- ۴۱ — ما شاه مخلوع را باز از آمریکا می‌خواهیم که او را تحویل دهد
- ۴۲ — مباحثات می‌کنیم به جوان‌هایی که عصر اول اسلام را زنده کردند
- ۴۳ بیانات امام خمینی در میان جمعی از قهرمانان کشتی آزاد ایران در آسیا و اروپا و پهلوانان کشتی باستانی ۵۷۹/۲۸
- ۴۳ — وقتی که جهاد معنوی باشد تا آن فرد آخر هم برای جهاد حاضر است
- ۴۴ — امروز روزی نیست که کسی اتکاء به سرتیغه بکند
- ۴۵ — نهضت ملت ایران عظمت قدرت‌های بزرگ را شکست
- ۴۷ — محاکمه شاه مفلوک، محاکمه رؤسای جمهور آمریکا است
- ۴۸ — ایجاد حکومت اسلامی آرزوی رسول اکرم و همه مسلمان است
- ۵۰ مصاحبه امام خمینی با حسین هیگل ۵۷۹/۲۸
- ۵۸ بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم ۵۷۹/۲۹
- ۵۸ — شماها امروز فرزندان رسول خدا هستید
- ۵۸ — ترس دشمنان از اسلام است
- ۵۸ — پاسداران امروز مثل لشکرهای صدر اسلام هستند
- ۵۹ — به فیض الهی دشمن به نفع ما تمام می‌شود
- ۶۱ بیانات امام خمینی در جمع راهبیمایان کفن‌بو، کورانده و دانش‌آموزان دبیرستان

- الفتح نهارند ۵۷۹/۲۹
- ۶۱ - قیام برای خدا شکست ندارد
- ۶۱ - شما نهضت‌تان برای خدا بوده است
- ۶۳ - حافظ الهیت نهضت و وحدت کلمه باشید
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه شیراز ۵۷۹/۲۹
- ۶۵ - در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست، برادری مطرح است
- ۶۵ - با انکال به خدا و قرآن کریم به پیش بروید که پیروزید
- فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در مورد دعوت از کنش‌های مستعبد ۵۷۹/۳۰
- ۶۸ - بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان کفن‌بوش مراغه ۵۷۹/۳۰
- ۶۸ - با انکال به خدا غلبه بر دشمن ممکن است
- ۶۹ - توطئه‌گران در پی ضربه زدن به اسلام و نهضت برای عدم تحقق آن
- فرمان امام خمینی به تیمسار شادمهر ۵۷۱۰/۱
- ۷۱ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان تبریز ۵۷۱۰/۱
- ۷۲ - انکال به ذات مقدس حق و اجتماع انتشار در زیر یک پرچم از رموز پیروزی نهضت
- ۷۲ - اینکه همه یکصدا جمهوری اسلامی را می‌خواستند، ضربه‌ای بود به آمریکا و رفقای آمریکا
- ۷۳ - رمز پیروزی نهضت «گسستن از خود و پیوستن به خدا» بود
- ۷۴ - ترس و رعب از اسلام موجب مخالفت آشوبگران با جمهوری اسلامی
- ۷۵ - پیشرفت شما در مقابل آن قدرت، اعجاز بود
- ۷۶ - جلوگیری از مشتبه شدن جمهوری اسلامی در اذهان مردم
- پیام امام خمینی به مسیحیان جهان به مناسبت عید میلاد حضرت مسیح ۵۷۱۰/۲
- ۷۸ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان بخش خبر و جهادسازندگی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ۵۷۱۰/۲
- ۸۰ - سازندگی‌های روحی مقدم بر همه سازندگی‌هاست
- ۸۴ - کوشش کنید که زیر پرچم اسلام بروید
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان هنری شیراز ۵۷۱۰/۳
- ۸۵

- ۸۵ - تعیین رئیس‌جمهور باید با توجه به صفاتش در قانون باشد
- ۸۵ - به کسی که لایق برای این مقام است رأی بدهید
- ۸۶ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان و معلمان شهرستان محلات
۵۷۱۰/۳
- ۸۶ - اگر چنانچه انسان تحت تربیت انبیا متحول بشود، جامعه هم به تبع او به ترقی می‌رسد
- ۸۶ - مهمترین مأموریت رضاخان یکی این بود که روحانیون را بکوبد
- ۸۸ - خدا خواست که به داد این مملکت رسید و مردم را بیدار کرد
- ۸۹ - امروز روز این است که یک توجه داشته باشیم و آن توجه به اینکه دشمن را عقب بزنیم
- ۹۰ - ما باید بنای بر این بگذاریم که احتیاجمان را از غیر سلب کنیم
- ۹۲ بیانات امام خمینی در دیدار با چندتن از کشیش‌های آمریکایی و الجزایری
۵۷۱۰/۴
- ۹۲ - روحانیون مسؤولند در مقابل پیامبران و در مقابل خدای تبارک و تعالی
- ۹۳ - لزوم بازدید آثار و جنایات رژیم گذشته از جانب روحانیت مسیح
- ۹۶ بیانات امام خمینی در جمع رؤسای دانشگاه‌ها و مدارس عالی سراسر کشور و وزیر فرهنگ و آموزش عالی
۵۷۱۰/۴
- ۹۶ - شغل روحانی و دانشگاهی مثل شغل انبیا انسان‌ساز است
- ۹۷ - ایمان مبدأ خیرات و ترقیات یک کشور است
- ۱۰۰ بیانات امام خمینی در جمع گروه کارگزاران مسجد قبا و دانشجویان سریوان
۵۷۱۰/۴
- ۱۰۰ - تلاش برای خودکفا شدن به منظور شکستن حصر اقتصادی
- ۱۰۴ - قبل از اینکه ما دخالت در امر تصفیه کنیم، خودتان را اصلاح کنید
- ۱۰۶ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام یکتانی
۵۷۱۰/۶
- ۱۰۷ بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت نفت
۵۷۱۰/۶
- ۱۰۷ - امتیازات انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلابات
- ۱۰۸ - توطئه‌گران می‌خواهند این انقلاب را با ایجاد نفاق و اختلاف مدفون کنند
- ۱۱۰ - دشمنان نهضت در صدد خلع سلاح ملت از وحدت کلمه و اسلام هستند
- ۱۱۲ - با رعایت نظم و دوری از منفعت‌طلبی نهضت را حفظ کنید

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای مؤسسه اسلامی مبارزه با اعتیاد ۵۷۱۰/۶ ۱۱۶
- ۱۱۶ - وظیفه شرعی و الهی است که کاری کنید، وابسته به غیر نباشید
- ۱۱۷ - امروز باید کار کشاورزی که عبادت و اطاعت امر خداست، تقویت گردد
- ۱۱۸ - کار کشاورزی عبادت و اطاعت امر خداست
- ۱۱۸ - نجات معتاد، نجات یک فرد نیست نجات اسلام است
- ۱۱۹ - دشمنان ما بیدارند، شما هم بیدار شوید
- پیام امام خمینی در مورد بسیج عمومی برای مبارزه با بیسواری ۵۷۱۰/۷ ۱۲۱
- مصاحبه پروفیسور الگار آمریکائی با امام خمینی ۵۷۱۰/۷ ۱۲۲
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی جمهوری اسلامی شهرستان یزد ۵۷۱۰/۸ ۱۳۵
- ۱۳۵ - تفاوت دولت اسلامی یا غیر اسلامی، حفظ سلسله مراتب و ظلم نکردن به زبردست
- ۱۳۶ - در جامعه توحیدی افراد مختلفند، با یک هدف مشترک
- ۱۳۷ - جامعه توحیدی مورد نظر منحرفین جامعه حیوانی است، نه توحیدی
- ۱۳۷ - حفظ مراتب در عین انسجام، از خصوصیات جامعه توحیدی
- ۱۳۹ - با ایجاد نظم در کشور به آمریکا بفهمانیم که جامعه توحیدی قیم نمی‌خواهد
- بیانات امام خمینی در دیدار با پاسداران ساوه و کشف پوشان هنرجوی آمل ۵۷۱۰/۸ ۱۴۱
- ۱۴۱ - توطئه‌هایی در کار است که نگذارند شما جوان‌ها به رشد انسانی خودتان برسید
- ۱۴۲ - امروز کشور محتاج تلاش همه اقشار مردم است
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از اهالی میانه، کرج و محلات ۵۷۱۰/۸ ۱۴۳
- ۱۴۳ - با اراده مصمم، راهی که سعادت ملت را دربر دارد طی کنید
- پیام امام خمینی به مناسبت هفته مصدومین و معلولین ۵۷۱۰/۹ ۱۴۴
- بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل نیروی هوائی پایگاه خر و پرسنل هواپیمائی ۵۷۱۰/۹ ۱۴۵
- ۱۴۵ - زاندارم جمهوری اسلامی
- ۱۴۵ - لزوم اجتناب از تفرقه و جدائی برای تداوم و پیروزی نهضت
- ۱۴۶ - ایجاد بی‌نظمی توطئه‌ای است از جانب دشمنان برای از بین بردن وحدت و انسجام

- ۱۴۸ - حفظ نظام از واجبات شرعی و عقیده است
- ۱۵۱ - بیانات امام خمینی در دیدار با خانواده‌های شهدای سرشت و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده تکنیکوم ۵۷۱۰/۹
- ۱۵۱ - با وحدت کلمه و انکال به خدا سرنوشت کشور خودتان را تعیین کنید
- ۱۵۱ - اعتقاد به ولایت فقیه از خصوصیات لازمه برای مقام ریاست جمهوری
- ۱۵۲ - با تمام قوا جدیت کنید شخص لایق انتخاب شود
- ۱۵۳ - بیانات امام خمینی در جمع روحانیون ارومیه ۵۷۱۰/۱۰
- ۱۵۳ - شکست نهضت، شکست مکتب است
- ۱۵۴ - بازی با اساس اسلام گناهی است نابخشودنی
- ۱۵۴ - در مقابله بین اسلام و کفر همه مسؤولند، بخصوص علما و روحانیون
- ۱۵۵ - لغزش علما، اسلام را در خطر می‌اندازد
- ۱۵۶ - کار بکنید که اسلام از ما گلمند نباشد
- ۱۵۸ - باید از حالت شیطانی به حالت رحمانی متحول شویم
- ۱۵۸ - اگر ما را محاصره اقتصادی بکنند، ما فعالتر می‌شویم
- ۱۶۰ - بیانات امام خمینی در جمع گروه باتوران دوازده فروردین شماره ۲ کس و حومه ۵۷۱۰/۱۰
- ۱۶۰ - تحقق جمهوری اسلامی یک ضربه‌ای است به شرق و غرب
- ۱۶۲ - یک ملت وقتی همه باهم منجم شدند دیگر قابل آسیب نیست
- ۱۶۳ - بیانات امام خمینی در جمع کفن‌پوشان شهرکرد و بابل ۵۷۱۰/۱۰
- ۱۶۳ - تحمل مصائب و مشکلات در راه رضای خدا آسان است
- ۱۶۳ - برجسبهای ارتجاعی به ملت استقلال‌طلب و فداکار ایران
- ۱۶۵ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده‌های شهدا و امدادگران شهرهای شیراز و تهران و کارکنان شرکت هیکو ۵۷۱۰/۱۱
- ۱۶۵ - نا قطع تمام رشه‌های فاسد، ملت نباید آرام بگیرد
- ۱۶۶ - عوامل پیروزی انقلاب و انگیزه مردم برای جنبش
- ۱۶۶ - در طول تاریخ بسیار کم است انقلابی که از متن مردم جوشیده باشد
- ۱۶۷ - پیروزی انقلاب به واسطه‌های زها کردن جهات مربوط به خودتان و توجه به خدا بود
- ۱۶۷ - اگر خودمان را پیروز حساب بکنیم همین‌جا متوقف می‌شویم
- ۱۶۸ - علت اساسی مخالفت ضدانقلاب با جمهوری اسلامی و عملکردهایشان در مخالفت

- ۱۶۹ - عمل نکردن به موازین اسلامی، خلاف بیعت با اسلام است
- ۱۷۰ - در اسلام، قانون خدا حکم می‌کند
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از بانوان آذربایجان ۵۷۱۰/۱۱
- ۱۷۲ - اینها (اخلاک‌گران) با وسائل مختلف اغفال می‌کنند
- ۱۷۲ - دشمنان از اسلام ضربه دیدند و سیلی خوردند
- ۱۷۳ - جوان‌های آذربایجان باید نگذارند که این لکه به دامن آنها بچسبد
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی تبریز ۵۷۱۰/۱۲
- ۱۷۵ - برگرداندن قدرت فعاله جوانان به رخوت و بی‌تفاوتی، از توپنه‌های اجانب
- ۱۷۶ - تبدیل خوف ملت به قدرت، از کارهای خدا بود
- ۱۷۶ - بوجود آمدن حس تعاون در ملت از معجزات خداست
- ۱۷۷ - خودتان را به خدا، آن مبدأ قدرت متصل کنید
- ۱۷۸ - نگذارید یک عده مفسد سابقه درخشانان را آلوده کنند
- بیانات امام خمینی در جمع کارگران کارخانه ذوب‌آهن ۵۷۱۰/۱۲
- ۱۷۹ - امروز ضدانقلاب کسی است که در کارها سستی و اخلاص کند
- ۱۸۰ - همه مکلفند که در امور با جدیت و اتکال به‌خدا پیش بروند
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم آذربایجان ۵۷۱۰/۱۲
- ۱۸۱ - امروز تمام اسلام با تمام کفر مواجه است
- ۱۸۱ - هر ندائی برخلاف دولت اسلامی، به‌ضرر اسلام و به‌نفع اجانب است
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان دانشجویان دانشکده حقوق و دانشجویان اردبیل ۵۷۱۰/۱۲
- ۱۸۳ - وابستگی فرهنگی اساس و منشأ گرفتاری‌های ملل محروم
- ۱۸۵ - جوانان ما از غرب ترسند و اراده کنند، در مقابل غرب قیام کنند
- بیانات امام خمینی در جمع گروه‌های مختلف مردم ۵۷۱۰/۱۳
- ۱۸۶ - لازمه استقلال، زدودن غریزدگی و یافتن فرهنگ اصیل شرق است
- پیام امام خمینی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۵۷۱۰/۱۴
- ۱۸۷
- بیانات امام خمینی در جمع اساتید دانشگاه تهران ۵۷۱۰/۱۴
- ۱۸۹ - دنباله هر انقلابی احتراز از مشکلات امکان ندارد

- ۱۸۹ - سرنیزه می‌تواند یک مردمی را سرکوب کند، لکن نمی‌تواند مستقر باشد
- ۱۹۰ - در دنیا ما نداریم یک همچو انقلابی که دنبالش آزادی باشد
- ۱۹۲ - اگر ما به تمدن فاسد غرب پشت کنیم خودکفا خواهیم شد
- ۱۹۴ - مطالعات کارشناسان خارجی برای غارت منابع کشور
- ۱۹۵ - اسلام و وحدت کلمه اقشار مردم، دو نقطه اساسی و مورد حمله اجانب
- ۱۹۶ - ما با تمدن مخالف نیستیم با تمدن صادراتی مخالفیم
- ۱۹۷ - همه مملکت باید مشغول بشوند برای اصلاح خودشان
- ۱۹۹ مصاحبه خبرنگار مجله تایم با امام خمینی ۵۷۱۰/۱۵
- ۲۰۲ - بیانات امام خمینی در دیدار با نمایندگان ارانته ایران ۵۷۱۰/۱۵
- ۲۰۲ - کارشکستی مستکبرین و سلاطین جور در تحقق مکاتب الهی - توحیدی
- ۲۰۲ - رسالت انبیا در به‌تسلیم کشاندن انسان و رهاندن از سرکشی
- ۲۰۳ - نابودی ظلم در سایه تحقق جمهوری اسلامی
- ۲۰۴ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت صنایع و معادن ۵۷۱۰/۱۵
- ۲۰۴ - وابستگی اقتصادی موجب وابستگی سیاسی و نظامی است
- ۲۰۴ - تحریکات عناصر خرابکار و مزدور به‌منظور ایجاد اعتصاب و هرج‌ومرج در مملکت
- ۲۰۵ - این چه دستی است که جوان‌ها را وادار می‌کنند تا به علماء اسلام بیدگونی کنند؟
- ۲۰۶ - به‌خلاف موازین اسلام مال مردم را مصادره می‌کنید
- ۲۰۷ - در نظام توحیدی با توجه به خدا سلسله مراتب رعایت می‌شود
- ۲۰۸ - بیانات امام خمینی در جمع خواهران فرهنگی استان گیلان ۵۷۱۰/۱۵
- ۲۰۸ - عقبماندگی فرهنگی و اقتصادی میراث شوم رژیم پهلوی
- ۲۰۹ - کارشکستی قدم به‌قدم توطئه‌گران در ممانعت از تحقق جمهوری اسلامی
- ۲۱۰ - با اراده مصمم و با تمام قوا در استقرار اصول حکومت اسلامی جدیت کنید
- ۲۱۲ - بیانات امام خمینی در جمع معلولین انقلاب اسلامی و پرستاران آنان ۵۷۱۰/۱۶
- ۲۱۲ - چیزی که برای خدا از دست دادید، پیش خدا محفوظ است
- ۲۱۲ - ملت مهیا باشد در مقابل شیاطینی که مانع رشد نهضت ما هستند
- ۲۱۳ - ما می‌خواهیم یک حکومت عدل اسلامی شبیه صدر اسلام پیدا بشود
- ۲۱۴ - بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ۵۷۱۰/۱۶

- ۲۱۲ - لزوم عمل نمودن مسؤولین به وظائف خود، جهت حفظ نهضت از آسیب
- ۲۱۵ - تبلیغات اجانب جهت بد جلوه دادن انقلاب ایران در افکار عمومی دنیا
- ۲۱۶ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی اردستان و قم ۵۸۱۰/۱۷
- ۲۱۶ - ملت با یاری کردن دولت، در امر سازندگی کشور تلاش می کند
- ۲۱۷ - تبلیغات سوء اجانب علیه استقرار جمهوری اسلامی
- ۲۱۸ - آزادی مطبوعات و احزاب، دستاورد ماهیت اسلامی انقلاب است
- ۲۱۹ - ملت متوجه توطئه ها و کارشکنی های دشمنان باشد
- ۲۲۰ - هر قدمی که برای کشور اسلامی برمی دارید پیش خدا محفوظ است
- ۲۲۱ - بیانات امام خمینی در جمع راهبیمایان کفن پوش الیگودرز ۵۸۱۰/۱۷
- ۲۲۱ - آمریکا از اسلام سیلی خورده است
- ۲۲۲ - برای نیل به خودکفائی تلاش کنید
- ۲۲۳ - بیانات امام خمینی در دیدار با راهبیمایان کفن پوش لاهیجان و همدان ۵۸۱۰/۱۸
- ۲۲۳ - توطئه ها و کارشکنی ها قدم به قدم عوامل فساد
- ۲۲۳ - شما خودتان باید پاسدار اسلام باشید
- ۲۲۳ - در خودکفائی کشور بکوشیم
- ۲۲۵ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم ارومیه ۵۸۱۰/۱۸
- ۲۲۵ - امروز اسلام گرفتار نقشه های شوم ابرقدرت هاست
- ۲۲۵ - اسلام امانتی است که الان بدست ما رسیده
- ۲۲۷ - بیانات امام خمینی در جمع طبقات مختلف مردم غیور ارومیه و مناطق دیگر ۵۸۱۰/۱۹
- ۲۲۷ - ما مکلفیم تا جمهوری اسلامی را متحقق سازیم
- ۲۲۸ - توطئه این است که ما را سرگرم به بعض مسائل بکنند
- ۲۳۱ - بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا ۵۸۱۰/۲۰
- ۲۳۱ - بی نظم جلوه دادن جمهوری اسلامی، از توطئه های اجانب برای شکست نهضت
- ۲۳۲ - دشمنان چون از اسلام سیلی خوردند قدم به قدم با ما مخالفت می کنند
- ۲۳۴ - این نصرت الهی را خدا نصیب ملت کرد
- ۲۳۵ - برای برقراری نظم، نا استقرار رژیم اسلامی همه اسلامی کار کنید

- ۲۳۶ - بقیه نهضت را با حفظ ایمان و وحدت کلمه به پیش ببرید
- ۲۳۸ بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان سازمان‌های آزادیبخش جهان ۵۷۱۰/۲۰
- ۲۳۸ - غیرقابل شمارش بودن خیانت‌ها و جنایات رژیم پهلوی
- ۲۳۸ - تا شرق، مکتب اسلام را پیدا نکند نمی‌تواند با غرب مقابله کند
- ۲۳۹ - ایجاد مراکز متعدد فساد بمنظور سلب هویت و قدرت تفکر جوانان
- ۲۳۹ - این تحول و وحدت کلمه‌ای که در ایران پیدا شد باید الگویی باشد برای همه ملتها
- ۲۴۱ بیانات امام خمینی در جمع کارکنان بیمارستان سهامیه و کنتی گسیران ارتش جمهوری اسلامی ۵۷۱۰/۲۰
- ۲۴۱ - مردم با روح اسلامی در این مملکت پیش رفتند
- ۲۴۲ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی مشهد و شهرستان‌های دیگر ۵۷۱۰/۲۰
- ۲۴۲ - وظیفه مردم است که توطئه اغلالگران را خنثی کنند
- ۲۴۴ اخطار شدید امام خمینی به شوروی ۵۷۱۰/۲۳
- ۲۴۵ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام خامنه‌ای ۵۷۱۰/۲۴
- ۲۴۶ پاسخ امام خمینی به سؤال درباره تبلیغات ریاست جمهوری ۵۷۱۰/۲۶
- ۲۴۷ نظر امام خمینی در مورد ترمیم اصل ۱۲ قانون اساسی ۵۷۱۱/۱
- ۲۴۸ بیانات امام خمینی به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در بیمارستان قلب تهران ۵۷۱۱/۶
- ۲۴۸ - خوشحالی من روزی است که به زاغه‌نشینان عنایت بشود
- ۲۴۸ - همه ملت بی‌استثنا به پای صندوق‌های رأی بروند
- ۲۵۰ پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت‌الله شیرازی ۵۷۱۱/۷
- ۲۵۱ پیام امام خمینی به ملت ایران پس از انتخاب اولین ریاست جمهوری ۵۷۱۱/۱۰
- ۲۵۲ پاسخ امام خمینی به تلگرام یاسر عرفات ۵۷۱۱/۱۱

- بیانات امام خمینی در جمع بانوان شهرستان قم ۵۸۱۱/۱۲ ۲۵۳
- ۲۵۳ — شما بانوان شجاع دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید
- ۲۵۳ — قرآن کریم انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز ۵۷۱
- ۲۵۴ — مرد و زن باید باهم این مملکت خرابه را بسازند ۷۷۱
- ۲۵۶ پاسخ امام خمینی به تلگرام مدرسین حوزه علمیه قم ۵۸۱۱/۱۴ ۸۷۱
- ۲۵۷ پیام امام خمینی به مناسبت ولادت و هجرت حضرت محمد (ص) ۵۸۱۱/۱۵ ۲۲۱
- ۲۵۹ حکم تنفیذ ریاست جمهوری بنی صدر از سوی امام خمینی ۵۸۱۱/۱۵ ۲۲۱
- ۲۶۰ بیانات امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری بنی صدر ۵۸۱۱/۱۵ ۲۲۱
- ۲۶۱ بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی جشن هجرت ۵۸۱۱/۱۹ ۲۲۱
- ۲۶۲ پیام امام خمینی به گردهمایی خانواده شهدای سراسر کشور ۵۸۱۱/۲۰ ۲۸۲
- ۲۶۳ فصل دهم: أَنْ رَبَّكَ لَبَّالْمُرْصَادِ ۱۱/۲۹۸۵ ۲۸۱
- ۲۶۵ پیام امام خمینی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ۵۸۱۱/۲۲ ۵۸۲
- ۲۶۷ پاسخ امام خمینی به تلگرام لتونید برژنف ۵۸۱۱/۲۳ ۲۲۱
- ۲۶۸ پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی ۵۸۱۱/۲۳
- ۲۷۰ پیام امام خمینی به ملت ایران ۵۸۱۱/۲۳
- ۲۷۱ پیام تسلیت امام خمینی به بازماندگان سیل خوزستان و ملت ایران ۵۸۱۱/۲۷
- ۲۷۲ پاسخ امام خمینی به تلگرام سرهنگ قذافی ۵۸۱۱/۲۷
- ۲۷۳ پاسخ امام خمینی به پیام اعضای شرکت کنندگان در کنگره انقلاب اسلامی ۵۸۱۱/۲۸

- ۲۷۴ فرمان امام خمینی به بنی صدر (انتصاب بنی صدر به فرماندهی کل قوا) ۵۸/۱۱/۳۰
- ۲۷۵ پیام امام خمینی در رابطه با هفته بسیج مستضعفین ۵۸/۱۲/۱
- ۲۷۷ انتصاب آیتالله موسوی اردبیلی به ریاست دادستانی کل کشور ۵۸/۱۲/۴
- ۲۷۸ استفتاء از محضر امام خمینی درباره خروج ارز از کشور ۵۸/۱۲/۴
- ۲۷۹ فرمان امام خمینی به آیتالله بهشتی در مورد انتخاب ایشان به عنوان رئیس دیوانعالی کشور ۵۸/۱۲/۴
- ۲۸۰ پیام امام خمینی در مورد گروگانها و تصرف لانه جاسوسی آمریکا ۵۸/۱۲/۴
- ۲۸۲ پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس شورای دولتی جمهوری مردم لهستان ۵۸/۱۲/۹
- ۲۸۳ پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهوری بنگلادش ۵۸/۱۲/۹
- ۲۸۴ بیانات امام خمینی در جمع مردم و کارکنان بیمارستان قلب ۵۸/۱۲/۱۱
- ۲۸۳ - توصیه به اقتدار ملت در ختنی نمودن توطئه‌های در حال اجرا
- ۲۸۵ پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمیسیون تحقیق جنایات دولت آمریکا ۵۸/۱۲/۲۰

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه نور : مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قدس سره) / تهیه و تدوین انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر : تهران: انتشارات سروش، 1369.

مشخصات ظاهری : ج.

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی : 5863402

ص: 13

فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام منهاج

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمد منهاج دامت افاضاته

جنابعالی با سابقه ای که در امر تبلیغ دارید و با توجه به نیاز شدیدی که مسلمانان جهان به تبلیغ صحیح احکام مقدس اسلام دارند ، مسافرتی به کشور استرالیا نموده و این وظیفه مهم اسلامی را در آن منطقه انجام دهید .

امید است ایرانیان مقیم آن کشور و سایر مسلمانان متعهد نیز در این باب همکاری های لازمه را با جنابعالی بنمایند . از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را خواستارم .

و السلام علیکم و رحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 1

فرمان امام خمینی به آیت الله خزعلی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی دامت افاضاته

با توجه به مشکلاتی که از نظر پاره ای اختلافات در منطقه خوزستان پدید آمده و با سابقه ای که جنابعالی از وضع منطقه و آشنائی محل دارید ، مقتضی است مسافرتی به مناطق مختلف خوزستان نموده و به مشکلات رسیدگی نموده و با مشورت افراد ذیصلاح و معتمد محلی در رفع آنها بکوشید و اهالی محترم محل ها را به حساسیت وضع و وظیفه خطیری که از نظر حفظ وحدت در برابر توطئه دشمنان داخلی و خارجی دارند آگاه نمائید . امید است اهالی محترم نیز کمال همکاری را در مورد انجام وظایف محوله با جنابعالی بنمایند . از خدای تعالی موفقیت همگان را مسئلت دارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 2

تاریخ: 25/9/58

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام خسروشاهی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای سید هادی خسروشاهی دامت افاضاته

با توجه به سوابقی که جنابعالی در امر تبلیغات و مطبوعات دارید به نمایندگی از طرف اینجانب در وزارت ارشاد ملی در قسمت مطبوعات و تبلیغات داخلی و خارجی و دایره روابط بین الملل اسلامی به وظیفه اسلامی و ملی خویش به بهترین وجه عمل نمائید. از کارمندان محترم وزارت ارشاد ملی می خواهیم تا با ایشان همکاری های لازم را بنمایند.

توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 3

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسجد ابوالفضل تهران و ستاد تبلیغات اسلامی شهرستان بابل

تمام حکومت های غیر توحیدی، نظم و عدالت را برای سلطه جوئی می خواهند

بسم الله الرحمن الرحيم

از خواهران و برادران محترم که از تهران و از بابل تشریف آوردند که از نزدیک با هم صحبت کنیم متشکرم و از اینکه همه شماها چه خواهرها و چه برادرها مجهز هستید برای خدمت به اسلام و جمهوری اسلام مباحثات می کنم. اسلام مال همه است، مال شخصی... نیست اسلام مال همه بشر است نه مال مسلمین، اسلام آمده است تا بشر را از ضلالت به راه مستقیم هدایت ببرد، و اسلام مثل مکتب های دیگر نیست که فقط برای یک حکومت مادی و دنیائی برنامه داشته باشد.

تمام حکومت های بشری، تمام سیستم های غیر توحیدی برنامه شان همین است که در اینجا، در این دنیا یک کارهایی بکنند، آنهایی که فرض کنید خوب هم هستند یک نظم دنیایی ایجاد کنند، و اکثراً که منحرف هستند برای این کار می کنند که سلطه جوئی کنند و دیگران را تحت سلطه خودشان بیاورند و استثمار کنند.

الان شما نمی توانید در تمام حکومت ها پیدا کنید. یک حکومتی که روی عدالت ولو در همین حیطه ای که خودش دارد روی عدالت رفتار کند، کم است، کم می توانید سراغ کنید یک حکومتی که حکومت عدل باشد ولو راجع به نظم دنیا، ادعا زیاد است، ادعای اینکه می خواهیم برای عدالت عمل بکنیم زیاد است.

به اسم تمدن بزرگ، تمام مظاهر تمدن را در کشور از بین بردند

شما هم گوشتان پر شده است از این حرف هائی که محمدرضا می گفت که، عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی.

دائماً از عدالت اجتماعی و از ترقیات این مملکت گوش ماها را و شماها را پر کرده بود، مملکت به دروازه تمدن بزرگ رسیده و یا همین چند وقت دیگر همه در تمدن بزرگ وارد می شویم و ایران می شود مثل یک ممالک پیشرفت کرده و ترقیاتش چه خواهد شد، چه خواهد شد، ادعا زیاد است، اما وقتی که همین صاحب ادعائی که مال اینجا بود معلوم شد حالش، فهمیدند و فهمیدیم که این

آدم نه اینکه می خواست این ملت را به تمدن برساند ، بلکه می خواست این ملت به عقب برگردد و نگذارد جلو برود یک قدم ، مأمور این کار بود و خدمتش هم تا بود خوب انجام داد ، یعنی همه دستگاه ها را فلج کرد ، شما ملاحظه کردید که چه هیاهویی اینها درست کردند ، اینها برای اصلاحات ارضی چه بساطی در آوردند ، در تمام مملکت برای اصلاحات ارضی برنامه این بود ، با این اسم اصلاحات ارضی ، کشاورزی را زمین بزنند که ما الان برای گندممان هم محتاجیم به اینکه از کشورهای دیگر وارد کنند ، چه هیاهویی اینها درست کردند برای اینکه آزاد زنان و آزاد مردان ، چه بساطی خودشان و آن انگل هائی که در مجالس شورای سلطنتی نه ملی و سنا ، مأمورهای سازمان امنیت و مأمورهای خود این شاه چه هیاهویی درست کردند ، برای اینکه دیگر مملکت ما آزاد شده ، آزاد زنان و آزاد مردان و شما در طول سلطنت این پدر و پسر و خصوصا پسر که یک یادگار خلفی بود برای آن پدر و از او هم جلو افتاد ، شما دیدید در طول تصدی این دو تا جنایتکار ، آزادی برای هیچ کس نبود ، هیچ کس آزاد نبود که یک کلمه حقی بگوید ، آزادی در آن جهت بود که آزاد کنند تا هر فحشائی بخواهند ایجاد کنند برای عقب راندن نیروی جوان های ما ، اینها آنقدر که به نیروی انسانی این کشور ضرر زدند به آن ذخائر آنها ضرر زدند . انسان ها را فلج کردند ، جوان های ما را از بین بردند ، جوان های ما که باید خدمت بکنند به این کشور ، کشاندند به یک جاهائی که در آنجاها جز اینکه افکارشان فلج بشود و نتوانند خدمتی بکنند به این مملکت ، چیز دیگری نبود .

تمام مراکز فحشا را اینها درش را باز کردند و با بوق و کرنا ، ترویج کردند و کمک کردند که این جوان های ما بروند در این مراکز فحشا و فلج بشوند . همانجا باید دفن بشود جوانی شان ، جوانی این جوان های ما را ، از آنها گرفتند ، فلجشان کردند ، این خواهرهای محترمی که در دام اینها افتادند و در دام ترویج های آنها افتادند و در دام تبلیغات آنها افتادند و از آن وظیفه انسانی شان سلب شدند ، ملعبه دست جنایتکاران شدند ، این تأسفی برای اشخاصی که غیرتمندند ، اشخاصی که خوی انسانی شان را از دست ندادند یک تأسفی همیشگی هست که این محترمان را اینها چه کردند به اسم آزادی .

با رفتن شاه و عمالش ، ملت عزیز ما زنده شدند

و شما دیدید که همچو که این ورق برگشت و اینها به همت همه قشرهای ملت شکست خورده از اینجا رفتند ، این ملت عزیز ما چطور زنده شدند ، چطور متبدل شدند به یک موجود دیگر . چطور همه شان مشغول شدند به خدمت . الان شما در هر جای مملکت که بروید ببینید که مشغولند به خدمت کردن . جهاد سازندگی کسی نرفته الزامشان کند ، خودشان داوطلب از توی مدارس ، از توی جاهای دیگر می روند و خدمت می کنند . همه جای ایران وقتی می رویم سپاه پاسداران هست ، کسی ایجادشان نکرده ، خودشان ایجاد شدند ، هر جائی ، هر محلی خود آن محل اقدام کردند ، روحانی محل ، معتمد محل ، روشنفکر محل ، اقدام کردند و سپاه درست کردند ، کمیته درست کردند ، مردم خودشان مشغول خدمت به کشورشان شدند . البته من باید راجع به این موضوع ، قبلا هم عرض کنم ، حالا هم باید عرض کنم که

شما آقایان که سپاه پاسدار هستید، خداوند تأییدتان کند انشاءالله و تمام سپاه پاسداران و تمام دادگاه ها و تمام کمیته ها و تمام قشرهایی که می خواهند خدمت کنند به این کشور، توجه داشته باشند که همه اینها خدمتگزار به اسلامند الان جمهوری اسلامی است و شماها از جنود اسلامی هستید، لشگر اسلام هستید، شما کارمند اسلام و کارمند امام زمان هستید، توجه کنید که نبادا یک وقتی یک خطائی بکنید بر خلاف مسیر اسلام، بر خلاف مسیر جمهوری اسلامی یک قدمی بردارید، این یک وظیفه خطیری است برای همه، برای ما و برای شما.

خطای روحانی باعث بدبین شدن مردم به روحانیت و اسلام است

روحانیون که نماینده رسول خدا هستند در بین مردم، اگر خدای نخواستہ روحانیونی که مدعی این هستند که نماینده امام زمان الان هستند در بین مردم، اگر خدای نخواستہ از یکی شان یک چیزی صادر بشود که بر خلاف اسلام باشد، اینطور نیست که فقط خودش را از بین برده باشد، این حیثیت روحانیت را لکه دار کرده. این یک وظیفه بزرگی به عهده اش هست، روحانی همچو نیست که اگر یک خلافی بکند، بگویند که زید این را کرده، خلاف روحانی، به اندازه ای که سعه شعاع نفوذش هست، خطایش یک خطای بزرگی هست، خطائی است که عفو در دادگاه خدا بسیار مشکل است، برای اینکه این نماینده، یعنی مدعی نمایندگی از طرف امام زمان سلام الله علیه و اسلام دارد، نماینده امام زمان اگر خدای نخواستہ یک قدمی کج بردارد، این اسباب این می شود که مردم به روحانیت بدبین بشوند. بدبین شدن به روحانیت و شکست روحانیت، شکست اسلام است که حفظ کرده تا حالا اسلام را این طبقه بوده، و اگر در این طبقه شخصی اشخاصی پیدا بشود که بر خلاف مصالح اسلام خدای نخواستہ عمل بکند، جرمی است که از آدمکشی بدتر است، جرمی است که از همه معاصی بدتر، برای اینکه جرم صادر می شود از کسی که آبروی یک روحانیت را از بین می برد، و آنهایی که غافل هستند از اسلام گاهی وقت ها بر می گرداند، این اینطور نیست که وارد شده است که اگر چنانچه عالم فاسد بشود عالم فاسد شود. برای اینکه عالم نماینده به حسب ظاهر نماینده امام است و اگر خدای نخواستہ یک فساد در او پیدا بشود، فاسد بشود، قشرهای ملت را فاسد می کند و از آن طرف اگر چنانچه صالح باشد، صالح کند قشرهای ملت را، صالح می کند عالم را.

من در جوانی در یکی از شهرهای اینجا وقتی که رفتم دیدم که، (محلات، محلات رفتیم دیدم که) مردم اینجا صالحند، فرق دارند با جاهای دیگر، خوبند مردمشان کم در آنها پیدا می شود که منحرف باشد، بعد که توجه پیدا کردم دیدم که عالم آنجا آنوقتی که من بودم عالم آنجا عالم خوب، علما آنجا علمائی بودند که خیلی خوب بودند، مردم چشمشان و گوششان و همه هوششان توجه دارد به اینکه این آقا، این امام جماعت، این چه جور است، اگر این امام جماعت و آقا، آقای وارسته ای باشد، توجه به دنیا نداشته باشد، توجه به خدا داشته باشد، مردم تبعیت از او می کنند، از این جهت یک تکلیف زائد بر همه تکالیف به عهده طبقه روحانین است، این از روحانی، شما هم که حالا وارد شدید در همان

کاری که روحانیین می خواهند بکنند و می کردند، آنها خدمت می کردند، شما هم دارید خدمت می کنید به اسلام، شما پاسداران اسلام هستید.

خلاف یک پاسدار باعث لکه دار شدن حیثیت پاسداران و رژیم اسلامی

اینها هم سپاه پاسداران اسلام، همه با هم یک کار را انجام می دهید، پست هاتان اختلاف دارد، شما هم همین طور هستید، خیال نکنید که اگر خدای نخواستہ یک کار خلافی کردید، این فقط می گویند که این آدم این کار را کرده، می گویند سپاه پاسداران این جور می اند، سپاه پاسداران چه اند، سپاه پاسداران اسلام، جمهوری اسلام، آنهایی که غرضمندند، آنهایی که می خواهند یک نقطه ضعفی پیدا بکنند، آنها شروع می کنند به تبلیغات که رژیم سابق رفت، یک رژیمی آمد، این هم مثل او، این هم بدتر از او، این اسباب این شود که رژیم، بد معرفی بشود، معرفی اش کنند به اینکه رژیم فاسدی است.

اینهمه زحمت که کشیدید، شماها، خداوند همه تان را حفظ کند و اینهمه زن و مرد کشور و خصوصاً این خانم ها که در صف اول در این نهضت و آنقدر زحمت کشیدند برای اینکه اسلام تحقق پیدا بکند، همه نظرشان به این بود که یک جمهوری اسلامی، یک عدل الهی پیدا بشود، اگر خدای نخواستہ از ما و از شما یک مطلبی درست بشود و ظاهر بشود که بر خلاف عدالت اسلامی بود و بر خلاف احکام اسلام بوده است، آنهایی که نشسته اند و دارند نگاه می کنند به شماها، خدشه ای پیدا بکنند و این را بردارند زیادش کنند و بگویند، اینها نمی گویند که این آقای حسن و آقای حسین بد کرده، می گویند سپاه پاسداران این جورند، آنهایی هم که صالح هستند برای خاطر یک عملی که انجام می گیرد، آنها هم در ردیف آنها می کنند، اسباب این می شود که بروند از اینجا بالاتر بگویند جمهوری اسلامی اینطوری است، اسباب این می شود یک قدم بالاتر بروند بگویند اسلام همین است، عرضه کنند.

تلاش کارتر به خاطر وحشت او از تحقق اسلام در سایر جاهاست

الان در خارج همین تبلیغات هست، در خارج که منافعشان از دستشان رفته است که نمی نشینند نگاه کنند، قدرت های بزرگ، این آقای کارتر نمی نشیند که همه منافع مادی اش از دست رفته، حالا شکست سیاسی هم دارد می خورد یا خورده است نمی نشیند، مشغول به توطئه است، مشغول به این است که دست را به دامن این رئیس جمهور، آن رئیس جمهور، این نمی دانم رئیس کذا، این مجلس کذا، آن مجلس کذا، دست را به دامن اینها بیندازد و وادار کند به اینکه اینها هم همفکر او بشوند در مخالفت با ایران، برای اینکه الان یک وحشتی اینها را برداشته و آنها را، آن تنها نه، همه را، یک وحشتی برداشته است که نبادا یک وقتی اسلام هم تحقق پیدا بکند، نبادا یک وقتی از ایران این صدا بلند شده و این نهضت بلند شده، الان هم شعاعش رفته در همه جا، همه جای دنیا الان حرف این،

روزنامه‌ها راجع به ایران، رادیوها، تلویزیون‌ها همه راجع به ایران و راجع به این نهضت دارند بحث می‌کنند، اینها وحشتشان از این است که نبادا این موج اسلام به خارج و یکی یکی ممالک را فتح بکند و اینها را فلج کند، در دنیا شکستشان بدهد از این جهت نمی‌نشینند همین‌طور نگاه کنند. دوره افتادند برای اینکه هم‌صدا پیدا بکنند تا ببینیم دنیا و رؤسای جمهور دنیا اینها چه می‌کنند، ممالک دیگر آیا تا چه اندازه نوکر آقای کارتر هستند و حیثیت خودشان و ملتشان را برای خاطر آقای کارتر از دست می‌دهند.

کارتر به خاطر حفظ حیثیتش، شاه مجرم را پناه داده است

آقای کارتر برای خاطر اینکه به خیال خودش یک مفلوکی را، یک مریضی را ببرد و در آمریکا حفظش کند و عرض می‌کنم که معالجه اش کند تا اینکه به ملت آمریکا و سایر ملت‌ها وفاداری خودش را از آن خائن‌هایی که برای او خیانت کردند، نشان بدهد و در دوره آتیه هم رئیس جمهور بشود برای خاطر این خودش را رسوا کرد.

الان هر جا اشخاص دانشمند دنیا، اشخاص متفکر دنیا تقبیح می‌کنند، برای خاطر یک آدمی که اینقدر خیانت به یک ملتی کرده است و حالا ملت می‌گوید آقا این جانی که آمده پیش شما و او را پناه داده‌اید، پناهنده سیاسی نیست، تا اینکه ما پناهنده سیاسی را بگوئید تحویل نمی‌توانیم بدهیم، روی قواعد، این یک مجرم است، روی قواعد همه عالم یک کسی که به یک ملتی پنجاه سال و این آدم‌سی و چند سال به یک ملتی آنقدر جرم کرده و آنقدر اذیت کرده و آنقدر از این ملت کشته و آنقدر در تاوه‌ها اینها را بو دادند، بعضی از اشخاص پاهایشان را قطع کردند، جرائم آنها را ما نمی‌توانیم، الان تصورش هم نمی‌توانیم بکنیم، که در این حبس‌ها که در زیر زمین بوده و دالان‌هایی یک وقت نشان دادند، دالان‌هایی که از این سازمان خیانتکاران بوده است. در این دالان‌ها به این مردم اسلامی، به این مردم انسانی، به این متفکرین به این روشنفکرها چه گذشته ما نمی‌توانیم تصور کنیم، اینها هم که رفتند و آمدند، شاید برای ما همه مسائل را نتوانند بگویند که چه کردند به ما، ما یک ملتی هستیم که می‌گوئیم که، اعلام می‌کنیم به همه دنیا که ما اینقدر جریمه بر ما وارد شده، اموالمان اینقدر به غارت رفته و به جیب آقای کارتر و امثالش رفته است، به دست این آدم، آنقدر جنایات به این مملکت واقع شده است، آنقدر قتل و غارت وارد شده، ما این را می‌خواهیم بیاوریم اینجا و محاکمه اش کنیم ببینیم چرا این کارها را کرده.

اساس مطلب این است که کارتر از همین می‌ترسد که نبادا یک وقتی این بیاید و بروز بدهد، می‌گویند مشغول شدند که این را یک شستشوی مغزی بدهند و کاری کنند که فراموشی برایش بیاید که نتواند دیگر بروز بدهد، مشغول این کارها هستند. از اینها همه کاری بر می‌آید، ما نمی‌دانیم اما از اینها همه کاری بر می‌آید.

اعمال ضد انسانی کارتر در لوای انساندوستی

هر چه می خواهند شستشو بدهند مغز او را، هر چه بخواهند او را بکشاند به اینکه همه چیز را نسیان کند، لکن ملت ما که نسیان نمی کند، این ملت ما هستند الان صدایشان اینجا بلند است، این ملتی که الان دارند فریاد می زنند (مرگ بر آمریکا) مقصودشان کارتر است، ملت آمریکا که به ما کاری نکرده، ملت آمریکا اگر بفهمد مطلب را، اگر بفهمد، اگر بفهمد مطلب را ملت آمریکا، به حسب وجدان انسانیش با ما موافق است.

اینهایی که مخالفت می کنند، اینها از وجدان انسانی بیروند، اینکه این ابرقدرت ها فکر انسان نیستند، یک فکرهای جنون آمیزی در مغز آنها هست که با اسم انساندوستی که می گوید من مردم را برای انساندوستی محاصره اقتصادی و دخالت نظامی در یک مملکت سی و پنج میلیونی انسان که خوب آن هم یک نفر از اینهاست، دیگر آن که از یک جای دیگر نیامده، این هم یک نفر از افراد اینجاست، شما برای این یک نفر جانی، سی و پنج سال جنایت کن به اسم دوستی انسان و انساندوستی سی و پنج میلیون جمعیت از همین جمعیت، نمی توانم بگویم از این قماش، قماش اینها فرق دارد با او، قماش انسانی، سی و پنج میلیون را خواهی در فشار اقتصادی قرار بدهی که بمیرند، اگر زورتان برسد، می کنید، اما همچو قدرتی ندارید، شمائی که می گوئید ما انساندوستیم، سی و پنج میلیون انسان اینجا هست، این سی و پنج میلیون انسان بمیرند برای یک نفر که شما جنایاتتان معلوم نشود، آقای انساندوست پنجاه نفر ما، پنجاه هزار نفر انسان در آمریکا داریم که این دانشجوهای عزیز است، پنجاه هزار نفر دانشجو را بیخودی می خواهی از آمریکا خارجشان کنی، شما، انساندوستی؟ شما مطابق حقوق بین المللی دارید عمل می کنید، شما بشر می خواهید؟ شما بشر را مراعات می کنید؟ این سی و پنج میلیون جمعیت اینجا، سی و پنج میلیون جمعیت اینجا که بسیارشان چیز هستند، روحانی هستند، تحصیل کرده هستند، همه شان مؤمن و متقی هستند، این سی و پنج میلیون جمعیت می گوئید اصلاً حقی در دنیا ندارند، فقط حق مال محمدرضاست، حق مال این جانی است، غیر از این است که ما اینطور فکر کنیم که ایشان نه برای این امت، یک حس انساندوستی اش او را وادار کرده به این معنا برای اینکه این بر خلاف حس انساندوستی است.

کارتر بد تشخیص داده، ملت دیگر ظلم را نمی پذیرد

اینها نیست مسأله، مسأله این است که بد تشخیص داده اند. روی آن تشخیص بدش، مثل اینکه لج کرده، از اول بد تشخیص داده، می گویند هم تحمیلش کرده، تشخیصش از اول برای اینکه موفقیت پیدا کند برای ریاست جمهوری دوره بعد، راهش را بد رفته است، راه این نبود که ایشان شاه را بردارد برود آنجا و بخواهد یک توطئه بکند یا بگوئید بخواهد معالجه بکند، حالا من اطلاعی ندارم، یک عده ای می گویند برای توطئه رفته است، بردند او را آنجا و یک عده ای هم می گویند که نه این مفلوک است و این مریض است دیگر، سرطان دارد، این، راه را بد رفت، خیال کرده به اینکه حالا هم وضع

مثل وضع سابق است که یک کلمه ای القا می کرد به محمدرضا آن هم تحمیل می کرد به ملت ، ملت هم حرف نمی زد ، وضع آنوقت اینطور بود .

تا گفته می شد که تو باید این کار را بکنی ، مأموری که این کار را بکنی ، آن هم می آمد آنجا و به وسیله این عمالش آن کار را تحمیل می کرد و مردم هم یک وضعی پیدا کرده بودند که تسلیم بودند ، او خیال می کرد حالا هم ملت ما مثل آنوقت است ، نمی داند که ملت ما تحول پیدا کرده ، یک موجود انسانی به تمام معنا شده ، موجودی که دفاع می خواهد از خودش بکند ، یک موجودی که زیر بار ظلم نمی رود ، دستور اسلام این است که نه ظلم بکنید نه زیر بار ظلم بروید ، انظلام یعنی زیر بار ظلم رفتن از ظلم کمتر نیست ، انظلام به خودت ظلم کردن ، به یک ملت ظلم کردن ، ظلم هم از همین قماش ، هر دویس در اسلام ممنوع است ، نه شما حق دارید به کسی ظلم کنید نه حق دارید که از کسی ظلم بکشید ، دیگر ملتمان این است که نمی خواهند از تو ظلم بکشند ، نمی خواهند .

رؤسای جمهوری امریکا تا حالا به ما ظلم کردند و به وسیله عمالشان همه چیز ما را از بین بردند و بالاتر از همه نیروی انسانی ما را عقب راندند ، ما از این به بعد نمی خواهیم این ظلم را بکشیم .

کارتر از محاکمه شاه می ترسد چون حیثیتش به باد می رود

ما می خواهیم این آدم بیاید اینجا و محاکمه اش بکنیم ، خودش مطرح نیست ، خودش یک آدم نیست ، آنوقت هم که بود آدم نبود ، خودش مطرح نیست ، ما می خواهیم چه کنیم یک مفلوکی که بیاید اینجا و ما عاشق جمالش که مردم نیستند ، ما می خواهیم این آدم بیاید اینجا محاکمه اش کنند و پرونده های قطوری که از او هست ارائه بدهند و اینهمه معلول و اینهمه ناقص العضو که به وسیله او شده است ، ارائه بدهیم به عالم ، آقا وضع ما این است ، وضع ملت ما در این سی و چند سال حکومت ، این است ، وضعمان این است که جوان های ما ، پیرزن ها را بیاوریم که جوان هاشان را از دست دادند ، که جوان هاشان را نشان بدهند که اینها آنهایند که در سینما رکس مثلا از بین رفتند .

امروز ، الان یک پیر مردی _ که _ آمده بود که چهار تا یا پنج تا شش تا از اولادهای من در آنجا ، خوب ما این را می خواهیم بگوئیم ، این آقای انساندوست این را برده نگه داشته ، نه اینکه انسان می خواهد نگه دارد ، خوب انسان نیست که نگهش دارد ، این نه این است که برای انساندوستی دارد این کارها را می کند ، این خوف این را دارد که نبادا تحویل اینجا بدهند و مشت رئیس جمهور امریکا باز بشود که در آینده نتواند دیگر رئیس جمهور بشود ، یعنی قلم نه ، روی او امریکا بکشد که شما دیگر لایق رئیس جمهوری نیستید ، ملتش بفهمند که رؤسای جمهوری اینها چه می کردند با مردم ، با دنیا چه کردند ، ملت ها که اینطور نیستند که افکارشان مسموم شده باشد مثل این رؤسا ، ملت ها افکارشان محفوظ است ، مگر آنهایی که دور و بر اینها جمعند ، اینها خوف این معنا را دارند . اگر ملت ما از اول گفته بود که محمدرضا را آنجا نگه داشتید بکشیدش ، می کشتندش همچو آنها باکی از کشته شدن ندارند .

برای کارتر رئیس جمهور شدن مطرح است نه جان انسان ها

شما خیال می کنید که برای این پنجاه نفر که در اینجا هستند، پنجاه و چند نفر جاسوسی که در اینجا هستند، اینها دلشان سوخته و انساندوستی شان و حب به اهل ملتشان اسباب این شده، شما مطمئن باشید که مسأله این نیست، اینها فوج فوج سربازهای خودشان برای اینکه خدمت به آنها بکنند می فرستند به جبهه ها که بریزند در جبهه ها بکشند و کشته بشوند. هزاران افراد را از خود ملتشان به کشتن می دهند، برای اینکه یک صدائی در خود آمریکا پیدا بشود که این رئیس جمهور ما چه آدم کذائی است، وضع این، روحیه اینها اینطوری است، اینها وضع روحشان، روح الان دیگر آن روح اولی که فطرت انسان و فطرت اولی است، اینها از دست دادند، همه انسان ها به فطرت صحیح موجود می شوند، اینها عوض شدند، از آن فطرت اولیشان عوض شدند، اینها برای خاطر پنجاه و چند نفر که در ایران حبس اند، یعنی حبس هم خوب در محلشان هست، همان جائی که زندگی می کردند حالا هم همان جا دارند زندگی می کنند، آنطور هم که تا حالا به من اطلاع دادند و من همیشه سفارششان کردم در کمال رفاه هم هستند، منتها آنها سروصدا بلند کردند که اینها چطور و کذا. بعضی از اینها هم که رفتند آنجا گفتند نه، مسائل این نیست، نه برای خاطر این پنجاه و چند نفرشان دست و پاکنند همه تشبث اش این است که رئیس جمهور بشود، اصلا تمام نظرش آنجاست و من به او قول می دهم که نشود انشاءالله، رئیس جمهور شدن راه دارد حال ما فرض هم می کنیم دو سال دیگر هم، پنج سال دیگر هم بخوای رئیس جمهور بشوی، آخر ارزش دارد که یک انسانی، یک ملتی را، ملت دویست و چند میلیون در نظر مردم اینطور جلوه بدهد ارزش دارد، برای پنج سال دیگر جنایت کردن، خوب، ریاست کردن اینها، همان جنایت کردن ارزش دارد. برای ریاست کردن که مساوی با جنایتکاری است پنج سال، اینکه اینقدر یک ملت آمریکا را آنها که تقصیری در این باب ندارند اینقدر آنها را آلوده کند و مردم دنیا را هم به ملت امریکا بدبین کند، تو خدمتگزار به ملت خودت هستی، تو اگر خدمتگزار به ملت بودی، می گفתי خوب این خیانت کرده، ما این خیانتکار را می دهیم دست کسانی که به او خیانت کرده، این خدمتگزاری بود، این آبرویی بود، همه ملت ایران برای تو هورا کشیدند، اما حالا چه شده؟ حالا نزدیک جنایتکار، بدتر از جنایتکار می دانند، حالا مشتت باز شده و دیگر و تو را یک آدمی دانند که داری ملت خودت را هم به باد می دهی، ارزش دارد، اگر فرض کنید تو رئیس جمهور هم بشوی، این ارزش دارد که انسان به اینقدر جنایات خودش به پنج سال، حالا این شاه، شاه مخلوع از باب اینکه به قول خودش شاه بود می گفت، من تا آخر عمرم شاهم. جنایات که می کرد می گفت: ارزش دارد، می گفت من تا آخر عمرم هستم، نمی دانست که خدا خواهد، اما شما رئیس جمهوری پنج ساله اید، شش ساله، یک همچو چیزی است، بعدش باید بروی، تا آخر هم که دیگر نوبت شما نمی رسد، رقبای شما هستند در این معلوم نیست، تو برای تو هم اینکه برسی به این مقام، الان برای تو هم، الان که تو نمی دانی تو می شوی یا آن نفر دیگری که کاندیدا هستند، تو سر هم دارید می زنید، شما برای خاطر توهم اینکه من در پنج سال دیگر، شش سال دیگر مشغول به این ریاست و نمی دانم این بساط

باشم، این را برای توهم، ملت خودت را از دست می دهی، داری ملت خودت را و همه شوون امریکا را در نظر شرق فاسد جلوه می دهی، این ارزش دارد که برای یک توهم، آدم این کار را بکنند، این عقل اقتضاً می کند که انسان برای توهم اینکه شاید برسم به آنجا، اینقدر جنایت فعلی بکنند. اینها اینطورند وضعشان و مبتلای با یک همچو انسان ها یا آدم ها یا موجوداتی هستیم که باید همه ملت ما با آن مبارزه کنند.

ما از محاصره اقتصادی و نظامی نمی ترسیم

و ما نمی ترسیم از اینکه در اقتصاد ما را منزوی کند یا فرض کنید که چیز نظامی، دخالت نظامی، ما از این چیزها نمی ترسیم. ما قبل از این حرف ها، شاید شما هیچ کدامتان یادتان نباشد، همه این شلوغی ها که حالا ببینید ما شاهدش بودیم، ما در همان محلی که بودیم، یعنی خمین که بودیم سنگربندی می کردیم، من هم تفنگ داشتم، منتها من بچه بودم به اندازه بچگی ام، بچه شانزده هفده ساله ما تفنگ دستمان بود و تعلیم و تعلم تفنگ هم می کردیم، من بلدم الان تفنگ بیندازم، این اخوی ما بزرگتر از ما بود، ایشان تفنگ انداز است، منتها حالا پیرمرد است، ما سنگر رفتیم و با این اشاری که بودند و حمله می کردند و می خواستند بگیرند و چه بکنند، هرج و مرج بود، دیگر دولت مرکزی قدرت نداشت و هرج و مرج بود، قبل از این خان بود، هرج و مرج و دولت مرکزی هم بدون قدرت و همه جا، کاشان و این حدود قم و . . . است، چیز کاشی بود، نایب حسین و پسرش، آن حدود ما هم حمله می کردند زلقی ها و نمی دانم . . . حمله می کردند و یک دفعه هم آمد یک محله ای از خمین را گرفتند و مردم با آنها معارضه کردند و تفنگ دست گرفتند، ما هم جزء آنها بودیم که به اندازه ای که می توانستیم حرکت بکنیم، امیدواریم که این ملت ما همه تفنگدار باشند و همه جنگجو، آنقدری که می توانیم می زنیم، حالا شما فانتوم آوردید ریختید سر ما، هر کاری می خواهید بکنید، ما را ترسانید از اینکه نظامی می آوریم، ما نظامی های شما را دفنشان می کنیم و ما را ترسانید از اینکه به شما برای خاطر انساندوستی گرسنگی می دهیم تا بمیرید نخیر، اینطور، روزی ما با خداست و ما قدرت این را داریم که از این زمین خدا روزیمان را بیرون بیاوریم، همه کشاورزهای ما انشاءالله بیدار شدند و کشاورزیشان را تقویت کنند.

توطئه ایادی امریکا برای نابودی اسلام

در هر صورت مسأله این است که ما الان مبتلای به یک همچو قدرتی هستیم و مع الاسف که در داخل ما هم که جناح هائی هستند دست و پا می کنند که همان مسائل را درست کنند، یعنی دست و پا می کنند که امریکا قدرت پیدا کند، این ننگ را ما کجا ببریم که اهالی یک کشوری، افرادی که از همین مملکت است اینجا زاده شده و اینجا پرورش پیدا کرده، حالائی که مملکت ما و ملت ما قدرت امریکا را در اینجا شکست داده است، باز روابط با امریکا دارند که برگردانند، این ننگ را کجا

باید برد، این شکایت را پیش کی بکنیم که باز هم در بین جمعیت اشخاصی هستند که اخلال می کنند که خواهند جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند.

جمهوری اسلامی اگر تحقق پیدا کند، دست ارباب ها کوتاه می شود، نبادا این کار بشود از آن روز اولی که ما آمدیم به اینجا و قبلش، اخلال می کردند، قدم به قدم اخلال می کردند، خواستید بدهید، نمی گذاشتند بدهید. یک دسته ای آنجا جلورفتید و شکست دادید آنها را، بعدش قدم بعدش راجع به قانون اساسی، چه حرف های مزخرف زدند و گفتند اخلال به اینکه نبادا یک چیزی بشود، بعد مردم رأی دادند و در این صد در نود از آن رأی سابق بود، صد نود مردم رأی دادند، حالا به دست و پا افتادند که ارباب ها دارند شکست می خورند، چه بکنند اینها، حالا باز هیاهو می کنند، می خواهند چند نفر را بر رأی تمام ملت به اسم مصلحت ملت، این همان منطق کارتر، منطق کارتر این است که ما برای خاطر این انسان داریم، سی و پنج میلیون جمعیت را زیر پا له می کنند، اینها هم برای خاطر چند نفر آدم، برای خاطر فرض کنید که یک عده معدودی یا برای خاطر عشق به آمریکا می خواهند نهضت اسلامی ما را شکست بدهند و اسلام را شکست بدهند، تاسف این، اسلام را خواهند شکست بدهند، دانسته یا ندانسته. و نمی توانند، امروز مردم مملکت ما، ملت ما همچو شده است، همچو بیدار شده است و چشم هایش را باز کرده که این توطئه ها دیگر فائده ندارد، همه این توطئه ها را این ملت دفع می کند.

خداوند انشاءالله به شما سلامت بدهد، به خواهران من، برادران من، به همه شما دعا می کنم و تا نفس می کشم خدمت به شما می کنم، خداوند همه تان را انشاءالله حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی پزشکان اصفهان

نخوت قدرتمندی در مغزهای کوچک منجر به لگدمال کردن ملت می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

من از آقایان تشکر می کنم که زحمت کشیده اند آمده اند، خواهرها، برادرها، تا از نزدیک یک مطالبی که باید گفته بشود، لااقل بعضی از آن گفته بشود. شما لابد امروز از رادیو شنیدید که شاه از امریکا رفت به جای دیگر. این اثر جرم و این مجرم که باید بیاید و در اینجا محاکمه بشود تا ما پرده از روی جنایات امریکا یعنی رؤسای جمهور امریکا که در طول این مدت که این جانی در اینجا جنایت کرده، ریشه اصلی اش امریکا بوده، این یک شاخه ای از آن ریشه بوده است، اینجا فاش کنیم، اینجا گمان می کنند که شاه را از امریکا که خارج کردند تمام شد قضیه، مثل اینکه وزیر خارجه امریکا هم گفت که حالا ببینیم که عکس العمل ایران چه خواهد بود. اگر ایران تمام حرفش این بود که شاه چرا در امریکاست دیگر حالا تمام شده بود برای اینکه شاه در امریکا نیست اما قضیه این است که شاه، شاه مخلوع که الان یک موجود مفلوکی است و به نظر من آن وقت که در اریکه قدرت بود مفلوکتور بود، مفلوک از جهت ادراکات که نمی توانست بفهمد وظیفه او با ملت چیست و ملت چه مقامی دارد در هر کشوری، این معنا را ادراک نکرده بود، از این جهت مفلوک بود و حالا هم مفلوک است چنانچه آقای کارتر هم مفلوک است، آنهایی که خودشان در اریکه قدرت نشستند و این نخوت قدرتمندی در مغزهایی که کوچکند، این اسباب این می شود که هر کاری که می خواهند انجام بدهند، هر چه دستشان می رسد به او انجام بدهند، هر ظلمی که می توانند بکنند، هر ملتی را که می توانند زیر پای خودشان له کنند. اینها جزء مفلوک های عالم هستند برای اینکه قدرت روحی ندارند که هر چه وارد در مغزشان می شود بتوانند کنترلش کنند، همانطور که آدم مفلوک نمی تواند یک راه صحیحی را پیش بگیرد، آدم علیل نمی تواند یک راه صحیحی را پیش بگیرد، آدم علیل نمی تواند یک راه صحیحی برود، آنهایی که برای خاطر قدرتمندی، کوچک بودن مغز و قدرت زیاد، در آن وارد شدند نمی توانند کنترل کنند خودشان را و حفظ کنند مغزشان را، اینها جزء مفلوک ها هستند. انبیا و اولیا که هر چه وارد می شد، هر چه قدرت در عالم وارد می شد، در اینها هیچ، در آنها تأثیری نمی کرد. آن کسی که زمام یک مملکتی از حجاز گرفته تا مصر و اینجاها را، ایران و سایر جاها تحت سلطه او بود و قدرت جسمی و روحی خودش آنطور بود، می بینیم از یکی از افراد پائین و متوسط متواضعتر است و این قدرت ها ابدا در

روح او تأثیر نکرده برای اینکه روح اینقدر بزرگ است که همه عالم را می گیرد، یک روح مجردی که از آن آرایش ها تجرد پیدا کرده است اینقدر وسیع است که همه عالم مثل یک نقطه می ماند در او، آنها لایق زمامدارینند، اسلام آنها را زمامدار کرده است، وقتی هم که دست به دامن آنها نمی رسد باید آن اشخاص که نزدیکتر به آنها هستند از سایر افراد، آن اشخاص که بهتر توانند هضم کنند قدرت ها را، کمتر قدرت مابی در کله آنها تأثیر بکند، باید زمامدار باشند، مع الاسف دستمان کوتاه است. امثال اینهایی که تا یک ریاست پیدا می کنند، تا یک قدرت ریاست پیداکنند، تا یک قدرت پیدا می کنند، مثل حیوان های چموش شروع می کنند به شرارت، اینها مفلوکند، همانطوری که اینها الان اسم محمدرضا را گویند یک مریض مفلوکی که، من می گویم در آن زمان که قدرتمند به نظر شما بود مفلوکتر بود از حالا، حالا هم شما مفلوکید و همه قدرتمندهائی که به واسطه یک قدرت نمی توانند خودشان را کنترل کنند و نمی توانند هضم کنند آن قدرتی که بر ایشان وارد می شود، اینها جزء همان مفلوک ها هستند و لهذا این مفلوک ها هستند که دور هم نشینند و به تبع این مفلوک اصلی یک ملتی را محکوم می کنند.

وجود لانه جاسوسی و افراش برای ایجاد توطئه بود نه روابط سیاسی

لابد این را هم شنیدید که لاهه ایران را محکوم کرد، حالا دیگر خواب به چشم ایرانی ها نمی آید، لاهه محکوم کرد، این لاهه مدت هاست، این سازمان ها مدت هاست که اسرائیل را در این شرارت هایش محکوم کردند و هیچ اعتنا به آنها نکرد، هیچ غلطی هم آنها نکردند. ما که مسأله مان یک مسأله حق است که می گوئیم که بیائید ببینید که اینجا اصلا سفارتخانه نیست، شما می گوئید که سفارتخانه باید جزء احکامی که کردند آقایان، سفارتخانه باید به تصرف آمریکا داده بشود، ما مدعی هستیم که اینجا سفارتخانه نیست، اصلش قضیه سفارت در کار نبوده و ما مدعی هستیم که این آدم هائی که در اینجا بودند، اینها اجزای سفارتخانه نبودند، به اسم سفارتخانه شما یک چیزی درست کردید که لانه جاسوسی است و بیایند ببینند که آیا این چیزهائی که در این سفارتخانه هست، اینها اسباب دست جاسوس هاست یا وسائلی است که سفارتخانه لازم دارد؟ بیایند سفارتخانه های دیگر را ببینند، سفارتخانه ایران را در خارج ببینند که آیا این سفارتخانه ایران وضعش اینطور است که اینجا هست و همین طور سفرای ایران در خارج؟ یا فرض کنید اجزای سفارتخانه ها را ببینید که آنها در آنجا یک همچو مسائلی ندارند و اگر یک وقتی مثلا یا جای دیگر در امریکا یک جائی را به اسم سفارتخانه، مرکز توطئه و جاسوسی قرار بدهد، آقایان گویند که خوب، شما چون که یک اشخاصی بودید دیپلمات، بیائید، تشریف ببرید دیگر راه را باز کنند؟ و گر نه مسأله این نیست، شما با این حرف می خواهید کلاه سر عالم بگذارید و وقت دیر شده است و دیگر از شماها قبول نمی کنند، شما شاه را دک کردید برای اینکه مشت تان باز نشود، ما محاکمه تان می کنیم، در همین جا محاکمه رژیم این پهلوی را و محاکمه رژیم جمهوری امریکا را، در این مدتی که به ما، اینطور جرم را نسبت به ما روا داشتند و اینطور توطئه ها را کردند، آنها گفتند که، محکوم کردند ما را به اینکه سفارتخانه ها و سفارتخانه امریکا

باید تحویل داده بشود و این دیپلمات ها را با سفرا و اجزای سفارتخانه باید راه بیندازند، اینها بیایند به امریکا، ما می گوئیم که سفارتخانه نیست، اینجا شما سفارتخانه، ما گوئیم امریکا اصلاً سفارتخانه ندارد اینجا، ما می گوئیم که مأمور سیاسی ندارد اینجا، اینها مأمورهای امنیتی هستند نه مأمور سیاسی، اینها از اجزای امن امریکا هستند که در اینجا بودند، اینها نیامدند برای اینکه بین ایران و امریکا روابط سیاسی ایجاد کنند، اینها آمدند آنجا و این مرکز مهم هم برای همین است که در ایران توطئه کنند و حالا که شکست خوردند بیشتر توطئه کنند، حالا که آن شخص رفته و دست آنها هم از مملکت تا حدودی بریده شده است زیادتر می خواهند توطئه کنند، ما این معنا را می گوئیم. ما اشخاصی را که می خواهیم دعوت کنیم در اینجا، از دانشمندان دنیا و از سیاسیون دنیا و از کارشناس های دنیا، برای این است که بیایند تشخیص بدهند که این وضعی که در اینجا بوده است و این اشخاصی که در اینجا مشغول کار بودند، این وضع سفارتخانه است؟ این وضعیت وضع سفارتخانه است؟ این یک مکانی است که باید اسمش را سفارتخانه گذاشت یا نه؟ و بیایند و ببینند اشخاص را و بررسی کنند از پرونده هائی که اینها دارند و از پرونده هائی که اینها دارند و از کارهائی که آنجا انجام می دهند، می دهند، ببینند این کارهای سفارتخانه است یا کارهای سفارتخانه نیست؟ پس شما یک موضوع غلطی را در لاهه، یک موضوع غلطی را حکم کرده، یک موضوعی را حکم کرده که در اینجا نیست همچو موضوعی، او گفته است باید سفارتخانه را تحویل بدهند، ما سفارتخانه امریکا اینجا نداریم، کجاست این سفارتخانه؟ می گویند که باید دیپلمات ها را رها کنند، ما نمی شناسیم دیپلماتی در اینجا، آنها که نگفتند که باید مرکز جاسوسی را، باید یک مجلس دیگر بگویند، آنجا هم باز به اتفاق آراء بگویند که مرکز جاسوسی را باید به امریکا تحویل بدهند و جاسوس را باید رها بکنند، اگر این را گفتند یک حکمی بر ضد ما هست، اما اینهایی که گفتید، حکمی بر ضد ما نیست برای اینکه ما که مرکز جاسوسی را گرفتیم نه سفارتخانه را، اصلاً ما هیچ سفارتخانه ای را نگرفتیم، امریکا سفارتخانه ندارد اینجا، اصلاً آقایان می گویند که سفارتخانه را باید تحویل امریکا داد، نه، سفارتخانه ندارد تا ما تحویل بدهیم، امریکا مأمورین سیاسی ندارد اینجا، اینکه می گویند باید مأمورین سیاسی را تحویل بدهید، مأمورین سیاسی کی هست، پیدا کنند تا ما تحویل بدهیم. ما مدعی هستیم که اینها هیچ کدام مأمورین سیاسی نیستند و می گوئیم بفرستید و ببینید، قضیه را بررسی کنید.

ما شاه و رؤسای جمهور امریکا را غیابی محاکمه می کنیم

و ما می آوریم بررسی می کنیم این مطلب را، محاکمه می کنیم اینها را و محاکمه کنیم رؤسای جمهور را منتها محاکمه غیابی، دستمان به آنها نمی رسد، محاکمه غیابی آن مقداری از پرونده هایشان که در اینجا هست و آن مقداری از جنایاتشان که بر ما در اینجا ثابت است که این مقدار، من مکرراً این را گفتم، اینها یک کارهای زیر پرده ای داشتند که غیر از رئیس جمهور و شاه شاید کسی نمی دانسته آنها را، ما نمی توانیم پیدا کنیم آن مقداری که منعکس است در خارج، آن مقداری که در وزارتخانه های

ما منعکس است، آن مقداری را ما می خواهیم حالا بررسی بکنیم و پرونده هایشان را مشغول جمع آوری هستند گروه هائی تا اینکه جمع بشود و ما دعوت کنیم از اشخاص بیایند بررسی بکنند. ما یک حرف غیر حقی نداریم، این حرف ساده ای که همه عالم این حرف را باید اگر بفهمند، بپذیرند، البته آقای کارتر نمی پذیرد برای اینکه آقای کارتر اصلا از آن مفلوک هائی هست که حق را نمی تواند بپذیرد، مغز او دیگر حق را نمی تواند بپذیرد، آن دارد شاه را از این دست به آن دست می گرداند، در یک جزیره ای در آنجاها بردند و نگهداریش می کنند مبادا گرفتار بشود و به ایران بیاید و مقداری که بین خودش و او هست هم کشف بشود، اسراری که ما بین شاه و کارتر هست و سایر چیزهای امریکا هست، باید کشف بشود. محمدرضا گفته بود که اگر چنانچه بناست من را محاکمه کنند، باید رؤسای جمهوری امریکا هم، چند نفر که در زمان من بودند، محاکمه کنند. بله، باید محاکمه کنند آنها را منتها ما دستمان به آنها نمی رسد، ما همچو قدرتی نداریم که احضار کنیم رئیس جمهور امریکا را، لکن این قدرت را داریم که در محل خودمان پرونده هایشان را رسیدگی کنیم و اشخاصی را دعوت کنیم از خارج و بیایند و رسیدگی کنند و ببینند چیست قصه. ما آنها را هم می خواهیم محاکمه کنیم، بنابراین، این فایده ندارد که ایشان بر دارد این را برد از یک مملکتی به مملکت دیگر و خیال کند حل شد قضایا، از اول هم همه حرف ها این بود که اگر او را تحویل ما ندهید، ما اینهائی که اینجا هست محاکمه می کنیم و حالا هم می گوئیم که ما یک محاکمه ای از رژیم پهلوی می کنیم و یک محاکمه هم از جمهوری امریکا در زمانی که این آدم، از آن زمانی، که این آدم در رأس آن بود تا حالا- و تا آن وقتی که اینجا در اینجا هستند و بساطشان اینجا هست. بنابراین، مسائل حل نشده است، آنها خیال می کنند که اگر چنانچه این را فرستادند آنجا، دیگر مسائل حل است.

قصد ما روشن کردن ظلم مستکبرین به مستضعفین است

خوب، ما یک مطلب دیگری هم غیر از اینکه اساس مطلب است که می خواهیم جرم آنها را به دنیا ثابت بکنیم و مستضعفین وظیفه شان را با مستکبرین بفهمند، مستضعفین اکثر نمی دانند، ما هم نمی دانیم، ما هم جزء مستضعفین هستیم، نمی دانیم که اینها به سر ما چه آوردند، بعضی از ورقه های کوچکش دست ماست و می دانیم، بعضی مشاهدات ما هست و چیزهائی که به چشم دیدیم اما مسائل زیاد زیر پرده را ما نمی توانیم بفهمیم، ما می خواهیم آن مقداری که امکان دارد بفهمیم این را، درست عرضه کنند به مستضعفین دنیا، به ممالک دنیا، تا بفهمند مستضعفین که این مستکبرین با آنها چه می کنند، این ابرقدرت ها با اینها چه می کنند، ما می خواهیم بفهمانیم به خود ملت امریکا که نسبت به ملت امریکا اینها چه کردند تا حالا، اینها چه جنایاتی کردند که ملت امریکا را هم از نظر مردم دارند از بین می برند، اینها چقدر به خود امریکا لطمه وارد کردند، لطمه حیثیتی، لطمه انسانی و چقدر به سایر کشورها و ملت ها و اینها.

بنابراین مسائل به اینجا ختم نمی شود، ما یک ملت ضعیفی هستیم، ما یک ملتی هستیم که

اتکالمان به خداست و ما جمعیت مان کم است، شما جمعیت تان زیاد، جمعیت شان زیاد، یعنی اینکه ملت امریکا با آنها نیست تا جمعیت شان زیاد باشد، شما نیستید و سرنیزه ها و فانتوم ها و آن بساطی که دارید، و مائیم و مشت و صدا و فریاد مظلومیت تا ببینیم آیا چه خواهد شد، آیا غلبه باز با ظالم هاست، این راجع به مسائل امروزی که به ما متوجه است اما مسائل داخلی خودمان. شما ملاحظه کردید که ما در آنوقت که با، ملت ما در آنوقتی که با این رژیم در افتاد، یک مقابله یک آدم هیچ، آدمی که هیچ نداشت با یک آدمی که همه چیز داشت، شما یک وقت مقابله کردید با یک رژیمی که قدرتمند بود و مجهز بود به همه جهازات جنگی و دارای قدرت زیاد که دنبال او و پشتیبان او هم قدرت های عالم بود، یعنی شما یک طرف ایستاده بودید با دست خالی، او آن طرف ایستاده بود با تمام تجهیزات و پشت سر او پشتوانه او همه عالم، بود شما خیال نکنید که از این همه عالم که می گویم، ملت ها را گویم، همیشه مقصودم دولت هاست، این دولت ها الا کمی شان، پشتیبانی از او می کردند، این قدرت های بزرگ پشتیبانشان بودند و خصوصا امریکا و انگلستان، در یک همچو موقعی آن که شما را پیروز کرد و اینها در عین حال که همه چسبیده بودند که این آدم را نگاهش دارند در اینجا و بعد هم بختیار را نگه دارند در اینجا که در آن هم خیلی جدیت کردند، اینکه موفق نشدند آنها و شما موفق شدید چه بود؟ شما قدرت نظامی داشتید؟ شما اصلا تعلیمات نظامی دیده بودید؟ ما یک دسته طلبه بودیم که نمی دانستیم نظام چه می کند، شما هم یک دسته پزشک هستید که باز هم از نظام اطلاع ندارید، تعلیمات نظامی ما ندیده بودیم، ملت ما تعلیمات نظامی ندیده بود، آنها تعلیمات نظامی داشتند اما ما نداشتیم، هیچ نداشتیم، حالا هم که می بینید چهار تا تفنگ دست جوان های ما هست، اینها غنیمتی است که از آنها گرفتند والا قبلا که نداشتند، این را قبلا با زحمت، نمی دانم یک چیزی درست می کردند پرت می کردند که در مقابل آنها چیزی نبود، اینها، آنی که این ملت را پیش برد، آن یک قدرت غیبی بود، یک قدرت الهی بود، پای هیچ کس حساب نکنید شما. در عین حالی که تشکر می کنم از شما که این مقاله ها را خواندید، لکن تذکر می دهم اینقدرها تعریف نکنید از یک شخص، برای اینکه چیزی نیست، هر چه هست، اوست ما چیزی نیستیم، ما جز یک بنده ضعیف چیزی نیستیم، آنها با یک فوت می توانستند _ اینها _ ما را بیرون کنند، آن که این قدرت را به این ملت داد و آنطور وارد شد به میدان و بیرون کرد حریف خودش را، آن یک قدرت روحی بود که خدا داد به اینها، یک قدرت الهی و غیبی بود که این ملت را متحول کرد به یک چیز دیگری، این مردمی که وقتی اسم سازمان امنیت می آمد به خودشان می لرزیدند، ریختند و گفتند ما اصلا نه شاه می خواهیم و نه سازمان امنیت و نه اصلا رژیم شاهنشاهی را می خواهیم و به واسطه این امری که خدای تبارک و تعالی انجام داد به اراده مبارک خودش، و یک نکته بزرگی که شاید اکثرا از آنها غافل باشند، آن ایجاد رعبی بود که در اینها کرد. در قرآن هست که نصر گاهی به رعب، گاهی جمعیت اینها را جوری می کنند که به نظرشان زیاد می آید، گاهی قدرت نمایی اینها، ولی چیزی نیست، در نظر آنها بزرگ است. اینها همه چیز داشتند و مطمئن باشید که اگر این رعبی که خدا در قلب اینها انداخته بود، نبود، اینها می توانستند یک شب تمام تهران را خراب کنند، همه چیز داشتند،

قبلا. هم که ایشان گفته بود که اگر من بروم ایران را خرابش می کنم، خراب هم کرده، آنوقتی که اینجا بود خراب کرده، حالا که رفته، ما بتوانیم آیا آباد کنیم این خرابی را یا نه، نمی دانم، این معنا که توی دل آنها را خدا خالی کرد و از آن طرف سربازها و درجه دارهای پائین از آنها دیگر اطاعت نکردند، اینها کارهائی بود که خدا کرد، من و شما نمی توانستیم بکنیم، اینها کارهائی بود که جزء آن رده اول که آنها دیگر منقلب شده بودند به یک آدم فاسد، به یک حیوان، رده های بعد از او، هم افسرهایشان، هم درجه دارهایشان، هم سربازهایشان، اینها از آنها برگشته بودند، اگر امر هم کردند، اطاعت نمی کردند، حتی من آنطور که شنیدم بختیار وقتی که می خواسته برود، در همین راهی که داشته می رفته که برود، امر کرده است که به عنوان اینکه خوب، نخست وزیر است، امر کرده است که آن را بمباران کنید، گوش به او ندادند، این تخلف این جمعیت از آنها یک چیزی بود که خدا درست کرد برای آنها، اگر این جمعیت، این سرباز مجهز و کذا... تبعیت کرده بودند از این درجه اولی ها، از شاه و از بختیار و از آن بالاترها و بالاها، اگر اطاعت کرده بودند، حالا نه من اینجا نشسته بودم و نه آقا و نه جمع شما، نبود، یا در بیغوله ها بودیم یا در حبس بودیم یا قتل عام، ماها را می کشتند، اما غفلت نباید بشود از این نصری که خدای تبارک و تعالی، نصرتی که خدای تبارک و تعالی نصیب ما کرد، از اینکه آئی که باید مقابل ما بایستد، به ما ملحق شد. آن شبی که خواستند اینها کودتا بکنند، ما تهران بودیم و یک شب بنا بود کودتا بکنند، به ما هم اطلاع دادند حتی آمدند اصرار هم بعضی کردند که شما از این خانه بیایید بیرون، گفتم نه، همین جا هستم. آن شبی که اینها خواستند کودتا بکنند و بنای آنها، بعدها ما فهمیدیم که بنای آنها بر این بوده است که هر کس احتمال بدهند که چه باشد بکشند، از بین ببرند و اعلام کردند حکومت نظامی روز را که روز هم نباید بیرون بیایید، خدا خواست که شکسته شد، من هیچ فکر نمی کردم که این روی چیست، بعد به من گفتند کودتاست، فکر نمی کردم که این حکومت نظامی را برای چه دارند تاسیس می کنند، ما برای اینکه یک مقابله ای با آنها کرده باشیم گفتیم به این اعتنا نکنید به اینها، بعد معلوم شد که این را خدا خود پیش آورده که این نقشه ای که اینها کشیدند که حکومت نظامی روز درست بکنند و تمام خیابان ها را بگیرند و تمام قدرت هایشان را در اینجاها مجهز کنند و با هر چیزی که دارند در خیابان ها نصب کنند، کودتا کنند و بساط را تمام کنند، مردم آمدند خنثی کردند، مردم ریختند بیرون و خنثی کردند، اینها یک چیزهائی بود که ایجاد کرده بودند یک کسی نسبت به شما یا نسبت به کس دیگر بدهد، همه از اوست، همه چیز از اوست، تا روحیه شما توجه به آن مبدا قدرت دارد پیروزید، از آن منفصل نشوید، از این مبدا قدرت منفصل نشوید، اتصالتان را زیاد بکنید به مبدا قدرت.

ناتوانی قدرت نظامی در مقابل ملت آماده شهادت

اینها الان دست بردار نیستند، اینها یک چیز کمی از جیب، هم از حیث مال کم از دستشان نرفته که نفت های ما را همین طوری می خوردند و مهمترش آن جهات سیاسی است که یک قدرتی که تحمیل کرده بود بر دنیا که دیگر مقابل آن کسی نمی تواند بایستد، یک جمعیت کمی در مقابل آنها ایستاد و

حرفش را زد و بیرون کرد آئی که آنها می خواستند باشد، این شکست در این معنا یک شکست کمی و آسانی برای آنها نبود که آن وضع که آنها پیش آورده بودند که به همه مغزها تحمیل کرده بودند که شماها هیچ کاری نمی توانید بکنید، تا ما حرکتی بکنیم چه خواهد شد، سابق اینطور بود اگر یک کاری بکنند، یک قراردادی، یک کاری و ایران یک اهمالی می کرد، یک کشتی از انگلستان می آمد طرف های خرمشهر و آنجاها خودش را نشان می داد تمام می شد، آن قرارداد بسته می شد به هر طوری که آنها می خواستند، اگر یک کشتی از آمریکا می آمد در نزدیکی های خلیج، مطلب تمام بود، دیگر همه دست ها را رو دست هم می گذاشتند، اما حالا می بینید اینطور شده است که یک جمعیتی در این طرف دنیا قیام کرده است و کشتی های اینها همه اش می آید اینجا و سرگردان دارد می گردد، اینها هیچ ترس هم نمی کنند تا ملزم بشود به اینکه شاه را از آنجا ببرد، خوب، این یک شکستی بود، ایشان می خواست نگه دارد، مهمان عزیزش را می خواست نگه دارد آنجا، دنبال این بود که او را نگه دارند، محاجه بکنند یک قدم را که عقب رفت که از آنجا سر این را از سر خودش کند، اگر عقل حسایی به سرش، عقل حسایی بیاید و آن نخوت قدرت را کنار بگذارد، با قدرتمندی نخواهد پیش برود، به طور سیاسی پیش برود _ به طوری که _ نه سیاست به اصطلاح آنها با سیاست سالم پیش برود ممکن است مسائل را بشود تا یک حدودی حل کرد و آئی است که به آنکه گفته است آن را ببر آنجا، به او بگوید که ببر بده به ایران، برایش هم خیلی ننگ نیست، برایش، برای اینکه آنوقت می گفتند ننگ و سر لج ایستاده بود که از آمریکا راست بیاید اینجا، این را به شما عرض بکنم که یک نفر آمد پیش من گفت که اینها حاضرند، الان یادم نیست که از کجا آمده است، یکی از خارج آمد اینجا به من گفت، شاید بیست روز پیش از این که اینها حاضرند که این شاه را نشانند توی طیاره ای به اسم اینکه یک جایی ببرند و بعد چند نفر از اینهایی که طیاره ها را می ربایند، اینها برابند و بیاورند اینجا، حاضرند این کار را بکنند برای حل مسأله. من خیلی زود باور نیستم، گفتم نه، ما این کار را نمی کنیم، ما می خواهیم تحویلش بدهند، اگر چنانچه اینها درست توجه بکنند به مصالح و مفاسد خودشان، نه اینکه فکر این باشد که من قدرتمندم، هر کاری دلم خواهد می کنم به فکر این معنا، در این زمان دیگر اینطور نیست که قدرتمند هر کاری دلش می خواهد بکند، قدرتمند خیلی زیاد است در دنیا که مقابلتان می ایستند نمی گذارند بکنید، همچو نیست که اگر تو از آن طرف صدایت در بیاید، رفیقت از آن طرف صدایش در بیاید، آن رفیقت از آن طرف صدایش در بیاید، آن هم صدایشان در می آید. بنابراین مطرح نیست این معنا که تو بتوانی با قدرت نظامی پیش ببری. حالا اگر درست سر عقل بیاید و آن که آن وقت هی می ترساند ما را و خیال می کرد که مثل سابق است که تا کشتی بیاید ما بگوئیم آقا، بفرمائید هر کاری می خواهید بکنید و تا یک کلمه نظامی پیش بیاید ما از آن بترسیم، حالا آن وقت گذشته و ملت ما حاضر به شهادت است، کفن پوش شده است.

سر عقل بیاید، مسائل را تواند حل بکند. اموال این را الان هر چه آنجا دارد بدهند، اموال خود ملت است. ما مدعی هستیم که، یعنی تا تاریخ هست، کتاب هست، رضاخان که آمد در این اراک بوده، رضاخان و یک سربازی، یک همچو چیزی بوده، آنجا شرح حال خودش را برای اینها نقل کرد، خودش نقل کرده است که من در اراک بودم و ماهی نمی دانم چقدر داشتیم و ما، هی دنبال این بودیم که اول ماه این را دست ما بدهند ما زندگی مان را بکنیم، ماهی هفت تومان، چقدر، چیز کمی بوده، این در آن گفتگویش که در آن وقت با وزرا خودش صحبت می کرده این را، قصه گفته این را، پس رضاخان خودش گفته که ما هیچ نداشتیم. همه ما می دانیم که یک آدم مجهولی بود و نه مالک بود و نه عرض می کنم کاسب بود و نه تاجر بود، هیچ اینها نبود، این در این حال آمد اینجا و بسیاری از شما شاید یادتان باشد و اکثرتان یادتان نیست که وقتی رضاشاه مازندران را، آنجائی که این طرف شمال را که این می خواست بگیرد، وقتی بردند آنجا نگاه کرد بعضی جاهایش یک خطی مثلا چطوری، غیر از جاهای دیگر، گفت اینها چیست؟ گفتند اینهاست که حالا نشده، یعنی به تملک شما در نیامده، به تملک شما در نیامده، نه اینکه خریدیم، از آنها، مردم را به قباله کردن الزام کردند، انداخته دور، خوب ببرید تمامش کنید، وقتی که آمد اینجا هیچ نداشت، مازندران یا شمال را هر جائی که توانست این املاک را گرفت خوب البته بعدش دیگر نتوانستند نگه دارند، آن بعدش، بعدش، ایشان نتوانست نگه دارد ایشان هم وارث یک آدمی است که هیچ نداشته، حقوق سلطنتی هم که به زور، بیخود می برده است، برای اینکه سلطان قانونی نبوده است. من مکررا این را ارشادش کردم، این قانونی نبوده است، آن حقوق سلطنتی هم ببینید چقدر بوده است، خرج ایشان چقدر بوده، حقوقش چقدر بوده حساب کنید ببینید که این اموالی که الان در خارج دارد، اینکه در بانک های همه جا، تقریبا در بانک ها دارد، در سوئیس دارد، در جاهای دیگر دارد، اگر طلب دارد واقعا خوب، به او بدهند و اگر یک آدمی که هیچ ندارد حالا اینها را دارد، خوب، از او می پرسیم از کجا آورده، یک وقتی اینها گفتند که قانون، قانون (از کجا آورده ای)؟ حالا به خودشان می گویم، به شما، از کجا اینها را آورده اید؟ جز این است که مال ملت است، حرفمان یک حرفی نیست محتاج به تامل باشد، محتاج به بررسی باشد، یک حرف روشنی است، این آقا، آنوقتی که پدرش آمده است وضعش آن بوده به قرار خودشان، بعد هم که خودش آمده، نه تجارت و نه کسب و نه چیزی داشته و شده است اینها و این اموالی که از این ملت برده است، ما اینها را می خواهیم بگوئیم بررسی کنند ببینند اگر از ما طلب دارد به او بدهند، اگر از ما طلب دارند به فشار اقتصادی از بین ببرند.

نوطه بزرگ دشمنان، عدم استقرار جمهوری اسلامی است

برای یک مفلوکی حس انساندوستی این است که سی و پنج میلیون جمعیت بمیرند، یک مفلوک زنده بماند آن خیال کرده که ما را محاصره اقتصادی بکند و ما دیگر از گرسنگی چه بشویم، خوب

اینها نمی شود یک همچو چیزی ، در هر صورت الان اینها به واسطه اینکه هم از جهت جنبه سیاسی شکست خوردند و هم از جهت مادی و مالی اش شکست خوردند ، اینها دست بردار نیستند ، اینها در خارج و داخل مشغول توطئه اند ، یکی از توطئه های بزرگشان این است که نگذارند یک حکومت مستقری ما پیدا کنیم ، برای اینکه اگر یک حکومت مستقر پا برجائی پیدا کنیم ، دیگر گذشته است ، حالائی که بین دعوا و این چیزها هست کارشکنی کنند ، شما ملاحظه کردید که از آن اولی که صحبت جمهوری اسلامی شد اینها شروع کردند به کارشکنی ، یک دسته ای را تراشیدند به اینکه ما هم بگوئیم جمهوری اسلامی اش چیست و عجب این بود که ملت ما جمهوری می خواهد جمهوری اسلامی یعنی چه ، تا اینکه نگذارند اسلام پایش تو کار بیاید ، اگر جمهوری اسلام باشد جمهوری ، همه کاری می شود با آن کرد ، اما اگر جمهوری اسلامی باشد اسلام نمی گذارد کسی کاری بکند ، یک دسته دیگر تراشیدند بگویند که جمهوری دموکراتیک ، باز از اسلامش فرار می کردند ، یک دسته سومی هم که یک خرده می خواستند نزدیکتر بشوند و بازی بدهند ماها را می گفتند جمهوری اسلامی دموکراتیک ، این هم غلط بود ، ما همه اینها را گفتیم ما قبول نداریم ، ما دموکراتیک سرمان نمی شود برای اینکه دموکراتیک در عالم معانی مختلفه دارد ، یک معنی ندارد ، در سابق یک معنا داشته ، در حالا یک معنای دیگر دارد ، ما یک مطلبی که پیشمان معلوم نیست قبولش نمی کنیم ، ما آنکه پیشمان مطرح است اسلام را می شناسیم ، یعنی می دانیم که احکامش چیست و چه وضعی دارد و جمهوری هم اسمش را می دانیم ، می دانیم چیست ، اینکه می دانیم ما به آن رأی می دهیم ، آنکه نمی دانیم ، توانیم رأی بدهیم . اینها نه اینکه می خواستند واقعا یک جمهوری بیاید و یک جمهوری دموکراتیک ، اینها می خواستند غائله ایجاد کنند ، خواستند وضع را طوری کنند که یک تشنجاتی پیدا بشود ، یک دسته آن ور بیفتد و یک دسته از آن ور و نگذارند رأی به جمهوری اسلامی داده بشود ، خوب ، اینجا که شکست خوردند ، یعنی صد و نود و هشت یک قدری بیشتر مردم رأی دادند ، یعنی ، یک رفراوندی که نظیرش در دنیا نمی یابید یا کم می یابید ، اینجا که باختند ، بعد رفتند در درجه دوم برای اینکه مجلس خبرگان نگذارند وجود پیدا کند ، هی مناقشه کردند ، نگذاشتند هی چه ، هی اشکال ، بالاخره مجلس خبرگان هم مردم رأی دادند ، تعیین کردند . از آنوقتی که مجلس خبرگان تهیه شد و آنها رفتند سراغ بررسی تا حالا همه اش اشکال می کنند . همین ها یک ریشه هایی هستند از آنها که می خواهند با اشکال تراشی نگذارند این جمهوری اسلامی پیدا بشود ، هر کس یک جور اشکال می کند ، یک مطلبی که یک اکثریتی که به نود و نه در صد راجع به قانون اساسی اش ملت رأی داد یک دسته فرض کنید پنجاه هزار نفری ، فرض کنید ، و الا کی هستند اینقدر یک دسته ای اینطوری به اسم اینکه ما می خواهیم که مملکت دموکراسی باشد ، یک پنجاه هزار نفر بر یک سی و پنج میلیون نفر می گویند تحمیل کنید ، بروند ، بزنند و بکشند و ببرند ، بگیرند ، فلان جا شلوغ بکنند برای اینکه نگذارند جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند ، نگذارند قانون اساسی ، قانون اساسی گذشته را که دیگر بیجاست که کسی صحبتش را بکند ، هر که صحبت بکند معلوم می شود به دموکراسی اعتقاد ندارد ، معلوم می شود دیکتاتور است . شما همیشه می گوئید که

قانون اساسی، این قانون اساسی به دیکتاتوری می رسد، این یک قانون اساسی که به وفق احکام اسلام، نمایندگان خود مردم، یک سر نیزه ای که طرف مردم نبوده است که اینها را تعیین کنید، یک دولتی که تحمیل بخواهد بکند که نبوده است، تحمیلی در کار نبوده، خود مردم با آزادی رفتند یک دسته ای را تعیین کردند، این مخالف با دموکراسی است که شما می گوئید. بعد به این اکتفا نشد، بعضی از اینهایی که حالا اشکال می کنند آن وقت می گفتند لازم نیست دیگر چیز بشود، لازم نیست که دیگر رفتارند بشود، همین مجلس خبرگان کافی است، رأی به آن داد و رفتارند هم شد، حالا اشکال می کنند، این جز اینکه یک مرضی تو کار هست و آن مرض این است که مبادا یک وقت جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند و دست این ارباب ها کوتاه بشود، برای خاطر این الان هی شلوغ می کنند این ور، آن ور و من می دانم فردا هم که فرض کنید که می خواهند رئیس جمهور تعیین کنند، این بساط است و پس فردا هم که می خواهند وکیل تعیین کنند، مصیبت آن وقت زیادتر است.

بدون خوف از توطئه ها، با اتکال به خدا، نهضت الهی را پیش ببرید

ملت باید با تمام هوشیاری این مراحل را طی کنند، از اینکه حالا فلان جا شلوغ است، فلان جا غیر شلوغ است، از اینها هیچ نترسید، یک انقلاب بزرگی شما ایجاد کردید که این نحو انقلاب که خود ملت هیچ ندارد، انقلاب تحقق پیدا بکند، کودتا در کار نبوده، نظامی در کار نبوده، ملت بوده است، این انقلابی که شما ایجاد کردید و بعد از تمام انقلاب های دنیا این شلوغی ها هست، وقتی که یک حکومت مرکزی قوی نباشد این شلوغی ها هست، علاوه بر اینکه شلوغی ها بیشترش را همین ریشه های گندیده ای که از رژیم سابق در داخل و خارج هستند و آنهایی که برای امریکا دارند خوش رقصی می کنند، از اینهاست و از اینها هیچ خوفی نداشته باشید، یک ملت با یک قدرت الهی و اتکال به خدا تا اینجا آمده است و این اتکال به خدا و قدرت الهی را حفظش کنید و وحدت کلمه خودتان را حفظ کنید. یک عده اقلیت، خیلی اقلیتی که هر چه هم نصیحتش بکنید برایشان فایده ندارد، آنها را به چیزی حساب نکنید. و من امیدوارم که همه قشرهای ملت، همه جاهای مملکت توجه بکنند به اینکه رژیم جمهوری، جمهوری اسلامی یعنی احکام اسلام، احکام اسلام برای همه خوب است، احکام اسلام برای حتی اقلیت های مذهبی به قدری رفاه خواهد ایجاد کرد که اینها خوابش را نمی بینند، ظلم حتی به یک آدمی که منحرف است اسلام جایزداند، اصلا ظلم پایه کن شده است در اسلام و شما مطمئن باشید که اگر چنانچه این اتکال به خدا را حفظ بکنید و توجه به خدا را و این وحدت تان را حفظ بکنید و این نهضت را همین طور گرم نگه دارید، انشاءالله امیدوارم که به زودی پیش ببرید.

وجود حس مسؤولیت در کارها ترمیم کننده سریعتر خرابی هاست

و اما راجع به شما، طولانی شد، ولی خوب حالا چند کلمه ای: همه جای این مملکت را اینها خراب کردند و رفتند، یعنی هر جا دست بگذاری خراب است،

چه کسی باید این را درستش کند؟ شما خیال کردید که یک قدرتی می تواند این را درست کند الا ملت؟ ملت یک قدرت بزرگی است، اگر بخواهد یک کاری بکند، چون یک سی و پنج میلیون فرض کنید قیام به یک امری بکند، آسان عمل به آن بکند، اگر بخواهد هر قشری بگذارد گردن دیگری، شما بگوئید خوب، دولت این کار را بکند، دولت بگوید ملت، نمی شود، باید همه دست به هم بدهیم و هر کس در هر جا هست خوب کار بکند هر کس هر چیزی را که مشغولش هست همان پست خودش را خوب انجام بدهد، نگاه نکنند که چه کسی می کند یا نه، این لازم نیست که شما بروید مناقشه کنید که در عدلیه چه خواهد شد، در نظام، در فرض کنید که در دادگستری چه خواهد شد اینها به ما ربط ندارد ما پزشکیم، کار پزشکی مان را خوب می کنیم، کسان دیگر نمی کنند، خلاف وظیفه می کنند، آنها در دادگستری باید کار خودش را خوب انجام بدهد، آن شبیه خوان های سابق را یادتان است که شبیه می خواندند حالا هم خیلی می پرسند و ما هم می گوئیم بهتر این است روضه بخوانند، شمر خوب آن بود که در شماری خوب باشد و شبیه سیدالشهدا خوب این بود که شبیه او را خوب در بیاورد، در این امور آن کسی که کار خودش، این تصرف در کار او نکند، او هم تصرف در کار او نکند، هر کسی کار خودش را خوب انجام بدهد، اگر هر کسی خودش را موظف داشت به اینکه آن کاری که محول به اوست خوب انجام بدهد، خواهد خوب انجام گرفت. شما پزشکید، خداوند حفظتان کند، شما مثل یک پدری نسبت به مریض باید باشید که علاقه مند به این باشید که این خوب بشود، همانطوری که اگر خدای نخواستہ فرزندان مریض بشود، چطور علاقه مند و از روی محبت این کار را می کنید، اینها برادر شما هستند، خواهر شما هستند، خداوند عقد اخوت بین همه مؤمنین انداخته (المؤمنون اخوه) برادر شما هست، مریض شده، اینجا خواهر شماست مریض شده این را باید با کمال رافت، محبت، انجام بدهید. پرستارها اینطوری، آنکه خواهد اداره کند، این فرض کنید که، محل را، این بیمارستان را، آن هم باید با علاقه که می خواهد یک خانه خودش را اداره کند، به علاقه این کار را بکنید، هر کس باید آن کار که به او محول می شود خوب انجام بدهد، دیگری انجام می دهد یا نمی دهد، به من چه، من کار خودم را خوب انجام می دهم، او مسؤول است، نباید اگر یکی دیگر این کار را بد انجام داده، به من سرایت بکند، من کار را بد انجام بدهم، باید کار خوب شما را دیگران سرمشق قرار بدهند، کار بد دیگران را شما سرمشق قرار ندهید، اگر یک همچو روحیه ای در ملت پیدا شد و بحمدالله شده است، یک همچو مسائلی الان پیدا شده، یک همچو تعاونی الان در ملت ما هست و باید تقویت کرد این حس را، خوب، ملاحظه می کنید که الان اشخاصی که اهل مثلا این کار نبودند که بروند در بیابان ها درو بکنند یا بروند خانه بسازند یا برای چه الان اشخاصی که از مدارس روند آنجا، از فرض کنید که پزشک است، دکتر است، چه هست، پا می شود می رود آنجا مشغول به همان کارها، این حس تعاونی است که اگر تقویت بشود، این حس تعاون به زودی این خرابی ها، اینها مرتب انشاءالله خواهد شد، خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند و موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه امام خمینی با خبرنگاران مسلمان مقیم انگلستان و خبرنگاران آفریقائی و آسیائی

سوال: وضع اقلیت ها در حکومت اسلامی چگونه است و آیا با داشتن اقلیت های متعدد در کشور، حکومت به شکل فدرال در یک دولت مرکزی با قدرت، ترجیح نخواهد داشت؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. اقلیت ها یک وقت گفته می شود به اقلیت های مذهبی که در ایران این اقلیت ها هست، آنها با سایر افراد ایران در همه چیز مشترک و حقوقشان به حسب قوانین داده می شود و در حکومت اسلامی آنها در رفاه و آسایش و آزادی هستند و یک وقت گفته می شود و مراد این است که طوایفی که در ایران هستند مثل کرد و لر و ترک و فارس و بلوچ و امثال اینها، این را البته من میل ندارم که اسمش را اقلیت ها بگذارند برای اینکه این کانه یک جدایی بین برادرها از آن فهمیده می شود و در اسلام همچو جدایی ابدی مطرح نیست، جدایی نیست ما بین دو تا مسلمی که با دوزبان صحبت می کنند، مسلمی که عرب است، مسلمی که عجم است. این مسائل بسیار محتمل است که از دست هایی که می خواهند ممالک اسلامی با هم وحدت پیدا نکنند پیش آمده است. قضیه عرب را پیش کشیده اند و عجم را، در داخل ممالک قضیه کرد را و عرب را، کرد را و فارس را، در مملکت ما قضیه کرد و عرب و لر و ترکمن و بلوچ و امثال اینها را پیش کشیده اند مخالفین ما که دارای مطالعات زیادی در این مملکت ها هستند، اینها به آنجا رسیدند که اگر چنانچه اسلام به آنطوری که هست پیاده بشود و آنطوری که اسلام دعوت کرده است تحقق پیدا بکند، تمام این قدرت هایی که در عالم هستند، اینها منعزل می شوند و قدرت بالاتر از همه قدرت ها به دست مسلمین که جمعیتشان اکثر هم هست، ذخائرشان بیشتر هم هست می افتد، از این جهت در یک سطح وسیعی اینها بین عرب این ناحیه، ترک آن ناحیه، فارس این ناحیه، اینها جدایی می خواهند بیندازند و لهذا بر خلاف منطق اسلام، این ملیت ها پان ایرانیسم، پان ترکیسم، از این ایسم درست می کنند و مقصد آنها این است که اینجا اسلام و منطق اسلام نباشد و ملیت ها را پیش بکشند و جدا کنند اسلام را، بعض طایفه اش را از طایفه دیگر، اقلیت های مثلا کرد و ترک و کذا، اصل قاعده اش این است که در ایران مطرح نباشد اینکه این اقلیتی است، آن یک اقلیتی است، این یک اکثریتی است. مگر اینها از هم جدا هستند؟ اخوت اسلامی شان مگر یکی نیست؟ و

علاوه، من یک مطلب دیگری هم باید تذکر دهم و آن اینکه این حرف را که پیش آمده است، کردها گویند که حق کردستان را بدهید، فرض کنید که بلوچ هم می گویند حق بلوچ را بدهید و همین طور، این برای این است که فرم حکومت هایی که در ایران حکومت کردند یک حکومت ظالمانه بوده است و چون این حکومت ها اکثرا یا دائما از یک قشر بودند، فارس مثلا بودند، از این جهت به حوائجی که باید به کرد بدهند نمی دادند یا کم می دادند، حاجت های بلوچ را بر نمی آوردند یا کم بر می آوردند همین طور بختیاری و همین طور سایر قشرها. آنها رژیم های غیر اسلامی بودند، رژیم شاهنشاهی یک رژیم طاغوتی غیر اسلامی بود، از این جهت این اختلافات در بطن کشور پیدا شد و این تبعیض ها هم مع الاسف پیدا شد.

اگر چنانچه حکومت اسلامی به آنطور که خدای تبارک و تعالی مقرر فرموده است شرایط حاکم را، شرایط مامورین دولت را، کیفیت حکومت را آنطوری که در اسلام مقرر است، همانطوری که در صدر اسلام بود که حکومت نسبت به تمام افراد به یک نظر و قانون نسبت به تمام افراد یک طور جریان دارد، حکومتی که رئیس حکومت را به دادگاه می خواهد و می رود به دادگاه. در زمان علی ابن ابیطالب سلام الله علیه که اختلافی بین ایشان و یک نفر از افراد ذمی، یهودی پیدا شد، همان قاضی که خود ایشان تعیین کرده بودند، احضار کرد حضرت را، حاکم وقت را احضار کرد، ولی امر وقت را احضار کرد ایشان هم رفتند، وقتی هم رفتند آنجا قاضی می خواست یک احترامی بگذارد، حتی به اینکه کنیه _ با کنیه _ حضرت را ذکر کند، به حسب نقل این است که ایشان گفتند نه، قاضی باید نسبت به همه علی السوی باشد، نظرش یک جور باشد. از آداب قضای اسلامی یکی این است که وقتی نگاه هم خواهد بکند به طرفین، یکی را بیشتر نگاه نکند از دیگری، علی السوی باشد، در نشستن جوری نباشد که یکی بالاتر بنشیند، یکی پائین تر بنشیند. اگر یک همچو حکومت اسلامی که در آرزوی ماست، آمال اسلام است، آمال ائمه اسلام و خلفای اسلام از اول بوده است، اگر یک همچو حکومتی پیدا بشود، من مطمئنم که این صحبت های حق من و حق تو از بین خواهد رفت برای اینکه همه یک روانند، همه یک جور حق دارند. حق ندارد حاکم و ولی امر در وقت، یک ناحیه را بیشتر به آن توجه بکند تا ناحیه دیگر، حق ندارد یک طرف از کشور را زیادتر از طرف دیگر کشور آباد کند، حق ندارد حتی یک جایی را کمتر از جای دیگر فرض کنید که خیابان کشی کند یا اسفالت کند. اگر یک همچو حکومتی که آرزوی ماست پیدا بشود، گمان نکنم که نه کرد و نه ترک و نه فارس و نه عرب و نه سایرین این مسائل را پیش بیاورند. این مسائل از اینجا پیش آمده است که دولت ها اسلامی نبودند، اجحاف می کردند. وقتی بین تهران و پاوه فرق نباشد، بین اصفهان با ترکمن، محل ترکمن فرقی نباشد در حکومت کردن، در قضاوت کردن، در اجرای قوانین، در اجرای برنامه ها،

آنوقت چه نظری دیگر هست به اینکه ما محل دست خودمان باشد یا دست آنها باشد. این حرف ها از آنجا پیدا شده است که ظلم شده است به آنها. حالا چون این حرف ها پیدا شده است، خوب ناچار ما هم تا یک حکومت اسلامی به همان معنایی که می خواهیم پیش نیاید، برای اینکه آقایان خیال نکنند که بنای بر این است که خیر، یک حکومت مرکزی هر کاری دلش می خواهد بکند، با هر قشری هر کاری می خواهد بکند، ما هم بنای بر این داریم که امور هر طرفی، هر جایی، خود اهالی آنجا، خود آن کسانی که در آنجا قرار داده می شوند، امور آنجا را خود آنها راجع به - این - امور تعمیر و راجع به امور زراعت و راجع به امور مثلاً شهرداری و راجع به تعیین مثلاً بعضی از اجزای اینها خودشان تعیین کنند و - این - من به همه دارم عرض می کنم این را، تا آنوقتی که حکومت اسلامی آنطور که دلمان می خواهد حاصل نشده است، شما میل دارید و ما هم تقدیم می کنیم ولی بدانید آن روزی که حکومت اسلامی پیدا شد، کردها هم می گویند هر که می خواهد بیاید، فارس ها هم می گویند هر که می خواهد حاکم بشود، عرب هم همین را می گوید، همه همین را می گویند. آیا در صدر اسلام اصلاً این مطرح بوده است که یک جایی خودشان برای خودشان تعیین کنند کسی را؟ نبوده، برای اینکه اجحاف نبوده. بنا نبوده است که یک حاکمی وقتی که حکومت کند، یک جایی را از جای دیگر فرق بگذارد، مگر آنوقت که انحراف پیدا شد، اگر یک همچو حکومتی ما فرض کنیم در یک کشوری پیدا شد که نظر حاکم به حسب تکلیف الهی، مکلف است به طور تکلیف الهی، موظف است به حسب قانون که همه اهل کشور را با یک نظر نگاه کند، تمام اهل کشور را برادر خودش بداند، در اجرای قانون ما بین حاکم و محکوم یک جور باشد، در پروژه هایی که درست می کنند برای تعمیرات، برای هر چیزی، همه جا مثل هم باشد، به عدالت باشد، آیا آن روز هم باز فرض کنید که کردستان می گوید که برای ما خودمان چه باشد؟ آنها برای اینکه ناراحتی دیدند این حرف را زنند. آن روزی که حکومت اسلامی به آنطوری که ما می خواهیم، خدا خواهد، تحقق پیدا کند، همه برادر با هم هستند و کرد بیاید تهران حاکم باشد مانعی ندارد، فارس برود کردستان حاکم باشد، پیش آنها مانعی ندارد و همه اینها برای این است که اینها ناراحتی دیدند از حکومت های سابق، حکومت اسلام را ندیدند چه جوری است، مسح اش نکردند حکومت اسلام را، حرفش شنیده شده است، بلکه حرفش هم این آخری شنیده شده لکن حرفش هم نبوده است. چون این را احساس نکردند که حکومت اسلامی چی هست، از این جهت این حرف ها پیش آمده است، ما هم حالا حرف های آنها را به آنطوری که مخالف با استقلال کشور نباشد، مخالف با مصالح مملکت نباشد، مضایقه نداریم ما که نمی خواهیم حکومت بکنیم، ما نظر به این نداریم که اجحاف بکنیم، حکومت بکنیم. اسلام حکومت طرح پیش اش نیست، اسلام اخوت است. آن صدر اسلام، آن شخص های اول هم با آخر آنها مثل هم بودند، یک طور زندگی می کردند. خلیفه

ثانی وقتی که در یک سفری رفت برای یکی از کشورهای که تحت سلطه اش بود، نزدیک آنجا که رسیده بودند نوبت غلامش بود که سوار بشود و خلیفه پیاده افسار را بگیرد، اینطور نقل کنند، وقتی وارد شهر شدند، اینطوری وارد شهر شدند خلیفه افسار شتر را گرفته بود داشت می برد و آن غلام هم سوار شتر شده بود. اگر یک همچو حکومتی پیدا بشود که در صدر اسلام به واسطه قدرت اسلام و به واسطه قوه اسلام بوده است این مسائل، دیگر کسی آرزوی این را می کند که من از اهل خودم؟ اصلاً دیگر خودی باقی می ماند که خودم و اجنبی؟! بومی و اجنبی؟! اصلاً این مسأله طرح می شود در اسلام که یکی بومی است یکی غیر بومی؟! بومی و غیر بومی دیگر در کار نیست، همه اسلام است و همه مسلمین اند و همه برادرند و همه مثل هم هستند، آن بیاید در این شهر و این برود در آن شهر، هیچ فرقی در اسلام نیست. در اسلام نه اینطور نژاد و تعصب نژادی هست و نه اختلافاتی که در جاها و رژیم های دیگری هست، هست. و من امیدوارم که اگر چنانچه اسلام آنطور که خواست اسلام است تحقق پیدا بکند، تمام این حرف ها از بین برود _ اساس _ ببینند اساس نداشته است، آنوقت ما هم خجالت پیدا کنیم که چرا ما گفتیم فارس و آن هم خجالت بکشد چرا گفتیم ترک. مگر ما مسلمان نیستیم؟ مگر ما اهل یک کشور نیستیم؟ اهل یک ملت نیستیم؟ برادر نیستیم؟ برادر که دیگر نباید بگوید که من بومی هستم و تو غریبه. اینها برای این است که نشده تا حالا اسلام، نتوانستند تا حالا اسلام را متحقق اش کنند روی یک حکومت اسلامی، روی عدل اسلامی، روی برنامه اسلامی، تا نشده، خوب این مسائل هست و ما هم همین مسائل را آنطور که دلخواه همه ملت هست عمل می کنیم. اختصاصی هم ندارد به کرد و ترک و عرض می کنم که بختیاری، همه جا همین جور است برای اینکه همه برادرند. بنابراین دیگر _ مسأله _ این مسأله ای که ایشان طرح کردند که بهتر این است که _ یک _ مثل، مثلاً آلمان باشد و فدرال باشد، اصلاً این صحبت پیش نمی آید در اسلام. همه با همند، قضیه قدرت نیست که، قدرت نمائی نیست در اسلام که بخواهند قدرت به دست بیاورند. حکومت اسلامی حکومتی نیست که بخواهد قدرت به دست بیاورد و این قدرتش زیادتر باشد و آن قدرتش کمتر، یک حکومت خاصی است که اگر پیدا شد آنوقت می بینید چی هست.

سؤال: گفته می شود که انقلاب اسلامی ایران به خارج هم صادر می شود ولی بعضاً دولت های اسلامی موافق نیستند و حتی مخالف هم هستند ولی دنیای اسلام تأیید خودش را کرده، آیا به نظر حضرتعالی این علامتی نیست برای ایجاد یک امت قوی اسلامی در سراسر جهان؟

جواب: ما امید این را داریم، اسلام برای یک کشور، برای چند کشور، برای یک طایفه، حتی برای مسلمین نیست، اسلام برای بشر آمده است، خطاب های اسلام یا ایها الناس است، گاهی یا

اینها المؤمنین، والا یا ایها الناس است و همه بشر را اسلام می خواهد زیر پوشش عدل خودش قرار بدهد. حکومت ها مع الاسف توجه ندارند به اینکه در زیر سایه اسلام، زیر بیرق اسلام همه مسائل کشورهایشان حل می شود. بعضی از این حکومت ها هستند که ترجیح می دهند که زیر سلطه مثلا کارتر باشند و به اسلام گرایش پیدا نکنند، برای این است که شناخت اسلام را ندارند، اینها از اولی که متولد شدند، در یک محیط که از اسلام خیلی خبر نبوده است زندگی کردند و بعد هم هر کدام توانستند رفتند به خارج، به اروپا یا به آمریکا و آنجا هم تحصیلاتشان را کردند و بیخبر از احکام اسلام و اسلام، حکومت اسلام به گوششان نخورده است تا بدانند چی هست، اگر هم یک وقت به گوششان خورده نتوانستند بفهمند که حکومت اسلام چی هست و آیا اسلام اگر چنانچه به آنطوری که هست تحقق پیدا بکند، این آیا برای آنها ضرر دارد؟ این مطلب اصلا طرح نشده تا حالا پیششان که بتوانند بفهمند که اسلام برایشان مفید است یا ضرر دارد. اگر اینها بفهمند اسلام را و بدانند که اسلام برای همه شان مفید است. بلکه اگر بشر بفهمد که حکومت اسلام برای همه مفید است، ما امید این را داریم که همه گرایش پیدا بکنند به اسلام، حکومت ها هم گرایش پیدا بکنند.

الان حکومت ها از باب اینکه اجنبی هستند از ملت هایشان اکثرا، و توجه به ملت هایشان ندارند، بر خلاف موازین اسلام، ملت از حکومت جداست، حکومت از ملت جداست، حکومت ها بعضی ها از بعضی جدا هستند و دشمن با هم هستند، بر خلاف موازین اسلام اینها خیال این معنا را می کنند که ما باید قدرتمان در اینجا چه باشد که یک قدرت دیگری که یک جای دیگر است بگویم آن را. نمی دانند که اسلام آمده است این بت ها را بشکند، آمده است این قدرت ها را بشکند، یک طرز حکومت الهی پیدا بشود که برای همه مفید باشد. اگر این را حکومت ها هم ادراک بکنند، بفهمند که اسلام وضعش چطوری است، به نظر می رسد که گرایش پیدا بکنند، بله ممکن است که یک کسی هم از بس هوای نفس دارد با عدالت هم مخالف باشد، نخواهد عدالت اصلش در دنیا پیدا بشود، چنانچه حریف ما الان در آمریکا اینطوری است که با عدالت اصلش مخالف است، با حقوق بشر مخالف است، می گوید حقوق بشر، ادعا زیاد است لکن وقتی که انسان بررسی می کند در حالاتشان، بررسی کند در برنامه هایشان می بیند که آن قضیه سازمان حقوق بشر و... نمی دانم... شورای امنیت و اینها یک چیزهایی است که قدرتمندان درست کردند که این ضعفا را هر کاری می خواهند بکنند... سرشان... و هر بلایی خواهند سرشان در آورند و بعد آنهایی که آنجا نشسته اند به اسم حقوق بشر و چه، وقتی که مطالبشان آنجا برود آنها را محکوم کنند و آنها را حاکم کنند. الان قضیه ایران مطرح هست و شما و همه، همه ملت ها بلکه دولت ها هم می دانند این را، می دانند این مطلب را که به سر این ملت از دست این آدم خائن چه آمده است، با این ملت این چه کرده است، همه چیز این ملت را از بین برده است، حالا رفته است در آنجا، برده اند او را

در آنجا، یا برای توطئه یا برای معالجه پناه داده اند و ما از آنها می خواهیم که خوب، این مجرم ماست، به حسب همه قوانین عالم، به حسب عقل، به حسب قوانین یک کسی که به یک ملتی ظلم کرده و مال یک ملتی را از بین برده و هدر داده و تمام حیثیت یک ملت را از بین برده است، این را بدهید اینجا ما محاکمه اش می خواهیم بکنیم. حالا ملاحظه خواهید کرد که هر جا که یک جمعیتی باشد، یک سازمانی باشد، سازمان بین المللی نمی دانم شورای امنیت، سازمان حقوق بشر، هر جایی یک همچو جمعیتی باشد، ما را محکوم می کند. الان شما ملاحظه می کنید و همه دیدند و شواهد و پرونده ها بیرون آمده است که این محلی که اسمش را گذاشته اند سفارت، این اصلا سفارت نبوده از اول معلوم شود سفارت نداشته اند اینجا، یک جایی محل جاسوسی بوده است اسم سفارت هم رویش گذاشته اند. یک محل جاسوسی و یک عده ای که شغل جاسوسی دارند در اینجا هستند، اشخاصی که متخصص هستند در جاسوسی و در امثال ذلک اینجا هستند. حالا شما خواهید دید که این جاسوس ها را، همان اشخاصی که در اینجا جمع شده اند و سازمان ملل را درست کرده اند و اجتماع در این معنا و شورای امنیت و اینها، راجع به اینها، اینها را به عنوان یک _ دیپلمات دارند جا می زنند، آنها هم تاییدشان می کنند و ما هم همه جا محکوم. ضعیف همیشه محکوم است. ضعیف محکوم سرنیزه است. محکوم قلم هایی هست که این قلم ها از سرنیزه بدتر است. محکوم این است که ابرقدرت ها هر چه دلشان می خواهد بگویند و هر کاری می خواهند سر این ضعفا، این ممالک ضعیف بیاورند و آنها هم صحنه بگذارند. شما خواهید در این قصه ما، در این مصیبت مملکت ما و ملت ما و ملت اسلام خواهید دید که همه سازمان ها با ما مخالفت می کنند. آن روزی که خواستند که وزیر خارجه اینجا برود به آنجا برای نمی دانم چه، ما دیدیم که رفتن ایشان صحنه گذاشتن به یک چیزی است که بر خلاف مصلحت اسلام است، بر خلاف مصلحت مسلمین است، از این جهت نگذاشتیم برود. اگر رفته بود، ما را محکوم می کردند با دست خودمان، ما را محکوم می کردند با کسی که خود ما فرستادیم آنجا و ما نمی خواهیم. وقتی که بناست ما محکوم باشیم چرا خودمان، خودمان را محکوم کنیم؟ بگذارید دنیا بداند که یک دسته دیگر، یک دسته دیگر را دار محکوم می کنند و یک سازمان هایی هم هست که مال آنهاست، آنها حق و تو دارند و هر جایی که بزرگ ها هر جایی که بر خلاف مصلحت آنها باشد و تو می کنند و ماها هیچ حقی نداریم جز اینکه مصیبت بکشیم و صدایمان در نیاید. بنابراین اینطور سازمان ها و اینطور بساط مسأله نیست که ما بتوانیم قبولشان بکنیم و بتوانیم به آنجا یک نماینده ای بفرستیم و ما از اول اعلام می کنیم که به حسب نظر شورای امنیت و سازمان بین المللی، ما محکوم هستیم. نظرهای آنها ما را محکوم می کند برای اینکه نظرهای آنها همان نظر سرنیزه است، یک جا سرنیزه است و یک جا قلم است، این قلم از سرنیزه بدتر است. بنابراین دانم

حالا تئمه سؤال ایشان چه بود، لکن مصیبت های ما اینقدر است که ما از جواب سوال ها هم یک وقت غفلت می کنیم .

این بود که گویند آیا قدرت های اسلامی به هم پیوند دارند؟ ما امید این را داریم که این نهضت ایران روشن کند مسائل را به همه ملت ها و روشن کرده است نسبت به ملت ها . ملت ها الان با ما هستند، اگر سرنیزه را از این ملت ها بردارند، از عراق بردارند، از نمی دانم ترکیه بردارند، از جاهای دیگر بردارند، همه یکصدا با ما موافقتند . سرنیزه جلو را گرفته است منتها ایران سرنیزه را شکست، ایران ایستاد، ملت ضعیف ایستاد در مقابل قدرت های قوی و این سرنیزه های اینها را شکست و خودشان را هم بیرون کرد . ملت های دیگر هم اگر بیدار بشوند، بتوانند که دولت ها را همراه کنند، دولت ها نصایح ما را بشنوند که با ملت ها یکی باشید، ملت ها و دولت ها سر جا هستند و اسلام، همه با هم می شوند و اگر نشنوند، همان سرنوشتی که برای محمدرضا بود برای دیگران هم همین هست . یکی چهار روز زودتر، یکی چهار روز دیرتر و ما امید این را داریم که یک قدرت اسلامی، قدرت عدل، قدرتی که در پناه عدل باشد، نه در پناه سرنیزه، نه در پناه نمی دانم توپ و تانک، یک همچو قدرتی پیدا بشود و تمام بشر با هم باشند . به ما این وعده را داده اند که در یک وقتی که امام زمان سلام الله علیه ظهور کند، این اختلافات از بین می رود و همه برادروار با هم هستند دیگر زورمند و عرض می کنم که زورکشی در کار نمی ماند . ما امیدواریم یک قدری از این مطلب را، یک ورقی از این مطلب را بتوانیم آنقدری که قدرت داریم اجرا کنیم و ما امیدواریم که ملت ها که با ما هستند، دولت ها هم با ما بشوند و صلاح خودشان هم این معناست که با ما بشوند و امیدوار این معنا هستیم انشاءالله .

سوال : شاه مخلوع گفته که اگر قرار باشد او را محاکمه کنند، هفت نفر از آخرین روسای جمهوری هم باید محاکمه بشوند، از طرف دیگر مطبوعات غرب خواسته اند که جریان استرداد شاه را یک حس انتقامجویی تلقی کنند . لطفا بفرمایید هدف از استرداد و محاکمه شاه مخلوع چیست ؟

جواب : شاه این یک کلمه اش درست است . ولو هیچ وقت بنا نداشت که یک حرف حساسی بزند ولی این یک کلمه اش درست است که اگر ایشان محاکمه بشود، رؤسای جمهوری هم باید محاکمه بشوند و ما قبل از محاکمه ایشان، محاکمه آنها را می کنیم . البته ما همچو قدرتی نداریم که بفرستیم و نیکسون را بیاوریم اینجا یا کارتر را بیاوریم اینجا، قدرت ما نداریم اما قدرت این را داریم که اینجا خودمان محاکمه اش کنیم، محاکمه غیابی، ما عده ای از اشخاصی که کارشناسند، عده ای از اشخاصی که قوانین بین المللی را می دانند، اشخاص منصف، یک دادگاه بین المللی اینجا ما درست کنیم (اگر گوش به حرفمان ندادند، خوب چه بکنیم) و محاکمه کنیم اینها را و این متوقف به این نیست که شاه را محاکمه

کنیم، این حرفش هم این تکه اش درست نیست که "اگر من را محاکمه کنند"، نه، دو تا مجرم هستید که یکی تان از دیگری مجرمتر یعنی آنی که امر به تو کرده و الزام کرده تو را به این کار، او پیش ما مجرمتر است، تو آلت فعل بودی، آنها فعل را به توسط تو، کارها را به توسط تو انجام دادند و ما آن مجرم بالاتر را عبارت از رؤسای جمهور می دانیم و آنها را باید محاکمه کنیم. اگر می توانستیم، می رفتیم همه شان را آوردیم اینجا و می نشانیدیم و از آنها محاکمه شان می کردیم، محاکمه عدالت و اگر واقعا اینها وجدان دارند، همانظوری که قصه را برای شما نقل کردم که یک قاضی که از طرف خود حضرت امیر تعیین شده بود، حضرت امیر را احضار می کند و آن هم می رود، برای اینکه عدل است خواهند بروند، خلاف دین نمی خواهند کاری بکنند، اگر اینها وجدانشان بیدار باشد و منقلب نشده باشند از آن وجدان انسانی به یک وجدان دیگری، ما اگر احضارشان کنیم که ما می خواهیم به طور عادلانه با شما رفتار کنیم، می گوئید که از خودمان هم باشد، از خودتان هم باشد، بیائید اینجا ما محاکمه کنیم می خواهید هم، خود شما ما البته شاه را باید اینجا محاکمه کنیم لکن می خواهید هم خود شما آنجا ما بفرستیم شما را محاکمه کنند. اگر وجدانشان بیدار باشد قبول می کنند لکن ما همچو امیدی نداریم اما این را ما می توانیم که در اینجا غیبا آنها را محاکمه کنیم و این موقوف به این هم نیست که شاه را محاکمه کنیم، شاه باید اینجا بیاید محاکمه بشود، برای اینکه جرم های او اینجا موجود است و ما آن جرم های موجود اینجا را نمی توانیم نقلش بدهیم به آنجا، جرم های آنها هم همین طور است که اینجاست و قابل نقل نیست لکن ما به آنها نمی توانیم یک همچو تحمیلی بکنیم، زورمان به آنها نمی رسد و اگر توانستیم آن یک مجمعی که می خواهیم، درست بکنیم برای محاکمه و برای اینکه بررسی کنند به اوضاع ما، به این جنایاتی که به ما شده بررسی بشود ببینند ما چه می گوئیم و نمی گذارند که صدای ما به دنیا برسد. حالا من هم نمی دانم که شماها می توانید برسانید یا توانید، یا وقتی بروید آنجا نمی گذارند صدای ما را نمی گذارند به دنیا برسد. ملت امریکا اصلا مطلع نیست که ما چه می گوئیم، بعضی شاید اسم ایران را نشنیده باشند. وقتی که اینطور باشد و نگذارند حرف ما به جامعه امریکا برسد، خوب آنوقت امریکایی ها خیال می کنند که ما یک دسته دیپلمات را گرفتیم اینجا و داریم هر روز هم کتکشان زنیم و سرنیزه هم بالایشان نگه داشتیم که نمی گذاریم نفس بکشند و نمی گذاریم حمام بروند و نمی گذاریم غذا بخورند و از این حرف هایی که تبلیغات آنها، قلم دست دشمن است. می گویند که شیطان را یک وقت کسی خواب دید، دید چه صورت خوشگلی دارد گفت آخر این که تو هستی با آنی که به ما نشان می دهند دوتاست، آن یک جور دیگر است، تو یک جور دیگری، گفت قلم دست دشمن است. قلم الان قلم مطبوعات خارج، قلم دشمن هاست که از سرنیزه ها برای بشر بدتر است. وقتی قلم دست آنهاست هر چه می خواهند می گویند. خوب، در یکی از حرف هایشان هم

نوشته بودند که خمینی پستان زن ها را دارد می برد ، شما الان نشستید اینجا می بینید خمینی یک طلبه ضعیفی است اینجا نشسته با شما صحبت می کند و مردم هم به او علاقه دارند چون نوکر خودشان هست ، آدم به نوکرش ، به خادمش علاقه دارد ، نه پستانی بریده شده و نه کسی چیزی شده ، اینها فقط دیدند که هویدا را اینجا گرفتند و اعدامش کردند ، هویدا را خیال کردند که جامعه زن است و این را که اعدام کردند ، پستان بریدن است !! نه ، مسائل این نیست ، دست خود آنهاست هرچه دلشان می خواهد بگویند . شما که شاهد مسائل هستید بروید شهادت خودتان را بدهید که وضع ما اینطوری است ، نه ما می خواهیم یک حکومتی داشته باشیم ، اگر می خواستیم حکومتی داشته باشیم که اینطوری تو این اتاق نبودیم ، تو آن اتاق هایی بودیم که آقای کارتر بودند ، تو آن عمارت هایی که آنها هستند ، کاخ سفید بودیم . ما این مسائل پیشمان مطرح نیست ، ما می خواهیم یک حکومت عدلی در دنیا پیدا بشود و این مجرم هایی که به ما جرم کردند و مال ما را ، مال ملت ما را بردند و هدر دادند و نیروی انسانی ما را هدر دادند ، اینها بیایند اینجا ما محاکمه شان کنیم و آقای کارتر که مایل نیست ، با هر قمیتی هست نمی گذارد که شاه بیاید ، حق دارد ، اگر شاید من هم بودم همین کار را می کردم برای اینکه یک کسی که کلید جرمش را شاه می تواند باز کند ، چطور بگذارد بیاید اینجا؟ کلید جرم این ، جرم های این و خیانت ها و جنایت هایی که به ملت ما کردند دست اوست ، اگر چنانچه او بیاید اینجا و از او پرسند و عرض بکنم که در بازپرسی بخواهد جواب بدهد ، او هم آن مجرم اصلی را خواهد گفت ، قبلا هم گفته است ، قبلا هم خود همین آقای محمدرضا گفته است که اینها می فرستادند و تعیین می کردند وکلا را ، آن لیستش را به ما می دادند ، وقتی لیست را به ما می دادند ما تعیین می کردیم همان ها را . خوب یک همچو جرم به این بزرگی را این قبلا اقرار کرده ، گفته این معنا را که این هم جرم خودش و هم جرم رؤسای جمهور است ، اینها یکی از جرم های کوچکش است که ایشان گفته است و الا جرم ها اینقدر زیاد است ، پرونده ها اینقدر زیاد است ، مظلوم ها اینقدر در اینجا زیادند که به این زودی ها ما نمی توانیم نه جرم های آن را بشماریم و این مظلومین را نمی توانیم که تظلمشان را به دنیا برسانیم .

سوال : دانشجویانی که سفارت را اشغال کرده اند خودشان را پیرو خط امام می دانند ، با وجود این به نظر خارجی ها این خود دانشجویان هستند که سیاست خارجی ایران را هدایت می کنند ، در این باره حضرتعالی چه نظری دارید؟ آقای قطب زاده در این مورد چه کاری انجام می دهند؟

جواب : اگر مقصود این است که سیاست خارجی را دارند اینها هدایت می کنند ، این یک افترا بی است که می زنید به آنها ، اینطور نیست و اگر مقصود این است که این کاری را که اینها مطلع شدند به اینکه اینجا محل جاسوسی بوده است و روی حس انسانیت خودشان برای حمایت

از مظلوم ها رفتند آنجا را گرفتند ، اگر مقصود از سیاست خارجی این معناست که اینها را گرفتند و حالا می گویند که بیائید مجرم ما را بدهید تا اینکه ما آنها را رها کنیم یا محاکمه شان بکنیم ، اگر سیاست این است ، آنها کردند و همه ملت هم موافقتند ، وزیر خارجه و تمام ملت و دولت و همه با این موافقتند . چنانچه اگر چنانچه باز رسیده باشد فریاد این ملت به آنها می بینید که اقشار ملت همیشه دنبال این قضیه هستند و اعلامیه هایشان و فریادهایشان و پیاده روی هایشان و راهپیمائی همه دنبال تایید این مطلب است و چرا تایید نکنند؟ برای اینکه یک جایی است که محل توطئه است . مردم جوان هایشان را دادند ، مردم خانه هایشان را سوزاندند ، خراب کردند ، همه چیزشان را دادند برای اینکه یک حکومت اسلامی پیدا بشود ، حالا احساس می کنند که یک جایی درست شده است برای توطئه ، روابط ما بین ریشه ها با دولت امریکا بلکه محل جاسوسی برای منطقه در اینجا هست . اصلا ما اینجا را سفارتخانه نمی دانیم ، ما اینجا را اجزای سفارتخانه نمی دانیم ، اینجا جاسوسخانه است و آنها هم جاسوس هستند ، اینهمه فریادی هم که قشرهای مختلفی که در خارج هستند دارند می زنند که همه رأی به این می دهند که اینها باید رها بشوند برای اینکه اینها اشخاصی هستند ، اجزای سفارتخانه هستند ، مامورین کذا هستند ، ما همه اینها را منکر هستیم و می گوییم بیائید ببینید ، دعوت می کنیم از این قشرهای مختلف که بیائید ببینید که وضع اینجا ، وضع سفارتخانه است ؟ سفارت ما را در امریکا ببینید ، سفارت امریکا را در اینجا ببینید . سفارت سایر مملکت ها را ببینید ، سفارت ایشان هم ببینید ، ببینید این سفارتخانه اصل اسمش هست تا شماها می گویند سفارتخانه را گرفتید؟ و اینها دیپلمات هستند که شما می گویند که دیپلمات ها را گرفتید؟ یا نه اینجا محل جاسوسی است لیس الا ، و اینها هم جاسوس هستند و اصلا ربطی به سفارت و سفارتخانه ندارد . ادعای ما این است ، اینها هم که رفتند و آنجا را گرفتند نمی خواهند که وزارت خارجه را اداره کنند ، اینها در یک قضیه جزئی و آنکه یک مجرم خودشان را یافتند و محل جرمش هم یافتند ، رفتند گرفتند آنجا را ، همه ما هم موافقیم با آنها .

سوال : اگر حکومت اسلامی بخواهد به این ترتیبی که هست پیش برود طبیعی است که اکثریتی از کشورهای جهان با او مخالف خواهند بود و جز با دشمنی رفتار نخواهند کرد ، بنابراین اساس روابط خارجی شما و دوستانتان به چه شکل و است آیا شما به دوستانی نیازمند هستید در روابط خارجی یا خیر؟

جواب : اگر خارجی ها بتوانند بفهمند ، ادراک کنند مسائل ما را ، همانطور که ملت ها وقتی ادراک کردند و ادراک کنند با ما موافقتند ، دولت ها هم اگر ادراک کنند که ما چه می گوییم با ما موافقتند . اگر مقصود از روابط آن روابطی است که تا حالا بین ایران و امریکا بوده است ، در

زمان شاه سابق بین ایران و امریکا بوده است ، این روابط نبوده است ، این یک آقایی بوده با نوکرش هر کاری می خواسته ، هر امری که می کرده عمل می کرده اگر می گویند ما اگر چنانچه بخواهیم اسلام را پیش ببریم دیگر نباید نوکر باشیم . اگر نوکر نباشیم رابطه اش را با ما قطع می کند ، ما از خدا می خواهیم که رابطه قطع بشود . ما ذلت را نخواهیم پذیرفت برای خاطر اینکه یک رابطه با یک ابرقدرت داشته باشیم . شرافتی نیست رابطه داشتن با امثال امریکا ، دولت امریکا یک شرافت انسانی مع الاسف الان ندارد که ما بخواهیم به واسطه آن شرافت انسانی اش با آن رابطه داشته باشیم . دولت امریکا این است که دارید می بینید که مظلوم را دارد در هر جا پیدا می کند پوست می کند ، هر جا بتواند می رود و بمب سرشان می ریزد ، هر چه بتواند ذخائر ملت ها را می برد ، ما بخواهیم روابط با اینها داشته باشیم ؟ بهتر این است که ما با اینها روابط نداشته باشیم ، بهتر این است با آنهایی که می خواهند ما را بچاپند رابطه نداشته باشیم تا یک وقتی که به خود بیایند و بفهمند شرق هم هست در عالم . آن روزی که بفهمند که شرق هم یک جایی هست که تمدن از او پیش آنها رفته است و مع الاسف خود شرق هم خودش را گم کرده است ، آن روز ما روابط ممکن است پیدا بکنیم ، روابطی که متقابل باشد با هم ، متعادل باشد با هم و الا- رابطه ای که اینطور باشد که سابق بود و آنطور باشد که اینها دلشان خواهد ، ما همچو رابطه ای را می خواهیم چه بکنیم ؟ چه فایده ای برای ما دارد که رابطه داشته باشیم و آنوقت محلی که باید سفارت باشد این وضع را داشته باشد؟ روابط ما این است که اجازه بدهیم سفارتخانه به اسم سفارتخانه محل جاسوسی درست بکنند و این خون هایی که ما دادیم هدر برود و باز محمدرضا را بیاورند اینجا!! چون خودش حالا مفلوک است ، پسرش را!! یک نقشه ای که می گویند دارند این است که در خواب دارد آقای کارتر برای خودش نقشه می کشد که با بختیار آنجاست و آن هم آنجا و بعضی از اشخاص هم اینجا و روابط هم اینجا دارند با آنها ، مع الاسف تو مغزشان دارند یک همچو نقشه ای کشند ، تخیلاتی می کنند برای خودشان لکن مطلب از اینها گذشته است ، دیگر حنای اینها رنگی ندارد . نه حنای آقای کارتر رنگ دارد و نه حنای آنهایی که در اینجا دلشان می خواهد آنها بیایند و دوباره اینجا همان بساط پیدا بشود و همان قضایا تجدید بشود ، اینها دیگر نمی شود . اگر رابطه ای می گویند که ما با دنیا رابطه داشته باشیم ، رابطه متقابل و دوستی باشد ، ما باید با همه دنیا روابط داشته باشیم اگر اینطور رابطه باشد ، ما هرگز نمی خواهیم که رابطه با اینها داشته باشیم ، نه با اینها ، نه با هر کس که بخواهد تحمیل به ما بکند . دول اسلامی با ما روابط دارند آن هم تا حدی که روی مصالح اسلامی ، روی مصالح مسلمین باشد ما با آنها روابط داریم . سایر دول غیر اسلامی هم هر کدامشان با ما بخواهند با عدالت رفتار بکنند ، ما را به حساب بیاورند ، ما را بدانند که یک ملت هستیم ، یک دولت داریم ، یک ملت هستیم ، یک رژیم هست در اینجا ، این را بفهمند و از آن سواری که هستند

پیاده بشوند یک قدری با هم راه برویم ، اگر پیاده شد آقای کارتر از آن عرشی که دارد آمد روی زمین نشست با ما زمین نشین ها تفاهم کرد ، ما هم با او تفاهم می کنیم و به استثنای اینکه باید آن ظلم هایی که به ما کرده است باید جبران بکند . با ملت امریکا که هیچ چیز نداریم ، هیچ اختلافی نیست بین ملت ها با هم با دولت هایشان دولتی که بعد پیش می آید ، تفاهم کند با ما ، اینطور نباشد که من در کاخ سفید نشستم و شما در کاخ نشستید و کاخ نشین با کاخ نشین باید ارباب و رعیت باشد این اگر این کلمه را بردارند و ما را همانطور که هستیم ، بفهمند ، ادراک کنند ماها را ، ما با آنها چرا رابطه ای نداشته باشیم ؟ با دولت امریکا هم رابطه پیدا می کنیم ، با همه جا و اما اگر وضع اینطور باشد ، ما می خواهیم چه کنیم که پیشقدم بشویم برای اینکه نوکری کنیم ؟! پیشقدم بشویم برای اینکه هم نوکری کنیم هم همه چیزمان را تقدیم کنیم ؟! آنوقت نوکر که می گرفتند یک اجرتی به او دادند ، اینها نوکر می گیرند و همه چیزش را هم می گیرند ، ما خواهیم چه کنیم با اینها رابطه داشته باشیم ؟ هیچ لازم نیست رابطه داشته باشیم .

سوال : بعد از تصویب قانون اساسی شکلی از حکومت که مطرح شده دو شکل است ، یکی اینکه یک حکومتی با استبداد روحانیت بر سر کار می آید و یا اینکه یک حکومتی که روحانیت در آن نقش فرعی دارد روی کار می آید ، این دو تا شکلی است که در جهان مطرح است ، نظر حضرتعالی چیست در این مورد؟

جواب : جهان ، اسلام را نمی دانند یعنی چه . آن جهانی که شما می گوئید ، یک جهان جاهل هست به اسلام ، اینها نمی دانند که حکومت اسلامی می آید برای اینکه دیکتاتوری نباشد ، نه در شهر خودش ، در مملکت خودش نباشد ، در امریکا هم نباشد . حکومت اسلام یک حکومتی است که برای از بین بردن دیکتاتوری می آید . آن کسی که اسلام قرار داده برای حکومت ، آن کسی است که با دیکتاتوری به حسب مذهب مخالف است ، مذهبش حکم می کند به اینکه دیکتاتوری نباید باشد . اینها خیال می کنند که همچو که گفتند فقیه عادل عالم مطلع بر موازین غیر جائز ملتفت کذا ، باید فلان مقام را ، قضاوت را تعیین کند ، باید اگر مردم تعیین کردند یک رئیسی را برای کشور ، آن هم اجازه بدهد ، این می شود دیکتاتوری !! اما اگر چنانچه یک نفر آدم ظالم جائز دیکتاتور همه چیز بیاید ، نه این دیکتاتوری نیست !! فرق فقط این است که معلوم می شود با علم مخالفند ، با عدالت مخالفند اینهایی که با حکومت فقیه مخالفند . با اینکه الان هم در قانون اساسی که درست کردند قضیه حکومتی نیست در کار ، اصلا اسلام حکومت ندارد ، اسلام اینطور نیست یک حاکمی مثل آقای هیتلر داشته باشد آنجا ، مثل آقای کارتر که نظیر هیتلر است داشته باشد آنجا و سرکوبی کند همه را و بزند و بکوبد . اصلا این چیزها در

اسلام مطرح نیست. اسلام که فقیه عادل مطلع دلسوز برای ملت را قرار می دهد که این نظارت کند یا فرض کنید حکومت کند، برای این است که جلو بگیرد از غیر عادل، غیر عادل نیاید و مردم را بچاپد. از صدر اسلام تا حالا شما ملاحظه کنید که آن حکومت های صدر اسلام مثل علی ابن ابیطالب سلام الله علیه چه جور بود، یک حکومت اسلامی روی عدالت، بعدش افتاد دست بنی امیه و بنی عباس و حکومت های جائز دیگر و شاهنشاهی و امثال ذلک. مسلمین آنجاها را هم گرفتند و بعد شاهنشاهی شد و نتوانستند مسلمین اسلام را درست پیاده کنند و حکومت اسلامی را، نشد. اسلام غریب است الان، اسلام غریب است، همانطور که غربا را نمی شناسند، یک غریبی وارد یک شهری بشود مردمش نمی شناسند، اسلام الان غریب است توی ملت ها، نمی شناسند اسلام را. چون نمی شناسند اسلام را، احکام اسلام را هم نمی دانند، اسلام شناس های ما هم اسلام را نمی شناسند، نمی شناسند این چی هست، وقتی شناختند خیال کنند که اگر چنانچه فقیه حکومت فقیه باشد، حکومت دیکتاتوری است و اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، دیگر هر که خواهد باشد، اگر شمر هم باشد این آقایان اشکالی به آن ندارند فقط فقیه را بهش اشکال دارند. اشکال هم برای این است که از اسلام می ترسند، از اسلام ترس دارند. اسلام نمی گذارد این حیثیت فاسدها را باقی باشد. اینها ترسند از آن، بعضی ها هم گول خوردند بعضی ها متعمدند در این امر، بعضی ها هم گول خوردند والا حکومت اسلامی مثل حکومت علی ابن ابیطالب دیکتاتوری تویش نیست، حکومتی است که به عدل است، حکومتی است که زندگی خودش از زندگی سایر رعیت ها بدتر است، آنها نمی توانستند مثل او زندگی کنند، او نان جو هم سیر نمی خورد، یک لقمه، دو تا لقمه برمی داشت با یک خرده نمک می خورد. این حکومت اصلا می تواند دیکتاتوری؟ دیکتاتوری برای چه بکند؟ عیش و عشرتی نیست تا اینکه بخواهد دیکتاتوری بکند برای او. حکمفرمایی اصلا در اسلام نیست، حکمفرمایی اصلا در کار نیست. پیغمبر اسلام که راس مسلمین و اسلام بود وقتی که در یک مجلسی نشسته بودند تو مسجد روی آن حصیرها (معلوم نیست حصیر حسابی هم داشته باشد) آنجا نشسته بودند، دور هم که نشسته بودند، عرب که خارج بودند و نمی شناختند پیغمبر را می آمدند می گفتند که کدام یکی محمد هستید، نمی شناختند برای اینکه حتی یک همچون چیزی هم زیر پیغمبر نبود. حالا ما اشراف هستیم. یک همچو حکومتی که بنا باشد اینطوری باشد، یک خانه گلی داشته باشد، یک گلیم هم حتی نداشته باشد، یک حکومتی که یک پوست می گویند داشته است که روزها علوفه شترش را حضرت امیر رویش می ریخته، شب ها زیر خودش و فاطمه می انداخته و می خوابیده رویش، اینکه دیکتاتوری نمی تواند باشد. اینهایی که می گویند دیکتاتوری، اسلام را نمی فهمند چی هست، فقیه اسلام را نمی دانند، خیال می کنند ما، هر فقیه، هر فقیه، هر چه هم فاسد باشد این حکومت، فقیه اگر پایش را اینطور بگذارد، اگر یک گناه صغیره هم بکند از ولایت ساقط

است. مگر ولایت یک چیز آسانی است که بدهند دست هر کس؟ اینها که می گویند که دیکتاتوری پیش می آید نمی دانم این مسائل پیش می آید، اینها نمی دانند که حکومت اسلامی حکومت دیکتاتوری نیست. مذهب مقابل اینها ایستاده، اسلام مقابل دیکتاتورها ایستاده و ما می خواهیم که فقیه باشد که جلوی دیکتاتورها را بگیرد، نگذارد رئیس جمهور دیکتاتوری کند، نگذارد نخست وزیر دیکتاتوری کند، نگذارد رئیس مثلا لشکر دیکتاتوری بکند، نگذارد رئیس ژاندارمری دیکتاتوری بکند، نه اینکه بخواهیم دیکتاتوری درست کنیم، فقیه خواهد چه کند دیکتاتوری را؟! کسی که زندگی، زندگی عادی دارد و نمی خواهد این مسائل را، دیکتاتوری برای چه می خواهد بکند؟ حکمفرمایی در کار نیست در اسلام، علاوه حالا در این قانون اساسی که اینقدر احتیاط کاری هم شده، آقایان هم اینقدر احتیاط کاری کرده اند که یک دفعه مردم بیایند خودشان تعیین کنند یک خبره هایی را، این دیکتاتوری است؟! این خبره ها را یکی بیاید بگوید که در یک شهری از این شهرها یک کسی فشار آورد روی مردم که بیاید به این شخص بدهید، حتی تبلیغات هم نشد، مردم اینها را می شناختند، مردم دانستند اینها را. اگر صد دفعه دیگر ما بخواهیم خبرگان تعیین کنیم، یا خود این آقایان تعیین می شوند یا یکی مثل اینها. مردم با آزاد، من گمان ندارم در هیچ جای دنیا اینطور واقع شده باشد، اینطور داده باشند، مردم اینطور عاشقانه رأی داده باشند به یک مطلبی، هم جمهوری اسلامی اش را اینطور عاشقانه رأی دادند و اینطور اکثریت. در زمان شاه سابق که یادتان هست شما، اینها یک فراند می می خواستند بکنند من از قم فرستادم بینم که وضعیتش چه جوری است، اینها آمدند گفتند بیش از 2000 نفر نمی توانند تهیه کنند معذک گفتند "همه ملت" برای اینکه 6 میلیون رأی داد گفتند 6 میلیون رأی، دروغ می گفتند 6 میلیون دروغی را آنها می گفتند همه ملت. حالا ما یک جا 20 میلیون رأی داشتیم، یک جا هم که یک دسته ای نیامدند و قهر کردند از باب اینکه آنها هم نمی دانستند که ما چه می خواهیم بگوییم، قهر کردند رفتند کنار نشستند معذک 16 میلیون جمعیت تقریباً رأی داد و 90 درصد مردم گفتند ما رأی می دهیم الان هم بعدها آنها هم گله خواهند کرد که چرا ما را نگذاشتند رأی بدهیم شاید آنها هم همین رأی را بدهند و باز بشود بیست و چند میلیون.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به مناسبت شهادت دکتر مفتاح

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

آنگاه که منطق قرآن آن است که ما از خدائیم و به سوی او می رویم و مسیر اسلام، بر شهادت در راه هدف است و اولیاً خدا، علیهم السلام شهادت را یکی از دیگری به ارث می بردند و جوانان متعهد ما برای نیل شهادت در راه خدا درخواست دعا می کرده و می کنند، بدخواهان ما که از همه جا وامانده دست به ترور وحشیانه می زنند، ما را از چه می ترسانند؟ آمریکا خود را دلخوش می کند که با ایجاد رعب در دل ملت که سربازان قرآنند، می تواند وقفه ای در مسیر حق و عقب گردی از جهاد مقدس در راه خدا ایجاد کند، غافل از اینکه ترس از مرگ برای کسانی است که دنیا را مقرر خود قرار داده و از فرارگاه ابدی و جوار رحمت ایزدی بی خبرند اینان از کور دلی، صحنه های شورانگیز ملت عزیز و شجاع ما را در هر شهادتی، پس از شهادتی که در پیش چشمان خیره آنان منعکس است نمی بینند. (صم بکم عمی فهم لا یعقلون) اینان می بینند که هزار و سیصد سال بیشتر از صحنه حماسه آفرین کربلا می گذرد و هنوز خون شهیدان ما در جوش و ملت عزیز ما در حماسه و خروش است. جناب حجت الاسلام دانشمند محترم آقای مفتاح و دو نفر پاسداران عزیز اسلام رحمة الله علیهم به فیض شهادت رسیدند و به بارگاه ابدیت بار یافتند و در دل ملت و جوانان آگاه ما حماسه آفریدند و آتش نهضت اسلامی را افروخته تر و جنبش قیام ملت را متحرک تر کردند. خدایشان در جوار رحمت واسعه خود بپذیرد و از نور عظمت خود بهره دهد. امید بود از دانش استاد محترم و از زبان و علم او بهره ها برای اسلام و پیشرفت نهضت برداشته شود و امید است از شهادت امثال ایشان بهره ها برداریم. من شهادت را بر این مردان برومند اسلام تبریک و به بازماندگان آنان و ملت اسلام تسلیت می دهم. سلام بر شهیدان راه حق.

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع معلولین انقلاب اسلامی

قدرتمندها می خواهند باقی بمانند ولو اینکه همه قشرهای مظلوم زیر پایشان له بشوند

بسم الله الرحمن الرحيم

ما اصرار داریم که این شخص جانی در ایران محاکمه بشود و محکمه ای برای جنایات امریکا در ایران بازرسی و تشکیل گردد. کرارا گفته ایم که ما یک مدارکی از جنایاتی که امریکا انجام داده، در اینجا داریم که نمی توانیم مدارک این جنایات را به آمریکا منتقل کنیم. علاوه بر اینکه مجالس و سازمان هائی که در آنجا هست، همه در خدمت ابرقدرت ها می باشد، علاوه بر این، چطور این همه معلول را، این همه مادران داغدیده را، این همه زنان جوان از دست داده را ما توانیم به امریکا ببریم و عرضه کنیم.

پرونده های آنان در اینجاست. ما نمی توانیم همه آن پرونده ها را به آنجا حمل کنیم. اصرار ما بر این است و من وقتی که این اشخاصی را که در این راه معلول شده اند، یا در این راه جوان هایشان از دست رفته است، می بینم، دو احساس برایم پیدا شود. یکی احساس تأثر و تالم که چرا باید یک رژیم اینقدر از خدا بی خبر و اینقدر حیوان منش و سبع طبع باشد که برای چند روز ریاست، اینقدر جنایت بکند. چرا انسان اینقدر جنایتکار است؟ چرا انسان از همه حیوانات بدتر است و اینکه این همه تعلیمات الهی و انبیا از اول تا حالا نتوانسته است که این انسان های فاسد را تربیت کند، امثال محمدرضا و کارتر را به راه بیاورد. کارتر دعا می کند برای کی؟ مجبور می کند تا ناقوس ها آهنگ بزنند برای کی؟ به خیال خودش برای به دست آوردن یک حیثیتی که چهار سال دیگر هم جنایت بکند. به اسم اینکه یک بیمار را من نگهداری می کنم، به اسم اینکه من برای پنجاه نفر آمریکائی دارم ادعا می کنم و وادار می کنم به دعا. و حالا هم افتاده دنبال قشرهای مختلف و در مدرسه ها می روند و عزا می گیرند و این مسائل. اینهاست مسأله. مسأله همین است که این قدرتمندها خواهند با قدرت خودشان آن اندازه که می توانند، باقی بمانند، ولو اینکه همه قشرهای مظلوم زیر پایشان له بشوند. اینها ادعا می کنند که ما این مفلوک را نگه داشتیم برای حفظ انساندوستی، و در عین حال فوج هائی از انسان ها را می کشند یا وادار می کنند به کشتن، در ویتنام این کارها را کنند، در ایران که ما خودمان شاهدش هستیم چه کرده اند. پشتیبانی از یک نفر که جنایاتش آنطور است و با دست آنها در اینجا جنایات را انجام داده است، یعنی پشتیبانش آنها بودند. پشتیبانی از یک کسی که اینقدر جنایت کرده و

برای ما اینقدر معلول گذاشته و آنقدر شهید و آنقدر مادر داغدیده به جای گذاشته ، اینها صحبت است که انساندوستی به بشردوستی ، تمام مقصد این جنایتکارها رسیدن به یک نقطه است ، قدرت . قدرت برای کوبیدن هر کسی که در مقابل شان است و برای استفاده .

ما شاه مخلوع را باز از آمریکا می خواهیم که او را تحویل دهد

اینکه ما می گوئیم بیایند اینجا را ببینند ، برای اینکه در اینجا معلولین را ما چطور از داخل مریضخانه به آمریکا منتقل کنیم . ما خواهیم در اینجا عرضه بکنیم . ببریم آنها را در مریضخانه ها و در جاهائی که معلولین آسایش می کنند ، نشان بدهیم که اینها آثار جرم است ، آثار جرم را به آنها نشان بدهیم و اینکه کارتر اصرار دارد که شاه به ایران نیاید ، تا می توانست در آمریکا نگاهش داشت و حالا او را به جای دیگر برده است و از او نگهداری می کند ، او هم مربوط به خودش است . همه برای این است که مبادا در اینجا بیاید و مسائلی در اینجا کشف بشود که در زیر پرده بوده است . مسائلی برای ملت آمریکا کشف بشود و بفهمند مستضعفین در دنیا با چه اشخاصی و با چه جنایتکارهایی مواجه هستند که خودشان را به صورت یک آدم انساندوست خواهند در آورند و جا بزنند . به صورت یک کسی که به تعلیمات حضرت مسیح اعتقاد دارد و اهل این است که دعا بکند و برود به کلیسا دعا بکند و وادار بکند اهل کلیسا را برایش ناقوس بزنند در سرتاسر اروپا . برای این است که در آنجا خودش را جای دهد . ما نظائر این را خودمان دیدیم .

ما دیدیم که رضاخان (البته اکثر شما یادتان نیست شاید بین شما یکی دو نفر باشند که یادشان باشد) دیدیم که رضاخان راه می افتاد دنبال اینکه برود این روضه خوانی و آن تکیه و این تکیه و حتی می گفتند پیاده می رود آنجا . ما دیدیم که مجلس روضه بپا می کند و خودش وارد می شود و در مجلس روضه و همه اینها و بعد هم دیدیم آن روزی که قدرت پیدا کرد که تمام مجلس روضه خوانی ما را تعطیل کرد . ما دیدیم که محمدرضا قرآن طبع و منتشر کرد و به اسم اسلام این کارها را کرد و دیدیم که در سال یک دفعه به مشهد مشرف می شد ، در آنجا با کمال بی حیایی در مقابل حضرت رضا می ایستاد و دلش آنجا نبود و برای اغفال ملت بود و دیدیم که هم این جانی و هم آن جانی در ایران چه کردند و آنچه که او اظهار اسلامیت می کرد و در جوار حضرت رضا علیه السلام چه کرد و چه قتل عامی که در مسجد گوهرشاد و معبد مسلمین و دیدیم که این آدم که اظهار می کند من یک مسلمان هستم و اظهار می کند که من قرآن طبع کنم و متعهدم و قرآن قسم خوردم (در نطق هایش بود که من قسم خوردم که برای شیعه خدمت کنم) ما دیدیم خدمت او به این مملکت چه بوده است . علاوه بر اینهمه کشتار و اینهمه معلولین که به جای گذاشته اند ، تمام حیثیت مملکت ما را از بین بردند و تمام ذخائر ما را از بین بردند . تمام قدرت های انسانی و نیروهای جوان ما را عقب زد و نگذاشت ترقی کنند . ما که می گوئیم باید این جانی بیاید ایران و اینجا رسیدگی بشود ، برای اینکه اموریست که باید اینجا معلوم بشود و ما شاه مخلوع را می خواهیم ، حتی از آنجا هم که رفته است و این را باز از آمریکا خواهیم که او را تحویل دهد .

امریکا او را از یک محلی به یک محل دیگری که باز مربوط به خودش است برده است .

مباهات می کنیم به جوان هایی که عصر اول اسلام را زنده کردند

در هر صورت ، من از یک جهت متالم هستم برای این برادرها و فرزندها و عزیزها ، چه آنهایی که اینجا هستند و چه آنهایی که در مریضخانه هستند و در یک جهت هم من و همه مسلمان ها ، مباهات می کنیم به یک چنین جوان هائی . مباهات می کنیم به جوان هایی که عصر اول اسلام را زنده کردند . مباهات می کنیم به افرادی که صحنه کربلا را در ایران ایجاد کردند . همانطور که آنها خدمت کرده اند و جان داده اند و از بین رفتند لکن اسلام را زنده کرده اند . جوان های ما هم معلول شده اند و جان داده اند و همه چیزشان را از دست داده اند و اسلام را زنده کردند . امروز غیر از آن است که بیشتر بوده . الان همه قشرهای دنیا توجه شان به ایران است ، جمهوری ایران . قشرهای دنیا توجه شان به ایران است که ایران چه خواهد شد . یک دسته خوف این را دارند که مبدا این اسلام به دیگر جاها برود و دسته ای شوق این را دارند که اسلام به همه جا برود . اگر ملت های مستضعف غیر اسلامی هم به خواسته های ما توجه بکنند ، همه آنها عاشق این هستند که رژیمی که در اینجا انشاءالله تحقق پیدا می کند آنجاها هم تحقق پیدا بکند . و آنهایی که خائن بودند و خواستند استفاده بکنند ، از این عدم تحقق اسلام در غیاب اسلام می خواستند استفاده بکنند ، خوف این را دارند که مبدا یک همچو امری تحقق پیدا کند . از آن جهت است . آقای کارتر هم از این اشخاصی است که ترسد اسلام در ایران تحقق پیدا بکند . اگر اسلام تحقق پیدا کرد ، آنها تا آخر منافعشان مدفون است . و من امیدوارم آقایان ، آقایانی که وحدت دارند و راهپیمائی کرده اند ، برای اظهار وحدت حرکت کردند و پیاده آمدند اینجا و برای این معلولین عزیزی که من تاثر دارم برای آنها و برای خانم های محترمی که تشریف آوردند ، من تشکر می کنم از همه و امیدوارم که همه آنها در سلامت و صحت و خداوند شفا بدهد تمام معلولین ما را که در سرتاسر ایران هستند . انشاءالله همه شما موفق و موید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در میان جمعی از قهرمانان کشتی آزاد ایران در آسیا و اروپا و پهلوانان کشتی باستانی

وقتی که جهاد معنوی باشد تا آن فرد آخر هم برای جهاد حاضر است

بسم الله الرحمن الرحيم

من از آقایان ورزشکارها و سایر آقایان تشکر می‌کنم که گاهی تشریف می‌آورند و ما را از کارهای خودشان، از موفقیت‌های خودشان و از کارهایی که در سطح بین‌المللی انجام داده‌اند و موفقیت‌هایی که تحصیل کرده‌اند برای جمهوری اسلامی، تشکر می‌کنم و دعا می‌کنم که انشاءالله همیشه موفق باشند و به دشمن‌های ما بفهمانند که مردانی که در ایران هستند، مرد مبارزه هستند و مرد می‌دانند، مرد جهادند و امیدوارم که خداوند شما را تایید کند در اینوقتی که مملکت ایران مبتلاست به اینطور مصیبت‌ها که البته از یکطرف مصیبت است و از یکطرف هم سرفرازی برای یک ملت که در راه هدف تا پای جان ایستاده است و همه جوان‌های ما در این راه مشترک هستند و بسیاری از آنها برای شهادت از من دعا می‌خواهند و من دعای پیروزی می‌کنم برای آنها که خداوند همه آنها را حفظ کند و همه شما جوان‌ها را برای کشور ما حفظ کند.

امیدوارم که از اینجا به بعد هم که مشکلات برای کشورتان زیاد است و این ریشه‌های فاسد الان در ایران هستند و چون مایوس شده‌اند، دست به یک همچو جنایاتی مثل ترور شخصیت‌های محترم می‌زنند و البته آنها خیال این را دارند که ما را و شما را سست کنند در این جهاد اسلامی و اینها غافل از این هستند که وقتی که جهاد برای خدا شد، برای اسلام شد، جهاد معنوی، جهادی است که جهاد معنوی است، نه جهاد صوری و مادی، وقتی بنا شد که جهاد معنوی باشد تا آن فرد آخر هم برای جهاد حاضر است.

و من از حماقت اینها هم تعجب می‌کنم، اینها نمی‌خواهند که یک فردی مثل آقای مطهری و مثل آقای مفتاح را از بین ببرند، اینها وسیله است برای اینکه نهضت را سست کنند حماقتشان این است که دیده‌اند اینها که هر فردی را که اینها ترور می‌کنند مردم ایران برای نهضت بیشتر وارد میدان می‌شوند. اگر اینطور بود که مثلاً آنوقتی که مرحوم آقای مطهری را ترور کرده بودند، یک نیمی از مردم عقب‌نشینی کرده بودند، آنوقت برای نیم دیگرش هم مرحوم آقای قاضی را مثلاً ترور می‌کردند و مرحوم آقای مفتاح را و دیگران را. اما وقتی دیدند که هر شخصی را که اینها ترور کردند بازار نهضت گرم‌تر شد و مردم بیشتر به این نهضت اقبال کردند، این چه انگیزه‌ای دارد که اینها به این جنایت دست

می زنند؟ اینها همه برای این است که خدای تبارک و تعالی اینها را کر و کور کرده است، اینها را از آن ادراک راه صحیح محروم کرده است یعنی خودشان اسباب محرومیت را فراهم کردند. خودشان اسباب این شدند که عنایت خدا که باید همه قشرها را هدایت کند، اینها خودشان را محروم کردند و بعد از آنکه خودشان را محروم کردند کارهایی انجام می دهند که برخلاف مصلحت خودشان است.

امروز روزی نیست که کسی اتکا به سر نیزه بکند

شما ملاحظه کنید این آقای کارتر برای رسیدن به مقام ریاست جمهور دست و پا کنند لکن خدا او را کر و کور کرده است که راه ها را اشتباهی دارد می رود. این اگر چنانچه همان وقتی که ما اشتغال داشتیم به مخالفت با این مرد، آنوقت که دید این دیگر در حال سقوط است، دید نمی تواند این را نگهش دارد، اگر کمک کرده بود به ایران و اقبال کرده بود به ایران و تصدیق کرده بود حرف های ایران را، برایش بهتر بود یا آن پافشاری که آنوقت کرد برای حفظ او و آن پافشاری هائی که کرد برای حفظ یادگار او بختیار و آن پافشاری هائی که بعد کرد؟ آن بهتر بود برای رسیدن به آن مقام، یا این؟ حالا رفت، آنها از بین رفتند، بعد بردن یک نفر آدم جانی را به امریکا و پناه دادن به اصطلاح خودش آنجا و پرستاری از یک مفلوک به اصطلاح آنها، این بهتر بود برای او یا اینکه او را نبرند؟ جای دیگر برود زندگی کند (خوب، بود جای دیگر).

اینها از باب این است که کر و کور شده اند. یک کاری حالا، مثل این بچه ها که لج می کنند، سر آن لجبازی می کنند، حالا نتوانست او را نگه دارد، این قدم دومی بود که نتوانست نگه دارد این مرد را در آمریکا و فرستاده است او را به یک جای دیگر. خوب این بهتر بود برای او که باز سروصدا در دنیا راه بیندازد و در پاناما آنقدر تظاهر بر ضد این مرد بکنند که بر ضد آمریکاست، یا اینکه او را می فرستاد اینجا و به عالم ثابت می کرد که من هم طرفدار مظلوم ها هستم، طرفدار آنها هستم که غارت شده اند، نه طرفدار غارتگرها؟ خودش هم غارتگر است اما قاعده این بود که اگر عقلش سر جایش بود، قاعده و این بود که اگر کسی بخواهد راه خودش را، آئی که خیالش هست پیش ببرد، اینها را پیش نیاورد تا اینکه یک مملکت هائی برضد او تظاهرات در آنها واقع بشود.

امروز روزی نیست که کسی اتکا به سر نیزه بکنند دنیا عوض شده، ملت ها یکی بعد از دیگری دارند بیدار شوند، دارند از تحت سلطه استعمار بیرون می روند. در یک چنین موقعی دیگر جای صحبت اینکه ما مداخله نظامی می کنیم، یک وقت بگوئید مداخله نظامی می کنیم، یک وقت بگوئید نه ما مداخله نظامی نمی کنیم، همین طور مشوش هی صحبت کردن، برای همان است که چشمشان باز است و کورند، نمی بینند اینها همانی است که به چشم ها و گوش ها و عقل های آنها غل انداخته، نه از باب اینکه او ابتداء، خود آنها وسیله فراهم کرده اند تا غشاوت واقع شده است بر عقل هایشان و بر چشم هایشان و بر گوش هایشان این یک کمکی است برای مستضعفین، اینطور راه را گم کردن یک کمکی است به مستضعفین. اگر قبل از این قضایا یعنی قبل از اینکه این مرد را ببرد به امریکا و

به اصطلاح خودش بخواد پرستاری از یک مفلوکی بکند، ما یک، بعضی از ممالک با ما متحد بودند، یعنی از ملت‌ها، حالا بسیاری از ملت‌ها با ما همراهند. نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند و می‌رود توی ملت‌ها، ملت‌هائی که، ببینند که ملت ایران در مقابل یک قدرت بزرگ ایستاده و پیش برده، یک قدرت شیطانی را که همه قدرت‌ها دنبالش بودند یک ملتی ایستاده و ایستادگی کرده و پیش برده، سایر ملت‌ها هم گرفتارند دیگر، آنها هم همین گرفتاری‌هائی که ما داریم آنها دارند. مصر به دست سادات و جاهای دیگر هم به دست دیگران. همه ملت‌ها مبتلای به دولت‌هایشان هستند، آنها هم خواهند از زیر این بار بیرون بیایند. وقتی دیدند که ایران قیام کرد و پیش برد، ولو کشته داد اما پیش برد و دیگران هم همین فکر در مغزشان پیدا می‌شود، ملت‌های دیگر هم همین معنا را می‌خواهند، آنها هم همین کار را خواهند کرد.

نهضت ملت ایران عظمت قدرتهای بزرگ را شکست

شما بدانید که این نهضت ملت ایران، این عظمت قدرت‌های بزرگ که با تبلیغات تحمیل کره بودند بر دماغ‌ها که اصلاً نمی‌شود با انگلستان در افتاد، حالا هم دیگر اصلاً با آمریکا نمی‌شود دیگر در افتاد، این عظمت را شکست. یعنی شما ملت عزیز ایران، زن و مردتان ریختند در خیابان‌ها و با فریاد الله اکبر، این عظمتی که در قلوب اشخاص پیدا شده بود و ملت‌ها را وادار می‌کرد که ساکت باشند مبادا یکوقتی بر بخورد به آنها، این را شکست. ما در آن قضیه سابق هم کوشش می‌کردیم که این معنا که نمی‌شود با دولت در افتاد، این را بشکنیم، نمی‌شود در مقابل قدرت‌ها نفس کشید و باورانده بودند به ملت ما به طوری که به خودشان حق نمی‌دادند، اگر یک پاسبانی می‌آمد می‌خواست یک چیزی تحمیل کند، به خودشان حق نمی‌دادند که در مقابلش یک کلمه ای بگویند، سکوت پرده انداخته بود، سایه انداخته بود به سر ملت ما. این معنا کم کم شکسته شد، صداها در آمد، نهضت شما او را شکست و نهضت شما الان این معنا را هم شکست در دنیا که نمی‌شود در مقابل آمریکا، اول قدم این است که انسان "می‌شود" و "نمی‌شود" را ارزیابی کند. اول قدم هر مبارزه ای ارزیابی این است که در این مبارزه می‌شود یا نمی‌شود و شما ثابت کردید که نه می‌شود. می‌شود با آمریکا هم طرف شد، می‌شود که لانه جاسوسی آمریکا هم تصرف کرد، می‌شود جاسوس‌های آمریکائی را هم گرفت و نگه داشت و حفظ کرد شما این را ثابت کردید به دنیا. آن عظمتی که از آنها به واسطه تبلیغات زیادی که داشتند، در دنیا سایه افکنده بود که ابر قدرت است و کسی حق حرف زدن ندارد، آن شکست. معلوم شد نه، ملت‌ها می‌توانند فریاد بزنند، می‌توانند مرگ بر کارتر بگویند، فریاد هم الان دارند می‌زنند، نه اینجا جاهای دیگر هم، هندوستان هم همین است، ممالک خودشان هم، ممالک غربی هم همین است، آمریکا هم همین است. امریکایی که هی می‌گفت ما با قدرت نظامی، هی ما را می‌ترساند، اینها دنبال همان بودند که سابق انجام می‌دادند. سابق اگر چنانچه یک کلمه ای فرض کنید که در یک روزنامه ای از ایران واقع می‌شد برضد انگلستان یا برضد آمریکا، با یک کلمه ای که آنها به محمدرضا می‌گفتند که فضولی موقوف، جلوی او را اینجا می‌گرفت. اگر یک کاری می‌خواستند انجام بدهند، مثلاً در فرض کنید

مجلس شورای استعماری غلط، همچو که کشتی انگلستان می آمد طرف ایران مسأله ختم بود با همان حرکتش. همچو که اطلاع می رسید که کشتی انگلستان راه افتاده از آنجا به کجا، اینجا دیگر باید حتما تسلیم شد. قراردادی اگر می خواستند ببندند و اینها یکوقتی، در آنوقتی که فرض کنید یک سرسختی می خواستند نشان بدهند، یک چیزی که در سرحدات واقع می شد، این کافی بود برای اینکه در مرکز اینها دیگر دست بردارند از مخالفت و موافقت کنند و تسلیم بشوند. اینها چیزهائی بود که اینها با بوق و کرنا، با رادیوها، با تبلیغات، تبلیغاتی که بسیاری هم در خود کشورها بود یعنی عمال آنها در خود این کشورها تبلیغات می کردند برضد خود کشور، اینها به مردم همچو بزرگ نشان داده بودند مسائل را که مردم خیال می کردند که اگر الان یک حرفی بزنیم، یکدفعه چتربازی های آمریکا می آیند می ریزند و ایران را خراب می کنند. در همین قضیه این را کرارا برای ما آمدند گفتند که، می نوشتند، از خارج هم می نوشتند که چتربازها بناست که از بالا بیایند بالای سرسفارت، از آن بالا یک دوائی بریزند و بیهوش کنند همه را و بیایند پائین و همه را ببرند و در قم هم می خواهند بیایند و شما را برابند، حتی بعضی آمده بودند به من می گفتند که شما نمائید اینجا شب. خوب آقا این شعر است که اینها می گویند. این حرف هائی است که در کتاب حسین کرد نویسد و می نوشتند. اینها، این حرف است که می زنند والا "چتر بازها می آیند و همه را بیهوش می کنند" این همان حرف هایی بود که "هی دوا می زدند، همه چیزها بیهوش می شدند" حرف هائی که در الف لیل می گویند. خواستند اینطوری ما را مثل سابق که از این حرف ها ترس داشتند، اینطوری ملت ما را بترسانند، غافل از اینکه مسائل این نیست، اصلا مداخله نظامی دیگر حالا در دنیا اصلا شکست خورده است، صحبتش هم شکست خورده. اینها به اعتبار اینکه ما را در افکار باز عقب مانده می دانستند این حرف را می زدند، بعد هم حالا می گویند که وقتی که در آمریکا چیز کردند رأی گیری کردند (حالا به آن اندازه ای که خودشان می دانند) امروز یا دیشب بود که پنجاه و پنج درصد از جمعیت آمریکا با مداخله نظامی مخالفند. یک غلطی از اول می کنند بعد می خواهند عذرش را بخواهند حالا می گویند ملت ما مخالف است. خوب ملت آنها موفق باشد بسم الله، مگر می شود حالا در دنیا یک چنین کارهائی را کرد، این حرف ها مال سابق بود، نه مال حالا، حالا دنیا یک چیز دیگر شده. حالا اگر صدای اینها در آید در اینجا. شرق منفجر می شود، نه شرق تنها، غرب هم منفجر می شود. مگر می شود حالا از این کارها کرد بعد حالا از آنجا دست بردارند. نه مداخله نظامی نه از باب اینکه مثلا فرض کنید خوب ملت هم با آنها موافق نیست حتی گفته بودند که اینها می گویند که اگر اینها را هم بکشند، مداخله نظامی نباید بشود، اگر این جاسوس ها را بکشند هم، مداخله نظامی نباشد. خوب اگر یک چنین حرفی راست باشد معلوم می شود که آنها به عقل آمده اند که پنجاه نفر آدم جاسوس را فرضا کشته (که بنا ندارند حالا اینها را بکشند) پنجاه نفر را بکشند اسهل است از اینکه یک مملکتی، چند تا مملکت، خود آمریکا به خاک و خون کشیده بشود. این معلوم می شود یک خرده ای به عقل آمده اند از اول هم معلوم نبود که این خیال ها باشد. حالا دیگر چسبیده اند به اینکه (ما خیر، محاصره اقتصادی می کنیم) بسیار خوب محاصره

اقتصادی بکنید ببینیم چه می کنید. اینها حرف است، محاصره مگر دنیا تابع آقای کارتر، مگر همه دنیا می خواهند زحمت بکشند که آقای کارتر بشود رئیس جمهور. سران که می شناسند هم را، سران ممالک هم را می شناسند که از چه قماش هستند، می دانند که قضیه، قضیه ملت نیست. قضیه، قضیه این است که من می خواهم چه بشوم او می خواهد رئیس جمهور کجا بشود، او می خواهد رئیس جمهور کجا بشود. اینها که هم را می شناسند می دانند که مسأله، مسأله این نیست که برای پنجاه تا مثلاً جاسوس خیلی دلشان سوخته یا برای فرض کنید چه. این را من کرارا گفته ام، ما در فرانسه که بودیم یک نفر از اشخاص که می گفتند که این از طبقه بالاست (چه بود، من نمی دانم) از آنها می آمدند زیاد، راجع به همین مردیکه هم می آمدند، گاهی هم از آمریکا پیغام می آوردند، از رئیس جمهور آمریکا پیغام می آوردند که ما را سست کنند، این در یک قضیه ای که آمده بود و حرفش را نقل کردند، گفته بود که یک قضیه ای در چین واقع شد که سفارتخانه ما در خطر بود، ما راجع به افرادش هیچ ابدا نگرانی نداشتیم، افراد چیزی نیستند، راجع به مبلش ما نظر داشتیم، مبل هایش زیاد قیمت داشت. اینها یک چنین قماش مردمی هستند که مبل ها را اهمیت می دهند، نه آدم ها را. رئیس جمهور شدن پیش آقای کارتر ارزش دارد، نه پنجاه نفر. اینها یک چیزهایی درست می کنند برای اینکه آنجا برای خودشان یک راهی پیدا کنند و پیش ملت خودشان یک وجاهتی پیدا کنند و همانطور که گفتم خدا کر و کورشان کرده که هر راهی که اینها بروند، برخلاف مصلحتشان است، هر طریقی که بروند خلاف آن. بردند او را آنجا به خیال اینکه یک کاری بکنند، شکست خوردند، یعنی افکار مردم عوض شد، بعد لجاجت کردند در اینکه این را تحویل بدهند، باز هم به ضرر خودشان شد. نتوانستند نگه دارند، فرستادند او را به پاناما. این هم به ضرر خودشان. حالا اهالی پاناما دارند فریاد می زنند در خیابان ها، چه می کنند که این مردیکه را آورده اند اینجا چه کنند. خوب این یک بنجلی است که باید بیخ ریش ما باشد، اینها اشتباه دارند اینها باید بیاید در همین مملکت، بنجل از ماست، برای چه به پاناما برود؟ مردم پاناما را چرا اذیت می کنند؟ خوب بفرستند او را محل خودمان، ما خودمان می دانیم چه بکنیم.

محاكمه شاه مفلوك، محاكمه رؤسای جمهور آمریکاست

و عمده این است که خوف آنها نه برای این آدم است، نه برای آن پنجاه تاست. اینها نیست. اینکه اصرار دارند که این مردیکه نیاید، برای این است که اگر این بیاید و اینجا محاکمه بشود و محاکمه اش هم یک محاکمه همچو پنهانی و زیر جلی نیست، محاکمه ای است که با حضور اشخاص برجسته دنیا می شود برای اینکه محاکمه یک آدم مفلوک نیست، محاکمه رؤسای جمهور است. همانطوری که این مرد گفته بود که اگر من را محاکمه بخواهند بکنند، رئیس جمهور چند سال هم باید محاکمه بکنند، چند نفر از اینها هم، صحیح است، این محاکمه یک شخص نیست، یک آدم نیست، یک مفلوک نیست. ما هم او را نمی خواهیم برای اینکه یک آدم مفلوکی را چه بکنیم، ما می خواهیم این را

بیاوریم اینجا و در مقابل این مستکبرین ، مستضعفین تکلیفشان را بدانند ، مستضعفین دنیا یعنی مملکت آمریکا هم ، ملت آمریکا هم تکلیفش را با رؤسای جمهورش بفمهد که اینها چه سنخ آدم هایی بودند که به ما حکومت می کردند . همانطوری که ما اینجا فهمیدیم که اینها چه سنخ آدم هائی بودند به ما حکومت می کردند . فهمیدیم و خدا خواست که قیام کرد ملت و خدا خواست که این را بیرونش کرد . مستضعفین دنیا بفهمند اینجا وقتی ما یک محاکمه ای راه انداختیم که دنیا را شریک کردیم در این محاکمه ، از همه جا دعوت کردیم و در اینجا متفکرین دنیا ، نویسندگان دنیا ، سیاسیون دنیا ، شخصیات معتبر دنیا را از همه جا ، حتی از آمریکا ، از هر جا ما دعوت می کنیم اینجا و این آدم را اینجا محاکمه می کنیم ، یک محاکمه جار و جنجال دار تا معلوم بشود به همه دنیا ، به همه مستضعفین که اینها خودشان را جازدند آنجا و با یک حرف های نامربوطی می خواهند خودشان را تحمیل کنند به ملت ها . ما به ملت ها بفهمانیم که اینها لایق نیستند برای شما حکومت کنند ، خودتان فکر کنید . خودتان فکر کنید بین خودتان ، یک حکومتی که دست خودتان باشد ، نه اینکه کسی ارباب شما باشد . ما مقصدمان یک چنین مطلبی است ، مقصدمان این نیست که یک نفر آدم بیاید اینجا و مثلاً چه بکند ، نه . و همه خوف آقای کارتر این است که مبادا یک چنین قصه ای پیش بیاید ، پیش بینی یک چنین مسائلی می کند . دست و پا می کند ، او را می رود نگره می دارد و بعد هم حالا جای دیگر و بعدش حالا چه خواهد شد نمی دانم و ملت ایران باید توجه داشته باشد که یک ملتی است که الان همه دنیا توجهشان به اینجاست . شما رادیوهای دنیا را ، مطبوعات دنیا را ببینید و در راس حرف هایشان همین مسائل ایران است الان .

ایجاد حکومت اسلامی آرزوی رسول اکرم همه مسلمین است

وقتی یک ملتی تحت توجه همه دنیا شد ، باید خودش را درست بفهمد ، بفهمد که پا را غلط نگذارد . این خیانت هائی که الان در ایران می شود ، در آذربایجان پیش آوردند ، در بعضی جاهای دیگر پیش آوردند . این خیانت ها هم در نظر ملت ها منعکس بشود که چیست . ملتی که پا شده خودش خودش را اداره کند ، از دست ابرقدرت ها می خواهد خارج کند خودش را ، چپاولگری ها را می خواهد قطع کند از مملکتش ، باز از اهل خود مملکت بیایند و مخالفت کنند!! همه ملت ها توجه دارند که چیست این ، خودش را در دنیا رسوا می کند ، همانطوری که کارتر خودش را در دنیا رسوا کرد . اینهائی هم که می گویند ما اهل ایران هستیم و به ایران علاقه داریم ، به ملت علاقه داریم و اینها ، در یک وقتی که ملت قیام کرده و قدرت ها را شکسته حالا می خواهند یک حکومت ملی با دست خبرگان خودشان در اینجا تصویب بشود و چه بکنند ، همین هائی که می گویند ما از ملت هستیم و ما علاقه به ملت داریم ، همین ها مخالفت می کنند . دنیا می فهمد که این قشر مخالف چه هستند ، آنطوری که شما فهمیدید و ما فهمیم ، دنیا هم می فهمد . کاری نیست که فقط در آذربایجان ایجاد بشود و خدای نخواستہ ملت آذربایجان را خدشه دار بکنند ، ملت آذربایجان خدشه دار نمی شوند همانطور که ملت ایران ، همه ملت های ما (یعنی

ملت‌ها نیست که یک ملتند) همانطوری که آذربایجان خدشه دار نمی‌شود و تهران خدشه دار نمی‌شود و کردستان خدشه دار نمی‌شود و بلوچستان خدشه دار نمی‌شود همه اینها خدشه دار نمی‌شوند، همانطور هم که انظار دنیا متوجه است که این یک عده خائن اقلیت چه چیزی می‌گویند. این یک عده اقلیتی که ایستاده‌اند در مقابل سی و پنج میلیون جمعیت و در آراء آرائشان را دیدید که در رفتارم اول همه قوا را روی هم گذاشتند باز صدی هشتاد با ما بود. حالا با اینکه یک مقداری را بازی دادند و قهر کردند حالا هم صدی نود باز رأی مثبت دادند. دنیا نظر می‌کند که این آدم‌ها چه می‌گویند در مقابل یک ملت. این مردم چه می‌گویند در مقابل ملتی که همه ایستاده‌اند و هر روز فریاد دارند می‌زنند که (بعد از تصویب هم دارند فریاد می‌زنند) که ما همین قانون اساسی را می‌خواهیم؟ این چند نفر آدم چه چیزی گویند در مقابل این ملت؟ چه حرف حسابی دارند؟ چرا باید اینها یک چنین فکر معوجی داشته باشند که یک عده یاغیگری کرده‌اند، یک چنین عده معدودی می‌خواهند بر همه ملت ما حکومت کنند. مگر حکومت محمدرضا غیر از این معنا بود که یک عده معدودی می‌خواست دیگران را تحت سلطه قرار بدهد؟ حالا هم همین‌ها نظیر او هستند. و از ریشه‌های او هستند چه می‌گویند اینها در مقابل یک ملت که زن و مردش خون دادند و بچه دادند و جوان دادند و یک حکومت اسلامی می‌خواهند درست کنند؟ آقایان چه می‌گویند در مقابل اسلام؟ چگونه جواب اسلام را می‌دهند؟ ملت باید درست توجه کند، دشمن‌های خودش را در این مسائل بشناسد که چه قشرهایی با ملت دارند مخالفت می‌کنند و دشمن هستند با ملت ما. باید مردم بشناسند اینها را و من امیدوارم که این تحولی که پیدا شده و اینکه هر قصه‌ای که به نظر آنها این است که ما در این قصه یک شکستی بخوریم، بیشتر صدا در می‌آید بیشتر مردم با هم منسجم می‌شوند، من امیدوارم که انشاءالله این راه را تا آخر برویم آنی که آرزوی همه مسلمین است، آنی که آرزوی رسول اکرم است، آنکه آرزوی ائمه ما هست و آن ایجاد یک حکومت اسلامی، همه چیز اسلامی باشد، من امیدوارم که با دعای همه شما و با توجه همه شما به خدا و با وحدت کلمه این راه را به آخر برسانیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

متن مصاحبه امام خمینی با حسنین هیکل

حسنین هیکل: تا 3 روز دیگر یک سال از آخرین دیدار با شما در پاریس می گذرد و در این سال چیزهای زیادی گذشت.

امام: بله، الحمدلله. انشاءالله... امیدواریم از این به بعد هم چیزهای زیادی بگذرد.

سوال: در نظر شما مهمترین چیزی که در سال گذشته رخ داد چه بود و چه توقعی دارید در سال آینده بگذرد؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم: مهمترین چیزی که در سال گذشته برای ملت ما حاصل شد، قطع ایادی ابرقدرت ها از کشور و قطع ظلمی که بر اینها در سال های طولانی شد، آن بزرگتر چیزی بود که بر ما گذشت و بزرگتر چیزی که ما آرزو داریم این است که در این سال انشاءالله ممالک اسلامی به ما متصل بشوند و ملت های مسلمین بیدار بشوند و متوجه به این بشوند که این تبلیغاتی که ابرقدرت ها کردند و خودشان را آسیب ناپذیر معرفی کردند، اینها حقیقت نداشته است. دیدند ملت ها که ملت ما بزرگتر آسیب را به بزرگتر رژیم وارد کرد و الان هم مشغول است که آسیب ها را پشت آسیب ها وارد کند و آن که بت بزرگی که برای دنیا درست کرده بودند، ملت ما شکست آن را و می شکند. آرزوی بزرگ ما این است که ملت های دیگر هم با ما متصل بشوند و همانطور که اسلام دستور داده است که مؤمنین اخوه هستند، همان مسائل در پیش روی ملت ها باشد. البته من از دولت ها باید بگویم مایوسم لکن ملت ها اینطور نیستند. ملت مصر یک حکم دارد و آقای سادات هم یک حکم و همین طور سایر ملت ها نسبت به دولت ها. کمی از دولت ها هست که امیدی به آنها هست والا اکثرا امید بر آنها نیست و ما آرزوی بزرگمان این است که ملت ها این معنایی که در ایران واقع شد و دیدند آن چیزهایی که به نظرشان امکان نداشت تحقق پیدا کرد، آنها هم توجه داشته باشند که غیرممکن ها با اراده ملت ها، اراده ای که تبع اراده خداست، اراده ای که برای خداست، غیر

ممکن ها ممکن می شود و محال ها واقع .

سوال : در سال گذشته چیزهای زیادی رخ داد و چیزهای زیادی هم شنیدیم و الان که من آمدم اینجا ، می بینم مشکلات زیادی در عین پیروزی های زیاد در کشور ایران موجود است مثلا اجانب ، تبلیغات ، حمله تبلیغاتی و حمله های دیگری می کنند و ممکن است که یک وقت منجر به حمله نظامی هم بشود کما اینکه حمله های اقتصادی هم دارند به ایران و در آینده چیزهای زیادی رخ خواهد داد . شما آیا برای آینده ممکن است من برای آینده سوالی بگیرم از شما که شما چه در نظر دارید درباره روابط با آمریکا ، مثلا ، من باب مثال در روابط با آمریکا و مثلا درباره مسائل و مشکلات دیگری که متوجه ملت ایران و انقلاب ایران خواهد شد ، شما چه در نظر دارید و می خواهید چه عملی انجام بدهید؟ دیروز کارتر چیزی گفت که شبیه به تهدید جنگ بود که این تهدید اول ایشان نیست .

جواب : پشت سر هر انقلابی در عالم اینطور آشفتگی ها هست و من باید بگویم که انقلاب ما انقلاب بزرگی بوده است و در حد خودش بالاترین انقلاب بوده است ، با وضعی که حاضر است و ما شاهد بودیم و پشت سر آن آشفتگی هایش ناچیز است . آنطوری که انقلاب های دیگر بودند که بعد از 50 سال ، 60 سال ، بعد از چند سال باز گرفتار هستند ، ما آن گرفتاری ها را نداریم و مهم هم این است که انقلاب ما اسلامی است و ملی ، ملت مسلم قیام کرده است برای اسلام و هر قیامی که اینطور باشد پشت سرش آنطور خونریزی ها ، آنطور وحشیگری ها پیدا نمی شود . شما مطلع هستید که در این انقلابات یک میلیون و یک میلیون و نیم مقتول داشتند . پس از پیروزی ، فلان کسی که پیروز شده است می گوید من تا این سیگار را کشیدم هر چه می توانید بکشید و آنطوری که الان برای من یعنی چند روز پیش از این ، صورت آوردند از ممالکی که در آن یک انقلابی واقع شده و صورتی که از حبسی ها دادند ، از مقتولین و اینها دادند عددها ، عددهای زیادی مثل یک میلیون ، یک میلیون و نیم ، دو میلیون بود . و کشور ما بعد از اینکه انقلابش پیروز شد ، یک نفر هم حتی بیگناه کشته نشد . آن اشخاصی که در محکمه بردند و ثابت شده است به اینکه مفسد بوده اند و فساد ایجاد کرده اند و قتل عام ها کرده اند ، امر به قتل عام ها کرده اند ، آنها یک عده معدودی بودند که بعد از اینکه محاکمه شدند به جزای خودشان رسیدند . بعد از انقلاب ما ، یک آزادی داده شد ، تمام مرزها باز و تمام فرودگاه باز و تمام احزاب و تمام نویسندگان آزاد ، در صورتی که بعد از انقلاب ، شما می دانید که تمام اینها به روی دنیا بسته می شود . انقلاب ما ، غیر از انقلاب جاهای دیگر است . انقلاب وقتی متکی بر اسلام شد و ملت متعهد به اسلام بودند این انقلاب نمی تواند آنطور خسارات را داشته باشد . ما هر چه خسارت دیدیم در حالی بوده است که با شاه ، شاه

مخلوع و دار و دسته او برخورد داشتیم و حالا هم هر چه مقتول هست آنهایی هستند که آنها دارند جنایت می کنند و باز هم ناچیز هست ، چیزی نیست در نظر ما . اما قضیه تشرهای آقای کارتر ، نمی دانم شما این مثل را می دانید ، من حیقم آید که مثل بزنم به شیر ، که می گویند وقتی که مقابل یک دشمن می ایستد هم فریاد می زند هم از آن طرفش چیزی بیرون می آید و هم دمش را حرکت می دهد ، فریاد می زند برای اینکه طرف را بترساند ، می ترسد ، از این جهت از او چیزی هم صادر می شود ، دمش را حرکت می دهد برای اینکه میانجی پیدا کند . آقای کارتر را من حیقم می آید که بگویم شیر ، لکن یک موجودی است که همین کارها را دارد می کند این هیاهو و این فریادها و آن ترساندن ماها را از اقدام نظامی ، دخالت نظامی ، اینها کهنه شده است و لهذا یک دفعه یک چیزی می گوید فوراً بعدش یک چیز دیگر می گوید خلاف آن . اینها همان فریادهایی است که آن حیوان زد برای اینکه بترساند طرفش را الان ملت های اسلامی و ملت های غیر اسلامی هم توجه شان به اینجاست و دلهای شان با ماست . شما این را بدانید که اگر چنانچه سرنیزه سادات از روی مصر برداشته بشود ، ملت مصر با ماست برای اینکه ما اسلام را می خواهیم ، مصر هم اسلام را می خواهد . ما می خواهیم یک حکومت اسلامی باشد ، ملت مصر هم همین را می خواهند . ما می خواهیم یک ملت اسلامی باشد ، ملت عراق هم همین را می خواهند ، ملت های دیگر هم ، ترکیه هم همین را می خواهد . هر جا که مسلم است ملتش مایل است که یک رژیم اسلامی ، یک رژیم عدل باشد بلکه اگر ما تبلیغاتمان برسد به دنیا و ما به مردم دنیا حالی کنیم که اسلام چه چیز است ، اسلام اصلاً شناخته نشده است ، تا حالا اصل اسلام شناخته نشده است ، کسی نمی داند چیست تا حکومت می گویند ، به نظرتان حکومت محمدرضا می آید و سادات و کارتر ، تا رژیم گفته می شود ، این رژیم ها به نظرشان می آید . ما هر چه هم بخواهیم به آنها بفمانیم ، تا بتوانیم درست پیاده کنیم آن چیزی را که موافق رضای خدا و رسول خداست ، نمی توانیم ادعا کنیم که ما یک رژیم اسلامی داریم . ما الان در آستانه این واقع شده ایم که یک رژیم اسلامی متحقق بشود و انشاءالله متحقق بشود لکن اگر دنیا بفهمد که این اسلام چیست ، حکومت اسلام چه جوری است ، چه وضعی دارد ، حاکم اسلام و رئیس اسلام با محکومین و با اشخاصی که به آنها حکومت می کند چه وضعی داشته اند ، سردارهای اسلام در صدر اسلام با مردم چه وضعی داشته اند ، سرداری که یک نفر آدم بازاری ، صوفی به او فحاشی می کند ، نشناخته و بعد او راه می افتد می رود بعد به او می گویند که این مالک اشتر ظاهراً بود که این مالک اشتر بود ، فهمیدی چه کردی ؟ فهمیده و می دود دنبالش که می بیند رفته مسجد ، می گوید که من آمدم مسجد دعا می کنم برای تو . این یک فرم حکومتی است که دنیا ندیده است یعنی تا حالا در دنیا نشده است پیاده بشود . زمان حضرت امیر و زمان پیغمبر اکرم و خلفا یک مقداری ، آنطوری که می خواستند یک مقداری شد والا آنطوری که آنها می خواستند نشده است تا حالا . بعد از

آن هم که بنی امیه آمدند و بنی عباس آمدند و حکومت های ایرانی و نمی دانم بومی و اینها بودند که دیگر بدتر شد مصیبت ها . ما اگر بتوانیم و شما نویسنده هایی که مسؤول هستید همه شما مسؤول هستید ، همه نویسندگان اسلام مسؤول هستند ، همه گویندگان اسلام مسؤول هستند که معرفی کنند اسلام را به مردم ، حکومت اسلام را معرفی کنند به ملت های خودشان که حکومت این است وضعیت ، نه آنی که محمدرضا داشت نه آنی که سادات دارد و نه آنی که سایر سران قوم دارند . آنها اصلش اجنبی است از اسلام ، ربطی به اسلام ندارد . اگر ما معرفی کنیم اسلام را به دنیا ، همه دنیا با ما موافق می شوند ، همه قلوب دنیا می خواهند عدالت باشد ، اینجور عدالتی که در اسلام هست لکن خوب ، ما یک اشخاص ملت ضعیفی هستیم ، تبلیغات نداریم در دنیا ، دنیا برضد ما دارد تبلیغات می کند ، همه قلم های خارج به ضد ماست ، همه رادیوهای خارج تبلیغات برخلاف ما می کنند ، معذک یک معجزه است که در عین حالی که همه دارند برخلاف دارند عمل می کنند باز هم این قافله دارد جلو می رود و جلوتر خواهد رفت . پس این معنا که شما می گوئید که تشر زده آقای کارتر و ما را خواسته بترساند ، این نظیر همان تشری است که آن حیوان می زند و ما هم بنا نداریم بترسیم ، یک قومی می ترسند که بر ایشان مردن یک مسأله باشد . شما یک مقداری باشید توی این مردم ، همین هائی که اینجا الان فریاد دارند می زنند ، یک مقداری توی اینها باشید ببینید که اینها منطقتشان چیست ؟ اینها می گویند که ما می خواهیم که شهید بشویم . همین امروز که در روزنامه من دیدم این عیال مرحوم آقای مفتاح می گوید که ما افتخار می کنیم که یک شهید دادیم . یک مردمی که بانوانش اینطور باشند که به شهادت سرپرستشان آن هم یک چنین سرپرستی افتخار بکند و بسیاری از این زن ها که جوانشان را از دست دادند می آیند پیش من می گویند که ما باز هم داریم ، باز هم داریم که تقدیم کنیم ، یک چنین ملتی را آقای کارتر از نظامی می ترساند؟ از نظامی باید خودش را بترساند که به آنطور اعتقاد ندارد و آنهایی که دعا را می خواهند وسیله ریاست قرار بدهند ، ناقوس را می خواهند وسیله بلندگوشان باشد برای ریاست . ما از چه می ترسیم ؟ مائی که معتقدیم که از اینجا که برویم به یک جای بهتر می رسیم چرا باید بترسیم ؟ پس ما از نظامیشان نمی ترسیم ، ما مهیا هستیم ، تا آن اندازه که می توانیم مقابله کنیم ، اگر نتوانستیم شهید می شویم کاری نیست این ، اولیاً ما هم همین طور بودند . لکن من به شما می گویم که اصلاً این اسلحه پوسیده است ، این اسلحه اینکه ما مداخله نظامی می کنیم یک اسلحه پوسیده ای است که سابقاً اگر چنانچه یک چنین چیزی می گفتند در ایران ، خوفی بود اما ایران الان از این چیزها خوفی ندارد و این اسلحه پوسیده است ، اصلاً اسلحه در دنیا پوسیده است ، مسخره می کند دنیا این حرف را ، این حرفی که ما مداخله نظامی می کنیم ، این حرفی است که دنیا مسخره اش می کند لکن حالا اگر دیوانگی کردند و یک چنین کاری کردند ما هم حاضریم ، ما ابائی از این نداریم ، البته ما حتی الامکان می خواهیم که

بشر انسان باشد و مثل سباع به هم نریزند اما اگر سباعی به ما حمله کرد ما دفاع می کنیم تا آن حد که می توانیم . اما قضیه اقتصادی و اینها این هم از همانطور است ، از همان قماش است که کهنه شده این اسلحه ها . آقای کارتر خیال می کند که ماها از دنیا اصلا بی خبر هستیم ، هیچ اطلاعی از دنیا نداریم ، ایشان را هم به آنطور حالا می شناسیم که ابرقدرت هست و دارای کذا و چقدر نمی دانم لشکر و چقدر سلاح و امثال ذلک و همه دنیا هم . ما عقیده مان مثلا این است که تا ایشان بگویند که "محاصره اقتصادی" در دنیا به روی ما بسته می شود ، این هم از آن خیالاتی است که ایشان کردند پیش خودشان ، در آن کاخ سفید قهوه خوردند و یا اگر می خوردند و پاهایشان را روی هم انداختند این فکر را کردند . ما پیشمان این حرف ها مطرح نیست ، ما این را گفتیم که ما خودمان از این زمین خدا ، روزی خودمان را در می آوریم و علاوه کی گوش می دهند مردم به این حرف ها؟ دولت خودشان هم در یکی دو دفعه تا حالا دو ، سه دفعه تا حالا گفته اند که این حرف صحیح نیست ، محاصره اقتصادی صحیح نیست ، بکلی نمی شود . ممالک دیگر هم که تابع ایشان نیستند ، بلی آقای سادات تبعیت دارد ، تابع است ، او چشم و گوش بسته مثل شاه ما تسلیم است و من چقدر باید تاسف بخورم که یکی که در یک مملکت اسلامی دارد می گوید "من راس این مملکت هستم با دو نفر که هر دو دشمن اسلام هستند ، دشمن اسلام هستند نه دشمن یک طایفه ای ، رژیم اسرائیل دشمن اسلام است نه دشمن ما ، دشمن شما ، کارتر برادر اوست اینها سر یک میز بنشینند و با هم معاهده کنند بر ضد اسلام و ما بنشینیم گوش کنیم ، ملت مصر هم بنشیند گوش کند ، شما نویسنده ها هم بنشینید گوش کنید . این چقدر تاسف دارد و چقدر من باید متاسف باشم به این وضع اینکه اینها یک چنین پیوندهایی دارند با دشمن های اسلام ، با کسانی که به روی مسلمین آتش کشیدند ، اینها بنشینند با هم سر یک میز و با هم قرارداد کنند بر ضد مسلمین و از آن بدتر اینکه هم مسلمین بنشینند نگاه کنند ، دولت های اسلامی هم بنشینند نگاه کنند ، ملت ها هم بنشینند نگاه کنند .

سوال : من یک چیزهایی دارم احساس می کنم و می بینم که از داخل نهضت است ، از داخل ایران است و از خارج نیست مثل قضایای آذربایجان و اکراد و کردستان که شکل مسلح گرفت و مثلا قضیه دانشجویانی که این گروگان ها را گرفتند ، این از داخل ملت شروع شد . مثلا- آیا دولت ایران با اینها موافق بود و آیا با آنها همکاری می کرد و دلش می خواست یک چنین چیزی بشود؟ من می خواهم رأی امام را ببینم درباره قضایائی که در داخل کشور و از اندرون آن بروز می کند و تراوش می کند نه آن چیزی که از خارج می آید اینها ، چه نظری شما دارید و چه تفسیری بر این قضایا دارید؟ حکومت هائی آمدند و رفتند ، وزیر خارجه ای آمد ، وزیر خارجه ای رفت ، چیزهای دیگری هست احتمال می دهم یک فشارهای اقتصادی داخلی هم

باشد که ما اطلاع نداریم این تغییراتی که دارد می شود . نظر امام ، تفسیر امام برای قضایا چیست ؟ اینها از کجا می شود اینجور چیزهایی ؟

جواب : قضایائی که در ایران واقع شده است اینها ریشه اش از خارج و یک مقداری هم از ریشه هایی که رژیم سابق دارند و طرفدارانشان است . امت اصیل ، نه کرد و نه آذربایجانی با ما مواجه نیستند ، البته یک تبلیغاتی در کردستان همان اشخاص خارجی کردند که خیال کردند که یک تفرقه ای بین مثلا- اکراد و غیر اکراد ، بین اقلیت های اینجا و غیر آن هست و این برای این است که اسلام را درست نمی گذارند ما معرفی کنیم . من امید این را دارم که اگر اسلام آنطوری که ما می خواهیم در اینجا تحقق پیدا کند ، پیاده بشود ، نه کرد و نه لر و نه ترک و نه سایر قشرها که هستند هیچ یک از اینها اصلا نخواهند که خودشان علیحده باشند ، علیحده بودن روی این زمینه است که یک دولت مرکزی بخواهد بر آنها یک تحمیلاتی بکند . مثل همین است که اول هم گفتیم که تا گفته می شود رژیم ، دولت و اینها مردم توی ذهنشان همان رژیم سابق و همان دولت های سابق می آید که در تهران نشسته بودند و تحمیل می کردند به همه قشرهای ایران ، زور می گفتند و آنها را محروم می کردند و تمام ذخائرشان را به دیگران می دادند و در خوزستان مردم گرسنگی می خوردند و نفت زیر پایشان برای خارج صادر می شد . اینها اگر حکومت اسلامی را ببینند و بدانند که چه خواهیم کرد و چه میل داریم انجام بدهیم ، آن روزی که حکومت اسلامی پیدا بشود تمام این قشرهایی که هستند این مسائل از پیش آنها دیگر طرح نمی شود طرح اینکه ما می خواهیم خودمان حکومتمان باشد ، ما می خواهیم شهرداری ، خودمان باشد ، اینها روی این زمینه است که از دولت های سابق ضربه خوردند ، آن ضربه ای که از دولت های سابق خوردند . تلخی که در ذائقه همه قشرها هست این اسباب این شده است که اینها خیال کنند که این حکومت اسلامی هم مثل حکومت شاهنشاهی است همانطوری که حکومت شاهنشاهی همه ذخائر را می برد و کردستان در حال فقر بود و عرض بکنم که بیمارستان نداشتند و دانشگاه نداشتند و هیچ چیز فرض کنید که بلوچستان هم همین طور بختیاری هم همین طور ، اینطور بود ، الان هم که می شنوند حکومت ، اصلا در ذهنشان بیش از آن حکومتی که در رژیم سابق بود ، نمی آید . از این جهت این حرف ها را می زنند و ما هم گفتیم که ما الان حرف های شما را همه را می شنویم تا وقتی فهمیدید حکومت چیست ، وقتی گفتید حکومت ، دیگر خودتان حرفتان را پس می گیرید و ما در داخل از خود ملت ، از خود داخل چیزی نداریم . ملت همه شان با ما هستند آنهایی که الان صدا در می آورند در این قشرها اینها ایند که از خارج الهام می گیرند نه از داخل و آنها هم بسیارشان متوجه مسائل نیستند و بعضی شان هم البته کذا هستند و الا نه این است که ما ، شما خیال کنید که در داخل ما یک مشکلاتی الان مواجه هستیم و مردم در داخل نمی گذارند

چه

بشود نه ، مسائل اینطور نیست ، البته یک قضیه که واقع می شود قلم های دشمن های ما به راه می افتد و یک قضیه کوچکی را بزرگش می کنند الی ماشاءالله . یک قضیه در آذربایجان مثلا پیش می آید ، قضیه جزیی که قابل ذکر خیلی نبود ، آذربایجان مخالفتی با اسلام نداشت ، این را در خارج بزرگش می کنند و در رادیوها سروصدا در می آورند که حکومت آذربایجان چه می خواهد بشود و جمهوری آذربایجان چه و این حرف ها نیست در کار ، این حرف ها این تبلیغات است همه اش ، واقعیت ندارد . شما الان می بینید بازارهای ایران باز است و هیچ خبری نیست ، همه جا صحیح و سالم و مثل آن نهضت ها و آن انقلابات نیست که الان انقلابی باشد . ما انقلابمان باز یک سالش نشده است و انقلابی که باز یک سال نشده است و پیروزی اش چند ماه است ، شما متوقعید که تا این سد شکسته شد تمام امور همچو آسوده و راحت یکه خوب ، یک سی و پنج میلیون حبسی از حبس بیرون آمدند ، ما یک محبس داشتیم ایران اسمش بود ، سی و پنج میلیون جمعیت هم توی آن محبوس بودند ، اختناق ها بود و فشارها بود ، یک دفعه یک سدی شکسته شد سی و پنج میلیون ریختند بیرون ، شما می خواهید سی و پنج میلیون که بیرون می ریزند ، تویشان هم یک عده ای هستند که اینها جاهل هستند ، یک عده ای هم هستند که آنها ملهم از خارج هستند ، شما می خواهید که فوراً همه سروصداها بخوابد و اینها . شما خاطر جمع باشید که این سروصداها چیزی نیست و یک چیزی که پیش ما یک اهمیتی داشته باشد نیست ، اینها مثل سروصداهای آقای کارتر است ، که هیچ خبری نیست در اینجا ، دشمن های ما برای ما خبر خیال می کنند می خواهند درست بکنند و اما قضیه اینجایی که شما اسمش را سفارت می گذارید و ما اسمش را جاسوسخانه می گذاریم ، این قضیه را یک دسته از جوان های ما رفتند و آنجا را گرفتند و دیدند که محل جاسوسی است اینجا ، اصلاً یک سفارتخانه نیست ، با اسم سفارتخانه یک محلی را درست کردند برای جاسوسی و توطئه منطقه نه توطئه تنها برای ایران ، اینها هم که دیدند در آنجا هستند ، آنها هم جاسوس هستند ، اصلاً مامور سیاسی ما در ایران برایمان ثابت نیست که یک مأمور سیاسی آمریکا داشته باشد . امریکا ما را یک دولت سیاسی نمی دانسته که یک مامور سیاسی بخواهند بفرستند . دولت اینجا هم آنوقتی که بود ، رژیمی که بود نوکرش بود ، هر کاری می خواست می کرد . می خواست چه کند؟ یک دیپلمات بیاورد اینجا ، مگر مواجه بود با یک مملکتی که مثل خودش بود؟ یک مملکتی بود که در قبضه او بود و همه چیز آن دست او بود ، این دیگر دیپلمات نمی خواست ، این اینجا می خواست که یک مرکزی درست بکند و عمده نظرش خارج بود ، دشمنان خارجی او بود ، عمده نظر آقای کارتر در این محل که این چیزها را درست می کرد شوروی بود نه اینکه ایران برایش یک چیزی بوده خوب ایران در مشتش بود ، کاری به او نبود ، عمده نظر این بود که اینجا پایگاهی درست کنند ، در مقابل یک قدرت بزرگی پایگاه نظامی درست کرده ، پایگاه همه چیز و پایگاه

جاسوسی هم درست کرد، که این مرکز است جوان های ما رفتند، کشف کردند که مرکز، مرکز جاسوسی است، افراد، افراد جاسوسی و یک موجودی که، یک انسانی که، یک آدمی که دیپلمات باشد و عرض بکنم که از اجزای سفارتخانه به اینکه سفارت باشد معلوم نیست در اینجا باشد. بنابراین همه ملت ما هم دنبال اینها هستند دولت هم می توانست خلاف بکند، دولت اینجا هم، ملت هست، همه چیز دست ملت است، دولت هم مخالفت نمی کرد برای اینکه دولت هم وقتی ببیند که یک مرکزی جاسوسی است که نمی تواند بپذیرد که به عنوان یک مرکز دیپلماتیک وقتی اینطور شد راجع به آن را نگذارید پهلوی آن شلوغ هایی که کرده اند، آنها یک مسائلی است این مسأله دیگر است، این یک مسأله ملی است که ملت ما همه شان با هم موافقند در اینکه این لانه باید از بین برود و ما دیگر اجازه این را نمی دهیم که در مرکز ما، در محل ما یک مرکز جاسوسی برای جاهای دیگر بشود، این اجازه را نخواهیم داد و ملت هم نخواهد داد، دولت هم نخواهد داد. پس قضیه آن گرفتن جوان ها آنجا را، این را حساب نکنید که این هم جزء شلوغی هاست، این اساسی است که برای رهایی یک ملت است نه اینکه جزء شلوغی هاست که شما کردستان را یا چیز را یک چیز حساب می کنید، آذربایجان را اینجا هم ردیف او، ردیف او نیستند. یک مسأله است آن یک مسأله است، آنها هم چیزی نیست آنها هم نه اهالی کردستان با ما مخالفند و نه اهالی آذربایجان، همه شان اعلام همبستگی به جمهوری اسلامی. آخر چطور امکان دارد این معنا که یک طائفه ای از مسلمین با اسلام بد باشند، یک طائفه ای که می روند نماز می خوانند، یک طائفه ای که قبله شان مکه است، یک طائفه ای که کتابشان قرآن است همه اینها را بگویند لکن شمشیر بکشند بر روی اسلام؟ این معقول نیست که چنین چیزی، آنها که این کارها را می کنند یک اشخاصی هستند که اغفال می کنند یک دسته را، توجه به مسائل دیگر نمی گذارند پیدا بکنند، اینها هم مهم نیستند، اینها چیزی است که قابل حل است و شما از این جهت هم متاسف نباشید.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم

شماها امروز فرزندان رسول خدا هستید

بسم الله الرحمن الرحيم

چقدر من از این صورتهای نورانی، ایمانی، اسلامی، خوشم می آید، (گریه حضار) چقدر من این برادرها و فرزندانم را دوست دارم، (گریه حضار) شماها امروز فرزندان اسلام هستید، شماها امروز فرزندان رسول خدا هستید، خدمت به دیانت اسلام می کنید و در راه خدا قیام کردید، پاسداران قرآن کریم هستید، پاسداران اسلام مقدس هستید، چه مجلس خوبی است این مجلسی که من شما برادرها را همچو می یابم که صادقانه برای اسلام خدمت می کنید، چه چهره های خوبی شما دارید و چه جوانهای برومندی برای اسلام هستید، اسلام عزیز به ما خیلی حق دارد و به شما خیلی حق دارد، اسلام عزیز در طول تاریخ مخفی بوده است بر ما، نگذاشتند که اسلام را، آنطوری که هست در معرض نمایش عمومی بگذاریم.

ترس دشمنان از اسلام است

دشمنهای اسلام کوشش کردند که بین برادرهای اسلامی جدائی بیاندازند و کوشش کردند که تعلیمات اسلامی را نگذارند به گوش برادرهای مسلم برسد چون از اسلام می ترسیدند و از اجتماع مسلمین هراس داشتند. آنها امروز که ضربه خوردند، ضربه اسلامی خوردند، دیدند که ملتی به پاس اسلام قیام کرده است و یک جمعیت های زیادی، جوانان برومندی، برای خدا پاسداری دارند می کنند، آنها دیدند که این ملت، این پاسداران ملت آنها را به عقب راند و قدرت های آنها را شکست و دست های آنها را از مخازن ایران کوتاه کرد، امروز که آنها ضربه دیدند حيله های آنها بیشتر به کار افتاده است، نوکرهای آنها بیشتر مشغول حيله شدند، در اطراف ایران نوکرهای اینها آشوب می کنند، ملت ما باید هشیار باشد و اتکال به خدا بکند و این تتمه ای که از آن ریشه های فساد بوده است از سر راه اسلام و قرآن بردارد.

پاسداران امروز مثل لشکریهای صدر اسلام هستند

جوانان عزیز من، برومند باشید، قدرتمند باشید که پشتوانه شما خداست، شما امروز مثل

لشکرهای صدر اسلام هستید ، مثل آن است که در رکاب رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جنگ می کنید همان طور که آنها با عده هایی قلیل به اذن خدا بر عده های کثیر ، بر لشکرهای کثیر غلبه کردند ، شما هم غلبه خواهید کرد بر دشمن ها ، هر چه بزرگ باشد ، وقتی مقصد خدا باشد ، مقصد این باشد که اسلام زنده بشود ، مقصد این باشد که احکام اسلام در مملکت جاری بشود ، مقصد که الهی شد دنبالش پیروزی است

به فیض الهی اعمال دشمن به نفع ما تمام می شود

این دست و پاهایی که می زنند اینها و کارهای غیر عقلانی که می کنند ، می بینید که به نفع ما تمام می شود ، به نفع شما تمام می شود ، ترور می کنند به خیال اینکه ما را بترسانند ، ملت ما را بترسانند ، می بینید که شجاعتشان افزون می شود و فریادشان بیشتر و اجتماعاتشان بیشتر ، اینها خداوند عقلشان را گرفته است که کارهایی که می کنند بر ضرر خودشان تمام می شود ، کارهایی که می کنند به نفع ما باشد ، شاه خائن را ، شاه مخلوع را که ملت ما عقب زده است با انهمه جرائمی که برای این ملت پیش آورده است و مرتکب شده است و با انهمه جنایاتی که بر این ملت کرده است ، آنها به خیال توطئه ، یا به هوای دیگری او را می برند پناه می دهند ، برای اینکه به ملت خودشان حالی کنند که ما انساندوست هستیم ، بر ضرر خودشان تمام می شود . ملت ها بیدارند ، می دانند که این ابرقدرت ها چکاره اند ، آنقدر پافشاری می کنند و از اینطرف ، ملت قدرتمند ما در مقابل ایستاده است که می بینند نمی شود او را نگه داشت در محل خودش ، به اسم اینکه ما می خواهیم او را بیرون کنیم می برندش به یک جای دیگری که باز تحت حمایت خودشان است ، غافل از اینکه عقب نشینی باز اثری ندارد و ملت ما آماده است برای اینکه تا آخر نهضت قیام خودش را حفظ کند ، کارهایی که اینها می کنند کارهایی است که به خیال خودشان ، برای خودشان است ، لکن ضرر خودشان در اوست .

شما امروز وقتی که مطالعه کنید ، بشنوید قشرهای مختلف ملت ها را ، نه دولت ها ، ملت های جهان الان به نفع شما هستند ، دولت ها هر چه می خواهند باشند ، از دولت ها هم کم کم دارند به نفع شما می شوند ، در خود آمریکا هم ملت آمریکا کم کم بیدار می شوند ، خواهند شناخت این ابرقدرت هائی که تحمیل می کنند خودشان را بر ملت ها ، قبلا اینطور نبود که ملت آمریکا با ما باشد ، حالا بسیاری از آنها با ما شده اند ، حالا وقتی که خودشان اقرار کردند که وقتی که آراء ملت را شمارش کردند ، به یک ارزیابی فهمیدند که پنجاه و پنج درصد اجازه نمی دهند که آمریکا دخالت نظامی بکند و شاید اجازه ندهند که دخالت اقتصادی بکند ، حصر اقتصادی را که او خیال می کرد بر ضرر ملت ماست ، ملت های دیگر همه از این انتقاد کردند ، بلکه بسیاری از دولت ها هم ، ما مصممیم ، ملت ما مصمم است که این راهی که رفته است تا آخر برود ، من در چهره های نورانی و دوست داشتنی شما که نگاه می کنم تصمیم را می فهمم ، شما مصممید ، ما هم مصممیم ، ما از نظامی آمریکا و از حصر اقتصادی اش هیچ باکی ندارم و گمان نکنید که موفق بشود و اجازه بدهد ملت آمریکا و مجلس آمریکا بر اینکه یک دخالت نظامی بکند ، برای اینکه می داند ملت آمریکا که دخالت نظامی به ضرر ملت آمریکاست و به ضرر دولت

آمریکا است و از حصر اقتصادی هم ابد خوفی نداشته باشید ، برای اینکه ملت های دیگر و دولت های دیگر تابع آمریکا نیستند ، در دنیا به روی ما بسته نخواهد شد ، ما خدا را داریم ، در دنیا به روی ما بسته بشود ، در رحمت خدا به روی ما باز است . ما برای خدا می خواهیم اقدام کنیم ، ما قیام کردیم برای خدای تبارک و تعالی ، ما دیدیم که ظلم در این مملکت هست ، ما دیدیم که چپاولگری در این مملکت هست ، ما دیدیم که مستکبران ، مستضعفان را دارند از بین می برند ، قیام کردیم ، ما برای قیام کردیم ، در همه اهالی ممالک هم به روی ما بسته بشود ، در رحمت خدا به روی ما باز است و ما اتکال به رحمت خدا و اتکال به قدرت خدا می کنیم و شما قدرتمند باشید و به پیش بروید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 60

بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان کفن پوش کورانده و دانش آموزان دبیرستان الفتح نهاوند

قیام برای خدا شکست ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

از همه آقایان محترم، برادرهای عزیزم که از اطراف، پای پیاده آمدید تشکر می کنیم. ملتی که اینطور تحول پیدا کرده است که در سرمای این راه ها، با رنج، جوان هایش پیاده می آیند و غسل شهادت می کنند و پیشقدم برای شهادت هستند، پیروزند. شما جوانان پیروزید انشاءالله و آنها که گمان می کنند که با یک تروری، با یک راه انداختن ناراحتی هائی می توانند این ملت را از راه خودش منحرف کنند اشتباه می کنند.

ملت ما بیدار شده است و قیام کرده است و قیام برای خدا، کسی که قیام برای خدا کرده است این شکست ندارد و کشته شدن بعضی افراد هر چه هم شخصیتی باشد، در روحیه ملت ما تأثیر بد ندارد بلکه بیشتر تهییج می کند. ملت ما ملتی است که می خواهد کار بکند، دانشجویی که برای خدا می خواهد این نهضت را برساند به آخر، کشاورزی که برای خدا این نهضت را به آخر برساند هر چه هم با او مقابله کنند، هر چند ناراحتی ایجاد کنند و هر چه هم جار و جنجال کنند دشمن هاشان، فایده برای آنها ندارند اینها بیشتر به میدان می آیند. عمده این است که راه، راه خداست و اسلام است و جوان های ما این راه اسلامی را رفته اند و مثل سابق دیگر نیستند که از یک تشر دولت، از یک پاسبان وحشت داشته باشند، اینها دیگر از هیچ چیز ترس ندارند، چنانچه در خیابان ها رفتند و در پشت بام ها رفتند و مقابله کردند با دشمن ها، مقابله کردند با توپ و تانک و پیش بردند و از این به بعد هم انشاءالله پیش می برند.

شما نهضت نان برای خدا بوده است

لکن دو شرط در پیشرفت هست. یک شرط این است که برای خدا باشد، اگر چنانچه یک قیامی برای خدا باشد خدای تبارک و تعالی کمک می کند. از کمی جمعیت نترسید، ولی بحمدالله جمعیت هاتان زیاد است. در صدر اسلام یک جمعیت سی هزاری به دو تا امپراطوری که به همه جهازهای سلاحی مجهز بودند و یکی شان هفتصد هزار نفر یا هشتصد هزار نفر نظامی مجهز به جنگ آورده بود، اینها با سی هزار نفر غلبه کردند. یکی از سردارهای اسلام آنوقت گفت که شصت هزار نفر

جلو آمدند پیشاهنگند از دشمن و دنبال آنها هم هشتصد یا هفتصد هزار نفر دشمن هست ، ما اگر یک ضربه ای به اینها نزنیم اینها جری می شوند . این سردار گفت که سی نفر همراه من بیاید شب می رویم و به این شصت هزار نفر شبیخون می زنیم ، سی عدد . تمام لشکرشان هزار نفر بود گفتند که آخر شصت هزار نفر هم آدم مقابل دو هزار نفر نمی شود . بالاخره راضی اش کردند این را که شصت نفر ببرد ، هر آدم مقابل هزار نفر . شب ، شبیخون زدند و تار و مارشان کردند ، شکست شان دادند ، شکستی که بعد منتهی شد به اینکه آن لشکر بعد را هم اینها شکست دادند .

چه بود که شصت نفر آدم ، شصت هزار نفر آدم را ، شصت نفر آدمی که مجهز به آن جهازها نبودند ، شصت هزار آدم را که به آن جهازها مجهز بودند شکست دادند . برای این بود که اینها یافته بودند این مطلب را که ما اگر کشته بشویم به شهادت می رسیم . با این روحیه قوی ، که ما بکشیم سعادت مندیم ، کشته بشویم هم سعادت مندیم ، با این روحیه قوی با همچو روحیه ای پیش رفتند و شکست دادند . در عین حالی که لشکر اسلام در آنوقت یک لشکر بسیار ضعیفی از حیث قوای مادی ، و تجهیزات جنگی هم نداشتند ، هر چند نفرشان گاهی یک شمشیر ، یک شتر ، اسب کم و گاهی وقت ها یک روز ، یک شبانه روز را با یک خرما یک نفر آدم زندگی می کرد و در یک نقلی هست که در یک جنگی یک خرما را این می گذاشت دهن خودش یک قدری شیرین می شد ، می داد به رفیق خودش ، او می داد به رفیقش ، او به رفیقش ، او می داد ، او می داد تا آخر ، اما روحیه قوی بود . قدرت روحی ، آن قدرت روحی است که انسان را پیروز می کند ، هر چه تجهیزاتشان زیاد باشد و هر چه هی عیش و نوش داشته باشند ، روحیه شان ضعیف است . ملت ما الان روحیه قوی است . بحمدالله در این کشاورزهای ما ، این دانشجوهای ما ، این طلاب علوم دینی ما و امثال اینها آنطور نیست که مشغول عیش و نوش باشند . عیش و نوش پیش آنها _ چیز نیست مطرح نیست ، دلشان قوی است ، زندگی شان در اینجا هر چه می خواهد باشد طرف های ما اینطور هستند که در عیش و نوش هستند . دشمن های ما می خواهند برای دنیا بزنند ، شما برای خدا می خواهید جنگ بکنید یا نهضت تان برای خدا بوده است ، آنها برای دنیا بوده . این دو تا فرق ، فرق بین این دو تا خیلی زیاد است که یک دسته ای برای خدا قیام کنند ، یک دسته ای برای دنیا . آن که برای دنیاست تا ببیند شاید دنیایش متزلزل می شود فرار کند . آن که برای خداست تا آخر هم فرار نمی کند . در این جنگ هائی که از صدر اسلام واقع شده یک امور آموزنده است ، خیلی امور آموزنده برای ماهاست . در یکی از افرادی که به حسب تاریخ یک فرد با یک فرد دیگری مقابل شده بود ، آن طرف که دشمن بود نیزه را زد به سینه یا شکم این مسلمان از آن طرف بیرون و او توی این نیزه دوید و او را کشت ، یعنی نیزه تو شکمش بود فشار داد و همان تو نیزه آمد اینجا رسید و او را کشت . در یک جنگ قلعه ای که قلعه داشتند آنها ، مسلمین بیرون قلعه بودند و آنها در داخل قلعه می خواستند این می خواستند اینها فتح کنند آن قلعه را ، راه نبود درها بسته در و دیوارها بلند ، یکی شان داوطلب شد که من روی سپر می نشینم و سپر و نیزه ها را بگذارید زیرش و بلند کنید تا من برسم به دیوار ، من می روم تو این قلعه و راه را باز می کنم . همین کار را کردند ،

رفت آن طرف و در عین حالی که اهل قلعه هم ، خوب ، افرادی بودند ، قلعه را باز کرد . وقتی روحیه قوی باشد ، اعتماد به خدا داشته باشد ، وقتی یک جمعیتی به خدا اعتماد داشته باشد این جمعیت پشتوانه اش خداست و جمعیتی که پشتوانه اش خداست شکست ندارد . یکی این است که باید همین روحیه را تقویت کرد . هر چه نصرت می خواهید دست اوست . گمان نکنید که ایران ، ملت ایران خودش یک همچو قدرت بزرگی را ، یک همچو قدرتی که همه هم دنبالش بودند خودش بدون تاییدات غیبی که شد شکست داد . ایران چه از بچه هاشان تا پیرمردشان و تا جوان هاشان ، همه ، همه قشرها با سلاح الله اکبر پیش می رفتند و می گفتند ما جمهوری اسلام را می خواهیم .

خدای تبارک و تعالی وضعی پیش آورد که دشمن های ما همچو ترسیدند که نتوانستند بمانند ، دست به سلاح به آنطوری که می خواستند ببرند ، نبردند یعنی یک مانع غیبی مانع شد از اینکه اینها مثلا با آن سلاح هائی که داشتند بیایند همه تهران را ، همه قم را و سایر جاها را بمباران کنند و آنها را همچو ترسانند که این سلاح را به کار نتوانستند ببرند . از آن طرف وقتی که هجوم آورد به آنها ، تمام قشرهائی که مادون آن طبقه اول فاسد بود پیوستند به ملت . اینها کارهائی بود که خدای تبارک و تعالی کرد که دشمن را برگرداند ، دوست کرد و آنها هم که در راس بودند همچو خوفی در دلشان انداخت که دیگر نتوانستند مقابله کنند .

حافظ الهیت نهضت و وحدت کلمه باشید

این روحیه اسلامی اگر بنخواهید و می خواهید که انشاءالله پیروز بشوید و مملکت تان مال خودتان باشد ، شما تا حالا مملکت خودتان نبود ، شما زحمت می کشیدید دیگران نفعش را می بردند ، زحمت ها مال خودتان باشد ، دیانت تان محفوظ ، همه حیثیت مملکت تان محفوظ باشد ، این جهت الهیتش را حفظ کنید ، این خدائی بودن را حفظ کنید و مرتبه اجتماعتان را حفظ کنید این اختلافاتی که گاهی وقت ها مثلا توی دهات پیدا شود ، توی شهرستان می شود ، وقتی بررسی کنید اختلافات سر چیزهای جزئی است که ارزش این ندارد که با آنها برای چیزهای جزئی اختلاف کنید که حالا زیاد هست برای ایجاد اختلاف ، حالائی که از هر جهت مأیوسند و دیدند که قدم به قدم این ملت دارد پیش می رود نمی خواستند که این ملت پیش برود و این مرد خائن از ایران برود ، تا بیرونش کردید ، بعدش نمی خواستند که آن جانشین های فاسدش بیرون بروند ، آن هم اقدام کردید تا بیرونش کردید ، بعد هم نمی خواستند که این جمهوری اسلامی را مردم به آن رأی بدهند ، اقدام کردید پیروز شدید ، بعد هم نمی خواستند مجلس خبرگان پیدا بشود ، باز هم رأی دادید تا پیروز شدید ، بعد هم نمی خواستند که قانون اساسی را مردم رأی بدهند ، باز هم رأی دادید تا پیروز شدید .

اینها می بینند شما در هر قدم پیروزی با شماست ، هر چه آنها جدیت می کنند و سمپاشی کنند در این ملت تأثیر ندارد حالائی که سمپاشی کردند و این بساط درست کردند ، یک قشر بزرگی از ملت ما همه هم مسلمان هستند و میل دارند که این اسلام در این عالم پیدا بشود ، در این محیط پیدا بشود ، بعد بازیشان دادند که آنها قهر کنند و رأی ندادند ، در عین حال شانزده میلیون رأی دادند به این قانون

اساسی شانزده میلیون معنایش آن است که آن مقداری که حق داشتند رأی دادند یک عده کمی هم رأی خلاف دادند، صد نود رأی، شاید یک قدری بیشتر. اینها می بینند که همچو سنگر به سنگر اینها پیش می برند و آنها خالی می کنند سنگر را. چه بکنند؟ حالا شخصیت ها را ترور کنند، خیال می کنند، در عین حالی که دیدند یک شخصیتی که ترور می کنند سرتاسر ایران تظاهر می کنند و قوی تر می شود معذک از بی عقلی شان باز این کار را انجام می دهند. الان در ترور مرحوم آقای مفتاح رحمة الله علیه می بینیم که باز مردم به هیجان آمدند. اینها از اموری است که خدا وسیله اش را فراهم می کند منتها اینها خیال می کنند که اگر این کار بشود دیگر این ملت عقب می نشیند. ملت از چی چی می ترسد، ملت ترس دیگر ندارد. لکن این دو جهت را حفظ کنید، برادر باشید، در دهات هوشیار باشید که این اشخاص فاسد خصوصا در آن طرف های شما، این اشخاص فاسد نیابند بین شما و برادرهاتان فتنه کنند، که هر کس آمد یک کاری می خواهد بکند با برادرانتان که بینتان اختلاف بیندازد، این از همان هائی است که می خواهد این نهضت پیش نرود. با برادرانتان دوست باشید. شما همه اهل یک مذهب، یک دین، اهل یک کتاب، برای خاطر یک امر جزئی دنیا نباید انسان برادرش را، قوت ایمانش را از دست بدهد، خصوصا در یک همچو چیزی که دشمن پشت سر ما ایستاده است. انشاء الله خداوند همه تان را حفظ کند و موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه شیراز

در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست، برادری مطرح است

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشجویان عزیزی که پیشروان انقلاب بودند و انشاءالله کسانی هستند که مقدرات کشور بعد از این در دست آنهاست، دانشجویان عزیزی که در این انقلاب همدوش تمام برادران، در راه اسلام قدم برداشتند، خوش آمدند.

عزیزان من! در اسلام و پیش من رهبری مطرح نیست، برادری مطرح است. خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم ما را برادر خوانده است (انما المومنون اخوه) بزرگان اسلام ما هم در همین حالی که رهبرانی معذور بودند، در عین حالی این موضوع نزد آنان به این معنا مطرح نبوده است. امیدوارم این چند روزی که در میان شما هستم در خدمت شما باشم. ما همه در صف واحد، در صف برادران دینی، برادران اسلامی، برادران ایمانی برای آرمان های بزرگ اسلام باید کوشش کنیم و به پیش برویم. اگر ما برادری خودمان را حفظ کنیم و با حفظ برادری و اتکال به خدای تبارک و تعالی در صف واحد پیش برویم، پیروزی نصیب ما خواهد بود. خدای تبارک و تعالی به مستضعفان وعده پیروزی داده است و نمونه های پیروزی نصیب مستضعفان یکی بعد از دیگری پیدا می شود. من امیدوارم این نقطه عطفی از ایران به کلیه ممالک اسلامی و به همه مستضعفان جهان پرتو افکن شود و شما جوانان و عزیزان ببینید که دولت اسلامی مبنایش بر اساس برادری و محبت، اخوت و اینکه فردی بالا و پایین و یا طبقه ای فوق طبقه ای نباشد و نه بر اساس حاکم و محکوم را ادراک کنید. امید است با این تحول و وضع روحی که در جوان های عزیز ما ایجاد شده است و این وحدت و توجهی که قشرهای ما به اسلام و احکام اسلام پیدا کرده اند ما به زودی پیروزی را ببینیم.

با اتکال به خدا و قرآن کریم به پیش بروید که پیروزید

فرزندان محترم! خواهران و برادران من! کوشش کنید که وحدتتان را حفظ کنید. از اغراض جزئی که تمامش با اغراض دنیوییه و به کارهای شیطانی بر می گردد احتراز کنید. امروز اسلام و قرآن در دست شماست و شما می توانید قرآن را ترویج کنید و در همه قشرهای دنیا پرچم اسلام را بالا ببرید و اگر خدای نخواستہ در این حالی که در اثر قدرت ایمانی و وحدت کلمه یک نحو پیروزی پیدا شده

است ، سستی پیدا بشود ، اگر بخواهیم پیروز هم گردیم ، راهمان طولانی خواهد شد . الان در همه جا توطئه ها در دست تحقق است و ریشه های گندیده با هم مجتمع می شوند و شما عزیزان و دانشجویان و همه قشرهای ملت باید به هم بپیوندید . دست های کثیفی پیدا شده که بین قشرهای ملت جدایی ایجاد کنند تا از جدایی و افتراق ما بهره برداری کنند . کوشش کنید که این وحدت کلمه از دست نرود و مهم اینکه اتکال به خدا از دست نرود . به اتکال به خدا و قرآن کریم به پیش بروید که پیروزید . و من امیدوارم که به زودی شما پیروزی را در آغوش بگیرید و اسلام این رژیم عدل که برنامه هایش تاکنون تحقق نیافته است با دست برومند جوانان ما ، با دست برومند برادران و خواهران ما تحقق پیدا بکند . خداوند به همه شما نصرت عنایت کند و همه شما را در پناه اولیاً اسلام حفظ کند . به پیش بروید و شیاطین را برانید .

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 66

تاریخ : 30/9/58

فرمان امام خمینی به شورای انقلاب در مورد دعوت از کشیش های متعهد

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب اسلامی ایران

به مناسبت فرارسیدن عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم الشان علیهم السلام لازم است از چند کشیش متعهد و مسؤول دعوت به عمل آورید تا امریکائینی که در اختیار دانشجویان مسلمان قرار دارند بتوانند مراسم مذهبی شان را با کمال آرامش انجام دهند . بدیهی است به مناسبت موضع خاص کشیشان سیاهپوست در مقابل جنایات آمریکا ، آنان از اولویت خاصی برخوردارند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 67

بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان کفن پوش مراغه

با اتکال به خدا غلبه بر دشمن ممکن است

بسم الله الرحمن الرحيم

من نمی دانم از شما جوان ها که اینهمه راه از مراغه تا اینجا پیاده آمدید و اینهمه تحمل زحمت کردید تشکر کنم یا اظهار خجالت . من وقتی که اینطور احساسات را از جوان های وطن می بینم و اینطور مهیا بودن از برای شهادت ، مهیا بودن از برای دفاع از اسلام ، غرور می گیرد مرا که ما همچو جوان هائی داریم . آذربایجان همیشه در صف اول بوده . و شما جوان ها که از این راه دور و پرمشقت آمدید ، آذربایجانی هستید ، همان مردانی که هر وقت برای ایران یک حادثه ای پیش می آمد ، آنها جلوتر از دیگران برای اوقیام می کردند و شما بدانید حادثه ای که حالا ما در آن هستیم از بزرگترین حوادث کشور ماست چنانچه پیروزی ای که شما جوان ها با اتحاد با سایر قشرهای ملت به دست آوردید در طول تاریخ اینطور پیروزی با این کیفیت پیدا نشده بود . پیروزی یک ملت مسلم بدون اتکال به غیر خدا ، بدون تجهیزات نظامی ، بدون تعلیمات نظامی ، بر یک قدرت های مجهز ، دارای تجهیزات نظامی ، دارای تعلیمات نظامی ، علاوه بر آن یک ملتی ، یک قدرتی که همه قدرت ها هم دنبال او بودند . اینطور غلبه غلبه اسلام بود بر کفر ، غلبه متن اسلام بر متن کفر . شماها همان سربازهای صدر اسلام هستید ، همان ها که با مشرکین مقابل بودند و با آنهایی که می خواستند اسلام تحقق پیدا نکند ، توطئه می کردند ، امثال ابوسفیان و دوستان ابوسفیان ، آنها هم می خواستند که پیغمبر اسلام موفق نشد به اینکه اسلام را در جزیره العرب تحقق بدهد . تمام همشان این بود که اسلام تحقق پیدا نکند برای اینکه اسلام را با همه منافع خودشان مخالف می دیدند . اینطور می دیدند که اگر پیغمبر اسلام غلبه کند ، آنها دیگر آن ظلم ها را ، آن غارتگری ها را نمی توانند بکنند ، از این جهت مجهز شدند و همه قشرها را تجهیز کردند بر ضد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و بحمدالله موفق نشدند و امروز همان معنی است ، همان معنایی که در صدر اسلام بود و مواجهه اسلام بود با کفر و پیغمبر اکرم تجهیزاتی نداشتند ، اینها تعدادشان کم ، تجهیزاتشان کم و آن طرف دارای ثروت های زیاد ، تجهیزات زیاد معذک چون خدا می خواست ، چون اتکال شان به خدا بود ، از این جهت غلبه کردند ، افراد کم بر افراد زیاد غلبه کردند و افرادی که هیچ تجهیزات صحیحی نداشتند ، بر افرادی که ، قشرهای مختلفی که از اطراف جزیره العرب جمع شده بودند که نگذارند اسلام محقق بشود ، افراد کم و تجهیزات کم و افراد زیاد و تجهیزات زیاد غلبه کردند برای اینکه اتکال شان

به خدا بود. یک نفر از اینهایی که با اراده تابع اراده خدا می رفت، عده ای از آنها را از بین می برد. شما الحمدلله الان جمعیت تان زیاد است و باید طوری کنید که هر روز زیاد بشود، قدرت ایمانی هر روز زیاد بشود. با توجه به خدای تبارک و تعالی خودتان را تربیت کنید که یک انسانی بشوید متقی و یک انسانی بشوید مجاهد برای خدای تبارک و تعالی، با تقوا. اگر چنانچه اتکال به خدای تبارک و تعالی بکنید، و به تربیت روی خودتان عمل بکنند شما پیروز هستید. و ما امید این را داریم که این اسلام امروز همانطور که ابتلائی در صدر اسلام داشت و سربازهای اسلام جانبازی کردند، فداکاری کردند و اسلام را پیش بردند، حالا در دست ماست این اسلام و در مقابل ما هم قدرت های بزرگ ایستاده است. ما الحمدلله جمعیت مان الان خوب است، لکن در مقابل قدرت های بزرگ، اگر منهای اسلام، قدرت اسلام باشد، چیزی نیستیم، لکن با اسلام همه چیز هستیم. با اتکال به خدا همان سربازهای صدر اسلام هستیم، که سی نفر، سی و یک نفر با شصت هزار نفر غلبه کردند، شصت نفر با شصت هزار نفر، اول می خواستند سی نفر بروند بعد شصت نفر شدند، شصت نفر مجاهد، مجاهد برای خدا زدند شیخون، بر شصت هزار نفر غلبه کردند، اسلام غلبه داد آنها را.

نوطنه گران در پی ضربه زدن به اسلام و نهضت برای عدم تحقق آن

الان وضعیت کشور ما و وضعیت اسلام در کشور ما همان وضعیت صدر اسلام است، یعنی همانطوری که ابوسفیان و دارودسته ابوسفیان و کسانی که با او متحد بودند و با او هم پیوند بودند بر ضد اسلام قیام کردند که نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند، حالا هم همان قضایا هست. الان هم اینهایی که در مقابل اسلام ایستاده اند و ضربه از اسلام خورده اند و فهمیده اند که اگر اسلام تحقق پیدا بکند به آنطوری که باید تحقق پیدا بکند، دست اجانب و دست آنهایی که دنبال اجانب هستند و تأیید از آنها می کنند، از ذخائر ما کوتاه می شود، نمی توانند دیگر در مملکت ما حکومت کنند، اینها اینطور ادراک کردند و در این نهضت ضربه دیدند و دست بردار نیستند و می خواهند نگذارند اسلام تحقق پیدا کند همانطور که در صدر اسلام دارودسته ابوسفیان نمی گذاشتند به بهانه هائی مختلف، به اشکالات مختلف، با اشکال مختلف توطئه می کنند که نگذارند در ایران یک رژیم جمهوری اسلامی متکی بر قانون اساسی ای که از روی اسلام است، متکی بر اسلام، احکام اسلام، نگذارند این تحقق پیدا کند، هر روز به یک بهانه ای، یک بساط درست کنند. و من امیدوارم که شما جوان های عزیز مراغه و همه جوان های عزیز آذربایجان توجه بکنند به اینکه امروز وضع اسلام، وضع همان روزی است که پیغمبر قیام کرد و نهضت کرد و اسلام را خواست محقق کند. امروز هم شما جوان ها نهضت کردید برای خدا، برای اسلام و با تکبیر، با الله اکبر این نهضت را به پیش بردید و از این به بعد هم با همین تکبیر، با همین اراده مصمم و قوه، اسلام را به پیش خواهید برد. با هم اتحاد داشته باشید. دست های خائن از راه نفاق افکنی، خلل می خواهند وارد کنند بر نهضت ما، از راه اینکه یک دسته ای را در مقابل دسته دیگر قرار بدهند، اغفال کنند یک دسته ای از جوان ها، یک دسته از روستائی هائی که دل صاف دارند، قلوب

الهی صاف دارند ، از آنها استفاده کنند و بر ضد شما جوان ها که پاسدار اسلام هستید و برای اسلام قیام کردید و برای اسلام این مشقت ها را متحمل شدید ، آنها را می خواهند در مقابل شما قرار بدهند و نگذارند این مسائلی که الان ما مبتلا به آن هستیم به پیش برود . آذربایجان توجه بکند به این قضایا ، توجه بکند به اینکه امروز هر کس برخلاف این مسیر بخواهد یک حرکتی بکند ، مثلش مثل همان ابوسفیان و همان اشخاصی که در آنوقت با هم پیوند می کردند که نگذارند پیغمبر اسلام یک حکومتی تشکیل بدهد . آنها از اسلام می ترسیدند برای منافع خودشان ، اینها هم که الان دارند مخالفت می کنند از اسلام می ترسند برای منافع خودشان و برای منافع اربابان خودشان . خدمتگزار اجانب هستند . آنها از اینها حال شان بهتر بود ، برای اینکه آنها برای اجانب نبود ، آنها برای خودشان می خواستند قیام کنند و برخلاف اسلام قیام کردند برای اجانب ، اینها برای اجانب دارند قیام می کنند و برای اجانب فعالیت می کنند که قیام شما مردان خدا را فلج کنند .

باید همه ایران این توجه را داشته باشند و خصوص آنجاها که در معرض این است که خدای نخواستہ یک آسیبی ببینند نهضت ، مثل آذربایجان ، مثل کردستان ، مثل بلوچستان که در معرض آسیب است به واسطه اینکه اجانب در آنجاها بیشتر می توانند فعالیت بکنند ، باید همه ایران خصوصا این مناطق مرزی و این مناطقی که آن اشخاص بیشتر می توانند فعالیت بکنند ، باید بیدار بشویم ما و همه بیدار بشوند و برای خدا و به اذن خدا این جهاد را که همان جهاد زمان رسول الله هست به پیش ببرند . خداوند همراه شماست و همراه شما باشد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 1/10/58

فرمان امام خمینی به تیمسار شادمهر

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسارهادی شادمهر

بنابر اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، تیمسار به خدمت اعاده و به درجه سرلشکری مفتخر و به ریاست ستاد مشترک منصوب می گردید . از پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران انتظار دارم که برای اداره امور ارتش و پاسداری از انقلاب و استقلال ایران در کمال صمیمیت ، اخلاص و ایثار همکاری نمایند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 71

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان تبریز

اتکال به ذات مقدس حق و اجتماع اقشار در زیر یک پرچم از رموز پیروزی نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما دانشجویان عزیز که از راه دور آمدید و از سایر گروه‌هایی که آمده‌اند و در این هوای سرد، در این منزل محقر با من ملاقات کردند متشکرم. شما می‌دانید که ما امروز در مقابل چه قدرتی واقع شده‌ایم، ما در قدم اول که مقابل این قدرت‌ها واقع بودیم، آن چیزی که رمز پیروزی ما بود چه بود و از این به بعد باید چه باشد.

شما می‌دانید که ما نه قدرت نظامی داشتیم و نه ملت ما تعلیمات نظامی، شما جوانان عزیز مشغول تحصیل دانش بودید و سایر قشرها هم مشغول کارهای مخصوص خودشان بود روحانیون هم مشغول تحصیل علوم خودشان بودند، ما نداشتیم یک جمعیتی که تعلیمات نظامی دیده باشد و نه یک تجهیزاتی داشتیم لکن یک چیز داشتیم و دنبال آن یک چیز دیگر، عقیده به اسلام، ایمان به خدا، قیام برای خدا که دنبال آن جمع شدن همه قشرها در زیر بیرق اسلام بود. این دو نیروی عظیم را ما داشتیم که یکی اصیل و یکی دنبال او نیروی اصیل، نیروی ایمان، توجه به خدا، اتکال به ذات مقدس حق. از همه زبان‌ها ذکر خدا بیرون می‌آمد، با الله اکبر جلو می‌رفتند و دنبال این مطلب اصیل همه قشرها با هم مجتمع شدند و همه اغراض کنار رفت یک صدا و آن اینکه ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، این یک صدا که از حلقوم شما فرزندان اسلام در آمد و این صدای اسلام بود. صدای ملکوت بود، صدای عالم غیب بود و این صدا همچو این ملت را منسجم کرد و همچو قدرتی به ملت داد که با دست خالی بر قدرت‌های بزرگ غلبه کردند. از این به بعد هم ما، احتیاج به این صدای ملکوتی الهی داریم و احتیاج به این انسجام.

این که همه یکصدا جمهوری اسلامی را می‌خواستند، ضربه‌ای بود به آمریکا و رفقای آمریکا

دشمن‌های ما می‌خواهند این دو چیز را از ما بگیرند ما را اول از هم جدا کنند، هر جایی یک صدائی درآورند. ملت اسلام که به تبع اسلام، به تبع قرآن کریم باید همه با هم باشند و متحد باشند و برادر باشند، مؤمنین سرتاسر دنیا برادرند به حسب حکم قرآن و برادرها برابرنند و در شادی و غم هم

مشترکند. در اسلام همین برادری است که مبدأ همه خیرات است و اینها که می خواهند این برادری را از ما بگیرند غائله بپا می کنند. برادرها را می خواهند از هم با لهجه مختلف کنند، یک وقت هم غائله آذربایجان را به کار می آورند که آنجا هم فریاد می زنند که جمهوری آذربایجان، یعنی جمهوری آذربایجان جمهوری غیر از جمهوری اسلام است، یعنی به حسب فهم آنها آذربایجان جدا از اسلام. این هم توطئه است برای اینکه برادرها را از هم جدا کنند. اسلام، قرآن، عقد اخوت بین ما انداخته است (المؤمنون اخوه) مؤمنون، همه، نه ترک و نه فارس و نه عرب و نه عجم نه از چه، همه مؤمنین برادرند. این قرآن است. اینها که می خواهند این برادرها را از هم جدا کنند در هر جا با یک نغمه ای وارد می شوند و اذهان صاف جوان ها را و اذهان صاف اشخاصی که در روستاها هستند اینها را تبلیغ می کنند و برضد برادرهای خودشان آنها را تجهیز می کنند، این دست آنهائی است که تمام حیثیات این مملکت را در طول تاریخ و خصوصاً در این پنجاه سال از بین بردند و تمام غارتگری ها را آنجا کردند و حالا چون از این جهت مأیوس شدند دنبال اینطور توطئه ها برآمدند آنها فهمیدند که ضربه را از اخوت اسلامی کشور ما خوردند، اخوت اسلامی عملی. همه یک کلام می گفتند، همه یک صدا درآوردند، همه الله اکبر می گفتند، همه اتکال به خدا داشتند، همه جمهوری اسلامی می خواستند. این جهت که همه با هم بودند و یکصدا جمهوری اسلامی می خواستند، ضربه ای بود که بر آمریکا و رفقای آمریکا خورد. آنهائی که تبع بودند. آنها الان یافته اند که ضربه را از کجا خوردند، همان نقطه ای را که از آن ضربه خوردند هدف قرار دادند، همان چیزی را که موجب شکست آنها شده است حالا هدف قرار دادند، به همان موضعی که شما پیروز شدید آنها حمله کردند. موضع پیروزی اتفاق کلمه بود وحدت بین آذربایجان و کردستان و بلوچستان و ایران، همه جا بود، همه جای ایران بود و اتکال به خدا آن جهت را که وحدت کلمه و طرح نبودن در انقلاب اینکه من از کدام طایفه ام، شما از کدام طایفه اید، من چه مسلکی دارم، شما چه مسلکی دارید. این در انقلاب، در ابتدای انقلاب که همه با هم متوجه بودید به اینکه آن سد شیطانی را بشکنید آنوقت این مسائل اصلاً طرح نبود، مسأله احتیاجات هم طرح نبود مسأله اینکه ما امشب وقتی برویم منزل آیا شاممان چیست؟ منزلمان کجا است؟

رمز پیروزی نهضت (گسستن از خود و پیوستن به خدا) بود

شما شاید در تلویزیون دیده باشید آن کنار شهر تهران که این زاغه نشینان هستند، خوب اینها معلوم است که منازلشان چی هست و زندگی شان چی در تلویزیون که نشان داد گفت شما چه می کنید روزها یا چه می کردید. گفت ما صبح که می شد زن و بچه مان را بر می داشتیم برای تظاهرات می رفتیم. اصلاً به فکر اینکه من در این زاغه زندگی می کنم، به فکر اینکه من بچه هایم چه حالی دارند در این فکر نبودند. شما هم در فکر اینکه ما گرفتاری مان چیست مدرسه مان چه گرفتاری داریم معلممان چه آدمی است، شما هم این فکر را نمی کردید. این القاه افکار متعدد و پشت کردن بر خود و روکردن به خدا، حقیقت این است که ملت ما به خودش پشت کرد به خدا رو آورد، آن چیزهائی که نفسش خواهش

داشت توجه به آن نداشت، همه توجهش به این بود که جمهوری اسلامی را ایجاد کند، این توجه به خدا بود، از خود گذشته بود به خدا پیوسته بود. این رمز بود، این رمز، رمز پیروزی است. تا انسان به خود مشغول است نمی تواند کاری بکند برای اینکه خودها هستند، افراد هستند تا شما به خود مشغول هستید برادران هم همین طور و من هم همین طور، برادرم همین طور، هر کدام یک آمال خاصی دارید، تا توجه به خود است اقبال به خود است و پشت به خدا، همه نکبت ها هست. در پیروزی شما عکس بود مطلب، از آمال خودتان دست برداشته بودید، آنوقت اگر یک کسی به شما می گفت که شغل شما آیا خوبست، آیا دکانتان مثلا چطور است شاید مسخره اش می کردید که حالا وقت این حرف نیست. پشت کردید به آمال خودتان و رو کردید به خدا. این توجه به خدا و هجرت از خود به خدا که بزرگترین هجرت هاست، هجرت از نفس به حق و از دنیا به عالم غیب شما را تقویت کرد، یعنی دیگر برای شما مطرح نبود که من چند روز زنده بمانم این هم مطرح نبود. جوان ها می دیدند که دارند تیراندازی می کنند، می دیدند که تانک ها دارند می آیند، می دیدند که مسلسل ها در کار است لکن حمله می کردند. این نیروی خدائی است، آن نیروی خدائی که از اول اسلام را تقویت کرد همین است که در شما پیدا شده بود: پشت به دنیا و رو به عالم غیب، پشت به انانیت خود و رو به رحمت الهی، قدرت الهی. این را حفظش کنید، این نعمتی که خدا به شما داد و شما را متحول کرد به یک ملت دیگری شمائی که از پاسبان می ترسیدید از رژیم شاهنشاهی نترسیدید، شمائی که از یک باتوم می ترسیدید از مسلسل ها ترسیدید، این نیروی خداست. این نیروی خدائی را حفظش کنید، حفظ به این است که باز توجه تان به آنجا باشد. اینقدر دنبال این نباشید که ما خانه مان چه جور است و زندگی مان چه جور است و چه، دنبال آن شرافت انسانی باشید، دنبال آن معنا باشید که شما را پیروز کرد. پیروزی بر دشمن آن هم یک همچو دشمنی که همه چیز ما را می خواهد از بین ببرد بالاترین چیزی است که برای یک ملتی حاصل می شود. ما اگر می توانستیم هدایت می کردیم آنها را، پیغمبرها آمده اند که همه هدایت کنند، کفار را هدایت کنند، ما اگر قدرت داشتیم همه اینها را هدایت می کردیم، لکن بعد از آنکه آنها به ما حمله بکنند ما با همان قدرت الهی که آن سد را شکستیم این سد هم می شکنیم. ما که در این مبارزه، در این مبارزه ای که همه با هم متحد بودند به واسطه پشت کردن بر آمال خودمان و رو کردند به خدای تبارک و تعالی پیروز شدیم حالا هم همین معنا را انشاءالله حفظ می کنیم و با همین اسلحه پیش می رویم. متوجه باشید که بر همین معنائی که نکته و رمز پیروزی شما بود اینها حمله کردند. اگر در نظرتان باشد بعد از اینکه شما شکستید این سد شیطانی را و طرح کردید جمهوری اسلامی را، دستجاتی پیدا شدند که (جمهوری، اسلامی اش را کنار بگذارید)، این حمله به آن نقطه ای بود که با آن نقطه، در آن نقطه شما پیروز شدید.

ترس و رعب از اسلام موجب مخالفت آشوبگران با جمهوری اسلامی

آن موضعی که شما را پیروز کرد که اسلام بود و جمهوری اسلامی حمله به او شد گفتند (اسلامش نه) همین اشخاصی که این کارها را دارند انجام می دهند همین ها بعضی شان از همان ها بودند

که می گفتند (اسلامش نه ، جمهوری بس است . جمهوری را خوب پهلویش هم جمهوری دمکراتیک بگذارید از اسلام کنار بروید هر چه اسمش را می خواهید بگذارید) هر اسمی می گذاشتید با آن مخالفت نمی کردند برای اینکه از آن ضربه نخورده بودند از جمهوری ضربه نخورده بودند ، از جمهوری دمکراتیک ضربه نخورده بودند ، از جمهوری اسلامی ضربه خورده بودند از الله اکبر ضربه خورده بودند . اینها می گفتند (الله اکبرش را بگذار کنار ، قرآنش هم بگذار کنار) در آنجا شما پیروز شدید گفتید جمهوری اسلامی هیچ این طرف و آن طرف نیست همین یک کلمه است مابقی را نمی دانیم ، جمهوری اسلامی ، رأی دادید به جمهوری اسلامی ، یک رأی بی سابقه در دنیا یک رأی تقریباً می شود گفت که اتفاق یکی درصد تا دو درصد کمتر ، آنجا اینها شکست خوردند می گفتند (جمهوری اسلامی لازم نیست ، جمهوری یا جمهوری دمکراتیک) آنجا هم شکست خوردند ، بعدش صحبت از قانون اساسی شد خواستند نگذارند این قانون اساسی اصلش نوشته بشود . از اینجا شروع کردند که بگذارید تا مجلس مؤسسان پیدا بشود ، مجلس مؤسسان یعنی چه ؟ یعنی سیصد نفر در قشرهای مختلف برای اینکه می دیدند که اگر سیصد نفر در ایران بخواهند این کار را بکنند ، ممکن است یک مقداری از این قاچاق ها هم تویش باشد . ما می گفتیم نه ، ما یک خبرگانی درست می کنیم بعد می گذاریم به آراء ملت . خبرگانش با آراء ملت و بعد از اینکه آن هم قبول کردند باقیش هم با آراء ملت ، قانون اساسی اش هم با آراء ملت . اینجا هی ایراد می گرفتند و همه ایراد برای همین معنا بود که از اسلام می ترسیدند و رمز پیروزی شما را اسلام دیده بودند و اینها می خواستند که نگذارند جمهوری اسلامی قانون اساسی اسلامی داشته باشد . از آن که گذشت و رأی دادید و در بینش هم یکی دو تا از آن قاچاق ها پیدا شد ، آنها می خواستند در ششصد نفر عدد زیاد پیدا بکنند که کارشکنی بکنند لکن الحمدلله نشد . بعد که خواستید رأی بدهید باز کارشکنی می کردند ، در رأی دادن هم کارشکنی می کردند ، اینقدر تبلیغات کردند که یک دسته از برادرهای ما قهر کردند معذک نود درصد رأی دادید ، یک دموکراسی به اصطلاح آنها حالا ما به اصطلاح آنها می گوئیم یک دموکراسی دو آتشه یعنی دو دفعه به رأی عمومی گذاشتن . یک دفعه خبرگان را خود ملت تعیین کرد ، یک دفعه بعد از اینکه خبرگان تعیین شدند و به رأی ملت تعیین شدند خود قانون را رأی ملت تصویب کرد . در عالم یک چنین دموکراسی ما نداریم ، در عالم ما نداریم که تبلیغات نشده کار انجام بگیرد ، تبلیغاتی توانستند بکنند ، نکردند نگذاشتند .

پیشرفت شما در مقابل آن قدرت ، اعجاز بود

از آن طرف البته تبلیغات بود ، یک همچو مطلبی که در ایران اتفاق افتاد از آن معجزاتی است که در صدر اسلام اتفاق می افتاد مسائل اسلام و ایران در این مدت مسائل اعجازی است ، پیشرفت شما در مقابل آن قدرت اعجاز بود ، توجه همه ملت به یک نقطه ، بچه کوچولو که تازه زبان درآورده با آن پیرمردی که در مریضخانه و بیمارستان افتاده یک چیز بود ، یک حرف بود کانه یک حلقوم صدا می کرد ، هر جا می رفتی همان صدا را می شنیدی . این هم یکی از اعجازها بود اینجور رأی به اشتیاق

دادن که در بعضی جاها به من گفتند که در یک جا آن بیمار را آوردند لب صندوق رأی داده و همان جا مرده است ، اینقدر ناتوان بود . اما برای رأی دادن گفته است که مرا باید ببرید رأی بدهم . این معلولین ، این بیماریها اینهمه رأی دادند ، آنهایی که سن قانونی شان نرسیده بود اعتراض داشتند به ما یک روز همین جا جمع شده بودند اعتراض به اینک خوب چرا ما رأی ندهیم ؟ ما هم در اینجا شرکت داشتیم خوب ما هم رأی بدهیم . وضع اینطوری بود ، ایران سابقه نداشت اینطور دادن بلکه دنیا هم سابقه معلوم نیست که داشته باشد . اینجا هم شکست خوردند شد نود درصد . دو جور رجوع به آراء ، دو دفعه رجوع به آراء عمومی و ملت دو دفعه رأی داده است بر این قانون اساسی . حالا هم باز اشکال دارند . من نمی دانم اشکالشان این است که چرا ملت رأی داده است ؟ شما صد دفعه دیگر هم اگر این قانون اساسی را به این ملت مسلم عرضه بدارید همان است که هست ، به همان رأی می دهند برای اینکه شما یا باید تبلیغ کنید که این ملت ما از اسلام رو برگرداند و بیاید طرف شما ، آنوقت رأی نمی دهند . اما تا اسلام است ، تا مبانی اسلام است ، تا زیر سایه قرآن هستیم ما زیر بیرق اسلام هستیم همین است که هست ، همین آش و همین کاسه صد دفعه هم از سر گرفته بشود همین است ، یا همین آقایان که خبرگان هستند یا نظیر همین ها ملت هم رأی به همین قانون اساسی و همین که موافق اسلام است ، مخالفتی با اسلام ندارد به همین رأی دادند ، صد دفعه دیگر هم به رأی بگذارید همین است . حالا یک عده ای که ادعا می کنند که ما مثلاً می خواهیم دموکراسی باشد ، یک عده ای در مقابل همه ملت ایستاده اند و می گویند که ما قبول نداریم . شما در دنیا به هر مکتبی رجوع کنید که آقا ملت یک چیزی را می خواهد یک پانصد نفر ، یک هزار نفر ، یک ده هزار نفر (فرضا باشند) اینها هم یک چیزی را می خواهند ، ملت رأی به این دادند ، این چند نفر هم می گویند که ما قبولش نداریم این را ، می گویند که اینها برخلاف آن چیزی که همه بشر بر آن متفق شدند برخلاف _ او دارند می گویند ، برخلاف دموکراسی است ، برخلاف اسلام هم است . اسلام که می گوید ، می فرماید که شورا باشد کارهاتان ، خوب این یک کاری بوده است و به شورا گذاشته شده است . وقتی که شورا یک چیزی را به اکثریت قبول کردند معنایش این است که همان را عمل بکنید ، هر که رد بکند معنایش این است که ما قبول نداریم این را . این برخلاف دموکراسی است ، برخلاف اسلام است ، برخلاف مصالح مملکت است و حمله به همان جایی است که شما از آنجا پیروز شدید . همانی که به آن پیروز شدید حمله دارد می شود . چشم ها را باز کنید من دارم تکلیف را از خودم برمی دارم به گفتن ، شما مکلفید که با توجه به همه مصالحی که دارید و می کنید عمل بکنید ، من می گویم این توطئه است برای اسلام و به ضد اسلام و دلیلش این است که همانی که اسلام می خواهد ، به آن حمله کردند ، جمهوری اسلامی را خواستند به آن حمله کردند ، شما هم باید چشم و گوشتان را باز کنید .

جلوگیری از مشتبه شدن جمهوری اسلامی در اذهان مردم

نگذارید اشخاص اشتباه بکنند ، اگر چنانچه اشتباه دارند می اندازند ، مردم را تبلیغ کنید هر

کدامتان تبلیغ کنید . اگر در روستاها رفتند یک عده ای که شیطنت دارند ، در روستاها رفتند و دارند تبلیغات می کنند شما هم بروید در روستاها مطالب را بگویید . مسأله این است اینها به همان چیزی که شما می خواهید دارند حمله می کنند . شما اسلام را می خواهید اینها می گفتند جمهوری اسلام ما نمی خواهیم . تا همه با هم نباشید و همه از این آمال دنیائی که به زودی از دست همه مان می رود پشت نکنید و توجه به مبدأ قدرت که همیشگی است نداشته باشید پیروزی نیست و من امیدوارم که همانطور که تا حالا همه قشرها توجه به خدا داشتند و فکر این نبودند که زندگی چطور است ، تا آنوقتی که مستقر بشود جمهوری اسلامی و احکام اسلام مستقر بشود ، همین حال باقی باشد و ما انشاءالله پیروز بشویم و پیروز می شویم . من به شما عرض کنم تا این چهره های نورانی و متوجه به خدا هست پیروزی همراه است و ما امیدواریم که هم از جهت اقتصادی ، هم از جهت سیاسی ، هم از جهت فرهنگی پیروز بشویم و اگر خدای نخواستہ یک روز قضیه دخالت نظامی باشد ما همه با هم سرباز اسلام هستیم . خداوند همه تان را انشاءالله حفظ کند ، موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 77

پیام امام خمینی به مسیحیان جهان به مناسبت عید میلاد حضرت مسیح

بسم الله الرحمن الرحيم

(یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون)

1 خوشا، 3 خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالتند، از آن رو که سیر نخواهند شد (انجیل متی)

1 خوشا، 3 خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می کشند، به سبب آنکه مملکت آسمانی از آنهاست (انجیل متی)

عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم الشان که برای طرفداری مظلومان و برقراری عدل و رحمت مبعوث و با گفتار آسمانی و کردار ملکوتی خود ظالمان و ستمکاران را محکوم و مظلومان و مستضعفان را پشتیبانی فرمود بر ملت های مستضعف جهان و ملت مسیح و مسیحیان هم میهنان مبارک باد، هان ای پدران کلیسا و روحانیون تابع حضرت عیسی پیاخیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران پشتیبانی کنید و برای رضای خدا و پیروی دستور حضرت مسیح یک بار ناقوس ها را در معابدتان به نفع مظلومان ایران و محکوم نمودن ستمگران به صدا درآورید.

کارتر سردمدار ستمکاران عالم تقاضا کرد تا ناقوس را در سرتاسر آمریکا به نفع جاسوسان در مقابل ملت مظلوم ایران به صدا درآورید. چه خوب و بجاست که ناقوس ها را به فرمان خدای عالم و دستور عیسی مسیح به نفع ملت های مستضعف که در زیر چکمه دژخیمان کارترها از هستی ساقط می شوند به صدا درآورید.

خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالتند و از بهر عدالت زحمت می کشند و وای به حال آنان که برخلاف دستور عیسی مسیح و برخلاف دستور همه پیامبران به نفع ظالمان و جاسوسان و پیمان کنندگان حقوق ملت ها زحمت می کشند. وای ملت مسیح و پیروان عیسی روح الله پیاخیزید و از شرافت عیسی مسیح و ملت عیسوی دفاع کنید و اجازه ندهید دشمنان تعلیمات آسمانی و مخالفان دستورات الهی، ملت مسیح و روحانیت عیسی را به خلق های مستضعفه جهان بد معرفی کنند. حضور ابرقدرت ها در معابد و دست آسمان کردن آنان برای دعا به جاسوسان و خائنان علیه مظلومان و مستضعفان شما را اغفال نکنند که اینان جز برای رسیدن به قدرت بیشتر و نیل به ریاست دنیا که خلاف دستور آسمانی است به چیز دیگری فکر نمی کنند.

ملت ما سال ها مبتلا به سالوس ستمگران بود و رنج ها از آن برد .

ای ملت مسیح چه شد که آقای کارتر در کشتارهای دستجمعی ایران ، ویتنام ، فلسطین و لبنان و دیگر مناطق به دعا برنخواست و تقاضای آهنگ ناقوس ها را نکرد ولی اکنون برای رسیدن به ریاست جمهوری و ادامه چند سال دیگر ستمگری بر ملت های ضعیف دست به دعا برداشته است و کلیسا را به آهنگ ناقوس فرا خوانده است .

هان ای پدران کلیسا پیا خیزید و عیسی مسیح را از چنگال این دژخیمان نجات دهید که آن پیامبر بزرگ از ستمگری که دین را وسیله ظلم و دعا را وسیله رسیدن به مسند ستمگری به بندگان خدا قرار می دهد بیزار است ، که دستورهای آسمانی همه برای نجات مظلومان ، از ملکوت نازل شده است . و ای مستضعفان جهان برخیزید و هم پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند .

و ای ملت آمریکا به تبلیغات رؤسای جمهوری که جز نیل به قدرت فکری ندارند گوش فرا ندهید و بدانید که جوانان ما با جاسوسان رفتاری خداپسندانه دارند ، که دستور اسلام رحمت بر اسیران است گرچه ظالم و جاسوس باشند .

شما ای ملت آمریکا از کارتر بخواهید شاه مخلوع و جنایتکار را به ایران برگرداند که کلید رهائی جاسوسان به دست اوست و شما ای اصحاب ناقوس دست ها را به دعا بردارید و ناقوس ها را به آهنگ درآورید و از خدای بزرگ بخواهید که به رؤسای جمهور شما عدل و انصاف مرحمت کند .

خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می کشند و دعا می کنند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 79

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان بخش خبر و جهاد سازندگی صدا و سیما جمهوری اسلامی

سازندگی های روحی مقدم بر همه سازندگی هاست

بسم الله الرحمن الرحيم

کشور ما و ملت ما احتیاج به سازندگی دارد، سازندگی های روحی مقدم بر همه سازندگی هاست، جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد کنند که این جهاد منشأ همه جهادهائی است که بعد واقع می شود. انسان تا خودش را نسازد نمی تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی شود که کشور ساخته بشود. جهاد سازندگی از خود آدم باید شروع بشود، جهاد نفس، جهاد اکبر است، برای اینکه همه جهادها اگر بخواند نتیجه داشته باشد و بخواهد انسان در جهادها پیروز بشود موکول به این است که در جهاد نفس پیروز باشد اگر انسان ها توجه به خودشان داشته باشند، جهاد نکرده باشند با شیطان خودشان، اینها واحد واحدهائی هستند که علاوه بر اینکه نمی توانند اصلاح جامعه را بکنند، فساد هم در جامعه می کنند، همه فسادهایی که در عالم واقع می شود، برای اینکه آن جهاد واقع نشده، آن جهاد اکبر واقع نشده. تمام این گرفتاری هائی که بشر دارد از دست خود بشر دارد، بشر است که به بشر جنایت وارد می کند، سایر موجودات، سایر حیوانات ولو سبع هم باشند، آنقدری که بشر جنایت می کند آنها نمی کنند. این بشر است که چون اصلاح نشده است و جهاد سازندگی نکرده است، این از همه حیوانات سبعتراست، هیچ سبعی مثل انسان نیست و هیچ حیوان دیگری هم به پای این حیوان نمی رسد.

آنقدر که این انسان، این حیوان دوپا در عالم فتنه و فساد می کند هیچ موجود دیگری نمی کند و آنقدری که این حیوان دوپا محتاج به تربیت است هیچ حیوانی محتاج نیست. تمام انبیا از اول تا حالا، تا خاتم، از آدم رسول اکرم برای یک مقصد آمدند و آن مقصد این است که این حیوانات را انسان کنند. مقصد این است. تمام کتاب هائی که از آسمان برای انبیا آمده است که بزرگترش قرآن کریم است. همین یک مقصد را دارد که این انسان هایی که در این ظلمات واقع شده اند غرق شده اند در دنیا، همه توجه شان به خودشان است، هر چه می خواهند برای خودشان می خواهند، اصلا پیش شان مطرح نیست یک چیز دیگری غیر از خودشان، آنها می خواهند اینها را از این ظلمت ها نجات بدهند، به عالم نور برسانند، ظلمت های زیاد، ظلمات، آیه شریفه این طرفش را ظلمات می فرماید (اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور) آن طرف را نور می فرماید، این طرف را ظلمات.

ظلمت ها زیاد است ، تاریکی هائی که بشر به آن مبتلاست ، چه تاریکی هائی که در نفس خودش هست و در باطن خودش هست و چه تاریکی هائی که در جامعه هست ، اینها زیاد هستند ، از اینها وقتی انسان تخلص پیدا کرد نور یک امر واحد است ، همه به یک مبدا واحد به یک مبدا نور باید برگردند . انبیا آمدند که اینهائی که در ظلمت ها واقعدند ، اینهائی که هیچ نمی بینند الا خودشان و هیچ نمی خواهند الا برای خودشان ، برای هیچ کس دیگری ارزش قائل نیستند ، هر چه هست برای خودشان می خواهند ، اینها را از این خودخواهی که منشأ همه ظلمت هاست ، نجات بدهند و برسانند به خداخواهی که نور است . آنهائی که رسیده اند به این مقام خداخواهی که این یک مرتبه از کمالات است آنها اینطور نیستند دیگر که مثل ماها فکر کنند ، آنها فکر دیگران هستند قبل از اینکه فکر خودشان باشند . پیغمبر اکرم برای این کافرهایی که مسلمان نمی شدند و مؤمن نمی شدند غصه می خورد ، در آیه شریفه هست که ، مثل اینکه می خواهی خودت را هلاک کنی برای اینها . خواست که همه عالم به نور برسند ، مبعوث شده بود برای اینکه همه این هیاهوهائی که در دنیا هست و این هیاهوها برای خود است ، برای رسیدن به قدرت خود است این هیاهوها را از بین ببرد و یک خداخواهی در مردم ایجاد کند ، توجه به نور ایجاد کند . اگر ایجاد بشود او ، دیگر اینهمه نزاع هائی که در دنیا هست از بین می رود . اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی هیچ وقت با هم نزاع نمی کنند اگر اولیا و انبیا را شما فرض کنید که الان بیایند در دنیا ، هیچ وقت با هم نزاع نمی کنند برای اینکه نزاع مال خودخواهی است ، از نقطه نفس انسان پیدا می شود که آنها نفس را کشته اند ، جهاد کرده اند و همه خدا را می خواهند ، کسی که خدا را می خواهد نزاع ندارد ، همه نزاع ها برای این است که این برای خودش یک چیزی می خواهد این هم برای خودش یک چیزی می خواهد ، این دو خودها تراحم می کنند ، این قدرت را می خواهد مال خودش باشد ، آن هم قدرت را می خواهد مال خودش باشد ، تراحم می کنند ، این قدرت را می خواهد مال خودش باشد ، آن هم قدرت را می خواهد مال خودش باشد ، تراحم می کنند ، جنگ درمی آید . اگر مردم تربیت بشوند به تربیت انبیا که همه کتب آسمانی برای این تربیت آمده است ، همه این نزاع ها از بین می رود ، همه این گرفتاری هائی که برای بشر است از بین می رود ، برادر می شوند همه ، همانطوری که در قرآن کریم همه را برادر خوانده است ، مؤمنها برادرند ، از این آیه استفاده این معنا شود که اگر چنانچه دو نفر به اخوت ایمانی شان عمل نکنند ، برادر نباشند ، مؤمن نیستند ، (المومنون اخوه) می گوید برادر هستند ، این مؤمنها برادرند ، همانطوری که یک برادر برای برادر خودش خیر می خواهد مؤمن این است . اگر یک وقت ما دیدیم که کسی برای برادرهای خودش خیر نخواست ، نزاع راه انداخت ، هیاهو راه انداخت ، این به طرف خودش بکشد ، او به طرف خودش بکشد ، این از ایمان معلوم می شود که حظ صحیح نبرده است ، آئی که باید ایمان در قلب این تأثیر بکند ، نکرده است .

ایمان فقط این نیست که ما اعتقاد داشته باشیم که خدایی هست و پیغمبری هست و چه ، نه ، ایمان یک مسأله ای بالاتر از این است این معانی را که انسان ادراک کرده به عقلش ، باید با مجاهدات به قلبش برساند که قلبش آگاه بشود ، بیابد مطلب را . خیلی چیزهاست که انسان به برهان می داند که فلان قضیه فلان طور است یا فلان طور نیست ، لکن چون ایمان نیامده است ، تأثیر نمی کند مثلاً نوع مردم

اینطور هستند که در یک شب تاریکی، اگر یک مرده ای در محلی باشد پیش او می ترسند بخوابند و همه عقیده شان هم برای این است که مرده هیچ اثری ندارند، هیچ کاری از او نمی آید، عقلشان می گوید که مرده است، این مرده اصلاً حرکت ندارد تا بتواند به من ضرر بزند، عقل این را می گوید، لکن این مطلب به قلب نرسیده، مرده شورها به واسطه تکراری که کرده اند، عمل تکرار شده را به واسطه تکرار، آنها پیش مرده می خوابند، هیچ برایشان چیزی نیست، این فرق ما بین ادراک عقلی و ایمان است. ادراک عقلی آدم می کند تأثیر در آدم ندارد، تا ایمان نباشد، مسأله عقلی را قلبش نفهمیده باشد، باورش نیامده باشد، آن مسأله عقلی تأثیرش کم است.

ایمان عبارت از این است که آن مسائلی را که شما با عقلتان ادراک کرده اید آن مسائل را قلبتان هم به آن آگاه بشود، باورش بیاید، این محتاج به یک مجاهده ای است تا به قلب شما، بفهمید، بفهمید که همه عالم محضر خداست، محضر خداست، ما الان در محضر خدا نشستیم. اگر قلب ما این معنا را ادراک نکند ما الان در محضر خدا هستیم، همین مجلس محضر خداست، این را اگر ایمان انسان در آن راه پیدا نیست مؤمن بشود انسان به آن، قلب انسان بیابد این مطلب را، از معصیت کنار می رود. تمام معصیت ها برای این است که انسان نیافته این مسائل را، برهان هم بر آن دارد، برهان عقلی هم قائم است به اینکه خدای تبارک و تعالی همه جا حاضر است، هم برهان است و هم همه انبیا گفته اند (و هو معکم اینما کنتم) قرآن است، آن با شماس است، هر جا هستید آن با شماس است، ما آن را از قرآن شنیده ایم، به برهان هم ثابت هست لکن به قلب ما نرسیده است. ما مثل مرده شور شده ایم تا حالا در این باب، ما مثل مردم عادی هستیم که مطلب نرسیده به قلبمان، تا اگر بخواهیم یک غیبت بکنیم، یک تهمت بزیم، یک کار زشت بکنیم بینیم محضر خداست، در محضر خدا که، محضر احترام دارد، انسان در محضر یک بزرگی که در نظر خودش بزرگ است، احترام می کند از آن محضر. اگر یک نفر وقتی که در نظرتان بزرگ است پیش شما باشد، در محضر او کار خلاف نمی کنید چه رسد به اینکه در محضر او به او خلاف بکنید، کار خلاف مطلقاً آدم نمی کند در محضر یک کسی که ادراک کرده است که این بزرگ است، محترم است، چه رسد به این که در محضر آن محترم به خود آن محترم خلاف احترام بکنند، محضر، محضر خدای تبارک و تعالی است عالم محضر است، تمام عالم محضر است، معصیت مخالفت با خود اوست، با آن کسی است که در محضرش هستیم.

بسازید، باید بسازیم خودمان را، جدیت کنید که این جهاد سازندگی را از خودتان شروع کنید، وقتی از خودتان شروع کردید هر کاری بکنید، این کاری است الهی وقتی خودتان را ساختید، تمام کارهایتان الهی می شود، برای اینکه از ظلمت ها بیرون رفته اید، در نور وارد شده اید، همه اعمالتان نورانی می شود حرف که می زنید نور است، با گوش هم که می شنوید نور است، با قلبتان هم ادراک می کنید و با نور ادراک می کنید، اصلاً شما شده اید نور.

انبیا آمدند که ما اشخاصی که از نور بهره ای نداریم و ظلمات به ما احاطه کرده است از هر طرف ما را، از این ظلمت های گوناگون نجات بدهند و برسانند به عالم نور که اگر رسیدید به عالم

نور، شما سر تاپایتان نورانی می شود، نور می شوید، اصلش حرفی که می زیند نورانی است، حرفی که می شنوید نورانی است، گوش و سمع و بصر، همه گوش خودت را رها کرده ای و گوش نورانی پیدا کرده ای. چشم ظلمانی را رها کرده ای یک چشم نورانی پیدا کرده ای. چشمی است که با او توجه به خدا دارید، گوشی است که با او توجه به خدا دارید، ما باید خودمان را بسازیم، خودتان را که بسازید همه کارهایتان جهاد سازندگی است. هر کاری بکنید دیگر در حیطه جهاد وارد شده اید شما، شما مجاهد هستید دیگر، کارهای مجاهد کارهای جهادی است، کوشش کنید که این جهاد سازندگی را در خودتان ایجاد کنید، یعنی مشغول بشوید به این کارها. نگذارید برای اینکه بعد آخر عمر، بسیاری از وسوسه های شیطان یکیش همین است شیطان باطنی انسان، همین است که حالا جوانیم، انشاءالله وقتی که پیر بشویم آن وقت توبه می کنیم، شما نمی دانید که برای پیر توبه کردن دیگر به این زودی ها امکان ندارد. یک درختی که تازه در آمده است می شود کند آن را و یک بچه هم می کند آن را، این درخت وقتی که یک مقداری بزرگ شد، یک مرد بزرگ می تواند بکند، یک قدری بزرگتر شد محتاج به آلات است که کنده بشود یک وقت درختی که تناور شد و بزرگ شد مثل چنار امام زاده صالح، نمی دانم حالا هست یا نه، این را دیگر به این چیزها نمی شود کند آن را. این ریشه های اخلاق فاسده، ریشه های اعمالی که در انسان هر عملی بکند یک ریشه ای در نفس پیدا می شود، اولش آسان است یک معصیتی کرد، می تواند زودی برگردد، یک قدری که اضافه شد مشکلتر می شود. هر چه برود طرف پیری این قویتر می شود و انسان ضعیفتر می شود. اراده انسان ضعیفتر می شود، لکن این معانی که انسان گرفتارش بوده زیادتر می شود، نگذارید برای زمان پیری توبه را، نگوئید که ما وقتی که حالا رسیدیم به بالاتر، آنوقت، آنوقت دیگر نمی شود، همین طور وسوسه می کند شیطان تا آخر که نگذارد ما با ایمان وارد بشویم به آن عالم، تمام وسوسه های مقابل دعوت های انبیا همین است که نمی خواهند ما برسیم به آن نور. شیطان ها نمی خواهند، این شیطان هائی که الان نمی خواهند که این جهاد سازندگی هائی که اینها، خواهرها، برادرهایمان با این زحمت می روند جهاد سازندگی می کنند، این شیطان هائی که می خواهند نگذارند این جهاد سازندگی پیدا بشود، اینها می خواهند نگذارند که اسلام تحقق پیدا بکند. اینها از همان ریشه های شیطانند، اینها اولاد شیطانند، اینها همان وسوسه های شیطانی را می کنند، اینهائی که وارد می شوند در مزارع، وارد می شوند در کارخانه ها و جوان ها را از کار باز می دارند، به اعتصاب وا می دارند، اینها همان از ریشه های شیطانند، آن در باطن ما هست ما را نمی گذارد که جهاد بکنیم، اینها هم در ظاهر اینها را نمی گذارند جهاد بکنند، باید شیطان ها را بشناسید تا نشناسید نمی توانید دفاع کنید از خودتان، شیطان خودتان را بشناسید، شیطان باطن خودتان را بشناسید، شیطان های خارجی را هم بشناسید تا بتوانید با آنها جهاد کنید، شیطان باطنی انسان خود آدم است، خود انسان، آن نفسیت انسان، آن هواهای انسان. اینها قشرهای شیطانی است در انسان، جنود شیطانند اینها، آن را تا نشناسد انسان نمی تواند با او مجاهده بکند، این انسان هائی هم که شیطان هائی هستند که مانع از این هستند که این اسلام تحقق پیدا بکند در اینجا و یک رژیم انسانی اسلامی پیدا بشود آن رژیمی که انبیا

می خواستند، آن رژیمی که اولیاً خدا می خواستند، همه زحمت هایشان برای این بود که انسان درست کنند، انسان که درست بشود رژیم حکومتش هم درست می شود. چیزهای دیگری هم درست می شود، همه چیز درست می شود همه زحمت انبیا برای این بود که یک عدالت اجتماعی درست بکنند برای بشر در اجتماع و یک عدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد. زحمت های انبیا برای این بود، اینها زحمت های انبیا را می خواهند هدر بدهند. شما جوان ها که ایستادید و با مشت محکم جمهوری اسلامی را خواستید، شما خواستید که اسلام رژیم این کشور باشد، شما کوشش کردید که اسلام باشد، اینها کوشش کنند که نباشد، اینها جنود شیطانند، باید آنها را بشناسید تا بتوانید دفاع کنید، دفاعشان کنید و هستند اینها، تا انسان هست همین مسائل هست.

کوشش کنید که زیر پرچم اسلام بروید

انبیا هم دعوت کردند، زحمت کشیدند، اولیا هم دعوت کردند، رحمت کشیدند. جنگ ها کردند برای همین که این انسان های فاسد را کنار بزنند و یک جامعه انسانی درست بکنند، لکن مع الاسف توفیق حاصل نشد، برای ما هم نمی شود، برای شما هم نمی شود. اما حتی الامکان البته آن معنائی که اسلام می خواهد به این زودی ها حاصل نمی شود، اما حتی الامکان ما مکلفیم نباید بگوئیم که حالا که آن مطلب اعلی حاصل نمی شود این پائین ترش هم حاصل نشود.

ما مکلفیم که هر مقداری که می توانیم این رژیم را رژیم انسانی، رژیم اسلامیش کنیم، هر قدر می توانیم زیر پرچم قرآن برویم، هر مقداری که شما عمل کردید به قرآن، زیر پرچمش رفتید، پرچم قرآن این نیست که پرچم های دیگران هستند، پرچم قرآن عمل به قرآن است، زیر پوشش قرآن که انسان رفت، زیر پرچم اسلام است، زیر پرچم قرآن است. کوشش کنید که زیر پرچم اسلام بروید، هر مقداری که می شود خودتان و هر کس را با او آشنا هستید، هر مجلسی که پیدا شود بینید که یک کسی از این پوشش اسلامی می خواهد یک قدری کنار برود دعوتش کنید. امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، یک چیزی نیست که بر یکی واجب باشد بر دیگری نه، همه ما مکلفیم که همانطور که مکلفیم که خودمان را حفظ کنیم و خارج کنیم از ظلمت به نور، مکلف هستیم دیگران را همین طور دعوت کنیم. هر مقداری که می توانیم، شما نباید بگوئید که خوب، من که خطیب نیستم، من که اهل منبر نیستم، من که اهل محراب نیستم، شما اهل این هستید که در خانواده تان با آن پسرتان و با دخترتان و با اولیائتان، با آن کسی که رفیق شما هست، می توانید حرف را بزنید، همین مقدار شما مکلفید. اگر انسان دید معصیت خدا می شود، باید جلوی او را بگیرد، نگذارد معصیت خدا بشود. انشاءالله خداوند همه ما را هدایت کند و همه ما را از این ظلمت هائی که در اطرافمان، در قلوبمان، در همه اعضا و جوارحمان قرا گرفته، این ظلمت ها را به نور هدایت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان هنری شیراز

تعیین رئیس جمهور باید با توجه به صفاتش در قانون باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

من در عین حال که حالم مقتضی صحبت نیست لکن برای تشکر از آقایان چند کلمه ای عرض می کنم . آقایان زحمت کشیدند که از راه های دور تشریف آوردند . خداوند همه را حفظ کند ، موفق باشید . چیزی که لازم است عرض کنم این است که در این موقع که یک مرحله دیگری از مراحل که در کشور ما می خواهد تحقق پیدا کند در دست اجراست و آن تعیین رئیس جمهور است ، باید توجه داشته باشند آقایان که آن صفتی که در قانون اساسی برای رئیس جمهور تعیین کرده اند مراعات کنند ، قانون اساسی را ملاحظه کنند و رئیس جمهور را در آنجا ملاحظه کنند و کسی که دارای این صفات بود او را به آن صفات می شناسند به او رای بدهید و اگر چنانچه فاقد آن صفات باشد ، احتراز کنید از رأی دادن به او .

به کسی که لایق برای این مقام است رأی بدهید

روز سرنوشت سازی است . می خواهید زمام کشور را به یک کسی بدهید که مؤثر در مقدرات کشور شما باشد . سهل انگاری نکنید و به پای صندوق ها بروید و با هم اجتماع کنید و کسی که لایق برای این مقام است و دارای صفاتی است که سوء سابقه نداشتن ، وابستگی به رژیم سابق نداشتن ، اینها از اموری است که باید ملاحظه بشود و آقایان نباید سستی کنند در رفتن ، به پای صندوق بروند لکن به کسی که این صفات را دارد رأی بدهند . خداوند انشاءالله شماها را حفظ بکند و من از اینکه معذورم از اینکه زیاد صحبت کنم عذرخواهی می کنم و شما را به خدای تبارک و تعالی می سپارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرهنگیان و معلمان شهرستان محلات

اگر چنانچه انسان تحت تربیت انبیا متحول بشود، جامعه هم به تبع او به ترقی می رسد

بسم الله الرحمن الرحيم

محلات یک محلی است که من بعضی تابستان ها می رفتم، تابستان ها را آنجا بودم و در آنوقت که من آنجا بودم احساس می کردم که مردم محلات با مردم بسیاری از جاها فرق دارند، توجهشان به دیانت بیشتر بود از بعضی جاهای دیگر، از خیلی جهات و من اینکه فهمیدم این بود که محل به واسطه خوبی علما خوب بوده. علمائی بودند که در محلات بودند، علمائی بودند که افراد صحیح، وظائف ملائی شان را، وظائف دیانت شان را خوب عمل می کردند، مردم هم تبعیت آنها خوب شده بودند، اهل مسجد بودند، همه اهل دعا و اهل عبادت و اهل کار و همه چیز بودند. محلات، من حالا قریب بیشتر از شاید سی سال است، یک همچو چیزهائی است که دیگر آنجا را ندیدم، نمی دانم الان باز همان است، من امیدوارم که همان باشد. اگر چنانچه انسان خودش متحول بشود به یک انسانی که تحت تربیت انبیا انسان بشود، جامعه هم به تبع او به ترقی می رسد. گاهی یک فرد در یک جامعه موجب فساد می شود و گاهی هم یک فرد در یک جامعه موجب صلاح می شود. این فرد گاهی از قشر قدرتمندان است که مردم به او توجه دارند، گاهی از قشر روحانین است که آن هم مردم به او توجه دارند. قشر قدرتمندها کمتر در شأن پیدا می شود که اشخاص ساخته شده باشد، من که حالا یاد ندارم، کمتر پیدا می شود، در قشر روحانین پیدا می شود. و اگر روحانی، در یک محل یک روحانی متعهد باشد، آن محل را تصفیه می کند و اگر در هر یک از بلاد چند نفر روحانی باشند که آنها آنطور که باید، آنطور که دستور اسلام است باشند، از باب اینکه مردم تبعیت از آنها می کنند، مردم هم اصلاح می شوند و با اصلاح مردم یک جامعه صحیح پیش می آید.

مهمترین مأموریت رضاخان یکی این بود که روحانیون را بکوبد

شما دیدید که در این 50 سال، خوب اکثرا یادتان نیست، زمان رضاخان را اکثرا یادتان نیست لکن من یادم است، یعنی من از قبل از اینکه رضاخان کودتا کند یادم هست، رضاخان به واسطه مأموریتی که داشت ابتدا به یک صورت مقدس مابی آمد تو کار، مقدس مابی آن حدودی که یک نظامی باید باشد، در محرم روزه داشت، در یک جائی بود که روزه خوانی داشت و خودش هم حاضر

می شد، دستجات از ارتشی ها راه می انداخت که من او را خودم دیدم، دستجات مختلفی از ارتشی ها راه می انداخت و آنوقت هم معروف بود که خود او در ماه محرم تکیه هائی که در تهران بود می گفتند که می رفت. بعضی ها می گفتند پیاده می رفت، همه تکیه ها را در این شب های محرم، به تدریج تکیه ها را می رفت تا آنوقت که قدرتش مستقر شد، با اسلحه دیانت آمد تا آنوقت که قدرتش محکم شد، آنوقت که محکم شد مأموریتش را شروع کرد و مهمترین مأموریتش یکی این بود که روحانیون، را بکوبد روحانیون را آنطوری که کوبید که تبلیغات را راه انداختند، شعرا بر ضد روحانیون، دستگاه ها تجهیز شدند بر ضد روحانیین، به طوری که قشرهای ناآگاه هم برگشتند از روحانیون، شوferها روحانی را یا سوار نمی کردند، یا اگر سوار می کردند، اهانت می کردند. من خودم سوار اتوبوس بودم که یک شیخ هم بود، بنزین تمام شده بود، تمام شدن بنزین را گردن شیخ می گذاشتند. یکی از رفقای ما گفت که من در اراک بودم و می خواستم بیایم قم مثلا، رفتم، شوfer گفت که ما بنا گذاشتیم دو طایفه را سوار ماشین نکنیم، یکی فواحش، یکی آخوندها. از همه جهات شروع کردند فشار آوردن، ممنوعشان کردند از منبر رفتن، اصلا مجالس را از بین بردند، شروع کردند به سربازی بردن، شروع کردند عمامه ها را برداشتن و به طوری که ما شاید مثلا قبل از آفتاب، چه وقت، که خلوت باشد می رفتیم در یک جائی رفقا یک چند نفری که بودند، اینها یکی یکی می آمدند و در آنجا که نمی توانستیم بیرون برویم برای تعرض می کردند و من یک درسی که _ من داشتم، یک روز دیدم که یک نفر آمد، جمعی بودند، یک نفر آمد، گفتم که رفقاتان؟ گفت اینها قبل از آفتاب می روند در باغات برای اینکه مأمورین می آیند در توی مدرسه ها می گردند معممین را می برند. این برای چه بود، این برای این بود که این قشر را مؤثر می دانستند اینها، ولو حالا به خیال خودشان این قشر را می گفتند که نماینده اسلامند، مردم به آنها توجه دارند، اگر اینها یک قدرتی داشته باشند، نمی گذارند کارها انجام بگیرد، کارهائی که می خواستند، نمی گذارند انجام بگیرد، از این جهت به اینها فشار می آوردند.

یک کار دیگر هم که آنها می کردند کارها زیاد بود، یعنی برنامه زیاد بود اینکه قشر جوان را، در مفاصد را به روی آنها باز کردند، در همه شهرها خصوصا تهران که بیشتر از همه جا مورد نظر بود، آن جاهائی که جوان اگر برود در او فاسد می شود، درهای او باز بود به روی آنها، تبلیغات هم از همه طرف، سینماها به آن وضعی که شنیدند، مراکز فساد به آنطوری که گفته شده است، مراکز فروش مشروبات الکلی که از کتابخانه زیادتر بود، از کتابفروشی زیادتر بود، گفتند بین تهران تا شمیران آنجاها چقدر جاهائی بود که برای فحشا مهیا کرده بودند. این قشر جوان که باید از او کار برآید و از او امید هست و می تواند برای کشور خودش خدمت بکند، اینها را از آنجائی که مرکز خدمت است می کشاندند به مراکز فحشا تا اینها را یک موجود مهمل بار بیاورند، چنانچه این خوب دیگر اخیرا منتهی شد به اینکه زمان این مردک شد. و این از پدرش عمیق تر کار می کرد، این بیشتر از او نقشه داشت یعنی نقشه ای که برایش دستش داده بودند.

این هروئین به این فراوانی که الان هم ملت ما به شرش مبتلاست، این یک مسأله ای نبود که

همین من باب اتفاق چنین توسعه پیدا کند ، این یک برنامه بوده است برای اینکه یک وقتی یک جوانی هروئینی بشود دیگر همه چیزش را از دست می دهد . یک قوه فعاله است ، این قوه فعاله وقتی که مبتلای به هروئین بشود ، مبتلای به مشروبات بشود ، عادت کند که به سینما برود ، به سینمای کذائی ، عادت کند به این مرکزهای فحشا برود که همه اینها را برای اینکه این قشر جوانی که آمال یک کشور است این را نگذارند که بیدار بشود ، همه چیزش را ببرند این بی تفاوت باشد ، عادت هروئینی اینطوری است ، آدم تریاکی اینطوری است ، آدمی که مبتلای به مسکرات است اینطوری است ، آدمی که مبتلای به فحشا است اینطوری است که اگر هر بساطی سرش درآورد این دیگر نمی تواند که قیام کند و کار انجام بدهد . اینها خواستند مملکت ما اینطور بشود که قشر جوانش از بین برود ، بی تفاوت باشد و هر چه اینجا دارند ببرند و آنها هم توجه به او نکنند . در هر جا به یک نقشه ای توسل پیدا کردند تا اینکه نگذارند این مملکت بیدار بشود .

خدا خواست که به داد این مملکت رسید و مردم را بیدار کرد

خدا خواست که به داد این مملکت رسید که مردم را بیدار کرد ، خدا بیدار کرد مردم را ، توجه مردم از آن مسائل کم کم برگشت ، همان جوان هائی که یک وقت اصل به این مسائل اعتنائی نداشتند ، خداوند تایید کرد و توجه پیدا کردند ، به حیث جوان هائی که باید بروند سراغ مثلا جوانی شان ، در این نهضت آمدند ریختند به خیابان ها و فعالیت کردند و برای اسلام خدمت کردند و این پیروزی که نصیب ما شد ، نصیب ملت ما شد در اثر تحولی بود که به اراده خدای تبارک و تعالی برای ملت حاصل شد . تحولی که ملتی که توجه به این مسائل نداشت ، آنهائی که به مسائل سیاسی توجه داشتند کاری به دیانت نداشتند ، مسائل سیاسی آنها به نرخ روز ، آن روزی که بیرق آمریکا بالا شد برای او صحبت می کند ، آن روزی که بیرق فرض کنید انگلستان بلند شد برای او صحبت می کند ، آن روزی که بیرق اسلام باشد برای او صحبت می کند ، اینها یک مبنائی ندارند ، اینطوری هستند ، یک مبنائی ندارد آن مبنا یک کاری بکند و این قشرشان که توجه به مسائل ممکن بود پیدا بکنند ، اینها توجه اینجوری بود وضعشان ، قشرهای دیگر هر کس مشغول کار خودش بود ، کاسب کاسب می کرد ، زارع زراعت می کرد ، همه چیزشان را که می بردند می گفتند خوب آقا ، از اینکه توجه می کرد ، می گفت ما چه بکنیم ، نمی توانیم ، اکثرا هم توجه نداشتند به این مسائل ، این یک دست غیبی الهی بود که این ملت را از آن حال رخوت ، از آن حال سستی ، از آن حال بیخبری برگرداند به یک حال خبرداری ، همه مجهز شدند . نمی شود که بدون تایید الهی یک چنین توسعه ای پیدا بکند یک مسأله ، همه جا می رفتید می دیدید یک مطلب می گویند که ما جمهوری اسلامی می خواهیم ، نه شرقی ، نه غربی ، جمهوری اسلامی ، آزادی ، استقلال ، جمهوری اسلامی . این یک مسأله ای نبود که بشود یک نفر آدم ، ده نفر آدم ، صد نفر آدم ، کار انجام بدهند ، یک مسأله ای الهی انجام گرفت به طوری که تمام قشرهای ملت ما هم یکصدا شدند ، با آن یک صدا هم پیش بردند ، و ما مادامی که این نهضت را نگهش داریم ، حفظش کنیم پیروز هستیم و ما

امروز روز این است که یک توجه داشته باشیم و آن توجه به اینکه دشمن را عقب بزنیم

توجه داشته باشید به اینکه امروز روزی نیست که ما و شما و ملت ما و همه توجه به گرفتاری خودشان ، گرفتاری شخصی داشته باشند . یک روزی که یک گرفتاری برای اسلام دارد پیش می آید ، یک گرفتاری برای کشور دارد پیش می آید ، در معرض این است که مفسدها افساد بکنند و بخورند کشور را ، برگردانند به حال دیگر که همه چیزمان از بین برود ، روز این نیست که ما بنشینیم که حقوق کم است ، خانه ام چه جوری است ، الان روز این نیست . ، باید الان ما این کشتی که از همه اطراف موج های بسیار خطرناک به او متوجه است ، ما باید بنشینیم حالا- که ، همان نظیر خود کشتی ، حالا اگر یک عده ای در کشتی بودند و کشتی افتاد به خطر غرق ، آنوقت اینها بنشینند بگویند که خانه مان چه جوری است !! هیچ کس نمی نشیند ، همه در صدد اینند کشتی را نجات بدهند . یک وقت یک کشوری مبتلا شده است به یک چنین مسائل ، مثل الان که کشور مبتلاست به ، مواجه با یک قدرتی که تمام تبلیغات دنیا دستش هست ، دولت ها هم الا نادر ، همراه او هستند ، یک چنین موقعی ملت ما نباید در فکر این باشد که حالا در اداره که من می روم جایم کجا باشد ، در فرهنگ باید چه جور باشد . همه اینها یک موقع آرام باید طرح بشود .

امروز روز این است که ما تمام چیزهایی که مربوط به خودمان است ، مربوط به اداره مان است همه را کنار بگذاریم یک نظر ، یک توجه داشته باشیم و آن توجه به اینکه این دشمن را عقب بزنیم و می توانیم و می توانید . یک ملت اگر یک چیزی خواست ، نمی شود خلافتش کرد ، خدا به همراهش (یدالله مع الجماعه) یک جمعیت که برای خدا قیام کرده و با الله اکبر مطلبش پیش برده است این را نمی شود تحمیلش کرد . تحمیلاتی که بر ملت ها می شود از باب این بود که قشرهای مختلف هر کدام مشغول کار خودشان بودند ، آنها هم ایجاد اختلاف می کردند بینشان ، حرف های مختلف درست می کردند که هر کدام دشمن همدیگر بودند ، در قشرهای مختلف مملکت کارهای مختلف ، این کی هست ؟ ترک ، آن کی ؟ کرد ، آن کی ؟ سیستانی ، آن کی ؟ بلوچ ، آن کی ؟ فارس . حتی در یک شهر ، این محله و آن محله با هم اختلاف داشتند ، شاید شماها یادتان نباشد ، محله کذا با محله کذا با هم اختلاف داشتند ، که اگر از آن محله یک کسی می آمد به این محله ، کتک می خورد و رفت . اینها یک چیزهایی بود حساب شده که نگذارند یک ملت با هم مجتمع بشوند ، نگذارند که یک جمعیت هائی یک طرف بروند ، متوجه بشوند به یک چیزی ، متوجه به یک طرف . این وقتی اختلاف پیدا شد ، نخواهد شد . خدا خواست که به همه نیرنگ هائی که آنها داشتند ملت ما یکصدا شد ، صدا هم همچو نبود که برای دنیا باشد ، اصلش توجه به اینکه گرفتاری من دارم نبود ، این مردم ریختند در خیابان ها و در پشت بام ، پائین و اینها و همه آن روزی که داد می زدند این بود که این شخص ، این سلسله ، بلکه اصل شاهنشاهی باید

برود و اسلام بیاید. ما با این مطلب پیروز شدیم و بعد از پیروزی، دشمن‌ها بیشتر به این معنا، به این نیرنگ توجه پیدا کردند برای اینکه دیدند ضربه خوردند، دیدند از وحدت ملت و اینکه برای اسلام داشتند فریاد می‌کردند ضربه خوردند، آنها از اسلام ضربه خوردند، دیدند از وحدت ملت و اینکه همه برای اسلام داشتند فریاد می‌کردند ضربه خوردند، آنها از اسلام ضربه خوردند، از اسلام که ضربه خوردند دنبالش هم برای اسلام یک حرف هائی پیش می‌آوردند که جمهوری اسلامی لازم نیست بشود، ما نمی‌خواهیم جمهوری باشد و هكذا تا حالا باز صدایشان هست. ملت باید توجه به این بکند که آنی که ملت ما را پیش برد و آنها را عقب زد، آن را نگه دارد، آن توجه به خدا و وحدت کلمه. تا توجه تان به خداست و هی توجه به اینکه فرشم چه جوری و نمی‌دانم چه جوری و اینها، تا این هست اگر این پیدا بشود، اختلافات شروع می‌شود.

اگر انسان متوجه شد به اینکه من حالا- باید کارم چه جور باشد، حالا- باید وضعم چه جور باشد، این متوجه این می‌شود که یک اختلافاتی پیدا بشود. امروز روز این کار نیست، امروز روز این است که ما از اختلافاتمان دست برداریم و آن چیزهائی که مربوط به حفظ وحدت‌مان هست و مربوط به مصالح کشور، امروز می‌دانید که ما را دارند تهدید می‌کنند به حصر اقتصادی، ما باید فکر بکنیم برای این کار، فکر این است که کشور مشغول کشاورزی بشوند، مشغول کشت بشوند. آنهايي که شلوغکاری می‌کنند، در کشاورزی خرابکاری می‌کنند، آنها باید کنار بروند. به اسم‌های مختلف می‌روند نمی‌گذارند کشاورزها مشغول بشوند، آنها را باید خود مردم کنار بزنند و قوای انتظامی هم کنارشان بزنند. مردم با آسوده خاطر بودن مشغول زراعت بشوند. فردا اگر خدای نخواستہ جلو گرفتند، ما محتاج نشویم به خارج، اگر محتاج شدیم به خارج، همه مسائل برمی‌گردد، شکم گرسنه می‌کند ایمان ندارد. اگر خدای نخواستہ اینها چنین کردند، ما احتیاج پیدا کردیم که گندم بدهد، این احتیاج اسباب این می‌شود که ما وابستگی سیاسی هم پیدا کنیم، وابستگی فرهنگی هم پیدا کنیم، وابستگی نظام هم پیدا کنیم و همه چیزمان از دست برود و از یک چنین حالی نباید اختلافات را دامن زد، نباید آن بگوید من حزب کذا، آن بگوید من حزب کذا، نباید اینقدر حزب‌ها پیدا بشود، دویست تا حزب پیدا بشود، اینقدر جمعیت‌ها پیدا بشود، باید همه شان با هم مجتمع برای نجات یک کشوری که همه در آن می‌خواهند زندگی بکنند، نجات به این است که جهت اقتصادیش را، هر که مشغول هر کاری هست خوب انجام بدهد تا جهت اقتصادی درست بشود، کارخانه‌ها را راه بیندازند، کارخانه‌های خصوصی، بزرگ، کوچک. آنهايي که می‌آیند آشوب می‌کنند در کارخانه، بدانند که اینها مانع هستند، اینها نمی‌خواهند که این مملکت سروسامان پیدا بکند، جلوشان را بگیرند و کشاورزها هم همین‌طور، هر کس مشغول هر کاری هست خوب انجام بدهد آن کار را.

ما باید بنای بر این بگذاریم که احتیاجمان را از غیر سلب کنیم

فرهنگی‌ها یک بسیار بزرگی در گردنشان هست و او تربیت است، تربیت جوان‌ها، تربیت

بچه هاست . این تربیت بچه ها اگر تحقق درست پیدا بکند که این بچه های کوچک که تحت تربیت معلمین هستند خوب تربیت بشوند ، مملکت ما بعدها نجات پیدا می کند . ما از اینکه فاقد یک مغزهای متفکر صحیح و سالم ، مغز متفکر زیاد ، اما متفکری که سالم نیست مغزش ، ما باید کوشش کنیم که این مغزهای کوچولوی بچه ها را از حالا سالم بار بیاوریم تا بتوانند اینها بعدها دفاع کنند از کشورمان . آتیه کشور شما دست این بچه هاست که بعدها باید اینها دست بگیرند . اینها را اگر حالا تربیت بکنید

الان ما همه جهاتمان باید متوجه این باشد که این دشمن را از میدان بیرون کنیم ، بعد بنشینیم همه چیز _ باید _ بسازیم ، البته نمی گویم حالا نسازیم ، حالا باید بسازیم . الان ما محتاج به کشاورزی هستیم ، باید کشاورزی به یک حال توسعه ای چیز بشود انجام بگیرد . ما نباید بنشینیم اینجا محتاج به این باشیم که برویم پیش دشمن هامان از آنها یک چیزی را بخواهیم ، دستمان را دراز کنیم پیش دشمن هامان از آنها یک چیزی بخواهیم ، دستمان را دراز کنیم پیش دشمن مان که از آنها یک چیزی بگیریم برای زندگیمان . ما باید خودمان بنای بر این بگذاریم که خودکفا باشیم . بنای به این بگذاریم که از این زمین خدا که به ما داده است که کشور ما ، کشور خیلی بزرگی داریم ، اینجا می گویند که صد و پنجاه میلیون جمعیت می توانند زندگی کنند . ما حالا سی و پنج میلیون فرض کنید هستیم در یک کشور که صد و پنجاه میلیون جمعیت می توانند در آن زندگی بکنند . ما اگر روی یک اصول صحیح این مملکت را اداره بکنیم ، بهترین زندگی برای ملت ، ممکن حاصل بشود ، لکن نمی خواهند اینطور بشود ، نمی گذارند . این شط کارون تا برسد به آنجائی که به شط العرب می خواهد برسد ، این شط همین طور آبش هرز می رفت ، یک وقتی که من رفته بودم از آنجا عبور کنم ، بیابان و هم زمین های سالم ، همین طور افتاده بود . این آب اگر خرج این زمین می شد و این زمین آباد می شد ، برای صد میلیون جمعیت می توانست ایران ارزاق بدهد ، نه اینکه حالا - که سی و پنج میلیون است نتواند خودش اداره کند . ما باید بنای بر این بگذاریم که احتیاجمان را از غیر سلب کنیم ، احتیاجمان را از دشمن های خودمان سلب کنیم که ما محتاج به دشمن مان نباشیم که از دشمن مان بخواهیم یک چیزی بگیریم برای رزق خودمان و این به این است که همه همت کنند ، ملتی باشند که بیدار شدند بحمدالله ، همت کنند و این قشرهای فاسد که نمی گذارند کار انجام بگیرد ، آنها را طردشان کنند این بین خودشان ، پشت بکنند به آنها . و خداوند انشاءالله به همه شما سلامت بدهد . و آقا سال های طولانی خدمتشان بودم ، در خدمتشان بودیم و بنابراین است که ایشان آنجا اقامه جمعه بکنند و امیدواریم که از ایشان استفاده بکنند ، از خطبه های ایشان استفاده بکنند و خطبه های ایشان خطبه های آموزنده باشد و خداوند همه شما را حفظ کند انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با چند تن از کشیش های امریکائی و الجزایری

روحانیون مسؤولند در مقابل پیامبران و در مقابل خدای تبارک و تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

من متقابلا ولادت عیسی مسیح را به همه ملت های مستضعف دنیا و به ملت مسیح و به مسیحیان هم میهن مان تبریک می گویم . عیسی مسیح همه چیزش معجزه بود ، معجزه بود که از یک مادر باکره متولد شد ، معجزه بود که در مهد سخن گفت ، معجزه بود برای بشر صلح و صفا و روحانیت آورد . همه معجزه ، همه انبیا معجزه هستند و همه برای ساختن بشر آمدند ، همه می خواهند که بشر به راه مستقیم الهی سیر کنند و همه می خواهند که تمام افراد بشر در صلح و صفا و برادری زیست کنند . این وظیفه مأمورین الهی است که در دنیا آمده اند برای آنکه بشر را از این عالم به عالم بالا ببرند و یک وظیفه هم روحانیین ملت ها دارند ، روحانیین مسیح ، روحانیین مسلم ، روحانیون یهود ، همه روحانیون ، و آن وظیفه تبعیت تام از پیغمبرها و از آنهایی که آمدند برای تربیت بشر و برای صلح و صفا بین تمام افراد بشر . روحانیون در مرتبه اول واقفند برای تحقق دادن به آرمان های انبیا که همان وحی الهی است . روحانیون یک وظیفه الهی دارند که این وظیفه الهی بالاتر از آن وظائفی است که سایر مردم دارند . یک مسؤولیت الهی دارند . روحانیون مسؤولند در مقابل پیامبران و در مقابل خدای تبارک و تعالی که تعلیمات انبیا را به مردم برسانند و دست مردم را بگیرند و از این گرفتاری ها که دارند نجات بدهند . مردم دنیا امروز مبتلا هستند به قدرت های بزرگ و به قدرت هایی که شیطانی هستند و در مقابل انبیا بزرگ ایستادند و نمی گذارند تعلیمات انبیا تحقق پیدا بکند . روحانیت مسیح یک خصوصیت زیادی دارد و آن اینکه قدرت های بزرگ مسیحی هستند ، مدعی مسیحیت هستند و آن قدرت های بزرگند که در دنیا برخلاف تعلیمات خدای تبارک و تعالی که به همه انبیا تعلیم فرموده است و برخلاف تعلیمات عیسی مسیح عمل می کنند . روحانیت مسیح موظف است به حسب تعلیمات مسیح و به حسب تعلیم خدای بزرگ که با این قدرت هایی که برخلاف مسیر انبیا و برخلاف مسیر مسیح رفتار می کنند مبارزه معنوی بکنند ، آنها را ارشاد بکنند به ملت مسیح ، هدایت کنند ملت مسیح را که تبعیت از این قدرت هایی که بر ضد مسیح هست نکنند .

لزوم بازدید آثار و جنایات رژیم گذشته از جانب روحانیت مسیح

من وقتی با روحانیین مسیح مواجه می شوم باید مسائلی که مربوط به روحانیت است عرض کنم . مسائل مربوط به شما این است که مسائل دنیا را آنطور که هست بررسی کنید و ببینید به ملت ها از دست مدعیان مسیحیت چه می گذرد . شما آمدید ایران و معلوم نیست بتوانید ایران آنقدر بمانید که شهدای ما را ببینید ، قبور شهدای ما را ببینید . شما در بهشت زهرا رفتید و قبور یک عده از شهدا را دیدید . هر جای ایران بروید از این قبور هست . شما معلولین ما را ندیدید ، هر جای ایران بروید کسانی که دست و پای خودشان را از دست دادند و مجروح شدند ، معلول شدند و از زندگی ساقط شدند خواهید دید . چه خوب بود که شما مسیحین و شما روحانیین مسیح یک مدتی می ماندید در ایران و به شهرهای مختلف ایران و به دهات و روستاهای مختلف ایران می رفتید و مشاهده می کردید آثار جرم آن کسی را که طرفدار او رؤسای جمهور آمریکا بودند ، آن کسانی که آمریکا به ما تحمیل کرد و رؤسای جمهور آمریکا تحمیل ما کردند . ای کاش می رفتید و می دیدید که جرم هایی که واقع شده است در ایران چه جرم هایی است ، ای کاش در آن وقتی که شاه مخلوع ایران بود می آمدید و به شما اجازه می دادند که بروید و زندان های ما را ببینید ، ببینید در این زندان ها به علمای اسلام ، به روشنفکرهای ایران ، به محصلین ایران ، به دانشگاهی های ایران چه می گذرد . ببینید که در این بیغوله هایی که در زیرزمین ایجاد کرده بودند و جوان های متعهد ما را برای اینکه آزادی می خواستند ، برای اینکه استقلال می خواستند ، در این بیغوله ها با آنها چه رفتار کردند . من اگر بخواهم برای شما کلیات مسائل را هم بگویم وقت ضیق است لکن بدانید با این ملت همچو رفتار کردند که هیچ وحشی ای با هیچ وحشی عمل نمی کند . پاهای بعضی از جوان های ما را با اره بریدند ، بعضی از جوان های ما را روی تابه گذاشتند و سرخ کردند ، در حضور پدرها ، پسرها را دست بریدند ، پسرهای کوچک را برای اقرار گرفتن از پدر ، کارهایی کردند که خجلت آور است گفتنش و کارهایی کردند که به استناد اینکه ما مأمور هستیم از طرف دولت های بزرگ و مأمور برای وطن مان هستیم و مستند می شد همه اینها به رؤسای جمهور آمریکا و امثال آنها ، کارهایی شده است که ملت مسیح را اگر مطلع بشوند سرفکننده می کند .

کارهایی کرده اند که روحانیت مسیح را در نظر مردم شاید به آن قداستی که هستند برخلاف او جلوه دهند . شما روحانیت مسیح باید مسیح را از این تنگنایی که ایجاد کرده اند رؤسای جمهور شما ، نجات بدهید . مسیح چشمش به علمای مسیحیون و سایر قشرها ، روشن است . مسیح چشمش این است ، مطالعه می کند ، تحت نظر قرار داده است شما را که شما با این ظالم هائی که با بشر اینطور کردند چه رفتار می کنید . آیا در کلیساهای شما هیچ وقت راجع به این جرائم صحبتی شده است ؟ آیا از پاپ انکاری راجع به این مصائب شده است ؟ آیا پاپ که ما را به حسب آن چیزی که در روزنامه بود محکوم کرده است که این گروگان ها را نگه داشتیم ، پاپ مطلع هست از اینکه اینها چه بودند و چه هستند؟ آیا محکوم کردن یک ملت ضعیف در خورشان یک روحانی ای است که خود را روحانیت بزرگ مسیح می داند؟ آیا محکوم کردن آنهایی که پنجاه سال در زیر یوغ این قدرت های بزرگی که با طرفداری

حکومت هایی که خودشان را به مسیح نسبت می دهند و می گویند مسیحی هستیم ، آیا هیچ وقت به اینها انکار شده است ؟ آیا روحانیون مسیح انکار این اعمال ظالمانه ای که برخلاف دستورات عیسی مسیح سلام الله علیه است ، هیچ وقت انکار این مسائل را کرده اند؟ ما در پاریس در عید مولود حضرت مسیح اعلام کردیم و راجع به مظالمی که شده است ، آنجا چیزهایی نوشتیم و مع الاسف گفته شد که پاپ اجازه نشر آن را ندادند .

چرا باید یک روحانیت بزرگ مسیح با مظلوم ها اینطور عمل کنند؟ چرا باید روحانیت بزرگ مسیح مظلوم ها را محکوم کنند و طرفداری از ظالم کنند؟ آیا شماها اطلاع ندارید از این جریمه هایی که در اینجا واقع شده است ؟ آیا شما اطلاع ندارید که یک ملتی را تمام ذخائرش را بردند و خودش گرسنه مانده است ؟ آیا اطلاع ندارید که یک ملتی را چندین سال در طول پنجاه سال با زجر و زحمت تحت فشارها قرار دادند و همه دارایی او را به دولت های بزرگ دادند؟ آیا روحانیت مسیح اطلاع ندارد که برخلاف گفته همه انبیا و برخلاف گفته مسیح دارائی های ایران را آقای کارتر حبس کرده است در سد کرده است در همه بانک ها؟ آیا عیسی که برای عدالت آمده است و مردم را به عدالت می خواهد وادارد و شما موظفید که عمل کنید به آن چیزی که عیسی مسیح فرموده است و ظالم ها را وادار کنید به عمل کردن ، آیا مطلع هستید که یک ملت ضعیف را چطور می خواهند در تحت فشار قرار بدهند آیا مطلع هستید که حصر اقتصادی که آقای کارتر می خواهد انجام بدهد ، معنایش این است که می خواهد (در نظر او این است) که سی و پنج میلیون جمعیت از گرسنگی بمیرد؟ آیا آقای پاپ که مطلع از این مسائل هست و ما را محکوم می کند؟ با به او بد مسائل را می رسانند؟ اگر مطلع هست وای به حال ما و وای به حال مسیحیت و وای به حال علمای مسیح و اگر مطلع نیست وای به حال واتیکان . چرا باید شما آقایان که آمدید اینجا مسائل را آنطور که هست ادراک نکنید و به واتیکان چرا نباید برسانید؟ آیا واتیکان از شما قبول نمی کند؟ آیا واتیکان از اشخاصی که طرفدار ابرقدرت ها هستند و طرفدار ظالم ها هستند قبول می کند مسائل را ، از مظلومین قبول نمی کند؟ آیا مظالم این ابرقدرت هائی که خودشان را به مسیحیت زدند و می چسبانند به حضرت مسیح ، این مظالمی که اینها کردند ، به کجا باید گفت ؟ با کی باید در میان گذاشت ؟ با شما روحانیون مسیح باید در میان گذاشت ؟ با آقای پاپ باید در میان گذاشت ؟ صدای ما به آقای پاپ می رسد؟ می گذارند برسد؟ اگر رسید ترتیب اثر به صدای مظلوم می دهد ایشان ؟ بنای ایشان هست که با مظلوم ها ، با آن اشخاصی که تحت ظلم هستند و برخلاف دستورات حضرت مسیح با آنها عمل می شود یک معارضه ای بکنند؟ ایشان از این مظالمی که الان در دنیا واقع می شود و با دست رئیس جمهور آمریکا واقع می شود و قبل هم شد و به دست رؤسای جمهور واقع شد ، ایشان بی اطلاع هستند؟ ایشان نمی دانند در فلسطین و لبنان و ویتنام و سایر جاها چه می گذرد و از کی این مظالم واقع می شود؟ به آقای پاپ این مسائل اصلا نمی رسد؟ ایشان در محاصره هست و کسی با او نمی تواند صحبت بکند؟ یا می دانند ، مطلعند ، مسائل را می دانند و ساکت نشستند؟ ما این سؤال را داریم که چرا سکوت در مقابل ظلم ؟ این دستور حضرت مسیح هست !؟ چرا واگذار کردند

ابرقدرت ها را به حال خود تا هر چه جنایت می خواهند بکنند و هر چه مظلومان را می خواهند از بین ببرند؟ عیسی مسیح که پیامبر صلح هست و می خواهد صلح در دنیا باشد و الان عید صلح هست ، شما می دانید که در عید صلح در این مواردی که الان اینها مشغول جنگ هستند چه می گذرد؟ شما از امثال این رؤسای جمهور باور می کنید که یک وقت می آیند و دعا می کنند ، دعای آنها را باور کنید؟ شما این تبلیغاتی که الان در آمریکا برضد ما می شود ، این روزنامه که برضد ما تبلیغ می کنند ، این رادیوها و تلویزیون هائی که برضد ما تبلیغات می کنند ، آیا از آنها مطلع هستید؟ آیا از وضع مظلومان مطلعید و می دانید که این تبلیغات برضد مظلوم ها و بر وفق مرام ظالم هاست ؟ شماها وظیفه ندارید که از این تبلیغات جلوگیری کنید؟ آقای پاپ وظیفه ندارند که هدایت کنند اینهائی که برضد مظلومین قیام کردند؟ با قلم خودشان ، با قدم خودشان ، با همه وسائل تبلیغاتی برضد مظلومین قیام کردند ، آقای پاپ وظیفه ندارند از اینها جلوگیری کنند؟ پس کی وظیفه دارد؟ مذهب مسیح را کی باید ترویج کند؟ کی باید تعلیمات مسیح را به مردم بگوید؟ فقط تعلیمات مال آن قشر پائین است ؟ تعلیمات مال این زاغه نشین هاست ؟ تعلیمات مال کشاورزان است ؟ یا اولی به تعلیمات آن طبقه بالا هستند؟ آیا نباید آنها را به تعلیمات مسیح آشنا کرد؟

دردها زیاد است و نه وقت شما و نه وقت من مجال این را دارد که دردهای یک ملت ضعیف را به شما برسانند . من به شما که روحانین مسیح هستید ، به وسیله شما به ملت آمریکا ، به روحانین آمریکا ، به روحانیت مسیح در تمام دنیا پیام می فرستم که هم مظلومین را دریابید و هم حضرت عیسی را هم مذهب مسیح را . مذهب مسیح و حضرت عیسی در معرض اتهام واقع شده است این مذهب را دریابید . آقای پاپ در معرض اتهام است . مردم حق ندارند بگویند این (چرا) را ، حق ندارند که چرا آقای پاپ مظلومین را محکوم می کنند برای ارضاً ظالم ها؟! شماها برسانید این مسائل را به مردم . ملت آمریکا را می گویند برضد ما تجهیز کردند در این عیدی که باید عید صلح باشد و رئیس جمهور آمریکا در همه جا در بین مظلومین جنگ راه انداخته است ، مظلومین را دارد می کوبد ، معذک روحانین مسیح ساکتند . چرا باید ساکت باشند؟ چرا باید از حال مظلومین مطلع نباشید؟ چرا اگر از حال مظلومین مطلعید باید با ظالم ها مقابله نکنید و لااقل هدایت نکنید آنها را؟ هدایت محصور به کلیساست ؟ هدایت محصور به یک جمعیت پائین است ؟ با هدایت اول مال بالاهاست ؟ انبیا که مبعوث شدند اول با طبقه بالا مقابله کردند . حضرت موسی با فرعون مقابله کرد . طبقه بالا اولی هستند به اینکه مقابل بشوند و هدایت بشوند . شما روحانین هدایت کنید این طبقه بالا را ، هدایت کنید این رؤسای جمهور را ، دریابید عیسی مسیح را ، دریابید ملت مسیح را ، دریابید مسیحیت را ، نگذارند مسیحیت در نظر مردم مشوه بشود ، نگذارید روحانیت مسیح در نظر مردم یک روحانیتی باشد طرفدار ظالم ها . خداوند انشاءالله بشر را از شر این بشرهائی که برضد تعلیمات آسمان ، برضد تعلیمات ملکوت رفتار می کنند هدایت کند و خداوند مظلومان را از چنگ ظالمان نجات دهد .

بیانات امام خمینی در جمع رؤسای دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور و وزیر فرهنگ و آموزش عالی

شغل روحانی و دانشگاهی مثل شغل انبیا انسان ساز است

بسم الله الرحمن الرحيم

من از آقایان متشکرم که تشریف آوردند تا از نزدیک با هم ملاقات کنیم و مطالبی که به نظرمان می رسد در میان بگذاریم و باز تشکر میکنم که در این امر انسانی آقایان اظهار تمایل کردند که خدمت بکنند و این خدمت البته ارزنده است.

لکن اساس در دانشگاه مطلب دیگری است. ما روحانیون با دانشگاهی ها یک مسیر داریم و مسؤولیت این دو طایفه از طوائف دیگر بیشتر است چنانچه شغل شریفتر است. شغل شریفتر است برای اینکه با شغل دانشگاهی و روحانیت اگر چنانچه به شرایط عمل بشود انسان درست می شود و این است که این شغل انبیا بوده است. تمام انبیا برای آدم درست کردن آمدند و قرآن کتاب آدم سازی است.

پس این شغل، شغل بسیار شریفی است و مسؤولیت بسیار زیاد است برای اینکه در این دو دانشگاه یعنی دانشگاه روحانی و دانشگاهی که آقایان در آن هستند مقدرات کشور، چیزهایی که باید در کشور درست بشود از این دو دانشگاه ناشی میشود اگر شما یا ما گمان کنیم که علم منشأ سعادت است ولو هر چه باشد این اشتباه است برای اینکه علم گاهی منشأ بسیاری از تفاوتهاست. چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد «کالا گفته حکیم سنائی است ظاهراً».

اگر روحانی علم داشته باشد لکن ایمان نداشته باشد و مسیرش مسیر انبیا نباشد منشأ مفاسد بسیار می شود.

اکثر این دین سازیهها که بوده است اینها از طبقه ملاحا بوده است ملاحایی که فقط علم به خیال خودشان کافی بوده است و دنبالش مسیر انبیا نبوده است. اگر دانشگاه فقط دنبال این باشد که فرزندان ایران را با معلومات بار بیاورد و معلومات را روی هم بریزد این برای سعادت ملت ما زیاد فایده ندارد یا ضرر دارد یک فرد دانشگاهی که انحراف پیدا بکند غیر از یک فرد بازاری است غیر از یک فرد کشاورز است یک فرد روحانی که انحراف پیدا کند غیر از یک فرد بازاری و کارگر. است کارگر و بازاری و کشاورز و امثال اینها اگر چنانچه انحرافی داشته باشند انحرافی شخصی و برای خودشان است لکن انحراف اساتید دانشگاه انحراف خودشان تنها نیست انحراف یک گروه

است چه گروهی؟ آن گروهی که میخواهند مملکت را اداره کنند که گاهی به انحراف یک کشور منجر میشود انحراف یک روحانی انحراف خودش تنها نیست انحراف یک ملت است بنابر این این دو طایفه هستند که میتوانند خدمت بکنند و کشور را نجات بدهند و ممکن است که مسیرشان مسیر حق نباشد و کشور را به تباهی بکشند گمان نشود کسانی که ایمان ندارند اینها هم خدمت به کشور میکنند و فرقی بین آنها و آن کسانی که ایمان دارند نیست.

«الذین کَفَرُوا يَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ...» (1) شما می توانید جوانها را طوری تربیت کنید که تقوا در آن باشد و بداند که وظیفه او چیست و چه کاری را باید انجام دهد .

اگر چنانچه شما و طبقه روحانیون که هر دو یک شغل دارید هر دو شغل واحد دارید و مع الاسف این دو قشر را که مربی جامعه هستند دستهای ناپاک از هم جدا کرد. ما تا حالا با آقایان روبرو نمیشدیم یعنی شما از ما فرار میکردید و ما از شما شما ما را قبول نداشتید و ما هم شما را قبول، نداشتیم شما برای ما یک چیز میگفتید ما هم برای شما یک چیز دیگر می گفتیم من نه از «شما» مقصودم آن افراد است و نه از «ما» مقصودم، خودم لکن قشرها اینطور شده بود. می رفتند توی دانشگاه ها به دانشجو و استاد و به همه یک ظاهر زیبایی ارائه میدادند که این آخوندها مرتجعند، اینها می خواهند ما را برگردانند به عصر حجر محمدرضاخان در یکی از حرفهایش قبل از پانزده خرداد گفت که این آخوندها طیاره سوار نمیشوند اتفاقاً همان روزها بود که یکی از مراجع با طیاره رفته بود مشهد او میگفت اینها با تمام اساس تجدد و تمدن مخالفند و یا اینکه مطرح می کردند که آخوندها همه درباری هستند و اصلاً وجود اینها را دربارها آورده اند و سلاطین این وجودها را در خارج محقق کرده اند و می آمدند پیش روحانیون میگفتند اینها دین ندارند اینها یک مشت فکلی بی دین هستند و طوری تزریق میکردند که مع الاسف بعضی از اشخاص بی عمق باورشان می آمد این باور آمدن اسباب این شد که این دو قشر از هم جدا شد و هر دو به هم بدبین شدند و دو قشری که مربی جامعه بودند، دو قشری که باید جامعه را با مساعی هم جامعه را اصلاح، بکنند اینها را از هم جدا کردند، دو قشری که اگر در مسیر صحیح باشد تمام ملت به راه صحیح می رود.

ایمان مبدأ خیرات و ترقیات یک کشور است

اینطور نیست که یک قشر فاسد باشد و فقط خودش اگر ناصالح شود خودش است و غیر نیست با اصلاح این دو قشر جامعه اصلاح میشود اذا فسد العالم فسد العالم است. این عالم من نیستم شما هم هستید شما همه جزء علما هستید که اگر خدای نکرده فاسد باشید عالم را به فساد میکشید و اگر صالح باشید عالم را به صلاح میکشید. صلاح و فساد یک جامعه به دست مریدان آن جامعه است و این مربی ها شما هستید و قشر روحانی آنها به نوعی و شما هم به نوعی دیگر اگر بنا باشد فقط تربیت

ص: 97

علمی باشد شما یک طبیب درست میکنید ولی نظر این طبیب چه باشد این طبیب فردا می شود یک کاسب که یک مریض را معطل میکند برای اینکه حق ویزیت را زیاد بکند ممکن است از نظر طبابت خوب طبیعی باشد ولی چون مهذب نیست چون متقی نیست با دوا فروش می سازد تا نسخه هر چه گرانتر بنویسد. یک مهندس درست میکنید که در علم خودش خیلی خوب است اما وقتی که می خواهد یک نقشه ای بدهد آن استادیهای را که دارد طوری به کار میبرد که مفید نباشد و به شکل منفعت طلبی باشد در قشر ما هم اگر بنا باشد که همین ملانی باشد این ملا بسیار ملای خوبی است بسیار آدم فهمیده ای است کتاب و سنت را بسیار خوب میفهمد اما اگر چنانچه تقوا در کار نباشد فهم کتاب و سنت او موجب اعوجاج مردم میشود.

ما احتیاج به آدم داریم مملکت ما احتیاج دارد به اینکه در اجتماع انسان درست بشود. کسی که از زیر دست ما در می آید مومن باشد اگر مؤمن باشد دیگر زیر بار ظلم اجانب نمی رود و نمی تواند او را تطمیع بکنند تهدید و تطمیع در کسانی اثر میکند که ایمان ندارند.

اگر شما و ما دست به هم بدهیم و برای ایجاد یک جامعه توحیدی به معنی اینکه همه معتقد ب-ه خدا و همه معتقد باشند به اینکه کارها جزا دارد و اگر جوانها را مؤمن و معتقد بار بیاوریم مملکت مان تا آخر احیا می شود و اگر چنانچه در این مسئولیت بزرگ ما کوتاهی بکنیم و در حق فرزندان ای--ن مملکت کوتاهی بکنیم فرض کنید چند روز چنین صورتی پیدا بکند فردا بدتر از این است و مملکت می افتد اشخاصی که ایمان ندارند اعتقاد به مصالح کشور ندارند و فقط برای مصلحت خودشان کار می کنند همه اینهایی که این فضاحتها را در ایران درست کردند و این گرفتاریها را برای مملکت ما بوجود آوردند برای این بود که ایمانی در کار نبود. اگر ایمان در کار بود، ممکن نبود یک آدم قراردادهائی منعقد بکند که حالا دولت ما گرفتارش شده باشد زیرا این قراردادها طوری درست شده است که می گویند هر طرف قضیه را بگیریم ضرر دارد. اگر اینها ایمان داشتند همه چیز مملکت را به باد نمی دادند و چون ایمان نداشتند و فقط برای اینکه چند تا قصر در خارج داشته باشند و یا چند تا بانک را در خارج پر کنند این کارها را کرده اند. مبدأ همه خیرات و مبدأ همه ترقیاتی که برای یک مملکت است چه در جهت مادی چه در جهت معنوی این است که ایمان در کار باشد.

باید شما و ما دست به هم بدهیم و برای قشر آتیه که مقدرات مملکت را به دست میگیرند ایمان ایجاد کنیم شما از دانشگاه مؤمن بیرون بدهید و ما از مدرسهها مؤمن بیرون بدهیم. بنابر این وظیفه سنگینی به عهده ما و شما است و این وظیفه سنگین را اگر درست انجام دادیم و به شغلی که داریم درست عمل، کردیم در کنار علم ایمان را هم تقویت کردیم.

کوشش کنید برنامه هائی که برای عقب نگاه داشتن ملت بوده است تغییر کند، البته در موقعش ما هم کوشش میکنیم ولی الان شما باید کوشش کنید نباید زیر بار برنامه هائی که دیگران برایمان درست کرده اند برویم باید تغییرش بدهیم تحول لازم است بزرگترین تحولی که باید بشود بایستی در فرهنگ، باشد برای اینکه دانشگاهها بزرگترین مراکزی هستند که ملت را یا به تباهی میکشند یا به

اوج عظمت و قدرت می‌رسانند برنامه های فرهنگی تحول لازم دارد. فرهنگ غیر از سایر ادارات است و بنابراین مشکلات زیاد است و از مشکلات نباید هراسی داشته باشیم. در هر صورت من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را می‌خواهم و دعاگوی همه هستم و خدمتگزار به همه و امیدوارم که همه ما از دردهای حقیقی ملت مطلع بشویم و در درمانش هر کس به اندازه ای که میتواند کوشش کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 99

بیانات امام خمینی در جمع گروه کارگزاران مسجد قبا و دانشجویان مریوان

تلاش برای خود کفا شدن به منظور شکستن حصر اقتصادی

بسم الله الرحمن الرحيم

ما امروز مواجهیم با چند مطلب که تذکرش لازم است: یکی همه می دانید مواجه با قدرت های بزرگ که در خارج و داخل مشغول تبلیغات هستند برضد اسلام و توطئه هائی دارند، یکی خرابی هائی که در داخل کشور است و اشخاصی دامن می زنند به این خرابی ها و اغفال می کنند جوان های ما را از هر طرف.

ما امروز اگر بخواهیم با این قدرت بزرگ مواجه باشیم و در این میدان شکست نخوریم احتیاج به چند امر داریم، یکی اینکه ما اقتصاد خودمان را طوری کنیم که خودکفا باشیم که اولش قضیه زراعت است. مزرعه ها، کشتزارها با فعالیت همه جانبه قشرهای مختلف کشت می شوند، مع الاسف دستجاتی هستند که یا ندانسته و به واسطه تحریک بعضی عناصر ضد انقلاب یا شاید بعضی شان هم دانسته از باب اینکه از همان جمعیت هستند نمی گذارند کشت آنطوری که باید صورت بگیرد، صورت بگیرد. با اسم های مختلف در اطراف ایران هر جا بروید این مسائل هست که در کشتزارها می روند و به اسم اینکه ما می خواهیم کمک کنیم به مستمندان کمک کنیم به مردم، مانع می شوند از اینکه یک کشت صحیحی بشود، و این خطری است برای کشور ما.

شما می دانید که اگر یک مملکتی در اقتصاد، خصوصا این رشته اقتصاد که نان مردم است، در این احتیاج به خارج پیدا نکند و یک احتیاج مبرمی که نتواند خودش اداره کند خودش را و باید او را اداره کنند، این وابستگی اقتصادی آن هم در این رشته موجب این می شود که ملت ایران، مملکت ایران، تسلیم بشود و به دیگران. اگر آمریکا موفق بشود در این مطلبی که الان پیش آورده است که همه قدرت ها را دور خودش جمع کند و حصر اقتصادی بکند نسبت به ایران، انشاءالله موفق نمی شود، لکن ما باید طرف احتیاط را بگیریم، اگر خدای نخواسته موفق بشود و ایران را در حصر اقتصادی از جهات مختلف قرار بدهد که یک جهتش هم همین قضیه خواربارهایی است که ما احتیاج به او داریم، خوب، ما قاعدتا نمی توانیم دیگر مقاومت کنیم و این یک ضربه ای است که به نهضت ما می خورد که ضربه به اسلام است. پس تکلیف همه ماهاست که هر کس به هر مقداری که قدرت دارد در این امر کوشش کند. در امر زراعت، در امر امدادی هم دولت باید کمک کند و هم مردم باید به هم کمک کنند و

هم کار بکنند، مردم، مردم باید مشغول کار بشوند، یک مملکتی است که احتیاج به نیروی کار دارد اگر این نیرو به خدمت دیگری کشیده بشود به کارهای دیگر کشیده بشود این موجب این می شود که نتوانند این حاجتی که ملت دارد برآورده کنند پس در رأس همه چیزها این است که یک کشوری راجع به ارزاقش محتاج نباشد به خارج، راجع به گوشتش و راجع به نان و راجع به اینطور چیزهایش، محتاج نباشد. و این لازم است که دامداری ها که رواج پیدا کنند و همین طور کشاورزی به طور وسیع درست بشود. دیروز بود ظاهراً که برادرهای قمی ما که آمده بودند اینجا، آنها می گفتند که قم امسال خودکفاست برای اینکه فعالیت شده است، خود مردم، و جهات مختلفی شده است که زمین های زیادی زیر کشت رفته است و روی اینکه آن زمین هائی که زیر کشت رفته است و فعالیت های دیگری که سایر کشاورزها کردند، اگر بشود و انشاءالله درست عمل، قم احتیاج به خارج ندارد.

من خیلی از این جهت خوشحال شدم و اظهار تشکر کردم نسبت به آنها و خداوند انشاءالله حفظ کند آنها را. این مطلب همه جا باید بشود این مطلب در همه جای ایران باید بشود، یعنی هر منطقه باید کوشش کند که برای منطقه خودش خودکفا باشد، خوزستان آب فراوان، زمین فراوان دارد، هم آب فراوان دارد، هم زمین فراوان دارد، این اگر چنانچه کمک بشود، هم از طرف دولت کمک بشود، هم ملت، دست به دست هم بدهند و هم مردم دست به دست هم بدهند و آنجا را کمک کنند و کشت کنند و دیمی، آبی، ایران هم دیمش خوب می شود، هم آبش از دیمش بهتر هم باشد و بیشتر هم، دیم چیز می کند یعنی اگر آبی یک تخم هشت درصد متداول باشد شاید آن بیست آن بشود. در هر صورت این یک تکلیفی است الان برای ما، نه قضیه یک مسأله عادی است. الان مملکت ما در این امر یک وضع غیر عادی دارد زندگی می کند. وضع عادی نیست که انسان بگوید که خوب، نمی خواهم حالا این منفعت داشته باشیم. یک وضع غیر عادی است که نمی توانیم بگوئیم که خواهیم. معنی نمی خواهیم این است که وابسته به خارج باشیم، وابستگی به خارج این است که همه چیزمان را دوباره در اختیار آنها بگذاریم.

پس بنابراین، یک تکلیف شرعی است، نه یک امر عادی باشد که ما از زراعت امسال ما دلمان نمی خواهد زیاد نفع ببریم، نه این مسأله اینطور نیست، دلخواه نیست، در این وضع غیر عادی که ما به او ابتلا داریم، این یک تکلیف هم ملی است و هم شرعی. یعنی اگر ما بتوانیم یک کاری بکنیم و نکنیم، پیش خدای تبارک و تعالی مسؤول هستیم. این یک باب است که باب کشاورزی و دامداری و چیزهائی که مربوط به ارزاق مملکت است، یک مملکتی که می تواند و می توانست در دامداری جوری باشد که حتی به خارج هم شاید می توانست بدهد، حالا باید گوشتش را از یک جائی بیاورند و گندمش را از یک جائی بیاورند و تخم مرغش را از یک جائی بیاورند و همه چیزش را از یک جائی، برای ما عیب است این مطلب که ما همه چیزمان به دست غیر باشد و چشم مان به این باشد که نان ما را، که گوشت ما را بدهد.

بنابراین باید همت کنند، همه قشرها همت کنند و این حاجت، ارزاقی را که ما احتیاج به او

داریم و ملت ما محتاج است، این را برآورند و انشاءالله خودکفا بشوند. یک جهت دیگر، این است که یک اشخاصی که می خواهند اوضاع ایران آرامش نباشد در آن، اینها در بین ارتشی ها، ژاندارمری ها و شهربانی ها رفتند و می گویند ما این مراتب سلسله را نباید قبول کنیم، یک کلمه غلطی را توی مغز اینها فرو کردند که جامعه توحیدی. نمی دانند هم جامعه توحیدی اصلا معنایش چیست، اگر یک معنای صحیحی هم داشته باشد، اینها دانند. اینها خیال کردند که جامعه توحیدی معنایش این است که اصلا ارتشی تو کار نباشد، همه شان یا سرباز باشند یا همه شان سپهبد باشند، این معنایش این است که ما ارتش نداشته باشیم، این چیزی که قدرت کشور ما باید باشد و بازوی توانای کشور باشد که ارتش است و همین طور ژاندارمری و سایر قوای انتظامی. این چپگراهایی که به اسلام خودشان را بستند، الان گرفتاری ما به این اشخاصی هست که با اسم دارند مقاصد دیگران را ترویج می کنند، یکیش هم همین است که روند در سربازخانه ها و در بین ارتش، و بعضی شان هم شاید از همان ریشه های سابق باشند که دانسته می خواهند نگذارند که ارتش قوت بگیرد، قدرت ارتش را می خواهند از دست بگیرند و فلج کنند ارتش را. می گویند که نه باید شماها افسر باشید و نه ما درجه دار و باید یک توحیدی پیش بیاید، مسأله توحیدی معلوم می شود همه مان سپهبد باشیم یا همه مان سرباز، هیچ کس از هیچ کس اطاعت نکند. این جز این است که اصل ارتش به هم بزند، یعنی ارتش ما نمی خواهیم، این معنایش این است که اصلا ایران ارتش نمی خواهد، ایران ژاندارمری هم نمی خواهد، ایران شهربانی هم نمی خواهد، دولت هم نمی خواهد، اصلا جامعه توحیدی، اینها اصلا نمی فهمند اگر یک جامعه، توحیدی باشد، معنایش چیست؟ جامعه توحیدی معنایش این است که در عین حالی که فرض کنید سرلشکر هست و دیگران باید از سرلشکر اطاعت بکنند و در عین حالی که سپهبد فرض کنید اگر باشد هست و در عین حالی که حکومت هست، همه اینها یک فکر داشته باشند، جامعه توحیدی معنایش این است که همه اینها به خدا فکر کنند، توجه به خدا داشته باشند نه هرج و مرج باشد. جامعه توحیدی اصل قابل وجود به آن معنا که می گویند نیست. جامعه توحیدی به آن معنا که می گویند خوب، همه رعیت باشند، ما نساج نمی خواهیم، ما دیگر فرض کنید که آن کسی که آهنگر نمی خواهیم، اینکه توحید نمی شود، یکی زحمتش زیاد است، یکی زحمتش کم، جامعه توحیدی در حیوانات هم کم است، در بعضی حیوانات یا اکثر حیوانات جامعه توحیدی است، یعنی اینکه دیگر در حیوانات یک بالا و پائین نیست، در بعضی شان، در مثل موربانه، آنها هم تمدن دارند و می گویند تمدنشان اسبق است از انسان، یا در مثلا زنبور، زنبور نحل (یعنی زنبور عسل) آنها هم بالا و پائین دارند، اگر بنا باشد که به آن معنا که شما می گویند جامعه توحیدی معنایش این است که تفاوت مابین افراد نباشد. شما در غیر حیواناتی که آن هم حیواناتی که _ آن تمدن ندارند، در غیر حیوانات در کجای عالم پیدا می کنید که تفاوت نباشد، یعنی همه ما یا مهندس باشیم یا هیچ درس نخوانیم، همه کشور ما یا همه شان باید مهندس باشند، خوب، همه مهندس، ما کشاورزی نمی خواهیم. همه کشاورز، ما کارگر نمی خواهیم. همه کارگر، ما کارفرما

نمی خواهیم . پس قابل ذکر است ، این یک کلمه توحیدی به گوششان خورده است معنایش را نفهمیدند یا آنهایی که در کار هستند و در کمین هستند که می خواهند این کشور را به هم بزنند و می خواهند باز ما را تحت سیطره امریکا و امثال امریکا قرار بدهند آنها افتاده اند توی اینها ، جامعه توحیدی !! جامعه توحیدی !! مقصودشان چیست ؟ مقصود این است که ما درجه دار و افسر و سرباز نمی خواهیم ، همه مان سرباز ، اطاعت نمی خواهد ، وقتی که کسی فرمان بدهد هیچ کس نباید از او اطاعت کند ، یا همه فرمانده ، فرمانبر نداشته باشیم ، یا همه فرمانبر ، فرمانده نداشته باشیم . این کشور می شود؟ این مملکت می شود؟ این خیانت به ارتش نیست ؟ این خیانت به اسلام نیست ؟ اینها را به گوششان خواندند و یک شوراهائی درست کردند غلطی و به گوش اینها خواندند . می آیند در آنجا ، درجه های خودشان را می کنند می دهند به افسر ، می گویند تو درجه بده ، این جز این است که یک مملکتی را به فساد بکشد ، ما در این مملکت یک کاسب نمی خواهیم ؟ تاجر نمی خواهیم ؟ فرش فروش نمی خواهیم ؟ یک مملکت ما همه اش باید یکسان و به قول آنها جامعه توحیدی که آنها می فهمند ، جامعه توحیدی باشد که همه یک جور باشند؟ محصل می خواهیم برای اینکه اگر تحصیل کرد ، خوب فرق می کند با دیگران ، جامعه توحیدی نیست این ؟ یکی بالاتر ، یکی پائین تر . آن کسی که با فکرش یک کار بزرگی انجام می دهد ، این با آن رعیتی که با عملش یک جریب زمین را درست می کند ، اینها در یک جامعه های عالم یک جور هستند اینها؟ اینها در جامعه های دنیا ، کسی که طیاره را درست می کند با آن کسی که چاه می کند برای آب ، اینها یک جورند در دنیا؟ اینکه جامعه توحیدی نیست اینکه . آن یک کار دیگر می کند ، این یک کار دیگر کند . آن یک جور دیگر زندگی می کند ، این یک جور دیگر . اینها چی می گویند؟ کجای دنیا جامعه توحیدی است که اینجا باشد؟ در شوروی دیگر رؤسا و مرنوسین نیستند؟ کرملین حکم نمی کند برای همه کشور ، سردارها آنجا حکم نمی کنند ، صاحب منصب ها آنجا همه اینها از زیر بارشان در می روند ، درجه هاشان را می کنند که جامعه توحیدی نیست ؟ چین که همین طور است ؟ کجای دنیا هست که سرباز همه باشند ، هیچ صاحب منصب نداشته باشند ، همه صاحب منصب به یک درجه باشند؟ این چه غلطی است که در فکر اینها رفته ، خیانت است این به اسلام ، خیانت است این به کشور ، خیانت است این به ارتش ، ارتش باید باشد با همان قدرتی که باید باشد .

البته همه به یک فکر باید باشند ، جامعه توحیدی این است ، تمام ملت ایران باید یک فکر کنند و او این است که خودشان را از زیر بار اجنبی نجات بدهند و خودشان اداره کنند ملت خودشان را ، مملکت خودشان را . جامعه توحیدی آن بود که در این نهضتی که پیروز شدید شما ، آن بود که در این نهضت پیروز شدید ، یعنی همه آمدند با هم به طور وحدت کلمه ، وحدت فکر ، نه معنای جامعه توحیدی هرج و مرج باشد و نه دولتی باشد و نه ملتی باشد ، نه مدیری باشد و نه اداری باشد و نه مهندسی باشد ، این یک مسأله ای است که اصلا خطرناک است برای مملکت ما .

قبل از اینکه ما دخالت در امر تصفیه کنیم، خودتان را اصلاح کنید

این جوان هائی که در بین چیز هستند، در بین ارتش هستند، توجه داشته باشند، این، یک خطری دارد برای کشور شما پیش می آورد، این کار به دست دیگران دارد واقع می شود، و شماها گول می خورید. قبل از اینکه شروع بشود به یک تصفیه ای و من آنطور قاطع که می توانم عمل کنم، عمل کنم، خودتان را، اصلاح کنید خودتان را و الا ما اینها را تصفیه خواهیم کرد. آنهایی که رفتند و کردند چیز خودشان را، آنطوری که برای ما نقل کردند و به آنها هم گفتند شما هم بکنید، دیگر سربازی و نمی دانم چی چیز نیست، این بزرگترین خیانتی است که به مملکت ما دارید کنید، قبل از اینکه ما دخالت در امر کنیم خودتان اصلاح بکنید.

این هم یکی از گرفتاری هائی است که ما داریم مواجه با او هستیم، از آن طرف با امریکا ما مواجهیم، از این طرف با این جوان هائی که دارند کمک به امریکا می کنند، نمی فهمند اینها که ما اگر امریکا یک روزی بنایش بر این شد که بیاید اینجا شلوغی بکند، ما ارتش لازم داریم، ژاندارمری لازم داریم، جوان های پاسدار لازم داریم، خودمان هم باید برویم، نمی فهمند این معنا را، گول خوردند از اشخاص، این اشخاصی که این توطئه را برای شما می کنند و می آیند به شما می گویند و شما را به خیال خودشان می خواهند که جامعه توحیدی برایتان درست کنند، اینها را معرفی کنند تا طرد بشوند. خودتان طردشان کنید، خود این جوان هائی که در آنجا هستند طردشان کنند. این مسیر برخلاف اسلام است، بر خلاف ملت ایران است، برخلاف کشور است، برخلاف مصالح مسلمین است. یک همچو کار غلط را نکنند. همه قوای لشکری و هم ارتش و هم ژاندارمری و هم پاسداران نباید هرج و مرج باشد. پاسدار، من پاسدارم، انقلاب است، هر کاری دلم بخواهد بکنم، این معنایش این است که یک انسجام نباشد در یک مملکت، وقتی هرج و مرج در یک مملکت باشد، زندگی تباہ می شود، اگر فردا به شما هجوم کردند، نمی توانید جواب بدهید. اگر یکی، دشمنی به شما رو آورد، می توانید جواب بدهید. خوب، می بینید الان هم در داخل، هم در خارج، ریختند به جان هم و یک قوه ای نیست که جلو اینها را بگیرد، برای چی؟ برای اینکه انسجام خودتان نیست بین قوای انتظامیه اصلا، پاسدارها الان برای خودشان علیحده، یک زندگی دارند، هر کدام برای هر جا، برای خودش و همین طور دیگران. اینها باید فکر بکنند، خودتان اولاً فکر بکنید، این پاسدارهائی که من از آنها خیلی تشکر می کنم، مملکت ما را پاسدارها حفظ کردند، لکن حالا بین آنها هم افتادند اشخاصی که نمی گذارند اینها منسجم بشوند. اینها انسجام می خواهند. این قوا باید هماهنگ بشود. اگر یک قوای مملکت هماهنگ بشوند، نمی توانند کاری انجام بدهند. همه جا باید هماهنگ بشوند. می بینی که پاسدار می رود توی پادگان ژاندارمری، تو پادگان ارتش، تهدیدش می کند، اهانت می کند، چه می کند، به ما نوشتند می آیند اهانت می کنند. چه وضعی است این معنا؟ آخر شما مسلمانید، شما ملی هستید، شما برای خدا کار می کنید، برای کشورتان کار می کنید، خوب، باید همه تان هماهنگ باشید تا کار بتوانید انجام بدهید. این هم یکی از گرفتاری هائی است که الان مملکت ما مبتلا به او هست و مبتلا به یک دست دوست، دوستی که

توجه ندارند، نادان، اشخاصی که متعهدند که می خواهند کار بکنند، لکن یک دسته خدانشناس اینها را تحریکشان می کنند. جوان ها هم با اذهان صاف خیال می کنند اینها که حرف می زنند درست می گویند. شما این مسائل را پیدا کنید که کی دارد می گوید، این هم هست، گرفتاری های دیگر هم هست، لکن معذک ما از باب اینکه متکی به یک قدرت بزرگی هستیم، ما خودمان هیچ، هیچ ابداء، اگر یکی تان خیال بکنید که خودتان هم یک چیزی هستید خطا کردید، خودتان هیچ، این صداها هم که می کنند، خمینی کذا، اینها هم بیخود است، خمینی هیچ کاره است، کار دست یک قدرت بزرگی است که او انجام داد، آن است که کار دستش است. آن است که می تواند که یک جمعیت بی سلاح را بر یک قدرت بزرگ موفق کند و پیروز کند تا خودتان را هی می بینید که من کذا و شما کذا، یک بشری را کذا می بینید و چه می کنید، این فایده ندارد.

ما برادر هستیم، همه با هم باید توجه کنیم به خدای تبارک و تعالی و با اتکال به خدای تبارک و تعالی انشاءالله پیروز می شویم. و من امیدوارم که این جوان های ما در هر کجا که هستند، در ارتش هستند، در ژاندارمری هستند، در شهربانی هستند، در سپاه پاسداران هستند، در کمیته ها هستند، در دادگاه ها هستند، در بازارها هستند، در خیابان ها هستند، در کشاورزی هستند، در دامداری هستند، در کارخانه هستند، همه اینها به خودشان بیایند ببینند که ما مواجه با یک قدرتی هستیم که اگر با هم نباشیم و به خدا توجه نداشته باشیم، ما یک لقمه آنها هستیم، باید به خدا توجه کنیم و همبستگی با هم داشته باشیم، یک مملکتی با هم جوش بخورد تا نتواند آسیب به او برساند، اگر ما فرد فرد باشیم، گروه گروه باشیم، همه مان آسیب می بینیم برای اینکه همه ضعیفیم، اما اگر چنانچه انسجام پیدا بکنیم، همه گروه ها پشتیبان هم باشند، یک نظر باشند، جامعه توحیدی به این معنا پیدا بشود که همه پشتیبان هم و همه با وحدت کلمه و با وحدت نظر بدون اینکه یکی بگوید نه، یکی بگوید آری، اگر اینطور بشویم انشاءالله پیروز هستیم. و من از خدای تبارک می خواهم که این مملکت ایران که مملکت اسلامی است، مملکتی است که خدای تبارک و تعالی به او نظر دارد و رسول اکرم نظر دارد، ائمه هدی نظر دارند، این مملکت را از شر اشرار، چه اشرار خارجی و چه اشرار داخلی، نجات بدهد. خداوند شماها را، جوان های ما را که خدمت می کنند برای مملکت خودشان و مشغول هستند، در هر نقطه خدمت می کنند به کشور، چه در زراعتش، چه در صناعتش، چه در ارتشش، چه در سایر قوای انتظامی، چه پاسدارها، خداوند همه آنها را قدرت بدهد، آنها را سالم و موفق کند. انشاءالله موفق باشید و با قدرت پیش بروید که پیش می روید.

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام یکتائی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ هبه الله یکتائی دامت برکاته

پیرو درخواستی که اهالی محترم شهر خلخال در مورد اقامه نماز جمعه در آن شهرستان نموده اند ، جنابعالی به امامت نماز جمعه در شهر مزبور منصوب می شوید تا ضمن انجام این فریضه بزرگ الهی ، مردم را به وظایف خطیری که دارند آشنا نموده و از توطئه های دشمنان داخلی و خارجی آگاه سازید . امید است اهالی محترم فرصت را مغتنم شمرده و در انجام هر چه با شکوه تر آن اهتمام ورزند . از خدای تعالی موفقیت همکاران را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت نفت

امتیازات انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلابات

بسم الله الرحمن الرحيم

مسائل بعد از انقلاب ها دو قسم هست: یک مسائلی است که مربوط به ادامه انقلاب است انقلاب مثل یک طفلی می ماند که باید تربیش کرد و بزرگش کرد، پرستاری می خواهد یک مسائلی هم هست که مسائل فرعی است که انقلاب وقتی تحقق پیدا کرد باید آنها دنبالش رفت. بعد از هر انقلابی آشفتگی هائی هست و هیچ انقلابی نمی تواند نداشته باشد.

انقلاب های بزرگی که در عالم پیدا شده است مثل انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر اینها بعد از انقلاب بسیار گرفتاری ها داشتند. بعضی از این انقلاب ها، کشتاری که بعد از انقلاب واقع شده است بیشتر از یک میلیون، گاهی به دو میلیون رسیده است، برای اینکه انقلاب در آنجاها یک انقلاب اخلاقی نبوده است، یک انقلاب اسلامی نبوده است و علاوه بر این به اینطوری که از قشر ملت و از متن جامعه ما انقلاب برخاسته در جاهای دیگر اینطورها نبوده است، گاهی بوده اما نه اینطور. بعد از انقلاب فقط آن اشخاصی که در رژیم جنایتکار بودند آنها هم بعد از اینکه محاکمه شدند و محکوم شدند و معلوم شده است که وضع جنایتشان تا چه حدود بوده است، اینها تأدیب شدند یا اعدام شدند و اما آزادی مطلق بعد از آن اختناق مطلق بعد از انقلاب بلافاصله بود، همه قلم ها و همه زبان ها باز بود، قلم ها می نوشت، همه احزاب بودند و همه شان هم اظهار وجود کردند و کسی مزاحمشان نبود، تا پنج ماه تقریباً اینطور بود که ابتدا هیچ خلاف آزادی نشده، بعد از پنج ماه دریافتیم، دریافتند به اینکه بعضی از این روزنامه ها، بعضی از این مجلات وابستگی به اسرائیل، وابستگی به آمریکا دارد و مشغول یک توطئه هائی هستند، برخلاف مسیر ملت توطئه می کنند، اینها را دادگاه چیز کرد که باید رسیدگی بشود، تعطیل کرد تا رسیدگی بشود. همچو نیست که در جانی از عالم وقتی انقلاب واقع شده است، اینطور رفتار کرده باشند، بعد از انقلاب مطلق مطبوعات، مطلق روزنامه ها، مطلق گفتارها تعطیل شد. امکان نداشت برای کسی که یک روزنامه بعد از انقلاب منتشر کند و بعضی انقلابات بلافاصله بعد از انقلاب قتل عام شروع می شد، قتل عام های زیاد، تصفیه های مهمی که همه اش کشتار بود به دریا ریخته بودند و این در انقلاب ایران هیچ چنین چیزی نبود که حتی یک روز اینطور نبود که از طرف دولت یا از طرف ملت بخواهد یک کاری بکنند و یک قتل هائی مثلاً بکنند، بعد

توطئه گران می خواهند این انقلاب را با ایجاد نفاق و اختلاف مدفون کنند

حریف های ما که کار کشته و کار کرده و مطالعه کرده هستند ، اینها مطالعه کردند که باید در این وقتی که یک چنین انقلابی با دست خود ملت پیش آمده است کودتا نبوده است که اختیارش را بشود یک کسی بگیرد و تحت نفوذ دیگری باشد ، با دست همین ملت بوده است و یک ملت را نمی شود مهار کرد ، باید چه بکنند ، تا اینکه این انقلاب را نگذارند به ثمر برسد . باید خود انقلاب را از باطن داخل خودش فاسد کنند .

فعالیت الان در این جهت است که می خواهند که این انقلاب را در خودش ایجاد نفاق و اختلاف کنند و مدفونش کنند و پس از اینکه خود انقلاب مدفون شد ، بیایند و یک نفری که خودشان تعیین می کنند ، یک کودتائی ، یک بساطی درست کنند و همان مسائل سابقش را پیش بیاورند . ملت ما باید این مطلب را لااقل که یک مطلب واضحی است فراموش نکند ، که قدرت بزرگی که منافع داشته است در ایران ، مطامع داشته است در ایران ، منافع نفت داشته است در ایران و نافع سوق الجیشی داشته در ایران .

ایران یک مرکزی است که حساس است برای ابرقدرت ها ، یک چنین کشوری که زن و مردش ، بچه و بزرگش قیام کردند و با خواست خدا و وحدت کلمه پیش بردند ، اینها حالا برای ضربه ای که خوردند ، منافع از دستشان رفته است نمی توانند در این محل دیگر آنطور توطئه هائی که پیشتر می کردند ، زمان رژیم سابق که اینجا را محل از برای آن چیزهائی که می خواستند خودشان ، پایگاه هائی که می خواستند خودشان قرار بدهند حالا دیگر برایشان نمی شود ، اینها در صدد برآمدند که از باطن خود این نهضت ، انقلاب یک پوسیدگی ایجاد کنند ، در همه قشرها عمال آنها نفوذ کردند همه جا ، در نفت ، در مراکز نفت هستند از اینها ، در هر جائی که شما بروید ، در ارتش ، در ژاندارمری ، در سپاه پاسداران ، در کمیته ها ، در ادارات از این قماش مردم هستند که اینها یک مقدارشان منفعت های زیادی که در آن زمان می بردند ، از دستشان رفته است و برای اعاده او می خواهند یک رژیمی نظیر آن رژیم پیش بیاید . یک عده شان هم که قدرت های بزرگند ، آنها هم منافعشان از دستشان رفته است و دست بردار به این زودی نیستند . در همه این قشرها به طورهای مختلف نفوذ کردند و دارند ایجاد خلاف می کنند . اینها دیدند که از این وحدت کلمه ملت و اتکال این ملت به خدا این پیروزی حاصل شده است و می دانند که اگر این دوتا قضیه ، اتکال به خداوند و وحدت کلمه باشد پیروزی های بعد هم حاصل و دست آنها بکلی از ایران کوتاه می شود ، از این جهت از قشر جوان که عمق مسائل را باز نمی تواند بفهمد ، استفاده می کنند ، در هر جا می روند سراغ جوان های پاکدلی که با تبلیغات آنها تحت تاثیر واقع می شوند با دست این جوان ها به اسم اسلام به اسم دلسوزی برای ملت به اسم دلسوزی کشور از اینها استفاده می کنند و مقصد این است که این مملکت را نگذارند ثبات پیدا بکند و بی نظمی را در همه جا

گسترش بدهند در همه قوای انتظامی، در پاسداری ها، در کمیته ها، در دادگاه ها، در ادارات، در بین کشاورزان، در بین کارکنان صنعت نفت، در همه اینها یک بساط ناآرامی تا در خارج منعکس بشود که این کشور، این مملکت نمی تواند خودش را اداره کند محتاج به این است که یک مدیری برود این را اداره اش کند، ایجاد نارضایتی ها، این می شود که این ناراحتی ها با اینکه سنگین است، لکن ملت باید توجه داشته باشد که برای چه مقصدی ایجاد می شود.

در این صحراهایی که کشاورزها مشغول کشاورزی هستند می روند با عناوین مختلف جلوگیری می کنند، نمی گذارند کار بکنند. در کارخانه ها هر چه بتوانند جلوگیری می کنند که کار نشود، نتوانستند کم کاری ایجاد می کنند. در دانشگاه ها به یک صورت دیگری و در ارتش و در ژاندارمری و در سایر قشرهای انتظامی آنجا هم به یک جور دیگری. تمام اینها یک مقصد دارند و آن مقصد این است که نگذارند این انسجامی که باید بین این ملت حاصل بشود و آن انسجامی که بود و با آن انسجام پیش بردند، نگذارند این عمرش باقی باشد. می دانند که اگر این انسجامی که بین اقشار ملت بود، به عمرش ادامه بدهد، ملت پیروز می شود تا آخر هم دست آنها کوتاه می شود. پس باید چه بکنند؟ بیایند بین قشرها ایجاد اختلاف بکنند. من خانه ندارم، من حقوقم کم است، من درجه ام کم است، درجه داری اصلا نمی خواهد، یکی از حرف هایی که بین ارتشی ها است، یک دسته جوان که گول خوردند، درجه داری نمی خواهد، همه یک جوری باید باشند از این حرف ها، از این نطق ها گاهی گول خورده اند به اسم اسلام یک چیزهایی را می گویند که اسلام در آن نیست و گاهی هم متعمدند و از روی عمد این کار را می کنند.

امروز این نحو اختلافاتی که ایجاد کردند و شما دیدید که در زمان نهضت آنوقتی که مشغول بودند همه رژیم، مردم به مبارزه با رژیم، اینجور اختلافات نبود اصلا، اگر آن روز هم این اختلافات بود ابتدا پیشبردی نمی شد، این اختلافات بکلی نادیده بود، هیچ کس فکر این نبود که زراعتم چه جوری است، صنعتم چه جوری است و منزلت چه حالی دارد، همه فکر این بودند که جمهوری اسلامی باید باشد، این وحدت کلمه و انسجامی که در ملت بود و در دنیا چشمگیر بود و چشمگیر هست آنها که می دانند باید از کجا شروع کنند و چه جور این انسجام را به هم بزنند کارگردان هاشان، کارشناس هاشان هست و الهام می گیرند از آن مبادی دیگر، از خارج و بین قشرها اختلاف ایجاد می کنند، هر طوری بتوانند. اتهام، هر جا برود اتهام هست، هر جا بروی یک ناراحتی ایجاد کردند، هر جا بروی یک شلوغی ایجاد کردند، هر جا بروی یک ناآرامی است که کانه یک کشوری است که به طور هرج و مرج دارد پیش می رود، اصلا یک مدیریت صحیح در این کشور نمی گذارند آرام بشود تا اینکه صنعت نفت آنطوری که باید اداره بشود و همین طور همه جا. و این دلیل بر این است که جوان های ما غافلند از این توطئه بزرگی که برای ما دارد درست می شود و در دست درست کردن است و آن توطئه اینکه همان نقطه که به آن نقطه اینها شکست خوردند همان نقطه را دست بگذارند رویش، دست

می گذارند رویش آن را می خواهند بهم بزنند ، این موضع قدرت شما را متزلزل دارد می کند .

دشمنان نهضت در صدد خلع سلاح ملت از وحدت کلمه و اسلام هستند

دیدید که دو جهت در این ملت بود که رمز پیروزی ملت ما بود ، یکی اینکه از آن چیزهائی که خودشان خواستند ابداً آنوقت مطرح نبود . همه با هم می گفتند (الله اکبر) همه با هم جمهوری اسلامی ، همه با هم رژیم سابق نه ، هیچ کس در آن روز دنبال این نبود که من وضع چه جوری است ، اگر یک کسی پیش رفیقش هم فرض کنید شکایت می کرد رفیقش به او می خندید که حالا وقت این حرف ها نیست . اینطور شده بود وضع ، یک جهت هم اینکه همه اینها که با هم مجتمع شدند ، برای خدا بوده شاهد اینکه هی می آمدند و هر جا فریاد می کردند که ما می خواهیم شهید بشویم ، یک مطلبی بود که برای خداست .

پس دو جهت در این پیروزی بود : یکی اینکه برای خدا فریاد الله اکبر و ما برای خدا کار را می خواهیم بکنیم ، جمهوری اسلامی خواهیم ، یکی هم اینکه با هم مجتمع بودند ، یکصدا بودند ، بچه کوچولو و پیر مرد هشتاد ساله ، یک جور حرف می زدند و دشمن های ما این دو تا سنگر را هدف کردند . از اولی که این سد رژیم سابق شکست دشمن ها سر درآوردند و یک دسته شان راجع به جهت اسلامی شروع کردند کارشکنی ، درست توجه کنید که دو تا مطلب هر دویش شهود ماست که مورد حمله واقع شده بود ، جهت اسلامیتش مورد حمله واقع شد ، گفتند ، این حمله به جهت اسلامیتش بود که زیر بار اسلامش می خواستند بروند ، برای اینکه آن کارشناس ها فهمیده بودند که این پیروزی از اسلام است مردم برای جمهوری نمی آیند به شهادت برسند ، مردم برای اسلام می گویند ما شهید می خواهیم بشویم الان هم می گویند ، کفن می پوشند برای اسلام ، نه کفن برای جمهوری ، برای جمهوری دموکراتیک .

آنها یافته بودند که این جهت یک جهتی است که اصیل است ، اصل مطلب است ، این را باید شکستش . با قلم ها ، با گفتارها شروع کردند به این سنگر حمله کردن ، اسلام حالا دیگر به درد نمی خورد ، اسلام مال نمی دانم هزار و چهار صد سال پیش از این بود ، اسلام دیگر حالا بیخود است ، گاهی می گفتند ، گاهی نمی گفتند ، لکن لازمه اش این بود جمهوری اسلامی ما می خواهیم ، معنایش این است که جمهوری می خواهیم ، معنایش این است که جمهوری اسلامی لازم نیست باشد ، این هدف بود تا حالا هم هست .

از اولی که شما این سد را شکستید و برگشتید که جمهوری اسلامی را درستش بکنید ، این دسته از مردمی که دنبال این بودند که شما آن رمزی که شما پیروز شدید ، چی بود؟ اسلام را فهمیدند که رمز اسلام بوده است ، حمله کردند به همان جهت اسلامیتش . نمی خواستند بگذارند که رأی بدهید برای جمهوری اسلامی در بسیاری از جاها جلو رأی را گرفتند ، در بعضی جاها آن صندوق ها را شکستند ، آتش زدند ، با تفنگ مانع شدند از اینکه رأی بدهند ، اینجا شکست خوردند . باز برای اینکه

مردم باز همان حال را داشتند ، رأی را دادند دنبالش هر مرحله ای را که یک قدم شما جلو گذاشتید آنها آن مرحله را که جهت اسلامیتش بود ، هدف قرار دادند .

_ شما درست _ من حالا به تفصیل بخواهم بگویم ، نه شما وقت دارید نه من ، اما درست مطالعه کنید که در هر مرحله مخالفت شد و مخالفت در همان جهتی بود که راجع به جهت اسلامیتش بود که اینها یا آگاهانه این کار را می کردند که اجیر بودند _ یا جوان هایی بودند که ناآگاه ، این آگاه ها بازی می دادند به آنها صحبتش را می کردند . بعد در این مرحله ، بعد هم تا حالا هی شکست خوردند ، یعنی جمهوری اسلامی را رأی دادند تقریباً نودوهشت درصد رأی مثبت بود ، یک قدری هم بیشتر ، بعد هم خبرگان را که هی مخالفت ، هی مخالفت ، معذک مردم تعیین کردند خبرگان خودشان را بعد هم به آراء گذاشتند ، این قانون اساسی آنجا هم باز مخالفت ، مخالفت ، لکن معذک ملت پیروز شد ، اینها نشستند باز ، آن جهتش تا اینجا آمده است ، حالا بعدش هم البته رئیس جمهوری یا مجلس شورای ملی اینها هم البته مواجه با خیلی مخالفت ها خواهد شد ، این یک جهت بود .

جهت دوم این قضیه ، اتحاد مردم که همه با هم بودند . یک کانه ، یک نفس بود ، یکصدا بود ، شما اگر بندرعباس می رفتید همان را می شنیدید که در شمال می شنیدید ، در مشرق ایران می رفتید همان را می شنیدید که در مغرب می شنیدید ، بچه ها همان را می گفتند ، پیرمردها هم همان را می گفتند ، رعیت ها هم همان را می گفتند و متفکرین هم همان را می گفتند ، آنهایی هم که برخلاف مسیر بودند ، آنوقت صدایشان در نمی آمد ، نمی توانستند درآورند بعد که رسیدید به آنجائی که یک قدری به نظر توده ها این بود که خوب ، الحمدلله پیروز شدیم ، توجه نداشتند به اینکه نه ما یک قدم از آن راه که گفتیم و از راه دیگر ، ایجاد اختلاف . شما الان در هر جا بروید یک دسته ای با دسته دیگر مخالفند یک دسته ای مخالفند که به روی هم اسلحه می کشند ، می کشند ، یک دسته هم که به آنطور نیست برای هم صحبت می کنند حرف می زنند ، تهمت می زنند ، کاری می کنند که در ادارات کار کم بشود که در مثلاً صنعت نفت کم کاری بشود یا بیکاری باشد ، انفجار ایجاد می کنند . از این مسائل که روی هم وقتی که بگذاریم یک دست دارد کار می کند و آن دستی است که می خواهد نگذارد جمهوری اسلامی به معنائی که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است تحقق پیدا بکند ، برای اینکه با تحقق او همه آمال دشمن های ما از بین خواهد رفت . امروز ما گرفتار این مرحله هستیم که باید این بچه کوچولو را بزرگش کنیم ، اینکه الان تقریباً یکساله است و باز راه نیفتاده مثل یک بچه یکساله می ماند که راه نیفتاده ، باید ما دستش را بگیریم راهش ببریم ، باید همه قشرهای ملت متوجه باشند که اینها می خواهند نگذارند این بچه بزرگ بشود از این بچه صدمه دیدند و اگر بزرگ شد صدمات زیادتر است ، می خواهند نگذارند این بشود وارد می کنند ، هر جا هر کس بتواند هر قشری را بتواند مقابل دیگری قرار می دهند ، روزنامه ها ، مجلات ، رادیو ، چه ، چه ، هر وقت آدم می بیند یک دسته ای ، به دسته دیگر حمله کردند ، اصحاب قلم به هم حمله کنند ، اصحاب بیان به هم حمله می کنند ، این در آنجائیی که با قلم ها این مقصد را می خواهند پیش ببرند . هر اداره ای که بروی ، در هر جایی که بروی ، هر جا و حساستر بیشتر ، هر منطقه ای که حساستر

است آن منطقه آنها پیش می روند ، تا این منطقه یک صدائی در می آید از همه جا جمع می شوند آنجا ، آذربایجان یک صدائی در می آید می بینید که از شمال حمله می کنند ، می زنند با آذربایجان دنبال اینکه این صدا را بزرگش کنند ، در شمال یک صدا دربیاید ، از جنوب حمله می کنند به آن طرف تا اینکه اینجا دامن بزنند . در مرکز نفت یک صحبت می شود ، اینها جمع می شوند آنجا نبود ، اینکه برای کارکنان نفت در یک وقتی به ما گفتند نفی چقدر می دهند که کار نکنند ، که اعتصاب کنند . این پول از کجا بود که می آوردند می دادند که کار نکنید ، برای چه مقصدی اینها می خواستند که مملکت ما سروسامان نداشته باشد و به این شریان حیات کشور صدمه می زدند ، پول هم خرج می کردند که کار نکنید .

هر جا بتوانند با ارباب ، با تطمیع ، با خراج کردن پول در دستشان فراوان از غرب و شرق می آید . همه هم نقشه همین است که این دو حیثیتی که با آن دو حیثیت پیش برده است ، این نهضت این را از دستش بگیرند ، وحدت کلمه را از دستش بگیرند ، اسلام را هم از دستش بگیرند ، خلع سلاحش کنند والا شما سلاحی نداشتید همه سلاح ها پیش دشمن شما بود پیش شما چیزی نبود ، سلاح شما ایمان بود به خدا ، اسلام بود و وحدت کلمه ، شما را می خواهند وحدت کلمه را هم از دست تان بگیرند ، اسلام را دیرتر می توانند بگیرند برای اینکه خوب مردم مسلمانند ، نمی آیند بگویند مسلمان نباشید ، با جورهای دیگر جمهوری نگذارند اسلامی باشد ، الان هم برای همین معنا فعالیت می شود ، بیشتر شده است الان هم می شود ، اختلافات هم که خودتان می بینید که هر جا بروید قشری هستند که وسوسه می کنند بین مردم ، به این عقده های مردم نفخ می کنند ، این عقده ها را دامن به آن می زنند .

با رعایت نظم و دوری از منفعت طلبی نهضت را حفظ کنید

خوب یک ملتی که پنجاه سال در اختناق بوده ، در حبس بوده ، این ملت حالا از آن حبس ، یک عقده ها پیدا کرده ، اینها این عقده ها را دامن به آن می زنند که برخلاف مسیر راهش بروند ، آنهایی که صاحب عقده اند خیال می کنند اینها اهل خیرند ، می خواهند برای اینها یک ، یک کار خیری بکنند ، آنهایی که اهل نقشه اند می فهمند دارند چه می کنند ، می فهمند که اینها را برخلاف آن مسیری که ملت دارد می برد . تکلیف ما در این ، امروز چیست ؟ تکلیف ما اینست که این رمز را محکم نگه داریم ، الان به فکر اینکه یک نابسامانی هست در اداره و در کذا و در کذا ، این نابسامانی از آن ناحیه است آن ناحیه را تقویت بکنید ، همه شکایات را امروز باید کنار گذاشت ، همه چیزهایی که برای ما ناراحت کننده است و فرعی است کنار گذاشت و این امر اصلی که الان ما مبتلا به آن هستیم ، یعنی خواهند اصل نهضت را از بین ببرند .

این مرحله اول که عبارت از اینست که این نهضتی که با او ما پیروز شدیم باید مثل یک بچه ای روز به روز جلویش ببریم و تربیتش کنیم و بزرگش کنیم ، آن را می خواهند از دست ما بگیرند ، اگر خدای نخواست این معنا از دست ما گرفته شد ، اساس را از دست دادیم ، دیگر همه دیوارها فرو می ریزد ، ما اگر چنانچه این انقلاب ، در این انقلاب با همانطوری که جلو آمدیم پیش نرویم و پوسیدگی ،

کرم خوردگی در این پیدا بشود، مثل یک خریزه ای که ظاهرش چه است، آب... هم به آن می دهند همه چیزها ولی وقتی که می بینند، در باطن کرم زده است.

اینها می خواهند ما را کرم زده کنند و به دنیا ارائه کنند که اینها یک خریزه کرم هستند اینها به درد نمی خورند. به دنیا ارائه کنند که اینها رشد سیاسی ندارند، ایران یک مملکتی هست که هرج و مرج است، طبقه پائین به بالا اصلا اعتنا ندارد، سرباز به درجه دار اعتنا ندارد، یک چنین کشوری است که قوای انتظامیش انسجامش را از دست داده، یک چنین کشوری است که اداراتش کار نمی کنند، کم کاری می کند، یک چنین مملکتی است که همه به جان هم افتادند، وقتی که مملکتی همه به جان هم بیفتند، هر قشری بخواهد دیگری را بکوبد، هر طایفه ای برای خودش بکشد و دیگری را از بین ببرد، یک چنین مملکتی در خارج منعکس می شود که اینطوری قابل نیست، باید کاری کرد که با دلسوزی هم بیایند جلو، باید این نظم ایجاد بشود.

بیدار کنید مردم را، به مردم بفهمانید، مسأله بگوئید، خواهرها به خواهرها بگویند، به برادرها بگویند، برادرها به خواهرها بگویند، به برادرها بگویند، مسأله اینست، امروز مصیبت ما این است، امروز که خواهند این مملکت را معرفی کنند به اینکه اینها قابل اینکه آزاد باشند، قابلیت ندارند. من این را قبلا هم گفته بودم، آقای کارتر در پاریس که ما بودیم و آن اواخری که در ایران دیگر خیلی پیشرفت کردند در خیلی از فرمایشاتشان فرمودند که اینها بهشان زیادی آزادی دادند. این یک موزیانه بود که می خواست بگوید که اینها قابل این نیستند که آزاد بشوند، اینها باید اختناق برایشان باشد، حق می داد به شاه که باید شاه اینها را مهار کند، اگر این مهار را به هم بریزد، این حرفی بود که آنوقت می زد، همین تعقیب می شود عملا تعقیب می شود، همین معنا را می خواهند در دنیا منعکس کنند که یک کشوری هست که اساسی ندارد، قانون ندارد این کشور، هر کس به هر کس تعدی کند یک دادگاهی نیست جلویش را بگیرد، سرباز از بالاتر، از درجه دار، درجه دار از افسر، افسر از بالاتر اطاعت نمی کند، هرج و مرج است، مردم از دولتش اطاعت نمی کنند، ادارات از رئیس اداره شان اطاعت کنند، یک مملکت اینطوری قیم می خواهد، خودشان نمی توانند اداره کنند خودشان را، این برنامه ای است که برای ما به حسب احتمال و شواهد ریخته شده است و ما از آن غافل هستیم.

آنهایی که می آیند در هر جا ناراحتی ها را به گوش ما می خوانند اینها غافلند از اینکه الان ما این ناراحتی بزرگ را باید علاج کنیم و... هم می خواهد، خوب جز این است که بفهماند به دنیا به اینکه اینها قابل نیستند که آزاد باشند؟ من یادم هست در آنوقتی که محمدرضا اینجا بود و این گیرودارها و جنگ و نزاع ها بود که کارتر در یکی از حرف هایش آنوقت ما در پاریس بودیم گفت به اینها آزادی زیاد دادند. اگر طبیب بالای سرش بیاید و برود سراغ اینکه دستش یک قدری زبر است این را علاج کنیم، این طبیب، این رابه کشتن می دهد، این باید سرطان را علاج کند. یک مملکتی که الان غده های سرطانی در آن هست ما باید فکر این باشیم که این غده سرطانی را بیرون بکشیم، اگر دنبال این برویم که حقوقمان چقدر است، در اداره درجه ما چیست، در... نمی دانم... ارتش در چه

درجه ای واقع هستیم و هکذا و مثل آن طبیعی است که سرطان را بر نداشته و این زبری دست را دارد معالجه می کند، آن سرطان کار خودش را می کند، دیگر نه دستی می ماند و نه زبری دست.

این سرطانی که الان در ایران ما هست و آن غده ای است که ولده (1) این غده بزرگ هاست و برای آن غده بزرگ اینها کار می کنند. اگر طیب ها، یعنی همه مردم که می خواهند مملکت شان یعنی یک مملکتی باشد اگر دنبال این باشند این غده را از بین ببرند، دنبال این باشند که این زبری دست را، من خانه ندارم، من خانه ام کوچک است، من در اداره حقوقم کم است، من درجه ام کم است، اگر ما مشغول این مسائل بشویم، فلان آدم مثلاً چه شده است حالا باید شکستش داد، فلان آدم احتمال می رود چه بشود، نگذاریم بشود، از این مسائل که همه بر می گردد به منافع شخصی، اگر ما برویم دنبال آنها و از این غده سرطانی که ما مبتلا به آن هستیم و نشستند در خارج کشور ما و چشم دوختند به اینجا و عمالشان در داخل کار می کنند، خودشان در خارج کار می کنند، اگر چنانچه ما دنبال آن نرویم و برگردیم به این کارهای جزئی که مربوط به خودمان است خدای نخواستہ مثل همان مریضی که به سرطان مبتلا شد و سرطان او را کشت و دیگر دستی باقی نماند تا زبری دست بماند، کشوری باقی نمی ماند تا ناراحتی هائی باقی بماند.

امروز روز اینست که همه با هم بدون اینکه فرصت بدهیم کوشش کنیم، این اختلافات را از بین ببریم، هر روز تحصن یک امری است هر که یک ناراحتی پیدا می کند تحصن می کند، یک عده را او می دارد به تحصن، این به نفع کی تمام می شود، این تحصن، این تحصن های یکی دنبال دیگری به نفع کی تمام می شود، یک دسته بیکار می شوند یا اداره شان را زمین می گذارند و تحصن می کنند، یا زراعتشان را زمین می گذارند، و تحصن می کنند، این به نفع ملت هست یا به نفع آنهایی است که خواهند با این تحصن های بعد از تحصن و ایجاد اختلاف ها برگردد حال کشور ما، برگردد به یک حالی که اگر از سابق بدتر نشود لاقلاً مثل او بشود، همه چیز ما را ببرند. اینجا باید همه عقلاً، همه نویسندگان ما مال این مملکتند در این مملکت تربیت شدند، این آب و خاک آنهاست، این مملکت حق دارد به نویسندگان، این مملکت حق دارد به روشنفکران، این مملکت حق دارد به گویندگان، این مملکت حق دارد به روحانیین، این مملکت حق دارد به دانشگاهی ها، این مملکت حق دارد، این مملکت شما است، این مملکت همه است، به شما حق دارد، به ایشان، به خواهرها حق دارد، برادرها حق دارد. این مملکتی که الان حق دارد به ما، آن اسلامی که حق بر همه دارد، حق به بالاترها دارد، اگر اینها در معرض این باشند که خدای نخواستہ سقوط پیدا بکند این نهضت، این حق به عهده ماست که ما باید نگذاریم، باید نجات بدهیم اینها را.

دست بردارید از این اختلافات جزئی که همه اش بر می گردد به نفسانیت خود آدم. به هر اسمی

ص: 114

1- وُلِدْ: هر چیزی که شیء آنرا زاده است. هم برای مذکر و هم مؤنث به کار می رود و جمع آن وِلْدَه است و اولاد و حضرت امام ولده را بکار برده اند.

یک اعتصاب می شود، به هر اسمی یک اجتماع می شود، به هر اسمی یک راهپیمائی می شود، امروز همه اعتصاب ها، همه راهپیمائی ها، همه اینها برخلاف مسیر ملت ما هست. مگر آنکه فریاد بزند کارتر کذا آنها جبهه را حفظ می کنند باید آن جبهه را حفظ کرد و این تنور را نگذاشت که خاموش بشود این نور الهی نگذاشت منظمس (1) بشود.

این تکلیفی است برای همه ما، تکلیفی است برای شما، برای من، برای همه قشرها. جوان ها بازی نخورند از این بازیگران که می خواهند نگذارند این ملت سروسامانی پیدا بکنند. انشاءالله خداوند همه ما را بیدار کند و به همه شما سعادت بدهد و شما برادرها و خواهرها که تشریف آوردید اینجا از شما تشکر می کنم من خدمتگزار همه تان هستم و دعاگو.

ص: 115

1- ناپدید شونده، غروب کننده.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای مؤسسه اسلامی مبارزه با اعتیاد

وظیفه شرعی و الهی است که کاری کنید، وابسته به غیر نباشید

بسم الله الرحمن الرحيم

کشوری که تمام جهات و حیثیت خود را از دست داده است، ملت آن کشور برای جبران آنچه که از دست داده باید همه با هم اقدام بکنند. دولت یا قشر واحدی نمی تواند کاری صورت بدهد، این مرحله ای است که همه باید متحد بشوند و مسائل هم زیاد است و بسیاری از آن اساسی است. مسأله فرهنگ یکی از آن مسائل مهمی است که ایران به آن مبتلا بوده است، چرا که فرهنگ ایران را یک فرهنگ استعماری کردند و مغزهای جوانان ما را به طرف غرب سوق داده بودند. دانشگاه ها و دانشجویان و صاحبان افکار صحیح، نویسنده ها و روشنفکران ایرانی نه غربی، نویسندگان اسلامی نه غربی باید در یک مدت طولانی تصفیه شوند. جوان ها را باید اصلاح کنیم. تعلیمات ما باید تعلیمات غیر استعماری، و استقلالی باشد. این در یک مرحله طولانی است. مسأله اقتصاد هم همین طور یک مسأله مهمی است. وابستگی اقتصادی مسأله ای است که وابستگی های بسیاری را به دنبال می آورد، باید کاری بکنیم که زائد بر خودکفا باشیم. کشور ما یک کشوری است که می تواند بیش از احتیاج خودش تولید داشته باشد و صادر کند، مع الوصف به اسم اصلاحات ارضی ما را به عقب رانند. شما اینطور که گزارش دادید کار ارجمندی کردید. امید است که شما منطقه خود را که منطقه قم است خود کفا کنید، بلکه انشاءالله بعدها صادرات هم داشته باشید. لکن مسأله، مسأله قم یا تهران و یا مسأله یک استان نیست، مسأله همه ایران است. تمام ایران باید همین وضعی را که شما پیدا کردید و اجتماع نمودید و برنامه ریختید و روی برنامه ها به نحو صحیح و سالم بدون اینکه تعدی به کسی بشود، بدون اینکه یک خلاف اسلامی در بین باشد کار کردید و انشاءالله بهره گیری هم می کنید، امید است در همه جا این مطلب محقق گردد. دو اصل را باید تمام قشرهای ملت مراعات کنند، یکی ادراک اینکه ما اگر اقتصاد خود را تابع خارج نمائیم ممکن است روزی خارجی ها نخواهند به ما چیزی بدهند، وقتی که درها را بستند ما باید تسلیم آنها بشویم تا هر چه می گویند عمل کنیم و این شایسته یک مملکت اسلامی و جمهوری اسلامی نیست که پیوسته در اقتصادش، در گندمش، در جو و در برنجش وابسته به غیر باشد. باید با همت کشاورزان و قشرهای مختلف و با هیات دولت به کشاورزان کمک بکنند و اینکه همه یک وظیفه را احساس بکنند تا مشکلات حل شود. گاهی انسان می خواهد برای منافعش یک

کاری بکنند گندم زیاد شود که منفعت ببرد، این یک مسأله ای است که در اختیار خودش می باشد اگر نخواست هم نمی برد. الان کشور شما در یک حالی است که وظیفه شرعی و الهی است که کاری بکنید تا وابسته به غیر نباشید.

الان اینها ما را تهدید به حصر اقتصادی کرده اند و بسیاری از دولت ها هم موافقت نمودند ولی ملت ها موافق نیستند، در عین حالی که به نظر من این هیاهوها هیچ واقعیتی ندارد لکن ما اگر یک احتمال ضعیفی هم بدهیم باید مجهز شویم. شما در حال جنگید، در حال جنگ اقتصادی و این خود یک محاربه ای بین اسلام و کفر است. برای کشاورزان و برای کسانی که می توانند کمک به کشاورزها بکنند، تکلیف است که کشاورزی امسال جوری شود که انشاءالله خودکفا بشویم و در سال های بعد صادرات داشته باشیم. این تنها موعظه نیست، که مردم خوب است این کار را بکنند، نجات دادن یک کشور اسلامی از زیر، بار ظلم و از زیر بار استعمار است. نجات دادن مملکت اسلامی یک تکلیفی است که انسان موظف است انجام بدهد. اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم زن و مرد حرکت کنند. مسأله دفاع اینطور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا اختصاص به یک دسته ای داشته باشد، همه باید بروند و از مملکت خود دفاع بکنند. اگر ما در یک هجوم اقتصادی هم واقع شدیم که سبب گردید تا وابسته به کشور دیگری باشیم، این هم یک وظیفه شرعی را ایجاد می کند که ما باید خودمان را نجات بدهیم، یک طبقه نشینند تا یک طبقه دیگر کار کنند، رعیت ها کم کاری نکنند، آنهایی که در کارخانه ها کار می کنند کم کاری و سستی نکنند امروز ملت شما در حال جنگ اقتصادی است. زمان، زمان آرامی نیست که بگوئید خوب، ما زیاد منفعت نمی خواهیم ببریم. در اینجا دیگر اختیار به مردم نیست اختیاری است که در دست خداست و او امر کرده است که ما نباید تحت نظارت یک کشور و یا تحت بیرق کفر باشیم. این یکی از مسائل مهم اسلام است و باید کوشش کنیم و اقتصاد خود را اداره نمائیم. باید قیام کنیم و غافل نباشیم. باید همه قشرهای ملت، هر کس هر جوری که می تواند، تولید بکند. مثلاً باغداران، دامداران و کشاورزان می توانند تولید کنند و باید این کار را به خوبی انجام دهند. اشخاصی هم که توانند به کشاورزان و کارخانه ها کمک کنند باید این کار را بکنند. کارخانه های خصوصی در ایران زیاد بود و مع الاسف از بین رفته و دارد می رود.

امروز باید کار کشاورزی که عبادت و اطاعت امر خداست، تقویت گردد

باید جلوی نابودی آن گرفته شود. همه قیام کنند برای اینکه مملکت را از این وضع اقتصادی نجات بدهند. اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی دنبالش می آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می کنیم برای اینکه وقتی ما چیزی نداشتیم، دستمان به طرف آمریکا دراز می شود و امریکا همه چیز را به ما تحمیل می کند. ما وقتی می توانیم زیر بار او نرویم که قدرتمند باشیم.

خدا به ما زمین داده، آب هم داده، ولی زمین های موات زیاد و آب ها هم هرز می رود، رود کارون همین طوری هرز می رود و زمین های اطرافش هم همین طور موات مانده است. باید همه دست به دست هم بدهند و کار کنند. امروز باید کار کشاورزی که عبادت و اطاعت امر خداست تقویت گردد، هر کس هر جور می تواند باید تقویت بکند به طوری که انشاءالله ما از این گرفتاری خارج بشویم و امیدواریم از سایر گرفتاری ها هم خارج گردیم، هم گرفتاری فرهنگی و هم سیاسی خارج گردیم و من از آقایان که اینطور مشغول فعالیت شده اند تشکر می کنم.

نجات معتاد، نجات یک فرد نیست نجات اسلام است

باب دیگر، باب معتادین است. شما این را یک مسأله اتفاقی ندانید که من باب اتفاق یک دسته ای هروئین فروش شده اند و یک دسته ای هم مبتلا شده اند. این هم یک توطئه ای است که قدرت های بزرگ به این وسیله به ما ضربه می زنند. قشر جوان قشری است که می شود از آن همه جور استفاده ای را کرد. قشر جوان قشری است که می تواند اقتصاد ما را اداره کند. قشر جوان می تواند خود را در مقابل جهات فرهنگی، نظامی و سیاسی مجهز کند. پیرمردها مثل من کنار افتاده اند، آن که کار از او می آید همین قشر جوان است. این جوان در حالی که جوانی اش ارزشمند است افکارش آنقدر عمیق نیست که توطئه ها را تا آخر بتواند بخواند، خیال می کند که خوب، حالا دلمان خواهد که تریاک و یا هروئین بکشیم. این یک نقشه ای است که برای تو نیست، برای قم نیست، برای سرتاسر کشور است، برای فلج کردن جوان های ماست. یک آدم هروئینی نمی تواند در سیاست فکر کند، نمی تواند در اقتصاد عمل کند، اگر یک گرفتاری پیش بیاید بتواند در جنگ شرکت کند. یک آدمی که به مواد مخدر مبتلا شده است یک موجود مهملی به بار آمده که اگر همه عالم به هم بخورد او در آنجا نشسته چرت می زند یا مشغول عیاشی می باشد. این از نقشه های مختلفی است که برای جوان های ما ریخته اند. نجات معتاد نجات یک فرد نیست نجات اسلام است. پخش هروئین در سرتاسر کشور توسط اشخاص که یا نمی دانند چه می کنند یا دانسته می کنند، بر اساس توطئه ای است که می خواهند این قشر جوان را مهمل بار بیاورند تا نفتش را ببرند و او مشغول هروئینش باشد، شرافت ملی اش را ببرند، و او مشغول تریاکش باشد. باید اینها را معالجه کرد و همچنین نصیحتشان بکنند که آقا چرا خودت را مهمل می کنی، باید در بین مردم و در جناح خلافت واقع گردی. این جوان ها، جوان های ما بودند که فریاد زدند و مشتشان را گره کردند و الله اکبر گفتند. اگر فرض کنید که جوان های ما خدای نخواستہ مبتلا به هروئین بودند، می توانند این کار را بکنند؟ آدم وافوری می تواند بلند شود و در خیابان مشتش را گره کرده و جنگ کند؟ این یک باب است که باز چون برگشتش به حیثیت اسلام است جلوگیری از آن بر همه واجب است و برای اشخاصی که در این باب نیستند حرام است بروند و هروئینی گردند، چه هروئین و چه تریاک و چه مشروبات و امثال اینها، انسان را از آنچه هست ساقط

می کند، یعنی از یک آدمی که همه کاری می تواند بکند یک بیکاره می سازد، بیکاره ای که باید در کنار منقل بنشیند و چرت بزند.

و یک باب هم، باب این فسادهایی است که پیش آورده اند. این هم یک مسأله ای نیست که خیال شود از باب اتفاق حاصل شده. تمام این مراکزی که برای فحشا و خوشگذرانی درست کردند همین طوری درست نشده است. در مجلاتشان، در رسانه های گروهی چه سمعی و چه بصری تبلیغات کردند و کلا در خدمت اینها بودند، رادیو و تلویزیونشان مشغول بود که این جوان ها را از بازار، از بیابان که مشغول خدمت بودند، از ادارات به آن مراکز فساد بکشاند، از دانشگاهی یک موجود فاسد بسازند، از اداری یک موجود فاسد درست کنند. انسان وقتی چنددفعه در آن سینماها و در مراکز فحشا رفت به این امور عادت می کند. وقتی یک جوان چند بار به یک مرکز فساد رفت دیگر نمی تواند نرود. جوان های ما را که باید میدان های رزم را اداره کنند، به مراکز بزم بردند و جوانان هم خیال کردند که اینها فقط می خواهند که آنان عیش و عشرت کنند. مسأله این نبود مسأله این بود که شما را از آن قوه فعاله که خدا در شما ایجاد کرده است و در مغز و بدن شما به ودیعت گذارده است تهی کنند و یک موجود عیاش که غیر از اینکه بنشیند بخندد و مشروب بخورد، بسازند تا مبادا یک وقت در فکر این بیفتند که نفت را بگیرند. اینها همه نقشه است که ذخایر ما را ببرند. تنها نفت نیست، ایران ذخائر فراوانی دارد و آنها اطلاع دارند. چه کسی می تواند جلوگیری از غارت اینها کند. نسل جوان است که می تواند جلوی این فسادها و حمله ها را بگیرد. اینان خواهند نسل جوان را به مواد مخدر یا به آن عیش و نوش که آن هم مخدر است مبتلا کنند، اگر دنیا را آب ببرد این آدم را خواب می برد، این به دنبال آن مسائل است، چکار دارد که مملکتش را می برند، جهنم که می برند. مردم و جوانان را چنان بار می آوردند که منطقی اینچنین پیدا می کند که اگر هر کاری بشود می گوید به من چه مربوط است. جوانی که اگر در جایی صحبتی شد، به حیثیت کشور و ملتش، به حیثیت اسلامی او بر می خورد باید قیام کند و مبارزه کند، چنان او را می سازند که از پی این منقل نتواند و آن پیاله نتواند حرکت کند.

دشمنان ما بیدارند، شما هم بیدار شوید

آقا این نقشه است، قضیه عادی نیست که ما خیال کنیم که خوب جوانند و اقتضای جوانی این است. الان مادر جنگ هستیم، در جنگ سیاسی و اقتصادی هستیم، محتمل است جنگ نظامی هم پیش بیاید، جوان های ما باید برای خاطر اسلام و برای خاطر ملت و کشور و حیثیت خودشان، برای نوامیس خودشان دست از آن مراکز بکشند و در مراکز صحیح تربیتی قرار گیرند.

خداوند انشاءالله همه را توفیق بدهد. و من از این افرادی که عکس هایشان را نشان دادید وحشت کردم. من چند ورق را می بینم که تمامی آن پر از عکس هائی است که اینها یا گرفتار هستند یا از بهبود یافتگان هستند. چرا ما اینقدر باید صدمه دیده و معتاد داشته باشیم؟ چرا باید اینقدر اینها غفلت داشته باشند و مبتلا بشوند؟ امیدواریم که همه ایران متوجه این معنا باشند که مسأله نقشه و توطئه

است نه اینکه یک مسأله عادی باشد ، توطئه است تا این جوان های ما را به بهانه اینکه خواهیم برای شما مثلا مراکز عیش ونوش درست کنیم ، از همه چیز ساقط کنند . قم بحمدالله در هر امری پیشقدم است هم کشاورزی را تقویت می کند و آنطور که شما گفتید انشاءالله در همه ایران اینچنین شود و در سایر جاها نیز مشغول گردند و جوان هایشان را نجات بدهند . خود جوان ها نیز توجه داشته باشند که قضیه استعمار است و آلت دست استعمار نشوید و آلت دست دشمنان ما نشوید . دشمنان ما بیدارند شما هم بیدار بشوید . خداوند انشاءالله همه شما را تقویت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 120

پیام امام خمینی در مورد بسیج عمومی برای مبارزه با بیسوادی

بسم الله الرحمن الرحيم

والقلم و ما یسطرون

ملت شریف ایران! شما می دانید که در رژیم گذشته آنچه بر ملت مبارز ایران سایه افکنده بود، علاوه بر دیکتاتوری و ظلم، تبلیغات بی محتوا و هیچ را همه چیز جلوه دادن بود. ملتی که در همه ابعاد از حوائج اولیه محروم بود و انمود می شد که در اوج ترقی است. از جمله حوائج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن بلکه مهمتر از آنهاست، آموزش برای همگان است. مع الاسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند چه رسد به آموزش عالی. مایه بس خجالت است در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید در برنامه دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده برای مبارزه با بیسوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا انشاءالله در آینده نزدیک هر کس نوشتن و خواندن ابتدائی را آموخته باشد. برای این امر، لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران با سواد برای یاد دادن پناخیزند و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات پناخیزد و از قرطاس بازی و تشریفات اداری پرهیزد. برادران و خواهران ایمانی! برای رفع این نقیصه دردآور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بن برکنید. تعلیم و تعلم عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، با سوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد بدهند و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی، اعضای بیسواد را تعلیم کنند و بیسوادان از این امر سربچی نکنند. من از ملت عزیز امید دارم که با همت والای خود، بدون فوت وقت ایران را به صورت مدرسه ای درآورند و در هر شب و روز و در اوقات بیکاری یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند.

پناخیزید که خداوند متعال با شماست، از خدای تعالی سعادت و سلامت و رفاه ملت شریف را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

مصاحبه پروسفور الگار امریکائی با امام خمینی

پروسفور الگار: عرض شود بنده درست یک سال پیش در پاریس به حضور حضرتعالی مشرف شدم و در آن موقع بنده را به زیارت ایران تشویق فرمودید، در آن موقع فرموده بودید که ایرانی که در اثر این انقلاب شکوهمند اسلامی بوجود آمده بود، با آن ایرانی که سالها قبل با آن آشنائی داشتم، بکلی فرق دارد و حالا بالاخره بنابر تشویق حضرتعالی به ایران آمدم و خود دیدم که ایران کاملاً جدید و نوینی بوجود آمده در اثر این انقلاب مبارک اسلامی. چون همانطوری که می دانید واقعیت انقلاب اسلامی ایران از طرف خبرگزاری های مغرض مورد تحریف می شود، در حال حاضر مشغول تألیف کتابی هستم که هدف آن معرفی صحیح انقلاب اسلامی ایران باشد و نتیجتاً معرفی خود اسلام واقعی و در این خصوص چند تا سؤال داشتم که خواستم از حضرتعالی بکنم. اول اینکه برای همه روشن است که روحانیت مبارز به رهبری حضرتعالی نقش مهمی در این انقلاب داشته است و این نقش روحانیت مبارز به رهبری حضرتعالی نقش مهمی در این انقلاب داشته است و این نقش روحانیت در رهبری ملت مسلمان ایران شاید بنابر استقلال روحانیت باشد در مقابل دولت، می بینم که در دوره های مختلف، روحانیت استقلال تا می داشته و جدا بود بکلی از دولت، حالا می بینیم در اثر انقلاب، دولتی اسلامی بوجود آمده در ایران، آیا روحانیت کماکان نهاد مستقلی خواهد بود؟ یا اینکه نوعی ادغام بین روحانیت و دولت انجام خواهد گرفت، نظر به اینکه بعضی از شخصیت های روحانی از همین حالا وظائف اجرایی به عهده گرفته اند؟

امام: بسم الله الرحمن الرحيم

شما می دانید که در رژیم سابق و رژیم هائی که در طول تاریخ رژیم سلطنتی بوده یا در اقلیم های دیگر رژیم غیر الهی، غیر توحیدی بوده، اصل رژیم و قوانینی که در آن رژیم ها بوده است و مقاصدی که در آن رژیم ها، چه رژیم سلطنتی و چه رژیم های به طرزهای دیگر، قوانین، قوانین بشری و با دماغ بشر تاسیس شده است و رژیم ها هم رژیم های همان فرم قوانین شان بوده است و مقاصد هم اکثراً سلطه بر مردم بوده و گاهی هم پیدا می شده است که روی قوانین عمل می کردند، مقاصدشان اجرای قوانینی که حدودش عبارت از نظم جامعه و آزادی دادن به مردم و امثال اینها.

اما آن رژیمی که توحیدی بوده است و رژیم تابع قوانین الهی بوده است که آن که ما می توانیم

ارائه بدهیم، اسلام است. شاید در قبل از اسلام یک چنین رژیمی که رژیم دولتی باشد و قوانین الهی باشد، یا کم بوده است یا نبوده است. کم بوده است رژیم هائی که رژیم توحیدی باشد، غیر از قانون الهی که از مغز بشر نیست، از اراده خداست، غیر از او اصل حکمفرما نبوده است، در اسلام که خوب، ما نزدیک به صدر اسلام هستیم نسبت به انبیا سلف، حکومت بوده است یک حکومت گاهی محدود و ضعیف و گاهی خیلی توسعه دار، لکن تا آنجا که اسلامی بوده است حکومت ها و باز به اغراض دیگری مخلوط نشده است، آن که حکومت می کرده است، قانون بوده است یعنی الله، غیر خدا کسی حکومت نداشت اصلاً، اینها انبیا و همین طور آنهایی که خلفاً انبیا بوده اند، هیچ ابداً از خودشان یک مطلبی، یک جریاناتی نبوده است، آنها دنبال این بودند که قانون را اجرا کنند، البته در بعضی از اموری که، امور جزئی بوده است، خوب، حاکم دخالت داشته است اما در اصول و در آن چیزهایی که باید در کشوری اجرا بشود، تابع قانون الهی بودند. اصلاً رسول خدا صلی الله علیه و آله که در راس همه است، هیچ وقت یک مطلبی، یک حکمی، یک قانونی نداشته است در مقابل قانون خدا، مجری قانون خدا بوده است.

و تفاوت بزرگی که بین همه رژیم های دنیا به هر قسمی که می خواهد باشد، تمام رژیم های بشری با هر فرمی که می خواهد باشد و آن رژیمی که الهی است و تابع قوانین الهی است، تفاوت بزرگ این است که تمام رژیم های آنی که دیگر عدل و داد و خویست فقط در حدود طبیعت است. شما شاید در هیچ رژیمی پیدا نکنید که حکومت دنبال این باشد که تهنید نفس مردم را بکند، کاری به آن نداشتند، حکومت دنبال این بوده است که بی نظمی نشود، یک کسی در خانه خودش هر کاری بکند تعرضی به آن ندارد، بیرون نیاید توی خیابان عربده بکشد و نظم را بهم نزند، تو خانه خودش هر کاری می خواهد بکند آزاد هست، فقط حکومت های الهی است که برای اصل مقصد، این بوده است که انسان را آنطور که باید باشد درست کند. انسان اولش یک حیوانست، بدتر از حیوانات، اگر سر خود باشد انسان، همین طور بار بیاید، هیچ حیوانی مثل انسان نیست در اینکه در شهوت، در درندگی، در شیطنت، حیوانات دیگر محدود از حدود شیطنت شان محدود است، حدود شهواتشان محدود است، حدود آن سبعیت شان. انسان چون یک موجودیست که به حسب خلقت از همه موجودات بالاتر هست در طرف آن طرف، شهوت و غضب و طرف شیطنت و اینها می تواند تا تقریباً لامتناهی برود، حد ندارد. شما می بینید که اگر چنانچه انسان یک فرض کنید که خانه ای پیدا بکند، دنبال این است که یکی دیگر هم پیدا کند، اگر یک کشوری هم پیدا بکند دنبال این است که یکی دیگر هم پیدا بکند، اگر همه دنیا هم تحت سیطره اش باشد به فکر این است که در کره قمر هم شاید باشد، برود آنجا، در مریخ هم باشد، برود آنجا. محدود نیست، نه شهواتش محدود است که با یک حد خاصی بسازد، یکی، دو تا، ده تا، صدتا، و نه

طمعش محدود است که به یک کشور، دو کشور، ده کشور اکتفا کند، انبیا آمدند محدودش کنند یعنی مهارش کنند، این حیوان افسار گسیخته که به هیچ حدی از حدود محدود نیست، اگر آزاد بگذارند و این را تربیتش نکنند افسار گسیخته است، به طوری که همه چیز را برای خودش می خواهد و همه کس را فدای خودش می خواهد، انبیا آمدند که این افسار گسیخته را مهارش کنند و بیاورند تحت ضوابط و بعد از اینکه آن مهار شد، راه نشانش بدهند برای اینکه تربیت بشود، یک تربیتی که برسد به آن کمالاتی که تا آخر برای او سعادت است.

نه اینکه مطرح دنیاست فقط این طبیعت است! پیش انبیا این دنیا وسیله است، یک راهی هست، راه هست برای رسیدن به یک مقصد عالی دیگر که خود انسان نمی تواند و آنها می دانند، آنها مطلعند به اینکه منتهی به چه می شود اگر افسار گسیخته باشد و منتهی به چه می شود اگر مهار باشد، از یک راهی که راه هست برای رسیدن به آن درجات عالی انسانیت، آنها همه اموری که در نظر این حکومت ها مقصد است، در نظر انبیا راه است، تمام دنیا در نظر انبیا خودش یک مقصود نیست، خودش یک محراب و مقصد نیست، خودش یک راه است که از این راه باید برسند به مرتبه ای که آن مرتبه، مرتبه عالی انسانی است که اگر یک موجودی، یک انسانی این مرتبه عالی انسانی را به آن رسید، این سعادت دارد و سعادتش محصور به این عالم نیست، در همین عالم هم سعادت دارد اما محصور نیست، مقصود یک عالم ماورای این عالم هست، آنها ماوراً را دیدند، یک عالم غیبی که بر ما الان مجهول است، آنها دیدند و آمدند که این اشخاص که اگر رهانشان کنند افسار گسیخته اند و هر کاری که می خواهند می کنند آنها را، هم قوه غضبیه شان را، هم قوای شهوانی شان را و هم قوای شیطنت شان را که همه را دارد، اینها را اول مهار کند و بعد از مهار، یک راهی که باید بروند و این قوا مخالف با او هستند آن را بروند، راه می برند برای رسیدن به آن مقصد اعلیٰ آن کار انبیا است، مع الاسف این کاری که انبیا خواستند می کنند و همیشه هم دنبالش بودند، کم موفق می شدند، موانع زیاد بود برای اینکه انسان به حسب طبع خودش مایل به شهوات و شهوت، غضب و شیطنت و این مسائل است و آنهایی که می خواهند مخالفت با این بکنند، این را مهارش کنند، مبتلای به یک مخالفت هائی، مبتلای به یک موانعی می شوند که موفق نمی شوند به آن. کم موفق شدند، لکن معذک هر چه که سلامت در دنیا هست و برکت هست، باز از همین کوشش انبیا است که کوشش کردند تا آن حدودی توانستند، تا آن حدودی که شعاع تعلیماتشان رسیده است، تا آن حدودی توانستند تا یک حدودی محدود کنند، مطلقاً مشکل بوده است و کم رسیدند، لکن باز هر چه خوبی هست از آنهاست که اگر انبیا را از روی بشر منها کنند، اسقاط کنند، آنوقت خواهید دید چه خبر است، دنیا چه خواهد شد. این انبیا بودند که مردم را محدود کردند و تا یک حدودی موفق شدند و تا یک حدود این برکت و خیری که در عالم هست از برکت آنهاست.

اسلام که همه جهات، همه بعدهاهای انسان را در نظر گرفته است و برای همه بعدهاها طرح دارد، قانون دارد، منحصر به غیب تنها نیست، منحصر به شهادت تنها نیست، همانطوری که خود انسان منحصر به یک بعد خاصی نیست، اسلام هم آمده است این انسان را درستش کند و بسازد و همه بعدهایش را، نه یک بعد فقط، نه همان بعد روحانی تنها، که غفلت کند از این جهات طبیعت و نه فقط بعد طبیعت که اکتفاً به این کند از او، این وسیله است این مقصد، لکن این وسیله را مأمور بودند که اصلاح کنند تا وسیله بتواند باشد، اسلام مع الاسف بعد از صدر اول یک مدت کمی، دیدید در تاریخ که بنی امیه با اسلام چه کردند و بنی العباس و بعد هم که اسلام توسعه پیدا کرد و افتاد به دست ایرانی ها و سلاطین با اسلام چه کردند؟ اصلاً مسخ کردند، یک چیز دیگرش کردند، بنی امیه اسلام را می رفت تا اینکه بکلی متبدل کنند مقصد اسلام را، که مقصد، که یک مقصد الهی معنوی داشت متبدلش کنند به یک حکومت، آنهم حکومت عربی که اصلاً مقصدش عربیت باشد و در مقابل سایر ملل، درست مقابل مقصد اسلام که ملیت ها را می خواست کنار بگذارد و همه بشر ملت واحده باشند و برای یک رژیم، برای یک طایفه ای، دین طایفه ای برای یک رنگی با رنگ دیگر فرقی نباشد، بنی امیه آمدند، همان عربیت را گرفتند که اگر آنها موفق شده بودند اسلام را متبدل کردند، به یک معنائی که همه اش دنبال این باشد که آن عربیت جاهلیت زنده بشود. آنها می خواستند که این عربیت جاهلیت زنده بشود، حالا هم گاهی وقت ها در بعضی از این نقاطی که هستند عرب ها، بعضی از سرانشان همین معنا را ادعا می کنند که ما می خواهیم آن عربیت اموی یعنی آن عربیت جاهلیت، عربیت اموی می خواهند زنده بشود. و نگذاشتند اسلام آنطوری که هست ادراک بشود و بشر بفهمد که این در حکومت چه وضعی دارد و در عین حالی که حکومت و اینها در نظر او یک مرتبه پائین است و مرتبه بالا- غیر از این مسائل است، حتی این رژیم طبیعی اش را نگذاشتند که معلوم بشود و در طول تاریخ تقریباً اسلام به دست های مختلف، به تبلیغات مختلف، اسلام باید گفت مجهول بود برای مردم.

ما در این طول پنجاه سال که تمامش را من شاهد بودم، شاید شما سنتان اقتضاً نکنند، اما من تمام این پنجاه سال را از زمانی که رضاخان آمد اینجا و کودتای آن زمان را کرد _ 99 ظاهراً _ تا حالا ما شاهد این حکومت و طرز این حکومت و وضع اینها بودیم، رضاخان که آمد، این با دست انگلیس ها آمد که بعد انگلیس ها هم خودشان اقرار کردند این را که ما این را آوردیم، در رادیو دهلی، در جنگ عمومی و چون از ما تخلف کرد حالا داریم می بریمش، بردندش آنجا که باید ببرند، ابتدا هم که آمد با حربه اسلام آمد، حربه اسلام را بر ضد اسلام، شروع کرد به کارهایی که مسلمان ها از آنها خوششان آمد، خوب در ایران از باب اینکه قضیه سید الشهداء سلام الله علیه خیلی اهمیت دارد، این روی آن نقطه خیلی پافشاری می کرد، خودش روضه می گرفت و در تکایائی که روضه ها بودند پای برهنه می گفتند می رود آنجاها،

تکایا می رود و مردم را گول زد به همین حربه که مردم به آن توجه داشتند که این را می خواستند ، لکن او برضد مردم می خواست درست کند ، تا مدتی اینطور بود ، تا اینکه حکومتش مستقر شد . حکومتش که مستقر شد ، شروع کرد به آن چیزهایی که به او ، حالا یا تعلیم شده بود یا خودش مثلا می خواست ، تعلیم شده بود ، یک مقدارش هم از آتاتورک گرفت ، با حربه الحاد خودش پیش آمد و اول چیزی را که در نظر گرفت این بود که آثار اسلام را در ایران از بین ببرد ، آثار اسلام را چطور باید از بین ببرد یکی اینکه اینی که همه ملت به آن توجه دارند این را ببرد از دست ، از دستشان بگیرد ، این مجالسی که مجالس روضه سیدالشهدا بود که پیش ملت آنقدر اهمیت دارد و آنقدر مری هست و آنقدر تربیت کرده است مردم را ، این را دستشان بگیرد تمام روضه های ایران را قدغن کرد ، در هیچ جای ایران یک کسی نمی توانست یک روضه ای که چند نفر محدود حتی باشند نمی توانستند که یک چنین مجلسی درست کنند ، در همین قم که خوب مرکز روحانیت بود آن وقت و حالا ، در همین قم مجلس روضه نبود ، اگر بود بین طلوعین تمام باید بشود قبل از اذان صبح یک عده کمی ، چهارتا ، پنج تا ، ده تا ، می رفتند و یک صحبتی می کردند و یک ذکر مصیبتی می کردند و اول اذان یا یک قدری بعد از اذان باید متفرق بشوند ، آنها هم حتی مفتشینی که آنها داشتند و اشخاصی که دنبال اینها بودند جاسوس هاشان اطلاع می دادند این را هم تمام می کرد .

و از آن بالاتر که اساس را تقریبا بهم می زد ، این بود که روحانیت را از بین ببرد شروع کرد راجع به مخالفت با روحانیت و این که عمامه های روحانیون را بردارند و کسی حق ندارد عمامه داشته باشد ، حتی بعضی شان گفتند که در تمام ایران بیش از شش نفر نباید عمامه داشته باشند و این را هم دروغ می گفتند اصلا نمی خواستند باشد و عمده نظر این بود که روحانیت را دیده بودند آنهایی که احتمالا این را وادار به این امور کردند ، دیده بودند که در لااقل این صد سال را درست دیده بودند که هر وقت که بنا بود یک شکستی به ملت بیاید ، روحانیت جلوی یک شکستی به کشور بیاید روحانیت جلویش را می گرفت ، دیده بودند که در مثلا عراق که انگلیسی ها عراق را آن وقت تقریبا گرفته بودند ، آن روحانی بزرگ مرحوم آقا میرزا محمد تقی جلویش را گرفت و از ایشان گرفت عراق را ، استقلال عراق را او می گرفت از آنها ، و باز دیده بودند که قبل از او میرزای شیرازی با یک کلمه ایران را نجات داد از دست انگلیسی ها و مزاحم را می دیدند که همین روحانین هستند و اگر چنانچه بخواهند آن چیزهایی که آنها می خواهند که عبارت از مخازن شرف بود ، عبارت از معادن شرف بود ، اینها را آنها می خواستند و علاوه بر این شرف را بازار کنند برای خودشان ، از آن طرف مخازنشان را ببرند و از آن طرف با صورت دیگر بازار درست کنند و هر چه دارند به این بازار صرف کنند ، ما را به صورت یک مصرف در آورند . می دیدند که روحانیت اگر زنده باشد و چشمش را باز کند و بگذارند به حیات خودش ادامه

بدهد این مزاحم است، از این جهت روحانیت را با تمام قوا کوبیدند، به طوری که این حوزه علمیه ای که آن وقت البته هزار و چند صدتا محصل داشت، رسید به یک چهار صد نفر، آنهم چهارصد نفری که تو سری خورده، چهار صد نفری که هیچ نتواند یک کلمه صحبت کند یک کلمه، تمام منابر را در سرتاسر ایران، تمام خطباً سرتاسر ایران زبانشان را بستند و تمام علماً را در سرتاسر ایران زبانشان را بستند، معذک خوب، در زمان رضاشاه هم یکی دو سه دفعه قیام کردند علماً معذک چون قیامی بود که ملت از بس ترسیده بود از او همراهی توانست بکند شکسته می شد، از آذربایجان قیام کردند، از خراسان قیام می کردند، از همه ایران، یک وقت در قم جمع شدند و نهضت کردند لکن شکسته می شد این برای این بود که آنها می دیدند اگر بخواهند همه چیز ما را ببرند و صدا در نیاید باید اینها را از بین ببرند، تا اینکه ملت نتواند دیگر یک جانی باشد که به آن، او را رهبری کنند و متمرکز بشود قوا در آنجا، این مقصد اینها بود. روحانیت در همه این موارد و قبل از او مدافع اسلام و مدافع قوانین اسلام بوده است لکن به حسب موارد البته، گاهی پیش می بردند، مثل قضیه میرزای شیرازی که همه ایران هم تبعیت کردند و گاهی هم شکست می خوردند، غالباً شکست می خوردند.

این آخر که محمدرضا شروع کرد، شیطنت هائی کردند اینهم با حربه اسلام، اینهم شروع کرد، ابتداءه همان حرف های کارهای پدرش کردن، قرآن مثلاً طبع کرد، سالی هم یک دفعه، دو دفعه به مشهد می رفت و نمازی می خواند و از این مسائل می خواست مردم را گول بزند و گاهی هم یک دسته ای را گول می زد، کم کم دیگر خودش را محتاج به گول زدن نمی دید شروع کرد به اعمال قدرت کردن، از آن طرف مردم را از همه مواهب محروم کرد و شما می دانید که در ایران نفس نمی شد بکشی و تمام روزنامه ها و مجلات و قلم ها و رادیو و تلویزیون در خدمت او بودند به ضد ملت، همه اینها در خدمت او بود، مردم در اختناق و در حبس بودند و همه مخازن هم از دست مردم گرفته شد و هیاهو، به اینکه من مأمور خدمت به وطنم هستم و کتاب ماموریت برای وطنم را نوشت و آن همه هیاهو راجع به ترقیات ملت و ترقیات اینها، خوب مردم هم می دیدند که همه آن غلط است، همه جای ایران فقر است، همه جای ایران بیچارگی است، مردم خانه ندارد مردم هیچی ندارند، آنجائی که معدن نفت است، روی این معادن همان مردم آنجا نشسته اند و گرسنگی می خورند، سروپای برهنه راه می روند، گاهی من از آنجا که یکدفعه که عبور کردم از همان طرف اهواز اینها، از این دهات اطراف، از این راهی که ما می رفتیم و خط قطار عبور می کرد، از این اطراف، این بچه ها این سربرهنه ها، این پابرهنه ها هجوم می آوردند که یک چیز بگیرند از ما، آنجائی بود که مخزن نفتشان زیر پایشان بود و داشت می رفت جای دیگر، مخازن را دادند به غیر و عوضش برای آمریکا، می گویند این آخر دیگر آمریکا بود همه چیز، انگلستان در اینجا دیگر خیلی

نداشت چیز، آمریکا جلو بود، مخازن را دادند به خارج و آمریکا بود همه چیز، انگلستان در اینجا دیگر خیلی نداشت چیز، آمریکا جلو بود، مخازن را دادند به خارج و آمریکا چیزی که به ملت ما داد پایگاه هائی بود که برای خودش درست کرد، یعنی هم پول، هم نفت را گرفت، هم پولش را به صورت پایگاه درست کردن برای خودش داد، یک چنین ابتلائی برای ملت ما پیدا شد، از آن طرف قراردادهای سنگین که هیچ به نفع ملت نبود و ملت را تحت سیطره آنها قرار دادند، همین چیزها بود، این ملت به تنگ آمده است، مردم به تنگ آمدند، یک چنین حیاتی که یا باید تو حبس صرف بشود یا باید در تبعیدات از دستشان، حیاتشان ببرد، یا اگر بیرون هم هستند بیرونی نبود، همه آن حبس بود، مأمورین همیشه مراقب بودند که یکی یک کلمه صحبت نکند، اگر مثل شمائی می آمد در ایران امکان نداشت یک مصاحبه ای ولو چند کلمه ای راجع به این امور صحبتی بکنیم نه برای شما، نه برای هیچ کس.

مردم به تنگ آمدند، منتظر این بودند که یک صدائی بلند بشود، دنبالش بروند، در پانزده خرداد، جلوی پانزده خرداد، یک چنین صدائی در آمد، از قم شروع شد، از قم علمای قم شروع کردند به اینکه یک مخالفتی بکنند، مخالفت کردند و صحبت ها، چی ها شد تا اینکه منتهی شد به پانزده خرداد، پانزده خرداد یک قیام بسیار بزرگی شد، آنها هم یک کشتار بسیار بزرگی کردند من که در حبس بودم ولی وقتی که بیرون آمدم، بیرون را اطلاعی خیلی از آن نداشتم، هیچ اطلاعی نداشتم وقتی بیرون آمدم و بعدش هم یک مدتی در حصر بودم و در یک منزلی حبس بودم، منتها خوب فرق داشت به آن حبس آنجا، به من رساندند که پانزده هزار آدم را کشتند، حالا چقدر هم گرفتند، خدا می داند، نمی دانم. مردم به یک حالی درآمدند که دیگر برایشان زندگی یک چیزی نبود که خیلی دنبالش بودند، زندگی این بود که با اشرار باید زندگی کنند، زندگی با اشرار یک زندگی صحیحی نیست، زندگی که پدر فرزندش را می بیند گرفتار است، فرزند پدرش را می بیند گرفتار است، زن شوهرش را می بیند گرفتار هست و هکذا یک زندگی سختی برای مردم شده بود، دنبال این بودند که یک جرقه ای بلند بشود و تحریک کنند، پانزده خرداد آن جرقه ای که قبلش پیدا شد و پانزده خرداد را بوجود آورد و آنها پانزده خرداد را هم شکستند لکن ملت آنطور نشد که یک شکست تا آخر بخورد ملت در صدد نبودند، اینطور کم و زیاد می بود، تا حوادثی پیدا شد، که این حوادث از دو سال پیش از این تقریبا تا حالا یک حوادثی دنبال هم می پیدا شد، مردم هم مستعد بودند، از حکومت ناراضی، از زندگی به تنگ آمده بودند، و یک تحول روحی هم که خدا به آنها داد و آن این بود که در این آخر یک جور تحولی پیدا شده بود که حالا هم باز یک مقدارش هست و آن اینکه مثل همان کسانی که در صدر اسلام بودند، اینها آرزوی شهادت می کردند، الان هم شما وقتی که می بینید توی این جمعیت ها کفن پوشیدند که ما برای شهادت حاضریم، مادرهائی که بچه شان را از دست دادند یکی، دوتا را، می آیند پیش من می گویند که

شما دعا کنید، این یکی دوتا هم که داریم هم شهید بشوند. مکرر این جوان ها زن و مرد جوان از من می خواهند که من دعا کنم آنها هم شهید بشوند، این یک تحول روحی بود که به دست خدا و به اراده خدا حاصل شد برای ملت. و اجتماعی که در یک امر کردند، برای اینکه ناراضی همه بودند، این نکرده بود، یک قشری را راضی نگهدارد، فقط آن رده های بالای ارتش و قوای انتظامی، باقی را دیگر به هیچ نمی گرفتند، نه ادارات و نه ارتش، آن رده های پایین، نه مردم و نه بازار و نه مسجد و نه روحانیت و نه دانشگاه، هیچ یک را به حساب نمی آوردند اینها، چیزی نمی دانستند اینها را و بزرگتر خطای اینها همین بود که ملت را چیزی نمی دانستند، ملت همه با هم شدند برای اینکه همه ناراضی بودند، وقتی صدا درآمد که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، مخالفت کسی با آنها نکرد _ سرتاسر ایران یک ابتدا را می گویم _ سرتاسر ایران، یک صدا بیرون می آمد که ما جمهوری اسلامی می خواهیم، این رژیم شاهنشاهی را نمی خواهیم، بعد از اینکه موفق شدند و با این قدرت الهی پیش رفتند و همه دولت ها هم، ابرقدرت ها هم با او موافق بودند و پشتیبانش بودند، آمریکا و انگلستان زیادتر اظهار می کردند، دیگران هم بودند، مع الاسف ممالک اسلامی هم دولت هایشان بودند الا کم. بعد از اینکه مردم شکستند این سد را، عقب زدند او را، آنوقت صحبت ها درآمد، اغراض پیدا شد، اختلافات شروع شد و این اختلافات خیلی هایش امکان دارد که یک دست های پشت پرده ای در کار باشد و آنها وادار می کنند که یک چنین مسائلی در ایران ایجاد بشود، آثارش هست در جاهائی که آنها یک چنین نقشه هائی دارند که همان نقطه ای که نقطه قدرت ملت است، همان را هدف قرار بدهند و از دستش بگیرند. دو چیز نقطه قدرت بود یکی وحدت کلمه اینها و یکی هم جمهوری اسلامی می خواهیم، اسلام این قدرت معنوی تا توانستند راجع به جمهوری اسلامی مخالفت کردند، جمهوری باشد، اسلامیش دیگر می خواهید چه کنیم!! جمهوری دموکراتیک باشد، اسلامش نباشد، آخرش که آن خوب خوب هاشان صحبت می کرد، جمهوری اسلامی دموکراتیک، ملت ما این را قبول نکرد، گفتند ما همان، آنکه مافهمیم اسلام را می فهمیم، از جمهوری هم می فهمیم چیست!! اما دموکراتیکی که در طول تاریخ، پیراهنش عوض کرده، هر وقت یکی را، الان این دموکراتیک در غرب یک معنا دارد و در شرق یک معنا دارد و افلاطون یک چیزی می گفت و ارسطو یک چیزی می گفت، این را ما نمی فهمیم، ما یک چیزی که نمی فهمیم چه ادعایی داریم که ذکرش بکنیم و بتوانیم به آن بدهیم، آنی که می فهمیم، ما اسلام را می دانیم چی هست یعنی می دانیم که رژیم عدل است، البته نه اینکه می دانیم، خوب ما که اسلام را نمی دانیم واقعا، رژیم عدل است می دانیم، این عدالت است در آن از احکامی که در صدر اسلام بودند، مثل علی ابن ابی طالب فهمیدیم چه کاره است، چه می کند، و جمهوری هم معنایش را می فهمیم که باید ملت رأی بدهند، اینها را قبول داریم، اما آن دموکراتیکش را حتی پهلوی اسلامش

بگذارید، ما قبول نداریم، علاوه من این را در یکی از حرف هایم گفتم که اینکه ما قبول نداریم برای اینکه این اهانت به اسلام است، شما این را پهلوی می گذارید، اسلام دموکراتیک نیست و حال آنکه از همه دموکراسی ها بالاتر است اسلام. ما از این جهت ما این را قبول نمی کنیم، اصلا شما پهلوی این را بگذارید، مثل این است که بگویند که جمهوری اسلامی عدالتی، این توهین به اسلام است برای اینکه عدالت متن اسلام است، از این جهت این را هم ملت ما قبول نکردند و اصحاب قلم و روشنفکرها بعضی از آنها را، اینها جدیت داشتند به اینکه این کلمه اسلام نباشد و ما اینطور فهمیدیم که چون از اسلام ضربه دیدند می خواهند این نباشد، خوب همه قدرت ها دیدند که این نفت اینجا، حالا- از دستشان گرفته شده عجالتا و این را چه کسی گرفته است؟ این را این ملتی که داد می زند اسلام، پس این اسلام را حذف بکنید هر چه که باشد این دعوا هم دیگر ندارد، دیگر پشتوانه ملت ندارد، می خواستند پشتوانه را از این جمهوری بگیرند. پشتوانه یک حکومتی ملت است، اگر یک ملتی پشتوانه حکومتی نباشد این حکومتی نمی تواند درست بشود، این تواند برقرار باشد، آنها می خواهند این مطلب را بگیرند از دست، از این جهت اصرار به این داشتند، حالا هم اصرار دارند چنین از اول هی اصرار، اصرار دارند حالا هم اصرار! منتها به صورت دیگر، قانون اساسی یک قانون ملی نیست، این قانون اساسی اشکالات دارد، که مطلبی که خود ملت، وکلا تعیین کرده و گذراندند و بعد هم خود ملت به آن رأی دادند، یک اقلیتی که ما سرانشان را می شناسیم و سروته شان را اطلاع برایشان داریم، اینها مخالفت می کنند با چیزی که همه ملت می کند، این جز این معنا نیست که می خواهند همان مسائل سابق عود کند و همان منافع سابق را ببرند. از اسلام ضربه دیدند می خواهند نگذارند تحقق پیدا کند.

در تمام مراحل روحانیت هی نقش اول داشت، یعنی دانشگاه ها بودند، روشنفکرها همه شان نه البته، دانشگاهی ها، دانشجویها تقریباً اکثر همیشه همه، بازاری چه و چه، همه اینها نقشی داشتند، لکن آنکه ملت را بسیج کرد، آن روحانیون بودند، یعنی هر محله ای یک مسجد یا چهار تا مسجدی که دارد، چهار تا روحانی دارد مردم به آن اعتقاد دارند، آنکه من همیشه به ملت ایران سفارش کردم که این دژ محکم را از دست ندهید و به این روشنفکرهایی که می خواهند، شاید میل داشته باشند که مملکتشان استقلالی داشته باشد، مملکتشان آزاد باشد، سفارش کردم که اینها سد بزرگی است که اگر از دست بدهید نمی توانید کاری انجام بدهید، اگر این روحانیت را از این نهضت از اول برمی داشتیم، اصلاً نهضتی نمی شد، مردم به کس دیگر گوش نمی دادند مردم به این روشنفکرها گوش نمی دهند.

اینها یک ده نفر، صد نفر، هزار نفر، آنکه خیلی از اینها، من الان نمی دانم یک حزبی باشد، هزار نفر داشته باشد، غیر از حزب اسلامی اگر باشد مردم به آنها گوش نمی دهند هی فریاد بزنید، هر چه فریاد بزنند، مگر نه بیخود می گویند، اینکه می تواند یک ملت را تجهیز کند

و تا پای مرگ ببرد، آن این جمعیت است، اینکه می گوئید نقش بزرگی داشتند، واقعا اینطور است که مائی که مطلعیم بر میزان علاقه مردم به روحانین شان منتها سعه شعاع نفوذ روحانین مختلف است، با هم، اما هر کدام در هر شعاعی هستند، آن عده ای که آنجا هستند به حرف او گوش می دهند، یعنی می بینند که اگر چنانچه دنبال حرف این بروند، این برایشان سعادت است، خیر خواهشان هست، اگر هم کشته بشوند، سعادت است، اینها بودند که تجهیز کردند سرتاسر ایران، مردم را این خطباً این روحانین، این مسجدی ها خودشان آمدند و دنبالشان هم اینها آمدند، همه ملت آمدند و همه قشرها هم آمدند، لکن آئی که ملت را همچو به طور عمومی تجهیز کرد این طایفه بودند.

و من همیشه از همه قشرها می خواهم که شما ملی هم هستید، اینها را حفظشان کنید، الهی که حفظشان می کند، ملی هم هستید اینها را حفظ کنید، اینها را از دست ندهید، الان که ملاحظه کنید دنبال این هستند که هی مناقشه کنند شکست بدهند اینها را، و این نه صلاح دینشان هست نه صلاح دنیاشان هست، من نمی خواهم تطهیر کنم این طائفه را که بگویم هر که عمامه سرش هست این یک آدم مهذب، صحیح، سالم است نه چنین ادعائی ندارم، هیچ کس چنین ادعائی ندارد، لکن من می گویم که آنهایی که مخالف هستند با این جمعیت، اینطور نیست، آنهایی که نقشه دارند اینطور نیست که با بدها مخالف باشند، با خوب ها مخالفند، با آنهایی که نفوذ دارند مخالفند، اگر چنانچه یک مقصد صحیحی بود که اینها صحبت می کردند خوب مطلبی بود، یک مقصد صحیح است و باید تصفیه بشود، ما هم این را قبول داریم وقتش هم اگر برسد تصفیه خواهد شد، اما در یک وقتی که ملت ما دچار یک همچو آشوبی هست بعد از انقلاب است، انقلاب بعد از اینکه یک قدری جلورفت و برگشت به حال خودش، همین گرفتاری ها در همه دنیا بوده بیشتر از ما، الانی که ملت ما مواجه است با یک قدرت بزرگ و بلکه با قدرت های بزرگ مواجه هست، امروز روزی نیست که آن پشوانه ملت را آن چیزی که می تواند تجهیز کند ملت را ما بشکنیم، ولو اینکه ما فرض کنید گله داریم از یک کسی ولو اشکال داریم به یک کسی و کسانی، لکن وقت این نیست که بشکنیم و آنهایی که نقشه دارند همه را می خواهند بشکنند منتها به تدریج. نمی دانم این مثل پیش شما هست یا نیست که یکی رفت توی باغش دید که یک سیدی و یک آخوندی و یک مرد عامی دارند دزدی می کنند و رفت آنجا و گفت که خوب این آقا سید است و اولاد پیغمبر بسیار خوب این آقا از علماست و پائین روی چشم ما، اما تو مردیکه چه می گویی آن دو تا را با هم با خودش رفیق کرد آن را دست و پایش را بست، بعد آمد نشست و گفت واقع مطلب این است، خوب سید اولاد پیغمبر است با اولاد پیغمبر نمی شود چیز کرد، خوب آشیخ تو چه می گویی، با این ریش و عمامه آمدی دزدی، سید را با خودش موافق کرد، آخوند را دستش، این دو تا را که دستش را بست پاشد گفت سید جدت گفته دزدی کنی قلدر بود گرفت سید را

هم بست، اینها وضعشان اینطور است، روی این نقشه است که می خواهند این سید اولاد پیغمبر است، آن کذا و کذا است، خوب این آخوندها حالا چی می گویند اینها، آخوندیسم یعنی چه، مملکت ما نباید دست آخوندها باشد، اینها خیال می کنند که آخوندها می خواهند مملکت را بگیرند و به کس دیگر بدهند و خودشان هر کاری می خواهند بکنند مسأله این نیست، اینها همین نقشه است که ملت را از این آخوندها جدا کنند با دست خود ملت آن چیزی که برای ملت سرمایه است و می تواند کار بکنند، آن را بگیرند و جدا کنند که نقشه در زمان رضاشاه هم به این معنا بود و بعد هم یکی یکی از اول از آن پائین ترها بگیرند و بیایند بالا، بیایند بالا یکی یکی برسند تا آخر این جمعیت را از بین ببرند.

این است که آنکه اسلام را تواند نقش بدهد در دنیا، آنکه می تواند اسلام را در دنیا ابراز کند و ترویج کند از دست مردم گرفته بشود، اسلام کم کم گرفته بشود، اساس اسلام است، اساس این طرف هم اسلام، اساس دشمنی هم با اسلام است، هر دویشان اینطوری است.

اینکه شما گفتید که علما نقش داشتند، آیا بعدا نقش دارند؟ علما نقش شان این است که هدایت کنند و مردم را راه ببرند و کوشش شده بود به اینکه علماً را منعزل کنند از ملت، یعنی دین را از سیاست جدا کنند، دین را بگذارند کنار، سیاست را بگذارند کنار. اسلام دین سیاست است اصلش، اسلام را شما مطالعه دارید در آن، اسلام یک دینی است که احکام عبادیش هم سیاسی است این جمعه، این خطبه های جمعه، آن عید، آن خطبه های عید، این جماعت، اجتماع، این مکه، این مشعر، این منی، این عرفات، همه اش یک مسائل سیاسی است، با اینکه عبادتند، در عبادتش هم سیاست است، سیاستش هم عبادت است، اینها جدا می کردند اسلام را و دین را از سیاست می گفتند که امپراطور سرجای امپراطوری است، آخوند هم برود در مسجد، آخوند چکار دارد به اینکه رضاخان مردم را چه می کند و چه می کند، آخوند برود نمازش را بخواند و برود آخوند چکار دارد که نفت را دارند می برند، آخوند چکار دارد که قراردادهای کمرشکن برای یک مملکتی حاصل می شود، آخوند برود عبایش را سرش بکشد، توی مسجد نمازش را بخواند هر چه هم دلش می خواهد دعا بخواند، کی با او مخالف است، هر که هر چی دلش می خواهد دعا بخواند هیچ کس با او مخالف نیست، من احتمال نمی دهم که حضرت مسیح به این جور باشد که حالا درستش کردند، مگر امکان دارد که حضرت مسیح تعلیمش این داده که ظلم قبول کنی، صورتت را اینطور بگیر و وقتی زنند، آن طرف می گیری، این تعلیم خدا نیست، این تعلیم مسیح نیست، حضرت مسیح مبرای از این است، حضرت مسیح با زور مخالف است، حضرت مسیح مبعوث شدند، اینها برای اینکه رفع کنند این ظلم ها را برای اینکه چه بکنند منتها به مبتلا شده است، به یک دستگاه هائی که بد معرفی می کند از او، اسلام هم همین ابتلاً را پیدا کرده بود، لکن در

هر عصری یک علمائی بودند که نمی گذاشتند اینطور بشود حالا یک قدری توسعه پیدا کرده است زمان فرق کرده و افکار مردم فرق کرده و این چیزها هم فرق کرده .

اگر مقصود از اینکه نقش داشته باشد روحانیت بله روحانیت نقش دارد ، در حکومت هم نقش دارد . روحانی نمی خواهد حاکم باشد ، لکن می خواهد نقش داشته باشد ، شما در همین قضیه رئیس جمهوری به ما پیشنهاد می کردند که ، پیشنهاد کردند از اشخاص ، حتی از دانشگاه به اینکه ما حالا بعد از مدت ها فهمیدیم که اطمینان به دیگران نیست . روحانی باشد من می گفتم نه ، روحانی نقش باید داشته باشد ، خودش رئیس جمهور نشود ، لکن در ریاست جمهور نقش باید داشته باشد ، کنترل باید بکند ، آن به منزله کنترل یک ملتی است ، یک مملکتی است ، نمی خواهد روحانی رئیس مثلا فرض کنید که رئیس دولت باشد ، لکن نقش دارد در آن ، اگر رئیس دولت بخواند باشد کذا ، پا را کج بگذارد این جلوی را می خواهد بگیرد . اینکه در این قانون اساسی یک مطلبی ولو به نظر من یک قدری ناقص است و روحانیت بیشتر از این در اسلام اختیارات دارد و آقایان برای اینکه خوب دیگر خیلی با این روشنفکرها مخالفت نکنند یک مقداری کوتاه آمدند اینکه در قانون اساسی هست ، این بعضی شئون ولایت فقیه هست نه همه شئون ولایت فقیه ، و از ولایت فقیه آنطوری که اسلام قرار داده است به آن شرایطی که اسلام قرار داده است ، هیچ کس ضرر نمی بیند یعنی آن اوصافی که در ولی است در فقیه است که به آن و اوصاف خدا او را ولی امر قرار داده است و اسلام او را ولی امر قرار داده است با آن اوصاف نمی شود که یک پایش را کنار یک قدر غلط بگذارد ، اگر یک کلمه دروغ بگوید ، یک کلمه ، یک قدم بر خلاف بگذارد آن ولایت را دیگر ندارد ، استبداد را ما می خواهیم جلوی را بگیریم ، با همین ماده ای که در قانون اساسی است که ولایت فقیه را درست کرده این استبداد را جلوی را می گیرند ، آنتهایی که مخالف با اساس بودند می گفتند که این استبداد می آورد ، استبداد چی می آورد ، استبداد با آن چیزی که قانون تعیین کرده نمی آورد ، بلی ممکن است که بعدها یک مستبدی بیاید شما هر کاریش بکنید مستبدی که سرکش است بیاید هر کاری می کند ، اما فقیه مستبد نمی شود . فقیهی که این اوصاف را دارد عادل است ، عدالتی که غیر از اینطوری عدالت اجتماعی ، عدالتی که یک کلمه دروغ او را از عدالت می اندازد ، یک نگاه به نامحرم او را از عدالت می اندازد ، یک همچو آدمی نمی تواند خلاف بکند ، نمی کند خلاف ، این جلوی این خلاف ها را می خواهد بگیرد ، این رئیس جمهور که ممکن است یک آدمی باشد ولی شرط نکردند دیگر عدالت و شرط نکردند ، این مسائلی که در فقیه است ، ممکن است یک وقت بخواند تخلف کند ، بگیرد جلوی را ، کنترل کند . آن رئیس ارتش اگر یک وقت بخواند یک خطائی بکند آن حق قانونی دارد که او را رهاش کند ، بگذاردش کنار ، بهترین اصل در اصول قانون اساسی این اصل ولایت فقیه است و غفلت دارند بعضی از آن و بعضی ها هم غرض ، روحانی می گویند

که بعد می خواهد در دولت نمی خواهد نخست وزیر بشود و نمی خواهد _ عرض بکنم که _ رئیس جمهور بشود و صلاحشان هم نیست که اینها بشوند ، لکن مراقبت دارد ، نقش دارد ، روحانیت در دولت نقش دارد ، نه روحانیت دولت است . این نقش از اول هم بوده است منتها این را کنارش زده بودند ، حالا خدا یک مهلتی داده است . یک جمعیتی ، این مردم جمع شدند هیاهو کردند ، این هیاهوهاست که این کارها را کرده است ، جمع شدند هیاهو کردند ، حالا یک نقشی پیدا کرده روحانیت ، همان نقشی که برای روحانیت است که باید کنترل کند این چیزها را ، و الا سر رشته ندارد مگر می تواند که یک روحانی برود رئیس فوج بشود . سر رشته ای از این کار ندارد یک روحانی که اطلاعاتش در باب یک اموری کم است ، برود بخواهد آنها را بگیرد . این معنا ندارد ، اما روحانی چون موارد خطا و اشتباهی که از قانون اسلام که یک قانونی است که اگر اجرا بشود ، همه مقاصد برای ما حاصل می شود این مطلع است ، این سر رشته دار این قانون است ، این را قرارش دادند با آن همه قیودی که همه اش قیود یک چیزی بوده است که قرار دادند و ما هم تابعیم ، لکن مسأله این نیست مسأله بالاتر از این است ، اما خوب البته ملت یک چیزی را که خواستند ما همه تابع او هستیم و یک همچو روحانی اگر نقش داشته باشد در دولت ، نمی گذارد دیگر نخست وزیرش ، رئیس جمهورش هر جا که ظلم ببیند ، روحانی نقش دارد بر اینکه جلویش را بگیرد و هر وقتی بخواهد یک قلدری پیش بیاید جلویش را می گیرد ، یک دیکتاتوری باشد جلویش را می گیرد ، خواهد خلاف آزادی باشد ، جلویش را می گیرد ، بخواهد یک دولتی یک قراردادی با یک دولتی ببندد ، که اسباب این بشود که این تابع او بشود ، پیوند او بشود ، پیوسته او بشود روحانی جلویش را می گیرد . یک اصلی است که اصل یک مملکت را اصلاح می کند ، این یک اصل شریفی است که اگر چنانچه انشاءالله تحقق پیدا بکند ، همه امور ملت اصلاح می شود ، بنابراین اینکه شما سؤال کردید که آیا روحانی می خواهد به دولت منضم بشود یا چی ؟ نه نمی خواهد دولت باشد اما خارج از دولت نیست ، نه دولت است ، نه خارج از دولت . دولت نیست یعنی نمی خواهد برود در کاخ نخست وزیری بنشینند و کارهای نخست وزیری را بکنند ، غیر دولت نیست برای اینکه نخست وزیر اگر پایش را کنار بگذارد این جلویش را می گیرد ، می تواند بگیرد ، بنابراین نقش دارد و نقش ندارد وقت من هم گذشت دیگر ، مسائل دیگری ، شما هم دیگر انشاءالله سلامت باشید .

بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی جمهوری اسلامی شهرستان یزد

تفاوت دولت اسلامی با غیر اسلامی: حفظ سلسله مراتب و ظلم نکردن به زیر دست

بسم الله الرحمن الرحيم

من توفیق همه گروه های ملت و خصوصاً قوای انتظامی و شما پرسنل شهربانی یزد را از خدا می خواهم و به همه شما دعا می کنم که موفق باشید و به وظایفی که امروز به همه محول است، شما همه عمل کنید. امروز تمام قوای انتظامی، اینها همه در خدمت اسلام هستند. یک وقت بود که شهربانی و همین طور سایر گروه های انتظامی در خدمت طاغوت بودند و تکلیف آن روز یک طور بود و تکلیف امروز سنگین است. امروز که شما شهربانی جمهوری اسلامی هستید، یعنی پرسنل شهربانی اسلام یعنی شهربانی امام زمان، آن کاری که لشکر امام زمان باید بکند، با آن کاری که لشکر طاغوت می کرد فرق دارد، همانطوری که خود امام زمان با طاغوت فرق داشت. آن حکومت جور بود و این حکومت عدل، آن حکومت طاغوت بود و این حکومت خدا.

در اسلام یک حکومت است و آن حکومت خدا، یک قانون است و آن قانون خدا و همه موظفند به آن قانون عمل کنند. تخلف از آن قانون هیچ کس نباید بکند. قانون عدل است، عدالت است، جامعه عدل و جامعه ای که در آن عدالت اجرا بشود. و یک اشتباه گاهی دیده می شود که بعضی از افراد منحرف، در بین پرسنل شهربانی یا در بین درجه دارهای ارتش یا ژاندارمری پنخس می کنند و جوان ها را وادار می کنند به بعضی از کارهایی که ناشایسته است، آن این است که به آنها می گویند که حالا که انقلاب شده است و طاغوت از بین رفته و جمهوری اسلامی آمده است، دیگر درجه دار و افسر و سرباز ندارد (جامعه توحیدی). این یک اشتباهی است که آنهایی که می خواهند نگذارند اسلام آنطوری که هست، در کارش تحقق پیدا بکند، آنها این حرف ها را در اذهان جوان ها انداخته اند، جوان ها هم غافل از مسائل، دنبال کرده اند. جامعه توحیدی به آنطوری که آنها می گویند یعنی جامعه هرج و مرج. حالا مثلاً در شهربانی اگر بنا باشد که زیردست _ شهربانی _ رئیس شهربانی از رئیس شان اطاعت نکند، خودش خودسر و به اسم اینکه جامعه توحیدی است، ریاست و مرئوسیت اصلش در کار نباشد، همه یا باید مثلاً فرض کنید سرلشکر باشند یا همه سرباز. اگر یک لشکری، یک شهربانی ای همه شان رئیس باشند، این شهربانی قابل دوام است؟ همه شان سرباز باشند، همه شان پاسبان باشند، هیچ دیگر آن کسی که باید فکر کند و روی افکارش فرمان بدهد و نباشد در کار، این

شهربانی دیگر شهربانی نیست. در ارتش هم همین طور. اگر همه سربازها باشند تا جامعه توحیدی به آن معنای غلطی که در اذهان انداخته باشد، یا همه آنها سرگرد باشند، یا همه آنها سرلشکر باشند مثلاً، آیا این ارتش می شود برای یک مملکتی یا هرج و مرج می شود؟ اساس ارتش، اساس ژاندارمری، اساس نظام در عالم، نه فقط در اینجا، در عالم از اولی که یک نظامی در عالم پیدا شده است، اساس بر این بوده است که مراتب محفوظ باشد. فرق ما بین دولت اسلامی و غیر اسلامی این است که ظلم نشود از بالا- به پائین، نه فرمان داده نشود، اطاعت باید بشود، ظلم نباید بشود. در زمان رسول الله هم، همه مطیع رسول الله بودند و او فرمانفرما بود، اما از طرف ایشان ظلم به کسی شد، در زمان حضرت امیر هم، حضرت امیر امر می کرد و همه اطاعت کردند. مالک اشتر هم در آنجائی که حکمفرما بود امر می کرد و همه مکلف به اجرا بودند، لکن از طرف مالک اشتر ظلم به کسی نمی شد.

در جامعه توحیدی افراد مختلفند، با یک هدف مشترک

جامعه توحیدی عبارت از جامعه ای است (توحیدی به معنای حقیقی نه، به آن معنای غلطی که گفته شده است) عبارت از جامعه ای است که با حفظ همه مراتب یک نظر داشته باشند، کانه یک موجودند. شهربانی، شهرداری- عرض می کنم که- ارتش، ژاندارمری، سایر قشرهای دولت، ملت، رئیس جمهور، پائین تر، همه با حفظ مراتبشان یک مقصد داشته باشند و آن یک مقصد الهی، کانه همانطوری که یک جامعه توحیدی در خود بدن انسان است. انسان به منزله جامعه توحیدی است، چشم، گوش، دست، اینها، اما هم فرمانفرما دارد، هم فرمانبرما دارد. مغز فرمان دهد و دست فرمان می برد، اما همه یک راه دارند، همه برای این است که این کشور فردی را (انسانی را) اداره کنند. همه دنبال اینند که فرمان از بالا می آید و پائین هم اطاعت می کند، لکن جامعه توحیدی است. اعضای یک موجودند، اعضای یک هیکلند، یک هویتند، لکن در عین حالی که اعضای یک هویتند و همه هم برای همین هویت دارند زحمت کشند، لکن فرمانفرما و کارفرما و کاربر داریم. مغز فرمان می دهد، اعصاب دنبالش فرمان می برند دست ها، پاها، چشم، گوش، همه اینها فرمان برند. جامعه توحیدی است یعنی همه شان برای یک مقصدند. جامعه توحیدی را وقتی که از انسان آوردیم برای جامعه، این فرد که یک به منزله یک جامعه توحیدی بود، یعنی قوای مختلفه، اعضای مختلفه در یک فرمان و در یک راه تخطی نمی کنند. قوای مختلف، قوای باطن، ظاهر، اجزا و اعضا مختلف، دست، پا، سر، چه، لکن همه در فرمان مغز هستند، یا روح هستند و همه روبه یک مقصد هستند و او برای حفظ مثلاً خودش، حفظ هویت خودش، حفظ مصالح خودش، جامعه- توحید- توحیدی معنایش این است که در عین حالی که فرمانبرو فرمانفرما هست، در عین اینکه رئیس جمهور هست عرض می کنم مجلس شورا هست و مردم عادی هستند و سرلشکر هست و رئیس ستاد هست و اینها همه باید فرمان ببرند از آن کسانی که فرمانفرما هستند و روی قواعد، لکن همه شان مثل یک بدن می مانند، همه برای یک مقصد باشند، ارتش نکشد یک طرفی و ژاندارمری یک طرف. و در یک کشور اگر ارتش یک طرف بکشد،

ژاندارم‌ری یک طرف بکشد، شهربانی یک طرف بکشد، این اختلاف پیدا می‌شود. همه باید با هم، هم مقصد باشند برای حفظ کشورشان، مقصد حفظ کشور باشد.

جامعه توحیدی مورد نظر منحرفین جامعه حیوانی است، نه توحیدی

معنی جامعه توحیدی به اینطوری که این اشخاص منحرف القا کرده اند در اینها معنایش یک جامعه حیوانی است، در غیر حیوان، جامعه توحیدی ما نداریم. حیوان‌ها هم، همه اینجور نیستند، حیوان‌ها هم یک دسته‌شان متمدند مثل موربانه، مثل زنبور نر، مثل مورچه، اینها نحل تمدن دارند، اینها هم بالا و پائین دارند. در حیوانات پائین تری که ادراکاتشان به آن اندازه نیست، جامعه توحیدی است یعنی الاغ‌ها هم یک جورند، گاوها هم همه یک جورند، فرمانبر و فرمانبردارند. یک همچو جامعه‌ای را آقایان می‌خواهند؟ جامعه توحیدی که هیچ درجه داری نباشد، هیچ بالا و پائینی نباشد فرمانفر همه باید عطار باشند، اگر عطار نباشند، جامعه توحیدی نیست. اگر مقصود این معناست جامعه توحیدی، جامعه توحیدی در بشر تا حالا وجود پیدا نکرده الا آنوقتی که وحشی بوده اند. اگر یک وقتی بشر وحشی بوده، آنجا یک جامعه توحیدی (هر کسی برای خودش می‌رفته علفی می‌چیده و می‌خورده) اما آن روزی که تمدن در بشر آمده است، لازمه تمدن این است که درجات باشد. لازمه تمدن این است که یکی دکتر باشد، یکی فرض کنید که مهندس باشد، یکی دیگری باشد، یکی سرگرد باشد، یکی چه باشد. این چیزهایی که هست واقعا در عالم، جامعه توحید به آن معنا درست بکنید برگشت به توحش است. آنهایی که این مطلب را در ذهن جوانان ما القا می‌کنند برای این است که منعکس بشود در خارج که اینها یک جامعه حیوانی هستند، اینها قابل این نیستند که برای خودشان حکومت کنند. کسی که حکومت را قبول ندارد، این هرج و مرج است یک جامعه حیوانی است، این محتاج به سرپرست است. اینها نقشه می‌کشند که جوان‌های ما را در ارتش وادار کنند به اینکه هرج و مرج ایجاد کنند، در ژاندارم‌ری هم هرج و مرج ایجاد کنند، در پاسدارها هم هرج و مرج ایجاد کنند، در شهر بانی هم هرج و مرج ایجاد کنند. قوای انتظامی - هرج و مرج - که ستون فقرات یک جامعه است به هرج و مرج کشیده بشود. یک مملکت هرج و مرج - محتاج به یک قیمند. یک مملکتی که در آن نظام نیست، در آن فرمانبرداری از بزرگترها نیست همه برای خودشان بخواهند یک بساطی درست کنند، معنایش پوسیدن یک جامعه است از داخل.

حفظ مراتب در عین انسجام، از خصوصیات جامعه توحیدی

اسلام هم اینجور نبوده، هیچ، هیچ رژیم‌ی در عالم اینطور نیست که هرج و مرج باشد. جامعه توحیدی، جامعه توحیدی با آنطور که من عرض کردم یک امر مطلوبی است که همانطوری که در بدون انسان یک جامعه توحیدی است، اگر یک ملتی اینطور شد، خودش را نگه می‌دارد. شما دیدید که یک حدودی ملت ما با هم منسجم شدند و غلبه کردند بر همه چیز، اگر همه قوای انتظامیه و همه قشرهای

ملت از روحانی تا دانشگاهی تا بازاری تا کارگر تا زارع، همه اینها اگر چنانچه منسجم بشوند به هم، _ با عین در _ عین حالی که مراتب محفوظ است بین خودشان، لکن منسجم باشند با هم، مجتمع باشند با هم، یک بدن، حال یک بدن پیدا کنند، همانطوری که بدن انسان جامعه توحیدی است، جامعه هم یک بدن بشود، اگر اینطور بشود، آسیب دیگر بردارد این، این معنای جامعه توحیدی، به این معنا صحیح است، این معنای صحیح جامعه توحیدی است. اگر در یک کلامی، برای آدمی که ملتفت بوده است مسائل را، یک کلمه جامعه توحیدی واقع شده است مقصود این است، و اما مطلب غلطش را انداخته اند توی اذهان جوان های ما، در عین حالی که حسن نیت دارند، در عین حالی که صفای باطن دارند، ولی بازی می خورند. می خواهند زمینه را این شیاطینی که افتاده اند، توی هم ارتش هست، هم ژاندارمری هست، هم شهربانی هست، هم بازار و هم کوچه هست، اینها شیاطینی هستند که می خواهند زمینه را فراهم کنند برای حکومت طاغوتی. من حالا به شما می گویم (سنم هم اینقدرها نیست، ممکن است که قبل از این حرف ها بروم از اینجا) لکن شما یادتان باشد این مطلب که این برنامه ای که الان دارند بعضی از مغرضین می ریزند و جوان های ما را گول می زنند این برنامه این است که آمریکا را به ما مسلط کنند. _ آمریکا بفهماند _ همه مطبوعات آمریکا شروع کنند و غرب، همه اینهایی که با شما دشمنند، شروع کنند به اینکه یک مملکت هرج و مرجی است، نظام ندارد این مملکت، بالا و پائین ندارد، مثل حیوانات همه به جان هم ریخته اند، همه مخالف هم هستند، همه از هم تخلف می کنند، هیچ یک از هیچ کس حرف نمی شنود. یک همچو جامعه ای محتاج به قیم است. دنیا حکم می کند که ایران محتاج به قیم است، قیم برایش پیدا بکنید، راه را باز می کنند برای اینکه یک قیمی مثل محمدرضا بالای سر ما بیاورند، یک قیمی مثل رضاخان بالا سر بالای سر ما بیاورند. حریف ما یک حریف عادی نیست، حریف ما یک حریفی است که کارشناس های آنها تمام اوضاع همه ممالک تحت بررسی قرار داده اند و همه آنجاها مضبوط است پیش شان که باید چه کرد. یک همچو انقلابی که ضربه به آنها زد، این انقلاب را چه جوری باید از بین برد، با دست خود ارتش، ارتش را از بین برد، با دست خود ملا، ملا را از بین برد، با دست خود متدین، دیانت را از بین برد، اینها نقشه است آقا، اینها همین طور نیست قضیه، نقشه اند اینها. اگر یک جامعه ای _ سلسله _ ارتشش سلسله مراتب نداشته باشد آن ارتش که منحرفین اینطور القا می کنند، می روند درجه شان را می کنند که نه، نباید باشد این، نمی فهمد اینکه درجه اش را می کند چی است، چی می خواهند، ژاندارمری هم مثل آن بشود، شهربانی هم مثل او بشود، پاسدارها هم آنطور بشوند، قوای انتظامی ما بپوسد، از بین بروند، اینکه باید حفاظت یک کشوری را بکنند این از بین برود. به این هم قانع نیستند، می روند صحراها را به هم می زنند و نمی گذارند زراعت بشود، غارت می کنند، درخت ها را می برند نمی دانم از این بساط درست کنند، بازار می روند هزار جور بساط درست می کنند، دانشگاه می روند هزار جور حرف درست می کنند، ماها را دارند از باطن می پوسانند، مائی که باید حالائی که رسیدیم به اینجا که این قدرت ها را کنار گذاشته ایم

و الان دنیا دارد نظر می کند که این عده ای که این کار را کردند و اعجاب برای دنیا آورده، بعد از این انقلاب چه می کنند. اگر مردم دنیا دیدند که ما بعد از انقلاب هرج و مرج ایجاد کردیم به جای اینکه بفهمیم چه بکنیم، به جای اینکه یک جامعه توحیدی، آنطور جامعه توحیدی که همه منسجم با هم در یک راه با حفظ مراتب مثل بدن انسان، منسجم است بدن انسان، با هم است، حفظ مراتب هم می کنند ولیکن یک جامعه توحیدی است که همه یک جهت، همه یک راه می روند. اگر جامعه ما امروز اینطور نباشد، یعنی همه قوای انتظامی مان با هم هماهنگ نباشند، ملت مان با قوای انتظامی هماهنگ نباشد، این جامعه ای است که زود یا دیر می پوسد و انسجامش از بین می رود. اینها باید با هم باشند، به این معنا جامعه توحیدی می خواهیم اگر اینطور شد، آسیب بردار نیست، اگر یک مملکتی همه اجزایش با هم چیز شدند، اینها معتصم می شوند، اینها دیگر آسیب بر نمی دارند.

با ایجاد نظم در کشور به آمریکا بفهمانیم که جامعه توحیدی قیم نمی خواهد

این جوان های ما ملتفت باشند که از کجا دارند ضربه می خورند. اینها خیال می کنند که خدمت دارند می کنند، اینها خدمت نمی کنند، اینها در عین حالی که خیال می کنند خدمت می کنند، دارند ضربه می زنند به این جمهوری شما. متوجه باشند آنهایی که می آیند به گوش اینها این حرف ها را می زنند، ببینند از کجا تعلیم می گیرند اینها، کی است که اینها را وادار می کنند که (در ارتش نظم لازم نیست، در ارتش درجه لازم نیست) درجه لازم نیست، یعنی هیچ، یعنی ارتش نه. جامعه توحیدی در به آن معنایی که آنها می گویند جامعه توحیدی در ارتش، معنایش این است که ارتش نمی خواهیم، شهربانی هم معنایش این است که شهربانی نمی خواهیم، ژاندارمری هم معنایش این است که ژاندارمری نمی خواهیم. در هر جا که یک همچو مسأله ای آنها پیش آوردند معنایش این است که ما هرج و مرج باید باشد، باید ما یک نظمی در کارمان نباشد، مملکت مان بدون نظم، خوب، رئیس جمهور هم نمی خواهیم. جامعه توحیدی است به حسب آنطوری که آنها می گویند. درجه را بکنند که رئیس جمهور هم نمی خواهیم، دولت هم نمی خواهیم، وزرا هم نمی خواهیم، این جز این نیست که بفهمانند به دنیا به اینکه اینها قابل این نیستند که آزاد بشوند.

من یادم است که در آنوقتی که محمدرضا اینجا بود و این گیرودارها و جنگ و نزاع ها بود، کارتر در یکی از حرف هایش (ما پاریس بودیم) گفت که به اینها زیادی آزادی داده اند. او با آن نظر مودبانه اش می خواست بفهماند که این مملکت قابل آزادی نیست، نباید به آن آزادی داد. ما از این باید درس بگیریم که این زیادی به آنها آزادی دادند، او می خواست اینطور بگوید که باید با این ملت همان رفتار را کرد که محمدرضا در زمان قدرتش کرده، آزادی نباید داد به اینها، باید اینها در اختناق باشند تا بشود حفظشان کرد. به نظر او ماها یک حیوان سرکش هستیم که باید مهارمان کرد. به نظر باطل او، اگر ما مطلب آنی است که او می گوید که گفت او که اینها قابل این نیستند که به آنها آزادی داد، حالا دیده جلو برده اند اینها و پیش برده اند، حالا همان نقشه را می خواهد درست کند که این مملکت و این

افراد مملکت زود است برایشان آزادی، زود است برایشان که کارشان دست خودشان باشد. شاهدش این است که در ارتش می روی درجه ها را می کنند که ما نمی خواهیم، ما - چیز جامعه توحیدی می خواهیم. کدام اسلام گفته جامعه توحیدی به این معنا. اسلام می گوید نظم امور باید بشود. نظم امور با درجات است، نمی شود همین طوری. تواز برای خودت، من برای خودم که جامعه توحیدی نمی شود. این ضد جامعه توحیدی است. اینکه نظم توی کار نباشد ضد جامعه توحیدی است. اگر بدن انسان این نظم را نداشت و این اطاعت مادون از مافوق را نداشت تمامش به هم می خورد. اگر مغز - اگر - حکم می کرد دست اطاعت نمی کرد، به هم می خورد اوضاعش. آن برای این است که به دنیا بفهمانند امروزی که ما در مقابل قدرت ها ایستاده ایم، قدرتمندها به دنیا بفهمانند که این جامعه قابل نیست از برای اینکه خودش را اداره کند، این نظامش دارد به هم می خورد و خورده است، این بازارش هم دارد به هم می خورد، این کشتش هم دارد به هم می خورد، این محتاج به این است که یک قیمی بالای سرش باشد آن قیم کار را اداره کند. یک نفر آدم را بگذارند بالای سر ما و پیش دنیا حجت داشته باشند به اینکه خوب، ما این وحشی ها را خواستیم مهارشان کنیم.

ای جوان های عزیز من! گوش به این اشخاص ندهید که با برنامه دارند کار می کنند. آنهایی که با توطئه و برنامه دارند بین شما کار می کنند گوش به اینها ندهید، به خود بیایید، برای خود کار بکنید. تا گفتند جامعه توحیدی، هرج و مرج در ذهنتان نیاید، آنها به شما اینطوری می فهمانند، آنها وسیله اند از برای اینکه ما را نابود کنند. لازم است که همه بیدار بشویم، توجه کنیم به عمق مسائل. جوان های ما به عمق مسائل به آنطوری که آنهایی که سال های طولانی برنامه ریخته اند، سال های طولانی مطالعه کرده اند در احوال همه ما، در احوال همه ملت ما مطالعه کرده اند آنها، می دانند در چه وقت باید چه بکنند برای اسارت ما، الان وقت این است که باطن این نظم را به هم بزنند. این جامعه ما از باطن بیوسانند آن را. می بینید وقت این است. آنی که به اینها ضربه زده این انسجام بوده که ضربه زده حالا این انسجام را از بین ببرند، جدا کنند از هم، به جان هم بریزند اینها را، هر کسی از آن دیگری تکذیب کند، هر کسی برای آن دیگری پرونده درست کند، هر کسی برای آن دیگری حرفی بزند. این معنایش این است که یک کشوری هست که یک نظام ندارد که اگر یک کسی یک کاری کرد، اگر یک فرض کنید که نظامی یک کاری کرد این را بشود مجازاتش کرد، ندارد یک همچو چیزی. هر که هر کاری دلش می خواهد می کند. چهار تا تفنگ دست شان افتاده، هر کاری بخواهند می کنند. اینطور ما را به دنیا معرفی کنند که اینها یک جامعه ای هستند که نمی توانند خودشان را اداره کنند. جامعه ای که نتوانست خودش را اداره کند این جامعه سفیه است جامعه سفیه محتاج به ولی است. یک ولی ای بیاورند، یک آدم بالای سر ما بگذارند. خداوند انشاءالله همه شما را موید و منصور نماید.

بیانات امام خمینی در دیدار با پاسداران ساوه و کفن پوشان هنرجوی آمل

توطئه هایی در کار است که نگذارند شما جوان ها به رشد انسانی خودتان برسید

بسم الله الرحمن الرحيم

من در عین حال که نه وقتم مقتضی است نه حالم، لکن چون برادرها هم از ساوه و هم از آمل تشریف آوردند یکی دو جمله عرض می کنم. اول تشکر از اینکه اینطور احساسات در شما زنده است و باقی است. من از خدا می خواهم که این احساسات محفوظ بماند که با محفوظ ماندن این احساسات، احساسات اسلامی ایمانی، امیدواریم که این نهضت به آخر برسد و بتوانیم یک حکومت عدل اسلامی آنقدری که میسور ماست، در ایران موجود کنیم و این بستگی به این دارد که جوان های عزیز ما در هر جا هستند، در ساوه هستند، در آمل هستند، در هر جا که هستند بدانند که توطئه ها در کار است که نگذارند شما جوان ها به رشد انسانی خودتان برسید و این کشور، کشور آزاد مستقل باشد. آنهایی که از این مملکت، از این کشور استفاده می بردند و همه منافع شما را می بردند و می خوردند و خرج عیاشی ها می کردند، باز مشغول توطئه هستند که نگذارند این کشور حال آرامش پیدا کند و وقتی که آرامش پیدا نکند، نمی شود که اصلاحش کرد و اگر اصلاح نشود ممکن است که باز به حال های سابق برگردد. از این جهت باید با بیداری، همه جوان های محترم و عزیز با بیداری توجه داشته باشند که اینهایی که در بین جمعیت ها می آیند و می خواهند با اظهار اسلامیت، با اظهار اینکه ما برای کشور دلسوز هستیم، مانع بشوند از اینکه مردم کار بکنند، کشاورزها کار بکنند، کارخانه ها کار بکنند، اینها دوستان شما نیستند، اینها همان هایی هستند که می خواهند نگذارند مملکت شما، کشور شما مستقل بشود.

خصوصاً در شمال که شما هستید این ریشه های فاسد زیاد است. باید با کمال توجه و با کمال دلسوزی برای کشور خودتان از اینطور ریشه هائی که می آیند و نفاق افکنی می کنند یا مانع از کار می شوند یا سر و صدا درست می کنند جلوگیری کنید. خود جوان های آنجا جلوگیری کنند، نگذارند. البته من نمی گویم درگیری و چه، اعراض کنید از ایشان. آنهایی که می آیند حرف هائی می زنند که از این حرف ها تفرقه پیدا می شود، از آنها پشت کنید و اعراض کنید تا بروند سراغ کارشان. الان آنهایی که منافعشان از بین رفته یا به خطر افتاده است، آنها به این زودی دست بردار نیستند از این کشور. آنها در صدد نقشه ها هستند که نگذارند یک حکومت مستقلی پیدا بشود، از اول هم در فکر این معنا بودند

منتها هی قدم به قدم شکست خوردند الحمدلله و از این به بعد هم من امیدوارم که با حفظ وحدت خودتان و حفظ ایمان خودتان و توجه به خدا این راه را تا آخر برسانید .

امروز کشور محتاج تلاش همه اقشار مردم است

و انشأالله این جهت هم که باید کار بکنند ، همه اقشار ملت امروز باید یک کاری انجام بدهند . بیکاری ، کم کاری ، به خلاف مسیر ملت است . امروز این کشور ما احتیاج به کار دارد ، احتیاج دارد که همه قشرها در هر جا که هستند ، مثلاً عمده کشاورزی را تقویت کنند که ما محتاج به دشمن هامان نباشیم در خوراکمان .

آقا خیلی برای مملکت اسلامی عیب است که در ارزاقش محتاج بشود به خارج که تهدیدشان کنند که ما نمی دهیم به شما دیگر . در صورتی که ایران زمین دارد الی ماشأالله و آب هم دارد ، برکات آسمانی هم هست ، چرا باید محتاج به خارج باشیم ؟ باید همت کنند ، باید بنای بر این بگذارند که مستقل باشند در اقتصاد . وقتی یک ملتی بنای بر یک چیز گذاشت که همه آنها عازم شدند که ما دیگر بعد از این از دیگران چیزی نخریم ، خودشان ایجاد می کنند ، خودشان ارزاق خودشان را ایجاد می کنند . همه تان موفق و موید باشید و این قدرت ایمانی و قوه اجتماعی باقی باشد و همه با سلامت و سعادت باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از اهالی میانه، کرج و محلات

با اراده مصمم، راهی که سعادت ملت را در بردارد طی کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

من در این هوای سرد که آقایان از راه های دور تشریف آوردند، از کرج آمدند، از جاهای دیگر آمدند، معذرت می خواهم که حال مساعد نیست که خیلی مزاحمت کنم، و علاوه آقایان در یک محل نمناک و سرد نشسته اند و سزاوار نیست که آقایان را معطل کنم. من همین قدر اعلام می کنم که دعاگوی شما هستم و خدمتگزار و امیدوارم که این دعاگوئی و خدمتگزاری تا آنوقتی که هستم مستدام باشد.

و شما دوستان، آقایان، رفقا، برادرها، در این راهی که راه سعادت شماست و راه سعادت ملت شماست، با توفیق و تایید و با اراده مصمم این راه را طی کنید و همانطور که تاکنون این راه شریف و راه الهی را طی کردید از این به بعد هم موفق و موید باشید که انشاءالله همه با هم مجتمعا این راه را برویم و دشمن هائی که می خواهند مانع بشوند از اینکه اسلام و جمهوری اسلامی در ایران تحقق پیدا بکند عقب بزنیم و انشاءالله شما موفق خواهید شد، برای اینکه شما برای خدا مشغول زحمت هستید و آنچه برای خداست عاقبتش پیروزی است و خیر است.

و من امیدوارم آنهائی که در راه اسلام و در راه هدف های مسلمین یک موانعی ایجاد می کنند، اینها بیدار بشوند، اینها توجه بکنند که این اعمال مخالف با مصالح کشور است، این اعمال مخالف با مصالح ملت است. امروز ملت ما احتیاج به وحدت کلمه دارد، احتیاج به این دارد که همه قشرها با هم به پیش بروند. این اشخاصی که توطئه می کنند و می خواهند نفاق افکنی بکنند بین قشرهای ملت، آنها را بزرگترها، عاقلترها، به آنها نصیحت کنند و بفهمانند که همه این کارها بر خلاف مصالح کشور شماست، بر خلاف مصالح اسلام و مسلمین است. و من امیدوارم که همه بیدار بشوند و همه توجه کنند که ما امروز که گرفتار یک مصیبت هائی هستیم، امروز که در مقابل ما یک قدرت های بزرگ است، توطئه هاست، با هم باید متحد بشویم و اگر متحد با هم بشویم آسیب پذیر نیستیم. از خدای تبارک و تعالی وحدت کلمه همه ملت و سلامت شما آقایان که از راه های دور تشریف آوردید و علمای میانه ایده هم الله تشریف آوردند و آقایان هم که از کرج و از سایر جاها آمدند، توفیق همه را از خدای تبارک و تعالی خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به مناسبت هفته مصدومین و معلومین

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر عزیزان ما که در راه عزت اسلام و عظمت کشور اسلامی پیا خاستید و در راه دفاع از میهن، معلول و مجروح شدید و برای خودتان مایه افتخار و برای ملت بزرگتان، هم مایه تاسف و تاثر و هم سریلندی شدید. درود بر شما معلولان و مصدومان که اعضا و سلامت خود را در راه اعتلای قرآن کریم از دست دادید. ملت شریف و اسلام بزرگ هیچ گاه شما عزیزان را از یاد نمی برد. ننگ بر رژیم خائن پهلوی و جنایتکاران بین المللی که با دست جنایتکار خود، ملت ما را به سوگ عزیزان خود نشانند و برای خود نفرین ابدی بجای گذاشتند. ایکاش! اعضا سازمان ملل و شورای امنیت حاضر بودند و شما معلولین عزیز را دیدند و آثار جرم دولت آمریکا و دست نشانندگان آن را می دیدند سپس حکم صادر می کردند. کاش! کاخ نشینان، حال دردمندان ما را مشاهده می کردند تا به جنایات دولت جبار آمریکا دامن نزنند و برای سازمان های بین المللی و شورای امنیت ننگ و نفرین به بار نیاورند. درود بر خواهران و برادران مصدوم و معلول که شجاعانه در راه حق و پیروزی قیام و فداکاری کردند و ملت را در جهان سرفراز کردند. اینجانب تقدیر و تشکر و دعای خالصانه ام را به شما عزیزان اهدا می کنم و از خداوند متعال سلامت و سعادت و بهبودی شما فرزندان اسلام را خواهانم.

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل نیروی هوایی پایگاه حر و پرسنل هواپیمائی ژاندارمری جمهوری اسلامی

لزوم اجتناب از تفرقه و جدائی برای تداوم و پیروزی نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم

من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت ملت شریف ایران و قوای انتظامی، نیروهائی که برای خدمت به اسلام آماده هستند، طلب می‌کنم و امیدوارم که ما همه، همه ما پاسدار اسلام باشیم. شما برادرها بدانید آن را که در پناه اسلام، در پناه قرآن کریم اگر چنانچه ما باشیم، در زیر پرچم توحید به همه قوای شیطانی پیروزی خواهیم پیدا کرد، لکن مهم این است که ما چطور در زیر پرچم اسلام باشیم، چکار بکنیم تا زیر پرچم اسلام باشیم یعنی اسلام ما را معلوم کند در یک همچو موقعی که اسلام گرفتاری دارد. آنهایی که از اینجا منافع را می‌بردند، ذخایر شما را می‌بردند، آنها طمع نبریدند از اینجا و باز در صددند که اعاده کنند جرائم خودشان را. ما چه بکنیم که اسلام ما را قبول بکند و ما خدمتگزار اسلام باشیم. آیا قوای انتظامیه ما، چه ژاندارمری، چه ارتش، چه سایر قوا، پاسدارهای اسلامی و چه شهربانی که به منزله ستون فقرات یک ملت است، در این موقع گرفتاری باید چه بکنند که در مقابل این قدرت های بزرگ شیطانی بتوانند مقاومت کنند. و ملت ما چه بکند که در مقابل این سیل توطئه های خارجی داخلی بتواند آسیب ناپذیر باشد. هر جمعیتی هر چه زیاد باشند، هر مقدار جمعیت شان زیاد باشد، اگر چنانچه واحد، واحد باشند، دسته، دسته باشند، اینها آسیب پذیر هستند، از باطن خودشان هم آسیب می‌بینند. اگر در یک مملکتی سی و پنج میلیونی که ما در آن زندگی می‌کنیم یک جمعیت هائی باشند متفرق، احزاب مختلفه، جمعیت های مختلفه باشند و انسجام با هم نداشته باشند که یک نیروی واحد بشوند، آسیب پذیرند. شما فرض کنید اگر یک نیروی نظامی باشد، چه ارتش، چه ژاندارمری، چه شهربانی، چه پاسدارها و فرض کنید که این نیرو قدرت نظامی اش زیاد است، عدد آن هم زیاد است، پنج میلیون فرض کنید نظامی داریم اگر پنج میلیون نظامی انسجام نداشته باشند یا گروه گروه بشوند و فرد، فرد، صد میلیون، یکی از او کاری نمی‌آید، مثل این قطرات منفصله از هم است که فرض کنید از باران باشد، صدها میلیون قطره از آن کاری آید، آنوقت از آن کار می‌آید که این قطرات با هم منسجم بشوند و یک رودخانه راه بیندازند. وقتی آنها با هم منسجم شدند و به یک وجهه هجوم بردند. این شهرها را خراب می‌توانند بکنند، دیوارها را از بن بکنند، اما مادامی که یکی یکی هستند کار از آنها نمی‌آید. افراد انسان هم همانطور است مثل قطرات باران می‌ماند که اگر مادامی که یکی یکی

هستند ، هر که برای خودش یک فکری می کند ، هر کسی برای خودش یک راهی دارد ، هر چه زیاد باشند ، فساد آن زیادتر می شود عوض اینکه وقتی عدد زیاد باشد کار را انجام بدهد ، وقتی اینطور شد ، کارها معطل می ماند . حالا اگر بنا شد این قطره ها به هم اتصال پیدا بکند ، اگر بنا شد که یک قطراتی با هم متصل شدند لکن یک قطرات دیگری هم علیحده متصل شدند ، یک قطرات دیگر هم علیحده متصل شدند و اینها هر کدام یک راهی گرفتند ، باز هم کاری از آنها نمی آید و اگر اینها مثلا فرض کنید که قوای نظامی ، انتظامی اگر چنانچه یک میلیون جمعیت باشد لکن دستجات مختلفی که هر کدام برای دیگری کارشکنی کند ، این از باطن می پوسد به جای اینکه با روش های مختلف یک قوه ای باشد که در مقابل دشمن بایستند قوای مختلفی ای است که خودشان به هم ریزند . اگر در باطن یک ارتشی ، پوسیدگی پیدا بشود خودش وا می رود دیگر محتاج به این نیست که یک قدرتی بیاید او را بخواهد از بین ببرد ، این خودش از بین می رود ، خودش از باطن مثل یک خربزه کرم زده ، از باطن فاسد می شود ، ملت هم همین طور است .

اگر چنانچه 35 میلیون جمعیت ، 35 میلیون نفری باشد ، یا 35 میلیون جمعیت 35 دسته باشند هر کدام فرض کنید یک میلیون ، این 35 دسته ای که هر کدام یک میلیون می شوند وقتی در داخل یک مملکتی با آرا مختلف ، با نظرهای مختلف ، اینها آسیب می بینند ، محتاج نیست که از خارج به ما حمله کنند خودمان در داخل خودمان را می خوریم ، تمام می کنیم .

ایجاد بی نظمی نوظئه ای است از جانب دشمنان برای از بین بردن وحدت و انسجام

الان آنهایی که دیدند که 35 میلیون با هم منسجم شده بودند این قدرت بزرگ را از بین بردند و قدرت های خارجی که قدرت عالم بود نتوانست آن آدم را نگه دارد ، ملت پیش برد ، آنها هم مطالعه دارند ببینند که این خیلی هم مطالعه نمی خواهد ، مطلب واضحی است که 35 میلیون جمعیت با هم باشد وقتی 35 میلیون جمعیت یک ملت با هم شدند ، این آسیب نمی بیند ، وقتی هم هجوم کند اینها پیش می برند ، دیدند که این انسجام ما را پیش برد ، به ما کمک کرد ، پیش برد و پیروز کرد این انسجام را می خواهند به هم بزنند . در همه جا اینها اشخاصی دارند که دنبال همین معنا هستند ، همه جا ، در دانشگاه دارند ، بازار هم دارند ، خیابان ها هم دارند ، از آنجاها بیشتر در ارتش دارند ، در ژاندارمری ، در شهربانی ، در پاسداران ، اینها همه جا آدم دارند و همه هم مقصدشان این است که ما را از باطن بیوسانند . مقصد این است که بگذارند خودشان خودشان را بخورند ، محتاج نیست به اینکه یک حمله ای از خارج بشود ، زحمتی به خودشان بدهند که از خارج بشود که بگذارند خودشان خودشان را بخورند . هر جا یک بساطی درست کردند که انسجام را از دست بگیرند ، جایی که باید نظم برقرار باشد تا منسجم بشود ، تا نظم نباشد انسجام نیست ، می روند نظمش را از بین ببرند ، وسوسه بکنند ، این جوان ها عقده هائی از سابق دارند ، این عقده هایی که از سابق ، اینها در آن عقده ها انگشت می گذارند و وسوسه می کنند ، این عقده ها را دم به آن می دهند ، این عقده ها را باد به آن می زنند و از آن راه نظم را به

هم می زنند . نظم به هم خورد ، انسجام به هم می خورد ، یک دسته می آیند ارتش ، این کار را می کنند و امیدوارند که نظم را به هم بزنند . نظم به هم زدن چیست ؟ این است که از پائین ، از بالا اطاعت نکنند ، اطاعت این طبقه پائین و سرباز از درجه دار ، درجه دار از افسر ، افسر از بالاتر اطاعت نکند ، اطاعت که نکردند نظم از بین می رود ، وقتی بنا باشد که از پایین از بالا اطاعت نکند ، معنایش این است که نظمی در کار نیست . نظم که از بین رفت ، انسجام وقتی که نشود ، خودش پوسیده می شود . دیگر احتیاج نداریم که از خارج یکی بیاید ، پوسیده ، خودش پوسیده است . یک صدا یک جایی در بیاید ، خود این می پوسد ، تمام می شود . در ژاندارمری هم همین بساط را درست می کنند ، در شهربانی هم همین بساط را درست می کنند ، تو پاسدارها هم همین بساط را درست می کنند ، یکوقت چشم باز می کنید می بینید که قوای انتظامی از حالی که باید همه هماهنگ باشند و منسجم باشند از آن حال بیرون رفته است ، خود ارتش خودش دارد خودش را می خورد ، ژاندارمری همین طور و سایر قوا هم همین طور . اینها یک نقشه است ، اما اینها شما بینید که یک وقتی این حرف ها اصلا نبود که یک فرض کنید یک درجه داری از یک افسر اطاعت نکند یا سرباز از بالا دست ها ، آن وقت این حرف ها نبود ، حالا پیدا شده ، حالائی که شما زدید آن قوای چپاولگر را و از مملکت تان بیرون کردید و می خواهید یک مملکتی باشد که مال خودتان ، نظمش را خودتان بدهید ، منافع آنها هم مال خود ملت باشد ، حالا افتادند توی همه این دستگاه ها و دارند خودشان را توی خودشان منحل می کنند . اگر یک قوای انتظامی که هر دسته ای یک مطلبی بخواهند بگویند ، هر دسته ای یک مطلبی مقابل مطلب دیگر ، مخالف دسته دیگر ، این دیگر محتاج به این نیست که یک تفنگی طرف آنها بکشد ، این خودش خودش را می خورد . آنها نشستند سیگارشان را می کشند و شما تو سر هم می زنید تا خودتان را از بین ببرید . وقتی بنا شد که پائین از بالا اطاعت نکند معنای آن این است که نظمی تو کار نیست . وقتی بنا شد که متفرقات باشید هر کسی رایی برای خود آنها داشته باشد _ این _ معنای آن این است که نظم تو کار نیست ، انسجام تو کار نیست ، انسجام تو کار نباشد تمام می شود ، خودش تمام می شود ، این سرایت می کند به خارج و در بین ملت هم همین مسائل هست . احزاب مختلفه بعد از این انقلاب از قراری که می گویند حدود دویست گروه پیدا شده ، دویست گروه به این معنا _ این _ است که یک جمعیتی که باید منسجم باشند دویست گروه شدند که از هم جدا بکنند مردم را هم در تهران اگر بنا باشد دویست تا حزب و گروه و امثال اینها باشد و هی اظهار وجود ، هر روز تو روزنامه فلان گروه هم اظهار وجود کرد ، این به این معنا این است که سی و پنج میلیون جمعیت می خواهد از هم منفصل باشد ، یعنی آن انسجامی که باعث پیروزی شما شد ، آن کارشناس هایی که ملت ها را شناختند و راه ملت ها را مطالعه کردند ، راه شکست آنها را مطالعه کردند و طرح دادند برای آن ، بهتر از این چه بکنند ، بدون اینکه محتاج باشد که یک قدرت و یک قوای بیاید ، خودشان را به جان هم می اندازند . احزاب را دست شان قلم بدهند _ چیز بکنند _ تهمت به او بزنند ، این تهمت به او بزنند او را تضعیف کند . من گمان می کنم که از اول که احزاب پیدا شده در امثال ایران ، این یک طرحی بوده است از خارج ، آنها احزاب

دارند، آن مملکت های دیگر است لکن احزابی که آنها دارند فرم آنها یک جور دیگر است اینطور نیست که یک کاری بکنند که برای کشورشان مضر باشد، لکن وقتی صادر شد به این مملکت ها برای اینکه توجه به عمق مسائل ندارند، احزابی درست می شود که به حال کشورشان مضر است. اینها یک چیزی درست می کنند که اینها خیال می کنند باید ما احزاب داشته باشیم. عمق این مطلب که احزاب آنجا، ضعف آنها چه جور است و احزاب اینجا باید چه جور باشد، این را درست ادراک نکردند، احزاب درست کردند لکن هر حزبی برای دیگری کارشکنی می کند، آن حزب هم برای او. یک مملکتی که محتاج به این بود که همه احزاب آن مجتمع باشند برای پیشرفت مملکت، همه احزاب درست شد و همه با هم مخالف هستند، مع الاسف از این ممالک ما که تعلیماتش تعلیمات الهی باشد، باید ببینند چه گفتند تا اطاعت بکنیم.

حفظ نظام از واجبات شرعی و عقلیه است

خلاف تعلیمات اسلامی مجتمعات مختلف درست می کنند. قرآن می فرماید که: (المؤمنون انما المؤمنون اخوه) و غیر از برادری پیش مؤمنین پیش مؤمنین چیزی نیست، منحصر برادرند نه غیر برادر، هیچی نیستند الا برادری. این هیچ نیست الا برادری، برای این است که اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان را، انسجام پیدا می کنیم. همه مؤمنین را، همه مؤمنین را قرآن می خواهد که با هم برادر باشند و غیر از این هم نباشند در بین، اگر همه مؤمنین در قطرهای اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت بینشان انداخته است همین یک دستور را عمل بکنند، قابل آسیب دیگر نیست. اگر یک میلیارد جمعیت مسلمان، یک میلیارد جمعیت مسلمان که مع الاسف یک میلیارد جمعیتی هستند که تحت سلطه غیر هستند، یک میلیارد جمعیت تحت سلطه دویت و پنجاه میلیون، اگر این یک میلیارد جمعیت به این یک حکم خدا سر نهاده باشند، اطاعت کرده بودند همین یک حکم را که (انما المؤمنون اخوه) برادرند اینها، اگر این برادری در همه جا بود، اگر این برادری در تمام قشرهای ملت ها بود، این گرفتاری ها برای ما پیدا نمی شد، برادری این نیست که من یک کاری بکنم بر خلاف دستور، بر خلاف نظام، شما هم یک کاری، این خلاف برادری است.

حضرت امیر هم برادر بود با همه، مسلمان بود، مومن بود، برادر بود، راس مؤمنین بود و برادر بود. عقیل هم برادر حضرت امیر بود، عقیل حق داشت بگوید که من و تو برادریم، من از تو اطاعت نمی کنم، این خلاف برادری بود برای اینکه برادرند در اینکه آن معنایی که اسلام می خواهد با هم پیش ببرند، این برادری است، برادری را برای این درست کردند که منسجم بشوند به هم و با هم یک ندا پیش ببرند. اگر در یک نظامی فرض کنید در ژاندارمری یک دسته بایستند بگویند که ما به تو اطاعت نداریم، ما از تو اطاعت نمی کنیم، این اینطور نیست که بتواند یک همچو نظامی برای آن مقصدی که خدای تبارک و تعالی فرموده است شماها برادر هستید، بتوانید برادری کنید. برادری در این مقصد این است که پشت به پشت هم بدهند و همه پشتیبان هم باشند برای پیشبرد مقصد. پشتیبان هم بودن این

است که این نظم را ملا حظہ بکنند ، این درجاتی که ارتش دارد و روی آن نظم پیدا کرده ، درجاتی که ژاندارمری دارد و روی آن نظامی است و هکذا سایرین و هکذا همه مردم ، باید اینها برادر باشند ، یعنی محبت برادری به هم داشته باشند و همه پشتیبان هم باشند برای آن مقصد ، برای اینکه پیش ببرند ، برای اینکه نجات بدهند ملت خودشان را . این برادری اقتضا می کند که چون روی این مقصد است که باید پیش ببرند ، اقتضا می کند که این برادر کوچک از آن برادر اطاعت کند در این مقصد ، آن برادر بزرگ هم به این برادر کوچک محبت کند برای این مقصد ، آن رئیس باید برادر اینها باشد در پیشبرد مقصد و فرمان بدهد ، فرمانی که برادر بزرگ به برادر کوچک می دهد که همه آن رحمت است .

این پائین دست ، رده پائین به حسب نظام ، اطاعت باید بکند از او و الا برادری نکرده است ، همه مقصد راه خداست ، همه مقصد واحد جامعه اگر بنا بشود اینطور باشد جامعه توحیدی می شود یعنی توحید در مقصد . اگر ما یک جامعه توحیدی پیدا بکنیم یعنی اینطور باشد که هر کدام در محل خود ، کار خودشان را انجام بدهند برای آن مقصد ، شمانی که در ژاندارمری هستید کار ژاندارمری را به همان نظم که در آن جا مقرر است انجام بدهید برای مقصد واحد و آن حفظ کشورتان ، آنها هم در ارتش هستید ، آنها هم نظم خودشان حفظ بکنند برای همان مقصد ، ماها هم که طلبه هستیم نظم خودمان را حفظ کنیم برای آن مقصد ، آنها هم که اداری هستند ، آنها هم که در راس کار هستند ، آنها هم در پائین هستند و بالا همه حفظ بکنند همه جهات را برای یک مقصد ، همه مقصدشان این باشد ، انسجام پیدا بکنند یعنی روی مقصد و الا . انسجام که معنای آن این نیست که ما دوتا به هم بچسبیم ، معنای آن این است که ما همه با هم یک مقصد داریم و روی آن مقصد راه برویم . اگر اینطور شد ، جامعه توحیدی است و اگر بنا شد که نظم را از دست بدهیم ، جامعه از توحیدیت بیرون می رود . اگر شما از بالا اطاعت نکنید بالا به شما تعدی بکند ، من از بالاتر اطاعت نکنم بالاتر به من تعدی بکند ، این انسجام از بین می رود ، این جامعه توحیدی از بین می رود و جامعه توحیدی این است که همه کار خودشان را انجام بدهند روی نظام و همه هم مقصدشان یکی باشد ، این جامعه توحیدی است . اینهایی که می آیند در داخل ارتش ، در داخل ژاندارمری ، در داخل پاسبان ها ، در داخل شهربانی ، توی جمعیت ها ، توی دانشگاه ها ، همه جا این شیاطین هستند ، همه جا اینهایی که می آیند با اسم اینکه جامعه توحیدی ، می خواهند توحید را از بین ببرند . اینها هم نقشه دارند برای اینکه همه را بپوسانند ، این جامعه را بپوسانند ، مقصد دارند اینها . ما باید آگاه باشیم از این معنا ، جوان های ما را باید آگاه بکنند ، شماها باید آگاه باشید ، جوان ها را آگاه بکنید که مقصد این است .

آقایانی که روابط دارند ، با شما هستند ، آنجا باید آشنا بکنند جوان ها را به اینکه جامعه توحیدی معنای آن این نیست که هرج و مرج باشد ، جامعه توحیدی معنای آن این است که همچو با هم پیوست باشند که آسیب دیگر نینند که یکی بشوند کانه یک موجود ، نه این است که جامعه توحیدی معنای آن این است که بالا و پائین تو کار نباشد ، مگر امکان دارد یک همچو چیزی ، مگر انسجام حاصل بشود . که اگر چنانچه پائین و بالائی نباشد و همه خودسر باشند ، پائین و بالا نبودن معنای خودسری است ،

نظم نبون معنای خودسری است ، خودسری منافی با جامعه توحیدی است ، اطاعت نکردن مخالف با جامعه توحیدی است . آنهایی که به خورد جوان ها می دهند ، جوان های ما می دهند که جامعه توحیدی می خواهیم پس نه افسری و نه درجه داری و نه چیزی ، همه ما سرباز باشیم ، کی از کی اطاعت کند . چه وقت می توانید وحدت پیدا کنید ، هر کدام اینها مثل او ، انسجام از کجا پیدا بشود . وقتی نظم نباشد ، وقتی هر کسی برای خودش علیحده باشد و سرخود باشد ، انسجام پیدا نمی شود . شما صد میلیون قاطر چموش را می توانید وادار کنید به یک کار ، صد میلیون کاری یک کار انجام می توانند بدهند ، همه تو سر هم می زنند صد میلیون جمعیت اگر چنانچه نظم در کارشان نباشد . حضرت امیر در دستوری که می دهد می گویند که امورتان را نظم بدهید . نظم همین ، نظام همین است . همه جامعه باید نظم داشته باشند ، انحصار به ژاندارمری و انحصار به ارتش و اینها نیست ، همه جامعه نظم لازم دارد ، اگر نظم از کار برداشته بشود جامعه از بین می رود . حفظ نظام ، یکی از واجبات شرعی و عقلیه است که نظام باید محفوظ باشد . آنهایی که می گویند نظام به این معنا نمی خواهیم و همه مان یک جور ، همه مان بدون اینکه یک ضابطه ای در کار باشد عمل بکنیم ، خلاف قرآن دارند عمل می کنند ، خلاف اسلام دارند عمل می کنند ، خلاف مصالح مملکت دارند عمل می کنند . آنها در خارج نشسته اند و می خندند به ما که اینها را ما بازی دادیم ، خودشان را به جان هم انداختیم . آنها در خارج نشسته اند و به ما می خندند که ما احزاب را وادار کردیم که به جان هم بیفتند . هر کس برای دیگری حرف می زند . شما روزنامه ها را که می خوانید می بینید که در روزنامه زیاد این به چشمتان می خورد که این به او بدگوید ، این به او بد می گوید . حالا که قلم آزاد شد باید اینطور باشد که هر کس به دیگری هر چه دلش بخواهد بگوید و هر کس به دیگری کاری بکند که این مملکت از نظم بیرون برود ، از نظام بیرون برود ، این معنای آزادی است ؟ آن آزادی که در ممالک که ما را می خواهند بخورند هست ، اینطوری است ؟ اگر اینطور بود ، انسجام را پیدا نمی کردند ، این ترقیات را پیدا نمی کردند . آنها با اسم آزادی که در این مغز این جوان ها می اندازند ، با اسم آزادی می خواهند شما را تحت حمایت خودشان قرار بدهند و آزادی را از شما سلب بکنند ، آنها دارند می فهمند چه می کنند به اسم اینکه انقلاب کردید آزادید دیگر ، آزادند دیگر ، توبه او بد بگو ، او به او بد بگوید ، او قلم بردارد و به ضد تو بگوید ، تو قلم بردار به ضد او بگو ، آنها می دانند دارند چه می کنند ، می خواهند آزادی شما را با آزادی سلب کنند ، آزادی ناسالم در شما ایجاد کنند و آزادی حقیقی را از شما بگیرند و یک روزی همه ما باز گرفتار یک همچو مسائلی بشویم یا بدتر از آن . باید دانشمندا ، روحانیین ، خطبا ، سران لشکر ، سران ژاندارمری مردم را آگاه کنند ، جوان ها را آگاه کنند که دارند گول می خورند ، دارید به یک راهی می روید که راه دشمن تان است گولتان زدند و من امیدوارم که خداوند ماها را بیدار کند و به وظائف اسلامی خودمان آشنا کند و انشاءالله من به شما مژده پیروزی می دهم برای اینکه ما برای خدا می خواهیم کار بکنیم انشاءالله و کسی که برای خدا کار می کند شکست در آن نیست ولو کشته بشویم شکست نداریم . حضرت سیدالشهدا هم کشته شد لکن شکست خورد؟ الان بیرق او بلند است و یزیدی تو کار نیست .

بیانات امام خمینی در دیدار با خانواده های شهدای سردشت و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده تکنیکوم

با وحدت کلمه و اتکال به خدا سرنوشت کشور خودتان را تعیین کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر شما جوانانی که در این موقع حساس برای این مطلب مهم آمدید و می خواهید راه را بدانید . مراحلی که طی شد ، بحمدالله خوب طی شد . گرفتاری های زیادی برای شما جوان ها ، برای ملت ما پیش آمد لکن بحمدالله تاکنون با پیروزی جلو رفتیم و امید است که با اتکال به خدای تبارک و تعالی و با وحدت کلمه مراحل بعد را هم که بسیار حساس است با پیروزی جلو بروید . شیاطین در صددند که نگذارند شما راه خودتان را ادامه بدهید ، از اول هم نمی گذاشتند ، بنای این را داشتند که جلو پای شما مانعی ایجاد کنند ، با طرق مختلفه و با توطئه های زیاد و حساب شده ، الان هم دست برنداشته اند و در این مراحل بعد هم دست بر نمی دارند و شما جوان ها و همه قشرهای ملت باید با بیداری به پیش بروید . وقتی بناست که سرنوشت یک ملتی به دست خودش باشد که بحمدالله به اینجا رسیدید و امروز کسی به شما تحمیل نمی کند چیزی را و شما آزادی در اینکه سرنوشت خودتان را تعیین کنید ، در این مرحله هم من امیدوارم که با روشن بینی ، با تفکر ، با مال اندیشی این مراحل را طی کنید .

اعتقاد به ولایت فقیه از خصوصیات لازمه برای مقام ریاست جمهوری

و من امیدوارم که اشخاصی که کاندیدا شدند برای ریاست جمهوری شما توجه کنید و کسی که از همه متعهدتر باشد ، نه غربی باشد ، نه غربزده باشد ، نه شرق زده باشد ، مسلمان باشد ، پیرو احکام اسلام باشد ، ملی باشد ، دلسوز به ملت باشد ، خدمتگزار به ملت باشد ، سوابقش خوب باشد ، در رژیم سابق هیچ گاه وارد نشده باشد و با اجانب پیوند نداشته باشد ، از خودتان باشد و برای خودتان . اختیار دست شماست ، من بنا ندارم به اینکه کسی را تعیین کنم ، ما همین اوصاف رئیس جمهور و اوصاف وکلائی که بعد می خواهید انشاءالله تعیین کنید باید بگویم و شما خودتان انتخاب کنید و از تفرقه و تفرق پرهیز کنید . اشخاص را هم ملاحظه سوابق شان را بکنید که قبل از انقلاب چه بوده اند ، در حال انقلاب چه بوده اند و بعد از پیروزی نسبی چه کردند و چه بودند و بعد از اینکه همه اوصافش را به دست آوردید و او را شخصی دانستید که لیاقت دارد برای یک همچو مسندی و می تواند این مملکت را به طوری که خدا می خواهد اداره کند تا آن حدودی که در اختیار اوست و شخصی است که تعهد به

اسلام دارد، اعتقاد به قوانین اسلام دارد و در مقابل قانون اساسی خاضع است و اصل صد و دهم ظاهراً که راجع به ولایت فقیه است، معتقد است و وفادار است نسبت به او، یک همچو شخصی را شماها خودتان انتخاب کنید و گروه های مردم را هم وادار کنید که یک همچو شخصی را انتخاب کنند و از تفرقه پرهیزید.

با تمام قوا جدیت کنید شخص لایق انتخاب شود

ممکن است که اگر شماها یا سستی کنید برای یک همچو امر مهمی و طوری باشد که به نظر بیاید که بی تفاوتید (اگر شد؛ که بروید رأی بدهید، اگر نشد نروید) و یا گروه های شما با هم افتراق بکنند، ممکن است اشخاصی که لایق این مقام نباشند به این مقام برسند. این امری است که بسته به نظر خودتان و باید با تمام قوا جدیت کنید که سرنوشت اسلام و مسلمین را به دست کسی که لایق برای این مقام نباشد، ندهید. و من امیدوارم که با اتکاً به خدا این مطلوب هم حاصل بشود و از خدای تبارک و تعالی سلامت و توفیق و رفاه ملت را خواستارم. و از قراری که تذکر دادند خانواده های شهدای سردشت در اینجا هستند. من به آنها تسلیت عرض می کنم، من در غم ملت شریک هستم. خداوند شهدای شما را رحمت کند و شما را برکت و خیز و صبر عنایت کند و ملت ما را و اسلام را عظمت.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون ارومیه

شکست نهضت، شکست مکتب است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما تاریخ اسلام پیشمان است و می بینیم که پیغمبر اکرم در بعضی از جنگ ها شکست خورد، در مکه هم که بوده است دائما در انزوا بود، بدون اینکه بتواند یک کاری انجام بدهد. گاهی حبس بوده است توی آن غار، خوب حبس بود آنجا، مدینه هم که تشریف آوردند، البته نهضت را پیش بردند، لکن در بعضی از جنگ ها شکست خورد.

حضرت امیر سلام الله علیه هم در جنگ با معاویه شکست خورد، یعنی شکستی از لشکر خودش، از آن اشخاص نادان مقدس مآب شکست خورد. حضرت سیدالشهدا هم شکست خورد اما پیروزی نهائی را داشتند، مکتبشان شکست نخورد با کشته دادن، دشمنشان را عقب زدند، بساط معاویه را که می خواست اسلام را به صورت یک امپراطوری درآورد، برگرداند به زمان جاهلیت و آن اوضاع جاهلیت، شکستش دادند. یزید و اتباع یزید دفن شدند تا ابد، و لعن مردم بر آنهاست تا ابد، لعن خدا هم بر آنهاست و آنها خودشان محفوظ بودند.

ما هم اگر چنانچه اینطور شکست بخوریم، افتخاری است بر ایمان و اشکالی هم برایمان نیست که همانطوری که مجاهدین صدر اسلام شکست می خوردند، ما هم شکست بخوریم، این نهضتمان پیش می رود و آبروی اسلام محفوظ می ماند، تا آخر هم محفوظ می ماند و اما اگر حالا- که مدعی این هستیم که انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی است و امثال ذلک و ما در این جمهوری اسلامی شکست بخوریم به عنوان، یعنی شکست مکتب، یعنی گفته شود که رژیم طاغوتی عوض شده یک رژیم طاغوتی دیگر آمده است که دشمن های ما هم همچو نیست که اکتفا کنند به اینکه مثلا فلان کمیته خلاف کرده، فلان دادگاه خلاف کرده، این را می آورند. روی اینکه آخوندها اینجوریند، به این هم اکتفا نمی کنند که روحانین اینجوریند، این ها با اسلام مخالفند، می گویند اسلام هم همان بود، اسلام هم همان مثل رژیم های دیگر است، اینطور نیست که اگر من شکست بخورم، شما شکست بخورید، بیایند بگویند زید شکست خورده، یا اگر من خلاف بکنم، بیایند، بگویند خلاف کرده، اینجور نیست. از فرد به نوع و از نوع به اصل مقصد می کشانند دشمن اصل اسلامند و قلم ها هم برای اصل اسلام به کار می رود.

بازی با اساس اسلام گناهی است نابخشودنی

و ما را می خواهند که در داخل خودمان پوک کنند و منهدم کنند از داخل خودمان . اگر هم همین قدر بود که ما از بین می رفتیم لکن مکتبمان محفوظ می ماند ، اشکال نداشت ، لکن آنها مقصدشان این است که مکتب را بهش صدمه بزنند . و این یک مسؤولیت بزرگی ، جانفرسائی برای ما آمده است ، یک مسوولیتی است که اگر خدای نخواستہ تقصیر بکنیم در این قضایا ، اگر چنانچه ما بخواهیم برای _ مثلا فرض کنید _ فلان امام جماعت بخواهد برای رواج بازار خودش یک کاری انجام بدهد ، در کمیته عمدا یک کسی کاری انجام بدهد ، به طوری که دست دشمن های ، قلم های مسمومشان که هست بهانه پیدا بکنند و حمله کنند به آن چیزی که اساس است و آن عبارت از اسلام است ، ما یک گناهی مرتکب شدیم که بخشودنی نیست ، گناهی بخشودنی است بخشودنی هست پیش خدا که صدمه اش به خود آدم برسد ، خود آدم آلوده بشود یا افرادی فرض کنید اما آنی که با اساس اسلام برخورد بکند و بازی با اساس اسلام با اساس اسلام باشد ، این مطلبی نیست که به ما ببخشند و این ننگی برای ما ، برای جامعه روحانیت در تاریخ پیدا خواهد شد که تا آخر جبران نمی تواند شود .

در مقابله بین اسلام و کفر همه مسوولند ، بخصوص علما و روحانیون

تکلیف اهل علم در این زمان از همه زمان هائی که بر اهل علم گذشته بیشتر است ، از صدر اسلام تا حالا برای اهل علم اینطور صحنه پیش نیامده . آن روزی که حضرت امیر سلام الله علیه در جنگ خیبر بود که پیغمبر اکرم می فرماید که اسلام تمامش با کفر تمام مقابله کرده ، آن روز برای حضرت امیر صحنه ای پیش آمده بود و مسوولیتی پیش آمده بود که اگر چنانچه خدای نخواستہ به فرض محال سستی می شد ، تا آخر ، ابد ، بخشودنی نبود ، لکن او که اهل سستی نبود ، او پیش می برد . او یک ضربتش افضل از عبادت ثقلین شد در آن روز . امروز هم ما مواجهیم ، آنطوری که در این برهه از زمان که هستیم ، اسلام مقابل با تمام کفر است . نه من و شما مقابلیم ، من و شما مطرح نیستیم ، نه ملت ایران ، این هم مطرح نیست ، اسلام الان مطرح است ، یعنی مقابله بین اسلام و کفر ، و در این مقابله ما بین اسلام و کفر همه ملت مسوولند ، همه مسوولند . لکن روحانیت بیشتر مسوول است ، برای اینکه پاسداران درجه اول روحانین اند ، اینها بیشتر مسوول از دیگران می شود گفت که سنخ ، صنف مثلا کاسب ، صنف کذا ، اینها مثلا اکثرا قاصرند ، چطور ، اما در اهل علم این کم است ، قصور کم است ، مسؤولیت هم زیاد . باید فکر بکنید .

این مسوولیتی که الان به عهده همه ما هست ، چطور ما از زیر بار مسوولیت بیرون برویم . نه شما آقایان ارومیه و نه آقایان آذربایجان و آقایان تهران و قم ، همه علماً ایران ، این بار به دوش همه است ، همه ملت است . سنگینی اش بیشتر به دوش علما است ، باید علما فکر بکنند ، باید محاسبه بکنند خودشان را . یکی از چیزهائی که در منازل سیر است ، محاسبه است که انسان آنوقتی که محاسبه شده است بین خودش و خدا ، خودش را به حساب بکشد ، محاسبه کند خودش را که من در این راهی که دارم

می روم چه کردم امروز، من چه کردم؟ محاسبه کنید خودتان را، هم محاسبه کنیم همه خودمان را و همه ملت، همه مسلمان ها و در راس، علما، آنقدر مسوولیتی که به عهده آقایان اهل علم است، به عهده دیگران نیست، آنقدر آنها، اگر چنانچه خدای نخواستہ یک راهی بروند که راه خدا نباشد، چهره اسلام به دست آنها جور دیگر می شود، کاری بکنید که به عهده ما یک همچو مسوولیتی که هست، بتوانیم به آخر برسانیم.

لغزش علما، اسلام را در خطر می اندازد

از خدا بخواهید که ماها از لغزش دور باشیم. خودتان برای خودتان، برای همه ملت، ملت بخواهد برای خودش و برای علما دعا کنند که این طبقه لغزش پیدا نکنند که به لغزش آنها اسلام در خطر است. همه ما مکلفیم، همه مسوولیم و (کلکم راع و کلکم مسوول) این برای همه است، لکن به عهده شما بیشتر است. شماها باید بیشتر رعایت بکنید. بیشتر در این پستی که هستید که مسند اسلام است، بیشتر مراعات بکنید. بیشتر مردم را مراعات کنید، جامعه را بیشتر تربیت کنید و همه مسوولیم و همه مسوولید و هر کس سعه نفوذش بیشتر است، مسوولیتش بیشتر است.

از خدا بخواهید که ما بتوانیم و خودتان بتوانید و ملت بتواند از این مسوولیت بزرگی که به عهده اش هست، لااقل پیش خدا آبرومند باشد. ما رفتنی هستیم، آقا این یک مسأله واضحی است، همه مان خواهیم رفت، همه مان در رحیل هستیم، توی راهیم همه. از من نزدیک است، شما جوانید یک قدری عقب تر، آن هم معلوم نیست، مرگ هم معلوم نیست که برای پیر و جوان فرقی بگذارد، یک امد معینی است، همه رفتنی هستیم، کوشش کنید که آن وقت که ملک موت می آید و مشاهده می کنید او را، آن با شما به یک صورت رحمانیت عمل کند، شما را که می برد به یک صورت خوب ببرد. کوشش کنید که آنجا که باب رحمت است بسته نشود و باب غضب باز بشود، از خدا بخواهید که بشود اینطور، و اگر چنانچه ما در این قدم که حساسترین قدم است در اسلام و برای همه و برای روحانیت و برای همه متفکرها و برای همه ملت، در این موقعی که حساسترین مواقع است بین تان، ایجاد اختلاف بین تان نکنید، دسته بندی نکنید، هر کسی برای خودش نکشد. خدا هست، غفلت نکنید از او، خدا حاضر است، همه ما تحت مراقبت هستیم (والله من ورائکم محیط) مراقب است. آن خطرات قلب شما در مراقبت حق تعالی است، آن لحظات چشم شما در مراقبت حق تعالی است، آن حرکات زبان شما در محضر حق و در مراقبت اوست، توجه داشته باشید که این دنیا رفتنی است و حساب شما با کسی است که همه چیزشان تحت مراقبت بوده است. قضیه، قضیه معصیت انسان و قضیه اینکه من بنده خدا هستم و بنده خدا معصیت کار می شود و این کذا، قضیه، قضیه محاسبه بین شما و خدا تنهائی، قضیه، قضیه این است که امروز غیر زمان طاغوت است، زمان طاغوت اگر یک شخصی، ملائی یک کار خلاف می کرد، می گفتند این طاغوتی هست و این مثلا آخرش می گفتند ساواکی هست، نمی آمدند سراغ اینکه بگویند این حرفی که آخوندها از اول داد می کردند و مردم را هم وادار می کردند به داد کردن، این حرف دروغ

از کار در آمد، این نمی گفتند به آنها، آخوندها آن وقت مظلوم بودند. چهره مظلوم چهره محبوب است، شما در آن رژیم هر چه مظلومتر می شدید محبوبتر می شدید، هر که مظلومتر بود محبوبتر بود. چهره امروز، چهره مظلومیت نیست تا محبوب بشوید، چهره این است که وقتی که کار در اینها در آمد، اینها هم همانند. شما را به صورت دیگر در می آورند، آنها هم که فرض کنید که در این کاری که من می کنم یا شما می کنید، دخالت ندارند، آنها را هم پهلوی شما می گذارند با یک چوب می زنند.

پس ما مسوولیت اسلام را داریم، مسوولیت مسلمان ها را هم داریم، مسوولیت روحانیت را هم داریم، همه چیز را داریم، همه چیز را داریم، همه مسوول و هر کس سعه نفوذش بیشتر، مسوولیتش بیشتر. کاری بکنید که آن اسلام عزیز که امروز دست شماست، با یک صورت خوبی تحویل بدهید به عقبابان، یک صورت مشوه درست نکنید که بگویند همین بود. اسلام نورانی است، با دست ماها مشوه می شود.

کار بکنید که اسلام از ما گله مند نباشد

و امروز روزی است که اگر خدای نخواستہ ما در این نهضت شکست بخوریم، شکست خوردیم تا آخر. یک وقت بود که ما می گفتیم که طاغوت هست، انشاءالله حکومت اسلامی بشود، انشاءالله آن درست می شود، همه حرفمان این بود، ملت هم فریاد کردند که ما اسلام را می خواهیم.

اگر خدای نخواستہ حالا یکی اینطور شده، به واسطه کجروی ماها، کجروی طوائف مختلف، کجروی احزاب، بعضی از احزاب، اگر خدای نخواستہ از باطن ما را تهی کنند و ما را به جان هم بریزند و مهم این نیست، مهم اینست که با به جان هم ریختن، صورت اسلام را یک جور دیگر جلوه بدهند به دنیا، بگویند سر و کار آنها با دنیاست. قلم آنها دستشان هست، همه چیزهای گروهی، رسانه های گروهی دست آنهاست، ماها یک ملت ضعیفی هستیم، و جز یک حربه که ایمان بود، نداشتیم. همه تبلیغات مال آنهاست، ما راه تبلیغی نداریم، کاری ما نکنیم در همه تبلیغاتشان و همه جای دنیا بگویند که اسلام اینطوری بود که در ایران بود.

شما ملاحظه می کنید در بعضی از این ممالک که اسم اسلامی رویش هست، الان هم در همه جا می گویند که اسلام این است که در اینجاست، خوب، این یک چیز، مائی که ادعا داریم و ادعا می کنیم همه مان _ و صحیح هم هست ادعایمان _ که اسلام آن نیست که آنها می گویند، اسلام یک اسلامی است که حکومتش یک حکومت خاص است، رژیمش یک رژیمی است غیر همه رژیم های دنیا، عدل و انصاف هست در آن، حکومت خداست. مائی که این حرف را می زنیم و صحیح هم هست حرفمان اگر گفتارمان با اعمالمان مخالف باشد، مگر منافق چیست؟ یک دسته از منافقین در صدر اسلام بودند که گفتارشان با واقعشان مخالف بود، راجع به اصل اسلام می آمدند می گفتند ما مسلمانیم و نبودند.

ما ادعا می کنیم که ما روحانیون می گذاریم، ما اول باید از خودمان مایه بگذاریم. بیخود هی

نگوئیم ما خوبییم و دیگران بد ، مائی که دعوی این را داریم که ما هستیم که اسلام را می خواهیم ترویج کنیم ، اسلام را می خواهیم تقویت کنیم ، علاقه به اسلام داریم ، احکام اسلام پیش ماست ما ، باید احکام اسلام را پخش بکنیم . مائی که این مسائل را داریم می گوئیم و خودمان هم به صورت یک نفر آدمی که به اسلام به همه معنا ایمان آورده است و قبول دارد همه چیزش را و یک آدم متقی صالح کذاست ، اگر خدای نخواستہ در باطن بر خلاف این باشیم ، منافق نیستیم ؟ همان ابوسفیان منافق است ؟ من و شما هم منافقیم ، آن ایمانش را عرضه می کرد و نداشت ، شما هم کمال ایمانتان را عرضه می دارید . بله ، مسلمان هستید ، اما منافقید ، این مسلمان منافق در جهات دیگر . اینها هیچ کدام مهم نیست ، مهم این است که اسلام دست ما آمده است ، امانت خداست دست ما آمده است ، این امانت را باید به آنطوری که هست بدهیم به اعقابمان ، عرضه کنیم این اسلام را به آنطوری که واقع اسلام است به دنیا ، و خودمان جوری نکنیم که این اسلام را یک طور دیگر نمایش بدهیم به غیر ، آنطوری که هست نمایش بدهیم . این دیگر فرق نمی کند بین آن بچه طلبه و طلبه ناری که تازه تو مدرسه رفته است و شما آقایان که از علما هستید و در مساجد هستید با سایرین ، هیچ فرقی مابین آنها نیست ، منتها شما آقایان که بزرگتر و بالاتر هستید ، مسؤولیت تان بیشتر است . امثال من طلبه است ، اما همه مسوولند ، مسؤولیت کم و زیاد دارد ، به حسب اختلاف نفوس ، اختلاف سعه کلمه ، کاری بکنید که اسلام از ما گله مند نباشد ، قرآن کریم از ما گله مند نباشد ، که آقایان که شما خودتان را می گفتید که ما مروج قرآن هستیم ، مبین احکام قرآن هستیم ، چرا خودتان یک کاری دارید می کنید یا کردید که اسلام یک جور دیگر جلوه کند پیش مردم .

خیلی مواظب باشید ، این مسند خطرناک است ، این عمامه خطرناک است ، این محاسن خطرناک است . خودتان را از این خطرها نجات بدهید ، حفظ کنید خودتان را ، این مال ما ، همه همین طور ، فرق ندارد ، اسلام مال اهل علم نیست ، اسلام مال همه است ، این امانتی است که خدا به همه داده است . شما هم اگر چنانچه فرض کنید پاسدارید و در یک جائی به اسم پاسداری اسلام ، پاسداری شدید ، شما حالا پاسدار طاغوت نیستید ، پاسدار اسلام هستید ، اگر چنانچه پاسدار اسلام هم یک کاری بکند که بگویند اینها هم مثل سابق ، در بین همین مردم ضعیف الایمان هست که می گویند که یککاش نشده بود برای اینکه ما حالا از دست بعضی از مامورین بیشتر بر ایمان بد می گذرد از سابق ، ولو درست نمی گویند لکن خوب ، گفته می شود ، آنها هم که شیطانند تزریق می کنند به آنها یک همچو مسائلی .

این یک مساله ای نیست که مربوط به من و آقا و آقا باشد ، این یک مساله ای است مربوط به ملت است ، یک ملتی که اسلام را رای به او داده ، گفته است ، رای داده ملت به جمهوری اسلامی ، یعنی قبول کرده است که باید ما نظاممان نظام اسلام باشد ، آنوقت اینکه قبول کرده است که نظامش باید نظام اسلامی باشد ، پاسدار است ، بر خلاف نظام اسلام عمل می کند ، کاسب است بر خلاف نظام اسلام عمل می کند . نظام مال همه است ، نظام یک چیزی است که همه ملت در تحت پوشش نظم باید باشد . بازاری یک کاری می کند که بر خلاف آن نظامی است که اسلام قرار داده است و هکذا ، ادعا کردید که ما اسلام

را قبول کردیم رژیممان حالا- رژیم اسلامی است، از طاغوت منتقل شدیم به الله، از حکومت شیطان بیرون آمدیم تحت حکومت رحمان رفتیم، ما که این ادعایمان است همه ملت رای به این دادند، اگر کارهای زمان طاغوت را اعاده کنند، اینها در این ادعا منافق بودند

باید از حالت شیطانی به حالت رحمانی متحول شویم

کارها را باید عوض کرد، باید تحول پیدا کرد، باید همه ملت متحول بشود. این نباشد که ما متحول، انقلاب چیز کردیم، از طاغوت بیرون، باید انقلاب باطنی بکنیم، باید نفوسمان هم منقلب بشود، اگر تا حالا در تحت سلطه شیطان و طاغوت بوده است، متحول بشویم و بیرون برویم از این پوشش شیطانی به پوشش رحمانی. آن به این است که ما مطابق نظام اسلام عمل کنیم. رباخواری مخالف با نظام اسلام است، جنگ با خداست به حسب قرآن (فاذنوا بحرب من الله) بیائید به جنگ خدا، اینها به جنگ خدا رفتند.

اگر بازار مسلمان ها همان بازار زمان طاغوت باشد، نمی تواند بگوید که من رژیم اسلامی را قبول کردم، نخیر، شما در تحت رژیم شیطان هستید و طاغوت هستید باز و هکذا همه قشرها یک مساله ای است مال همه قشرها و ما اول برای خودمان قبول می کنیم مساله را و بعد هم برای همه تان. مسوول اول خود ما هستیم و بعد هم همه شما. فکر اسلام باشید که این مساله را نگذارید صدمه بخورد، از دست ما صدمه بخورد. از دست دشمن ها می خورد، اگر دولت ها با هم باشند آسیب نمی توانند بزنند، آسیب نمی توانند بزنند، اما اگر چنانچه ماها از دست به جان هم بیفتیم، با هم مختلف باشیم، ماها بخوایم هر کدامی یک کاری را انجام بدهیم، از نظم اسلامی بیرون برویم، از تحت فرمان حکومت اسلامی بیرون برویم، از فرمان خدا بیرون برویم آسیب می بینیم، از باطن ما را از هم منفصل می کنند و آسیب پذیر می کنند، و الان تمام افکار، افکار آنهایی که می خوردند مال این ملت را، متوجه این معنا است.

اگر ما را محاصره اقتصادی بکنند، ما فعالتر می شویم

هیچ وقت از نظامی نترسید، هیچ وقت از این حرف هائی که می زنند که ما مداخله نظامی می کنیم، از این هیچ وقت نترسید، بلکه آنوقت هم مداخله نظامی بکنند به نفع ماست. از حصر اقتصادی هم ابد نترسید، نمی توانند، اگر برای اینکه خوب، روزیش از آسمان می رسد و هی می دهند به او کاری نمی کند، اگر ما را محاصره اقتصادی بکنند ما فعالتر می شویم، به نفع ماست، بکنند ما را محاصره، از این هم هیچ نترسید. از این دشمنی که آمده در داخل و ما را می خواهد از داخل فاسد کند، این ترس دارد که ما به جان هم بیفتیم، من شما را لعن کنم، خدای نخواستہ شما من را لعن کنید، و ملت را با صورت های مختلف، حزب های مختلف، جمعیت های مختلف _ در عرض چند ماه قریب دویست تا جمعیت می گویند هست، جمعیت مختلف _ این جمعیت های مختلف اگر همه وجهشان یک طرف بود،

همه برای خدا بود، خوب، هر کسی می خواهد یک راهی، مثل یک کسی بقال است و توجه به خدا دارد، یک کسی ملاست و توجه به خدا دارد، اما احزابی که در ایران پیدا می شود، جمعیت هائی که در این طرف ها پیدا می شود، اینها (کل یلعن صاحبه) همه مخالفند با هم، آنها هم همین را می خواهند که از راه زیاد شدن احزاب، زیاد شدن اختلاف درست کنند. این راه، راه احزاب که از آن راه پیش می آید، در قضایای دیگر هم همین حرف ها را پیش می آورند، این زیانش چیست، آن زیانش چیست، این باید چه جور باشد، آن باید چه جور باشد. تمام اینها نقشه است، این غائله هائی که یکی بعد از دیگری پیش می آورند، این نقشه هائی است که طرح ریزی شده است و به دست خود ماها انجام می گیرد که بین خود ماها را از هم جدا کنند، آنها نتیجه اش را ببرند. و خدا همه ما را حفظ کند از اینطور اختلافات، از اینطور چیزها.

خداوند انشاءالله همه تان را تایید کند، موفق باشید، سلامت باشید و متشکر از آقایان که اظهار لطف کردند و در این منزل حقیر وارد شدند.

بیانات امام خمینی در جمع گروه بانوان دوازده فروردین شماره 2 کن و حومه

تحقق جمهوری اسلامی یک ضربه ای است به شرق و غرب

بسم الله الرحمن الرحيم

من هر وقت بانوان محترم را می بینم که با عزم و اراده قاطع در راه هدف ، حاضر به همه طور زحمت بلکه شهادت هستند مطمئن می شوم که این راه به پیروزی منتهی می شود .

ملتی که تمام قشرهایش ، خانم های محترم و مردان معصومش با هم هستند و یک راه می روند ، این راه آسیب نخواهد دید ، شما نگران آسیب های خارجی نباشید ، از خارج نمی توانند شما را آسیب برسانند مادامی که خودتان منسجم هستید . نه دخالت نظامی از آن کاری ساخته است و نه حصر اقتصادی و این مسائل که آنها پیش می آورند آنها از شان کاری ساخته نیست و شاید آنها هم که این حرف ها را می زنند و ظاهرا جدی هم نیست برای اینکه ما را از این حرف های دیگر اغفال کنند . آن مسائلی که ممکن است از آن مسائل ، آسیب بینیم ، آن مسائل داخلی است . توطئه ها اینطور است ، از خارج یک چیزهایی گفته می شود تا اذهان متوجه به خارج بشود مثل همین حصر اقتصادی و مداخله نظامی که دولت آمریکا تهدید می کند ملت را ، به نظر می رسد که این یک توطئه باشد که اذهان را از داخل کشور متوجه به خارج بکند ، غافل بشوند از توطئه ، غافل بشوند از شیطانی داخل . بعید به نظر نمی رسد آن چیزی که پیش اجانب اهمیت دارد و به آن اصرار دارند آن توطئه ای است که در داخل حاصل می شود . اگر ما را از خارج اغفال نکنند و توجه ملت ما به داخل کشور و توطئه های داخلی باشد ، ممکن است که ما بتوانیم و انشاءالله می توانیم که آن توطئه ها را خنثی کنیم . لکن آنها از خوف اینکه مبادا ملت همه قوایش را صرف داخل بکند و این توطئه هائی که اصیل است پیش آنها ، این توطئه ها را خنثی بکند ، یک طرح های خارجی می ریزد ، یک مسائل خارجی پیش می آورد ، مثلا بعضی از اقشار را متوجه می کنند که در انگلستان توطئه ای است در فلان محل ، یک توطئه ای است ، در فرانسه یک توطئه ای است و می خواهند از آنجا توطئه ای را بجا بیاورند که بیایند ایران چه بکنند . خود این هیچ اساس ندارد ، محتمل هم هست که همین صحبت هائی که با تناقض گوئی های مختلف و تضادگوئی های مختلف از دولت امریکا صادر می شود راجع به اینکه گاهی دخالت نظامی ما می کنیم ، آن یکی می گویند نه نمی شود دخالت ، دوباره دخالت می کنند ، دوباره می گویند نه ، نمی شود دخالت ، دوباره دخالت می کنند ، دوباره می گویند نمی شود دخالت و از این حرف ها ، حصر اقتصادی می کنیم ، حالا چند

روز صبر کنید به سازمان ملل می بریم خوب حالا یک قدری صبر کنید ، به شورای امنیت می بریم ، یک قدری مهلت بدهید ، این حرف هائی که به نظر می رسد برای مقصد دیگر است نه برای خودش ، نه حصر اقتصادی می کنند و می توانند ، نه دخالت نظامی می کنند و می توانند ، اما می توانند با این حرف ها ما را ، اذهانمان را متوجه به آن طرف کنند . و از خودمان غافل بشویم .

در عین حالی که ملت ما باید هوشیار باشد راجع به همان مسائلی که در خارج هم طرح می شود و غفلت از او هم نکند ، بیشتر نظر باید به توطئه های داخل باشد ، توطئه هائی که در داخل انجام می گیرد خیلی زیاد است و اینها در این توطئه ها فن های زیادی دارند ، ذوفنون هستند! یک قسمش همین شلوغی هائی است که راه می اندازند . در آذربایجان این بساطی که درست می کنند و دامن به آن می زنند یک قسم اینهاست ، در سیستان ، در زاهدان ، در کجا ، یک قسم دیگرش این اختلافاتی که در شهرها و در دهات و در سایر جاها ایجاد می کنند گروه های مختلف ، اختلافات زیاد ایجاد می شود ، او جمهوری اسلامی می گوید ، آن یکی چیز دیگر می گوید ، آن یکی چیز دیگر می گوید ، مقابل اسلام می طرح های متعدد می دهند در عین حالی که می دانند پیش نمی رود ، لکن می خواهند ناراحت کنند . همانطوری که خارجی ها طرح می دهند برای دخالت نظامی یا حصر اقتصادی و خودشان می دانند که یک چیز صحیحی این نیست ، این طرح برای مقصد دیگری ممکن است باشد و آن اینکه ما را از این آشفتگی های داخلی متوجه به آن بکنند ، به نظرمان بیاید که آن مشکل است ، اینها دیگر مشکلات ندارد ، احتمال این معنا هست .

ما در عین حالی که باید توجه به آن مشکل داشته باشیم و با تمام قوا متوجه به آنجا باشیم ، اما از این مشکلات داخلی که شاید پیش آنها اصیل باشد ، از این غفلت کنیم ، این اختلافاتی که از اول تا حالا ایجاد کردند ، از آن روزی که یک پیروزی نسبی برای این ملت حاصل شد و این سد را شکستند و دست اجانب قطع شد از این کشور ، از آنوقت شروع کردند به ایجاد اختلافات و توطئه ها ، یک راهش این بود که در هر قدمی که ملت بر می دارند یک اختلاف ایجاد کنند ، راجع به اصل جمهوری اسلامی حرف ها بزنند و مقاله ها بنویسند و نطق ها بکنند ، راجع به مجلس خبرگان صحبت ها بکنند که حالا هم دارند می کنند ، راجع به قانون اساسی مسائل بگویند و حالا هم دارند می گویند که قضیه رئیس جمهور است . تاکنون از قراری که گفتند صد و بیست نفر خودشان را کاندید کردند . نه اینکه نمی دانند که کاندیدی است که اثری ندارد برای اینکه رئیس جمهور بشود فلان آدم ، بیشتر اینها الا نادرشان می دانند که موفق نمی شوند ، لکن یک مقصد دیگری در کار است غیر از ریاست جمهور و آن این است که همان ایجاد یک تشنج و اختلاف و این چیزها برای آنها مطلوب است که کشور ما مشغول باشد ، همیشه مشغول باشد به چیزهای داخلی خودش و این شلوغی هائی که در داخل هست و متوجه توطئه نباشد و متوجه علاج نباشد و فلج بشود ، بعد هم راجع به مجلس شورا مصیبت زیادت است ، آنجا دیگر از همه زیادت است . در هر صورت تمام این مسائل دور می زند به اینکه این جمهوری اسلامی آنطوری که باید تحقق پیدا نکند ، اگر تحقق پیدا بکند ، برای آنها ضرر دارد و دست آنها تا آخر کوتاه می شود و

این یک ضربه ای است بر غرب، بر شرق و آنها می خواهند که نشود همچو مطلبی. و ملت ما باید آنقدری که باید توجه به این آشفتگی های داخلی داشته باشد توجه به چیزهای دیگر نداشته باشد، همه ما باید این را تحت نظر بگیریم، لکن آنکه صدمه بیشتر به ما می زند همین اختلافات داخلی است، او برای یک طرف می کشد، او برای طرف دیگر، همین هواهای نفسانی است که در انسان هست، همین خودخواهی و خودپسندی ها در انسان هست، همین گروه دیدن و خودگرایی به گروه و اینهاست که در انسان هائی که برای خدا می خواهند کار بکنند هست.

یک ملت وقتی همه با هم منسجم شدند دیگر قابل آسیب نیست

ملت ما اگر بخواهد از این اسارت در طول تاریخ بیرون بیاید و خودش، خودش را اداره کند و استقلال پیدا کند، آزاد باشد، اگر ملت ما بخواهد اینطور بشود، باید از یک راه پیش برود، آن راهی که ملت دارد پیش می رود. ملت این توده جمعیت است. این زن و مرد توده جمعیت که خودشان را علیحده نکردند و جدا نکردند از ملت، اگر بخواهند این مملکت سر و سامان پیدا بکنند باز از این گروه گرانی و از این اختلافات که او برای خودش بکشد، او برای خودش بکشد دست بردارند، همه همان راهی که ملت دارند می روند، همه همان راه را بروند، دیگر آسیب نمی بینند. یک ملت وقتی همه با هم منسجم شدند دیگر قابل آسیب نیست، اما اگر چنانچه خدای نخواست در بین خودشان اختلاف حاصل بشود، بین خودشان یک دشمنی ها پیدا شود، هواهای نفس نگذارند که یک راه بروند، آنوقت است که آسیب ممکن است.

لکن من امید این را دارم که با این تحولی که حاصل شده است، من در جامعه زن ها یک جور تحول عجیبی می بینم که بیشتر از تحولی است که در مردها پیدا شده و آنقدری که این جامعه محترم به اسلام خدمت کردند در این زمان، بیشتر از آن مقداری است که مردها خدمت کردند، خدمت مردها هم بسیارش مرهون خدمت زن هاست. در مردها یک حسی است که اگر ببینند زن ها بیرون آمده از خانه ها برای یک مقصدی، اگر قوه شان یکی باشد، ده تا می شود و در مملکت ما اینطور شد که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه ها بیرون آمدند و در این راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند، جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند معذک رنج کشیدند، عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند و مردها هم بسیاری به تبع زن ها این کار را کردند و من امیدوارم که این وحدت کلمه و این انسجامی که ملت ما دارند، محفوظ باشد و این اشخاصی که افکار متعدده دارند اینها، خداوند آنها را برگرداند به فکر واحد و ملت ما را منسجم کند با هم به طوری که از آسیب مصون باشند. خداوند انشاءالله به شما عمر و سلامتی بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع کفن پوشان شهرکرد و بابل

تحمل مصائب و مشکلات در راه رضای خدا آسان است

بسم الله الرحمن الرحيم

این عواطفی که من از اقشار ملت می بینم، عواطفی که آنها را وادار می کند از راه های دور، از بختیاری، از شمال اینجا آمدند، تحمل زحمات کردند در این هوای سرد، در این راه های دشوار، این عواطف، یک باری است بر دوش من. من نمی دانم چطور از زیر بار این عواطف بیرون بیایم. امروز یک عکسی پیش من از یک جوانی فرستادند که او نزدیک دانشگاه شهید شده بود و وصیت کرده بود که اگر من، فلانی را ندیدم، این عکس را برای او بفرستید و من از دیدن این عکس و باز عکس های دیگری که از جوان های ما در این راه شهید شدند، باز احساس یک سنگینی می کنم. بر دوش من سنگین است این عواطف و آن چیزی که همه سنگینی ها را سبک می کند، این است که ما از خدا هستیم و به سوی او می رویم. راه، راه خداست، شما از بختیاری که حرکت کردید تا اینجا برای خدا بوده است، من مطرح نبودم، خدا مطرح بوده و آن آقایان که از شمال آمده اند، آنها هم راه را که طی کرده اند، راه خدا بوده است، برای خدا بوده است. آن چیزی که سهل می کند مشکلات را، این است که ما برای اسلام تحمل زحمت می کنیم. ما تبعیت از موالی خودمان، از آقایان خودمان، از اولیاء خودمان، از معصومین خودمان تبعیت می کنیم، ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تبعیت می کنیم، آنها هم تحمل مشاق زیاد کردند، مشقت هائی که برای ما شاید ممکن نیست که تحمل کنیم. اینقدری که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم تحمل مشقت برای خدا کرد، ماها نمی توانیم، لکن ما هم که قطره ای هستیم از این دریای بی پایان، به اندازه یک قطره، یک ذره می توانیم فداکاری کنیم، باید فداکاری کنیم.

برچسب های ارتجاعی به ملت استقلال طلب و فداکار ایران

این اسلام است و قرآن است و خدا، هر چه در راه اسلام بدهیم و هر چه در راه خدا بدهیم و هر چه در راه قرآن بدهیم فخر ماست، افتخار ماست، راه حق است. بگذار باطل ها هر چه می خواهند

بگویند، بگذار باطل‌ها شما را مرتجع بدانند، بگذار آنهایی که می‌خواهند برای دیگران زحمت بکشند، از ملت خودشان غافلند، از کشور خودشان غافلند، پشت کردند به ملت و کشور و برای شرق و غرب زحمت می‌کشند، بگذار آنها، کسانی را که در کشور خودشان و برای خودشان و برای استقلال خودشان زحمت می‌کشند، مرتجع بدانند. دنیا باید حکومت کند و در این امر توجه کند و نظر بدهد که آیا ملتی که دشمن‌ها را، دشمن‌های کشور را، جنایتکارها را از صحنه بیرون رانده است و می‌خواهد آزادی برای خودش به دست بیاورد، می‌خواهد استقلال برای خودش به دست بیاورد، این ملت مرتجع است، یا آنهایی که الان هم که جنایتکارها بیرون هستند و رفتند، برای آنها کار می‌کنند، برای آنها در مدارس می‌روند و تبلیغات سوء می‌کنند، برای خارجی‌ها آنها زحمت می‌کشند. آیا آنهایی که استقلال ملت ما را می‌خواهند سلب کنند، آزادی کشور ما را و ملت ما را می‌خواهند از دستش بگیرند، آنها مرتجع هستند، یا آنهایی که می‌خواهند از زیر بار ظلم خارج بشوند و مستقل باشند. آیا کسی که می‌خواهد پیوسته به شرق و غرب نباشد و با مشت محکم در مقابل شرق و غرب ایستاد و ملت خودش را نجات داد این مرتجع است، یا این که از اول تا حالا به اسم خلق می‌خواهد فدا بشود، برای دشمن خلق فداکاری می‌کند. به طرف چپ می‌کشد، به طرف راست می‌کشد.

بگذار دشمن‌ها هر چه می‌خواهند بگویند، شما راه خدا را پیش بگیرید، شما راهتان واضح است. راه شما، راه خداست، راهی است که انبیا خدا رفتند. انبیا را اینها مرتجع می‌دانند، اینها قرآن را هم کتاب ارتجاعی می‌دانند، لکن مطلب اینها نیست. اینها برای دیگران دارند زحمت می‌کشند جوان‌های روشنفکر ما عواقب امور را ملاحظه کنند و از اینها سؤال کنند شما چه می‌گویند؟ شمائی که برای خلق می‌خواهید فداکاری کنید چرا مانع می‌شوید از اینکه این خلق مشغول زراعت باشد؟ چرا مانع می‌شوید از اینکه کارخانه‌های مردم راه بیفتد؟ چرا خرمن‌های حاصل یک سال عمر یک خانواده را آتش می‌زنید؟ شمائی که برای خلق هستید و دیگران را مرتجع دانید، حساب کار خودتان را بکنید. اینها برای ملت دارند زحمت می‌کشند و شما برای دیگران.

من بار دیگر از شما، از شما جوان‌ها، از پیرمردهایی که تحمل این زحمت را آنطوری که آقا می‌گویند کشیدند، از کسانی که بی‌چهار هستند و تحمل زحمت کردند، از کسانی که معلول هستند و تحمل زحمت کردند و از کسانی که به وسیله شما برای ما پیغام فرستادند، از همه شما تشکر می‌کنم و به همه شما دعا می‌کنم. خدمتگزار همه شما هستم و امیدوارم که شماها سعادت‌مند باشید و سعادت دنیا و آخرت نصیب شما بشود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده های شهدا و امدادگران شهرهای شیراز و تهران و کارکنان شرکت هیپکو

تا قطع تمام ریشه های فاسد ، ملت نباید آرام بگیرد

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریباً هر روز مواجه هستیم با این مادرهائی که بچه هایشان را از دست دادند و این پدرهائی که عزیزانشان را از دست دادند و این معلولین و این مجروحین و این گرفتاری هائی که در رژیم سابق برای ملت مهیا شده بود . ما هر روز تأثرات زیادی در این مسائل داریم ، لکن خودمان را تسلیت می دهیم به اینکه ملت ما به صورت مجاهدین صدر اسلام در آمدند ، همین طور که در صدر اسلام در رکاب رسول الله و امیرالمؤمنین سلام الله علیه عده کثیری از فرزندان اسلام از دست رفتند ، لکن اسلام را حفظ کردند . امروز هم که ما در یک موقعیتی واقع هستیم که اسلام رو بروی کفر ایستاده است و احتیاج به فداکاری دارد ، ملت ما بحمدالله مردانه ایستاده و فداکاری می کند ، نه مردها ، زن ها و نه زن ها و مردها ، بچه ها همه ایستاده اند و اسلام عزیز را می خواهند که به پیش ببرند . امروز روزی است که ما مواجه با قدرت های شیطانی بزرگ هستیم و آنها هم از توطئه ها نشسته اند ، مشغول توطئه هستند ، توطئه های زیادی در داخل دارند ، مهم آن توطئه های داخلی است ، آن حرف های خارجی که مثلاً انحصار اقتصادی ، مداخله نظامی ، اینها مهم نیست خیلی ، چیزی نیست که قابل اعتنا باشد و امریکا هم در این اعلام کردند که شکست خورد . لکن توطئه های داخلی که عمال اجانب و بیشتر از همه عمال امریکا در داخل مشغول توطئه هستند ، آنها هستند تا حالا آن شکست نهائی را نخوردند ، آن مقداری را که ملت ما شکست داد آنها را ، این است آن عمال ظاهریشان را که در رأسشان محمدرضا بود ، آنها را دستشان را کوتاه کردند و از ایران راندند و دست های خیانتکار اجانب هم آنها که ظاهر بود قطع شد ، لکن ریشه های زیرزمینی ، توطئه های دامنه دار همه جانبه در همه قشرها مشغولند . ملت ما گمان نکند که پیروزی نهائی را پیدا کرده است . بین راه هستیم ، در حال انقلابیم ، تا تمام این قشرها ، تمام این ریشه های فاسد از این مملکت قطع نشود ملت ما نباید آرام بگیرد . همان نهضت را که بحمدالله با قدرت تا اینجا رسانده است ، باید با قدرت هم پیش ببرد و من امیدوارم که با این روشنی که پیدا شده است این ، با نوری که در دل همه فرزندان اسلام روشن شده است و راه خودشان را پیدا کرده اند و فهمیده اند که دشمن ها کی هستند و دوست ها کی و توطئه گر ها چه صنف مردمی هستند . امید هست که انشاءالله

پیروزی را شماها در آغوش بگیرید .

عوامل پیروزی انقلاب و انگیزه مردم برای جنبش

لکن مهم دو مطلب است ، یکی که بسیار مهم است ، این است که جوان های ما در هر رشته ای که هستند و خصوصا آنهایی که در رشته خدمت به نهضت هستند ، چه آنهایی که در کمیته ها هستند و چه آنهایی که پاسدار هستند و چه قوای انتظامیه و همه قشرها ، توجه کنند که اسلام که ما را پیروز کرده است همان فریاد (الله اکبر) و تقاضای شهادت که در همه قشرها پیدا شده است . پدرش که فرزندش را از دست داده افتخار می کند که شهید شده است ، مادری که چند تا فرزند داشته و بعضی اش را از دست داده و آرزو می کند ، می گوید ، دعا می کند ، آنهای دیگر هم شهید بشوند . و این دنبال این است که نهضت اسلامی بوده است . اگر چنانچه یک نهضت غیراسلامی بود ، برای دنیا بود ، معنا نداشت که یک کسی بگوید . من بچه هایم را می دهم برای دنیا ، چون برای خداست و نهضت برای خدا بوده است . در آنوقتی که همه شما توجه داشتید به اینکه پیش ببرید ، هیچ راجع به خودتان دیگر توجه نداشتید و باید گفته بشود که از خود گذشته و به خدای تبارک و تعالی پیوسته بودید پیروزی را به دست آوردید ، آن هم یک پیروزی که در تاریخ نظیر باید گفت ندارد .

در طول تاریخ بسیار کم است انقلابی که از متن مردم جوشیده باشد

تقریبا تمام انقلاباتی که پیدا شده است به توسط یک قشر نظامی ، یک حزبی که پیوند با نظامی داشته است ، یک اشخاصی که از غیر ، از خارج تقویت می شدند واقع شده است . شما همین کودتائی که در افغانستان در این چند روز واقع شد یک شخص که اعلام کرده است من کمونیست هستم ، از سران کمونیست بوده است ، با نظامی کشور شوروی این کودتا را کرده است ، آن هم الان معلوم نیست که بتوانند به آخر برسانند ، ملت افغانستان هم یک ملتی است که بپا خاسته اند ، لکن کودتاهایی که در آنجا هی پیدا شده است ، هی یکی بعد از دیگری ، حکومت های نظامی بوده است و به وسیله خارجی ها بوده است . سایر کودتاها هم اینطور بوده است ، انقلاباتی هم که پیدا شده است ، آن مقداریش که نظامی ها دخالت داشتند و احزاب دخالت داشتند ، ملت آنقدر دخالت نداشت . شما شاید در طول تاریخ کم پیدا کنید یک انقلابی که از متن خود مردم جوشیده باشد و هیچ اتکائی به قوه نظامی ، به قدرت خارجی نداشته باشد ، اسلحه نداشته باشد ، تعلیمات نظامی در کار نباشد ، همین توده مردم ، دانشگاهی که شغلش تحصیل بوده ، طلبه که شغلش تحصیل بوده ، بازاری که شغلش کسب بوده ، کشاورز که شغلش معلوم بوده است و آنهایی که در کارخانه ها کار می کردند ، همه یک شغل های خاصی داشتند و اصل نظامی در کار نبوده ، نه تعلیمات نظامی دیده بودند ، نه سازوبرگ نظامی داشتند ، با یک قدرت معنوی یک تبدیل از انسان مادی به انسان معنوی پیشبرد شد .

آنها مجهز به همه قوا ، به همه آلت تجهیز ، دارای همه جور ساز و برگ جنگی و افراد نظامی که

تعلیمات نظامی دیده و پشت سرشان تمام قدرت ها، ابرقدرت ها بود، پائین تر از آنها و شما اتکا به خود و از باطن خود جمعیت جوشیده این نهضت، و اتکا به خدا، این شما را پیش برد. این را باید حفظش کنید.

پیروزی انقلاب به واسطه های رها کردن جهات مربوط به خودتان و توجه به خدا بود

اگر بخواهید که نهضت تان انشاءالله به آخر برسد و همه احکام اسلام انشاءالله پیاده بشود و یک مملکت اسلامی، یک مملکت الهی پیدا بشود، باید این رمزی که شما را به پیروزی رساند حفظش کنید و این توجه به خدا، همین ایمانی که شما را پیش برد و بی اعتنائی به آن چیزهائی که خود آدم می خواهد، بلا اشکال شما توجه به این داشتید. همه خواهرها، برادرها، که آن روزی که تو خیابان ها می آمدید و فریاد می زدید که این رژیم را ما نمی خواهیم و جمهوری اسلامی را می خواهیم، توجه داشتید که هیچ کدام فکر این نبودید که لباستان چی است، خانه تان چی است، زندگی تان چی است، مدرسه تان چه جوری است، هیچ ابدا این فکر در مغز شماها نبود. اگر این فکر بود پیروز نمی شدید. اگر هر کدام فکر این بودید که زندگیم باید چه جوری باشد، پیروز نمی شدید برای اینکه هر کس فکر خاصی دارد و دنبال اوست. همه جهات مربوط به خودتان را رها کردید و وجهه قلبتان خدا بود و اینکه اسلام را می خواهید زنده کنید، از ظلم و از بیدادگری ها به تنگ آمده بودید، توجه کرده بودید به عدالت الهی و آن روزی که پیش می رفتید هیچ در فکر خود نبودید، همه به فکر آن مقصد بودید. این معنا اگر چنانچه از دست شما گرفته بشود و حالا می مربوط باشد به کارهای خودتان، اگر ما به آخر رسیده بودیم آنوقت وقت این بود که بنشینیم راجع به اینکه چه باید بکنیم، سازندگی. اما ما به آخر نرسیدیم ما الان نظیر همان وقت هاست که توی خیابان ها فریاد می زدید، حالا آن جهت خیابانش رفته است لکن مواجهه با یک قدرت بالاتر و آن قدرت امریکا و دیگران.

اگر خودمان را پیروز حساب بکنیم همین جا متوقف می شویم

اگر ما خودمان را پیروز حساب کنیم و برویم دنبال اینکه باید ما حالا که پیروز هستیم برویم ببینیم کی چی دارد، چی ندارد برگردیم به خودمان و به حال خودمان، این پیروزی همین جا توقف می کند، اگر توقف هم بکنند خوب است، عقب می رود. آنها توطئه می کنند و با هم مجتمع می شوند، شماها وقتی که برگشتید به حال خودتان، با هم متفرق می شوید. آنوقت شما مجتمع بودید و آسیب ناپذیر و اینها نمی توانستند کاری بکنند، آنها، حالا شیاطین با هم اجتماع می کنند و با هم پیوند می کنند و شما اگر چنانچه از حالی که داشتید برگردید به حال خودتان، هر کدام آن چیزی را که مربوط به خودتان هست توجه به آن پیدا بکنید متفرق می شوید و آسیب پذیر، در صورتی که بین راه هستید. اگر به مقصد رسیده بودید، اشکال خیلی نداشت، لکن بین راه هستید الان، یک قافله ای که یک گردنه را گذرانده است و مجهز رفته است، گذرانده، اگر خیال کند که تمام شد قضیه و گردنه های دیگر را به فکرش

نباشد، با چند نفر دزد از بین می رود، اما اگر همانطوری که در گردنه اول مجهز و خودش را برای مقابله با سارق مهیا کرده، در گردنه های بعد هم به همانطور مجهز باشد نمی تواند آسیب ببیند، شما حالا یک گردنه را گذرانید، آن گردنه شاهنشاهی است این را گذرانید، اما گردنه های دیگر هست الان، باید هم بگذرانید و می توانید اگر آن معنایی که در میان حاصل بود که آن گردنه را از آن گذشتید آن را نگهش دارید، محکم نگهش دارید، همه گردنه ها را خواهید گذراند.

علت اساسی مخالفت ضدانقلاب با جمهوری اسلامی و عملکردهایشان در مخالفت

امروز چیز مهم این است که اختلافات بکلی از بین برود، آنهایی که می خواهند این جمهوری به آخر نرسد و ضربه دیدند از جمهوری اسلامی، ضربه دیدند از ملت ایران، و می دانند این ضربه را از اسلام دیدند، آنها قدم به قدم مخالفت با اسلام می کنند و می خواهند نگذارند، نمی خواهند که جمهوری اسلامی پیدا بشود. اول راجع به جمهوری اسلامی اش، اسلامی اش را می گفتند لازم نیست، بعدا نمی خواستند بگذارند بدهند، بعد هم در مجلس خبرگان بساط درست کردند تا رسید به اینجا که حالا می خواهید رئیس جمهور معین کنید، اینجا هم باز همین مسائل پیش می آید، بعد هم در مجلس شورا همین مسائل پیش می آید. اینها نمی خواهند که یک مملکتی با رژیم اسلامی تحقق پیدا بکند برای اینکه ضربه را از اسلام خورده اند. توطئه های یک قسم زیادش به وسیله آنهایی که وابسته به آن قدرت های بزرگ، وابستگی به قدرت های بزرگ دارند. یک مقدار زیادش صرف می شود فعالیت ها در اینکه، نگذارند جمهوری اسلامی پیدا بشود، نگذارند یک رئیس جمهور متعهد و مسلمان دلسوز برای ملت، غیر وابسته به شرق و غرب پیدا بشود، این یک قضیه هست که شما با قدرت اسلامی پیش رفتید و خودتان چیزهایی که احتیاجات شخصی بود کنار گذاشته بودید. حالا هم باید همین طور جلو بروید و تا آنجائی که انشاءالله مستقر بشوید انشاءالله.

یک قضیه هم که دنبال این مطلب است و آنها باز جدیت در آن دارند این است که بار راه های مختلف، گروه های مختلف درست کنند و این یک گروهی که شما داشتید، همه یک حزب کانه بودید همه حزب خدا بودید، آن را می خواهند از دستمان بگیرند. این وحدت را می خواهند از دستمان بگیرند، یک جمعیتی هر چه افرادش زیاد باشد، اگر جمعیت با هم منسجم نشوند یک نحو وحدت پیدا نکند، آسیب برمی دارد، اصلا خودشان آسیب خودشان می شوند.

اگر یک جمعیتی در یک کشوری، در یک استانی، در یک شهری با هم یک وحدتی نداشته باشند، اینها به جان هم می ریزند، بعدا خود باطنشان آسیب می بیند و اگر چنانچه وحدت داشته باشند هر چه وحدت زیادتر باشد، آسیب کمتر می شود. در راه که ما بودیم این نهضتی که داشتیم در اول راه، این وحدت و این انسجام زیاد بود، محکم بود، یعنی اصل فکر اینکه (کی دشمن من است) نبود تو کار، همه یک نظر بود، اگر هم یک فکری بود خیلی در اقلیت بود، یک انسجامی بین ملت حاصل شد کانه از یک حلقوم صدا در می آید، شما اگر در تهران می آمدید همان معنا را شنیدید، در تظاهرات که در

آخر ایران می شد، می شنیدید همان مطلبی که ایران، همان فریادی که از حلقوم تهرانی ها در می آمد از حلقوم آبادانی ها هم در می آمد، بندرعباسی ها هم در می آمد، مشهد هم همین طور، همه جای ایران یک صدا داشتند مثل اینکه یک حلقوم دارد صدا می کند. اینطور منسجم شده بودید، یک جامعه توحیدی ایجاد کرده بودید که همه یکی بودید. آنها هم این جهت را دیدند که سیلی که خوردند از این حیث خوردند، از دو حیث بود: یکی اسلامش بود، یکی هم این حیثیتی که، انسجامی که شما با هم داشتید، این دو تا هر دو مورد نظر بوده است. اینجا را کوشش می کنند با قلم ها و با قدم ها، با تبلیغات، اسلام را از دستمان بگیرند، نگذارند حکومت اسلامی پیدا بشود. از این طرف هم انسجام را می خواهند از دست شما بگیرند، این وحدت و جهت جامعه توحیدی که عبارت از این بود که همه با هم یک مقصد داشتید و کانه از یک حلقوم صدا در می آید، یک اراده کانه دارد عمل می کند. این را می خواهند از دستمان بگیرند، متفرق کنند همه را از هم. طرح های مختلف در این دارند، ایران را از دست شما بگیرند، این وحدت را از دست شما بگیرند، راه های مختلفی دارد در هر جا.

عمل نکردن به موازین اسلامی، خلاف بیعت با اسلام است

آن لشکرهای شیطان، جنود ابلیس، الان در همه جای ایران رفتند و هستند، هر جا هم که صدائی در می آید از همین هاست، از همین شیطان هائی است که تابع همان شیطان بزرگ ها هستند. از اینها هر جا یک صدائی در می آید و تفرقه افکنی می شود، از همین هاست. هر جا صحبت این است که ما می خواهیم چه بشود در مقابل نهضت، در مقابل این جمهوری اسلامی یک قدی علم می کنند، از این تبلیغات اینهاست، توی شهرها، بیشتر توی دهات، حالا توی روستاها. حالا بیشتر با اسم های مختلف، با فرم های مختلف می روند و این اشخاص خوب را، اشخاصی اسلامی را گولشان می زنند، اینها شیطانند و اینها یک مردم سالمی هستند، می آیند به اسم اسلام آنهایی که می خواهند اسلام را بشکنند، با اسم اسلام اینها را گول می زنند، اوراقی می نویسند متفرق می کنند در همه جا که چه و می خواهند تفرقه بیندازند بین قشرها، دانشگاه می روند یک چیز می گویند، بازار یک چیزی می گویند، در پیش کشاورزها می روند یک چیز می گویند، در کارخانه ها می روند به کارگرها یک چیزی می گویند، هر جا به یک فرم وارد می شوند، در شهرها هم الی ماشاءالله تفرقه می خواهند بیندازند و اینها بین همه قشرها می خواهند همانطوری که تا حالا زحمت کشیده شد و دانشگاهی را به اهل علم و به طلبه های مدرسه نزدیک کرد و با هم شان کرد و همفکرشان کرد، می خواهند این را از هم جدا کنند باز. بازاری و دانشکده ای هم رفیق شده بودند، دانشگاه و بازار کانه یک موجود بودند، با هم عمل می کردند اینها می خواهند حالا جدا کنند از هم. در همه قشرها یک همچو کاری توطئه هست و در صدند که بشود تا ببینیم که ملت ما تا چه اندازه ای بیدار هست، آیا دست های اینها را خوانده است؟ آیا توطئه های اینها را توجه به آن کرده است؟

باید بگوئید، همه ما مکلفیم که این مسائل را تبلیغ کنیم، اهل علم و اهل منبر بیشتر، روشنفکر و

اهل قلم بیشتر. دیگران هم باید بگویند به همه، به طور توصیه از هم، به هم، سفارش کنند به هم که گول این شیاطین که می خواهند جدا کنند شماها را از هم، گول اینها را نخورید. با اسلام اسلام هم می آیند، با اسلام می خواهند جدا کنند از هم. این، باید این دو تا مطلب در نظر گرفته بشود که یکی حفظ وحدت ما، یکی هم این جهت اسلامیت که توجه به مقصد اسلام بود، نه توجه به خود و یکی از مسائل دیگری هم که باز شیاطین دارند دنبال می کنند و ما باید توجه داشته باشیم این است که کارهایی که انجام می گیرد، چه از دولت و چه از ملت، چه از پاسدارها و چه از کمیته ها، چه از دادگاه ها و چه از نظامی ها، از هر طائفه ای که انجام می گیرد، توجه داشته باشید که روی موازین اسلام انجام بگیرد، ما انقلاب که کردیم، انقلاب از تقریباً رژیم طاغوت و کفر به رژیم اسلام و عدل است. نباید به اسم انقلاب ما خلاف کار انقلابی بکنیم. انقلاب اسلامی است، انقلابات دیگر دنیا اسلامی نبوده دنبالش هزار جور فسادها بوده است اما انقلاب ما انقلاب اسلامی است، همه شما به جمهوری اسلامی رأی دادید یک عده معدودی نه، رأی ندادند اما ملت رأی به جمهوری اسلامی، رأی داد به جمهوری اسلامی، یعنی پذیرفت که نظام، نظام اسلامی باشد، این را ملت پذیرفته است و رأی به آن داده است، باید وفادار باشد به این رأی، وفادار باشد به این تعهد شما با اسلام یک تعهدی الان کردید، همه مان متعهدیم برای اسلام، اما تازه یک تعهد خاصی با اسلام بستیم و ما بیعت کردیم با اسلام، بیعت ما این است که جمهوری اسلامی و نظام اسلامی می خواهیم و رأی به این دادیم و بیعت کردیم با این. اگر ما بنا باشد بگوئیم که ما بیعت کردیم با اسلام، با جمهوری اسلامی، رأی دادیم به جمهوری اسلامی، لکن به احکام اسلام عمل نمی کنید، این خلاف بیعت است، این خلاف معاهده است، باید همه چیز، همه چیزها اسلامی باشد، اگر مصادره می شود باید روی موازین اسلامی باشد، اگر مال دیگری را، هر چه باشد، مال او باشد از او به اسم مصادره بگیرند این خلاف بیعتی است که شما با اسلام کردید، اگر یک دادگاهی مال یک شخصی را که احراز نکرده است که این مال از طریق حرام آمده پیش او، از چپاول آمده پیش او، بخواهد او را مصادره کند با آن بیعتی که کرده است که من اسلامی هستم، مخالفت کرده است، اگر یک وجب زمین مصادره بشود و از مردم گرفته شده باشد بدون میزان های شرعی، خلاف معاهده ای است که با اسلام ما کردیم، اگر یک نفر آدم ظلم به او بشود، برخلاف موازین به او یک تعدی بشود هر که این کار را بکند، این معاهده ای که کرده است، مخالفت کرده.

در اسلام، قانون خدا حکم می کند

ما همه چیزمان باید اسلامی باشد، نباشد آنطوری که اسم اسلام را رویش بگذاریم، در واقع طاغوت باشد. یک وقتی ما توجه به این نکنیم که ما از طاغوت سر در آوردیم با اسم اسلام. آنها طاغوت بودند و اسم اسلام هم تو کار نبود، ما می گوئیم اسلام، لکن یک وقت سر از طاغوت در می آورد، طغیان بکنید به مردم، پاسدار مردم را اذیت کند، پاسبان مردم را اذیت کند، دادگاه ها برخلاف حکم

بکنند، باید همه چیز اسلامی بشود. اگر همه چیز اسلامی بشود یک جامعه ای پیدا می شود غیر قابل فساد، آسیب دیگر نمی بیند آن جامعه، و اگر بنا باشد که اگر باز یک جامعه ای هرج و مرج باشد آسیب بردار هست، همه چیزش باید سر جای خودش محکم باشد و موازین باید موازین الهی باشد و مملکت یک مملکت اسلامی باشد، قانون اسلام باشد. در اسلام یک چیز حکم می کند و آن قانون است، زمان پیغمبر هم قانون حکم می کرد، پیغمبر مجری بوده، زمان امیرالمؤمنین هم قانون حکم می کرد، امیرالمؤمنین مجری بود. همه جا باید اینطور باشد که قانون حکم کند، یعنی خدا حکم بکند، حکم خدا. حاکم یکی است، خدا، قانون، قانون الهی، دیگران مجری او، اگر بخواهند از خودشان یک چیزی بگویند، پیغمبر اکرم که رأس همه عالم هست، خدا به او خطاب می کند که اگر چنانچه یک چیزی برخلاف آن چیزی که من گفته بودم بگویی، قطع و تینت را می کنم، اخذت می کنم و رگ کمرت را پاره می کنم برای اینکه اجرا باید بکنی آنی که اسلام گفته، آنوقت تو مجری او هستی. البته معلوم بود که او مجری است و هیچ وقت تخلف نمی کند، لکن سرمشق است این، به آن فرد اول این اخطار را می کند تا من و شما بفهمیم مطلب را، تکلیف مان را بفهمیم، به فردی که معلوم است، خدا هم می داند این را که این تخلف کن نیست، این قدم آن طرف نخواهد گذاشت لکن به او به طور اینکه اگر این کار را بکنی به او می گوید تا همه مردم تکلیفشان را بفهمند که اگر پیغمبر هست، دیگران هم همین طور و اگر ما تخلف کنیم از قوانین الهی، تا یک حدودی خدای تبارک و تعالی مهلت می داد، لکن یک وقت هم اگر از مهلتش گذشت دیگر معلوم نیست چه خواهد شد. حالانی که ما همه فریاد می زنیم و بر ضد این اشخاص که همه چیز ما را بردند این صداها را می کنیم که امریکا کذا، اگر خودمان یک وقت تخلف بکنیم و توجه نداشته باشیم به اینکه نباید تخلف کنیم، اعتنا نکنیم به قوانین اسلام، یک وقت خدای نخواستہ عنایت خدا از ما سلب می شود، خودمان را به خودمان واگذار می کند اگر اینطور شد، بکلی از بین خواهیم رفت. باید همه توجه داشته باشیم و همه دعا کنیم، از خدا بخواهیم که ما پیرو اسلام و پیرو قوانین اسلام باشیم.

خداوند انشاءالله همه تان را حفظ کند. موفق باشید و من متشکر از اینکه در این هوای سرد از راه های دور تشریف آوردید اینجا و امیدوارم که همه تان با سعادت و سلامت، خواهرها همین طور، برادرها همین طور و مؤید و منصور باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از بانوان آذربایجان

اینها (اخلاگران) با وسائل مختلف اغفال می کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

اشکال این است که آنهایی که آشنا نیستند به وضع آذربایجان و به حالات مردم غیور تبریز، آنهایی که نمی دانند تبریز و آذربایجان همیشه طرفدار اسلام و کشور بودند که قشرهایی از خارج کشور و مردم بیرون هستند، اشکال این کارها این است که در خارج منعکس می شود که آذربایجان اینطور شد، تبریز اینطور اختلافات شد. شما خودتان که آگاهید و ماها آگاه هستیم، می دانیم که این جمعیتی که در اینجا اینطور شرارت ها را می کنند، اینها یک اشخاصی هستند که هر جا یک صدائی بلند می شود، از اطراف جمع می شوند آنجا و آنوقت یک دسته اشخاصی که آگاه نیستند، مردمی هستند، خوب هستند، لکن از روستاها، از اهل دهات که توجه ندارند به عمق مسائل که اینها چه نقشه ای دارند، اینها می روند اینها را با وسائل مختلف اغفال می کنند، آنوقت یک آشوب پیا پی می کنند، یک کارهایی که برخلاف اسلام است، برخلاف نهضت اسلامی است، آنها را وادار می کنند آن کارها را بکنند و در خارج منعکس کنند به اینکه آذربایجانی ها اینطورند یا آذربایجان اینطور است. اگر مرزهای خودشان را مشخص می کردند که ما چه اشخاصی هستیم و چه می خواهیم، این اشکال خیلی نداشت، چه می خواهیم شان.

دشمنان از اسلام ضربه دیدند و سیلی خوردند

ما از اول انقلاب تا حالا فهمیدیم که این اشخاص چه می خواهند، این اشخاص می خواهند که اسلام نباشد. یک دسته ای هستند که از اول انقلاب اینها در فکر این بودند که این جمهوری اسلامی در ایران تحقق پیدا نکند و لهذا دیدید که از آراء مردم جلوگیری می کردند. یک دسته ای بعضی صندوق ها را آتش زدند، با اسلحه جلوگیری کردند از رأی دادن بعض جاها و بعد هم قدم به قدم با جمهوری اسلامی مخالفت کردند و حالا هم مخالفند. مطلبشان معلوم است که این است و چرا اینطور است، آنها هم باز معلوم است، برای اینکه آن اشخاص از ریشه های آنها هستند و همدست با آنها هستند، آنها از اسلام ضربه دیدند، سیلی خوردند از اسلام، نمی خواهند که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند، لکن مرز خودشان را معین نمی کنند که ما کی هستیم، ما چه جور اشخاص هستیم، از این جهت این خطر برای

آذربایجان هست که در خارج بگویند که آذربایجان اینطوری است و این را باید جوان های آذربایجانی ، آقایان از آذربایجان کاری بکنند که این خطر مخالفت با اسلام برداشته شود . آذربایجانی که همیشه طرفدار اسلام بوده ، برای هر قضیه ای پیشقدم بوده ، برای رفع ظلم پیشقدم بوده است ، آذربایجانی که در صدر مشروطیت ستارخان و باقرخان آن زحمات را کشید ، بعد خیابانی آن کارها را کرد ، در زمان ما از آذربایجان قیام شد و بر ضد رضاخان . مرحوم امیرزا صادق آقا مرحوم انگجی و بعضی دیگر از علما آذربایجان قیام کردند ، تبعید شدند ، مدت ها تبعید بودند در خارج ، شاید در سنقر بود یا سقز بود ، یک همچو جائی . آذربایجان همیشه در صف اول واقع بوده است برای مخالفت با اشرار ، برای پیشبرد اهداف اسلام . آنوقت یک دسته ای ، خوب ، اشرار هم ، در هر طایفه ای چند نفر از اشرار هم هست ، لکن از اطراف جمع می شوند ، اعلام می کنند که ما هم ملحق شدیم ، آنوقت گروه فرقان مثلا ، یک گروهی که تروریست هستند و مثل آقای مطهری را می کشند و اعلام می کنند ، آقای قاضی را می کشند و آن چریک های کمونیست وقتی بنا شد که یک همچو جمعیتی باشند که رفقاشان اینها باشند ، آنهایی که متصل به آنها می شد اینها باشند ، یعنی اینهایی که اسلام به خودش راه نمی دهد ، اسلام راه نداده به خودش ، اسلام به این راه نداده ، اینها آمدند در قبال جمهوری اسلام ، یک جمعیتی که محل نماز جمعه را آتش می زنند . یک وقت مخالفت یک دسته با دسته دیگر است ، از آثار هر کاری معلوم است اینکه چکاره اند اینها ، آن که محل خطبه امام جمعه را ، محل عبادت مسلمین را آتش بزند ، به نمازگزارها حمله می کند و زخمی می کند و چه می کند ، خوب ، اینها معلوم است که وضع روحی شان چیست . کارهای آدم انعکاس روحش است . از اینطور کارها ، اینطور شرارت که به عبادتگاه خدا حمله بکنند ، آتش بزنند محلی را که نماز خدا در آنجا انجام می گیرد ، حمله کنند به عبادتگاه مردم ، به جائی که مردم نماز می خواهند بخوانند ، خوب اینها ، از اینها معلوم می شود که اینها سنخ روحشان چه است و عقائدشان چه است . باید آذربایجان خودش را از این لکه ای که می خواهند به او بچسبانند مبرا کند ، تبرئه کند خودش را از مردمی که با این اسم ها ، اسم هائی که اصلا مربوط به انسانیت و اسلام نیست ، دارند یک همچو کاری می کنند که خلق آذربایجان را آلوده کنند . این یک مسأله مهمی است برای آذربایجان ، آذربایجانی که در طول تاریخ مخالفت کرده است با اینها . زمان سابق که ایران را گرفته بودند و پیشه وری آن بساط را درست کرد ، آذربایجانی نجات داد ایران را ، یک جمعیتی که همیشه خدمتگزار اسلام بوده اند .

جوان های آذربایجان باید نگذارند که این لکه به دامن آنها بچسبد

حالا برای خاطر اینکه یک دسته ای به هواهای نفسانی خودشان دارند آنها را لکه دار می کنند ، آذربایجان باید خودش را از اینها نجات بدهد ، باید خودش را از این عیبی که برایش درست می کنند ، لکه ای که برایش می چسبانند ، باید نجات بدهد خودش را . جوان های آذربایجانی باید نگذارند که این لکه به دامن آنها بچسبد و در خارج اشخاصی که نمی دانند ، به اسم آذربایجان یک همچو مسائلی تمام

بشود و ما امیدواریم که اینهایی که برای رسیدن به مقاصدی که طرحش از خارج دارد ریخته می شود، خارج است که اینها را راه می برد، راهنمایی می کند، آذربایجان از خارج باید به این توجه داشته باشد و ما امیدواریم که خداوند تأیید کند مسلمان ها را و تأیید کند شماها را و من باید از شما بانوان محترم تشکر کنم که از راه دور در هوای سرد آمدید و در این منزل محقر در زحمت واقع شدید. خداوند شماها را انشاءالله در پناه خودش حفظ کند و به سعادت و رفاه و سلامت برساند و دشمن های اسلام را محو کند و آثار آنها را از بین ببرد.

والسلام علیکم ورحمة الله

ص: 174

بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی تبریز

برگرداندن قدرت فعاله جوانان به رخوت و بی تفاوتی، از توطئه های اجانب

بسم الله الرحمن الرحيم

این تحولی که در جوان های ما، در انسان ها، آنهایی که متعهد هستند پیدا شده است، اهمیتش بیشتر از آن تحولی است که در مملکت پیدا شده است. این بود که با همت شما جوانان، همه قشرها، زن و مرد، بزرگ و کوچک این سد باطل را، سد شیطنی را شکستید و شیطان ها را از حریم اسلام بیرون کردید. این تحولی است که در کشور پیدا شد و رژیم طاغوتی به رژیم اسلام آن هم به همت همه برگشت. لکن آن چیزی که بسیار مهم است، آن چیزی که اجانب روی آن بیشتر کار می کردند و کردند، آن انسان هاست. در سال های طولانی که اخیراً هی قوه پیدا کرد، اینها درصدد بودند که این انسان ها را از آن حالی که به حسب طبع خودشان و فطرت اسلامی خودشان هست برگردانند به یک حال دیگر و نگذارند نیروی انسانی این کشور بلکه نیروی انسانی شرف نگذارند که پیش برود. با شیوه های مختلف، در هر جا به یک شیوه خاصی و طرح خاصی انجام این کار را می خواستند بدهند که جوان های ما از آن قدرت فعاله که دارند برگردند به یک حال رخوت و بی تفاوتی. اینهمه مراکز فحشا که اینها درست کردند و دامن به آنها زدند، تبلیغات کردند، روزنامه ها و مجلاتشان، رادیو و تلویزیونشان دامن زد به این مراکز و به این فساد، اینها همچو نبود که بدون توطئه ای باشد. اینکه به نظر رسد این بود که یک توطئه ای بود برای اینکه جوان ها را وارد کنند به این مراکز و از آن قدرت فعاله ای که دارند اینها را خلع سلاح کنند. شما می دانید که خوب، جوان ها در آن غرور جوانی که دارند به دام یک مراکز شهوانی و مراکز فساد کشیده می شوند و باز با تجربه معلوم است که اشخاصی که عادت کردند به اینکه در این مراکز بروند و مشغول باشند، اینها می توانند آن قوه فعاله ای که باید، داشته باشند. هروئین و تریاک و مواد مخدر و مشروبات یک باب است که کسانی که عادی بشوند به اینها، دیگر از آن کار نمی آید. شما اگر توجه داشته باشید در همین جهاد سازندگی که شما جوان ها (خداوند حفظتان کند) وارد شدید اگر شخصی باشد که عادت به هروئین داشته باشد نمی تواند اینجا کار کند. آنهایی که از این فعالیت بر کنار باشند، آنهایی که عادت کردند به اینکه در این مرکزهایی که برای به خیال خودشان تفریح، به حسب واقع برای فاسد کردن جوان ها درست کردند، آنهایی که عادت کردند به آن، نمی آیند دنبال این کارها. اینهایی که وارد شدند در جهاد سازندگی از همه قشرها، از

دکترها، از مهندسين، از محصلين، از بازرگانان، از همه قسم ها، کارگرا، همه آمدند، اينها غير از آنهائي هستند که آن عادت را دارند. البته در اين نهضت آن چيز مهمي که باز اسلام دريافت، اين بود که جوان هاي بسياري از آن مراکز کشيده شدند به ميدان، رها کردند آنها را. همين ديروز پريروز بود یک کسی گفت که اين خيابان کجا و کجا که یک مراکزي بود برای یک مسائلي، الان هيچ در آن نيست.

تبدیل خوف ملت به قدرت، از کارهای خدا بود

اين نهضت برای اينکه اسلامي بود و برای خدا بود، خدای تبارک و تعالی کمک کرد در همه مراحلش، کمک کرد در مراحل ابتدائي راجع به شکست دشمنان، اين تأييد خدا بود والا ماها که اسلحه نداشتيم و اسلحه را بلد هم نبوديم چطور بايد مثلاً چي کرد، لکن یک تفنگ هم داشتيم می توانستيم که تفنگ بيندازيم، ما تعليمات نظامي نداشتيم، آنهائي که تعليمات نظامي داشتند، خوب، ابتدا با آنها بودند. ملت ما تعليمات نظامي و بي ساز و برگ، با قدرت ايمان به ميدان رفت و در مرحله اول آنها را شکست داد و اين نبود جز تأييد خدای تبارک و تعالی و قدرت اسلام.

يعنی آن تحولي که در ملت پيدا شد که از حال خوف برگشت به حال قدرت، از حال ضعف برگشت به حال قدرت، اين تحول، تحول الهی بود، دست بشر امکان ندارد برایش که بتواند در یک ملتي اينطور تحول ايجاد کند، هيچ امکان ندارد. اگر کسی بخواهد پای خودش حساب کند، آدم جاهلي است يا آدم خودخواهي است. اين قدرت، قدرت خدا بود که از بچه کوچک تا پير مرد و جوان ها، همه، زن ها و مردها، همه با یک قدرتي، با یک قوه ای ريختند در خيابان ها و با دست خالي دشمن را به همه جهازي که داشت از صحنه بيرون کردند و باز اين قدرت الهی بود که آنها را بک رعبی در دلشان افکند که نتوانستند حتی آن سلاح هائي که دارند به کار بيندازند و باز قدرت الهی بود که وقتی شماها به ميدان رفتيد، فوج فوج سربازها به شما متصل شدند. اينهائي که بايد تحت فرمان آنها باشند نبردند فرمان آنها را، متصل شدند به شماها. اين یک تحول روي بوده برای ملت ما که فوق پيشبرد ما و فوق اين پيروي است که در او پيدا شده، يعنی غلبه کرد هر انسانی بر آن حالات نفسانيه ای که داشت که خوف داشت، احتمال اينکه بشود مثلاً ما یک همچو قدرتي را از بين ببريم، اول نمی داد، بعد يک دفعه خدا خواست و متحول شد به یک موجودی که مصمم و فرياد اينکه بايد ديگر اين جرثومه فساد نباشد، و یک تحول ديگري که اميدواري برای انسان می آورد، اين حس تعاون که پيدا شده است در ملت.

بوجود آمدن حس تعاون در ملت از معجزات خداست

شما را یک قدرت غيبي وادار کرده است که برويد مشغول بشويد به اين کارهائي که برای ملتتان فايده دارد. یک قدرت غيبي، ملائکه الله، آنها شما را وادار کردند که برويد اين کارها را انجام بدهيد. شماها و همه جوان هاي ما که در همه قشرهاي ملت و کشور دارند زحمت می کشند و گاهي از

خارج می آیند در ایران و زحمت می کشند ، اینها یک قدرت الهی است که اینها را وادار کرد به این کار . این یک امر بسیار مهمی است که برای جوان های ما حاصل شده ، حس تعاون ، احساس ، همه احساس می کنند یک وظیفه الهی است داریم انجام می دهیم ، همه با محبت و عشق عمل می کنند وقتی می روند در من گاهی وقت ها در تلویزیون دیدم که این زن ها ، این مردها ، این جوان ها ، این بچه ها توی این بیابان مشغول هستند و معلوم است با یک اشتیاقی مشغولند ، اینطور نیست که یک امری تحمیل به خودشان کرده باشند یک امری است که نفسشان کانه عاشق این مطلب هست .

و آن تحولی که پیدا شده است که جوان های ما فریاد می زنند که ما مستعدیم برای شهادت ، کفن می پوشند ، اینها یک تحولاتی است که بشر نمی تواند این کارها را بکند ، اینها کار خداست . من دیروز یک عقدی اینجا کردم بین یک جوانی و یک دختری ، این دختر بعد که می خواست برود یک کاغذی داد کاغذ را که من خواندم دیدم که خوب ، بعد از اینکه ، شما دعا کنید که این جوان های ما چه ، چه ، چه ، آخرش نوشته (من عاشق شهادتم) و از این قبیل زیادند . اینها یک تحول انسانی است که خدا ایجاد کرده در شما ، قدرش را بدانید که از ناحیه خدا اهدا شده به شما .

و این حس تعاونی که شما الان احساس می کنید که میل دارید بروید کار بکنید و می دانید که کشور ما الان محتاج به کار است یعنی کشور ما به تبلیغات به اینجا رسیده ، هی تبلیغ کردند ، هر چه صرف تبلیغ کردند ، همه چیز ما را دادند به غیر و همه نیروهای جوانی ما را از بین بردند و همه جا را خراب کردند با تبلیغات ، هی تبلیغ کردند به اینکه به تمدن بزرگ می خواهیم برسیم ، بعد از مثلا همین زودی ما در عرض ممالک پیشرفته ، جلورفته ، چه شده ، می رسیم باز این سال دیگر . مثلا از این حرف هائی که اغفال می خواستند بکنند کشور ما و جوان های ما را ، اینکه توجه نداشته باشند به اینکه دارد سرشان چه می آید . من و شما باز اطلاع نداریم که به سر ما چه آمده ، مسائلی بوده است که بین خود این شخص با اجانب ، شاید این را بروز هم ندادند به کسی . قراردادهائی که این رژیم کرده ، این رژیم فاسد کرد و همه چیز ما را داده است ، وابستگی که از همه جانبه پیدا کرده است ، ایران را وابسته کردند و از آن طرف بوق و کرنا به اینکه مملکت چه و چه و چه ، از آن طرف همه چیزش را تهی کردند و با تبلیغات انسان ها را هم تهی کردند از آن واقعیتی که باید داشته باشند .

خودتان را به خدا ، آن مبدأ قدرت متصل کنید

و خدا خواست که به داد این مملکت رسید ، به داد این کشور رسید . اگر یک چند سال دیگر ادامه پیدا می کرد این خیانت ها و جنایت ها ، دیگر معلوم نبود که بشود اصلاحش کرد . خدا خواست که این ملت را برگرداند از حالی که داشت به یک حال دیگری ، بیدارشان کرد . یکدفعه ما دیدیم سرتاسر کشور بیدار شدند و همه هم آنهائی که تا آنوقت از پاسبان می ترسیدند حالا از تانک ترسیدند ، آنهائی که از باتوم می ترسیدند از مسلسل دیگر ترسیدند . اینها یک مسائل غیبی است ، الهی است . دل ها را به آن مبدأ قدرت متصل کنید ، گمان نکنید که خودمان یک چیزی هستیم ، از این وابستگی های دنیائی

بیرون بروید و وابسته کنید خودتان را به آن مبدأ قدرت . قطره ها خودتان را به دریا برسانید . ماها قطره ایم ، از قطره هم کمتر ، اما اگر متصل بشویم به آن دریا ، کار ازمان خیلی می آید . خدا با جماعت است . ایران همه باید مشغول کار بشوند تا نجات پیدا بکنند . کشور خودتان را نجات بدهید .

نگذارید یک عده مفسد سابقه درخشانان را آلوده کنند

من متأسف می شوم از اینکه می بینم در محیط آذربایجان که محیطی بوده است که همیشه طرفدار اسلام ، همیشه طرفدار استقلال کشور ، یک اشخاصی پیدا بشوند ، یک ریشه های فاسدی پیدا بشوند که بخواهند بدنام کنند آذربایجان را . این اهمیت داشته باشد پیشتان ، شما سرافراز در ایران و در دنیا بودید برای اینکه همه توطئه هائی که واقع می شد ، می شکستید ، شما در صف اول بودید در مشروطه و در بعد از مشروطه در صف اول مجاهده بودید ، شما مجاهدین خیلی دارید ، شما (خیابانی) دارید و ستارخان دارید و باقرخان دارید ، علما دارید ، مرحوم آقامیرزا صادق آقا از مجاهدین بود و مرحوم انگجی که اینها از تبریز در زمان ما بودند . شاید شماها خیلی ها یادتان نباشد ، این دیگر در زمان ما بود که اینها را گرفتند آوردند ، تبعید کردند در یکی از شهرستان ها و بعد هم مرحوم آقامیرزا صادق آقا آمد قم ، دیگر رفت به تبریز ، همین جافوت شد و قبرشان هم همین جاست . شما مردها داشتید ، مردهای بزرگ داشتید از همه طبقه ، نگذارید شما را آلوده کنند و این نشان الهی که در پیشانی های آذربایجانی است اینها بکنند و به جای او یک چیز دیگر بچسبانند . الان این مفسدین ، این فاسدها درصدد اینند که هر جا یک بساطی درست کنند ، در آذربایجان هم مشغولند به اسم اسلام ، به اسم اینکه ما مسلمانیم ، به اسم اینکه ما چطور هستیم ، حمله می کنند به معبد مسلمان ها ، جماعت مسلمان ها را به کتک می گیرند . این با اسلام می سازد؟ این جز این است که در خارج گمان بکنند که یک دسته ای از آذربایجانبین دارند این کار را می کنند؟ در صورتی که معلوم نیست اینطور باشد ، یک دسته فاسد هستند ، یک دسته را هم اغفال کردند ، یک دسته اشخاص فاسد اغفال کردند یک دسته جوان های ما را اینها را از این غفلت بیرون بیاورید ، بسازید این جوان های خودتان را که برای اسلام باشند ، آبروی آذربایجان را حفظ بکنید شماها .

خداوند انشاءالله شماها را حفظ کند و این جهاد سازندگی شما انشاءالله ایران را حفظ کند ایران را خودکفا کند . با کار خودمان ، دسترنج خودمان مملکت خودمان را از گیر اجانب ، از چنگال آنها بیرون بیاوریم ، خودمان اداره کنیم کشور خودمان را . خداوند همه تان را حفظ کند و مؤید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع کارگران کارخانه ذوب آهن

امروز ضدانقلاب کسی است که در کارها سستی و اخلال کند

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلا تشکر می کنم از همه گروه هائی که زحمت کشیدند و آمده اند در هوای سرد اینجا و ما اعلام هم کردیم که زحمت نکشند عجالتا تا هوا خوب بشود اگر عمری بود آنوقت تشریف بیاورند. از همه شما جوان ها تشکر می کنم و دعا می کنم به همه شما. شما می دانید که امروز آنهائی که می خواهند نگذارند این نهضت، نهضت اسلامی به ثمر برسد، با طرح های مختلف، با فرم های مختلف در بین قشرهای ملت ایجاد تشنج، ایجاد اختلاف بکنند. مسأله کم کاری و بیکاری در ادارات، در کارخانه ها خصوصا کارخانه هائی که جهت حیاتی برای یک کشور دارد، مثل ذوب آهن که شما آقایان هستید، مثل نفت، این عناصر بیشتر آنجا می خواهند نفوذ کنند برای اینکه هر جا که خدمتش به ملت زیادتر باشد، اینها می خواهند آنجا را فلج کنند که استقرار پیدا نشود در این کشور و نتواند حکومت مستقر پابرجا تعیین کند. امروز ضدانقلاب کسی است که آن کاری که مشغول هست، در آن کار سستی کند، در آن کار بیکاری کند یا وادار کند اشخاصی را که آنها کم کاری کنند، از زیر بار شانه خالی کنند که این ضربه ای است به کشور خودشان و آنها همین معنا را می خواهند که جاهائی که محیط کار است نگذارند کار انجام بگیرد، بین کشاورزها بروند و نگذارند کشاورزی کنند، با اسم های مختلف بریزند و جلوگیری کنند از کشاورزی، در محیط کار بیایند و نگذارند شما آقایان کار کنید، یا وسوسه کنند که منتهی به کم کاری یا بیکاری یا تحصن یا راهپیمائی و اینطور مسائل بشود. باید توجه کنید که تمام اینها توطئه است، از اشخاصی که از اسلام ضربه خوردند و از وحدت شما آسیب دیدند.

اگر چنانچه یک ملتی نخواهد آسیب ببیند باید این ملت اولاً با هم متحد باشد و ثانياً در هر کاری که اشتغال دارد او را خوب انجام بدهد. امروز کشور، محتاج به کار است. یک کشوری که فقیر است، یک کشوری که همه چیزش را غارت کردند و بردند و شما هم می خواهید که محتاج به اجانب نباشید، محتاج به دشمن های تان نباشید، باید کار بکنید. شمائی که در ذوب آهن هستید (و خداوند توفیقتان بدهد) کار بکنید و برای خدا هم این کار را بکنید، یک نحو عبادتی است برای شما. و آنهائی که در کشاورزی مشغول کشاورزی هستند، آنها هم کار بکنند که ما در کشاورزی در ارزاقمان خودکفا باشیم. برای ما ننگ است که در ارزاقمان دستمان را پیش آمریکا دراز بکنیم. ما باید جدیت کنیم. خداوند به

ما هم زمین داده، هم آب داده است و هم برکات آسمانی هست. باید کار کنیم تا خودکفا باشیم، بلکه انشاءالله صادرات هم داشته باشیم. شما برادرها الان عبادت تان این است که کار بکنید. این عبادت است. همانطوری که فرض کنید آمدن به زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها عبادتی است، کار کردن هم یک عبادتی است و شاید از بسیاری از مستحبات بالاتر باشد.

همه مکلفند که در امور با جدیت و اتکال به خدا پیش بروند

توجه داشته باشید که با اینطور وسوسه ها، با ایجاد اختلاف، با ایجاد یاس، با ایجاد بیکاری می خواهند نتیجه بگیرند. اینها یک مسائلی است که حساب کردند روی آنها و در کشور ما می خواهند پیاده کنند. اینکه می بینید که در هر جا یک صدائی در می آید، این همین صداهائی است که از حلقوم اجانب بیرون می آید و اینهائی که در داخل هستند، عمال آنها هستند. شما اشخاصی که در بینتان می آیند و وسوسه می کنند راجع به این امور و می خواهند که شما را از کار بازدارند، از پیش خودتان آنها را بیرون برانید، راه ندهید پیش خودتان. اگر اشخاصی در آنجا هستند که می خواهند نگذارند که کارها انجام بگیرد معرفی کنید به آن اشخاصی که متصدی کارند آنها را کنار بگذارند و خودتان باید کمک بکنید. الان خود ملت باید در همه امور کمک بکند. در یک وقت انقلابی ملت خودش باید قیام کند تا اینکه کارها را انجام بدهد. اگر ملت بنشیند کنار و بخواهد دولت یک کاری را بکند، دولت همچو قدرتی ندارد. در مواقع انقلاب که همه دشمن ها، آنهائی که چپاولگر بودند و دستشان کوتاه شده است، در توطئه هستند، نمی تواند یک قشر کار را انجام بدهد، این به عهده خود ملت است. همه ما مکلف هستیم که در امورمان با جدیت و اتکال به خدا پیش برویم. خداوند شما را انشاءالله مؤید و منصور قرار بدهد و همه آقایانی که از اطراف آمدند و اینجا هستند، از همه تشکر می کنم و به همه دعا می کنم و خدمتگزار همه هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم آذربایجان

امروز تمام اسلام با تمام کفر مواجه است

بسم الله الرحمن الرحيم

دروود بر شما جوانان عزیزی که از راه دور و از مرکز قدرت در این منزل کوچک که نتوانست این منزل که تمام رفقای شما را جا بدهد می فرستم . درود بر ملت ایران! درود بر اهالی غیور آذربایجان درود بر مردم غیرتمند تبریز و سلام بر همه مومنان و عبادالله الصالحین!

ما امروز محتاج به قدرت هستیم . امروز که اسلام مواجه با دشمن است و تمام اسلام با تمام کفر مواجه است ، احتیاج به قدرت داریم ، قدرت با توجه به خدای تبارک و تعالی و وحدت کلمه حاصل می شود . آذربایجان همیشه سد محکمی در مقابل دشمنان اسلام بوده است و آسیب پذیر نبوده است . آذربایجان آسیب پذیر نبوده است و نخواهد بود . آذربایجان طرفدار اسلام و پشتیبان اسلام است . آذربایجان با ملت ایران یکی است و ملت ایران ملت آذربایجان و ملت ایران ، دو نیست ، همه یک هستند . اسلام به همه ما حق دارد ، ما باید حق اسلام را ادا کنیم . ادا کردن حق اسلام به این است که تفرقه در بین خودمان نباشد . آنهایی که می خواهند ایجاد تفرقه کنند ، از خود برانید . توطئه هائی که از شرق و غرب در ایران دارد نضج گیرد ، نگذارند که نضج بگیرد . اهالی آذربایجان نگذارند اختلاف در میان ملت حاصل بشود ، اختلاف در بین خودشان حاصل بشود . اسلام بین همه افراد مسلمین عقد اخوت بسته است ، مؤمنین را برادر خوانده است . شما برادرها پشتیبان هم باشید ، نکند که اعدا اسلام بخوانند با طریق های مختلف تفرقه بیفکنند بین شماها و دیگران . نگذارید قشرهایی که الهام از خارج می گیرند و از دشمنان اسلام می گیرند بین جوانان شما نفوذ کنند و نگذارند وحدت حاصل بشود ، تفرقه ایجاد کنند .

هر ندائی بر خلاف دولت اسلامی ، به ضرر اسلام و به نفع اجانب است

امروز هر ندائی بر خلاف انقلاب اسلامی ، برخلاف جمهوری اسلامی بلند بشود به نفع اجانب است ، به ضرر اسلام ، جمهوری اسلام . جمهوری اسلامی ، جمهوری است که بر آن احکام اسلام باید جاری بشود و مخالفت با جمهوری مخالفت با اسلام است . کسانی که نغمه مخالفت با جمهوری اسلام دارند ، می خواهند اسلام را نگذارند در ایران پیاده بشود .

شما برادرها بیدار باشید و هوشیار، توجه داشته باشید که اجانب و توطئه‌گران ننشسته‌اند و از همه طرف مشغول توطئه هستند. جوانان عزیز آذربایجانی را نگذارید آنها اغفال کنند، نگذارید با شیوه‌های مختلف اغفال بشوند. عزیزان آذربایجانی شما همیشه طرفدار اسلام و همیشه سد بزرگ بودید و این سد بزرگ را حفظ کنید. شما مدیون اسلام هستید. امروز اسلام در موضع حساسی واقع است و کشور شما در موضع حساسی واقع است در مقابل قدرت‌های بزرگ و توطئه‌های داخلی و خارجی، اینها که موجب تفرقه می‌شوند آلت دست خارج هستند، آنها در بین اقشار ملت ایجاد نفاق می‌کنند. ملت ما هوشیار باشد و بیدار. آن روز که می‌خواستید رأی به جمهوری اسلامی بدهید، مخالفت کردند و آن روز که می‌خواستید خبرگان خودتان را تعیین کنید، مخالفت کردند و آن روز که قانون اساسی را رأی دادید، مخالفت کردند و امروز که می‌خواهید رئیس‌جمهور تعیین کنید، مخالفت خواهند کرد و فردا که می‌خواهید مجلس شورای ملی را تاسیس کنید، مخالفت خواهند کرد. اینها مخالفت با اسلام است، آنها از اسلام ضربه خوردند و با اسلام آشتی نمی‌کنند. شما پاسداران اسلام هستید و با مشت محکم باید در مقابل آنها بایستید.

همه در صف واحد، ما همه در یک صف، در مقابل اجانب، در مقابل توطئه‌ها ایستادگی کنیم و نخواهیم گذاشت که اجانب به وسیله عمالشان نفوذ کنند و به خواست خدای تبارک و تعالی استقلال را در کشورمان ایجاد می‌کنیم و برنامه‌های اسلامی را و احکام اسلام را در همه جا پیاده خواهیم کرد. خداوند همه ملت ایران را از شر اجانب حفظ کند. خداوند آذربایجانی‌های غیور را از شر اجانب حفظ کند. خداوند به شماها عزت و سعادت عنایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان دانشجویان دانشکده حقوق و دانشجویان اردبیل

وابستگی فرهنگی اساس و منشا گرفتاری های ملل محروم

بسم الله الرحمن الرحيم

در عین حال که هم وقت گذشته است و هم هوا سرد است و هم شما دوستان در یک منزل مرطوبی به هم فشرده نشستید و موجب تأثر است، معذک چند کلمه عرض می کنم. هیچ ملتی نمی تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد، مادامی که خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی تواند پیدا کنند.

کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است، غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج منشا اکثر بدبختی های ملت هاست و ملت ماست. در هر امری که پیش می آید، از باب اینکه مغزهای آنهایی که در راس بودند به طوری بار آمده بوده است که از خودشان بکلی منصرف و قبله شان غرب شده بود، یکی از روشنفکرهاشان، متفکرین شان به اصطلاح گفته بود که ما تا همه چیزمان را انگلیسی نکنیم نمی توانیم یک رشدی بکنیم. یک همچو مغزهایی در رأس کارها واقع شد و از آن طرف هم تبلیغات دامنه داری که غربی ها و غربزدگان شروع کردند و شاید حالا هم باز باشد، اسباب این شد که مغزها غربی شد، قبله غربی شد و تا بیاید این غربزدگی و اجنبی زدگی از این قلب ها و از این مغزها زدوده بشود، وقت طولانی لازم است، در این پنجاه سال قبل هم بوده است، لکن در این پنجاه سال اخیر و خصوصاً در این زمانی که شخصی فاسد، این محمدرضای فاسد، زمامدار این کشور بود، این مسائل به رشد خود رسید، غربزدگی به کمال خودش رسید، در همه جهت وابستگی پیدا شد، در عین حالی که قضایمان، قضای حقوقی مان و مسائل حقوقی مان و مسائل فرهنگی مان یک مسائل پیشرفته و از سایر جاها جلوتر هست، لکن در هر امری دستشان را دراز کردند از جای دیگر گرفتند حتی آنوقتی که در صدر مشروطیت که باز این مسائل کمتر بود، باز دست یک غربزده گاهی آنوقت هم در کار بوده است که قانون اساسی آن زمان را از غرب گرفته بودند تا این ملت به خود نیاید و فرهنگ خودش را پیدا نکند و توجه به اینکه فرهنگی دارد، فرهنگ غنی دارد، نمی شود اصلاح بشود. الان در مدرسه هائی که

دانشگاه ها و دانشسراها اینها که ما داریم ، فرم هایش فرم غرب است ، دادگاه های دادگستری هم همین طور است ، مراحل دادگاهی هم از غرب گرفته شده است و همه چیز را از غرب گرفته اند ، فرهنگ به این غنی ای کنار زده شده است و چسبیده اند به فرهنگ غرب ، آنهم نه فرهنگ اصیل غرب ، فرهنگ استعماری غرب . غرب همه چیز استعماری دارد ، طب استعماری دارد ، فرهنگ استعماری دارد ، صادر می کند برای کشورهای که عقب افتاده اند به اصطلاح آنها آن چیزی که مناسب با آنجاست به طوری که وابستگی داشته باشد ، آنها می خواهند ما وابسته باشیم و چیزهایی که به ما می دهند چیزهایی است که وابستگی آورد ، استقلال نمی خواهند ما داشته باشیم ، استقلال فرهنگی نمی خواهند داشته باشیم ، استقلال فکری نمی خواهند داشته باشیم ، عمالی که آنها تربیت کرده اند در پیش خودشان و صادر کردند برای ما ، آنها هم کمک کردند به آنها و طرز فکر جامعه را طوری عوض کردند که اگر یک مطلبی غربی نباشد جامعه نمی پذیرد این را ، حالا شاید در این نهضت کم شده باشد ، لکن شما می دانید که قبلا تا یک اسم غربی روی دوائی ، روی یک فاستونی ، روی چیز دیگری نبود ، مردم هم نمی پذیرفتند . خیابان ها ، خیابان های ما باید یک اسم غربی داشته باشند ، از همان اشخاصی که ما را آنطور ناتوان کردند و آنطور چپاولی کردند و آنطور ستم ها را به ما کردند ، بعضی از خیابان های ما به اسم همان هاست ، همان های غربی ، همان های آمریکائی ، خیابان های روزولت . مثلا اگر جنسی رویش اسم غربی نمی بود ، آن را درست نمی پذیرفتند ، اگر یک دوائی نمی گفتند از غرب آمده است نمی پذیرفتند ، چیزهایی که خود ملت درست می کرد باید با اسم غرب فروش برود .

این غربزدگی است ، یعنی بازار ما هم غربزده هست ، یعنی ملت ما الان باز هم غربزده هست ، و تا از زیر بار این در نیائید و تا این وابستگی مغزی و فکری از بین نرود ، رشد حقیقی پیدا نمی شود و شما نمی توانید مستقل بشوید ، شما اگر بخواهید از همه وابستگی ها خارج بشوید ، اول این وابستگی مغزی را ، قلبی را کنار بگذارید ، گمان نکنید که هر چه آنها دارند خوب هست ، اگر یکی فرض کنید که یک پیشرفتی داشته باشد در صنعت ، این دلیل این نیست که پیشرفت دارد در فرهنگ ، گاهی اشتباهات مال همین جاهاست که آن که مثلا فرض کنید فلان طیاره را درست می کند به خورد ما اینطور می دهند که همه چیزش اینطوری است و حال آنکه نیست اینطور ، فرهنگشان مثل فرهنگ ما نیست ، علم حقوقشان مثل ما نیست ، علومشان مثل ما نیست ، علم فلسفه شان مثل ما نیست ، طب هم از شرق اخذ کرده اند . کتب شرقی در دانشگاه های آنجا تا آن اواخر ، شاید حالا هم باشد تدریس می شده است ، ما اگر بخواهیم از این بیچارگی بیرون برویم ، باید این وابستگی مغزی را کنار بگذاریم ، باید دانشگاه های ما یک دانشگاه هائی باشد که تا مدت ها زحمت بکشند این جوان ها را از آن حال سابق رژیم شاهنشاهی برگرداند به یک حال سالم رژیم اسلامی .

باید زحمت بکشند ، جوان های ما هم باید جدیت کنند در این معنا که خودشان را گم کردند ، پیدا بکنند ، تا اسم غرب می آید ، خودشان را نبازند . شما دیدید که در مقابل غرب ایستادید ، آنهم در آن چیزی که غرب جلو افتاده است ، در نظامی ، در تجهیزات عرض می کنم که با سلاح و امثال ذلک ، شما در مقابل

اینها که زورمند بودند ایستادید و با دست خالی هم ایستادید و پیش بردید . اگر قبلا به ما گفتند که ما می خواهیم یک حرفی بزنیم که آمریکا خوشش نیاید ، ترسیدیم ، سابق هم اینطور بود که اگر یک مسأله ای می شد تا سفیری که اینجا داشتند چه سفیر انگلستان بود یا شوروی بود یا امریکا بود ، می آمد اختاری می کرد همه عقب می نشستند ، لکن شما دیدید که قیام کردید و در مقابل قدرت های بزرگ ایستادید و حریف خودتان را در عین حالی که همه جدیت داشتند که باشد ، عقب زدید ، معلوم شد ، می شود مقابل غرب ایستاد ، می شود حتی جلو قدرت های غرب ایستاد ، در این قضیه خودتان را پیدا کردید ، دیدید که ما خودمان هم می توانیم با مشت خالی جلو برویم ، در فرهنگ هم باید خودتان را پیدا کنید .

آنها الان در صددند که با هر جهتی که شده است شما را باز به خودشان متوجه کنند ، همه کوشش شان این است که شما را وابسته قرار بدهند ، وابسته کنند ، نگذارند این وابستگی از بین برود و شما دانشجویهای عزیز خودتان در صدد این باشید که از غربزدگی بیرون بیایید ، این گمشده خودتان را پیدا کنید ، گمشده شما خودتان هستید ، شرق خودش را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند . آنها در صددند که با هر ترتیب شده است خودشان را به ما تحمیل کنند و شما باید مقاومت کنید . شمائی که خواهید مستقل باشید ، می خواهید آزاد باشید ، همچو خودتان سرپای خودتان ایستاده باشید ، باید همه قشرها در این مملکت ، همه قشرهای بنای بر این بگذارند که خودشان باشند . باید کشاورزها بنای بر این بگذارند که خودشان از زمین روزی خودشان را بیرون بیاورند و مملکت را خودکفا کنند و باید کارخانه های ما خودکفا بشود و باید صنایع را خود مردم ، خود این توده های مردم صنایع را رشد بدهند و باید دانشگاه ها خودکفا بشوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند .

جوانان ما از غرب ترسند و اراده کنند ، در مقابل غرب قیام کنند

بنا از اول هر امری این است که انسان اراده کند یک مطلبی را همچو ترسانندش که نتواند اراده بکند . قبلا ما را همچو از دستگاه سلطنت ترسانده بودند که اراده نمی کردیم مخالفت را ، نمی توانستیم اراده کنیم که مخالفت کنیم ، احتمال نمی دادیم که ما بتوانیم مخالفت بکنیم لکن خدای تبارک و تعالی خواست و شما اراده کردید ، شد ، حالا هم همین طور است ، نترسید از غرب ، اراده کنید ، دانشمندیهای ما نترسند از غرب ، اساتید دانشگاه ما نترسند از غرب و جوانان ما نترسند و اراده کنند ، در مقابل غرب قیام کنند و شرق اراده کند که در مقابل غرب قیام کند .

خداوند انشاءالله شما جوان ها را برای اسلام نگه دارد و اشخاصی که در بنیاد مستضعفین هستند و همه دانشجویهای عزیز و همه قشرهای ملت را خداوند حفظ کند . با قدرت انشاءالله به پیش بروید و پیروز هم خواهید بود .

بیانات امام خمینی در جمع گروه های مختلف مردم

لازمه استقلال، زدودن غربزدگی و یافتن فرهنگ اصیل شرق است

بسم الله الرحمن الرحيم

هیچ ملتی نمی تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد و تا زمانی که ملت ها خودشان را گم کرده اند و دیگران را به جای خودشان نشانده اند، نمی توانند استقلال پیدا کنند. کمال تاسف دارد که کشور ما حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد و این فرهنگ و حقوق را نادیده گرفته به دنبال غرب است. چنان غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می کنیم غیر از غرب، دیگر هیچ چیز نیست. این وابستگی فکری، عقلی و مغزی غربی، منشأ اکثر بدبختی های ملت ها و ملت ما نیز هست و تا این غربزدگی از ملت ها و مغزهای ملت زدوده شود، وقت طولانی لازم است و اگر شما دیدید که غربی ها در صنعت پیشرفتی دارند، اشتباه نشود، خیال نکنید که در فرهنگ هم پیشرفت دارند. شما دانشجویان عزیز خودتان درصدد باشید که از غربزدگی بیرون بیائید و گمشده خود را پیدا کنید. شرق، فرهنگ اصیل خود را گم کرده است شما که می خواهید مستقل و آزاد باشید باید مقاومت کنید و باید همه قشرها بنای این را بگذارند که خودشان باشند. باید کشاورزان درصدد باشند که روزی خودشان را از زیرزمین بیرون بیاورند و کارخانه ها خودکفا باشند تا صنایع کشورمان رشد پیدا کند. همچنین دانشگاه ها خودکفا و مستقل باشند تا نیاز به غرب نداشته باشیم. جوانان ما، دانشمندان ما، اساتید دانشگاه های ما از غرب نترسند، اراده کنند در مقابل غرب قیام کنند و نترسند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

در این موقع که به خواست خداوند متعال یکی دیگر از مراحل استقرار نظام جمهوری اسلامی در دست تحقق است و ملت مبارز بیدار ایران در صدد تعیین انتخاب رئیس جمهور می باشد، لازم است تذکراتی داده شود:

1_ با اینکه در این دوره به حسب قانون اساسی مصوب از ناحیه ملت، تصدیق صلاحیت رئیس جمهوری و واجد بودن شرایط او به عهده اینجانب است، به واسطه بعضی مصالح و جهات لازم المراعات، از آن جمله وضع استثنائی که کشور دارد، لازم است در این امر مهم حیاتی تأخیر نشود، از طرفی شناسائی بیش از یکصد و بیست نفر محتاج به زمانی طولانی است و تأخیر در این حال استثنائی به صلاح ملت و کشور نیست، به این جهت و جهات دیگر انتخاب امر صلاحیت و اینجانب را به ملت واگذار نمودم که خود سرنوشت خویش را تعیین نمایند.

2_ در دوره های آینده که انشاءالله استقرار کامل حاصل شد، به حسب قانون اساسی باید این امر به وسیله شورای نگهبان عمل و آنان هستند که باید تشخیص صلاحیت رئیس جمهور را به حسب موازین قانونی بدهند.

3_ اینجا از ملت شریف ایران تقاضا می کنم که در این امر مهم حیاتی سستی و بی تفاوتی نشان ندهند و انتظار دارم همانطوری که با شور و شعف به پای صندوق های رأی برای تصویب جمهوری اسلامی رفتند، در این امر با جدیت و علاقه به اسلام شرکت کنند که خداوند متعال با آنان است و پیروزی نصیب ملت شریف مسلمان است.

4_ ملت شریف با کمال هوشیاری و توجه به توطئه ها و بند و بست ها که در دست اجرا است و می خواهند نگذارند ملت در این مرحله مهم پیروز شود و در صدد ایجاد انحراف می باشند و مراعات شرایطی را که در قانون اساسی ذکر شده است با کمال دقت بنمایند.

5_ از آقایان کاندیدها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی انسانی را در تبلیغ برای خود، کاندیدهای خویش مراعات و از هر گونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند که برای پیشبرد مقصود، ولو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرود و از انگیزه های غیر اسلامی است.

6_ اینجانب بنا ندارم از کسی تأیید نمایم ، چنانکه بنا ندارم کسی را رد کنم و از تمام احزاب و گروه ها و افراد می خواهم از نسبت دادن کاندیدای خود به من که از آن استفاده تأیید و یا تعیین و یا رد شود ، ندهند . من بسیار مایل هستم که گروه هائی که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی و خدمتگزار به اسلام هستند ، در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیداهایشان رعایت نمایند و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته باشند و از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند که تفرقه و تشتت دوستان را نگران و دشمنان را کامیاب می کند و موجب تبلیغات سوء می شود . از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 188

بیانات امام خمینی در جمع اساتید دانشگاه تهران

دنباله هر انقلابی احتراز از مشکلات امکان ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

من از توجه شما آقایان دانشمندان به مسائل محل احتیاج تشکر می‌کنم و امیدوارم که با همت والای همه قشرها، خصوصاً دانشگاهی‌ها و دانشمندان، متفکرین، مشکلات کم‌کم رفع بشود، البته مشکلات زیاد است و دنباله هر انقلابی هم احتراز از مشکلات امکان ندارد، لکن من به شما آقایان مژده می‌دهم به اینکه این انقلاب اسلامی از تمام انقلاباتی که در دنیا اتفاق افتاده است بهتر است و ضایعاتش کمتر و آن چیزی که به دست آمده و امید است زودتر به دست بیاید، بیشتر. مهم این است که انقلابات دیگر نوعاً از یک قوه جباره ای منتقل می‌شد به یک قوه جباره دیگر، کودتا واقع می‌شد یا احزاب، مثلاً یک حزبی تقویت می‌شد و به طور کودتا یک رژیم را از بین می‌بردند و یک رژیم دیگر می‌آمد در کار که هر دو آنها شبیه به هم بودند، یک قدرت طلبی بود.

سرنیزه می‌تواند یک مردمی را سرکوب کند، لکن نمی‌تواند مستقر باشد

الان شما می‌بینید که در افغانستان که ما الان فعلاً مورد ابتلائمان است، کودتا می‌شود، لکن کودتاهایی است که یک قدرتمندی به وسیله قدرتمند دیگر می‌آید روی کار، بعد او می‌رود یک قدرتمند دیگر می‌آید روی کار و ملت هیچ، ابداً رضایت از این امور ندارد، ملت‌ها کار ندارند به آن. الان ملت افغانستان با این انقلابی که در اغتشاشی که در افغانستان اتفاق افتاده و آنی که از طرف شوروی تقویت می‌شود و اصل کودتا، کودتای شوروی است، نه کودتای آن شخص، قبل از سرکار آمدن آن شخص، آن قوای شوروی وارد شد به افغانستان و وارد شد و حکومت را از بین برد، نه اینکه حکومت او بیاید، به رغم حکومت، اینها آمدند و افغانستان را گرفتند و قبضه کردند و حکومتش یک حکومت فاسدی بود، آن حکومت فاسد را بردند، یک حکومت فاسدتری به جای او گذاشتند و الان هم افغانستان در قبضه آنهاست برخلاف ملت و همه اشخاصی که متفکرند و همه دولت‌هائی که وابسته به خود شوروی نیستند این امر را محکوم کردند و سفیر شوروی همان چند ساعت بعد از آن کاری که کرده بودند آمد اینجا و مانده بود اینجا تا وقتی که من همین وقت‌ها ملاقاتش کردم، این گفت: من یک پیامی آوردم و پیامش را ذکر کرد و همین مطالب بود که اشخاص خارجی آمده بودند و در افغانستان

مشغول به مثلاً اخلال بودند و مخالف با ملت بودند و دولت افغانستان از شوروی خواست که بیاید این کار را بکند و آن هم بنا دارد بیاید، در صورتی که آمده بودند و از بین برده بودند او را، من از او پرسیدم که آن خارجی که شما می‌گویید کی هست؟ کدام خارجی‌ها آمدند؟ با تمجیح گفت: پاکستان، بعد من برایش قصه‌ای را گفتم که اساس مسائل ما هم همان قصه است، گفتم اگر شما خیال کنید که با سرنیزه بتوانید یک ملتی را خاضع کنید و استقرار هم پیدا بشود این اشتباه است، سرنیزه می‌تواند یک مردمی را سرکوب کند، بکشد، چه بکند، لکن نمی‌تواند مستقر باشد، ملت اگر یک چیزی خواستند، نمی‌شود به خلاف میل ملت همیشه یک کاری را انجام داد و اگر رژیمش با حکومت با ملت، دو رژیم باشد ملت مسلم باشد، حکومت کمونیست باشد، این نخواهد درست شد و شما همچو امیدی نداشته باشید، با بودن یک ملتی به حال نظام اسلامی و آمدن یک حکومتی برای این ملت به نظام دیگری مثل کمونیست است این می‌شود اول شماها بریزید و بکشید (و چنانچه دارند همین کار را می‌کنند) و مردم را سرکوب کنید، لکن این استقرار نمی‌تواند پیدا کند.

در دنیا ما نداریم یک همچو انقلابی که دنبالش آزادی باشد

و عمده این است که حکومت‌ها نمی‌توانند بفهمند تکالیف خودشان را راجع به ملت‌ها، حکومت‌ها هر چه روی کار آمدند، تقریباً آمدند برای سرکوبی ملت‌ها، در صورتی که حکومت یک ملت (خصوصاً در آنجائیهایی که دعوی دموکراسی و امثال ذلک می‌کنند) برای خدمت مردم است نه برای سرکوبی مردم، لکن مابینیم حکومت‌ها اینطور نیستند. این حکومت‌هایی که ما با ایشان مواجه بودیم و دیدیم که همه می‌دانید وضعشان چه بوده و این حکومت‌های همجوار ما هم می‌دانید که همه اینطور هستند که یک دسته اقلیتی با قدرت و سرنیزه و پشتیبان داشتن از خارج می‌آیند و یک ملتی را سرکوب می‌کنند تا آن اندازه‌ای که بتوانند ملت‌ها بیدار بشوند. از آن جمله مسأله ایران بود، که ایران مبتلا بود به یک حکومتی که با سرنیزه انگلیسی‌ها اول و با سرنیزه این قوای ثلاثه، این متفقین و در ادامه اش با سرنیزه آمریکا به این ملت مسلط شد و رساند کار را به آنجائیهایی که همه دیدید. لکن اینطور نبود که این نهضت ایران یک قدرتمندی باشد ضد یک قدرتمند دیگر که آن قدرتمند با سرنیزه بیاید این قدرتمند را خارج کند و خودش با سرنیزه سرکوبی کند، این یک نهضتی بود که از متن ملت پیا شد، نهضت، نهضت ملی بود، یعنی ملت از زن و مرد، از بچه و بزرگ همه قیام کردند و این حکومت جائر را از بین بردند، این یک امتیازی است بین این نهضت اسلامی ایران با نهضت‌های دیگر که این صددرصد ملی بود، یک شخصی که سرنیزه دستش باشد، بیفتد جلو، همه مردم را بکشاند با توپ و تانک، یک توپ و تانک دیگری را بکوبد، این نبود، ملت در مقابل یک دولت ایستاد و هیچ هم توپ و تانکی نداشت، همه اش فریاد و تظاهر. اتکال به خدا بود، از این جهت این امتیاز هست که مال ملت هست این، این نهضت نه کودتاست و نه اینکه یک قدرتی قدرت دیگر را از بین برده باشد، یک ملتی یک قدرتی را از بین برده، یک ملتی در صورتی که نه نظامی بود، نه تعلیمات نظامی داشته و

نه چیزی، دانشگاهی بودند و یا دانشجو بودند و یا طلبه بودند و یا زن بودند و یا مرد، مثلا بازاری بودند و اینها هیچ کدام تعلیمات نظامی نداشتند و ابزار نظامی نداشتند و ابراز نظامی هم دستشان نبود، لکن همه بودند، وقتی همه بودند، یک قدرت ملت، یک قدرت الهی بود و نکته دیگر، اینکه همه هم قیام کرده بودند، یک چیز می خواستند و آنکه حکومت عدل می خواستند، حکومت اسلام می خواستند، این آمال همه بود، آن بچه هائی که تازه زبان باز کرده بودند از مادرهاشان یاد گرفته بودند و می گفتند (جمهوری اسلامی) زن و مرد و آنهائی که مطلع بودند، همه می گفتند ما حکومت اسلامی می خواهیم. پس این نهضتی که در ایران شده است به واسطه این دو نکته که یکی نهضت از متن ملت و یکی هم عقائد اسلامی و برای اسلام، این اسباب این شده که این نهضت وقتی جلورفت دیگر شروع نکرد به سرکوبی مثل الان شما وضع افغانستان را ببینید به مجرد اینکه حکومت حالا، حکومت امین را زده زمین، حالا افتاده به آدمکشی، طیاره های شوروی بالای سر ملت افغانستان و قوای چهل و پنجهزار که می گویند قوای شوروی مجهز توی شهر ریختند و دارند چه می کنند البته آنها مقاومت دارند می کنند و بالاخره پیروزی با ملت است انشاءالله، اینجا اینجور نبود. اینجا بعد از اینکه همه، دیگر این یک چیزی است که ما همه شاهد بودیم بعد از اینکه قوا شکسته شد و شاه اول رفت و شاه مخلوع اولی رفت و دنباله اش هم بعد رفت و اینها بعدش بنا نداشتند به اینکه بریزند تو خانه های مردم، سرکوب کنند مردم را، طیاره بیاید و چه، برای آنکه آن ملت بود همه با هم بودند دیگر یک قدرتی نیامده بود روی کار به ضد ملت، ملت بودند همه با هم رفیق و برادر.

بنابراین، این یک خاصیتی بود در این نهضت ما که برای این خاصیت دنبالش دیگر این آدمکشی ها شروع نشد، که چند هزار جمعیت، در یکی از اینها در افغانستان گفتند بیشتر از سه هزار در یک محل، بیشتر از سه هزار را کشتند، یک مسجد که دویست و پنجاه نفر مشغول نماز بودند و افراد دیگری هم در کار بودند، همه شان را با چیز کشتند اینجا این حرف ها نبود در کار، برای اینکه اینجا یک قدرتی با یک قدرتی مواجه نبود، یک ملتی با یک قدرت مواجه بود، ملت دیگر بعد از اینکه غلبه کرد، برای کی چیز بکند، تا پنج ماه هم تقریبا، یک آزادی در این مملکت بود که در هیچ انقلابی در دنیا نبود، فرانسه را می گویند که از همه ممالک مثلا اقدم یا زودتر است به تمدن، فرانسه بعد از اینکه انقلاب در آن پیدا شد اینقدرها آدم کشته شد، الان هم باز معلوم نیست آنطور استقرا پیدا کرده باشد، اینطور آزادی باشد. اینجا بعد از اینکه این سد شکسته شد، پشت سر سد یک آزادی مطلق، تمام فرودگاه ها باز بود، بنابر این نبود که یک چیزی که بشود فرودگاه باز باشد، همه جاها را می بستند، تمام مخابرات را کنترل می کردند، قطع می کردند بین آنجا و همه جا و تمام فرودگاه ها بسته می شد، تمام مطبوعات قدغن می شد، توقیف می شد، در کودتاهائی که بوده است و در انقلاباتی که بوده، اینطور بوده که پشتش یک اختناق بوده است که بالاتر از هر اختناقی، اختناق دنبال کودتا بوده، دنبال انقلاب بوده و همه دیدید که دنبال سر این انقلاب یک آزادی مطلق بوده، یک آزادی بود که شروع کردند اشخاص مفسد و فاسد استفاده از آن کردند. تا پنج ماه همه چیز آزاد بود، همه روزنامه ها و همه مقالات و همه

گویندگان و همه چیزها و همه راه ها هم باز بود ، حالا هم که باز است . بعد از چند ماه معلوم شد که خوب ، این مطبوعات همچو نیست ، یک مطبوعاتی باشد که مثلا یک دسته ای یک عقائدی دارند می خواهند آن عقائد را ذکر بکنند معلوم شد یک توطئه هائی دارند اینها و از اسرائیل که دشمن بشریت است اینها دارند ارتزاق می کنند و توطئه دارند . بعد از این هم یک دسته ای از چند تا روزنامه ، برای اینکه محاکمه بشوند ، ببینند که اینها چرا این کارها را می کنند چیز شد . اما کشتار دستجمعی ، و آن مسائل هیچ نبود . چند نفر از اینهایی که پنجاه سال مشغول هرزگی بودند و مشغول کشتن و وادار کردن به کشتن بودند ، یک عده معدودی از اینها را آوردند محاکمه کردند ، بعد از اینکه معلوم شد که اینها اینطور بودند ، چند نفر کشتند و چقدرها را چه کردند ، اینها را به جزای خودشان رساندند . در دنیا ما نداریم یک همچو انقلابی که دنبال سرش اینجوری با انسانیت رفتار شده باشد ، آزادی داده شده باشد ، نداریم ما یک همچو چیزی و این برای این بود که از ملت بود و برای اسلام بوده ، ملت خودش را موظف می دانست به اینکه کار خلاف نکند ، خوب ، البته در یک همچو جمعیت سی و چند میلیونی هستند ، خوب ، یک عده ای هم هستند کار خلاف می کنند همیشه بوده و حالا هم هست و از زمان سابق هم بوده تا حالا ، اما اینطور نبوده است که یک کشتار دستجمعی ، آن اشخاصی که غلبه کردند یک کشتار دستجمعی بکنند ، آن اشخاص که غلبه کردند یک اختناق فوق العاده پیش بیاورند ، این حرف ها نبوده در کار و عمده اش همین بوده که مال ملت بوده و برای اسلام بود . این مسأله ای بود که فرق هست مابین این نهضت و نهضت های دیگر از این جهت که نهضت ملی است و اسلامی .

اگر ما به تمدن فاسد غرب پشت کنیم خودکفا خواهیم شد

می بینید شما که همه قشرها الا یک دسته های کوچکی که فاسد هستند و آنها از خارج الهام می گیرند همه مشغول اینها شدند ، همه احساس این معنا را می کنند که ما باید برای کشورمان یک کاری بکنیم ، دانشگاه هم مشغول همین کار است ، دانشسراها هم مشغول همین کار هستند ، رعیت ها هم مشغول همین زراعت هستند . در دو روز پیش از اینکه رعیت های اطراف قم آمده بودند با بیل هاشان (جالب هم بود) و فریاد هم می زدند که ما خودمان می خواهیم چیز خودمان را درست بکنیم و کشاورزی خودمان را ، کشاورزها مشغولند ، لکن می دانید که یک مملکتی که خوب لااقل حالا- از سابق بوده ، لااقل پنجاه سال کوشش شده در فساد ، نه اینکه همین مشغول کار خودشان بودند و کاری نداشتند ، به رعیت کاری نداشتند ، به ملت ، نخیر کار داشتند ، کوشش کردند که از همه جهات این مملکت را به آسیب برسانند ، در دانشگاه ها یک جور ، به یک وسیله ، یک دانشگاه استعماری درست کرده بودند برای ما که جوان های ما وقتی آنجا می رفتند ، وقتی که بیرون می آمدند به نفع دیگران بیشتر صحبت می کردند تا به نفع خودشان ، تربیت اینطور می خواستند بکنند و هر جا را دست گذاشتید می دیدید که خرابی کردند . هر جا به یک قسمی ، در این توده های مردم ایجاد اختلافات ، کم کاری ، نگذارند مردم کار بکنند و می خواهند وابسته به غیر باشند ، ما را وابسته به غیر ما . عقیده مان این شده است که

غیر از غرب دیگر کسی نیست، جایی نیست که بشود، ما باید وابسته باشیم یا به شرق و یا به غرب. آدم خوب های ما می گفتند به غرب وابسته باشیم، برای اینکه این مقدار ادراکشان نبود که نه، ما توانیم خودمان بایستیم کار بکنیم، خودمان می توانیم سرپا بایستیم، ما ترجیح می دهیم به اینکه از این تمدنی که ما را فاسد دارد می کند دست برداریم و برسیم به یک زندگانی بسیط انسانی.

اگر ما یک همچو چیزی پیدا بکنیم و از این تمدن مفسد و فاسد پشت بکنیم به آن، خودمان کم کم خودکفا خواهیم شد. آن که ما را نمی گذارد به اینکه در هر قشری که داریم خودکفا باشیم، وابستگی است که ما به آنها داریم. وقتی بنا شد که قبله یک ملتی غرب باشد، روبه آنجا می ایستد و حرف می زند. آتاتورک عکسش، من در آنوقت که در ترکیه بودم، من مجسمه اش را دیدم که مجسمه اش این بود، دستش را اینطور دراز کرده بودند، گفتند آنهایی که آنجا بودند، که دستش را طرف غرب دراز کرده است و می گفت که همه چیز از آنجا باید باشد و یکی از دانشمندان به اصطلاح ما که در زمان سابق بود و بعد هم فوت شد، او در ایران گفته بود که ما تا همه چیزمان انگلیسی نشود نمی توانیم درست کنیم خودمان را. یک همچو مغزهایی که همه چیز را آنجا می دانند و دامن زده با تمام تبلیغاتی که بوده است در عرض این سال های طولانی به اینکه به ما باور بدهند و تحمیل کنند به ما که خودمان آدم نیستیم، تحمیل کردند به ما، تا یکی دلش درد می گیرد برود اروپا، یکی می خواهد چند تا کلمه چیزی یاد بگیرد برود اروپا، شما اگر اینهایی که رفتند اروپا و تحصیل به خیال خودشان کردند بیاورید به آن کسی که صحیح در اینجا تحصیل کرده باشد (والا اینجا هم تحصیل صحیحی برای ما درست نکردند) اگر مقایسه کنید می بینید که اینکه رفته اروپا، رفته تفریح بکند، رفته کاغذ بگیرد بیاید اینجا، تحمیل مردم بشود اجازه بگیرد، اجازه تحمیل به مردم، آن دیپلمی را که به جوان های ما می دهند خیلی آسانتر و زودتر است از آنکه به خودشان می دهند، برای اینکه خودشان می خواهند دانشمند بشوند، ما را می خواهند نگذارند، ما را همچو کردند که هر چه هست از آنجاست و خودتان هیچ چیز نیستید. این را باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم، که ما هم هستیم در دنیا، که شرق هم یک جایی است، همه اش غربی نیست، شرق هم یک جایی است که خزانش بیشتر از همه جا و متفکرینش بیشتر از همه جا بوده است. تا آنوقتی که ما را اسیر کردند، طب از شرق رفته به غرب، تمدن از شرق رفته به غرب، لکن مع الاسف قضایا چه شده است و دسته بندی ها چه جور بوده و تبلیغات چه بوده است که ما را به عقب زدند به طوری که ما خودمان را هیچ می دانیم. این را کرارا من گفتم، فاستونی را در کارخانه اصفهان می بافتند پیشش می نوشتند انگلیسی، برای اینکه تا انگلیسی نباشد بازار هم نمی خرد آن را. من و شما هم نمی خریم، باید انگلیسی باشد تا بخریم، خیابان های ما اگر می خواهد چه بشود، خیابان روزولت، آن روزولتی که ما را به این مصیبت نشانند و آمدند این مرد را به قولی که خودش گفت: (من را صلاح دیدند که باشم اینجا و خدا لعنتشان کند که همچو صلاح دیدی را کردند، باز خیابان باید خیابان روزولت، خیابان چرچیل، خیابان کذا. شما بروید بگردید در همه خیابان های غرب، من که نمی دانم اما من گمان ندارم که اسم یکی از سلاطین در آنجا باشد، مگر اینکه بخواهند بازی بدهند ما را، گاهی

اینطوری است که بخواهند بازی بدهند ما را، یکی آنجا بگذارند. شما بیاید صد تا اینجا درست کنید ما را اینطوری کردند که بکلی در همه معلومات خودمان را بستیم و معلومات دیگران را نه، معلومات صادراتی، اگر یک معلوماتی، که معلومات واقعی بود که ما حالا به این روز نبودیم. معلومات صادراتی یعنی آنکه نتواند به درد ما بخورد آنی که نتواند ما را به مرتبه کذا برساند، لکن اسم زیاد بود، تبلیغات، دروازه تمدن کذا. شما می دانید مائی را که این آقا به دروازه تمدن رسانده! حالا که رفته می بینید چیست، وضع چیست، وضع ما چیست، هیچی نداریم، همه خزائنمان را بردند، هر چه نفت داشتیم بردند و ایشان هم وعده کرده بود تا بیست سال دیگر ما نفت داریم و از خورشید استفاده می کنیم، البته اگر ایشان بودند تا بیست سال دیگر شاید نفت نداشتیم دیگر، ولی بحمدالله داریم نفت، دزدی وقتی در آن نباشد هست.

مطالعات کارشناسان خارجی برای غارت منابع کشور

در هر صورت این خاصیتی که در این انقلاب هست که اسلامی است و ملی، این خاصیت اسباب این شده است که همه شما آقایان را وادار به کار کرده هر چه کار ازتان بیاید می کنید برای اینکه می بینید کار برای خودتان است، نه برای غیر خودتان. شما الان ایران را منزل خودتان می دانید، قبل از این می گفتید برای چه من کار کنم، خوب من کار کنم که آمریکا ببرد. در صنعت نفت فرض کنید که ما کار کنیم که آمریکا ببرد، برای چه بکنیم اما حالا می بینید مال خودتان است. بله در همه جا حالا یک ریشه هائی از آنها باقی مانده که می خواهند ما کار کنیم و آمریکا ببرد. این اشخاصی که خودشان را معرفی می کنند که فرض کنید برای ملت و برای خلق و برای بساط، اینها دارند کوشش کنند به اینکه ما کار کنیم خارجی ها ببرند، اینها کوشش شان این است، لکن به اسم اینکه نه اینطور نیست، می خواهیم ملت چه باشد، ملت، خواهیم چه باشد، یک ملتی که همه ایستادند رأی به یک قانونی دادند، مخالفت می کنند، می گویند که این دموکراسی نیست، دموکراسی غیر از این است که مردم خودشان سرنوشت خودشان را دست بگیرند، کجای دنیا اینقدر دموکراسی هست که برای قانون اساسی، دو دفعه مردم رأی بدهند، کجای دنیا شما سراغ دارید که برای یک قانون دو دفعه رأی بدهند، یک دفعه رأی بدهند به اشخاص خبرگانی که بیایند این را ببینند و چه بکنند، یک دفعه دیگر هم، همه شان رأی بدهند به خود آن قانون، باز هم آقایان می گویند این محل اشکال است، ملت یک چیزی یک چیزی را که خواسته، شما اگر بگوئید محل اشکال است، شما می خواهید تحمیل کنید، شما دیکتاتور هستی که می خواهی تحمیل کنی، قضیه هم این نیست که حالا اینها دلشان می خواهد یک مجلس کذائی باشد و یک مثلاً رژیم کذایی، قضیه این است از این یک رژیم که به دست خود ملت و با اسلامیت پیش بیاید می ترسند. این خارجی ها همه چیز ما را مطالعه کردند، اینها یک جانورهای عجیبی هستند، همه چیز ما را مطالعه کردند، یعنی آمدند کارشناس هاشان تمام بیابان های ما را آنوقت که اتومبیل نبود با شتر می رفتند، با شتر و ساربان می رفتند، تمام این بیابان هائی

بود که در جاهائی که مثلاً کاروان ها می رفتند ، اینها می رفتند از بیابان ها ، از جاهای دیگر نقشه برمی داشتند و آن چیزهائی که زیرزمین بود ، اینها با چیزهائی که داشتند می فهمند اینجا چیست . در همدان که بودم یکی از دوستان من یک صفحه بزرگی را آورد من دیدم که گفت نقشه همدان است . نقشه همدان و حومه همدان ، بزرگ بود ، در نقشه دیدم که یک نقطه های زیادی در آن هست ، گفت این نقشه مال خارجی ها است ، این نقطه هائی است که یک چیزی در آن هست ، این نقطه هائی که گذاشتند جاهائی است که اینها کشف کردند یک چیزی در این محل ، یک چیزی پیدا می شود ، اینها علاوه بر اینکه زمین های ما را تفحص کردند و همه چیزش را تحت نظر قرار دادند و می دانند ما چه داریم ، علاوه بر این قشرهای ملت ما را مطالعه کردند .

در بختیاری ها رفتند ، آنجا یک نفر آدم رفته چند سال مانده آنجا در بختیاری ها مطالعه کرده که اینها را چطور می شود رام کرد ، چطور می شود برانگیخت ، روحیات اینها چه جور است ، در بلوچستان هم رفتند ، در کردستان هم رفتند ، همه جا ، ممکن است یک نفر هم باشد که کردها ندانند ، غیر کرد ، خیال کنند کرد است . گاهی وقت ها یکی از آنها پیدا شده ، عمامه سرش بوده ، آخوند شده ، همه جا رفتند اینها و همه انگیزه هائی که در یک ملتی ممکن است منشا یک امری بشود ، اینها مطالعه اش را کردند ، قبلاً اینها مطالعه داشتند لکن خارجی ، و عینی چیزی به دست شان نیامده بود ، آنطوری که باید بیاید ، مطالعات بود و عملیات بود .

اسلام و وحدت کلمه اقشار مردم ، دو نقطه اساسی و مورد حمله اجانب

شما ملت بزرگ ، آن مطالعات آنها را عینیت دادید ، یعنی آنها بعد از مطالعاتشان به اینجا رسیده بودند که آن چیزی که مضر است ، اسلام است برایشان و وحدت کلمه ملت ، اگر همه ملت یکی بشود و همه اسلامی باشند ، این نمی گذارد آنها زندگی شان درست بشود ، این دو نقطه را اینها به آن حمله کردند زمان رضاشاه به اسلام حمله کردند و به روحانیت حمله کردند ، آن کردند ، آن کردند که کسانی اگر یادشان باشد دیدند ، کسانی که ندیدند در تاریخ بعدها ببینند ، چون تاریخ هم نمی توانست بنویسد ، بعدها شاید بیاید در تاریخ و در زمان ما هم با فرم دیگر ، اساس این بود که اسلام را ببرند ، تاریخ اسلام را به اسم اینکه ما خودمان یک کذائی هستیم ، تاریخ اسلام را می خواست از بین ببرد ، موفق نشد ، همه چیز را اینها می خواستند از بین ببرند . همه چیز را اینها می خواستند از بین ببرند ، اسلام را ضعیفش کنند و مردم را از آنهائی که کار برای اسلام می کردند یا کارشناس اسلام بودند جدا کنند ، به اسم اینکه اینها مرتجع هستند . از این طرف هم دانشگاهی ها یک دسته فکلی آنجا نشستند برای خودشان چه می کنند به ما می آمدند اینطور تزیق می کردند که اینها یک دسته بی دین و ریش تراش و فکلی ، به شما می آمدند از آن طرف می گفتند اینها یک دسته انگلیسی اند . اینها ، همان عمال انگلیسی می آمدند می گفتند اینها یک دسته انگلیسی اند . اینها ، همان عمال انگلیسی می آمدند می گفتند آخوندها ، این آخوندها انگلیسی اند ، انگلیسی ها این حوزه ها را درست کردند ، من خودم با

گوشم شنیدم گفت: انگلیسی ها نجف و قم را _ انگلیسی ها _ درست کردند، می خواستند وحدت کلمه ای که امکان داشت بین این دو قشر متفکر پیش بیاید، نگذارند.

خدا خواست که در یک برهه از زمان، این دو قشر با هم شدند، هر دو یک قصد داشتند، هر دو یک مطلب داشتند.

و حالا باز همان قضایا می خواهند پیش بیاورند، باز دانشگاهی ها را از مدارس قدیمه جدا کنند، حزب ها پیش بیاورند و گروه های فراوان که همه با هم مختلف باشند و مع الاسف ملتفت نیستیم، عمق مسائل را نمی توانیم درک کنیم که در ظرف یک سال کمتر دویست تا گروه در یک مملکت پیدا شد و دویست تا حزب اظهار وجود کردند، این یعنی چه! این چه بوده، چیست اینطور می شود، دویست تا گروه در اینجا پیدا بشود، هر چه گروه ها هم زیادتر بشود اختلافات زیادتر می شود.

اصل حزب بازی را به نظر من که در صدر مشروطیت حزب را در ایران درست کردند، حزب بازی را برای همین درست کردند که نگذارند این ملت با هم آشتی کند. برای اینکه حزب را می دیدند که اینجا بنای اینها این است که وقتی این حزب شد حزب عدالت و این حزب شد حزب دموکرات که در صدر مشروطه بوده، اینها با هم دشمنند. این برای آن می زند، این برای او می زند، احزاب در خارج اینجور نیستند، اگر نمایش بدهند که اینجور هستند برای اینکه کلاه سر ما بگذارند، اگر نمایش بدهند که اینها اختلاف دارند، اختلاف اساسی ندارند، اینها کلاه سر ما می خواهند بگذارند تا ما اختلاف پیدا بکنیم، مثل یک بچه ای ما را حساب می کنند که یک توپ می اندازند میدان که سرگرم کنند مردم را.

ما با تمدن مخالف نیستیم با تمدن صادراتی مخالفیم

اگر شما آقایان و همه ملت بخواهند استقلال خودشان را، (و می خواهند) بخواهند آزادی خودشان را، باید اول افکارشان را آزاد کنند، افکار ما الان در قید و بند است حالا هم هست انشاءالله بشود الان یک نهضت، یک نهضت فکری هم شد الان، لکن باید این را تتمیم کرد، نهضت شماهایی که در دانشگاه هستید و دانشمند هستید و متفکر هستید، این جوان های ما را یک جوری بار بیاورید که خودشان بفهمند که خودشان یک چیزی اند، نگویند که ما باید جور غرب باشیم، شرقی باشند، اگر از غرب هم صنعتی می آید، یاد بگیرند، اما غربی نشوند، یاد گرفتن مسأله، یک چیزی است و مغز را غربی کردن و از خودش غافل شدن، مسأله دیگر است.

ما با تمدن مخالف نیستیم با تمدن صادراتی مخالفیم تمدن صادراتی ما را به این روز نشانده است.

آزادی صادراتی! آزادی است که بچه های ما را به فحشاً کشاند و مراکز فساد هر چه خواست زیاد شد به اسم آزادی، همه مطبوعات ما در خدمت آنها بودند برای اینکه این بچه های ما را، این جوان های ما را از دانشگاه منصرف کنند و به فحشاً بکشند. در عین حالی که دانشگاه باز یک

دانشگاه مطبوع نبود، باز همین مقدارش هم دوست نداشتند اینها باشد. اینها جوان های ما را از آنجائی که مرکز کار است، برای فعالیت است، بیرون بردند، به مراکزی بردند که تنبل پرور است، تمام مراکز فحشاً تنبل پرور است، آدم را تنبل می کند.

یک کسی که عادت کرد که شب برود به سینما، آن سینماها، نه سینماهای آموزنده، آن سینماهایی که همه اش برای این بود که ما را تخدیر کند، این وقتی عادت کرد به آن مراکز یا به آن مراکز فحشائی که لابد شنیدید که در تهران چقدر بوده، بین تهران و شمیران چقدر بوده است وقتی بنا شد جوان های ما کشیده شدند به آنجا، یعنی عضو فعاله ای که باید یک مملکت را اداره بکند مهمل بشود، هروئین را اینطور ترویج کردند که همه قشر مملکت پر از هروئین شده است و شده بود، این همچو نبود که خود به خود شده باشد. این نقشه بود، وقتی بنا شد یک جوانی که قدرت فعاله یک مملکت هست مبتلای به هروئین بشود می شود هیچ، مهمل می شود، اینها ما را مهمل می خواستند بکنند که هر چه از ما ببرند و هر بازی سر ما درآورند ما هیچ نفهمیم، اصلاً فکر این نباشیم که چرا باید بشود، آدم هروئینی و آدم تریاکی و آدم مثلاً دنبال فحشاً رفتن، فکرش نمی آید به اینجا که نفت ما را چرا می برند. کی برد، کی می خورد، به فکر این آید. آن فقط فکرش این است که چه وقت، وقت این است من تریاک بکشم یا چه وقت، وقت این است بروم در آن مرکز، یا چه وقت، وقت هروئین است. اصلاً فکر آن قضیه نمی آید و اینها همین نقشه را داشتند که جوان های ما را از این افکاری که باید با آن افکار ما برسیم به یک مطلبی، بازدارند و آن فعالیتی که باید جوان ما، طبقه جوان ما داشتند از دستش بگیرند مهمل بارش بیاورند. هر چه بخواهند بکنند و ما حرفش را نزنیم، لکن خدا نخواست به دادشان رسید، خدا نخواست اینطور بشود و در بین راه، خدا دریافت شما را و شما حفظ کنید این را.

همه مملکت باید مشغول بشوند برای اصلاح خودشان

جوان هاتان را تربیت کنید به یک تربیتی که فعال باشد، همه برای این نباشد که یک چیری را بگیرند. آقا این مصیبت است که همه دانشگاه ها زحمت بکشند برای اینکه هی میز اشغال کنند، چیست، کار نیست، بروند بنشینند آنجا حقوق بگیرند، خوب سابق این بود دیگر، ادارات ما الان هم خراب است. اینطور بود که فرض کنید اداره ای که این می شد با صد نفر اداره بشود با پانصد نفر، هزار نفر اداره می شد. صد نفرش کار او از می آمد، به طور اهمال هم بازو باقی شان حقوق می گرفتند و آنجانشستند تفریح می کردند. یکدفعه هم در تلویزیون نشان دادند، آن وضع اداره را نشان داد، یک دفعه، وضع همین بود، اینها می خواهند اینطور درست بکنند دانشگاه را، دانشگاه باید عالم درست بکند نه اداری، اداری یک مسأله کوچکی است حالا یک احتیاجی هست به او، البته باید بروند آنجا، اما دانشگاه باید عالم درست کند، دانشگاه باید اشخاصی را درست کند که مملکت خودش را اداره کند از حیث علمیت، اداره کند از حیث فرهنگ، نه اینکه غایت آمال این باشد، یک چیزی دستش بیاید برود در یک اداره ای بنشیند مهمل، کار هم بود، خوب، اما کار نیست توی ادارات، یک اداره که نمی تواند

اینهمه جمعیت را بپذیرد، جز این است که آنجا بودجه مملکت را بیخودی صرف بکنند، خودشان هم مهمل بار بیایند. یک قوه فعاله مهمل بار می آید و بودجه مملکت را از بین می برد. اینها باید اصلاح بشود. من، آخر عمر من است اما شما جوانید، اصلاح کنید اینها را، اصلاح کنید اینها را اگر بخواهید مستقل باشید، این چیزها را درصدد برآئید اصلاحش بکنید. همه مملکت باید مشغول بشوند برای اصلاح خودشان، اول اصلاح آدم ها بکنند که مقدم بر همه چیز است، دانشگاه ها را مرکز تربیت قرار دهید علاوه بر دانش، تربیت لازم است، اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است. خیانت می کند و آن کسی که با علم خیانت بکند، با دانشمندی خیانت بکند خطرش بیشتر از سایر مردم هست. دانشگاهی ها را تربیت بکنید، دانشگاهی ها تربیت بکنند، این دانش آموزان را، اینها قابل تربیتند، اگر تربیتشان کردید درست و حسابی، می توانند اداره کنند، شما بعدها باید این مملکت را با این جوان ها اداره بکنید. بخواهید مستقل باشید و انشاءالله همه خواهید آزاد باشید و همه می خواهید. باید شماهایی که اهل دانشگاه و تربیت اهل تعلیم هستید، جوان ها را تربیت کنید و تعلیم، همراه تعلیم تربیت باشد. خداوند انشاءالله همه تان را حفظ کند، همه موفق باشید مویید باشید. من تا آنقدر که هستم خدمت می کنم به شما، آنقدر که می توانم، البته من که نمی توانم خدمت صحیح بکنم آنقدر که می توانم می کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مصاحبه خبرنگار مجله تایم با امام خمینی

سؤال: احساسات ضد امریکائی در ایران وسیع است، امریکائیان هم به نوبت خود از ایران عصبانی هستند، دورنمای روابط دو جانبه را پس از قطعنامه شورای امنیت چگونه می بینید؟

جواب: احساسات ایرانیان علیه ملت امریکا نبوده، بلکه دولت امریکاست. ما سال ها از بی عدالتی فریاد می زدیم و از اختناق شکایت داشتیم. اما امریکا شاه را بر تخت نشانید یعنی در 1941 متفقین او را به جای رضاخان که نوکر انگلیس بود نشانیدند و دولت امریکا در برابر مخالفت مردم ایران پیوسته از او حمایت کرد. شاه همه منابع ما را غارت کرد، شرف ملی ما، سرمایه های ما، استعدادهای جوانان ما را بر باد داد، بدین ترتیب ایرانیان نمی توانند نظر خوبی به دولت امریکا داشته باشند و اخیرا ملت ما به این نتیجه رسید که دولت کارتر، به اصطلاح سفارتخانه خود را به صورت پایگاهی برای جاسوسی و توطئه علیه ایران در آورده است. جاسوسان تحت عنوان مأموران سفارت فعالیت می کردند و اکنون که ملت ما این حقیقت را دریافته، امریکا را دشمن شماره یک خود می شناسد. به عقیده ما، ملت امریکا به خاطر رفتار دولتشان در ایران، به هیچ وجه قابل سرزنش نیستند. اگر امریکا بخواهد از طریق دخالت نظامی یا محاصره اقتصادی و یا شیوه های ارعاب، ما را از عدالت محروم کند، هرگز بحران حل نشده و در اندیشه مردم باقی خواهد ماند. مردم امریکا نباید بگذارند کارتر چنین شیوه ای را ادامه دهد، در غیر اینصورت ملت ما متدرجا تصور خواهد کرد که مردم امریکا هم در سوءنیت کارتر نسبت به ایران سهیمند. راه دیگری که در برابر دولت امریکا وجود دارد این است که به اقدامات ناصوابی که در ایران کرده اعتراف کند. از دیدگاه ما راه حل بحران، تحویل شاه مخلوع به ایران و اقداماتی برای جبران ضایعاتی است که دیکتاتوری او بر ملت وارد آورده است. البته ضایعاتی جبران ناپذیر هم وجود دارد منجمله شهادت صد هزار نفر در مبارزه علیه شاه، نیرو و استعدادهای انسانی که در راه سرنگونی او به کار گرفته شد قابل اعاده نیست، اما ما انتظار پس دادن ثروت هائی را داریم که از این ملت غارت کرده است. در صورتی که ملت ایران قانع شود که رئیس جمهور شایسته ای به جای کارتر مایل به انجام عمل ناروا علیه ما نیست، می تواند رفتاری عادی با امریکا داشته باشد،

آن نوع روابطی که ما با دیگر کشورها داریم .

سوال : اینکه بیشتر کشورهای عالم گروگان گیری را محکوم کرده اند ، تردیدی در شما در مورد موضعتان پدید نمی آورد؟

جواب : بیشتر کشورهایی که این کار را کرده اند ، زیر فشار امریکا بوده است . ما می خواهیم به همه دنیا نشان دهیم که قدرت های فائده را هم می توان به نیروی ایمان شکست داد . ما در برابر دولت امریکا با همه قدرتش مقاومت می کنیم و از هیچ قدرتی نمی ترسیم .

سؤال : آیا می دانید که شما ایران را منزوی کرده اید؟ حتی ملت های اسلامی هم گروگان گیری را محکوم کرده اند . شما امریکا را از ایران بیرون کرده اید ولی چه کسی می تواند شما را از فشار شوروی رها سازد؟

جواب : ما امریکا را بیرون کردیم که دولتی اسلام به وجود آوریم ، نه اینکه شوروی را جانشین آن کنیم . شعارهای ملت ما این حقیقت را جلوه گر می سازد . ما مرتباً گفته ایم نه غرب و نه شرق . اگر روزی شوروی به ما فشار آورد ، با همان نیرویی با آن مقابله خواهیم کرد که به ما امکان بیرون راندن امریکا را داد یعنی نیروی ایمان .

سؤال : شما باید قبول کنید که امریکا هرگز شاه را تحویل ملت ایران نخواهد داد . اگر تردیدی دارید ، معلوم است که امریکا را نشناخته اید . اگر سازمان ملل حاضر به تحقیق در شکایات شما شود ، گروگان ها را آزاد خواهید کرد؟ در عین حال آیا همه دیکتاتوری های عالم باید مورد تحقیق سازمان ملل قرار گیرند؟

جواب : ما امریکا را خوب می شناسیم و می دانیم که می توانیم در برابرش مقاومت کرده و از شرفمان دفاع کنیم . مانشان داده ایم که در برابر بیعدالتی بزرگ او که پناه دادن شاه است می توانیم مقاومت کنیم . ما باید بر امریکا غلبه کنیم و او را در همه منطقه شکست دهیم . خروج شاه از امریکا معما را حل نمی کند . یک سازمان بین المللی باید تلاش های جدی را صورت دهد تا امریکا را وادار به تحویل شاه خائن به ایران کند . این سازمان باید ثروتی را که شاه غارت کرده ، به صاحبان اصلیش که ملت ایرانند ، برگرداند . چنین سازمانی همچنین باید همه دیکتاتورها را محاکمه کند . ما تسلیم بی عدالتی نخواهیم شد و با ستمکاران کنار نخواهیم آمد .

سؤال: اگر بحران گروگان ها حل شود، آیا پیش بینی عادی شدن روابط نظیر از سر گرفتن خرید اسلحه و معاملات تجارتي را از آمریکا می کنید؟

جواب: ما با هر نوع معامله ای که مصالح مسلمین را آسیب رساند مخالفیم. پیوندهای تجارتي و دیگر مبادلات، مادام که به مصلحت ملت ما باشد برای ما مورد قبول است. در عین حال دولت مسؤول امضای چنان موافقت نامه هائی است نه من.

سؤال: اقتصاد ایران زنده نشده، فقیران جنوب تهران مثل گذشته اند، نیروهای مسلح احتمالا نمی توانند از ایران در برابر حمله دفاع کنند، فعالیت سیاسی عادی به چشم نمی خورد، با توجه به این خصوصیات نباید بگوییم که انقلاب موفق نشده است؟

جواب: ممکن است همه این مشاهدات درست باشد اما انقلاب موفق بوده است، حتی ارکان انقلاب محکم تر شده است. این حقیقتی است که ملت ما به انقلاب عادت کرده اند و امروز همه انقلابی و آماده شهادت هستند. من جدا اعلام می کنم که ما توانیم به آسانی در برابر تجاوز آمریکا بایستیم. آمریکا ممکن است ما را شکست دهد ولی نه انقلاب ما را و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم. دولت آمریکا مفهوم شهادت را نمی فهمد. ما با چنین روحیه ای است که همه مشکلات ایران را حل می کنیم. به شعارهای مردم نگاه کنید که می گویند، (کارتر نمی داند منطق شهادت چیست). باید به شما بگویم که ضایعاتی که با آن روبرو هستیم زائیده پنجاه سال خیانت خاندان پهلوی است و حداقل بیست سال ترمیم آن طول می کشد. آزادی و جمهوری اسلامی برقرار شده اما استقلال کامل نیازمند قطع وابستگی به شرق و غرب است و آن هم هدفی است که ما به آن خواهیم رسید.

سؤال: پاره ای اوقات شما با صدور اعلامیه هائی به مردم می گوئید چه کار بکنند و در عین حال وقتی که می خواهید از مسوولیت اجتناب کنید می گوئید من نمی توانم کاری بکنم، این در اختیار مردم یا دانشجویان است؟

جواب: این حقیقتی است که من هم مثل دیگران نظرم را ابراز کرده و در مورد آنچه که باید انجام شود اظهار نظر می کنم اما شما نباید تردیدی داشته باشید که گروگان ها در دست دانشجویانند.

سؤال: آیا هرگز در مورد چیزی اشتباه کرده اید؟

جواب: فقط محمد رسول الله و دیگر پیامبران و ائمه اشتباه نمی کردند، هر کس دیگری اشتباه می کند.

بیانات امام خمینی در دیدار با نمایندگان ارامنه ایران

کارشکنی مستکبرین و سلاطین جور در تحقق مکاتب الهی - توحیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب های الهی - توحیدی از اولی که در بین بشر بوده است مع الاسف به واسطه کارشکنی های مستکبرین ، آنطور که باید پیاده نشده است . بخصوص مذهب حضرت عیسی سلام الله علیه که به دست یک طایفه هائی افتاده است ، یک تحریف هائی شده است و یک چیزهائی که سزاوار حضرت مسیح نیست ذکر شده است و بدتر از او سلاطینی که خودشان را به مذهب مسیح بسته اند و مسیحی نبوده اند ، مانع شدند از اینکه تعلیمات حضرت مسیح تحقق پیدا بکند . اگر تعلیمات انبیا حضرت مسیح در مسیحین ، حضرت موسی در کلیمین ، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مسلمین ، آنطوری که آنها می خواستند تحقق پیدا می کرد ، این گرفتاری هائی که الان برای همه بشر در همه جا هست پیش نمی آمد . الان شما می بینید که دولت های بزرگ با اسم مسیحیت ، با اسم انتساب به مکتب حضرت مسیح سلام الله علیه چه جنایت ها در عالم می کنند ، چنانچه سران ممالک اسلامی هم با اینکه مسلمان هستند و با اسم اسلام بلکه چه جنایاتی که نمی کنند . شما دیدید که محمدرضا در اینجا اظهار اسلامیت می کرد و قرآن طبع می کرد و اظهار تعهد به اسلام می کرد ، معذک با اسلام آنطور که همه دیدید . و امثال کارتر هم ، نظیر او در مسیحیت می رود دعا می خواند ، در کلیسا می رود و ادار می کند که دعا بخوانند ، لکن برخلاف تعلیمات حضرت مسیح ، آنهمه ظلم ، آنهمه جنایت در دنیا می کند . مذهب ها از اول گرفتار این طاغوت ها بودند .

رسالت انبیا در به تسلیم کشانیدن انسان و رهانیدن از سرکشی

از اولی که مذهب ها در عالم پیدا شده است جفتش یک طاغوتی یا طاغوت هائی هم بوده اند و صاحبان مذاهب کوشش کردند برای اینکه مردم را آدم کنند . این انسانی که اگر سرخود باشد از همه سرکش تر و بدتر است ، انبیا از اول خدا فرستاده که اینها را از آن سرکشی بیرون بیاورند ، مهار کنند ، لکن انبیا هم آنطوری که می خواستند موفق نشدند ، معذک همان مقداری هم که موفق شدند الان سلامت دنیا هر چه باشد به تابع مذاهب است که هست . الان هم توده های مردم آنجاهائی که کلیمی هستند توده هاشان ، نه آن سران ، آنجائی که مسیحی هستند توده های مردم ، نه سران شان ، آنجائی که

مسلمین هستند همین طور توده های مردم از باب اینکه یک مقدار از تعلیمات انبیا را به آن تعهد دارند ، باز این سلامتی که در دنیا هست که اگر نبود این کوشش انبیا ، بدتر از همه حیوانات به هم می ریختند ، این سلامتی که الان در دنیا هست ، این مقداری که هست که اگر سران . . . مهار کرد ، سایر مردم سلامتند ، این باز هم همین مقدار از سلامت که هست در اثر کوشش انبیاست . کوشش انبیا اسباب این شده است که در هر مذهبی و ملتی افراد بسیار زیادی هستند که . . . کردن مذهب انبیا را ، از بسیاری از جنایاتی که بشر اگر همین طور بود مرتکب می شد ، آنها مرتکب نمی شوند ، این کوشش انبیا است . اگر این کوشش از انبیا نبود آنوقت معلوم می شد چه خبر است این دنیا . مع الاسف در هیچ عصری ندیدیم که مردم با اسلام آنطوری که هست آشنا باشند .

نابودی ظلم در سایه تحقق جمهوری اسلامی

شما گمان نکنید که الان ما باز یک مملکت داریم به معنای حقیقی اش . اسلام اگر چنانچه تحقق پیدا بکند انشاءالله ، آنوقت شما خواهید دید که با سایر اقوام چه خواهند کرد و با آنها با چه سلمی ، با چه مسالمتی ، با چه محبتی رفتار خواهند کرد . خوب ، این رئیس ، حضرت امیر سلام الله علیه است که وقتی می شنود که یک زن ذمی را که یهودی شاید بوده است ، این را خلخال از پایش لشکر کذا در آوردند ، آنقدر ناراحت می شود که می گوید اگر انسان بمیرد در یکی همچو امری ، سزاوار است . یک همچو حکومتی است و اگر چنانچه یک حکومت اسلامی به آنطور که اسلام می خواهد ، آنطوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد در ایران و در سایر جاها تحقق پیدا بکند ، دیگر ظلم درش بسته می شود ، تعدیات درش بسته می شود ، حکومت ها دیگر نمی توانند ظلم کنند و نمی کنند و ارتشی ها و سایر قوای انتظامی همه در خدمت هستند . دعا کنید که اینطوری که ما می خواهیم بتوانیم موفق بشویم و بتوانیم که اسلام را عرضه کنیم و . . . که اینهایی که الان در اطراف مملکت ما به آشوبگری مشغول هستند و اعتقاد به هیچ مذهبی ندارند ، اینها اصلاح بشوند یا از بین بروند تا یک حکومت اسلامی صحیح محقق بشود که برای همه شما ، برای همه بشر اسلام خوب است . خداوند همه شما را توفیق بدهد و موید باشید .

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزرات صنایع و معادن

وابستگی اقتصادی موجب وابستگی سیاسی و نظامی است

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران امروز محتاج به کار است حتی من این اجتماعاتی که در اینجا و در بیرون منزل می شود خیلی صحیح نمی دانم برای اینکه نباید اینها از کار دست بردارند و همه اش باب تظاهر باشد، تظاهر البته در پیشرفت امور مملکت یک تقویت روحی می کند لکن دائمی نباید باشد، باید کار بکنند مردم، کشاورز مشغول کشاورزی باشد، آنهائی که کارخانه دارند مشغول تولید باشند، صنایع کوچک و بزرگ مشغول کار باشند، افراد خودشان را موظف بدانند که امروز مملکت احتیاج دارد، یک مملکتی که الان اقتصادش شکست خورده است محتاج است، نگذارند که این احتیاج باقی باشد که ما در هر چیزمان که آن رژیم ما را مبتلا کرد به وابستگی این ادامه پیدا نکند. البته یک وابستگی است که رژیم سابق ایجاد کرد در ایران، به اسم اصلاحات ارضی، زراعت را اوضاعش را به هم زد و با وابستگی در زراعت و در این چیزها که ارزاق عمومی است، دامداری را در اینجا ضایع کردند، از بین بردند، ما محتاج به این هستیم که گوشت از خارج بیاوریم و هکذا.

اگر ما یک وابستگی اقتصادی داشته باشیم این موجب این می شود که وابستگی سیاسی هم پیدا بکنیم و وابستگی نظامی هم حتی پیدا بکنیم مملکت مان باز برگردد به آن حالی که سابق بود، ما حالا می خواهیم مملکت مال خودمان باشد و حالا مملکت مال خود مردم است، در حالی که مملکت مال خودمان هست، یک عده ای افتاده اند توی مردم تحریک می کنند تحریکات زیاد می کنند، کشاورزی را به حال اینکه نگذارند تحقق پیدا بکند، در آوردند، به حال تعطیل دارند در می آورند، کارخانه ها را همین طور، نمی گذارند که آرام باشد این مملکت، تا اینکه صنایعش راه بیفتد، کارخانه هایش راه بیفتد، زراعتش راه بیفتد و صنعتش ترقی بکند.

تحریکات عناصر خرابکار و مزدور به منظور ایجاد اعتصاب و هرج و مرج در مملکت

عمده این است که عده ای که نمی خواهند این مملکت استقرار پیدا بکند و نمی خواهند که جمهوری اسلامی انسانی در ایران پیدا بکند و نمی خواهند که جمهوری اسلامی انسانی در ایران پیدا بشود، اینها درصددند که در هر جا بروند یک خرابکاری

بکنند. هر جا انسان نظر می کند یک دسته دیگر را، جوان ها هم زود باور، به مجرد اینکه یک نفر آدم می آید یک چیزی می گوید قبول می کنند از او و نتیجه اش اینکه اعتصاب می کند، از کار کنار می رود، این اعتصاب پشت سر هم ضربه می زند به این مملکت، به این اقتصاد ضربه می زند، به اقتصاد ما _ ضربه می زند به اقتصاد ما ضربه می زند به حیثیت مملکت ما، اینها نمی فهمند این را که اعتصاب در هر جا، هر کس در هر جا، ارتش روی اعتصاب هست، در کارخانه ها می روی اعتصاب هست، مدرسه اعتصاب می کنند، دانشجویها اعتصاب می کنند، همه، هر قشری، حالا دیگر این معنی رسم شده است که هر قشری اعتصاب کند، اینها نمی فهمند این معنا را؟ این اعتصاب ها حیثیت یک مملکتی را از بین می برد و به خارج می فهماند این معنا را و آنها که باید دامن به آن بزنند دامن می زنند، ابر قدرت ها دامن می زنند به این معنا که بگویند که یک مملکت متزلزلی است، محتاج به این است که اداره بشود، یک نفر بیاورند اداره اش کند، نمی فهمند اینها؟ توجه به این ندارند که اینهایی که می آیند برایشان نطق می کنند و وادارشان می کنند به اعتصاب و یک دسته هم دنبالش می افتند داد و فریاد، این مملکت را نمایش می دهند که یک مملکتی است که آرامش ندارد، متزلزل است، حکومتی مرکزی نیست در کار.

این چه دستی است که جوان ها را وادار می کنند تا به علماً اسلام بدگوئی کنند؟

این چه دستی است در کار؟ این چه دستی است که در بین مردم است که دارد از هر طرف می گوید اسلام را؟ این چه دستی است که در بین مردم است که جوان ها را وادار می کند که به علماً اسلام بدگوئی می کنند، هر جا می رویم می بینیم یک دسته جوان بازیخورده، یک دسته ملا را عقب زده و عرض می کنم که چه می کند، ارتجاع، آنها را می داند، از این الفاظ نامعلوم که پیش آمده، اینها نفهمیدند که چه دستی در کار است که دارند بین خود شماها در هر شهری، بین خود افراد شهر دارند به هم می زنند، نمی فهمند که این انعکاسش در خارج از ایران چیست، نمی دانند که بعد از اینکه منعکس شد که ایران نمی تواند خودش را اداره کند، یک قلدری را می آورند کودتا می کند، پدر همه تان را در می آورد، نمی فهمند این را، چرا باید اینطور؟ چرا جوان های ما اینقدر خوابند؟ چرا ضعیف الا دراکند اینها؟ چرا عمق مسائل را درک نمی کنند؟

یک نفر آدم با اسم اسلام و با اسم قرآن و با اسم چه، بدون اینکه اطلاعی از اسلام داشته باشد، بدون اینکه اطلاعی از قرآن داشته باشد می رود مردم را وادار می کند به اعتصابات و فحاشی به علماً، فحاشی به مراجع، فحاشی به همه. آخر نمی دانند اینها که این اسباب این است که در خارج گفته بشود مملکتی است ثبات ندارد باید ثبات به مملکت داد، نمی دانند، دشمن ها احاطه کردند الان به این مملکت و چون آن منافی که می خواهند از مملکت ببرند نمی برند احاطه کردند که نگذارند این مملکت آرامش پیدا کند، دنبالش یک کودتا بکنند، یک بساط درست کنند، چرا جوان های ما اینقدر خوابند؟ چرا گوش به حرف افرادی می دهند که اطلاعات از اسلام ندارند به اسم اسلام دارند اسلام را می کوبند.

باید یک قدری بیدار بشوند، یک قدری توجه بکنند به مسائل، حالا وقت اعتصاب است؟ یک مملکتی که از آن طرف گرفتار، از آن طرف گرفتار، تمام مجاورین با ما مخالف، حالا وقت این است که هر جوانی، هر دسته برسند یک جا اعتصاب کنند؟

امروز اعتصاب حرام است شرعاً. اینهایی که اعتصاب می کنند خائن به اسلامند، دست بردارند از این الواطی ها، دست بردارند از این بساط، بازی نخورند اینقدر از این مردمی که می خواهند استفاده از شما ببرند _ یک نفر آدم _ از شما استفاده می خواهند، از این اشخاص جوان که پاکدل هستند، اشخاص صیادی هستند که می خواهند استفاده از شما ببرند با اینکه اعتصاب کنید، با اینکه هیاهو کنید، با اینکه جلو چه بکنید، اینها می خواهند استفاده ببرند از شما، اینها می خواهند از شما استفاده کنند، شما هم غافل از مسائل هستید، اعتصاب می کنید، دعوی می کنید، جاروجنجال کنید، نطق می کنید، فحش می دهید، یک مملکت بی ثبات معرفی می کنید، مملکت بی ثبات قیم لازم دارد، قیمش یا باید آن طرفی ها باشد، یا باید آن طرفی ها باشد و شما را ببرند بیرون کنند از اینجا، نمی فهمند اینها را. این چه مصیبتی است که در این مملکت پیش آمده، این چه برنامه است که برای شما ریختند از طرفین، از همه طرف برنامه ریختند، مدام شلوغ می کنند، هر جا یک اعتصاب، هر جا یک جنبش، هر جا یک فساد، هر روز یک اجتماع، یک نطق و چه و چه و چه، فحاشی به این و آن، بدگوئی به علماً بدگوئی به کسان دیگر، این چه معنائی است که ما گرفتارش هستیم در این مملکت، چرا باید اوضاع یک مملکت اینطور باشد؟ چرا باید خود اهل مملکت به جان هم افتاده باشند؟

به خلاف موازین اسلام مال مردم را مصادره می کنید

امروزی که همه باید با هم باشید، همه باید دست به دست هم بدهید، همه باید با اجتماع، همه باید با تعهد به احکام اسلام باشید، برخلاف موازین اسلام فحاشی می کنید، برخلاف موازین اسلام مال مردم را مصادره می کنید، برخلاف موازین اسلام می ریزید توی صحراها کشت مردم را چه می کنید، باغات را عرض می کنم که می برید. همه اش خلاف موازین اسلام هست، شما را وادار می کنند، جوان ها را وادار می کنند به این امر، یک دستی پشت پرده است که شماها را حرکت می دهد به اینطور حرکت ها و اثبات کند که ایران قابل نیست که خودش مستقل باشد. هرج و مرج باشد، هرج و مرج ایجاد باشد، الان یک هرج و مرجی است در سرتاسر ایران، انسان می بیند هرج و مرج است، خوب چرا باید اینطور باشد، چرا باید بیدار شوید، چرا جوان های ما سر عقل نیایند؟ امروزی که ما با یک مملکت، مملکتی با یک قدرت بزرگی مواجه هستیم، باید در هر شهر بریزید شماها به جان هم به اسم ارتجاع علماتان را بکوبید؟! به اسم نمی دانم چه باغات مردم را تصرف کنید؟! خانه های مردم را بروید بگیرید؟! زن و بچه مردم را از خانه هاشان بیرون کنید؟! آخر این چه وضعی است که شماها دارید؟

چرا باید شماها به احکام اسلام متعهد نباشید، این اسلام بود که شماها را تا اینجا رساند، این اسلام بود که محمدرضا را از خانه های شما بیرون کرد، از مملکت شما بیرون کرد، حالا برخلاف

موازين اسلام پشت به اسلام داريد مي كنيد و خدا مي داند كه اگر پشت به اسلام كنيد ، همچو سيلی به شما مي زند كه تا ابد بيدار نشويد . يك قدری به خود بيائيد ، برگرديد به احكام اسلام . ما انقلاب كرديم هر چه دلمان بخواهد بكنيم؟! ما انقلاب كرديم گوش نمي دهيم ، نه به دولت گوش مي دهيم ، نه به ملا گوش دهيم و نه به هيچ كس؟! چون انقلاب كرديم ، انقلاب از _ غير اسلام به _ اسلام به غير اسلام؟! مگر شما از _ اسلام به غير اسلام انقلاب كرديد كه الان هر كاري مي خواهيد بكنيد؟ شما از غير اسلام به اسلام انقلاب كرديد ، رژيم اسلام پيش بياوريد ، گردن بنهيد به رژيم اسلامي .

در نظام توحيدى با توجه به خدا سلسله مراتب رعايت مى شود

در ارتش برويد مي بينيد كه شوراها درست كردند و يك ارتش توحيدى ، ارتش توحيدى ، آن هم توحيدى اصلا نمي داند مرد كه يعنى چه . يك كسى ، يك كمونيست آمده بيخ گوشش اين را گفته ترويج كرده ، ارتش توحيدى يعنى ديگر يك ارتشى كه هيچ نظام نداشته باشد ، هيچ نظمي نداشته باشد ، هيچ بالا و پائيني نداشته باشد ، اين معنايش اين است كه ارتش نمي خواهيم ، مسأله نظام توحيدى معنايش اين است كه همه شان دنبال حكم خدا باشند ، همه توجه به خدا داشته باشند ، هر كس هر كاري بكند براى خدا بكند ، اين نظام توحيدى است ، يعنى همه يكي است ، جوش خوردند به هم . آن نظامى كه اين براى خودش مي كشد ، آن براى خودش مي كشد و اين به آن فحش مي دهد ، آن به آن بد مي گويد ، نظام توحيدى نيست ، آن نظامى كه پائين از بالا اطاعت نمي كند ، بالا به پائين ظلم مي كند اين توحيدى نيست ، اين نظام شيطاني است ، نه نظام الهى نظام الهى بايد همه جهاتش محفوظ باشد ، لكن همه متوجه به خدا ، ارتشش پائين از بالا خدمت بكند ، اطاعت بكند ، بالا به پائين محبت بكند و ظلم نكند و همه براى خدا باشد ، كشاورزش براى خدا باشد ، دانشگاهش براى خدا مشغول كار باشد . اين نظام توحيدى است . نه اين نظام توحيدى اين نيست كه چنان هرج و مرج است ، درجه دار اطاعت از افسر نكند و سرباز هم اطاعت از درجه دار و از افسر نكند و شهريانى هم هرج و مرج باشد ، از رئيس شهريانى هم هيچ كس اطاعت نكند و ژاندارمى هم همين طور و از دولت هم هيچ اطاعت نكند . يك مملكت وحشى اى ، الان اسم يك مملكت وحشى دارند مي گذارند ، آخر به داد اين مملكت برسيد اى جوان ها! اى متوجهين! اى اشخاصى كه براى ديانت مي خواهيد كار بكنيد و شما را منحرف مي كنند به راه ديگر!

معدلك به شما توصيه مي كنم كه حفظ كنيد وحدت خودتان را ، و به شما مژده مي دهم كه معدلك پيروز هستيد ، اين خرابكارها به جهنم مي روند و شما جوان هاى عزيز راه تان راه خداست ، براى خداست و پيروز خواهيد شد انشاءالله ، موفق باشيد .

من از خواهرها ، از برادرها تشكر مي كنم و توصيه مي كنم به اينكه هر كاري مي كنيد ، خدا را در نظر بگيريد ، هر كاري مي كنيد براى خدا باشد و توجه به مبدا خير باشد و خداى تبارك پشتيبان شما خواهد بود انشاءالله .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بیانات امام خمینی در جمع خواهران فرهنگی استان گیلان

عقب ماندگی فرهنگی و اقتصادی میراث شوم رژیم پهلوی

بسم الله الرحمن الرحيم

من این مسائل و مشکلاتی که شما گفتید، می دانم و اینطور نیست که اختصاص به طرف شما داشته. همه جا مشکلات دارد و بعد از هر انقلابی این مشکلات هست. یک کشوری که لاقل در این پنجاه و چند سال که ما شاهد بودیم آنطور به هم ریخته و خراب و آشفته و همه چیزش عقب مانده و اقتصادش ورشکسته تقریباً و همه چیزش را عقب رانده و فرهنگش یک فرهنگ فاسد استعماری، یک همچو کشوری الان به دست شما افتاده است و به دست ملت. کشوری که پنجاه و چند سال لاقل در طول تاریخ از همه اطراف کوشش کردند که عقب مانده باشد و آشفته، شما امید این را هم نداشته باشید که به مجرد اینکه آن سد بزرگ شیطنی شکسته شد ما به بهشت موعود برسیم. ما به یک خرابه رسیده ایم، یک خرابه ای که فرهنگش سال های طولانی لازم دارد تا عوض بشود. مغزها که در آن رژیم تربیت شده است به تربیت خاصی، طول یک نسل می خواهد تا اینکه تغییر بکند. همه چیز باید تغییر بکند. فرهنگ هم از امور مهمی است که در راس امور تقریباً واقع شده است. اینطور نیست که مطالب معلوم نباشد و اینطور نیست که در استان گیلان تنها مشکلات باشد. هر جا شما بروید همین مسائل هست منتها کم و زیاد دارد و از مشکلات خودتان که مشاهده می کنید، اطلاع بیشتر دارید، از مشکلات دیگر کمتر و هر گروهی که می آیند همان مشکلات منطقه خودشان که مشاهده شان هست ذکر می کنند و گمان می کنند که جاهای دیگر اینطور نیست. این تبلیغاتی که در طول مدت سلطنت اینها و خصوصاً دومی انجام گرفته است باور برای مردم آورده است که یک مملکتی که در آستانه تمدن بزرگ است دست ماست، منتها هر جمعیتی در منطقه خودشان دیدند اینطور نیست لابد خیال کردند منطقه های دیگر اینطور شده و بعد نوبت می رسد. علیهذا هر جا می آیند مشکلاتشان را می گویند، آن چیزهایی که در زندگی ابتدائی لازم دارند. حالا شما در گیلان دیگر مبتلای اینکه آب باید برود از یک فرسخ بیاورید و مبتلای به همین که در اطراف خود تهران، در حاشیه تهران هست که این زن ها (آنطوری که من در نجف که بودم این را برای من نوشته بودند که شاید بیشتر از سی تا محل است در این حاشیه تهران یعنی از تهران است، از حاشیه هست، بعضی شان هم در خود متن است که اینها مبتلای به این هستند که اینهایی که حاشیه هستند نه آب دارند، نه اسفالت دارند، نه فرهنگ دارند، هیچ چیز ندارند) این

زن های بیچاره باید بروند از پله های زیاد ، بیشتر از پنجاه تا بروند بالا کوزه هایشان را آب کنند از این پله ها باز گردند بیایند برای این بچه هائی که توی آن زاغه نشسته اند . این ابتلائات همه جا هست . در بعضی از نقاط ایران طوری است که آب انبار باید داشته باشند که این آب باران جمع بشود در آن و برای تابستان شان آب باران داشته باشند ، حتی یک همچو آب انباری ندارند . نجف که بودم ، بعضی اهل خیر می آمدند و اظهار می کردند که اینها لازم دارند و ما هم کمکی ، با اجازه کمک می کردیم و این کارها را می کردند . شما گمان نکنید که شما فقط مبتلای به این نقیصه ها هستید . یک نقیصه عمومی است برای همه کشور و این نقیصه باید رفع بشود و این نقیصه با همت همه ملت باید رفع بشود ، یعنی اگر یک نقیصه در یک جا بود ، خوب ، دولت قدرت داشت که آن یک جا را زود درست بکند اما در سرتاسر کشور حتی در مرکز ، وقتی این نقیصه در سرتاسر کشور هست یک مملکت وسیع سی و چند میلیونی و فاقد تقریباً همه چیز ، باید این رفع بشود و این باید به دست ملت رفع شود . همانطوری که پیروزی ملت تحصیل شد ، شما همه ، مردها ، بچه ها ، بزرگ ها ، کوچک ها ، شهری ها ، دهاتی ها ، همه با هم مجتمع بشوند و پیروزی را تحصیل کردند ، لکن بعد از اینکه پیروزی را تحصیل کردند دیدند همه تبلیغات سابق حرف بوده است ، هیچ ما نداریم ، تمدن بزرگ تمامش صحبت بوده است برای اینکه دلگرم کنند مردم را و اغفال کنند مردم را و همه چیزش را ببرند و این کار را هم کردند و بردند و خوردند و حالا هم که این پیروزی اولی که این قدم اول برداشته شده و اینهمه آشفتهگی ها هست باز مجال نمی دهند .

کارشکنی قدم به قدم توطئه گران در ممانعت از تحقق جمهوری اسلامی

این ریشه های فاسدی که در مملکت هست و این توطئه هائی که در همه هست مجال نمی دهد که یک فکر اساسی بشود و آن فکرهای اساسی که دارد می شود پیاده بشود . خوب شما دیروز که آمدید قم مشاهد قم بودید که قم مرکز علم است و مرکز اسلام است ، یک وقت می بینید که یک همچو توطئه ای هست که این توطئه مربوط به قم تنها نبوده است ، در همان حالی که قم یک همچو مسائلی بوده ، تبریز هم در همان حال بوده است و از یک دست بوده ، یعنی توطئه بوده و توطئه هم اختصاص به اینجا ندارد ، با خارج هم روابط هست . الان ما گرفتار این هستیم که این کشور را از دست دیگران که بیرون کردیم ، بتوانیم حفظش کنیم . همه قوه ها باید دنبال این معنا باشد ، همه افکار دنبال این معنا باشد که این توطئه هائی که هست اینها خنثی بشود و یک استقرار برای کشور حاصل بشود . شما دیدید که در هر قدمی که این کشور می خواست برای یک پیشرفت (پیشرفت راجع به اصل تاسیس حکومت که در درجه اول است) هر قدمی که می خواست بردارد ، مخالفت ها شروع شد و توطئه ها و کارشکنی ها در همه جا . الان هم این آشفتهگی تازه ای که در قم و در تبریز تحقق پیدا کرد برای این است که آن قدمی که می خواهند باز ملت بردارند که تعیین رئیس جمهور است ، این را نگذارند . یک نقشه حساب شده است که قدم به قدم هر چه می خواهند یک کاری را انجام بدهند ، در آن قدم کارشکنی می کنند و الحمدلله

شکست می خورند، لکن در قدم بعد هم دست بردار نیستند باز همان مسائل پیش می آید. حالا که رئیس جمهور می خواهد تعیین بشود و مردم می خواهند با فکر آزاد، با رأی آزاد یک کسی را تعیین کنند، باز این توطئه ها پیش آمده است، چنانچه قبلا که قانون اساسی را می خواستند طرح ریزی کنند، آن مسائل پیش آمد. آنوقت که مجلس خبرگان تأسیس شد باز کارشکنی کردند، دیدند که تصویب شد قانون اساسی، باز کارشکنی می کنند و باز تعقیب می کنند و همین ها هستند که روابط با خارج، با دیگران دارند و قدم به قدم با جمهوری اسلامی مخالفت می کنند و حالا این مخالفتی که، آشفتگی که تازه دیدید، این روی زمزمه ریاست جمهور است و در این هم شکست می خورند، لکن اینها دست بر نمی دارند. بعد از مجلس شورا که می خواهند مردم وکیلشان را معین کنند منتظر مصیبت های زیادتر باشید، آنجا دیگر آشفتگی بیشتر خواهد شد، لکن باید با قدرت، هیچ مایوس نباشید، هیچ این آشفتگی ها شما را مایوس نکند. آن روزی که ما باید، به آن مسائل اساسی می رسیم و بعد انشاءالله این مسائل دوم را شروع می کنیم.

با اراده مصمم و با تمام قوا در استقرار اصول حکومت اسلامی جدیت کنید

اگر ما بخواهیم حالا قوا را صرف بکنیم، همه قوا را صرف بکنیم برای این سازندگی ها، برای فرهنگ که در رأس است و برای همه چیز، این مسائل اساسی آسیب ممکن است به آنها برسد. الان وقتی است که همه افکار، همه فعالیت ها، همه اراده ها مصمم باشد و فعالیت ها شروع بشود برای اینکه این سنگر هم ما پیش ببریم و یک رئیس جمهور به آنطوری که قانون اساسی تعیین کرده است و شرایطش را ذکر کرده است، خوب آنطور تعیین کنیم و بعدش هم آنوقت که مقتضی بشود، مجلس شورای ملی تأسیس بشود که ارکان حکومت مستقر باشد. حالا یک حکومت لغزان داریم، یک حکومت که باز استقرار ندارد، برای اینکه قانون اساسی مان مورد تأیید ملت شد، لکن باز رئیس جمهور و مجلس شورا لازم داریم. الان اگر بخواهید افکار را متوجه بکنید به این مسائلی که دست دوم است و از آن مسائل غفلت بکنید، خوب، احتمال این است که یک رئیس جمهور، یک وقتی آنها که در صدند و اشخاصی منحرف که در صدند که یک منحرفی را مثلا فرض کنید تعیین کنند و جا بزنند، یک منحرفی که شاید در طول مدت حیاتش هم خودش را ملی جازده، چنانچه دیدید مثل بختیار که در جبهه ملی و نمی دانم از طرفدارهای دکتر مصدق و اینها ده بیست سال اینجا حفظش کردند و ملی، بعد هم دیدید چه جنایتکاری از کار درآمد و الان هم مشغول هست. یک آدمی که به آمریکا چیز می کند که دخالت نظامی مثلا بکن (شاید گفته است) و قضیه اقتصادی را روی قاعده گفته است که نه، باید ایران را در چیز اقتصادی قرار بدهی آدمی که می گوید ملی، خودش را ملی حساب می کند آنوقت تأیید می کند که آمریکا این کار را بکند. اینها دارند، یک همچو اشخاصی ذخیره دارند، یک اشخاصی خودشان را اگر ما غفلت بکنیم جا بزنند و یک مقامی را بگیرند، یا در مجلس شورا اشخاصی وارد بشوند که آن اهمیتش خیلی بیشتر است و اصل اساسی را از بین ببرند. حالا باید همه شماها، همه خواهرها،

همه برادرها، همه قوا باید مجتمع بشوند برای اینکه این دو مرحله را بگذرانیم مرحله تعیین رئیس جمهور و بعد هم انشاءالله مجلس شورای ملی که یک حکومت مستقری، اسکلت حکومت تحقق پیدا بکند و بعد برویم سراغ اینکه محتوای این چه باید باشد. محتوا الان یک محتوای غربی تقریباً باید گفت هست، نه غربی غربزدگی، یک غربی وارداتی که این اجناس که خودشان نمی خواهند صادر می کنند، فرهنگی که خودشان نمی خواهند و نمی پذیرند برای ما صادر می کنند، یک همچو چیزهایی است الان در کار. لکن ما باید حکومت مان را اساسش را درست کنیم بعد برویم سراغ محتوا در درجه دوم، نه اینکه حالا نباید اصلاً در این کارها دخالت بکنیم، لکن نباید از آن اصل و آن اساس غافل باشیم. گاهی وقت ها است که برای خاطر توجه به فروع، آدم از اصل عقب می ماند. باید کاری بکنیم که از آن اصل عقب نمانیم، اصل قضیه که عبارت از استقرار یک حکومت مستقر تامی است اسلامی و صحیح این تحقق پیدا بکند، آنوقت بعد از اینکه اصل تحقق پیدا کرد برویم سراغ فروعش. همانطوری که در اسلام هم از اول که اسلام را آوردند و یا انبیاء دیگر، ادیان خودشان را آوردند، اول دنبال این بودند که مشرک ها را متوجه بکنند به اصول، اصول را اول پیشنهاد می کردند بعد که اصول را پا بر جا می کردند می رفتند سراغ فروعش، آن چیزهایی که شاخه های او هست. الان هم ما مبتلای به این مسأله هستیم که راجع به اصل دارند کارشکنی می کنند. همین توطئه دیروز قم (که دنباله هم دارد) همین توطئه به نظر می رسد که برای این است که این قضیه اصلاً پیش نرود و بعد هم منتظر این هستیم که توطئه های زیادتر در قضیه شورای ملی، مجلس شورای ملی باشد. اینکه عرض می کنم، نه اینکه می گویم نباید حالا فرهنگ هیچ دست به آن زد، الان هم باید جدیت کرد و مشغول هم هستند، مشغول طرح ریزی و مشغول این مسائل هستند، نه اینکه خیال کنید نیستند، لکن خوب این مجال می خواهد، لکن اینکه من عرض می کنم این است که تمام فکرتان را متوجه

بیانات امام خمینی در جمع معلولین انقلاب اسلامی و پرستاران آنان

چیزی که برای خدا از دست دادید، پیش خدا محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوندا! تو می دانی که من در چه حالی هستم که این منظره را می بینم. من چطور این منظره هائی که برادرهای ما، خواهرهای ما، بچه های ما، برای اسلام اعضای خودشان را از دست داده اند، سلامت خودشان را از دست داده اند، چطور این منظره ها را من تحمل کنم؟ من چطور این بچه را که اینجا ایستاده و معلول است، در اول بیچگی معلول شده است، ما چطور تحمل کنیم؟ خدایا! آنها که برای ما این مصیبت ها را بار آوردند به جزای خودشان برسان، خدایا! این ابرقدرت ها که برای رسیدن به قدرت، ولو چند سالی دیگر، این جنایت ها را در دنیا بار آوردند تادیشان کن. با دست قدرت خود آنها را به جای خود نشان. برادرهای من! خواهرهای من! بچه های عزیز من! من می دانم که شما در رنج هستید و من هم شریک شما در رنج هستم. من هم مثل یک برادری که برادرش و خواهرش در رنج است، مثل یک پدری که اولادش در رنج است، من هم شریکم، با شما در رنج، لکن آنچه که رنج ها را آسان می کند، دردها را تخفیف می دهد، آنچه که بر همه ما آسان می کند این مسائل را، این است که این امور برای خدا انجام گرفت. شما برای خدا قیام کردید و برای خدا مجروح شدید و بسیاری از برادرها و خواهرهای شما هم برای خدا مقتول شدند. آن چیزی که برای خدا از دست دادید جایی نمی رود، پیش خدا محفوظ است دنیا وسیله است برای عالم های دیگر و خداوند برای شما مهیا می کند مقام هائی که اگر دیگران ببینند آنها هم آرزو می کنند که مثل شما بودند.

ملت مهیا باشد در مقابل شیاطینی که مانع رشد نهضت ما هستند

ملت ما الان در حال حرکت است باز به منزل نرسیده است. انقلاب ما در حال رشد انقلابی است لکن به مقصد نرسیده است. ملت ما با مشکلاتی روبروست که باید با قدرت و با هم پیوستگی و با حفظ ایمان و تصمیم و اراده، این مشکلات را برکنار بزند. مشکلات سابق زیاد بود و با قدرت شما ملت عزیز عقب رفت و حل شد، مشکلات دیگری هم که هست انشاءالله حل خواهد شد. این اموری که واقع می شود و از اول تا حالا واقع شده است، از اشخاصی واقع می شود که نمی خواهند ببینند نهضت ما به ثمر رسیده است و نمی خواهند بگذارند که به ثمر برسد. اینها اشخاصی هستند که قدم به قدم با این

نهضت مخالفت کردند و کارشکنی کردند و حالا هم که قضیه تعیین رئیس جمهور در دست اجر است، باز مشغول همان توطئه ها هستند و نمی خواهند رئیس جمهور تعیین بشود و بعد هم که شکست در اینجا خوردند و رئیس جمهور تعیین شد، راجع به تعیین وکلا باز هم همین بساط هست، شما مهیا بشوید ملت ما مهیا باشند که در هر قدمی که برای اصلاح و برای پیشبرد اسلام و نهضت اسلامی بر می دارند، شیاطینی که نمی خواهند اسلام به ثمر برسد و نمی خواهند جمهوری اسلامی برقرار بشود به مخالفت خودشان ادامه می دهند. عازم باشید، مجهز باشید برای اینکه مقابله کنید با این قشرهایی که مانع از رشد نهضت ما هستند، مهیا باشید که تحمل بکنید. با صبر و بردباری انقلابی تحمل بکنید این مصیبت ها را، تحمل بکنید این توطئه ها را و به پیش بروید که خدای تبارک و تعالی با شماست و پیروزی نصیب ملت ایران است انشاءالله.

ما می خواهیم یک حکومت عدل اسلامی شبیه صدر اسلام پیدا بشود

ما چیزی نمی خواهیم، ما حرفی نداریم الا اینکه یک ملتی که در طول تاریخ در شکنجه و اختناق بوده است و در این سنوات اخیر، آخر مرتبه شکنجه و اختناق و جنایتکاری و چپاولگری خارجی ها و داخلی ها بر این ملت سایه افکنده است، ما می خواهیم اینها نباشند، ما می خواهیم مردم ما آزاد باشند، تحت فشار و تحت سلطه دیگران و داخل و خارج نباشند، ما می خواهیم مملکتمان از خودمان باشد، مستقل باشد و تحت رهبری دیگران نباشد، ما می خواهیم مخازن مملکت ما از خودش باشد، ما می خواهیم در این مملکت خودمان کار بکنیم و خودمان نتیجه کار را ببریم، ما می خواهیم یک حکومت عدل اسلامی، یک حکومت شبیه حکومت های صدر اسلام پیدا بشود و ما می خواهیم که ملت ما در رفاه و آسایش باشند. اینهایی که در قدم به قدم مخالفت می کنند، آنها چه می گویند؟ به اسم اینکه ما طرفدار ملت هستیم، با این مسائل مخالفت می کنند، در عین حالی که اینها مصالح ملت ماست، شما بیدار بشوید ای ملت عزیز که دشمن در کمین است و ما بین راه هستیم. ما این گردنه ها را هم باید طی کنیم و انشاءالله دشمن را تا آخر به عقب برانیم و کشور شما مال خود شما، خداوند انشاءالله به این مجروحین، به این معلولین شفا عنایت کند و خداوند اجر و صبر عنایت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی

لزوم عمل نمودن مسوولین به وظائف خود، جهت حفظ نهضت از آسیب

بسم الله الرحمن الرحيم

شما امروز از قوای انتظامی جمهوری اسلامی هستید، با دیروزتان فرق دارد، دیروز خواه ناخواه از رژیم طاغوت بودید و حالا از رژیم اسلام هستید و بین این دو تا همانطوری که به حسب واقع فرق دارد یکی رژیم شیطان است، یکی رژیم الله. آنهایی هم که منتسب به این دستگاه هستند با آنهایی که پیشتر بود فرق می کند، فرق این است که امروز باید همه گروه هائی که مربوطند به جمهوری اسلامی، چه دولت و دستگاه های اداری و چه ارتش و ژاندارمری و شهربانی و پاسدارها و اینها که قوای انتظامی هستند که اشخاصی هستند، گروه هائی هستند که بالاصاله مربوط به جمهوری اسلامی هستند، اینها باید اعمالشان هم، افعالشان هم، عقائدشان هم و اخلاقشان هم مناسب باشد با جمهوری اسلامی، آن اخلاقی که سابقا مثلا بعضی ها داشتند که مناسب بود با طاغوت، اگر خدای نخواست از او در نفوس آثاری هست این آثار را باید مجاهده کنند تا زدوده بشود، یعنی الان شما آقایان مسؤولیت زیاد دارید و عملتان هم یک عمل شریف است، عمل شریفی است که اسکلت جمهوری اسلامی بسته بوجود شماهاست و مسؤولیتتان زیاد است، برای اینکه اگر سابق یک کاری از شما خدای نخواست انجام می گرفت می گفتند در رژیم طاغوتی باید اینجوری باشد، اما اگر حالا خدای نخواست یک مسأله ای که بر خلاف رویه اسلام است انجام بگیرد گفته می شود که ارتش اسلامی هم همین است و شما می دانید که قلم ها و زبان های خائنی هستند و با آن چشم های خیانتکار مراقب هستند که یک چیز پیدا نکنند از یک گروهی، از گروه های اسلامی و این را زیادش کنند و کم کم برسند به اینکه خوب، این رژیم هم رژیم طاغوتی است مثل آن رژیم. همین امروز صبح من در یک مجله ای که مربوط به بختیار بود اینجا آورده بودند من دیدم که ایشان می گوید این رژیم هم رژیم طاغوتی است و مشغول چپاولگری و مشغول کذا هست و در یکی از نوشته ها بود که الان در ایران بعضی جاها حکومت نظامی است برای اینکه از این رژیم برگشتند و حالا دارند با فشار و زور و با چیز مردم را دارند رام می کنند. خوب، اینها چیزهایی است که در خارج ایران اینها منعکس می کنند. حالا که چیزی دستشان نیست اینطور می گویند، اگر یک وقت یک بهانه ای به دستشان بیاید، ما آنطوری که باید عمل کنیم عمل نکنیم، این بهانه اسباب این می شود که آن قلم هائی که می خواهند بشکنند این نهضت را و نمی توانند

بینند که یک رژیم اسلامی در کار هست ، آنها مشغول فعالیت می شوند و آلوده می کنند این نهضت را . ما باید این مکتب خودمان را حفظشان بکنیم ، یعنی الان این مکتب اسلام دست ماها و شماست و این مکتب باید محفوظ باشد . ماها کاری نکنیم که به مکتبمان ایراد بگیرند ، آلهائی که می خواهند ایراد بگیرند به مکتب ایراد می گیرند برای اینکه با مکتب بد هستند . یک مکتبی که می بیند این قابل دوام است ، وقتی هرج و مرج بود و مکتبی تو کار نبود ، این چیزی نبود ، اما اینها که یک مسأله مکتبی دارند می بینند هست و قابل دوام ، به مکتب ایراد می گیرند و ما موظفیم که این مکتب را حفظش کنیم که اگر حفظ نکنیم آسیب بر می دارد . باید کاری بکنیم که آسیب بر ندارد و آن کار این است که اگر چنانچه در هر جا هستیم به وظائفی که آنجا هست عمل بکنیم . اگر یک کشوری همه اشخاصی که در آنجا هستند وظیفه شناس بودند و به آن وظیفه و کاری که به او محول است ، خوب انجام بدهد ، آن کشور زود اصلاح می شود . اگر ارتش افرادش وظیفه شناس باشند ، یعنی بدانند که این وظیفه این است ، خصوصا حالا که برای اسلام است ، وظیفه اسلامی این است و اگر ژاندارمری هم همین طور و پاسدارها هم همین طور ، پاسبان ها هم همین طور ، این زود اصلاح می شود و اگر چنانچه خدای نخواست از زیر باز وظیفه بخواهند در برونند ، خیال کنند که حالا که آزاد شد هر کاری آدم دلش بخواهد بکند ، هر کاری از دستش آمد و بخواهد بکند ، روی وظایف عمل نکند ، این منتهی به هرج و مرج می شود و آسیب می بیند .

تبلیغات اجانب جهت بد جلوه دادن انقلاب ایران در افکار عمومی دنیا

آنها الان در صددند که اثبات کنند به خارج که ایران استقرار ندارند ، ایران هرج و مرج است ، و می خواهند که یک وقت بخواهند یک دخالتی بکنند ، افکار عمومی دنیا را مهیا کرده باشند برای آن کار ، الان مشغول همین هم هستند و همه تبلیغاتشان برای همین معناست که منعکس بکنند که ایران الان به وضع هرج و مرجی دارد می گذرد ، در هیچ جا یک نظمی نیست ، در هیچ جا وظیفه شناسی نیست ، هر که هر کاری دلش بخواهد بکند . این برای ما بسیار وظیفه آور است ، برای ما بسیار سنگین تمام می شود که ما را جوری معرفی بکنند در دنیا که به آنها حق بدهند که با قوای انتظامی بیانید برای تربیت ما ، کانه ما یک جمعیتی هستیم که تربیت نداریم ، یک جمعیتی هستیم که هرج و مرج طلبیم ، یک جمعیتی هستیم که نظمی تو کارمان نیست و لا علاج باید یک قیمی بیاید برای اینکه ما را تربیت کند ، این دردناک است برای یک کشوری که نهضت اسلامی کرده ، از این جهت وظیفه اسلامی است و سنگین ولی باید عمل کرد . انشاءالله خداوند شما را تایید کند ، موفق باشید و من امیدوارم که سالم و سعادتمند و با قدرت جلو بروید ، انشاءالله پیروز هستید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای جهاد سازندگی اردستان و قم

ملت با یاری کردن دولت، در امر سازندگی کشور تلاش می کند

بسم الله الرحمن الرحيم

من بعد از این نهضت و انقلابی که نسبتاً الحمدلله به پیروزی رسید و قدم اول را ملت بزرگ ما برداشت، در این کارهایی که به دست ملت انجام گرفت، از جهاد سازندگی خیلی خوشم می آید. هر وقت که تلویزیون نشان می داد که خواهرها و برادرها از همه طبقات مشغولند به یک عملی برای کشور خودشان، من خوشحال می شدم. باید شماها توجه داشته باشید که نگاه نکنید هی به اینکه اداره چه می کند، دولت چه می کند. آنها مشغولند منتها نمی توانند آنقدری که ایران احتیاج دارد آنها عمل کنند. ایران مال خود شماست و خود شما باید او را بسازید و اگر همه ملت در این امر سازندگی همت نکنند، کارها زمین می ماند. انتظار اینکه یک دسته ای انجام بدهند تا ما انجام بدهیم، یا کارشکنی کسی نکند البته حالا در هر گوشه و کناری برای کارشکنی مهیا هستند، این ملت است که باید این کارها را انجام بدهد. مثلاً ملاحظه کنید که سابق، در رژیم سابق که همه اش حرف بود، یکی هم راجع به بیسوادی و اینها وقتی رفتند معلوم شد که مبارزه ای نکردند، بله آن کاری که کردند این است که با سوادی را نگذاشتند ترقی بکند، نه بیسوادها را سواددار کردند. این هم اگر منتظر بشوند آقایان، منتظر این بشوند که دولت این کار را انجام بدهد، نمی تواند انجام بدهد. الان تقریباً در صد شاید هشتاد (من اطلاع درست ندارم) بیسواد ما داریم، یا شاید مثلاً شصت، شصت و پنج، همچو چیزهایی می گویند. من اطلاعی ندارم، اما می دانم که بیسواد زیاد هست. افغانستان و ایران باید به حسب اینطور امور جلو باشد. بیسواد در آن کم هست، سوادی که می گویم یعنی همین خواندن و نوشتن و این چیز، آن هم که ما می خواهیم که همه ایران انشاءالله سواد پیدا بکنند، نمی خواهیم همه دکتر بشوند، خوب چیز غیر معقولی است، یا همه مهندس بشوند، می خواهیم یک مملکتی همه بتوانند آن مقصود خودشان را بنویسند، امضاً کنند، چه بکنند. من گاهی در نجف که بودم گاهی حرم مشرف می شدم، که افغانی ها آمده بودند برای زیارت خواندن، می دیدم همه از رو می خواندند، کتاب دعا را باز می کردند از رو می خواندند، شاید مثلاً از سی چهل نفر که آنجا بودند یک نفرشان شاید از رو نمی خواند، شاید هم او خواندنش را تمام کرده بود، اما همه شان از رو می خواندند، اینجور نبود که، آن هم طبقه پایین بودند به اصطلاح اینها، و ما هنوز داریم که این هم به همت همه واقع بشود. اگر منتظر باشید به اینکه دولت با سواد بکند،

نمی تواند باز همان حرف های سابق . دولت هم حالا اقدام کرده اند ، وزارت آموزش اقدام کردند و خوب هم اقدام کرده اند . اما مسأله ، مسأله نیست که بتوانند اینها چه بکنند .

تبلیغات سوء اجانب علیه استقرار جمهوری اسلامی

همین طور در جهاد سازندگی ، سازندگی یک مملکتی که از دست رفت و خراب است ، این نمی شود با دست دولت انجام بگیرد یا دست یک قشری انجام بگیرد . این را ، همه مردم باید مملکت را امروز از خودشان بدانند و همه با هم همت کنند ، یک مملکتی انشاءالله درست بکنند به دست خودشان . لکن چیزی که الان مهم است این است (این را من از باب اینکه نگران هستم برایش کرارا هم گفتم این را به اشخاصی که اینجا آمدند ، باز هم عرض می کنم) که الان دست هائی در کار هست ، اکثرا از طرف امریکا و دیگران هم همین طور ، از شوروی و از سایر جاها هم همین طور ، یعنی اینهائی که به این مملکت ما طمع استفاده دوخته اند ، دارند و چشم این دارند که ما کاری بکنیم ، اینها ببرند و مخازن ما را ببرند و حالا هم دستشان کوتاه شده است و انشاءالله تا آخر هم کوتاه هست . اینها الان در فکر اینند که نگذارند این ایران یک استقراری پیدا بکند ، یک نظام صحیحی پیدا بکند ، در هر جا مثلا دقت کنید ، در جهاد سازندگی هم از این قشرها پیدا می شوند که خودشان را جا می زنند و در دانشگاه هم هستند ، در همه جا هستند ، در کارخانه ها هم زیاد هستند . این به نظر من می آید که یک نقشه و توطئه ای است که برای اینکه استقرار در ایران و نظم در ایران پیدا نشود . در ارتش می روند نمی گذارند که انتظامات صحیح پیدا بشود ، در ژاندارمری می روند ، آنجا را هم مانع می شوند ، در شهربانی هم همین طور ، در سپاه پاسداران هم پیدا می شود ، در دانشگاه زیادند و همه جا اینها هستند ، حاضرند و اینها برای این جهت نقشه دارند . به نظر من اینطور می رسد که این است که در داخل ما را ، این ضربه را به ما بزنند که ما اغتشاش در خودمان پیدا کنیم ، یک انتظامی اختلافات باشد و یک هرج و مرجی باشد ، بریزند خانه هر کس را غارت کنند ، بریزند زمین هر کس را غارت کنند ، اموال هر کسی را ببرند ، نگذارند یک استقراری پیدا بکند ، از آن طرف دشمن های این ملت ، دشمن ها با قلم های خودشان و با افکاری که دارند و طرح هائی که دارند در مطبوعات خارجی و رسانه های گروهی خارجی ، اغتشاشات ایران را ، اختلافات ایران را ، اینها را یکی اش را چند مقابل کنند و در خارج منعکس کنند که ایران مثل یک بچه صغیری می ماند که محتاج به قیم هست ، باز نرسیده به بلوغ که خودش ، خودش را نگه دارد . نقشه محتمل است این معنا باشد که در خارج منعکس بکنند که ایران هرج و مرج است و همه به جان هم ریختند و همه گروه ها در هر جا بروی یک اختلافات هست این را اسباب دست قرار بدهند که ایران قابل این نیست که خودش را اداره کند ، باید یکی دیگر اداره اش کند . اگر خدای نخواستہ یک دخالت نظامی بخواهند بکنند ، یک کودتا بخواهند بکنند ، موجه نشان بدهند به خارجی ها ، به دنیا موجه نشان بدهند که ما برای خاطر حفظ ملت ، ملت نمی توانست خودش را نگه دارد ، ما باید حفظش کنیم ، این صغیر را ما باید قیم برایش تعیین کنیم .

در عین حالی که تمام انقلاباتی که در دنیا پیدا شده هیچ کدام بهتر از ایران نبوده، دنبال سر انقلابات، میلیون، میلیون و نیم کشته می شوند (برای من صورتش را آورده اند) این انقلاباتی که واقع شده است، دنبال سرش یک میلیون، یک میلیون و نیم کشتار، دو میلیون حبس، در کشور را می بستند به همه جا. الان هم هر جا که شما نگاه کنید که یک انقلابی واقع شده است و یک کودتائی واقع شده، یک چیزی واقع شده، در کشورشان را به خارج بستند، همه فرودگاه ها را ممنوع کردند، تمام مطبوعات را قلع و مخراب کردند که نباید منتشر بشود. برای مردم اختناق پیش آوردند، اختناق فوق آن اختناق هائی که سابق بوده و گاهی هم به مجردی که این پیروز شده، قتل عام ایجاد کردند، شروع کردند به کشتن مردم، هر که احتمال می دادند که یک چیزی باشد می کشتند، نه اینکه یک کسی را، یک شهری را قتل عام می کردند. و انقلاب ما از باب اینکه اسلامی بود، از باب اینکه از ملت بود، انقلابی نبود که یک قدرتی به یک قدرت غلبه کند، یعنی یک قدرت نظامی، یک کودتائی شده باشد، این حرف ها نبود، متن نهضت از خود مردم جوشید، از خود مردم، بین زن و مرد و انقلاب هم اسلامی بود، اسلام اینها را وادار کرد که یک همچو انقلابی بکنند، همچو انقلاب اسلامی که از متن ملت بجوشد، دنبالش دیگر این مسائل کم است، هست، اما کم است و لهذا دیدید که دنبال این انقلاب، تمام راه ها و همه جاها هم باز بود، هیچ - یک - جائی را جلوی نگرفتند، تمام روزنامه ها و احزاب آزاد شد، آزاد آزاد و کشتار نسبت به مردم هیچ نبود در کار، آنطوری که آنجا بساط درست می کردند نبود، بله آنهایی که کشتار کرده بودند گرفتند بعضی شان را محاکمه کردند و بعد از محاکمه به جزای خودشان رساندند، اما اینطور نبود که همین طور درو کنند مردم را، یک میلیون جمعیت را بکشند، این حرف ها نبود در کار و اینطور مسائل در عین حالی که در ایران نبوده است و باید گفت ایران آرامترین انقلاباتی که در دنیا واقع شده. انقلابات دیگر با یک سال و دو سال و سه سال اینها درست نمی شود، جنگ باید بشود، اینقدر خونریزی، چه، چه، یک سال، دو سال جنگ بشود تا بعد یک قدرتی بر قدرت دیگر پیروز بشود. اینجا آنجائی بود که انقلاب بود، واقعا انقلاب بود. مرحوم قرنی به من گفت که سه ساعت و نیم، سه ساعت و نیم غلبه کرد ملت بر رژیم. یعنی آنوقتی که آنها کودتا می خواستند بکنند در تهران ما بودیم و آنها بنا داشتند کودتا بکنند و جلوی گفتند روز هم باید بیرون نیائید، حکومت نظامی را روز قرار دادند. آن حکومت نظامی روز را خدا خواست که شکسته شد. آنها به من بعد گفتند که اینها بنا داشتند که کودتا بکنند و خیابان ها را وقتی که مردم نیستند، خیابان ها را همه را بگیرند و شش کودتا بکنند، مردم که ریختند در خیابان ها اینها این طریقی که داشتند خنثی شد و ایشان می گفت که آنکه جنگ بین ملت و دولت واقع شد و رژیم واقع شد سه ساعت و نیم بود، در صورتی که جاهای دیگر الان شما می بینید که افغانستان چند سال است که همه مسائل هست و حالا هم معلوم نیست کی ختم بشود برای اینکه آنجا یک کودتائی است. کودتا یک نفر آدم بخواد انجام بدهد، یک قدرتی می خواهد یک ملتی را از بین ببرد، اما یک ملت خودش آمده است و خودش آمده و حریفش را بیرون کرده، دیگر خود ملت

ملت متوجه توطئه ها و کارشکنی های دشمنان باشد

حالا هم اشخاصی در بین این ملت هست که الهام از خارج می گیرند البته اقلیت هم هستند ، لکن اشخاصی هستند که با هر زبانی با مردم می توانند صحبت بکنند و شیطنت بکنند . باید ملت ما توجه به این توطئه داشته باشد که توطئه ای که محتمل این است که ما را به هم بریزند ، حتی در جهاد سازندگی بروند یک کارهائی بکنند که آنجا هم یک اختلافی بشود ، نگذارند کار عمل بشود ، در دبیرستان بروند در چیز بروند دانشگاه بروند ، هر جا بروند و ما را به هم بریزند ، دائما شلوغی و دائما اعتصاب و دائما راهپیمائی و دائما کارشکنی برای دولت و ملت ، تا منعکس بکنند در خارج که اینها نمی توانند خودشان را اداره بکنند ، باید یک کسی برود اداره کند اینها را . ملت باید توجه داشته باشد به این توطئه و از اختلافات دست بردارند . آخر برای چی ما با هم اختلاف داشته باشیم ، سر چی اختلاف داشته باشیم ، برای چی به جان هم بریزیم ، چرا ما خودمان ، خودمان را از بین ببریم . باید ملت متوجه باشد که چیزهائی که اسباب اختلاف هست اصلا ایجاد نکنیم ، اشخاصی که می خواهند ایجاد اختلاف بکنند موعظه شان کنند ، نصیحت شان کنند ، اگر گوش نکردند آنها را طردشان بکنند ، نگذارند اختلاف حاصل بشود ، نگذارند جوری وانمود بشود که این ملت ملتی نیست که قابل این باشد که آزاد باشد ، حالا که آزاد شده ببینید به جان هم ریختند ، قابل آزادی نیست _ چیزی که _ ملتی که قابل آزادی نیست ، باید یکی بیاید ، یک رضاخانی را پیدا کنند (و اینها دارند ، از این چیزها دارند) یک رضاخانی را پیدا بکنند . امروز به اسم اینکه این آدم ملی هست ، به اسم اینکه یک آدم از این چیزها ، از این عنصرها ، اینها دارند که بیست سال ، سی سال این را با یک صورت ملیت و با یک صورت دلسوزی نگه دارند ، آن روزی که می خواهند کار را انجام بدهند ، به صورت ملیت ، به صورت چه انجام بدهند و توجه به این معنا را باید داشته باشند ملت ما . امروز که روز حساسی است برای اینکه ما می خواهیم رئیس جمهور تعیین بشود ، امروز می بینید که با این حساسیت باز مشغول شدند به توطئه ها و مشغول شدند به خرابکاری ها ، در قم دیدید ، در آذربایجان هم هست ، در جاهای دیگر هم هست . فردا که شما می خواهید انشاءالله وکلای خودتان را تعیین بکنید ، بدانید که اغتشاشات بیشتر ایجاد می کنند ، بساط بیشتر در می آوردند . باید توجه داشته باشد ملت به اینکه مبدا منعکس بشود ، کاری بکنیم که منعکس بشود اینها با هم نمی توانند بسازند ، اینها به جان هم ریختند و باید یکی برود . . . کارها بگیرد ، تربیتشان بکند . این به این است که از کارهائی که ، از حرف هائی ، از نوشته هائی . . . ، از نطق هائی ، از شعارهائی که اسباب اختلاف می شود ، از اینها پرهیز بکنند . نباید امروز شعار بدهند بر ضد این ، بر ضد او ، بر اینطور چیزها ، این شعارها صحیح نیست ، نباید بکنند ، باید کاری بکنند که مستقر بشود . این حکومت ، بر قرار بشود و ما این دو قدم هم که اسکلت یک حکومتی است ، این دو قدم هم برداریم ، قدم تعیین رئیس جمهور انشاءالله و قدم دوم وکلا . و باید ملت متوجه باشد که من چون بنای دخالت ندارم ،

متوجه باشند خودشان که اشخاصی که صحیح اند ، اشخاصی که متدینند ، اشخاصی که ملی هستند ، اشخاصی که چپ و راستی نیستند ، از افراد ، اینها را تعیین بکنند در رئیس جمهور همانطوری و در وکلایشان هم همین طور و مهم الان این است که از این اختلافات و از این شعارها و از این _ عرض می کنم که _ چیزهایی که موجب اختلاف می شود دست بردارند ، مشغول بشوند به اینکه همین طور بسازند ایران را و امروز محتاج به کار است ، کارخانه ها احتیاج به کار دارند ، محتاج به سازندگی است .

هر قدمی که برای کشور اسلامی برمی دارید پیش خدا محفوظ است

خداوند انشاءالله شماها را حفظ کند ، شما جوان ها را حفظ کند که همچو همت والائی دارید که می روید در جهاد سازندگی و زحمت می دهید به خودتان ، لکن برای خداست این . شما هر قدمی که الان بردارید برای کشور اسلامی پیش خدا محفوظ است ، خیال نکنید که این قوه های شما هدر می رود . قوای انسانی وقتی هدر می رود که برای خدا نباشد وقتی که قوا برای خدا کار بکنند هدر نمی رود ، پیش خداست و این سازندگی شما انشاءالله خودتان ساخته می شوید به آنطوری که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است و انبیا را برای او فرستاده که هم این جهاد ، جهاد نفسی باشد و هم سازندگی برای ملت . خداوند همه شما را موفق و موید بدارد و من دعاگوی همه تان ، خدمتگزار همه هستم . سلامت باشید انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع راهپیمایان کفن پوش الیگودرز

آمریکا از اسلام سیلی خورده است

بسم الله الرحمن الرحيم

من امروز شنیدم که آقایان از الیگودرز پیاده تشریف آوردند و اظهار کردند که ما حاضریم که _ اینها _ برای حفاظت تو پاسداری کنیم . من متشکرم از عواطف آقایان ، و از زحمات شما تقدیر می کنم لکن راضی نیستم که آقایان اینجا تشریف داشته باشند . تشریف ببرند و انشاءالله مشغول کارشان بشوند . آمریکا نه دخالت نظامی می کند در ایران و نه حصر اقتصادی می تواند بکند ، توطئه امریکا این است که در داخل کشور ما کاری بکند که ما نتوانیم این راهی را که گرفته ایم برویم ، توطئه داخلی و به دست اشخاصی که در داخل کشور هستند و از کارکنان آنها هستند . نقشه این است که ایران را جوری نمایش به خارجی ها بدهند که نه دولت می تواند اداره کند آنجا را و نه ملت قابل این است که آزاد باشد . در هر جا غائله بپا می کنند این شیاطین و در همه کشور چه در دانشگاه و چه در شهرستان ها و چه در دادسراها ، چه در مراکز قدرت ، مراکز انتظامی ، همه جا با یک توطئه می خواهند آشوب بپا کنند و نگذارند استقرار پیدا کند حکومت . الان که وقت این است ملت با هم مجتمع باشد و این دو مرحله دیگری که اساس حکومت اسلامی است به طور شایسته انجام بدهد ، یکی قضیه تعیین رئیس جمهور و یکی هم قضیه مجلس شورای ملی ، باز توطئه ها اوج گرفته است ، توطئه ها برای اینکه نگذارند رئیس جمهور تعیین بشود و بعد هم توطئه برای اینکه نگذارند مجلس شورای ملی برقرار بشود ، برای اینکه با برقرار شدن این دو مرحله هم اسکلت حکومت اسلامی تحقق پیدا می کند و اینها از حکومت اسلامی می ترسند . امریکا ضربه از اسلام خورده است و از اسلام می ترسد ، ضربه از این جوان هائی که برای اسلام قیام کردند و جان دادند و فداکاری کردند و از اسلام این ضربه می ترسد از این جهت ، تفرقه افکنی دارد می کند که نگذارد اجتماعی که با وحدت کلمه ، مقاصد خودشان را تا اینجا پیش بردند ، بین راه آنها را فلج کند . نقشه این است . صحبت از دخالت نظامی و حصر اقتصادی صحبت است و بعید نیست برای این باشد که اذهان را منصرف کند از آنی که اساس است . شماها باید توجه داشته باشید و این توطئه شیطانی که از همه توطئه ها بالاتر است و او این است که می خواهند ما را به جان هم بریزند و در داخل نگذارند یک استقراری پیدا بکند این نظام اسلامی .

شما جوان ها که زحمت کشیدید و از راه های دور ، در این سرما و در آن سرماهائی که در محل

خودتان هست آمدید و از اطراف آمدید، از همه جا اینجا آمدید، من تشکر می کنم و شما را هشیار می کنم به اینکه از تفرقه به هر صورتی که هست پرهیز کنید، هر چیزی که موجب تفرقه می شود از او پرهیز کنید، هر شعاری که موجب تفرقه می شود از او پرهیز کنید، هر تحصنی که موجب تفرقه می شود از او پرهیز کنید، هر راهپیمائی که موجب تفرقه می شود از او پرهیز کنید. شما امروز احتیاج دارید به وحدت کلمه، امروز بیشتر از دیروز احتیاج دارید به فردا بیشتر از امروز. این وحدت کلمه خودتان را حفظ کنید، از خدای تبارک و تعالی تبعیت کنید که فرموده است: (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) همه به ريسمان بزرگ الله که اسلام است بپیوندید و تفرقه نکنید. تفرقه موجب این می شود که نتوانید مملکت خودتان را به رشدی که باید برسد برسانید، نتوانید حکومت اسلامی را به طوری که شایسته است در دنیا، در کشور خودتان متحقق کنید و آنها در صدد همین معنا هستند. آنهایی که نمی خواهند اسلام تحقق پیدا بکند، آنهایی که می خواهند جمهوری اسلامی در ایران تحقق پیدا کند. کشورهایی که از اسلام می ترسند، از جمهوری اسلامی می ترسند، از صدور این جمهوری اسلامی از این کشور به کشورهای دیگر می ترسند، آنها در صددند که شما را در بین راه متوقف کنند و نگذارند پیش بروید. شما به هوشیاری، بیداری از تفرقه بکلی پرهیز کنید.

برای نیل به خودکفائی تلاش کنید

و امر دیگر اینکه مملکت شما احتیاج به کار دارد، مملکت خرابی است که محتاج به این است که ساخته بشود و ساختن مملکت به دست شماهاست. هر کس در هر جا هست اشتغال به کار پیدا کند و کار را خوب انجام بدهد. نباید ما در ارزاقمان محتاج به خارج باشیم. مملکت وسیعی که برای صد و پنجاه میلیون جمعیت کافی است (به حسب آنطوری که گفته می شود) الان سی و پنج میلیون نفر زندگی می کند و مملکت بیشتر از این گنجایش دارد، زمین های وسیع دارید، آب دارید، برکات آسمانی دارید، قدرت دارید، قوه دارید، جوان هستید، جوان دارید، عیب است از یک مملکت اسلامی که محتاج باشد در ارزاقش، آن هم به دشمن های خودش. امریکا که دشمن ماست ما اگر محتاج به او باشیم برای ما سرشکستگی است. کاری نکنید که خودکفا بشوید و خودتان را از این زمین خدا و از این آب خدا ارزاق خودتان را بیرون بیاورید و امید است انشاءالله که صادرات داشته باشید شما.

خداوند انشاءالله شما را حفظ کند و من باز از زحمات شما تشکر می کنم و دعا می کنیم برای شما و خدمتگزار شما هستیم.

بیانات امام خمینی در دیدار با راهپیمایان کفن پوش لاهیجان و همدان

توطئه ها و کارشکنی قدم به قدم عوامل فساد

بسم الله الرحمن الرحيم

دروود بر شما جوانان که در این هوای سرد و راه های سرد پیاده آمدید تا از نزدیک با هم ملاقات کنیم . من از زحمات شما برادران متشکرم و به شما دعا می کنم . خداوند شماها را برای اسلام حفظ کند و اسلام با قدرت شما به پیش برود .

برادرها! امروز روز حساسی است برای کشور ما ، مشکلاتی برای کشور ما پیش آمده و در دست پیش آمدن است . در این موقع که برای ملت ایران طرح تعیین رئیس جمهور شده است ، باز عوامل فساد توطئه می کنند که این قدم را نگذارند پیش برویم چنانچه قبلا در قدم هائی که می خواستیم برداریم توطئه می کردند و کارشکنی می کردند .

امروز هم همان عناصری هستند ، کارشکنی می کنند و بعد هم که می خواهید وکلای خودتان را به مجلس شورا بفرستید تا استقرار تام جمهوری اسلامی محقق بشود ، باز هم می خواهند این تفاله های رژیم سابق و الهام بگیرهای از امریکا و غیر امریکا باز فعالیت کنند و نگذارند . شما برادرها بیدار باشید و همانطور که از اول با قدرت کامل و با توجه به خدا و با مشت محکم سد را شکستید و تا اینجا با پیروزی آمدید ، از اینجا به بعد هم با همان مشت محکم ، با همان اراده مصمم این راه با باید بروید و انشاءالله جمهوری اسلامی را با محتوای جمهوری ، با احکام اسلام در ایران ، و امید است که در سایر جاها برپا کنید و بیرق توحید را بر فراز مملکت خودتان و سایر ممالک افراشته کنیم .

شما خودتان باید پاسدار اسلام باشید

توجه به توطئه ها داشته باشید ، توجه به نفاق افکنی ها ، توجه به اموری که اسباب تفرقه می شود ، خصوصا در این دهه آخر صفر باید بسیار متوجه باشید که مبدا اینها از این اجتماعات سوءاستفاده کنند و مبدا خدای نخواستہ تفرقه بین شما ، درگیری بین شما ایجاد کنند که هر تفرقه ای امروز و هر ندائی که بر خلاف مصلحت شماها باشد ، بر خلاف مصلحت اسلام است . شما خودتان باید پاسدار اسلام باشید ، همانطوری که تحمل این زحمت را کردید و از راه های دور و هوای سرد پیاده آمدید ، باید تحمل زحمت کنید و تا رسیدن به پیروزی نهائی همه با هم باشید و با هم فکر کنید و با هم راجع به این

در خودکفائی کشور بکوشیم

خداوند همه شما را انشاءالله نصرت بدهد و با پیروزی انشاءالله پیش ببرید و مملکت را خودتان در دست بگیرید و برای خودتان خدمت کنید و من امیدوارم که همانطور که این آقا گفتند سطح کشاورزی را بالا ببرید تا محتاج به دشمن ها نباشیم . احتیاج به دشمن دردناک است ، ما محتاج باشیم که در گندم مان ، در برنج مان در سایر غذاها مان به دشمن های خودمان مثل امریکا ، این امر دردناکی است که باید ملت ما این امر را طوری کنند که انشاءالله خودکفا شویم و انشاءالله صادرات هم داشته باشیم .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم ارومیه

امروز اسلام گرفتار نقشه های شوم ابرقدرت هاست

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر شما برادران خواهران آذربایجان . درود بر شما مردم غیرتمند آذربایجان غربی و سلام بر اهالی ارومیه . شما زحمت کشیدید و از راه دور در این هوای سرد آمدید به قم و در این منزل محقر با من روبرو بشوید و مطالب خودتان را بفرمائید و من هم بعض کلمات را عرض کنم . برادرهای من ! امروز روزی است که اسلام گرفتار ابرقدرت هاست و برای اسلام عزیز و میهن شما نقشه های شوم کشیده اند . امروز روزی است که اسلام محتاج به همه قشرهای ملت و شما مردم غیرتمند است . اسلام عزیز برای ما و همه اقشار حق دارد و منت دارد و ما باید از عهده حق اسلام و کشور اسلامی مان بیرون بیاییم . ما قدم های کوچکی برداشته ایم و قدم های بزرگی مانده است که باید برداریم . در این قدم های کوچک مواجه با مخالفت هائی از طرف بازماندگان رژیم سابق و الهام گیرندگان از اجانب شدیم و در این قدم های بعد هم خواهیم شد و الان مبتلا هستیم و باید با همت ملت بزرگ ایران و با همت شما آذربایجانی های عزیز ، این گرفتاری ها رفع بشود . الان مملکت ما احتیاج به آرامش دارد ، احتیاج به این دارد که یک آرامش سرتاسری پیدا بشود تا رئیس جمهور و مجلس شورا با هم تعیین بشود و بعد برویم سراغ فروع قضیه و ساختن یک ایران نوین . اسکلت اسلام ، الان باز در این رژیم مستقر نشده است ، باید این اسکلت مستقر بشود تا بعد دنبال آشفته گی ها برویم . این آشوب ها که ملاحظه می کنید در اطراف ایران هست ، اینها توطئه هائی است برای اینکه نگذارند مملکت ما یک استقرار پیدا بکند .

اسلام امانتی است که الان به دست ما رسیده

برادران من ! در فکر اسلام باشید . اسلام امانتی است که الان به دست ما رسیده ، اسلام خون ها دیده است و جنایت ها بر اسلام و بر پیکر اسلام واقع شده است تا به دست ما رسیده است و ما باید آن را حفظ کنیم . باید نگذاریم که اسلام عزیز در خارج به دست اشخاصی که غرضمند هستند و می خواهند اسلام را طور دیگر عرضه کنند و وانمود کنند ، باید همه ما به هم طوری عمل کنیم که نقشه های آنها خنثی شود . باید از این اختلافاتی که هست و ایجاد می کنند و در هر جا ، هر گوشه ای از

این مملکت مشغول ایجاد اختلاف هستند، باید خود ملت جلوگیری کند و نگذارد این توطئه ها ثمر پیدا کند. لازم است همه شما برادرهای عزیز در هر جا که هستید و با هر شغلی که هستید، همان انقلاب اولی و شور انقلابی اولی را که داشتند حفظ کنید. امروز احتیاج به آن شور انقلابی از دیروز بیشتر است. ما به منزل نرسیده ایم و در بین منزل و در گردنه های این منزل طولانی، دزدانهایی هستند که می خواهند ما را نگذارند به منزل برسیم. باید به دست شما جوان های غیور و همه قشرهای ملت توطئه ها شکسته شود. باید بعد از اینکه این گردنه ها را طی کردیم و انشاءالله رئیس جمهور را تعیین کردیم و انشاءالله مجلس شورا را تاسیس کردیم، همه با هم این کشور را بسازیم کارگر، کاسب، تاجر، اداری، فرهنگی، وزارتخانه ها، تمام قشرهایی که در این کشور به هر صورت زندگی می کنند، باید همت کنند و مملکت خودشان را خودشان بسازند، منتظر نباشید که از دولت، فقط از دولت شروع بشود، همه شروع کنید، مملکت مال خود شماست، مثل سابق نیست که شما همه منافعتان به دست دیگران به خارج می رفت و همه مخازنتان با دست خائنان به خارج از مملکت تان صادر می شد. امروز کشور مال شماست و شما باید سرنوشت خودتان را به دست بگیرید و الان از اختلافات احتراز و بعد هم با هم، همه با همت والا برای خدا و برای رضای ولی امر سلام الله علیه همه با هم دست برادری داده و این کشوری که خرابه شده و به دست ما دادند و خودمان تعمیر کنیم. من باز از شما برادرها و خواهرهای آذربایجانی تشکر می کنم و امیدوارم که همه تان با سلامت و سعادت به مقصد عالی انسانی و اسلامی برسید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع طبقات مختلف مردم غیور ارومیه و مناطق دیگر

ما مکلفیم تا جمهوری اسلامی را متحقق سازیم

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال کردید که تکلیف ما الان چه هست و این سؤال همه قشرها هست که ما الان که در این مرحله رسیدیم تکلیف چیست؟ شما می دانید که الان از خیلی جهات کشور ما حساسترین مرحله حیات خودش را دارد می گذراند، از یک طرف با قدرت های بزرگ مواجه هست، با آمریکا، با شوروی هم که الان در افغانستان هست و قدرت های بزرگ تقریباً با کشور ماست، از یک طرف موقعی است که می خواهید شما رئیس جمهور را تعیین کنید و بعد هم انشاءالله وکلایان را و در این موقع تمام دستجاتی که نمی خواهند اسلام تحقق پیدا بکند، نمی خواهند جمهوری اسلامی تحقق پیدا کند، نمی خواهند این کشور به حال عادی برگردد و سرنوشت خودش را خود اهالی کشور به دست بگیرند، اینها راه می افتند و توطئه می کنند. و در یک چنین موقع حساسی اینکه تکلیف است این است که باید ما بعضی از آشفته گی هائی که در محل خودمان هست عجلالتا، موقتاً صرف نظر کنیم و این دو مرحله را بگذرانیم، مرحله تعیین رئیس جمهور که الان دست هائی در کار است که نگذارند و مرحله تعیین وکلا که مجلس شورایی بخواهند محقق بشود و این هم بدتر از این خواهد شد و شلوغی ها را زیادتر خواهند دامن زد، اینها می خواهند یک استقراری در این مملکت نباشد و ما مکلفیم که کوشش کنیم که یک استقراری باشد که این مراحل را ما بگذرانیم. در کشور ما، این کشور ما، یک کشوری بشود که جهات، اسکلتش محقق شده باشد.

الحمد لله قانون اساسش خوب به تصویب رسید، ملت هم رأی دادند و دیدند که چقدر کوشش شد که نگذارند و بحمدالله اصل جمهوری اسلامی هم ملت رأی دادند و آنوقت یک اشخاصی می خواستند نگذارند، حالا هم هر چه ما نزدیک تر می شویم به پیروزی، اینها مصمم تر می شوند در اینکه بشکنند، اینها قدم به قدم دارند زندگی خودشان را از دست می دهند و پا می زنند که حیات خودشان را، حیات جنایتکاری خودشان را ادامه بدهند و ما مکلفیم که نگذاریم این توطئه ها رشد پیدا بکند و نگذاریم که اینها مسلط بشوند به اینکه بروند مثلاً در دهات، در جاهای، جاهائی که زیاد می توانند تبلیغ بکنند، تبلیغ بکنند که آشوب بپا کنند، نگذارند این جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند. چنین نیست که من باب اتفاق، اتفاق افتاده باشد که همان ساعتی که تقریباً در قم آن آشوب بلند

می شود، در تبریز هم این نمی شود بی رابطه باشد، این یک توطئه ای است که با یک حسابی انجام می گیرد و الا به همان لحظه، با همان وضعی که در قم، در آن روز جمعه در قم، قبل از ظهر با همان ترتیبی که اینجا شروع کردند، در تبریز شروع کردند، یعنی کانه یک جمعیت بودند با چماق و با چیز دیگر، یک جمعیت بودند که آنجا و اینجا با هم شروع کردند به شلوغکاری و این برای این بود که الان می بینند که اگر چنانچه رئیس جمهور هم تعیین بشود، خوب یک مرتبه پیروزی است برای ملت، نگذاریم اینها پیدا بشود، بعد هم می گویند اگر چنانچه مجلس شورا تحقق پیدا بکند، پیروزی ملت است، این هم می خواهند نگذارند.

نوطئه این است که ما را سرگرم به بعض مسائل بکنند

الان اگر ما سرگرم بشویم به مسائل دیگر، از این مسأله باز می مانیم، اینکه من به شما آقایان تذکر می دهم و از آقایان می خواهم که بلادشان که رفتند، در محلشان که رفتند به مردم تذکر بدهند، آن این است که، توطئه این است که ما را سرگرم به بعض مسائل بکنند، آن مسائل را ما غفلت از آن بکنیم. اگر ما از آن مسائل اصلی غفلت بکنیم، مثلاً فرض کنید اگر برای رئیس جمهوری ما موفق نشویم که یک رئیس جمهوری با یک آرزوی، مثلاً- ملت موفق نشود که چه بشود، خوب، این منعکس می شود در خارج که مملکت ایران جوری است که نمی تواند رئیس جمهورش را تعیین کند، چنانچه اگر موفق نشده بودیم به اینکه قانون اساسی را رأی به آن بدهیم و ملت رأی به آن بدهند، باز این یک چیزی می شد که مملکت ایران باز نرسیده به آن حدی که برای خودش یک نظمی تهیه کند. توجه داشته باشید که مبدا ما را در خارج از کشورمان متهم کنند به اینکه اینها رشد ندارند، این یک مطلبی بسیار مهم است، آنها دارند کوشش می کنند به اینکه، یعنی آن تقاله های رژیم سابق، آن اشخاصی که وابسته به خارج هستند کوشش می کنند که اینجا هم بزنند اوضاع را، آنهایی که در خارج نشسته اند و می خواهند مسائل را آنطوری که دلشان می خواست منعکس کنند، آنها در خارج منعکس می کنند به اینکه ایران آشوب است، ایران به هم ریخته است، یکی اینجا واقع می شود، ده تا آنجا گفته می شود، کم کم یک چنین مطلبی در دنیا منعکس می شود که ایران ثبات ندارد، استقرار ندارد، رشد سیاسی تا حالا پیدا نکردند، اینها برای آزادی لایق نیستند، این را می خواهند، می خواهند موجه کنند این مطلب را که اگر دخالت نظامی کردند، دنیا مقابلشان نایستد، چرا؟ بگوید، برای اینکه ملتی بود که نظامی نداشت، به هم ریخته بود و متزلزل بود و در معرض این بود که بکلی از بین برود، ما دیدیم که اینها رشد ندارند، یک رژیمی را پیش آوردیم، به اینها رشد بدهد، سرپرستان باشد، این از مسائل بسیار مهم حالای ما هست، این مسائل دیگری که می گوید حکومتان چه هست و نمی دانم رئیس جمهورمان چه هست، اینها مسأله دوم است.

اینها مسأله دوم است، اینها که شما مملکتتان را مستقرش کردید. آنوقت باید برویم سراغ اینکه زراعتان چه هست، خانه مان چه جوری است - عرض می کنم - کشتان چه جور هست، رئیس مثلاً

کدامان چه جور هست _ اینها _ آنوقت باید تمام قواتان را اینجا بیاورید ، آنها هم البته در درجه دوم ، آنها هم باید گفته بشود ، آنها هم باید اصلاح بشود اما غفلت از این نکنید که یک وقت شما را بدون اینکه توجه داشته باشید ، از آن مسلک اصلی و مقصد اصلی باز دارند و متوجه کنند به یک مقصد دیگری ، از آن راهی که می خواستید بروید ، شما را برگردانند به یک راه دیگری ، این یک مسأله بسیار مهمی است که اگر ما این غفلت را بکنیم و از آن راه برگردیم به یک راه معوجی ، اساس مسلک از دست ما می رود ، یک وقت اساس مطلب در معرض خطر است ، یعنی اساس کشور در معرض خطر است ، یک وقت اساس نه ، اما خوب حکومت کجا غلط است ، فلان مثلا کجا چه می شود ، اینها بعد از استقرار اساس مطلب و مستحکم شدن اساس کشور ، آنها آسان است .

تغییر یک رئیس فوجی ، تغییر یک حکومتی _ عرض می کنم _ رفتن یک روحانی یک جایی ، اینها یک مسائلی است که جزئی است و آسان ، غفلت نکنید از اینکه در اطراف این مملکت ، الان هر جا شما بروید در اطراف این مملکت ، دستجات مختلف همه دنبال این مطلبند که مردم را نگذارند آن راهی را که باید ، بروند ، هر جا به یک جور ، هر جا یک جور غائله بلند می کنند که نگذارند مردم راه مستقیمی که باید بروند که برسند به اساس مطلب ، یعنی منتهی بشوند به اینکه مملکتشان جوری شده است که دیگر همه چیزش تمام است ، یعنی اساسش ، همانطوری که اگر ما رأی نداده بودیم به اصل جمهوری اسلامی یا می رفتیم سراغ اینکه خوب حالا حکومت اینجا چه جوری است و فرض کنید شهربانی آنجا چه جوری است ، غلط بود ، الان که شما می خواهید اساس را درست کنید که رئیس جمهور می خواهید تعیین کنید ، الان همه قوا باید متوجه این بشود که توطئه هائی که می شود که نگذارند رئیس جمهور تعیین بشود و غوغا خواهد شد ، این را بدانید که مهیا باشید ، همه جا خواهند یک غوغائی کرد ، متوجه باشید که شما را دیگر برنگردانند از راه مستقیم به یک راه دیگری ، خودشان غوغا کنند و فائده ببرند ، همه متوجه این مسأله باشید ، همه جا . الان وقت اینکه من کسالت دارم نیست ، وقت اینکه من در محلم مثلا فرض کنید که فلان قضیه واقع می شد ، الان وقتش نیست ، این وقت دارد ، این را کرارا من عرض کردم ، اگر یک وقت خدای نخواستہ یک زلزله ای در یک شهری بیاید ، شما هیچ فکر این هستید که من حالا خانه ام وضعش چه جوری است یا زندگی ؟ همه می روید برای اینکه این زلزله زده ها را بیرون بیاورید ، هیچ در فکر این نیستید که حالا من وضعم چیست . شما آنوقتی که در حال نهضت بود که می خواستید این مرد فاسد را که همه چیز را فاسد کرده ، از کشورتان فاسد کرده بیرون کنید ، تو خیابان ها می رفتید ، پشت بام می رفتید ، پائین ، بالا فریاد می زدید ، هیچ فکر این بودید که رئیس شهربانی چه جور است ؟ هیچ فکر نبودید ، اگر آنوقت فکر این بودید ، این پیروزی ها را پیدا نمی کردید ، اینکه پشت کردید به همه مقاصد خودتان و رو کردید به دشمن ، دشمن را بیرون کردید . حالا هم همه مقصدهای جزئی را که دارید رها کنید بروید سراغ این دو مرحله ، این مرحله را تمام بکنید و بعد از اینکه این دو مرحله تمام شد ، آنوقت اساسا باید این مملکت همه چیزش درست بشود .

خیال نکنید که فقط ارومیه شما اینطوری است ، همه جا اینطوری است ، همه جا یک مقداری از

آن مقاله های سابق باقی مانده ، پاکسازی یک مملکتی که در طول تاریخ خراب بوده و این پنجاه سال خرابتر بوده و این سی سال اخیر دیگر بدتر از همه وقت شده ، خرابی این محتاج به طول زمانی است .

اینها جوان های ما را ضایع کردند که این یک عمر لازم دارد که یک جوانی که ضایع شد در این رژیم ، تریاکی شد در این رژیم ، شارب الخمر شد در این رژیم ، عادت به سینماهای فاسد کرد ، عادت به این مراکز فحشا که همه را درست کرده بودند با نقشه برای اینکه نگذارند جوان های ما یک جوان های محکمی از کار درآیند که بتوانند مقابل آنها بایستند ، این محتاج به این است که یک ، مدت ها طول بکشد تا یک تحول حاصل بشود .

این تحولی که الان حاصل شده ، یک تحول معجزه آسائی است آقا ، یک مملکتی که جوانش مشغول بود به فرض کنید که تعیش ، سایرین هم مشغول ، هر کسی به کار خودش مشغول بود و در ذهنشان نمی آمد که می شود یک همچو کاری انجام بگیرد ، خدا خواست که ، یکدفعه ملت را متبدل کرد به یک چیز دیگری ، همه ایستادند در مقابل این دشمن و همه این را پیش بردند ، جوان ها از آن مراکز کشیده شدند به خیابان ها ، مردم از بازار و کسبشان دست برداشتند کشیده شدند به خیابان ها ، حتی آن پیرمردهای زاغه نشین با اولادشان آمدند به خیابان ها و فریاد کردند ، با فریاد و مشت و با سنگ و یا اینها ، بر آنها ، تانک ها و آن بساطی که آنها داشتند ، موفق شدند و این یک چیز خدائی بود ، یک چیزی نبود که بشر بتواند این مسائل را درست کند ، خدا این کار را کرد . حالا باز شما باید همه با هم متوجه باشید به اینکه مملکت اسلامی الان دست شما امانت است ، تا حالا موظف نبودید ، از باب اینکه طاغوت بود بر شما مسلط ، (ما چه کنیم) الان دیگر (چه کنیم) ندارد .

الان یک مملکتی است ، دست ملت هست ، این ملت موظف است این مملکت اسلامی را سروسامان به آن بدهد ، سروسامان به آن دادن این است که هر اختلافی هر جا می خواهد پیدا بشود ، خفه کنند آن اختلاف را ، نگذارند اختلاف پیدا بشود . هر جا می خواهند این اشخاصی فساد بکنند ، بشناسانند آنها را ، بگیرندشان ، تسلیمشان کنند به دادگاه ، یک مسأله ای است عمومی باید انجام بگیرد . نشینند شما برای اینکه دولت برای شما چکار بکند ، رئیس شهربانی چکار بکند ، خودتان هستید ، مال خودتان هست مملکت ، خودتان باید حفظش کنید ، بگذارید این مرحله هم انشاءالله پیش برود ، بعد که پیش برود ، یک آرامشی قهری حاصل می شود ، یعنی آنها دیگر طمعشان تقریباً بریده می شود (قهرای یک آرامش ممکن است که انشاءالله بشود) و آنوقت هم با همت همه باید درست بشود ، یک مملکتی نیست که بتواند یک کسی ، شما بنشینید که دولت انجام بدهد ، دولت هم یک افرادی هستند مثل شما ، آنها هم قدرت یک همچو زیادی ندارند ، آنها هم افرادند ، همه باید با هم دست به هم بدهیم ، نه مرد تنها ، خانم ها هم همین طور ، طبقه واحدند ، همه طبقات باید دست به هم بدهند تا یک خرابه ای که برایشان گذاشتند آباد کنند و زندگی شان را در آنجا اداره کنند . خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند و موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی آمریکا

بی نظم جلوه دادن جمهوری اسلامی، از توطئه های اجانب برای شکست نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند شما جوان ها را که متعهد به اسلام هستید، حفظ کند و توفیق شما را هر چه بیشتر به هدف های اسلامی. آنچه که من می فهمم و احتمال زیاد می دهم این است که امریکا نه دخالت نظامی در ایران می خواهد بکند و نه حصر اقتصادی، اگر هم حصر اقتصادی بکند، ناجح نمی شود، خودش هم می داند، لکن از راه اساسی تر پیش آمدند و آن راه این است که ما را از باطن خودمان آسیب پذیر کند و ما را بگداند از باطن خودمان، از اول هم بناشان بر همین معناست. شاید در انقلاب هائی که واقع می شود آنهائی که می خواهند نفع ببرند یا ضرری کشیدند که می خواهند جبران کنند، نفعشان این باشد که خود انقلاب را در باطن خودش آسیب برسانند.

الان همه دست ها در کار این معنا هستند، شاید این صحبت هایی که در خارج می کنند به اینکه ما دخالت نظامی می کنیم یا حصر اقتصادی می کنیم، شاید برای این معنا باشد که اذهان ما را منصرف کنند به آن طرف و از آن چیزی که در کشور خودمان دارد می گذرد غافل کنند. شما غافل از این شیاطین نباشید که اینها مطالعه کرده هستند، ماها تازه وارد این میدان ها شدیم، شماها تازه وارد این میدان ها شدید و بر حسب آن حس انسانی هم که دارید آن شیطنت ها که در آن هستند کمتر وارد هستید، اینها مطالعه کردند، نه ده سال و نه سال، در طول تاریخی که راه پیدا کردند مطالعه کردند، نه مطالعه فقط کشورها را، یعنی مخازن اینجاها را، این هم یک مطالعه طولانی در آن شده، قبل از اینکه اتومبیل و طیاره و اینطور مسائل پیدا بشود، اینها کارشناس هاشان را می فرستادند در شرق و وجب به وجب این مملکت ها را گردش می کردند، با شتر می رفتند این بیابان ها را، با قافله ها می رفتند این بیابان ها را گردش می کردند و هر جایی که یک چیزی پیدا می شد یادداشت می کردند، نقشه بر می داشتند، این یک سری کارشان که بفهمند در کشور شما چه دارد، مخازن شما چی هست، این مال حالا نیست، این مال، از سابق که راه باز کردند دنبال این قضیه هستند. و یک مطلب دیگری که شاید به آن بسیار اهمیت می دادند این بود که مطالعه در حال مردم ایران بکنند یا مردم شرق بکنند، حالا ما ایران مورد بحثمان هست، این عشایر ایران، عشایر بختیاری، عشایر خوزستان، (خیلی عشایر دارد در ایران) توی این عشایر، اشخاصی می فرستادند برای مطالعه که اینها چه جور وضعی دارند، چطور می شود اینها را

تحریک کرد، از تحرک بازداشت، این، مطالعات طولانی کردند در این باب و در افراد دیگر، غیر عشایر، مطالعات دارند، احزاب را چه جوری باید درستش کرد و چه جوری به جان هم انداخت، مطالعات اینها زیاد است و ما باید الان تمام توجه مان را به این مطلب که اینها الان نقشه این معنا را دارند طرح می کنند و مشغول این معنا هستند که در خود ایران افراد را، جمعیت ها را به جان هم بریزند و بعد منعکس کنند به اینکه این ایران، یک جمعیتی هستند که نظمی در آنها نیست، حکومتی ندارند. الان اگر ملاحظه کرده باشید این روزنامه های خارج را (که ماحصلش پیش من می آید) هم خود آنها، روزنامه نویس هاشان، هم اینهایی که مربوط به آن دستگاه سابق بودند، این مسائل راهی می گویند، الان معلوم نیست که مرکز قدرت کجا هست، الان معلوم نیست که کی ایران را دارد تنظیم می کند امورش را، کی دارد این قافله را به جلو می برد؟ هی اول به طور تردید، معلوم نیست قضیه چیست، بعد هم اینکه یک مملکتی هست که همین چند روز، همین چند وقت نفس های آخرش را دارد می کشد. بختیار در یکی از نوشته هائی که شاید دیشب من دیدم یا صبح دیدم که (خمینی دارد آن نفس های آخر را می کشد و این کشور چه می شود). اینها بنای این دارند که در باطن خود ما، با دست خود مردم، اینجا یک صورتی پیش بیاورند، یک حالی را پیش بیاورند و آن حال اینکه منعکس کنند در خارج که هیچ نظامی در ایران حکمفرما نیست. هیچی نیست در هیچ جای ایران، در ارتش ایران نظام نیست، در پاسبان های ایران نظام نیست، در ژاندارمری نظام نیست، در هیچ جا یک نظمی در کار نیست، که روی این زمینه اگر یک وقتی بخواهند که دخالت نظامی بکنند، موجه باشد. یعنی به این معنا که بگویند که یک مملکتی است که آزادی برایشان زود است، حالا اینها رشد اینکه آزادی را احساس کنند، استقلال هم برایشان زود است. برای مردم. خارج با قلم های مسموم هم که دارند می اضافه اش می کنند که ببینند، آزادی داده شده است به این مملکت و هرج و مرج در مملکت هست، الان همه چیزش به هم ریخته است و بعد موجه بشود این، برای اینکه اگر یک وقتی یک دخالتی بخواهند بکنند، در خارج بگویند که خوب، یک ملتی بوده است که باید حفظش کرد و این ملت که باید حفظش کرد، نظم ندارد و با بی نظمی دارد، تبه می شود، ما سرپرستی می خواهیم بکنیم از این ملت که رشد ندارد، محتاج به قیم است.

دشمنان چون از اسلام سیلی خوردند قدم به قدم با ما مخالفت می کنند

ملت ما باید فکر این مطلب باشند، قویا فکر این باشند، از خارج نترسید، تا داخل یک آسیبی نبیند، از خارج نباید ترسید، از داخل بترسید.

شما ببینید در هر قدمی که برداشتیم و ملت برداشت برای تحکیم حکومت، در آن قدم شروع شد به مخالفت، می خواستند مردم رأی بدهند برای جمهوری اسلامی، برای مردم بود، مردم می خواستند بدهند، یک دسته که می خواستند نشود این مطلب، افتادند به این طرف و آن طرف برای اینکه جلوگیری کنند از جمهوری اسلامی، حتی بعضی از صندوق ها را شکستند، بعض جاها را آتش زدند با قوای خودشان، با اسلحه جلوگیری کردند از رأی دادن، آن قدم را ملت پیش برد و آنها هم مفتضح

شدند ولی دست برنداشتند . بعد که بنا بود که قانون اساسی تدوین بشود ، آنهایی که ارباب قلم بودند با قلم شروع کردند اشکال تراشی که نه حالا ، چی هست ، بعضی ها می گفتند همان قانون سابق باشد ، بعضی می گفتند خوب ، آن قانون باشد بعضی از موادش را تغییر بدهید . و برای تعیین خبرگان کارشکنی شد ، بعد که مجلس درست شد ، باز این قدم هم ملت رفت و خبرگان خودش را تعیین کرد . در طول مدتی که آنها مشغول بودند به بررسی قانون اساسی ، اینها هم مشغول بودند به اینکه اشکال کنند این ملی نیست . یک چیزی که خود ملت تعیین کرده ، این می گفتند ملی نیست باید حتما موافق اقلیتی باشد تا ملی بشود ، همین طور تا آنوقتی که بنا بود رأی بدهند مردم به خود قانون اساسی ، شروع کردند باز کارشکنی ، کارشکنی ها از اطراف ، حالا که ملت می خواهد رأی بدهد به رئیس جمهور ، حالا می بینند این قدم اگر پیش برود ، یک قدم دیگر هم پیش برود ، استقرار حکومت زیادتیر می شود ، شروع کردند به کارشکنی . غانله ای در تبریز ، یک غانله در قم ، در تهران ، در همه جا ، می خواهند نگذارند که این جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند ، منتها از اول شروع کردند و اینها همین طور قدم ، قدم . هر قدمی ملت پیش برود آنها قدم بعد را شروع کردند ، مایوس نشدند ، الان هم مایوس نیستند ، اینها در صددند که نگذارند این رئیس ، مردم خودشان باید تعیین کنند ، نگذارند تعیین بشود ، صد و بیست و چهار نفر بیایند و داوطلب بشوند برای رئیس جمهور ، معلوم است معنایش چیست ، صد و بیست و چهار نفری که مردم اکثرشان را نمی شناسند ، شاید ده تاشان را بیشتر مردم شناسند بین اینها ، اشخاصی که بی عقل هم هست ، می گویند هست ، من نمی دانم ، اما می گویند اشخاص منحرف هم هست ، این برای چیست ؟ صد و بیست و چند نفر کاندید ، واقعا اینها اعتقادشان این است ؟ احتمال این را می دهند که پیش ببرند ؟ احتمال می دهند که یک جمعیت زیادی به آنها رأی بدهند ؟ نمی خواهند اخلال کنند ؟ اخلال است ، این خود اخلال است ، یک مملکتی ، صد و چند نفری رئیس جمهور می خواهند بشوند ، صد و چند نفری آدمی که بعضی هاشان مثل اینکه مثلا بارفروشند ، یک همچو مسائلی در آن هست ، من نمی دانم درست ، نمی شناسم من ، این خودش یک نحوه اخلاقی است که در یک کشوری ، صد و بیست و چند نفر ، اینها داوطلب بشوند برای اینکه می خواهند رئیس جمهور بشوند و بعد هم خواهید دید به این مثلا تبلیغاتی که باید بکنند ، خواهید دید چه گروه هائی تبلیغات می کنند ، نه از باب اینکه برسند به رئیس جمهور ، از باب اینکه نگذارند رئیس جمهوری پیدا بشود و لااقل اخلال کنند به اندازه ای که منعکس کنند در خارج که اینها یک همچو جمعیتی ، ایران یک همچو کشوری هست ، صد و بیست و چند نفر می خواهند رئیس جمهور بشوند و همه هم به جان به هم ریختند و بعد خواهید دید که اینها چه بساطی سر هم در می آورند . اینها همه اخلالگری هست و ما از این مسائل ، اکثر جوان های ما از این مسائل غافل بشوند ، بعد خدا می داند که در قضیه مجلس شورا چه خواهد شد و می دانیم که بدتر از همه است برای اینکه حدود مثلا فرض کنید دویست نفر می خواهند وکیل بشوند ، شاید چندین هزار نفر خودشان را منتخب کنند و _ رئیس _ می خواهند نگذارند یک مطلبی بشود ، یک وقت این بود که یک اشخاصی ، ما مواجه یک اشخاصی بودیم ، اینها واقعا راه را ، راه ما را صحیح نمی دانستند ، خودشان یک راه

صحیحی داشتند، خوب، یک چیزی بود، می نشستند صحبت می کردند این راه درست است یا آن راه، یک وقت این است که قضیه این نیست، قضیه این است که اینها از یک نقطه می ترسند و آن اسلام است و از یک جمعیت می ترسند، آنهایی که به اسلام اطاعت دارند، آنهایی که در راه اسلام فعالیت می کنند. این سیلی که ابرقدرت ها از ایران خوردند، از اول عمرشان تا حالا نخورده بودند این سیلی را.

این نصرت الهی را خدا نصیب ملت کرد

جنگ جهانی، جنگ بود بین دو تا قدرت بزرگ، یک قدرت این طرف بود، یک عده ای از دولت ها این طرف بودند، یک قدرت آن طرف بود و یک عده ای از قدرتمندها آنجا با توپ و تفنگ و چیزهایی که آن وقت بود به جان هم ریختند. هم در جنگ اول، من هر دو آنها را یادم هست و شماها نبودید، آن وقت ها هم در جنگ اینطور بود که دو تا قدرت بودند که مقابل هم ایستاده بودند، زدند تو سر هم تا یکی غلبه کرد، هم در جنگ دوم که باز دو تا قدرت با هم، یعنی دو گروه از قدرت با هم اختلاف کردند، زدند، همه چیز کردند و از بین بردند. ایران را قضیه این نبود که دو گروه قدرتمند مقابل هم ایستاده باشند، یک گروه بودند، یک جمعیتی بودند، یک دولت هائی بودند، همه قدرت ها دست آن بود، شاه مخلوع بود با تمام قدرت، امریکا دنبالش، شوروی دنبالش و سایر کشورها و مع الاسف کشورهای اسلامی.

من در پاریس که بودم مواجه بودم با این مسائل، از همه بیشتر امریکا دنبال این بود که آن وقتی که آن مردک بود، آن مخلوع بود، آن وقت اصرار داشتند، بعدش که جانشین بدتر از خودش تقریبا بود، آنوقت دنبال می کردند که اخیرا می گفتند نروید شما ایران، ایران الان زود است _ الان _ بروید، دشمن های ما برای ما صلاح دید می کردند که شما صلاحتان نیست حالا بروید ایران. اینها از این قدرت ملت، ملتی که ابزار جنگی نداشت و تعلیمات نظامی هم نداشت، با تعلیمات نظامی این دست، این طرف تعلیمات نظامی نداشتند، یک دسته بازاری بودند، یک گروه زیاد بانوان بودند، یک گروه زیاد جوان ها بودند، دانشگاهی بود، بازاری بود، چه بود که اینها هیچ کدامشان تعلیمات نظامی ندیده بودند، طرف ما تعلیمات نظامی داشتند، ماها این طرف ابزار جنگی نداشتیم، حالا چهار تا تفنگ، جزء غنائمی است که شما از آنها گرفتید و الا دست شما نبود، یک چیزی که با آتش زدن مثلا لاستیک و این در مقابل مسلسل و توپ چیزی می شود، اینها البته مسأله نیست که خدا خواست، این نصرت های الهی را ما از آن غافلیم. در همین قضایا، چون یک ملتی بود مظلوم و یک ملتی بود که قیام کرده بود برای خدا، فریاد می زد ما جمهوری اسلامی می خواهیم، فریاد می زد که ما ظلم نمی خواهیم خدا تایید کرد ملت را، یعنی یک نصرت هائی به این ملت عنایت کرد که در تاریخ مگر در صدر اسلام دیگر نبود یک ملتی همه قدرت ها دست او، دست طرف مقابل، لکن یا بترسد استعمال کند، یا وقتی فرمان بدهد، از او فرمان نبرند، خدا یک ترسی در دل اینها انداخت که همان ترس اسباب این شد که برای ما

یک نصرتی حاصل شد، یک نصرتی بود خودش .

گاهی لشکر اسلام را با همین رعب، رعب می انداختند در دل آنها، منتشر می شد توی لشکر که این عرب ها آدم می خوردند، این رعبی در دل اینها می افتاد که نتوانند مقابله کنند، این در این قضیه ای که برای ما اتفاق افتاد، این مسأله بود که خدا تایید کرد این ملت را و هیچ کس غیر خدا نبود که کاری انجام بتواند بدهد، این بود که یک اجتماع در یک مطلب، سی و چند میلیون جمعیت همه یک مطلب بگویند، همه یک راه بروند، مگر این می شود، کسی می تواند همچو کاری بکند، مگر با تبلیغات می شود این کار را کرد، انسان بیست سال تبلیغ می کند، یک بازار تهران را نمی تواند قبضه کند، در چند وقت تقریباً یکدفعه ما دیدیم که سرتاسر ایران حرف هاشان یک چیز است .

من که پاریس بودم یک کسی آمد از ایران پیش من (حالا هم یادم نیست کی بود) گفت که من رفتم به اطراف، در ایران که بودم، دهات آن جاپلق و کمره و آنجاها که من اطلاع ازشان دارم، حتی یک جایی را گفت که من آنجا را خودم رفته ام، یک ده، نه، یک قلعه ای بود، یک قلعه توی کوهی است، گفت که همه جای آنجاها که ما رفتیم صبح که می شد، آخوندش توی ده جلو می افتاد و مردم ده هم دنبالش تظاهر می کردند و به من گفت من رفتم در آن قلعه حسن فلک که یک قلعه کوچکی است رفتم آنجا دیدم آنها همان را می گویند که تهران می گویند، من در پاریس امیدوار شدم به اینکه ما انشاءالله پیروز هستیم . وقتی بنا شد یک ملت اینطوری قیام بکند، این یک دست غیبی در کار است، این نمی شود که با تبلیغ و با صحبت، آخوند منبر برود یک چیزی بگوید، نمی شود، این قضیه ای بود که خدا می خواست و ما پیروز شدیم و بحمدالله و امیدوارم که پیروز بشویم تا آخر .

برای برقراری نظم، تا استقرار رژیم اسلامی همه اسلامی کار کنید

لکن این توجه باید برای ملت ما باشد که اینها مهم شان این است که در همین داخل ما را آسیب بزنند، آسیب بردار کنند، این یک نقشه بود که قم و تبریز با هم شروع کردند، نقشه است اینکه به همان وضعی که قم شروع کرد، به همان وضع شروع کرد و در همان ساعت قبل از ظهر روز جمعه به یک وضع خاصی شروع شد به اخلاگری و در تبریز همان وقت با همین وضع خاص یعنی مثل اینکه همین گروه دو تا شدند، یک دسته اینجا به همین وضع اینجا شروع شد، که معلوم است یک توطئه ای بوده است که در نظر دارند اینها و الان هم در تبریز همین هست . الان هم به من اطلاع دادند که دارند باز مجهز می شوند اینها، می خواهند که نگذارند یک استقراری در این مملکت پیدا بشود تا منعکس بشود به خارج که اینها، قابل این نیستند که آزادی داده بشود و ما باید با تمام کوشش مان، کوشش کنیم که این نقشه را خنثی کنیم، یعنی هر که در هر جا هست خوب کار کند، اسلامی کار کند، اتکانش به اسلام باشد، شما در همان محلی که هستید، اسلامی کار کنید، این خواهرها در هر جا که هستند، اسلامی کار کنند، کشاورزها در محل خودشان اسلامی کار کنند، وقتی بنا شد همه جا اسلامی کار کنند نظم پیدا می شود، انتظام پیدا می شود، اگر در ارتش به طور اسلامی عمل بشود، در ژاندارمری، در شهربانی، در

پاسدارها، در همه جا به یک نظم کار بشود، به یک جور کار بشود، کار پیش می رود. الان مملکت شما _ الان _ فعلا احتیاج دارد که همان نهضتی که اول داشتید و هیچ کدام فکر این چیزهایی که خودتان می خواستید نبودید، آن وقتی که در خیابان می رفتید و فریاد می زدید (الله اکبر) و باید برود این رژیم، ابتدا به فکر این نبودید که نهارمان امروز چی هست _ یا امروز چی هست _ یا امروز چه جوری است، هیچ به فکر این نبودید، معلوم است اگر بودید نمی شد، اینطور بود که دنبال هر انقلابی این هست، بعد که رسید به یک قدم، پیروزی به نظرتان آمد. ما حالا پیروزم الحمدلله، حال که پیروز برگشتید به وضع خودتان، ببینید که وضع تان چه جوری است، به وضع خودتان برگشتید دیدید که خوب، ناپسامانی هست، اینها شروع کردند به ایجاد ناراحتی، در این موقع ایجاد ناراحتی کردند، هی رفتند پیش کارخانه دارها که ببینید به شما حقوق می رسد، به آنها زیادت می رسد، خانه شما چطور است، خانه آنها چطور است، رفتند بین کشاورزها همین طور، رفتند در دبیرستان، در جاهای دیگر همین طور، هر جا توانستند رفتند، حالائی که دنبال انقلاب است و ناراحتی شروع می شود ناراحتی را دامن زدند، زیادش کردند و حالا هم مشغولند به همین امر.

الان وظیفه ملت ما هر کدام در هر جا هست این است که همان نهضتی که از اول بود که متوجه به این نبود که من حالا چی دارم یا چی ندارم، همان را ادامه بدهد تا وقتی مستقر بشود حکومت، الان بین یک راه هستیم و متزلزل، ما که نرسیدیم به نقطه اعلی، ما الان رسیدیم به جایی که بعضی از ابزار حکومت درست شده، قانون اساسی اش رأی داده شده است، اصل جمهوری اسلامی رأی داده شده است، حالا، نه رئیس جمهوری داریم، نه مجلسی داریم، مجلس باید همه کارها را انجام بدهد. استقرار ندارد الان مملکتمان، باید ما کاری بکنیم که با همان نهضتی که تا حالا آمدیم. این را نگهش داریم تا بتوانیم ما این مراحل بعد را به سلامت طی بکنیم، اگر بنا باشد که از حالا شروع کنیم به اختلاف سر رئیس جمهور و سر _ عرض بکنم _ آنهایی که باید در مجلس بروند، منتخب بشوند وکلا، اگر ما شروع کنیم به اختلاف و یک اختلاف دامنه داری که در یک حکومت های مثلا بوده است، هم بوده این اختلافات و حالا که یک حکومت مستقری نیست، چند صد سال آنوقت شد و زمینه از صد و بیست و چند نفر رئیس جمهور _ عرض می کنم _ زمینه معلوم است که می خواهند چه بکنند. اگر ما غفلت کنیم از مطلب و ندانیم، نفهمیم این معنا را که این توطئه هست، صد و بیست و چند نفر خودشان نرفتند سراغ این کار، صد و بیست و چند نفر را وادار کردند به اینکه بروند و خودشان را منتخب کنند برای اینکه شلوغی ایجاد کنند و بعد هم از وکلا خدا می داند چه خواهد شد. اگر ما چشممان را باز نکنیم و هر کس در هر جا هست عملش را اسلامی نکند و نهضتش را باز نیمه رس نداند، نرسیدن به آخر، بداند که ما بین راهیم و بین راه باز هم راهزن ها هستند، الان هم مشغولند.

بقیه نهضت را با حفظ ایمان و وحدت کلمه به پیش ببرید

باید همه جوان ها، همه جا در تبلیغاتشان، در گفتارشان، در صحبت هاشان تنبه بدهند مردم را، که

آقا با هم بشوید ، الحمدلله هستند ، با هم خوب هم هستند ، لکن باید زیادترش کرد ، باید کاری کرد که آنها طمعشان را ببرند از اینکه مملکت را می توانند ببلعند . آنها هم باز الان طمع دارند و از رونمی روند ، لکن ما باید کاری بکنیم و همه مان موظفیم که کاری بکنیم که این اجتماعی که بود و این وحدت کلمه ای که بود و مهمتر ، این ایمانی بود که با آن ایمان پیش بردیم ، به پیش بردید شما ، آن محفوظ باشد تا انشاءالله با همین گرمی و تنور گرم ما این دو تان را هم بپزیم ، نان رئیس جمهور و نان قضیه انتخابات ، وقتی این دو تا هم از این تنور درآمد آنوقت باقی اش دیگر آسان هست انشاءالله .

خداوند همه شما را تایید کند ، موفق باشید و سلامت باشید و دعا به همه تان می کنم و امیدوارم که شما هم غافل نباشید از اینکه توجه به خدا داشته باشید ، همه چیز از آنجاست ، هیچ چیز از ماها نیست ، هر چه هست به او متوسل بشوید و پیش می روید انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 237

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان سازمان های آزادیبخش جهان

غیر قابل شمارش بودن خیانت ها و جنایات رژیم پهلوی

بسم الله الرحمن الرحيم

من تشکر می کنم از آقایان که آمدند از نزدیک اوضاع این ملت ما را ببینند گر چه نمی توانند ببینند . ملت ما اخیراً پنجاه و چند سال گرفتار دو حاکم غیر قانونی و جائر که یکی از طرف انگلیس ها بر ما تحمیل شد و آن رضاخان بود و یکی هم از اجانب دولت های سه گانه که یکی از آنها انگلیس و یکی آمریکا و یکی شوروی بود و در طول این پنجاه سال جنایاتی کردند بر این و خیانت هائی کردند بر این ملت که در چند روز و چند سال نمی تواند کسی احصاً کند . بعضی از جنایات و خیانت های اینها در دست نیست ، کسی اطلاع ندارد ، فقط خودشان اطلاع دارند و بعضی نزدیکانشان که آنها هم در دست نیستند . بنابراین شما که آمدید نمی توانید آثار جرم را در این مدت آنطور که بوده است و آثار خیانت را آنطور که بوده است ببینید همین قدر است که بشنوید یا بعض معلولین ما هم که حاضر در آن قضایا بودند شاید دیده باشید .

تا شرق مکتب اسلام را پیدا نکنند نمی تواند با غرب مقابله کند

باید عرض کنم که تا ملت شرق خودش نفهمد این معنا را که خودش هم یک موجودی است ، خودش ملتی است ، شرق هم یک جانی است ، نمی تواند استقلال خودش را به دست بیاورد . اینها در طول زمان های بسیار طولانی با تبلیغات بسیار زیاد حتی به دست خود قشرهای ملت ها ، خود حکومت طوری کردند که ملت شرق خودش را بکلی در مقابل غرب و در مقابل ابرقدرت ها باخته است و گم کرده خودش را ، مکتبش را گم کرده . مکتب بزرگ اسلام که راس همه مکاتب است و در شرق است شرق او را گم کرده است ، تا این مکتب را پیدا نکنند شرق و نفهمد مکتبش چه است و خودش چه است و خودش هم یک موجودی است و کشورش هم یک کشوری است ، نمی تواند مقابله کند با غرب برای اینکه هر جور مقابله ای که بکند ، آنها روی آن تبلیغاتی که دارند این مقابله را خنثی می کنند . شماها فکر این را بکنید که مملکت خودتان را هر کدام در هر جا که هستید بیدار کنید ، ملت خودتان را بفهمانید که شما هم یک موجودی هستید ، شما هم مکتب دارید ، شما هم ذخائر دارید ، شما هم همه چیز دارید و آنها از دست شما همه چیز را گرفته اند و از همه بالاتر اینکه انحراف در ملت ها

پیش آوردند، جوان‌ها را منحرف کردند. یک انحراف مکتبی است که مکتب‌های خود شریک را، مکتب بزرگ اسلام را منحرفا به مردم تحویل دادند، عرضه کردند، آنکه اسلام است نبود و چیز دیگری مبتذل در دست مردم دادند و آن مکتب‌های مبتذلی که در خود آنجاها هم که این مکتب‌ها بوده است شکست خورده اند، در اینجاها او را ترویج کردند، به طوری که جوان‌های ما شیفته آن مکتب‌ها شدند.

ایجاد مراکز متعدد فساد به منظور سلب هویت و قدرت تفکر جوانان

یک مطلب دیگر اینکه ابواب فساد را به روی جوان‌های ما باز کردند و دامن زدند. ما که شاهد مملکت خودمان هستیم و می‌دانم ممالک شما هم همین است، ما که شاهد هستیم می‌بینیم مراکز فساد که در مملکت ما هست و جوان‌های ما به آن مراکز فساد کشیده شدند و هویت خودشان را از دست داده اند، زیاد است که گفته می‌شود و مسلم اینطور است که مرکز فساد در تهران بیشتر از کتابخانه است. ما را تهی کردند از همه چیز، جوان‌های ما را تهی کردند از آن خاصیتی که باید نیروی جوانی داشته باشد، خواستند نیروی جوانی ما را از دست ما بگیرند و بعد از اینکه این نیروها گرفته شد خزان ما، ذخائر ما را ببرند و جوان‌های ما بی تفاوت باشند. در زمان رژیم سابق همین حال را پیش آورده بودند، جوان‌های ما را به مراکز فساد کشیدند، تبلیغات راجع به فسادهای اخلاقی عملی به قدری زیاد بود که تمام روزنامه‌ها، تمام مجلات در این باب کار می‌کردند و همین طور رادیو، تلویزیون، همه اینها مجهز بودند برای اینکه جوان‌های ما را از بین ببرند و نیروی جوانی را از آنها سلب کنند.

و یک باب واسع دیگر قضیه مخدرات مثل هروئین و خمر و تریاک و سایر اینها که باز اینهم یک باب واسعی بود که کشانده بودند جوان‌های ما را به مراکز که مورد این معانی بود، برای اینکه این جوان‌ها هر چه به سرشان بیاید سؤال نکنند که برای چه. (چرا) را از جوان‌های ما بگیرند، جوان در فکر این نباشد که نفت او را کی می‌برد و چرا می‌برد، ذخائر او را می‌برد و چرا می‌برد، اختناق هست در مملکت و چرا اختناق هست، آزادی مسلوب است و چرا مسلوب است. اینها نقشه‌هائی بوده است که برای ما کشیده بودند و برای شماها هم، برای همه مملکت‌های شما هم، این نقشه‌ها یکنواخت در همه جا بوده است.

این تحول و وحدت کلمه‌ای که در ایران پیدا شد باید الگویی باشد برای همه ملت‌ها

بنابراین کوشش کنید و کوشش کنند کسانی که علاقه به کشورشان، کسانی که علاقه دارند به ملتشان، کسانی که علاقه دارند به اسلام، کوشش کنند که این مسائلی که به صورت مصائب در این مملکت‌های ما پیاده شده است بزدايند، مغزهای منحرف را برگردانند به حال سابق، تربیت کنند جوان‌ها را. دانشگاه‌ها اگر علاقه دارند به اسلام، اگر علاقه دارند به کشورشان، اگر علاقه دارند به ملتشان، جوان‌ها را تربیت صحیح بکنند، از این غریزدگی نجاتشان بدهند و همه جاها و همه کس باید دنبال این مطلب باشند و حکومت‌ها که مع الاسف کمترشان هست که در فکر این مسائل باشند باید اگر

چنانچه علاقه به اسلام دارند ، علاقه به کشور دارند ، علاقه به ملت دارند کیفیت اعمالشان را تجدیدنظر بکنند ، اینطور که تاکنون عمل شده است ، دست بردارند .

کشورهای شرقی ، کشورهای اسلامی ، یک کشورهای وسیع غنی ای هست ، دیگران محتاج به شما هستند ، ابرقدرت ها محتاج به شما هستند ، سلاحی که در دست شما هست اگر یک روز از آنها قطع کنید ، آنها مطیع شما می شوند . مع الاسف بعضی حکومت های ما ، هم ذخائر ما را دادند و هم اطاعت از آنها کردند . باید یک تحولی پیش بیاید ، یک تحولی که مردم مثل مردم صدر اسلام بشوند . ما یک نیم تحولی در مملکتمان پیش آمد که مردم شبیه شدند تا یک حدودی به آن مردم صدر اسلام و همه پیروزی ما دنبال این معنا و این تحول پیش آمد که مردم همانطوری که در صدر اسلام جوان های مسلمین آرزوی شهادت می کردند ، در ایران هم این آرزو پیدا شد و شاید هر روز جوان هائی به ما مراجعه می کنند و می گویند دعا بکنید که ما شهید بشویم . این تحولی که پیدا شد در ایران و این وحدت کلمه ای که در ایران پیدا شد و این توجه به اسلام که در ایران پیدا شد باید یک الگویی باشد از برای همه ملت ها .

اگر چنانچه این تحول پیدا بشود و همه رو به اسلام بیاورند و همه رو به یک نقطه باشند و آن نقطه (اسلام) با این جمعیت زیادی که دارند ، با این تجهیزاتی که دارند ، با این سلاح هائی که دارند مثل نفت و غیر نفت اینها آقائی باید بکنند در دنیا و مع الاسف نمی گذارند اینها را اینطور بشوند . تحول لازم است ، باید همه کوشش کنند ، همه کوشش کنید که این تحول را به دست بیاورید و ملت خودتان را برگردانید به یک ملتی که هوشیار باشد . توجه داشته باشد که دیگر وقت اینکه همه باز دنبال یک ممالک دیگری باشند و پیرو یک قدرت های بزرگ باشند ، آنوقت گذشته است . حالا ملت ها دیگر کم کم بیدار می شوند ، ملت ما بیدار شده است منتها الان اشخاصی که باز بسته به همان ها هستند در سر راه ایستاده اند و می خواهند نگذارند که ما به نهضت خودمان ادامه بدهیم و این خیال خامی است که آنها می کنند و نهضت ما پیروز است و نهضت ما جلو خواهد رفت و امیدوارم که خداوند همه مسلمین را بیدار کند و همه مسلمین با هم متحد بشوند ، برادر باشند ، اختلافات را دست بردارند ، حکومت ها اختلافات را دست بردارند ، ملت ها با هم باشند و خداوند انشاءالله این مشکلات را رفع کند تا مسلمین ید واحده باشند و خداوند با جماعت است .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان بیمارستان سهامیه و مردم با روح اسلامی در این مملکت پیش رفتند

مردم با روح اسلامی در این مملکت پیش رفتند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از خواهران و برادرانی که در این اطاق کوچک جمع شدند و با روح های بزرگ بحمدالله مجتهد تشکر می کنم و من امیدوارم که کشور ایران مایه افتخار اسلام باشد و امیدوارم که خواهرها و برادرهای ما امروز که زیر پرچم اسلام هستند، به وظایف اسلامی آنطور عمل کنند که مایه افتخار همه ما باشند. شما خواهرها امیدوارم که در محلی که هستید با حسن نیت برای اسلام، برای سربلندی عمل کنید و همانطوری که مشغول کار ارجمندی هستید، مشغول تهذیب نفس خودتان هم باشید که از شما به کسانی که آنجا مراجعه به شما می کنند سرایت کند، خلق خوب، نفسانیت خوب، اعمال خوب. ما امروز احتیاج داریم به اینکه همه مان یک راه انسانی را پیش بگیریم که کشورمان این ادعائی را که دارد جمهوری اسلامی است، شاهد هم بر این ادعا داشته باشد. البته حالا جمهوری اسلامی است رژیم ایران به حسب رأی ملت، لکن محتوای آن هم از هر جهت اسلامی باشد، به طوری که هر جا قدم بگذارید مثل اینکه قدم در یک عبادتگاه گذاشتید. بیمارستان ها همچو باشد که در خدمت خدا باشد و ارتش همچو باشد که در خدمت خدا باشد. من امیدوارم که همانطور که گفتید پرچم جمهوری اسلامی را در مملکت های دیگر هم به اهتزاز در آورید، امیدوارم که همه مستضعفین زیر پرچم اسلام به مستکبرین غلبه کنند و زمین را که خداوند ارث آنها قرار داده است از دست چپاولگرها بگیرند و آنطوری که شایسته است و دستور اسلام هست به آن عمل کنند. و امیدوارم که پهلوان های عزیز ما همه جا سربلند باشند و همه جا با یک روح انسانی، یک روح اسلامی، یک نفس مهذب عمل کنند که هر جا بروند علاوه بر اینکه در پهلوانی مقدم بر دیگران باشند در اخلاق و در آداب و در انسانیت مقدم بر همه باشند. و من امیدوارم که با دست همه خواهرها و برادرها اسلام در ایران تحقق پیدا بکند، احکام اسلام در همه جا پیاده بشود، اخلاق اسلامی در همه محقق بشود، یک کشور نمونه ای به دنیا عرضه بشود که کشور وقتی رژیم اسلامی شد اینطور است وضعش. و الان می دانید که قشرهای مختلفی درصدد هستند که نگذارند این جمهوری اسلامی به ثمر برسد.

الان که ملت می خواهند رئیس جمهور برای خودشان تعیین کنند، الان می بینید که چه بساطی در همه جا درست کردند. در آذربایجان، در قم، در تهران، در مراکزی که مراکز حساس است و مراکز

اسلامی است که باید اسلام از اینجاها به جاهای دیگر برسد ، این قشرهای نادان که بسیاری از آنها از روی نادانی است ، در تحت تأثیر یک اشخاصی که الهام از خارج می گیرند ، الهام از دشمن های کشور می گیرند ، اینها به کارهائی دست می زنند تا ایران را در خارج بدنام کنند و اسباب این بشوند که گفته بشود که یک مملکتی است که نمی تواند خودش را اداره کند . در صورتی که همه می دانید و همه می دانند که هیچ انقلابی از این انقلابی که در ایران واقع شد بهتر نبود و از همه انقلاب های دنیا آرامتر و پرمحتواتر است و این است که اسلامی است و مردم با روح اسلامی در این مملکت پیش رفتند و قشر آن اشخاصی که برخلاف مسیر ملت بودند و اشخاصی که چپاولگر بودند ، اشخاصی که خائن بودند آنها را کنار گذاشتند و بیرون کردند و مجازات کردند و بحمدالله مملکت دست خود ملت است ، دست دیگران از آن کوتاه است و من امیدوارم که با وحدتی که حفظ بشود در همه قشرها ، باز هم قدم های دیگری را به پیش ببرید و انشاءالله مملکت مال خودتان باشد و خودتان اداره کنید .

بهترین وظیفه از برای همه مردم این است که هر کس مشغول هر کاری هست آن را با صفای نیت ، با حسن نیت برای خدا خوب انجام بدهد . اگر همه ملت یک همچو روحیه ای پیدا بکنند زود کشور ما نجات پیدا می کند . و خداوند انشاءالله همه شما را حفظ کند و موفق باشید و از همه شما هم تشکر می کنم دعاگوی همه هستم ، خدمتگذار همه هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اهالی مشهد و شهرستانهای دیگر

وظیفه مردم است که توطئه اخلاگران را خنثی کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما آقایان که از راه دور و از مرکز ولایت و از محل قدس ملکوتی آمدید تشکر می کنم . چه سعادتى دارید که چشم های شما به آن بارگاه عظیم ملکوتی باز می شوند و در آن حرم شریف مرکز علم و مرکز ملائکه الله می روید و ما حسرت آن را داریم . من حسرت یک چنین توفیقی را دارم که خدای تبارک و تعالی موفق کند ما را که به پایبوس آن بارگاه معظم بیائیم ، لکن چه کنم ، چه باید کرد که دست های اجیر و اقدامات ناشایسته اشخاصی که از خارج هدایت می شوند مانع از آن است که کشور ما یک آرامشی داشته باشد و من بتوانم از این محل خارج بشوم و به زیارت آن بارگاه ، موفق . دعا کنید در آن مرکز سعادت ، در آن معبد ملائکه الله که خداوند این مملکت را آرام کند و توفیق بدهد که اهالی این مملکت بتوانند به آن تکالیفی که خدای تبارک و تعالی برای آنها معین فرموده است عمل کنند .

برادران من ! ما در یک موضع حساسی واقسیم . عزیزان من ! چشم ها را باز کنید و توجه تان به اوضاع کشورتان باشد و این توطئه های اجنبی را در این کشور خنثی کنید . غفلت نکنید که مصالح کشور در کار است . اسلام امانتی است پیش شما ، امروز به دست شما امانت گذاشته شده است و اگر غفلت کنید از وظیفه الهی انسانی خودتان ، غفلت کنید از آن وظائفی که باید داشته باشید ممکن است خدای نخواستہ پشیمانی هائی پیش بیاید که جبران نداشته باشد . این اشخاص فاسد در اطراف کشورتان مشغول به توطئه هستند و وظیفه خود مردم است که توطئه آنها را خنثی کنند . البته آن اراده صمیمانه ای که ملت ما دارد و با عزم جزمی که جوان های ما دارند ، توطئه ها همه خنثی و همه توطئه گرها دفن خواهند شد ، لکن ممکن است که توطئه ها اسباب تأخیر بشوند و باید هوشیارانه از آن جلوگیری کرد .

شما آقایان که از مشهد ، از بروجرد و از شمال ، سلماس ، جاهای دیگر تشریف آورده اید ، همه تان وقتی که به محل خودتان رفتید ، رفقای خودتان را ، دوستان خودتان را آشنا کنید به وظائف خودشان و آن وظیفه حتمیه شرعیه که از اختلافات احتراز کنند و همه در صف واحد برای اسلام و برای جمهوری اسلامی و برای تعیین رئیس جمهور و برای تعیین وکلای شورا ، همه با هم اتحاد کنند و نگذارند اخلاگران در این امور اخلاص کنند . خداوند همه شما را توفیق و سعادت عنایت فرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اخطار شدید امام خمینی به شوروی

بسم الله الرحمن الرحيم

چند روز قبل ورقه ای در تبریز منتشر شده بود که در آن آمده بود خمینی تقاضای کمک نظامی از شوروی نموده . من تصور کردم این یک دروغ فاحشی است که یک نفر غرضمند نوشته و منتشر نموده و قابل توجه نیست لکن امشب در رادیو تلویزیون به وسیله خبرگزاری پارس از خبرگزاری فرانسه چنین آمده بود (کاردار شوروی در مکزیک اعلام کرد اتحاد شوروی آماده است به ایران کمک کند تا این کشور بتواند در برابر تحمیل آمریکا علیه خود مقاومت کند . وی گفت کمک نظامی نیز از کمک های شوروی به ایران خواهد بود . کاردار شوروی در مکزیک تصریح کرد این کمک ها در صورتی در اختیار ایران قرار خواهد گرفت که دولت ایران و خمینی خواستار آن شوند) و بعد بعضی مطالب نامربوط گفته بود . شورای انقلاب جمهوری اسلامی و وزارت خارجه موظف هستند که به سفارت شوروی ابلاغ کنند که کاردار شوروی در مکزیک را تقییح نمایند و از تکرار این نوع مطالب توهین آمیز جلوگیری کنند . اینجانب و دولت ایران اجازه نمی دهیم که دولت شوروی و دولت های دیگر دست به این مطالب بی اساس که توهین به مقدسات ما و به ملت شریف ایران است بزنند . باید آمریکای جنایتکار و شوروی بدانند که ما با تمام قدرت در مقابل تجاوز هر دولتی به کشور ما ایستاده و از میهن عزیز و اسلام بزرگ تا سر حد جان دفاع می کنیم تکرار این مطالب موجب می شود که ملت غیور ما دست به کاری بزنند که موجب تأسف شود و ممکن است در روابط دولتین تجدید نظر شود .

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 24/10/58

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام خامنه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب سید الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه ای دامت افاضاته

چون حضور جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای منتظری دامت افاضاته در حوزه مقدسه قم لازم بود و ایشان انصراف خودشان را از امامت جمعه تهران اعلام نمودند ، جنابعالی که بحمدالله به حسن سابقه موصوف و در علم و عمل شایسته هستید به امامت جمعه تهران منصوب می باشید . از خداوند متعال توفیق جنابعالی را در ارشاد و هدایت مردم خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 245

تاریخ : 26/10/58

پاسخ امام خمینی به سؤال درباره تبلیغات ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

به اطلاع هموطنان عزیز برسانید که عکس اینجانب دلیل بر تایید کسی نبوده چنانچه دلیل بر عدم تایید هم نمی باشد .

ص: 246

تاریخ : 1/11/58

نظر امام خمینی در مورد ترمیم اصل 12 قانون اساسی

بسمه تعالی

ترمیم این اصل و بعضی اصول دیگر که در متمم قانون اساسی نوشته می شود و تصویب آن در صلاحیت ملت است و به رفتارندم گذاشته می شود، از نظر اینجانب بلامانع است .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 247

بیانات امام خمینی به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری در بیمارستان قلب تهران

خوشحالی من روزی است که به زاغه نشینان عنایت بشود

بسم الله الرحمن الرحيم

من دو کلمه می خواهم صحبت کنم: یکی راجع به حال خودم که الحمدلله بد نیست و شاید تشریفات زیاد برای من مهیا کردند آقایان اطبا و وزیر بهداشتی، تشریفات که ما عادت به آن نداریم و ما طلبه ها عادی نیستیم به آن، ولی وقتی خوشحال می شوم که بفهمم آقایان در صدد این هستند که به این زاغه نشینان شهرها، به این چادر نشین های شهرها که در زمان طاغوت به آنها هیچ عنایتی نشده بود، در این زمان عنایت بشود. بهداشتی که اول مرتبه احتیاجی است که مردم به آن دارند طوری باشد که برای همه باشد، برای یکی تشریفات و برای یکی هیچ، نباشد. و من امیدوارم که آقایان اطبا هر جا که هستند و دولت و وزیر بهداشتی و خود ملت عنایت به این مطلب داشته باشند که این زاغه نشین ها و این فقرا، اینهایی که عیال خدا هستند اینطور ابتلائات را نداشته باشند.

همه ملت استثنأ به پای صندوق های رأی بروند

این یک کلمه، کلمه دیگر فردا روز جمعه است و روز مبارک در ماه مبارک تولد با سعادت رسول اکرم در آن اتفاق افتاد و باز مبارک است از باب اینکه ملت ما به یک آرزوی دیگری که داشتند رسیدند و آن تعیین رئیس جمهور. در این زمینه من چند مطلب دارم که اگر آن مطالب تحقق پیدا بکنند، من خوشحال می شوم و بیماری من هم اینقدر مهم نیست.

یکی اینکه فردا همه ملت بی استثنأ به پای صندوق ها بروند، بی عنایتی نکنند به یک مطلبی که کشور آنها به آن احتیاج دارد، سرنوشت ملت و اسلام به آن بسته، همچو نباشد که اگر یک کسی مثلا میل داشت رئیس جمهور شود و حالا احتمال می دهد که نشود، کنار برود یا اشخاصی که با او رفیق هستند کنار بروند و رأی ندهند بهتر این است که آنهایی که می دانند که نمی شوند، آنها متصل بشوند به بعضی آنهایی که می دانند می برند، تا اینکه انشاءالله یک رأی کافی تحقق پیدا کند و ما سرشکسته نشویم به اینکه ملت اعتنائی به این مسائل ندارد، اعتنائی به سرنوشت خودش و سرنوشت اسلام ندارد. همه با هم به پای صندوق بروید. مطلب دیگر اینکه پای صندوق ها که می روید اینطور نباشد که با هم اختلاف پیدا کنید. یک مسأله این است که برای کشور است، هر یک از اینها می برند، برای کشور

خدمت خواهند کرد و اگر خدمت نکنند ملت هست و آنها را بر کنار خواهد کرد . از این جهت به طور خصمانه با هم رفتار نکنید ، برادر باشید با هم . اگر یکی رئیس جمهور شد ، شما هم به او اعانت کنید ، اینطور نباشد که قبل از اینکه رئیس جمهور بشود بریزید به جان هم ، فردا پای این صندوق ها بریزید به جان هم ، یا بعضی از قشرها شرکت نکنند . من از همه قشرهای ملت ، چه فارس ، چه ترک ، و چه کرد و چه بلوچ و چه ترکمن و چه بختیاری و چه سایر قشرها و طوایفی که هستند در ایران ، از اینها تقاضا می کنم ، عاجزانه تقاضا می کنم که طوری نکنند که در خارج منعکس بشود که شما یک مردمی هستید که تربیت اسلامی ندارید ، شما یک مردمی هستید که با هم سر دنیا نزاع می کنید ریاست جمهوری چیزی نیست که شما به آن اهمیت بدهید . اگر ریاست جمهور خوب باشد ، آن است که خدمت به ملت می کند و اگر بد باشد ، آن است که راه جهنم را باید بیمایید . خیلی درصدد این نباشید که برای خاطر اینکه یکی بیشتر می خواهد رأی ببرد و یکی کمتر می خواهد رأی ببرد به هم بریزید و جنگ و نزاع باشد و اسباب ناراحتی همه را فراهم کنید و من که در اینجا هستم ، در بیمارستان هستم از این جهت ناراحت و ناراضی باشم . یکی دیگر اینکه بعد از اینکه رئیس جمهور به مبارکی انشاءالله تعیین شود (و هر کس که باشد) دیگران قهر نکنند و عقب بنشینند . کشور ، کشور خود شماست . رئیس جمهور باشید ، کشور است . پاسبان باشید ، کشور است طلبه مثل من باشید ، کشور خود شماست . بعد از اینکه رئیس جمهور تعیین شد همه اعانت کنید از او ، همه وارد بشوید در کار و اعانت کنید از او و کنار نشینید ، قهر نکنید و رشد خودتان را به دنیا نشان بدهید که شما رشید هستید و شما می توانید که یک مملکتی را با هم اداره بکنید . وقتی که بنا باشد یکی رئیس جمهور شد ، دیگری هم یک کار دیگر و دیگری هم یک کار دیگر و کارها را به سلامتی انجام دهید . و من معجز نیستم که بیش از این با شما صحبت کنم . انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پاسخ امام خمینی به تلگرام آیت الله شیرازی

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای شیرازی دامت برکاته

تلگرام محترم واصل ، از ابراز محبت جنابعالی تشکر می نمایم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 250

پیام امام خمینی به ملت ایران پس از انتخابات اولین ریاست جمهوری

بسم الله الرحمن الرحيم

من قبلاً از عواطف گرم ملت ایران تشکر می‌کنم و به همه دعا می‌کنم و در اینجا در این فرصت کمی که هست به اندازه ای که اجازه دارم چند کلمه با شما صحبت می‌کنم . یکی قدردانی از حضورتان در رأی ، که باید بگویم کم سابقه است یک همچون شرکتی که قریب از چهارده میلیون بیشتر در صورتی که کوهستانی ها و دهات دور دست نتوانستند رأی بدهند معذلتک ملت شرکت کرد و رأی خودش را داد . و یکی هم از این بالاتر که باید بگویم که بی سابقه است در دنیا و شاید که در دنیا سابقه نداشت این آرامشی که در اخذ آرا شد که مردم و ملت ما ثابت کردند رشد خودشان را و با این اثبات رشد ، دست رد به سینه اشخاصی که ، دولت هایی که باز طمع به ایران دارند زدند . و من امیدوارم که ملت خودش زنده باشد و ابداً خوفی نداشته و بعد از این هم ملت خودش زنده است و چنین خوفی نداشته باشد که شخصی بیاید و شخصی برود . الحمدلله ملت بیدار شده است و ملت ما را نمی‌شود هیچ عقب انداخت البته در بعضی از رادیوها مسائلی گفته اند لکن این دلشادی ها برای آنها اثر ندارد . ملت ما امروز اتکاً به هیچ کس ندارد جز خداوند تبارک و تعالی . و اما یک کلمه ای دیگری که باید عرض کنم ، من استدعا می‌کنم از تمام گروه ها و از تمام دستجات مختلف که در این وقتی که یک نفر از این آقایان رأی را برده و ملت به او رأی داده است ، دیگران عقب نشینی نکنند و کمک کنند . مملکت مال خود شماست ، خود شما باید کمک کنید و اعانت کنید . ملت همه با هم ، روشنفکرها ، اطباء بزرگان و همه باید با هم دست برادری بدهید و همه برادر هستید و خداوند همه شما را توفیق بدهد و من دعاگوی همه شما هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 11/11/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام یاسر عرفات

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین

پیام محبت آمیز جنابعالی را در بیمارستان دریافت داشتم از ابراز تأثری که نسبت به عارضه بیماری اینجانب نموده اید متشکرم و امید است به فضل الهی مختصر کسالت مرتفع گشته و با نیروی بیشتر بتوانیم وظایف سنگین را که بر عهده داریم انجام داده و مشکلاتی را که دشمنان اسلام و اسرائیل اشغالگر و عوامل صهیونیسم در سر راه ما ایجاد کرده اند ، یکی پس از دیگری از سر راه مسلمانان جهان و بخصوص برادران فلسطینی برداریم و شاهد پیروزی های بزرگتری برای آنان باشیم . موفقیت همگانی را در این راه از خدای تعالی خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 252

بیانات امام خمینی در جمع بانوان شهرستان قم

شما بانوان شجاع دوشادوش مردان پیروزی را برای اسلام بیمه کردید

بسم الله الرحمن الرحيم

درد بی پایان بر بانوان ایران . سلام بر شما بانوان محترم . رحمت خدا بر شما شیردلانی که به همت والای شما اسلام از قید اسارت بیگانه بیرون آمد . سلام خدای تبارک و تعالی بر ملت ایران ، بانوان آنها و مردان آنها . شما بانوان شجاع دوشادوش مردان ، پیروزی را برای اسلام بیمه کردید . من از تمام زن های ایران ، تمام بانوان ایران و از بانوان قم تشکر می کنم . خداوند از شما راضی باشد ، امام عصر از شما دلخوش باشد . شما با بچه های کوچک خودتان در خیابان ها آمدید و از اسلام پشتیبانی کردید . من اخبار قم و سایر بلاد را می شنیدم ، من اخبار چهار مردان را می شنیدم . من در خودم غرور احساس می کنم برای این شجاعت ها . بانوان ایران و بانوان قم و سایر بلاد ، در این پیروزی پیشقدم هستند ، آنها مردان را تشجیع کردند مردان ما مرهون شجاعت های شما زن های شیردل هستند من مرهون هم مرد و هم بانوان محترمت هستم .

قرآن کریم انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز

اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد ، اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب ، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند ، اسلام آنها را سربلند و سرافراز کرد ، اسلام آنها را با مردان مساوی کرد . عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد . مردان بر ملت ها حق دارند و زن ها حق بیشتر دارند ، زن ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می کنند . قرآن کریم انسان ساز است و زن ها نیز انسان ساز ، وظیفه زن ها انسان سازی است . اگر زن های انسان ساز از ملت ها گرفته بشود ، ملت ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد ، شکست خواهند خورد ، منحط خواهند شد . زن ها هستند که ملت ها را تقویت می کنند ، شجاع می کنند . بانوان از صدر اسلام ، در صدر اسلام بلند پایه هستند . ما می بینیم و دیدیم که زن ها ، بانوان محترمت همدوش مردان بلکه جلوی مردان در صف قتال ایستادند و بچه های خودشان را از دست دادند ، جوانان خودشان را از دست دادند و شجاعانه مقاومت کردند . ما می خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باشد ، نه ملعبه باشد ، نه ملعبه

در دست مردها باشد، در دست اراذل باشد. زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد زن ها در جمهوری اسلام رأی باید بدهند. همانطوری که مردان حق رأی دارند، زن ها حق دارند. زن ها را در این دوره های اخیر منحط کردند. از خیانت های بزرگی که به ملت ما شد این بود که نیروی انسانی ما را از دست گرفتند، نیروی جوانان ما را به عقب راندند، نیروی بانوان ما را به عقب راندند، بانوان ما را منحط کردند، خیانت کردند بر ملت ما، بانوان ما را ملعبه کردند، بانوان ما را مثل عروسک ها کردند. بانوان ما جنگجو بودند، اینها خواستند ننگجو باشند و خدا نخواست. اینها اهانت به مقام زن کردند، اینها می خواستند زن را مثل شیء، مثل یک چیز، مثل یک متاع به این دست و آن دست بگذرانند. اسلام زن را مثل مرد در همه شؤون، در همه شؤون، همانطوری که مرد در همه شؤون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد، همانطوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند. زن ها نباید ملعبه دست جوان های هرزه بشوند، زن ها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انظار مردم فاسد قرار بگیرند. زن ها باید انسان باشند، زن ها باید تقوا داشته باشند، زن ها مقام کرامت دارند، زن ها اختیار دارند، همانطوری که مردها اختیار دارند. خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همانطوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زن ها هم دارد. همه برای صلاح شماسست، همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آنها که زن ها را می خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوان های فاسد قرار بدهند. خیانتکارند. زن ها نباید گول بخورند، زن ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده بیرون برود، با سر باز و لخت. این مقام زن نیست، این عروسک بازی است، نه زن. زن باید شجاع باشد، زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم ساز است، زن مربی انسان است.

مرد و زن باید با هم این مملکت خرابه را بسازند

خداوند شما زن های ایران را و شما زن های قم را از خطرات انسان های فاسد، انسان هایی که حیوانند به حسب واقع، حفظ کند. شما همانطوری که تا کنون در نهضت ها دخالت داشتید و سهمیم بودید در این نهضت و سهمیم بودید و در این پیروزی، حالا هم باز باید سهمیم باشید و هر وقت اقتضا بکند، نهضت کنید، قیام کنید. مملکت از خود شماسست انشاءالله، دست اجانب کوتاه شد از مملکت، دست رشوه خواران و چپاولگران کوتاه شد، رفتند، مملکت از خود شماسست، شما باید بسازید مملکت را همه ملت ایران، همه ملت ایران، چه بانوان و چه مردان باید این خرابه ای که برای ما گذاشته اند، بسازند. با دست مرد تنها درست نمی شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند. زن هائی که می خواهند ازدواج کنند، از همان اول می توانند اختیاراتی برای خودشان قرار بدهند که نه مخالف شرع باشد و نه مخالف حیثیت خودشان، می توانند از اول شرط کنند که اگر چنانچه مرد فساد اخلاق داشت، اگر بد زندگی کرد با زن، اگر بد خلقی کرد با زن، وکیل باشند در طلاق. اسلام برای آنها حق

قرار داده است، اسلام اگر محدودیتی برای مردان و زنان قائل شده است همه به صلاح خودتان بوده است. تمام قوانین اسلام، چه آنهایی که توسعه می دهد، چه آنهایی که تحدید می کند، همه بر صلاح خود شماست، برای خود شماست. همانطوری که حق طلاق را با مرد قرار داده است حق این را قرار داده است که شما در وقت ازدواج شرط کنید با او که اگر چه کردی یا چه کردی، من وکیل باشم در طلاق. و اگر این شرط را کرد دیگر نمی تواند او را معذور کند، اگر این در ضمن شرط با در ضمن عقد واقع شد نمی تواند او را دیگر محدود کند، نمی تواند اخلاق بد انجام بدهد و اگر مردی با زن خودش بد رفتاری کرد، در حکومت اسلام او را منع می کنند، اگر قبول کرد تعزیر می کنند، حد می زنند و اگر قبول نکرد مجتهد طلاق می دهد. خداوند همه شما را با عزت، سلامت سلامت سعادت، با ایمان کامل، با تربیت صحیح، با فرهنگ صحیح، خداوند همه شما را با سعادت ها، با همه چیزها قرین کند. سلام بر شما زن ها، بانوان عزیز محترم.

تاریخ : 14/11/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام مدرسین حوزه علمیه قم

خدمت حضرات حجج اسلام آقایان مدرسین حوزه علمیه قم دامت افاضاتهم

تلگرام آقایان محترم واصل گردید . امیدوارم برای حفظ وحدت و یکپارچگی مردم مبارز چون گذشته کوشا باشید . خداوند حوزه های علمیه را در پناه خود حفظ فرماید . از لطف آقایان متشکرم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 256

بیانات امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری بنی صدر

بسم الله الرحمن الرحيم

من یک کلمه به آقای بنی صدر تذکر می دهم ، این کلمه تذکر برای همه است (حب الدنيا رأس كل خطیة) هر مقامی که برای بشر حاصل می شود ، چه مقام های معنوی و چه مقام های مادی روزی گرفته خواهد شد و آن روز هم نامعلوم است . توجه داشته باشند همه کسانی که برای بشر خدمت می کنند ، کسانی که دارای مقامی هستند و دارای پستی هستند ، که مقام آنها را مغرور نکند . مقام رفتنی است و انسان در وجود خدای تبارک و تعالی ماندنی است . من از آقای بنی صدر می خواهم که مابین قبل از ریاست جمهور و بعد از ریاست جمهور در اخلاق روحی شان تفاوتی نباشد ، تفاوت بودن دلیل بر ضعف نفس است و من از همه کسانی که در مقامی هستند ، چه مقام های کشوری و چه مقام های لشگری می خواهم که به مقامات خودشان مغرور نباشند و در راه اعتلای اسلام و اعتلای ملت مسلمان و اعتلای کشور ایران کوشا باشند . و اینطور نباشد که به واسطه تقدم و تأخر یک نفر یا چند نفر موقتا ، اسباب این بشود که کناره گیری کنند و یا خدای نخواستہ مخالفت و کارشکنی . از خداوند تعالی مسألت می کنم همه ما را به خدا و به راه راست هدایت کند و از گرایش به شرف و غرب حفظ کند . و از خوف از ابرقدرت ها حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به مناسبت ولادت و هجرت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

بسم الله الرحمن الرحيم

ولادت سراسر با سعادت و هجرت با برکت حضرت خاتم النبیین و افضل المرسلین را که مبدأ نهضت اسلام و الهی و مصدر بسط عدالت و فرهنگ انسان سازی و منشأ حرکت به سوی بر چیدن اساس ظلم و نابکاری و ارتقا به مقام والای انسانی و هجرت از تمام ظلم ها و خصلت های شیطانی و حیوانی به سوی نور مطلق و سرچشمه کمال و مؤسس امت و امامت است به جمیع مستضعفین و محرومین و تمام ملت های جهان خصوصاً عموم مسلمین تبریک عرض می کنم . باید مسلمین در آستانه قرن پانزدهم هجری بپاخیزند و در زیر پرچم الهی اسلامی از حقوق حقه خود دفاع کنند و دست ستمکاران ، خصوصاً ابرقدرت های شرق و غرب را قطع کنند و دیکتاتوری های مدعی دموکراسی و کمونیستی را به جای خودشان نشانند .

انقلاب اصیل و عظیم الهی و اسلامی و ایرانی ما که اکنون سالروز آن است ، جلوه ای از نهضت پر عظمت حضرت محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است که ولادت سعادت مند و هجرت حرکت بخشش در عصری واقع شد که ظلمات جهالت سراسر جهان را فرا گرفته بود و قدرتمندان چون حیوان های آدمخوار ، روزگار مستضعفین را تباه نموده بودند . و نهضت اسلامی مردم ایران در عصری که نمونه همان عصر جاهلیت است و در محیطی که سرنیزه جانشین عدالت و حبس و شکنجه و اختناق به جای آزادی و فقر و فلاکت جانشین رفاه و آسایش گردیده بود ، پا گرفت و ملت ما قیام کرد ، چرا که چنگال سباع به صورت آدم ، تا مرفق به خون جوانان عزیز ما فرو رفته و نفس ها در سینه ها قطع شده بود و می رفت تا آثار اسلام و انسانیت محو و کنگره عدالت فرو ریزد . اختناق و وحشت چنان حکمفرما بود که مردان در مقابل همسرانشان و برادران در مقابل خواهران خود جرات شکایت نداشتند قلم ها و رسانه های گروهی جز در خدمت ظالم نبودند . در این هنگام دست قدرت الهی از آستین عدالت بیرون آمد و در پرتو (الله اکبر) متبلور شد و ملت ایران را از ضعف به قدرت و از جبر به شجاعت و از رخوت به حرکت متحول نمود و سیل خروشان انسان های الهی که شهادت را سعادت و ایثار خون را بزرگترین عبادت می دانستند ، دیوار دیومنشان و تخت و تاج 2500 سال ستمگری و آدمخواری و تن پروری را چنان درهم کوفتند که نه از تاک نشان ماند و نه از تاکنشان .

اکنون مسلمین در آستانه قرن پانزدهم هجری و ایران در آستانه سالگرد انقلاب و هجرت ، این

ولادت سعید و هجرت بزرگ و انقلاب اسلامی را جشن می گیریم و مبارک باد می گوئیم . ولی جشن بزرگتر در وقتی است که مستضعفین بر مستکبرین غلبه کنند و آنان را تا ابد منزوی نمایند و مسلمین با وحدت کلمه زیر پرچم توحید ، دست بیدادگران را از کشور هایشان قطع کنند و ملت ایران که بحمدالله تعالی در عرض یک سال پس از انقلاب دارای جمهوری اسلامی و قانون اساسی و رئیس جمهوری شده است ، انشاءالله با رشد معنوی و آرامش مجلس شورای اسلامی را تأسیس خواهند نمود تا خرابی های عصر طاغوت ، خصوصا پنجاه سال اخیر را با همت والای خود جبران نمایند ، خرابی های معنوی و مادی که با برنامه های ابرقدرت ها خصوصا آمریکا انجام گرفت و ملت های مسلمان خصوصا ملت ایران را تا آستانه سقوط کشاند . گرچه جبران تمام خسارت ها امکان پذیر نیست ، زیرا جبران ضررهای خونبار جوانان غیوری که در دفاع از اسلام و کشور به شهادت رسیدند ، عزیزانی که در این مدت معلول و ناقص العضو شده اند چگونه میسر است . ای کاش ملت ما می توانست از متفکران جهان ، آنگاه که خیابان ها و کوچه ها از خون جوانان برومند ما رنگین شده بود و آسمان ایران به رنگ شفق سرخ در آمده بود ، دعوت کند . ای کاش مردم آزاده جهان آه و ناله مادران و خواهران داغ دیده ما را می شنیدند تا مستی از خروار جنایت های آمریکای جهانخوار و شاه مخلوع را مشاهده می کردند . ملت آزاده ایران هم اکنون از ملت های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی می نماید . ما از تمام نهضت های آزادیبخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می کنند ، پشتیبانی می کنیم . ملت های برادر عرب و برادران لبنان و فلسطین بدانند که هر چه بدبختی دارند از اسرائیل و آمریکا است ، هر چه گرفتاری دارند از اختلاف بین سران کشورهای اسلامی است . باید متحد شوند و با نیروی ایمان ، (اسرائیل) ریشه فساد منطقه را از بن برکنند .

ما بار دیگر پشتیبانی بی دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می داریم و اشغالگران را شدیداً محکوم می نمائیم . ما مسلمانیم و شرق و غرب بر ایمان مطرح نیست . ما از مظلوم دفاع می کنیم و بر ظالم می تازیم . این یک وظیفه اسلامی است .

هان ای ملت های جهان که همه مستضعفید! از جای برخیزید و حق خود را بستانید و از عربده های قدرتمندان نهراسید که خداوند با شماست و زمین ارث شماست . وعده خداوند متعال تخلف ناپذیر است . از خداوند تعالی غلبه محرومین را خواستار و وحدت کلمه اهل حق را امیدوارم . و اخیراً امیدوارم که آقایان محترمی که برای مشاهده نمونه ای از جنایات شاه مخلوع در بهشت زهرا بر بالین سرخ شهدای به خون خفته اسلام جمع شده اند و صحنه کوچکی از صحنه های بزرگ جنایات بی دریغ آمریکا و شاه را از نزدیک مشاهده کرده اند ، فریاد مظلومانه ملت ایران را به جهانیان برسانند و تبلیغاتی را که با خرج سخاوتمندانه آمریکا و صهیونیسم بر ضد ملت ما انجام می گیرد خنثی کنند ، باشد که در محضر انسانیت سرفراز شوند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

حکم تنفیذ ریاست جمهوری بنی صدر از سوی امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

بر اساس آنکه ملت شریف ایران با اکثریت قاطع جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی صدر را به ریاست جمهوری اسلامی کشور جمهوری اسلامی ایران برگزیده اند و بر حسب آنکه مشروعیت آن باید به نصب فقیه جامع الشرایط باشد اینجانب به موجب این حکم رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به این سمت منصوب نمودم لکن تنفیذ و نصب اینجانب و رأی ملت مسلمانان ایران محدود است به عدم تخلف ایشان از احکام مقدسه اسلام و تبعیت از قانون اساسی اسلامی ایران . از جناب ایشان می خواهم که مسؤولیت خطیری که به موجب اراده ملت و بر اساس قانون اساسی به عهده ایشان گذارده شده است همچون امانتی الهی از آن پاسداری نمایند و به پیمان خود در مقابل خداوند تعالی و خلق وفادار باشند و با اعتماد به فضل خداوند و اعتماد ملت همچون محوری استوار برای هماهنگی نهادهای مسؤول و حمایت از مبانی جمهوری اسلامی ، در حوزه اختیارات و مسؤولیت های خود قرار گیرند و در راه هدف ملت که آن ندارم بخشیدن به انقلاب اسلامی و استقرار نظام عدل اسلامی است با تمام توان بکوشند و خداوند متعال را ناظر و حاضر دانند به وظیفه سنگینی که به عهده گرفته اند قیام کنند و از قشرهای مختلف ایران خصوصا متفکران و دانشمندان و احزاب اسلامی و سیاسی و قوای انتظامی می خواهم که در این لحظات حساس که بر کشور می گذرد با حسن نیت از ایشان و دولت اسلامی پشتیبانی نمایند و از تفرقه و اختلاف و کارشکنی بپرهیزند و تا ایشان بر محور عدل اسلامی عمل می کنند و جانبدار مستمندان و مستضعفان هستند و از اعمال شبه طاغوت اجتناب می کنند از همکاری و معاونت دریغ نمایند از خداوند تعالی توفیق ایشان را در راه خدمت به بندگان خدا و به کشور اسلامی خواستارم .

والسلام علی عبادالله الصالحین

(17 شهر ربیع الاول 1400) عید پر برکت ولادت با سعادت ختمی مرتبت

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع میهمانان خارجی جشن هجرت

بسم الله الرحمن الرحيم

از برادران محترم که در این جلسه شرکت کردید متشکرم ولی وقتی شما وقتی وارد این کشور شدید که اکثر آثار جرم چندین ساله محو شده است. شما امروز فقط قبرهایی از شهدای ما و بعضی از معلولین را مشاهده کردید. شما حاضر نبودید که در حبس هائی که در این مملکت بود چه بر مسلمانان و مؤمنین و متعهدین گذشت. شما نمی دانید جوان های ما را در تاوه سرخ کردند. شما نمی دانید که دست های بعضی از جوان های ما را ااره کردند. شما در وقتی آمدید که بحمدالله مجرمین فرار کردند یا بعضی از آنها به جزای خودشان رسیدند.

آغاز قرن پانزدهم که به همه مبارک است باید مسلمین آغاز پیروزی خود بدانند و دیگر دنیا طوری نیست که ابرقدرت ها هر چه بخواهند بکنند. مستضعفین باید قیام کنند. مستضعفین همه بلاد، همه ممالک باید حق خودشان را با مشت محکم بگیرند، منتظر نباشند که آنها حق آنان را بدهند. مستکبرین نخواهند حق کسی را داد.

باید مسلمین همانطوری که قرآن شریف شما را برادر خوانده است، برادر باشید و در مصیبت و شادی هم شریک باشید. خداوند همه شما را تأیید کند و امید است که پرچم اسلام بر فراز همه ممالک افراشته شود مسلمین تحت پرچم لاله الا الله به مصالح خودشان برسند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به گردهمایی خانواده شهدای سراسر کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

رحمت سرشار خداوند متعال بر شهدای فضیلت، شهدائی که با نثار خون خود درخت با برکت اسلام را آبیاری نمودند. درود فراوان بر معلولین و مصدومین راه انقلاب اسلامی که ایران را در جهان سربلند نمودند.

ما هر روز که می گذرد به عمق جنایات شاه مخلوع و پشتیبانان ستمکار او بیشتر پی می بریم گرچه معلوم نیست تاریخ هم بتواند تمام این جنایات را ثبت کند. جنایات زورمندان، خارج از فطرت انسانی است. زورمندانی که زندگی ننگین خود و سلطه و ادامه جنایات خویش را در سرکوبی و مرگ دیگران می دانند و شهوت ریاست آنان را کور و کر کرده است. عموم مستضعفین باید به هم بپیوندند و ریشه فساد را از کشورهای خود قطع کنند. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی رسند.

هان ای مظلومان جهان! از هر قشری و از هر کشوری هستید به خود آئید و از هیاهو و عربده آمریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید و جهان را بر آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گرده کرده از آنان بگیرید. و هان ای مسلمین! از هر تیره و پیرو هر مذهب که هستید دشمن خانگی را کنار بگذارید و به فرمان قرآن کریم و خدای بزرگ گردن نهید: (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) خداوند تعالی عزت را برای خود و رسول عظیم الشان خود و مؤمنین قرار داده. به حکومت های جابرانه که هستی شما را تحت اختیار دشمنان اسلام قرار داده بشورید و ممالک خود را از دست این خائنین سیه روی نجات دهید که خداوند با شماست. من به تمام بازماندگان شهدا و در راه اسلام تهنیت و تسلیت عرض می کنم و آرزوی سعادت برای همه می نمایم و از خداوند متعال بهبودی معلولین و مصدومین را خواستار و سلامت و سعادت همگان را امیدوارم.

والسلام علی عباده الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

مقطع زمانی این فصل صحیفه نور، از 21 بهمن 58، نخستین سالگرد بشکوه انقلاب اسلامی است تا 15 خرداد 1359.

کشتی انقلاب یک سال تمام در آبهای فتنه، شرع کشیده و راه پیموده است...

ولی از این پس لجه های سهمگین و امواج توطئه در پیش روست، اما چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان.

شیطان بزرگ به بهانه «گروگان جاسوسان» خود از همه راه های ممکن در صدد توطئه های کوتاه مدت و بلند مدت است... کودتای نوژه را از همین ایام طرح می ریزد تا در فصل بعد بهره بردارد، گروهکهای وابسته به خود را بر می انگیزد که در سراسر کارخانه ها و مدارس و دیگر جایها به توطئه و فتنه برخیزند و سرانجام خود نیز مستقیماً آستین پلید خویش را بالا می زند و دست کثیف خونالودش را به پلشتی و تنگ تاریخی «حمله طبس» می آلاید...

اما... روح خدا فرموده است: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

و همان می شود که «او» فرموده است زیرا که آن گزیده سزیده کسی است که در مقام نیابت امام عصر ارواحنا فداء، از هر کس دیگر به سنت های الهی آگاه تر است و با روح سترگ خویش «روابط وضعی» عالم را در می یابد و خدای از پیش او را بدین خطاب و ذکر، اطمینان داده است که: «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمُرْصَادِ».

پیام امام خمینی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

سالروز پیروزی انقلاب عظیم ایران را به مستضعفین جهان و مسلمانان عموماً و ملت شریف و شجاع ایران تبریک عرض می‌کنم. در چنین روز فرخنده‌ای حق بر باطل و جنود رحمانی بر اولیای شیطان و حزب الله بر طاغوت و طاغوتیان غلبه نمود و حکومت عدل اسلامی مستقر گردید و دست انتقام حق از آستین ملت رزمنده ایران بیرون آمد و نصرت اعجاز‌آمیز اسلام بر کفر تحقق یافت. در چنین روز مسعودی همبستگی قشرهای ملت دلیر روزافزون و ارتش و سایر قوای انتظامی وفاداری خود را به اسلام و ایران نشان دادند و میهن خود را از شر طاغوت‌های زمان که در راس آنان دولت آمریکاست رهائی بخشیدند.

درود بر چنین ملت زنده و هوشیار و آفرین بر قوای انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. جاوید باد پرچم پرافتخار الله اکبر که رمز پیروزی معجزه‌آسای ملت بزرگ ایران است. پیروزی عظیمی که در ظرف یک سال فقط یک سال دفتر سیاه جباران را به هم پیچید و اساس جمهوری اسلامی را برقرار نمود. آنچه در انقلابات غیر اسلامی در سال‌های طولانی حاصل نشد در سایه اسلام برای ملت عزیز ما در ظرف یک سال تحقق یافت و آنچه در انقلاب‌ها با کشتار میلیونی و زندان میلیون‌ها به ثمر رسید در انقلاب ما با کمترین ضایعه و بزرگترین دستاورد حاصل شد. ما گرچه شهدای گرانمایه و جوانان برومندی را از دست دادیم و برادران و خواهران معلول و ناقص‌العضو به جای گذاشتیم، شهدائی که نور انقلابمان و خواهران و برادران معلولی که سرمایه انقلاب اسلامی ما هستند و از احترام خاصی در میان ملت قدرشناس ما برخوردارند ولی در عوض ملتی بزرگ را نجات دادیم و چنگال گرگان آدم‌خوار، وحشیان به صورت آدمی را از شریان حیات امتی عظیم‌الشان قطع کردیم و با خواست خداوند و اراده مصمم ملت عزیز تا ابد صحنه میهن اسلامی خود را از لوٹ وجود جنایتکاران بی‌فرهنگ و خیانتکاران غارتگر پاک و در تحت لوای پربرکت الله اکبر برای هم میهنان خود آزادی و استقلال را تأمین نمودیم.

من بارها گفته‌ام و هم اکنون اعلام می‌کنم که ایران باید تا قطع تمام وابستگی‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود از آمریکا به مبارزات قاطع خود علیه این جهان‌خوار بیرحم ادامه دهد و بعد در صورتی که ملت بیدار و شریف ما اجازه دهد، ارتباط بسیار عادی خود را در حد سایر

کشورها با آمریکا برقرار می کنند. من بارها گفته ام و در این روز بزرگ می گویم تا قطع تمام وابستگی ها به تمام ابرقدرت های شرق و غرب، مبارزات آشتی ناپذیرانه ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد. همه می دانیم که جهان اسلام در انتظار به ثمر رسیدن کامل انقلاب ماست، ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می نمایم و به آنان صریحاً می گویم که حق گرفتاری است، قیام کنید و ابرقدرت ها را از صحنه تاریخ و روزگار براندازید. من بارها گفته ام و هم اکنون هشدار می دهم که اگر شرق ستم کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند. بیایید روی پای خودتان بایستید و بر غرب بتازید و آنان را از میدان بدر کنید. من از گوشه بیمارستان به آفریقا و شرق و زیر سلطه و تمام کشورهای تحت ستم اخطار می کنم که متحد شوید و دست آمریکای جنایتکار را از سرزمین های خود قطع کنید. دست آمریکا و سایر ابرقدرت ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرو رفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می جنگیم، چرا که مرد جنگیم. ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارز در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. ما از مردم بی پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می کنیم.

اسرائیل این جرثومه فساد همیشه پایگاه آمریکا بوده است. من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسرائیل را گوشزد نموده ام باید همه بپای خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم. ما از ملت مسلمان و دلیر افغانستان کاملاً پشتیبانی می کنیم. ملتی که علیه تجاوزگران به مبارزه برخاسته بدانند که خدا با آنان است هر چه بیشتر صفوف خودشان را فشرده تر کنند و با ایمان راسخ بجنگند تا پیروز شوند و بدانند که پیروزی نزدیک است.

ملت عزیز ایران! شما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته اید هیچ گاه با هیچ قدرتی سازش نکنید که یقین دارم نمی کنید و هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی محابا و بدون هیچ ملاحظه ای او را از صفحه روزگار براندازید که سازش با شرق و غرب خودباختگی است و خیانت به اسلام و مسلمین است. امروز روز شهادت و خون است و ما هر روز انتظار همه گونه توطئه را در سراسر ایران داریم ولی مکتب اسلام عزیزمان دستور می دهد تا دست از آزادی خواهی و استقلال طلبی برداریم و ما نیز برنخواهیم داشت. اینجانب مع الاسف به واسطه منع پزشکان نتوانستیم در جشن ملت غیور و ارتش اسلامی شرکت کنم ولی دلم با ملت شریف، ارتش اسلامی ملی و سپاه پاسداران است و دعای ناچیزم بدرقه آنان و تا رمقی دارم چون خادمی فداکار در خدمت همه هستم و از خداوند متعال عظمت اسلام و رفاه جامعه مسلمین را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

تاریخ : 23/11/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت لئونید برژنف صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی مسکو با تشکر از پیام آن حضرت به مناسبت اولین سالگرد انقلاب اسلامی ملت شریف ایران و ضمن ابلاغ مراتب توجه و علاقه ما به ملت دوست کشور شوروی ، امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملت ها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه بنا گردد و هرگونه تعرضی به کشورهای دنیای سوم و اسلامی و بخصوص در این منطقه بر خلاف موازین است که باید پایه و اساس درستی مابین ملت ها باشد .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 267

پیام امام خمینی به ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

من از عواطف ملت شریف نسبت به خادم خودشان تشکر می کنم . از اینکه من کلمه ای گفته بودم که موجب نگرانی بعضی دوستان شده بود ، لازم دیدم که به عرض آقایان برسانم که حال من بحمدالله رو به بهبودی است و از دکترها تشکر می کنم . مطلبی که باید عرض کنم دو چیز است : یکی راجع به سیلی که آمده است در جنوب و گفته می شود که خساراتی وارد آمده است به برادرهایمان . من از همه ملت می خواهم که برادروار شرکت کنند با هم و جبران این خسارات را بکنند و ارتش باید هلیکوپتر و سایر وسائل نجات و وسائلی که در دست آنهاست ، در اختیار آنها بگذارد و کوشش خود را بکند ، امیدوارم که خداوند به آنها کمک کند . مطلب دیگری که باید عرض کنم این است که تا آنجائی که من شاهد انتخابات در ایران بودم ، از زمان قبل از رضا شاه ، سال های طولانی که شاهد بودم انتخابات را ، انتخاب آزاد در ایران نبود . منتها انتخابات یک وقت با زور خونین بلاد و مالکین بلاد انجام می گرفت و زمان رضاشاه که دست آنها کوتاه شد ، تحت کنترل رضاشاه بود و دیگر مجلسی در کار نبود به جز انتصاباتى که از اشخاص معلوم و در زمان محمدرضا بدتر از او شد . من می توانم ادعا کنم که انتخابات در این سال ، تنها انتخاباتی است که به رأی مردم و بدون فشار کسی و بدون اینکه دخالت داشته باشند اشخاص در آراء مردم ، انجام خواهد گرفت . لکن من از همه قشرها ، از همه ملت می خواهم که آداب اسلامی خودشان را نسبت به همه امور ، خصوصا در انتخابات حفظ کنند و مبادا خیال کنند که مبارزات انتخاباتی عبارت از این است که به دیگران بد بگویند و کارشکنی بکنند . البته دعوت به انتخاب اشخاص مانع ندارد لکن توجه داشته باشند که همانطور که انتخاب رئیس جمهور ، به آن سلامت و به آن آرامش و به آن خوبی گذشت که نمونه بود در ایران من امید آن دارم که این انتخابات هم به همانطور بگذرد و همه با هم برادروار در یک مقصد باشیم در یک مقصد باشید و خداوند را شاهد بدانید و ناظر بدانید و نهضت را لکه دار نکنید . دشمن ها در صدند که خرده گیری کنند و من امیدوارم که خداوند همه شما را تایید کند و همه با سلامت این انتخابات را هم بگذرانید و بعد را هم همین طور .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

من با کمال مباهات از رشد سیاسی و تعهد اسلامی ملت شریف ایران تشکر می‌کنم که در همه پرس‌های گذشته، خصوصاً در انتخاب رئیس‌جمهور، در اخلاق اسلامی و تعالی روحی، گوی سبقت را ربودند و ثابت کردند که انقلاب اسلامی بزرگ ماقبل از آنکه انقلاب سیاسی و اجتماعی باشد، یک انقلاب معنوی روحانی است. من در ایام آخر عمر با امیدواری کامل و سرفرازی از نبوغ شما به سوی دار رحمت کوچ می‌کنم. سرفرازی و مباهات آنگاه به حد کمال خواهد رسید که در انتخابات مجلس شورای اسلامی چون انتخابات ریاست جمهوری کمال رشد انسانی اسلامی خود را نشان دهید. شما ای ملت عزیز که برای خدا و جلب رضای او بپا خاستید و با تایید و توفیق ذات مقدسش به پیروزی معجزه آسا رسیدید، اکنون نیز در این مرحله که مقام امتحان است کوشش کنید که مصالح اسلام و کشور اسلامی را فدای منافع شخصی یا گروهی نکنید. من انتظار دارم که وحدت کلمه خود را حفظ و در انتخاب وکلای خود رضای حق را بر رضای خود مقدم دارید. من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید و اشخاصی اسلامی، متعهد، غیر منحرف از صراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند. من از شما می‌خواهم که تا انعقاد مجلس شورای اسلامی که شورای انقلاب به منزله آن است، از شورای انقلاب اسلامی و از افراد آن شورا که خدمتگزار به اسلام و به ملت و مورد تایید اینجانب هستند پشتیبانی نمایید. من از شورای انقلاب می‌خواهم که صادقانه با آنان همکاری نمایند و چون برادران باوفا از هم پشتیبانی کنند و چنانکه دستور اسلام است، ید واحد بر (من سوی) باشند. من در بیمارستان دعاگوی شما هستم و انتظار آن دارم که همبستگی شما را در مسائل کشوری بشنوم. من از همه ملت و همه گروه‌ها خواهانم

در این

لحظات حساس که دشمنان همه در کمینند و منتظر فرصت، به خاطر خدای متعال و به خاطر مصالح کشور و ملت و به خاطر خون های ریخته شده در راه آزادی و استقلال، به خاطر هر چه که آن را محترم می شمارید از اختلاف و نفاق دست برداشته و خود را در مقابل حق و خلق سرفراز نمائید از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 270

پیام امام خمینی به بازماندگان سیل خوزستان و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

من اطلاع نداشتم که تلفات جانی داشته است این سیل و از خسارات هم کم اطلاع بودم ، اخیرا اطلاع حاصل شد که هم تلفات جانی سنگین و هم خسارات بسیار سنگین وارد شده است که موجب تأثر و تأسف است . من به بازماندگان درگذشتگان تسلیت عرض می کنم و به ملت هم در این مصیبت بزرگ تسلیت عرض می کنم و برای گذشتگان از خدای تعالی رحمت مسئلت می کنم . و باید از همت والای ملت تشکر کنم که با همت بزرگ مشغول هستند برای جبران خسارات و من امیدوارم که به طور شایسته این خسارات جبران شود و بازماندگان این اشخاص پرستاری بشوند . از خداوند تعالی سلامت و سعادت ملت بزرگ ایران و سعادت همه دوستان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 271

تاریخ : 27/11/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام سرهنگ قذافی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای سرهنگ معمر القذافی رهبر کشور اسلامی لیبی

پیام آن حضرت در مورد کسالت و احوالپرسی از اینجانب واصل گردید . از اظهار محبت جنابعالی متشکرم و پیرو آن پیام دیگری را به مناسبت تبریک سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی ملت شریف از طرف شما دریافت نمودم . ضمن ابراز تشکر از دریافت پیام مزبور ، موفقیت روزافزون مسلمانان جهان را از خدای تعالی مسئلت نموده ، امید است ملل اسلامی با اتحاد و همکاری بیشتر بتوانند بر دشمنان داخلی و خارجی پیروز گشته و از تحت سلطه استعمارگران شرق و غرب خصوصا امریکا نجات یابند .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 272

پاسخ امام خمینی به پیام اعضای شرکت کننده در کنگره انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

کنگره انقلاب اسلامی ! پیام جامع الاطراف را ملاحظه نمودم . از تفقد آقایان و حسن نظر به این ناچیز متشکرم . امید آن دارم که شما نخبگان ملت و متعهدان اسلام عزیز موفق باشید که انقلاب بزرگ اسلامی را تا به مقصد که حکومت الله بر جمیع شؤون کشور است ، ادامه دهید و امید آن دارم که با وحدت کلمه و کوشش در راه التیام بین قشرهای مختلف موفق شوید که نمایندگانی متعهد ، متفکر ، دلسوز به ملت و خصوص طبقه مستضعف و خدمتگزار به اسلام و مسلمین ، در مجلس شورای اسلامی بفرستید و ملت بزرگ را برای این امر اسلامی ملی برانگیزید و پس از تشکیل مجلس نیز از مجلس و دولت پشتیبانی کنید و در راس برنامه ملت و دولت باید استقلال همه جانبه کشور ، از قوای انتظامیه گرفته تا قوای تقنینیه و قضائیه و اجرائیه باشد و از پیوستگی های زمان طاغوت به قدرت های شیطانی احتراز و دست آنان را از این سفره یغمای عهد سلطنت شیطانی قطع نمائید و امید آن دارم که مجلس شورای اسلامی و دولت انقلابی اسلامی تصفیه کامل از عناصر ضد انقلاب و ضد اسلام را بطور قاطع و انقلابی شروع نمایند و آخرین عرض من آن است که از اختلاف که منشأ همه بدبختی هاست و مخالف رضای خدای متعال است احتراز و نمایندگان محترم مجلس از رفتار و گفتاری که در مجالس زمان طاغوت بر خلاف موازین شرعیه و اخلاقیه انجام می گرفت اجتناب نموده ، در مخالفت های آرائی و سیاسی از حدود اخلاق انسانی تجاوز ننمایند . از خداوند متعال توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین و کشور مسئلت می نمایم . والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

روح الله موسوی الخمينی

تاریخ : 30/11/58

فرمان امام خمینی به بنی صدر (انتصاب بنی صدر به فرماندهی کل قوا)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای بنی صدر رئیس جمهوری ایران

در این مرحله حساس که احتیاج به تمرکز قوا بیشتر از هر مرحله است ، جنابعالی به نمایندگی اینجانب به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است منصوب می شوید . امید است که با شایستگی که جنابعالی دارید ، امور کشوری و لشگری و قوای مسلح به نحو شایسته با موازین اسلامی جریان پیدا کند . از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به ملت اسلامی خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 274

پیام امام خمینی در رابطه با هفته بسیج مستضعفین

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب از ملت شریف ایران و از جوانان برومند که از بسیج عمومی استقبال نمودند تشکر می‌کنم. دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که در موقع خطر تکلیف شرعی، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروه‌ها واجب است. در این موقع حساس که ملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا که با مداخله جنایتکارانه خودش در طول سلطنت غاصبانه محمدرضا پهلوی، ملت ما را از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت و ذخائر این ملت فقیر را به یغما برد، مواجه است، اگر غفلت شود و با قدرت و پشتکار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکند و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعال هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند مهبای دفاع از کشور اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست خود به تباهی کشانده است. من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان باشرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی با تایید خداوند متعال موفق شوند و دوره تعلیمات و تمرین‌های عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی بپا خاسته است، به پایان رسانند. بکوشید تا هر چه بیشتر نیرومند شوید در علم و عمل و با اتکال به خدای قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح، که خدای بزرگ با شماست، که دست قدرتی که قدرت‌های شیطنانی را در هم شکست پشتیبان جامعه الهی است. من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم قرن شکستن بت‌های بزرگ و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسان‌های متعهد به جای آدمخواران بی‌فرهنگ باشد.

ای مستضعفان جهان! بپا خیزید و خود را از چنگال ستمگران جنایتکار نجات دهید. و ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهائی بخشید.

ای ملت شریف ایران! به نهضت اسلامی خود ادامه دهید و به اجانب (هر که باشد) اجازه ندهید که در سرنوشت شما دخالت کند و به غارتگری‌ها برای همیشه خاتمه دهید و با قاطعیت از آمریکا و هر

دولت دیگر که به حمایت خیانتکار به اسلام و ملت (محمدرضا پهلوی) برخاسته است، بخواهید که این جانی و اموال مسروقه ملت را به ما برگردانند و تا پیروزی از پای ننشینیم.

بار الها! پشتیبان ملت و جوانان عزیز ما باش که اینان برای رضای تو پیا خاسته اند و با نهضت خود دشمنان دین را از صحنه رانده اند :
(انک علی کل شیء قدیر).

سلام و درود بر ملت بزرگ و بر مبارزان راه حق و استقلال و آزادی.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 276

انتصاب آیت الله اردبیلی به ریاست دادستانی کل کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی دامت افاضاته

نظر به اهمیت نقش قوه قضائیه در تأمین سعادت و سلامت جامعه و تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت ایجاد تشکیلات نوین قضائی بر اساس تعالیم مقدس اسلام ، به ریاست دادستانی کل کشور منصوب می شوید تا با همکاری رئیس دیوانعالی کشور ، فقها ، قضات ، کارمندان شریف و صالح دادگستری و حقوقدانان دیگر به تهیه طرح و برنامه و ایجاد تشکیلات نوین به تدوین لوایح قضائی جدید جمهوری اسلامی ایران پردازید . امیدوارم خداوند متعال شما را در انجام این امر خطیر یاری فرماید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 277

استفتا از محضر امام خمینی درباره خروج ارز از کشور

خدمت حضرت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران

پس از اهدا سلام و تحیت ، نظر مبارک را در مورد اخراج ارز از مملکت به طرق مختلف به خصوص طلای خالص و مشخص شدن رابطه خارج کنندگان از مرز با طلافروشان شهرستان ها و معاملاتی که کمک به اخراج ارز می کند ، در شرایطی که خروج ارز به ضرر کشور است بیان فرمائید

متن فتوای امام :

بسمه تعالی

در فرض مذکور ، هم اخراج ارز و هم اعانت بر آن ، از جمله فروش به اشخاصی که اخراج می کنند حرام است و لازم است مسلمانان پایبند به مصالح اسلام و مسلمین از اعمالی که مخالف مصلحت کشور است اجتناب کنند .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 278

فرمان امام خمینی به آیت الله بهشتی در مورد انتخاب ایشان به عنوان رئیس دیوان عالی کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد حسینی بهشتی دامت افاضاته

نظر به اهمیت نقش قوه قضائیه در تأمین سعادت و سلامت جامعه و تمامیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت ایجاد تشکیلات نوین قضائی بر اساس تعالیم مقدس اسلام ، به ریاست دیوانعالی کشور منصوب می شوید تا با همکاری دادستان کل کشور ، فقها ، قضات ، کارمندان شریف و صالح دادگستری و حقوقدانان دیگر به تهیه طرح و برنامه و ایجاد تشکیلات نوین به تدوین لوایح قضائی جدید جمهوری اسلامی ایران پردازید .

امیدوارم خداوند متعال شما را در انجام این امر خطیر یاری فرماید .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 279

پیام امام خمینی در مورد گروگان ها و تصرف لانه جاسوسی آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

جنایات شاه مخلوع چیزی نیست که از یاد ملت رفته باشد و یا بشود از یاد برد. بر همه روشن است که محمدرضا پهلوی ما را از هر جهت وابسته به آمریکا کرده بود، چه از نظر اقتصادی و سیاسی و چه از نظر فرهنگی و نظامی و چه از نظر معنوی و خصلت های انسانی و اگر مهلت می یافت، به اسلام ضربه جبران ناپذیر می زد. همه می دانند که دست او و پدرش به خون بزرگ و کوچک این مرز و بوم آغشته است.

کشتار دستجمعی و زندان و شکنجه و تبعید از امور رایج رژیم این پلید بود. شاه به حمایت و پشتیبانی دولت آمریکا دست به این جنایات وحشیانه زد و ملت ما را از هستی ساقط کرد.

ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و آمریکا و عمال آنان دست از مبارزات برحق خویش بر نمی دارد و نخواهد برداشت.

دولت ایران و جناب آقای رئیس جمهور تمام کوشش و سعی شان را در استرداد شاه خائن و اخذ اموال ملت ایران از او بنمایند که ملت دلیر دست از این خواست بر حقشان بر نمی دارند و قدمی به عقب نمی گذارند.

یکی از آثار این خواست، تصرف لانه جاسوسی بود که مورد تایید ملت قرار گرفت و چیزی جز عکس العمل جنایات دولت آمریکا نمی تواند باشد. اکنون که کمیسیون بررسی و تحقیق در مداخلات گذشته آمریکا در امور داخلی ایران از طریق رژیم شاه سفاک، توسط جناب آقای رئیس جمهوری و شورای انقلاب اسلامی ایران تحقق می پذیرد، جنایات آنان به اثبات خواهد رسید.

لازم است در آن روز، معلولین عزیز و قهرمانان انقلاب ما در این مجمع حضور یابند و خانواده شهدا، طومارهای جنایات شاه و آمریکا را به محکمه بفرستند.

همانطور که بارها گفته ام ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می باشیم. دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده اند با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر آمریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرفراز کردند ولی از آنجا که در آینده نزدیک نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع می نمایند، با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگان ها و امتیازاتی که در قبال آن باید بگیرند و تصمیم گیرند زیرا این مردمند که باید در جریانات

سیاسی دخالت داشته باشند ، البته تا تشکیل مجلس شورای اسلامی ، شورای انقلاب و جناب رئیس جمهور کوشش خودشان را درباره برگرداندن شاه و اموال ملت و جریانات سیاسی که زمینه اینگونه خواست ها را فراهم می کند ، مبذول دارند .

از خداوند متعال نصرت اسلام و شکست دشمنان اسلام را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 281

تاریخ : 9/12/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس شورای دولتی جمهوری مردم لهستان

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای هنریک ژابلونسکی رئیس شورای دولتی جمهوری مردم لهستان

بدین وسیله از پیام محبت آمیز جنابعالی به مناسبت نخستین سالگرد انقلاب اسلامی ایران تشکر می کنم . از خدای تعالی رفاه حال مستضعفین جهان را مسئلت می نمایم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 282

تاریخ : 9/12/58

پاسخ امام خمینی به تلگرام رئیس جمهوری بنگلادش

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای ضیاء الرحمن رئیس جمهوری مردم بنگلادش

بدین وسیله از پیام محبت آمیز شما به مناسبت حادثه دلخراش سقوط هواپیما تشکر می کنم . فرصت را مغتنم شمرده بهترین آرزوهای خود را برای پیشرفت و تعالی ملت برادر مسلمان بنگلادش و کلیه مسلمانان جهان ابراز می دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 283

بیانات امام خمینی در جمع مردم و کارکنان بیمارستان قلب

توصیه به اقشار ملت در خنثی نمودن توطئه های در حال اجرا

بسم الله الرحمن الرحيم

من در این مدت که در این بیمارستان بودم و موجب زحمت همه آقایان ، و حالا که می خواهم از آقایان مفارقت کنم از همه تشکر می کنم و دعاگوی همه هستم . من امیدوارم که همه ما در این برهه از زمان در این موقع حساسی که بر مملکت ما می گذرد و توطئه هائی که برای ملت و مملکت ما در دست اجراست ، همه ملت ، همه قشرهای ملت ، دست به دست هم بدهند و توطئه ها را خنثی کنند . من از شما کارگراها و کارمندان این بیمارستان تشکر فوق العاده می کنم و از اطباء محترم که در این مدت با من کمال محبت را کرده اند و مثل فرزندی که پدر پیرش را پرستاری می کند ، پرستاری کردند ، تشکر می کنم . خداوند همه شما را حفظ کند و همه ملت را حفظ کند . یک کلمه ای که در این موقع لازم است به آن توجه بشود قضیه انتخابات است . این قدم آخری است که ملت ما باید با شایستگی هر چه تمامتر _ شایسته _ این قدم را بردارند و توجه داشته باشند که دوره های سابق که دوره طاغوت بود ، برای انتخابات در عین حال که انتخاباتی در کار نبود ، لکن کارهای طاغوتی انجام می گرفت و حالا باید همه آقایان متوجه باشند که دولت اسلامی است ، جمهوری اسلامی است و مجلس ، مجلس اسلامی است و باید اخلاق همه در انتخابات هم اخلاق اسلامی باشد و افرادی را انتخاب کنید که متعهد به اسلام ، شرقی و غربی نباشند ، بر صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت باشند . من امیدوارم که این مرحله را هم به شایستگی و به طوری که دلخواه همه ملت ماست و دلخواه ماست عمل بکنند و وکیل هائی که آراسته هستند به اخلاق خوب ، متعهد هستند به اسلام ، وفادار هستند به کشور خودشان ، خدمتگزار هستند به شما و به کشور ، آن اشخاص را انتخاب کنند و در مجلس بفرستند که انشاءالله این قدم آخر هم با شایستگی برداشته بشود و ایران انشاءالله سر و سامان پیدا بکند و از آن فشارها و اختناق ها که خارج شده است تا آخر خارج باشد . من دعاگوی همه هستم و در این روز آخر عمر به همه شما دعا می کنم و هر چه خدمت از من برآید با حالی که دارم مضایقه ندارم و خدمتگزار همه هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله

پیام امام خمینی به ملت ایران در رابطه با کمیسیون تحقیق جنایات دولت آمریکا

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و مبارز ایران جنایات شاه و امریکا چیزی نیست که احتیاج به اثبات داشته باشد. شاه و امریکا ما را در تمام زمینه ها وابسته نموده اند. قتل و ضرب و شتم و زندان و تبعید از امور رایج این جانان بوده است. ما تا آخر عمر علیه دولت امریکا مبارزه می کنیم و تا آن را به جایش نشانیم و دستش را از منطقه کوتاه نکنیم و به تمام مبارزان راه آزادی کمک نکنیم تا آنها را شکست دهند و خود مردم ایران سرنوشت خویش را به دست گیرند، از پای نمی نشینیم. برای ما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار فرقی نمی کند. ما می جنگیم و چون حق پیروز است. پیروزم سلطه امریکا تمام بدبختی های ملل مستضعف را به دنبال دارد و تجاوز شرق متجاوز روی تاریخ را سیاه نموده است.

ملت عزیز ایران! بیدار باشید که سالیان دراز مبارزه در پیش دارید، ابرقدرتها برای نابودی شما هر روز نقشه می کشند ولی (ان کید الشیطان کان ضعیفا) مسأله ای که این روزها عنوان شده است، قضیه امریکا و گروگان های جاسوس امریکائی است که در دست دانشجویان مسلمان و مبارز است. در این مورد مطالبی چند را متذکر می شوم:

1 _ رونوشت کلیه مدارک مربوط به دخالت امریکا و شاه خائن را باید در اختیار هیأت بررسی و تحقیق جنایات دولت امریکا و شاه گذاشت و دانشجویان مسلمان هم اگر مدارکی در این مورد دارند، رونوشت آن را در اختیار این هیأت بگذارند.

2 _ ملاقات با گروگان هایی که در پرونده جنایات امریکا و شاه دخالت دارند، برای بازجوئی از آنان آزاد است.

3 _ اگر هیأت بررسی، نظر خودش را در تهران، درباره جنایات شاه مخلوع و دخالت های امریکای متجاوز ابراز داشتند، ملاقات با تمامی گروگان ها بلامانع است.

بار دیگر پشتیبانی خود را از شورای انقلاب و شخص جناب رئیس جمهور اعلام می دارم و از همه می خواهم که آنان را یاری کنند و در پشتیبانی از آنان کوتاهی نکنند و از همه قشرها می خواهم که از اخلاق پسندیده اسلام پیروی نمایند و حقوق برادری را حفظ نمایند.

خواهران و برادران عزیزم! امروز روز اتحاد و اتفاق است. امروز روزی است که اگر هماهنگ نباشید، یا گرفتار شرق می شوید و یا غرب. هرگز روی یک سخن نایستید و هر چه صلاح این مرز و

بوم و ملت اسلام است ، انجام دهید . نهضت ملت شریف ایران برای قطع ایادی دشمنان ادامه دارد و تا امریکا و سایر ابرقدرتها به ستمکاری و جنایات خود ادامه می دهند ملت ما به مقابله و مبارزه خود با آنان ادامه می دهد و استقلال همه جانبه خود را با تمام قوا حفظ می کند . بر روشنفکران است که هر چه بیشتر در رسوائی ابرقدرت ها بکوشند و امیدوارم که خمینی از راه مستقیم اسلام که مبارزه با قدرت های ستمگر است ، هیچ گاه منحرف نشود و برای به ثمر رساندن اهداف اسلام از پای ننشیند ، چنانکه امیدوارم ملت های مسلمان و خصوصا ملت مبارز ایران ، در این هدف کوشا باشند و مبارزه خود را علیه ستمگران شرق و غرب ادامه دهند از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 286

كيفية إعداد زيج كتاب	٥٥١	٠٢	٥١٣
تأليفه وتأليفه	٥٥١		٥١٣
فهرست آیات و روایات			
الآيات التي لم يرد فيها	٢٢٢، ٢٢٢	٢٠١	٥١٣
سوره مگر آیه شماره صفحه			
حجرات ١٠	١٢٢		٥١٣
بقره ١٧١	١٢٢		٥١٣
بقره ١٥٦	١٢٢		٥١٣
مائدہ ٨	١٢٢		٥١٣
بقره ٢٥٧	١٢٢		٥١٣
حدید ٤	١٢٢		٥١٣
روایت	١٢٢		٥١٣
محمد ١٢	١٢٢		٥١٣
روایت	١٢٢		٥١٣
يا أيها الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ			
اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ			
هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ			
يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ			
الَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ			
إِذَا فَسَدَ الْعَالِمُ فَسَدَ الْعَالَمُ			

خزعلی، ابوالقاسم (حجت الاسلام) ۲	۱۳۷، ۱۴۹، ۶، ۲۲، ۲۰
خسروشاهی، هادی (حجت الاسلام) ۳	۲۱۲، ۱۴۴، ۴۲
خلق مسلمان ← حزب خلق مسلمان ۴	۱۷۰، ۱۵۳، ۱۲۹، ۷۵، ۲۲
خمین، ۱۲، ۸۸، ۸۱، ۵	۲۴۱
خمینی، روح الله موسوی ← امام خمینی	جنبش های آزادیبخش ← نهضت های
خودسازی، ۸۰، ۸۳	آزادیبخش ۱۰، ۲۰۵، ۲۱۰، ۱۷
خودکفائی، ۹۱، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۸۵، ۲۲۲	جوانان، ۶۸، ۱۴۱، ۱۷۵، ۲۳۹
خوزستان، ۲، ۲۷۰، ۲۷۱	جهاد سازندگی، ۱۷۷، ۲۱۶، ۲۲۱۷
خیابانی، محمد، ۱۷۳، ۱۷۸، ۹	جهان اسلام ← کشورهای اسلامی
د	جهان سوم ← کشورهای جهان سوم
دادستان کل کشور، ۲۷۷	ج
دادگستری، ۲۷۷، ۲۷۹	چگرایان ← کمونیسم ۱۷
دامپروری، ۱۰۱	چریک های فدائی خلق ← فدائیان خلق
دامداری ← دامپروری	ح
دانشجویان، ۶۵، ۱۳۰	حجاب، ۲۵۴
دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۳۳، ۳۳۱	حزب خلق مسلمان، ۱۷۳
دانشگاه، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸	حزب های سیاسی، ۹۰، ۱۵۹، ۱۹۶
دانشگاه و روحانیت، ۹۶، ۱۹۶	حضرت علی ← امام علی (ع) ۲۸
دموکراسی، ۱۹۴	حضرت عیسی ← عیسی بن مریم (ع)
دیکتاتوری ← استبداد	حضرت محمد (ص)، ۲۵۷، ۲۹۲، ۲۹۶
دین، ۱۲۴، ۵۵۲، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۹۶	حقوق بشر، ۲۹
دیوان عالی کشور، ۲۷۹	حقوق زن، ۲۵۴
ذ	حکومت اسلامی، ۲۶، ۳۶، ۲۰۳
ذوب آهن، ۱۷۹	حمله نظامی، ۱۲، ۱۵۸
ر	حوزه علمیه قم، ۲۵۶
رابطه با آمریکا، ۲۰۱	خ
	خانمهای علی (حجت الاسلام) ۲۴۵
	خروج ارز، ۲۷۸

سازمان ملل متحد، ۲۹، ۳۰، ۴۰، ۱۴۴	رادبو، ۱۱۱
سازندگی، ۲۲۶، ۲۲۷	راهپیمائی — نظاهرات
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۷	ربا، ۱۵۸
ستارخان، ۱۷۳، ۱۷۸	رزیم شاه مخلوع، ۵، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۱۱۹
سفارت آمریکا — اشغال لانه جاسوسی آمریکا	۱۲۸، ۱۷۷، ۱۹۴، ۲۰۹، ۲۳۰
سوادآموزی، ۱۲۱، ۲۱۶	رسول اکرم (ص) — حضرت محمد (ص)
سیاست، ۱۳۲	رضاخان، ۴۱، ۸۶، ۸۷، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۹۵
سیاست خارجی، ۳۴	رفراندم قانون اساسی، ۷۵، ۷۶
سیل خوزستان، ۲۷۰، ۲۷۱	روحانیت، ۶، ۸۶، ۸۷، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷
	۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴
	۱۹۵، ۱۵۴
ش	نیز نگاه کنید به: قیام روحانیت
شادمهر، هادی ۷۱	روحانیت و دانشگاه — دانشگاه و روحانیت
شاه مخلوع — محمدرضا پهلوی	روسیه — شوروی
شرق، ۱۲۶، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳، ۲۳۸	روشنفکران، ۱۳۰
شرکت نفت، ۱۱۲	روضهخوانی، ۱۲۶
شوراها، ۷۶	رهبری، ۶۵
شورای امنیت — سازمان ملل متحد	ریاست جمهوری — رئیس جمهور
شورای انقلاب، ۲۶۸، ۲۸۵	رئیس جمهور، ۱۵۱، ۱۸۷، ۲۴۹، ۲۵۹، ۲۶۰
شوروی، ۱۸۹، ۲۰۰، ۲۴۴، ۲۶۷، ۲۸۵	
شهادت، ۳۹	ز
شهاد، ۱۶۳، ۲۶۲	زاغه نشینان — کوخ نشینان
شهربانی، ۱۳۵	زراعت — کشاورزی
شیرازی، (آیت الله) ۲۵۰	زن، ۱۶۰، ۱۶۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵
شیرازی، محمدحسن (میرزای بزرگ) ۱۲۶	
شیرازی، محمدتقی (میرزا) ۱۲۶	ژ
	ژابلونسکی، هنریک، ۲۸۲
ص	
صاق آقا (میرزا) ۱۷۳، ۱۷۸	س
صدر اسلام — تاریخ اسلام	سادات، محمد انور ۵۴
صدور انقلاب، ۲۸، ۴۵، ۴۵، ۶۵، ۲۲۲، ۲۴۱	سازشکاری، ۲۶۶

فرهنگ استعماری، ۱۱۹، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۷	۲۶۶، ۲۷۵
۲۳۹	
فلسطین، ۲۵۲	
	ض
	ضد انقلاب، ۲۳، ۳۹، ۶۳، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۳۸
	۱۳۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲
	۱۷۹، ۱۸۱، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۲۳
	۲۲۷، ۲۳۲، ۲۴۳
	ضیاء الرحمن، ۲۸۳
	ط
	طلا، ۲۷۸
	طلاق، ۲۵۴، ۲۵۵
	ع
	عدالت اجتماعی، ۶۵
	عراق، ۳۱، ۵۲
	عرفات، یاسر، ۲۵۲
	علی بن ابیطالب ← امام علی (ع)
	عیسی بن مریم (ع)، ۷۸، ۹۲، ۱۳۲
	غ
	غرب، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۶
	غریزدائی، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۳۹
	غریزدگی، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۳
	ف
	فناوای امام، ۲۷۸
	فدائیان خلق، ۱۶۴
	فرقان (گروه) ← گروه فرقان
	فرمانده کل قوا، ۲۷۴
	فرهنگ، ۹۹، ۱۱۶، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۰۸
	ق
	قانون اساسی، ۱۳۳، ۲۳۷
	قذافی، معمر، ۲۷۲
	قرآن، ۸۴، ۹۶
	قرن پانزدهم هجری، ۲۶۱
	قرنی، ولی الله، ۲۱۸
	قلعه حسن فلک، ۲۳۵
	قم، ۱۰۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۳۸
	قومیت، ۲۵، ۲۷، ۵۵، ۷۳
	قیام روحانیت، ۱۷۳، ۱۷۸
	ک
	کار، ۱۸۰، ۲۰۴
	کارتز، جیمی، ۷، ۹، ۱۱، ۱۴، ۴۰، ۴۷، ۵۲، ۷۹
	۱۱۳، ۱۹۹
	کردستان، ۵۴
	کریسمس، ۶۷، ۷۸
	کشاورزان، ۱۹۲
	کشاورزی، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۴۲
	۱۷۹، ۲۲۴
	کشورهای اسلامی، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۵۰، ۱۴۸
	۲۴۰، ۲۶۲
	کشورهای جهان سوم، ۲۶۶
	کم کاری، ۱۷۹
	کمیسیون بررسی و تحقیق جنایات آمریکا در
	ایران، ۲۸۰، ۲۸۵
	کمونیسم، ۱۰۲

مراکز فساد، ۸۷، ۱۱۹، ۱۷۵، ۲۳۹، ۲۹۲، ۵۷۲	کنگره انقلاب اسلامی، ۲۷۳
مردم ← ملت	کوخ نشینان، ۲۰۸، ۷۳
مسائل اصلی انقلاب، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۲۸، ۲۲۹	گ
مسائل اقتصادی، ۹۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۴۲	گروگانها، ۶۷، ۷۹، ۲۰۰، ۲۸۰، ۲۸۵
مسائل قومی ← قومیت	گروگانگیری جاسوسان آمریکائی ← اشغال
مستضعفین، ۱۷، ۴۸، ۶۵، ۷۹، ۲۴۱، ۲۴۸	لانه جاسوسی آمریکا
مستکبرین، ۹۵، ۲۶۲، ۲۶۶	گروه فرقان، ۱۷۳
مسیح ← عیسی بن مریم (ع)	گروه های سیاسی، ۹۰، ۱۴۷، ۱۵۹، ۱۶۸
مسیحیت، ۷۹، ۹۲، ۹۵، ۲۰۲	گودشینان ← کوخ نشینان
مشروطیت، ۱۷۸، ۱۹۶	ل
مصاحبه، ۲۵، ۵۰، ۱۲۲، ۱۹۹	لانه جاسوسی آمریکا ← اشغال لانه
مصادره اموال، ۲۰۶	جاسوسی آمریکا
مصر، ۵۲	لهستان، ۲۸۲
مصر و اسرائیل، ۵۴	لیبی، ۲۷۲
مطبوعات، ۱۱۱، ۱۹۲	مالک اشتر، ۵۲
مطبوعات خارجی، ۳۲	مبارزه با بیسوادی ← سوادآموزی
مفتح، محمد (حجت الاسلام)، ۳۹، ۵۳	متمم قانون اساسی، ۲۴۷
مقام، ۲۶۰	مجلس خبرگان (بررسی قانون اساسی)، ۳۷
ملت، ۲۴، ۴۸، ۵۳، ۶۱، ۱۶۲، ۱۸۰، ۲۱۶	مجلس شورای اسلامی، ۲۸۰
ملی گرایی، ۲۵	محاصره اقتصادی، ۱۲، ۴۶، ۵۳، ۵۹، ۹۰
منافق، ۱۵۶، ۱۵۷	۱۱۷، ۱۵۸، ۱۷۰، ۱۸۲
منتظری، حسینعلی (حجت الاسلام)، ۲۴۵	محلّات، ۸۶
منهاج، محمد (نقّه الاسلام)، ۱	محمد بن عبدالله (ص) ← حضرت محمد
مواد مخدر، ۸۸، ۱۱۸	(ص)
موسوی اردبیلی، عبدالکریم (حجت الاسلام)	محمدرضا پهلوی (شاه مخلوع)، ۸، ۱۰، ۱۴، ۲۱، ۳۱، ۴۰، ۴۴، ۴۷، ۹۷، ۱۲۷، ۲۰۰
۲۷۷	۲۸۵، ۲۸۰
موسوی خمینی، روح الله ← امام خمینی	
میرزای شیرازی ← شیرازی، محمدحسن	
(میرزا)	

۲۳۳، ۱۶۸، ۱۶۲، ۱۴۶	ن
وحدت اسلامی، ۲۶۲، ۵۰	نظم، ۱۱۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۴۹
ورزش، ۴۳	۲۳۲، ۲۱۵، ۲۰۷، ۱۵۰
وزارت ارشاد اسلامی، ۳	نماز جمعه، ۱۳۲
وزارت بهداشت، ۲۴۸	نماز عید، ۱۳۲
ولایت فقیه، ۳۶، ۱۳۳، ۱۵۲	نهضت‌های آزادیبخش، ۲۳۸، ۲۵۸، ۲۶۶
ا	نیروهای انتظامی، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۵
هیكل، حسنین ۵۰	و
ی	وابستگی، ۱۰۱، ۲۰۴
یکتائی، هبة الله (حجت الاسلام) ۱۰۶	وابستگی اقتصادی، ۱۱۶، ۱۱۷
	وحدت، ۶۵، ۷۳، ۸۹، ۹۰، ۱۱۱، ۱۴۳، ۱۴۵

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

